

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

«۷۸»

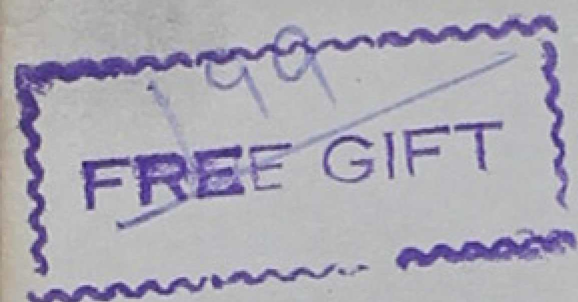
تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران

و

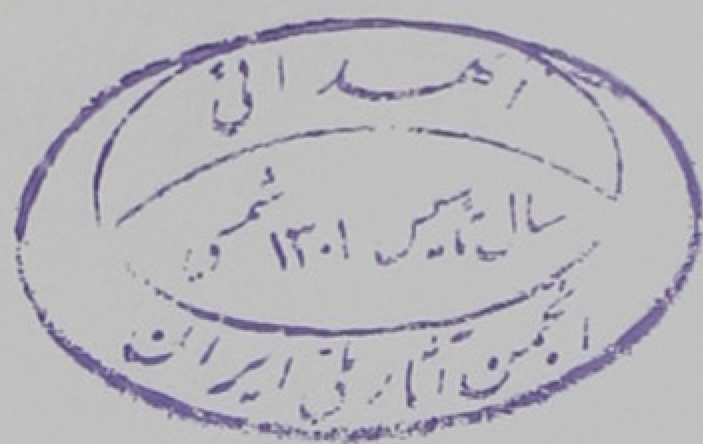
راهنمای کاخ گلستان

نوشتهٔ

یحیی ذکاء


FREE GIFT







سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

«۷۸»

تاریخچهٔ ساختمانهای ارک سلطنتی تهران

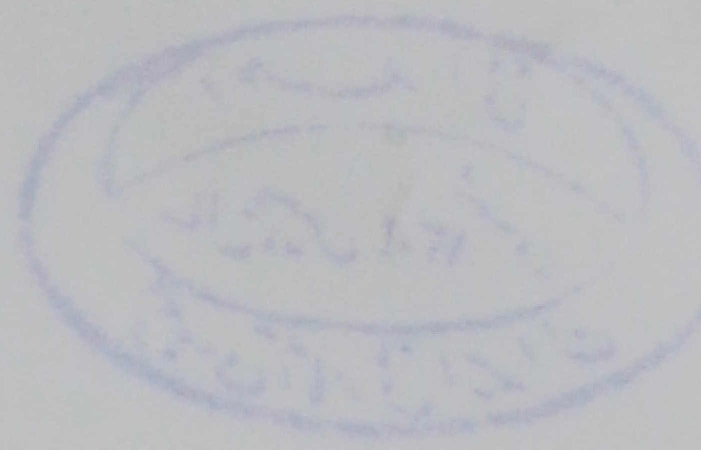
و

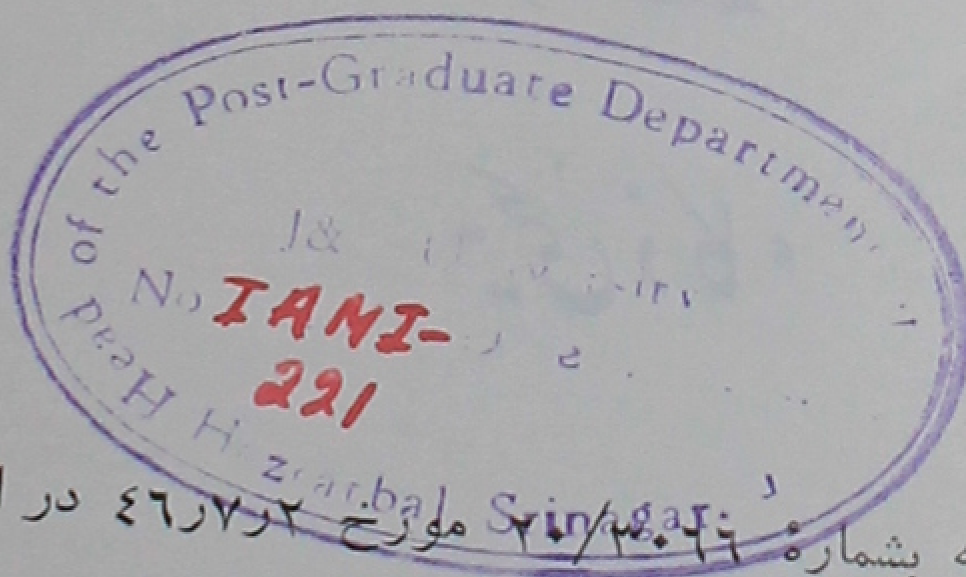
راهنمای کاخ گلستان

نوشتهٔ

یحیی ذکاء

تهران - ۱۳۴۹





ازاین کتاب که بشماره ۲۱۰/۳۰۴۶ مورخ ۴۶/۷/۲ در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ وهنر ثبت شده است ، دوهزار نسخه درچاپخانه وزارت فرهنگ وهنر بچاپ رسید .

بنام پروردگار بزرگ بخشاینده

پس از ثنای باریتعالی و درود فراوان بر پیمبر بزرگ اسلام در پرتو عنایات خاص اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر، شاهنشاه معظم و خردپرور ایران، کتاب دیگری درباره آثار و ابنیهٔ تاریخی میهن گرامی بمعرض انتشار و استفادهٔ علاقه‌مندان گذارده میشود.

این کتاب همانطور که از نام آن «تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان» بر میآید اطلاعات مربوط به ابنیهٔ سلطنتی ارگ تهران را در بر دارد که قسمتهای بس مهم و ارزندهٔ آن به پیروی از منویات ذات مبارک همایونی پایدار مانده است و به صورت شایسته از آنها نگاهداری و مراقبت میشود و قسمتهائی دیگر بعلت نیازمندیهای گوناگون و ضرورت ساختمانهای مناسبتر و تبدیل و تغییرهای فراوان «که لازمهٔ هر پیشرفت و همگامی با اوضاع زمانه و بخصوص با موقعیت شهر تهران از آغاز پایتختی آن و دگرگونی زندگی مردم بالاخص در دوران سراپا تحول و پیشرفت ایران نوین است»، و بالاخره سلیقه‌ها و ذوقهای مختلف از

میان رفته است و اکنون جز نام و نشان و در مواردی چند غیر از تصویرهائی از آنها چیزی در دست نیست .

از هنگامی که انجمن آثار ملی در صدد برآمد بفراخور شرایط موجود و امکانات خود در بارهٔ آثار و ابنیهٔ تاریخی نواحی مختلف کشور باستانی ایران بچاپ و انتشار کتابهای مناسبی اقدام نماید تاکنون بهمت و کوشش استادان گرانمایه و دانشمندان گرامی ده مجلد از این گونه تألیفها و کتابها انتشار یافته و بیش از این تعداد در دست چاپ و تألیف است که امید میرود بتدریج در دسترس دانش دوستان علاقه مند و فرزندان ارجمند این آب و خاک قرار گیرد .

برای آثار تاریخی و پیشینهٔ پایتخت کشور شاهنشاهی و ناحیهٔ تهران نیز همچون دیگر قسمتهای این مرز و بوم کهنسال طبعاً تألیف کتابهائی جامع و گویا مورد علاقهٔ شدید انجمن است و در راه نیل بدین هدف کوشش شایسته بعمل آمده و میآید ، چنانکه در دو مجلد کتاب ری باستان (شماره های ۵۴ و ۶۹ انتشارات انجمن آثار ملی) تا حدی اطلاعات و تاریخچهٔ قسمت قابل توجهی از شهر تهران هم مذکور افتاده است ، و اینک با چاپ و نشر کتابی که از نظر خوانندگان محترم میگذرد ، دانستنیهای بسیار در بارهٔ سرگذشت ارک سلطنتی تهران و تاریخچهٔ کاخ گلستان یعنی مهمترین و قدیمی ترین مجموعهٔ ابنیهٔ تاریخی پایتخت کشور شاهنشاهی بمعرض افادهٔ دانش پژوهان گذارده میشود .

خوانندگان محترم با بررسی قسمتهای مختلف کتاب بخوبی درمییابند که اگر قسمتهائی از این مجموعهٔ مهم تاریخی به علتهائی که مذکور افتاد محکوم به نیستی یا تغییر و تبدیل گردیده است ، آثاری بس مهم و ارزنده همچون ایوان تخت مرمر - تالار معظم تاجگذاری (تالار موزه) ، و حوضخانهٔ وسیع زیرین آن - تالار آینه - سر سرای پرشکوه ورودی کاخ گلستان - تالار بزرگ سفره خانه و اشکوب زیرین آن - کاخ برلیان - تالار الماس - کاخ ابیض -

خلوت کریمخانی و بالاخره کلیهٔ نماهای چهار جانب باغ گلستان بوضع اساسی و به نیکوترین صورت احیاء و تعمیر

شده است و یقین دارد با ادامهٔ چنین کوششهای پی گیر، کاخ بس قدیمی و زیبای بادگیر و کاخ شمس العماره و بنای

سردر ورودی آن (بابعالی، که تنها سردر باقی ماندهٔ اصلی و قدیمی کاخ گلستان بشمار میرود) نیز آنطور که شایسته

و لایق چنین آثاری است مورد مرمّت و اصلاح قرار میگیرد.

در نخستین بخش کتاب مختصری از تاریخچهٔ تهران قدیم یاد شده است - بخش دوم آن اطّلاعات مربوط به ارگ

سلطنتی تهران را در بر دارد که در عین اشاره به ابنیه و کاخهای مختلف ارگ (اعمّ از وضع پیشین یا وضع کنونی) آنها

دانستنیهای بسیار دربارهٔ شهر قدیم تهران و اوضاع و احوال دوران گذشتهٔ آن را بیان مینماید و بخش سوم یا

آخرین بخش کتاب دربارهٔ کوچه‌ها و خیابانهای داخل و اطراف ارگ (که خود جزئی از شهر تهران بشمار میرود)

توضیحات جامع و مفیدی را شامل است.

بدین ترتیب طیّ فصول سه گانهٔ کتاب قسمت قابل توجّهی از پیشینهٔ تهران مذکور افتاده قسمتهائی هم بشرحی که اشاره رفت

طیّ دو مجلّد «ری باستان» ذکر گشته است و در نتیجه تا حدّی برای آثار و ابنیهٔ پایتخت کشور مطالبی فراهم آمده است.

انجمن آثار ملّی امید فراوان دارد دربارهٔ یادگارهای دیگر تاریخی تهران هم که قدیمی ترین آنها حدّاقلّ از قرن

نهم هجری باقی مانده و گواه پیشینهٔ بیش از پانصد سال آنست لااقلّ یک کتاب جداگانه بهمّت یکی از محقّقین

دانشمند تدوین گردد و مانند کتاب حاضر که بشیوهٔ بس عمیق و آموزنده تألیف شده و طرز نگارش آن

کاملاً مطبوع و از هر جهت مورد پسند است در اختیار فرزندان ایران و دیگر ایراندوستان قرار گیرد.

بمنّه و کرمه : انجمن آثار ملّی

پیشگفتار

نخستین سالهای خدمت دولتی نویسنده این کتاب ازپیشامد روزگار درمحل وجوار کاخهای سلطنتی قدیم تهران آغاز شد وهمین امر باعث آمد که به مرور زمان با بناهای سلطنتی و آثار و اشیاء مربوط به آنها ، انس والفت بیشتری یابد وآشنایی نزدیکتری پیدا کند .

دیدار روزانه کاخها وگــردش وتأمل درتالارها ، خواه ناخواه نویسنده را برآن داشت که درپیرامون هریك ازآنها به‌تحقیق وجستجو بپردازد وبه پرسشهای فراوانی که - دربارهٔ تاریخچه و بانیان کاخها و چگونگی مراسمی که درآنها برگزارمی گردید - پیش می‌آمد پاسخهای کافی بجوید . اما برای یافتن پاسخ این پرسشها ، نه‌کتاب وراهنمایی در دست بود ونه‌کسانی از متصدیان دراین زمینه‌ها اطلاع صحیح و دقیقی داشتند که بتوانند پاسخ‌گو باشند .

سالها به دیدارکنندگانی که برای تماشای کاخهای سلطنتی و دیدن آثار از جمله تخت مرمر و تخت طاووس آمده بودند ، گفته شده‌بود کــه تخت مرمر به امر کریمخان زند ساخته شده و آغامحمدخان آنرا ازشیراز به تهران منتقل کرده‌است وتخت طاووس را ، که اینك درشاه‌نشین تالار سلام مستقرگردیده ، نادرشاه از هند به ایران آورده است !

روشن نبودن تاریخچه ساختمانها وکاخهای سلطنتی ونوشته نشدن کتاب و راهنمایی دراین‌باره ، بخصوص اشاعه اطلاعات نادرست و داستانهای اشتباه‌آمیز دربارهٔ آثاری که هنوز از پیدایش آنها بیش

ازیکصدوپنجاه سال یا کمتر نمی گذرد ، نویسنده را برآن داشت که گامی پیش گذارد وضمن کارهای مستمر دیگر ، به گردآوری مطالب واطلاعاتی دراین زمینه بپردازد .

پس بدین قصد ومنظور ، بتدریج اغلب کتابهای تاریخ و سفرنامه‌ها و دیوانها وروزنامه‌ها و یادداشتهایی را که دردویست سال اخیرنوشته شده است بدقت مطالعه و تفحص کرد وهرجا عبارتی ، مطلبی ، قطعه شعری درباره عمارات و کاخهای سلطنتی و آثارمربوط به آنها بدست آورد که روشنگر واقعه یا مسئله‌یی بود ، یادداشت و طبقه‌بندی کرد وسپس بعضی از مطالب وموضوعهای گردآوری شده را که بنظر می‌آمد تکمیل شده است به صورت مقاله‌یی مستقل درمجلات مختلف بچاپ رسانید .

چاپ وانتشاربرخی ازاین گونه مقاله‌ها ، توجه اولیای محترم انجمن آثار ملی را – که خوشبختانه با نشر کتابهای سودمند درزمینه شناسانیدن گوشه وکنار ایران زمین ، گام‌های پرارزش و مؤثری دراین راه برداشته‌اند – جلب کرد و براثر آن تألیف کتابی دربارهٔ تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران وکاخ گلستان به ایـن نویسنده ناچیز پیشنهاد گردید . چون تألیف وتنظیم چنین اثری با وجود مواد و مطالبی که بمرور ودر طول سالها مطالعه و تحقیق فراهم آمده بود تا حدی میسور می‌نمود ، در قبول آن پیشنهاد تردید روا نداشت و پذیرفتارشد وبدینسان مجموعه واثری که نتیجهٔ همت اولیای محترم انجمن آثارملی و حاصل سالها زحمت نویسنده این سطور است فراهم آمد که امیداست با همهٔ نواقصی که دارد ، مورد قبول وپسند خاطر علاقه‌مندان وخوانندگان قرارگیرد و به یکبار خواندن بیارزد .

تهران ۱۳۴۹
یحیی ذکاء

فهرست مطالب

صفحه

فهرست تصویرهای کتاب

شکل	شرح	صفحه
۱۳	– تصویری ازسمت شرقی میدان ارگ درعهد سلطنت ناصرالدین‌شاه که درآن وضع باغچه دورمیدان و برج آغامحمدخانی و عمارت گالری وشمس‌العماره و عمارت بادگیر پیداست	۳۱
۱۴	– استخر میدان ارگ و توپ مروارید و سردر نقاره‌خانه	۳۲
۱۵	– سردر بزرگ یا عالی‌قاپو ودهانه کوچه نایب‌السلطنه (داور)	۳۵
۱۶	– تصویر عمارت سردر بزرگ و دفترخانه درمیدان ارگ	۳۵
۱۷	– تصویری از مراسم تفریحی روز سوم عید نوروز درمیدان ارگ در عهد سلطنت ناصرالدین‌شاه	۳۶
۱۸	– توپ مروارید	۳۹
۱۹	– تصویر کریمخان زند بنیادگذار ایوان تخت مرمر	۴۳
۲۰	– تخت مرمر – نقاشی ژول لورنس در سال ۱۲۶۴ ه . ق .	۴۴
۲۱	– قسمتی از آیینه‌کاریهای دیوار و طاقنماها و گلویی وسقف ایوان تخت مرمر	۵۷
۲۲	– یکی از دو در خاتم که در دوطرف شاه‌نشین ایوان تخت‌مرمر قراردارد	۵۸
۲۳	– میانه و سرقلیان وبادگیر قلیان سلام با آویزهاونی دهن اژدر . موزه جواهرات سلطنتی	۶۵
۲۴	– نمای ایوان تخت مرمر . نقاشی فلاندن درسال ۱۲۵۶ ه . ق .	۶۶
۲۵	– ارسی وکتیبه زیبا و باشکوه آن که درشاه‌نشین ایوان تخت مرمر نصب شده است	۶۹
۲۶	– قسمتی ازگچ‌بریها وآینه‌کاریهای دیوار شرقی ایوان تخت‌مرمر	۷۰
۲۷	– نمای ایوان تخت مرمر . نقاشی فلاندن در سال ۱۲۵۶ ه . ق .	۷۳
۲۸	– برگزاری‌مراسم‌سلام‌نوروزی‌درتخت‌مرمردرسالهای ۷۸–۱۲۷۷ ه . ق .	۷۴
۲۹	– ایوان وحیاط تخت‌مرمرپس‌ازتغییراتی که درزمان سلطنت ناصرالدینشاه درآن داده شده است	۷۷
۳۰	– ایوان تخت مرمر وبرج ساعت آن درزمان ناصرالدین‌شاه	۷۸
۳۱	– مراسم سلام در تخت مرمر درسال ۱۲۷۶ ه . ق . نقل از روزنامه دولت علیه ایران	۸۱
۳۲	– برگزاری یکی ازسلامهای عام درایوان تخت مرمر درحدود سال ۱۲۹۷ ه . ق .	۸۲
۳۳	– انعقاد سلام درعهد ناصرالدینشاه درایوان تخت مرمر . مخاطب سلام با جبه ترمه وشال‌کلاه درپیش ایوان ایستاده است .	۸۲

شکل	شرح	صفحه

شکل	شرح	صفحه

شکل	شرح	صفحه

شکل	شرح	صفحه

بخش یکم

مختصری از تاریخچهٔ تهران قدیم

تهران که اینك تکیه برجای شوش وهگمتانه وتیسفون و ری وتبریز وقزوین واصفهان زده‌است تادوره صفویان اهمیت چندانی نداشت ، ظاهراً شاه طهماسب اول صفوی (۹۸٤ – ۹۳۰ هـ . ق .) نخستین پادشاهی بودکه این قصبه یاروستارا مورد توجه شاهانه خود قرارداده ، درسفرهای کوتاهی‌که برای زیارت مقبره امامزاده عبدالعظیم و سید حمزه بشهر ری میکرد ، فرمان داد بارویی بایکصد وچهارده برج (بتعداد سوره‌های قرآن) بگرد آن بکشند .

طول باروی تهران ، بقولی یك فرسخ بوده وچهار دروازه برای رفت وآمدکاروانها ومردم ، ازچهار سمت بشرح زیر داشته است :

۱ – دروازه شمیران (دروازه شمالی شهرکه درجلو پامنار کنونی بوده است) .

۲ – دروازه دولاب (دروازه شرقی شهرکه دربازارچه نایب‌السلطنه کنونی بوده است) .

۳ – دروازه قزوین (دروازه غربی شهرکه درحدود میدان شاپور کنونی بوده‌است) .

٤ – دروازه شاه‌عبدالعظیم (دروازه جنوبی شهرکه درحدود خیابان مولوی کنونی بوده‌است)[۱] .

---

۱ – بعداً دو دروازه یکی بنام دروازه ارگ یا دولت درشمال و دیگری بنام دروازه محمدیه درجنوب برآنها افزوده شد وشهر دارای شش دروازه گردید .

هنگام بنای برج وباروهای شهر چون خاك خندق‌های اطراف آن کفاف نداد ، از دوناحیه داخل آن خاك برداشته ، بمصرف رسانیدند و دوچاله و گودی بزرگ بنام « چال میدان » و « چال حصار » بوجود آمد که اکنون هرکدام ازآنها نام کویی ازتهرانست .

شاه عباس بزرگ‌که تختگاه خودرا ازقزوین باصفهان منتقل نموده بود وتمام همت وکوشش خودرا صرف آبادی وعمران پایتخت جدید میکرد درسال ۹۹۸ هـ . ق . هنگامیکه برای سرکوبی عبدالمؤمن خان ازبك بخراسان میرفت درتهران بیمار شد وبیماری او مانع حرکتش گردید ، درنتیجه ازبکها مشهدرا مسخر وغارت‌کردند ، چون این پیش‌آمدها هنگامی‌که دراین شهر بود روی‌داد ، ازاینرو شاه ازتهران سخت متنفر گردیده سوگند خوردکه دیگر پای درآن نگذارد ، ولی بااین‌همه درقسمت شمالی شهر ، در داخل حصار شاه طهماسبی ، چهار باغ وچنارستانی احداث نمودکه بعدها دیوار بلندی دور آن کشیدند وعمارات ومقر سلطنتی را در داخل‌آن ساخته «ارگ» نامیدند .

در اواخر عهد صفوی تهران گاهی مقرّ موقّتی دربار شاهان صفوی میشد وحتی شاه سلیمان (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷ هـ. ق.) کاخی دراین شهر برای خود بنا نهاد وبعدها درهمین قصر بودکه شاه سلطان حسین صفوی درآخرین سال سلطنت خود (۱۱۳٤ - ۱۱۰۵ هـ. ق.) درّی افندی سفیر دولت عثمانی را بار داده بحضور پذیرفت .

درّی افندی درمورد باریافتن خودکه در اوایل ماه جدی سال ۱۱۳٤ هـ. ق. انجام‌گرفته مینویسد : « . . . . چون در تهران سایر تشریفات دولتی وسلطنتی وتجملات ملوکانه حاضرنبود بهمین‌قدرها اکتفا شده بود ، بدین‌گونه که ما را وارد ساختند بچهارباغی‌که الان ارگ سلطنتی و عمارات دیوانیست وبعضی چنارهای کهن درآن محوطه موجود است‌که حاکی از آبادی سابق این باغ است ومعروف بچنارهای شاه‌عباسی است‌که بامر آن شاه درآنجا غرس شده است» .

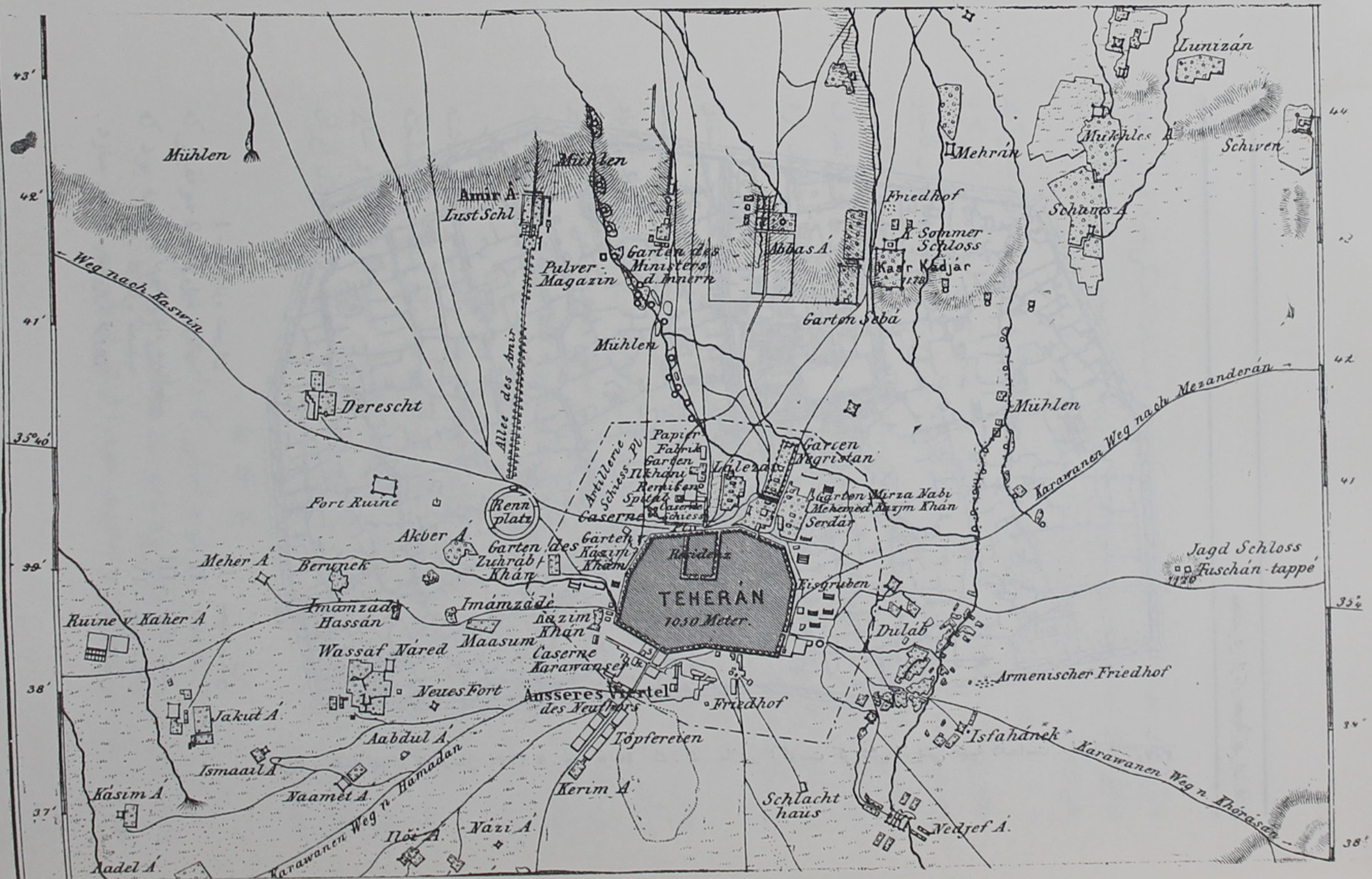
پیش از حمله افغانها شاه طهماسب دوم زمانی درتهران درنگ کرد ولی همین که افغانها نزدیك شدند بمازندران گریخت ومردم تهران در برابر آنان ایستادگی سختی نشان داده بسیاری از سپاهیان افغانی را کشتند ولی بالاخره شهر بدست آنان افتاده در عمارات حکومتی و ارگ تهران جای گرفتند وبرای ایمنی از حمله ناگهانی مردم شهر وپیش‌بینی راه فرار ، برروی خندق شمالی ارگ پلی بسته ودر جلو آن دروازه‌یی بنام «دروازه ارگ» ساختند که بعدها بدروازه دولت معروف شد .

پس‌از ظهور نادر وشکست اشرف افغان درمهماندوست ، افغانیهایی‌که درتهران مقیم بودند ، عده کثیری از بزرگان ومردم تهران را کشته ، شهر را غارت‌کرده بطرف اصفهان گریختند و شاه طهماسب دوم درغیاب آنان مجدداً بتهران مراجعت‌کرد .

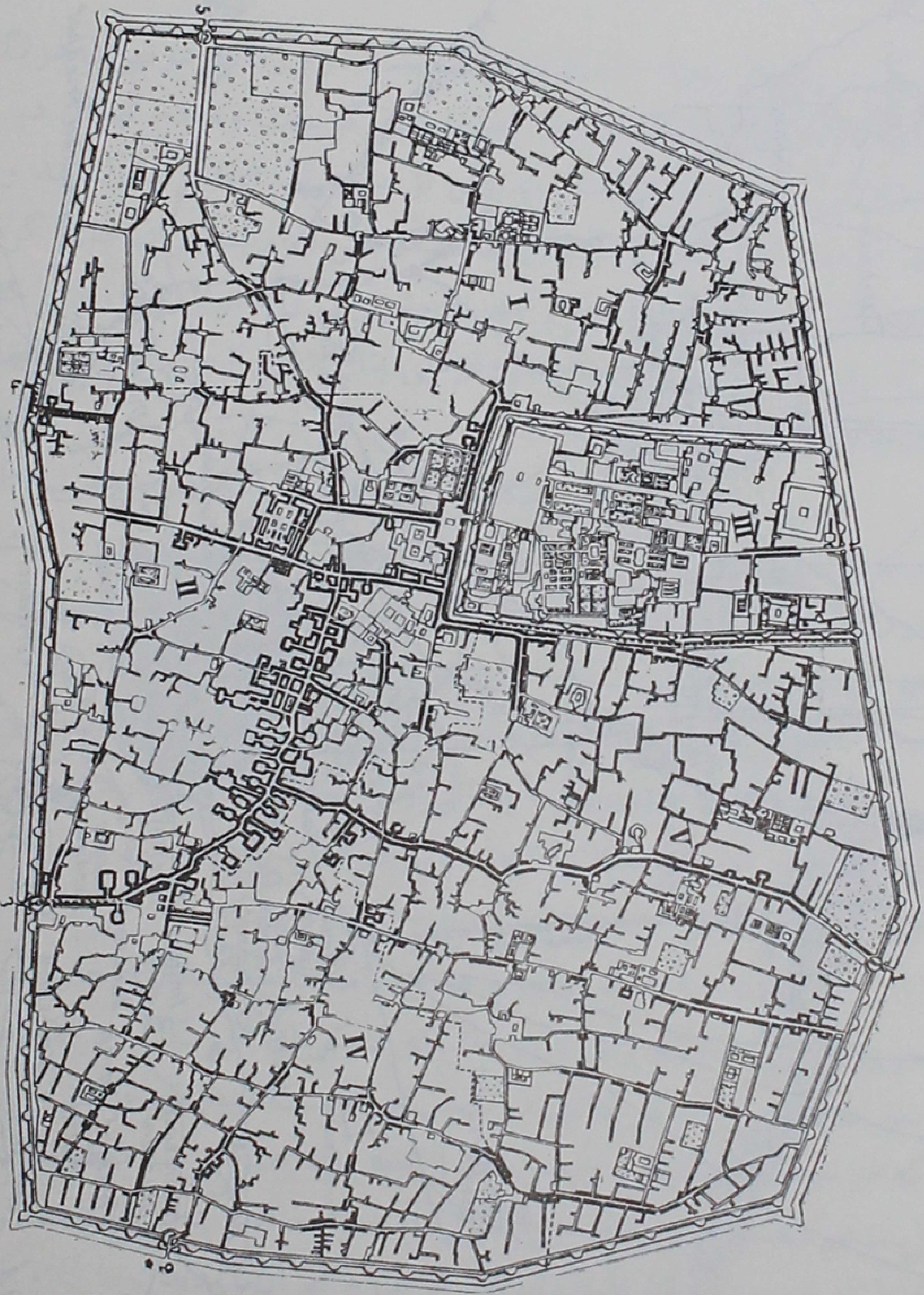
در دوره سلطنت‌نادرشاه، چون اغلب‌اوقات‌او، درجنگ وکشورگشایی می‌گذشت ، چندان توجهی بآبادانی وتوسعه تهران نشد . درسال ١١٥٤ هـ. ق. نادرشاه این شهرکوچك را تیول پسرخود رضاقلی میرزا قرار داد وسپس هم اورا درهمین شهر از دوچشم نابینا ساخت .

هفده سال بعد (١١٧١ هـ. ق.) محمدحسن‌خان قاجار پس‌از شکست‌خوردن ازکریمخان زند ، درحالیکه لشگریان او بکلی پراکنده شده بودند بتهران وارد شد وکریمخان درتعقیب‌او نخست شیخ‌علی‌خان زند پسرعم خودرا که از سرداران شجاع و معروف زندیه بود همراه با محمدحسن خان دو-لو (پسرعم محمدحسن خان قاجارکه با او سر مخالفت داشت) با لشگری باسترآباد فرستاد وسپس با اطرافیان از شیراز عازم تهران‌گردید .

تهران درآن روزگار شهرکی بیش نبود وجمعیت وآبادانی چندانی نداشت ، ولی چون درسر شاهراه‌های شرق وغرب وشمال وجنوب ایران قرار گرفته بود ازنظرسوق‌الجیشی وبازرگانی دارای اهمیت زیادی‌بود ، بهمین‌علت و به سبب نزدیکی به استرآباد وگرگان که مرکز ایل قاجار بود ، کریمخان



شکل ۱ ــ نقشهٔ تهران وحومه آن در عهد ناصرالدین شاه. اندازه: $\frac{۱}{۱۰۸۰۰۰}$



شکل ۲ – نقشهٔ تهران که درسال ۱۲۷٤ ه. ق. توسط ا‌ک. ک. ماژور آگوست کریشش اتریشی تهیه شده‌است. اندازه $\frac{1}{20700}$

1 - دروازه شمیران
2 - دروازه دولاب
3 - دروازه شاه عبدالعظیم
4 - دروازه محمدیه
5 - دروازه قزوین

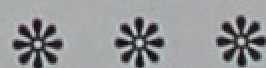
I - محله سنگلج
II - محله بازار
III - ارگ سلطنتی
IV - چال میدان
V - عود لاجان

دراین سفر خود این شهر کوچك را مرکز اردو وعملیات جنگی خود قرار داده ، ازاین محل فرمانها ودستورهای خودرا برای سرکوبی محمدحسن خان ، به شیخ علی‌خان صادر میکرد وسرباز وسوار ومهمات برای او میفرستاد .

محمدحسن خان درجنگ بین زندیه وقاجاریه در مازندران واسترآباد مغلوب گردید وهنگامی‌که درصدد فرار بود پای اسبش در مردابی گیرکرد وهمان هنگام توسط دوتن ازتابعان خود بنام سبزعلی‌کرد ومحمدعلیخان قاجار دولّو (پسرعمش) در نیمه جمادی‌الثانی ۱۱۷۲ هـ . ق . کشته شد . قاتلان ، سر خان قاجار را از تن جدا ساخته با قسمتی از جواهرات نادری‌که درتصرف او بود ، نزد شیخ‌علی‌خان آوردند ، او نیز سر را با جواهرات بتهران نزد کریمخان زند فرستاد .

کریمخان با مشاهده سر گل‌آلود وپریشان وخونین محمدحسن خان قاجار ، بر جوانی او گریسته اظهار تأثر واندوه نمود ودستور داد آنرا با مشك وگلاب شسته در آستانه شاه عبدالعظیم دفن نمودند و یا بقولی باسترآباد فرستاد، که وصل تنش نموده ، درهمانجا در محل مناسبی دفن نمایند ، نیز بقاتل او که برای دریافت پاداش بتهران شتافته بود التفاتی نکرده دستور داد اورا به‌کیفر برسانند .

چون بدینگونه یکی از رقبای کریمخان درامر سلطنت ازمیان برداشته شد ، وی دستور داد در دیوانخانه قدیم تهران که در زمان شاه‌سلیمان ساخته شده بود مراسم جلوس را فراهم آوردند و پس از نصب بازوبندها و سایر جواهرات نادری بر پیکر خود بار عام داده خودرا شهریار بالاستقلال ایران اعلام کرد .



خان زند تهران را بعلت موقعیّتی که داشت و نیز بسبب موفقیتی‌که دراین شهر نصیب او گردیده بود ، دوست میداشت ودراین اندیشه بود که تهران را بپایتختی انتخاب نموده دربار خودرا از شیراز باین‌شهر منتقل سازد .

از این رو در تابستان سال ۱۱۷۲ هـ. ق. که بعلت گرمای شدید وعفونت هوا ، دستگاه سلطنتی و اردوی خودرا بشمیران منتقل کرد ، فرمان داد درغیاب او درمحل ارگ سلطنتی فعلی که جزچهارباغی ازشاه‌عباس بزرگ وقصرودیوانخانه‌یی از شاه سلیمان صفوی ، عمارت مهم دیگری نداشت ، عمارات سلطنتی و دارالحکومه ویکدست حرم‌خانه وخلوت‌خانه بنا نمایند وگویا درهمین‌زمان بود که مجدداً برج و بارویی در اطراف ارگ احداث کرده ، خندقی عمیق در دورادور آن حفر نمودند .

اوایل زمستان همان سال که عمارات مزبور باتمام رسید ، شاه از شمیران بشهر مراجعت نموده بتدریج در آبادانی سایر قسمتهای شهر نیزکوشش فراوان بکار برد . درتابستان سال‌بعد (۱۱۷۳ هـ. ق.) هنگامی‌که شاه زند برای تصفیه کار آذربایجان وآزادخان افغان اردوی خودرا بزنجان وچمن سلطانیه منتقل‌کرد ، دستور داد یکدست عمارت خاصه ودیوانخانه بزرگ بسبك ساسانی وباغی درجنب‌آن بنا نمایند .

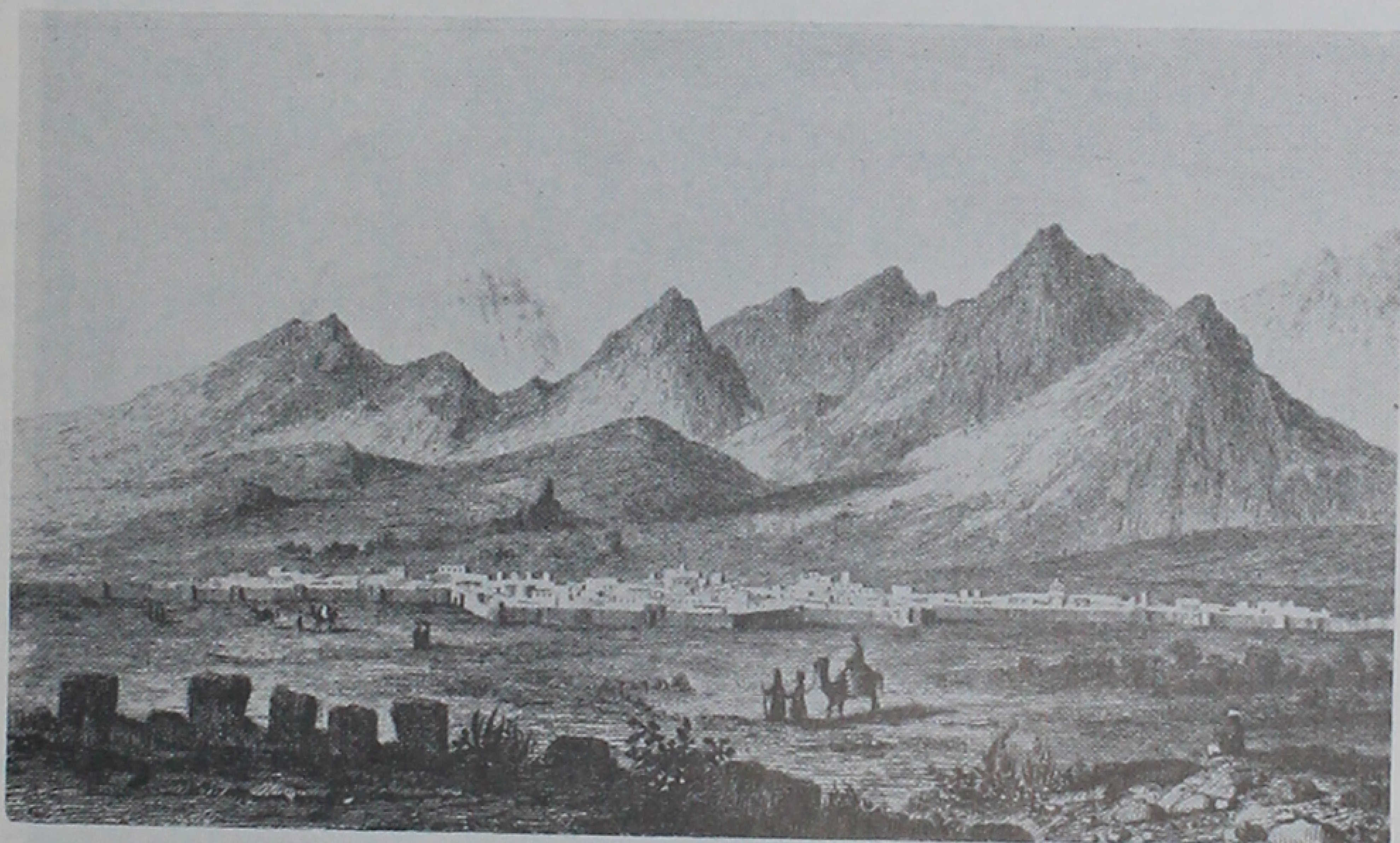
بهرحال وکیل‌الرعایا هنوز درتهران بودکه پسر محمدحسن خان مقتول که آغامحمدخان نام داشت وپس‌از کشته شدن پدرش براثر بروزاختلاف شدید درمیان قاجاریه از ترس جان سه روز وسه شب درجنگل بسر برده وبالاخره با جمعی از اقوام وخویشانش بدست والی مازندران گرفتار گردیده بود ، بتهران فرستاده شد ودرهمین ارگ بحضور شاه زند معرفی گردید .

کریمخان با آغامحمدخان که دراین هنگام جوانی باریك‌اندام وبعلت مقطوع‌النسل شدنش درهشت سالگی بدستور عادلشاه افشار ، دارای صورتی چروکیده و زشت بود ، باکمال مهربانی رفتار نموده ، اورا در پهلوی خود نشانید وپس‌از دلجویی واقامه برائت ذمّه خود از قتل پدرش ، مدتی با او صحبت داشت وچون اورا جوانی‌تیزهوش وباکفایت یافت دستور دادکه وسایل راحت خود واطرافیانش را درتهران فراهم آورند .

درسال ۱۱۷۶ هـ. ق. چون کار استرآباد وآذربایجان یکسره گردید ،



شکل ۳ ــ دورنمای شهر تهران ازسمت جنوب وجادهٔ اصفهان که توسط «کرپورتر» انگلیسی درفاصله سالهای ۳۶ ــ ۱۲۳۳ ه . ق . کشیده شده است .



شکل ٤ ـ دورنمای تهران ازسمت مغرب درحدود سال ۱۲۵۷ ﻫ . ق .

وکیل از توقف درتهران وفکر پایتختی آن منصرف شده ، حکومت شهر را بغفورخان سپرده خود قصد شیراز نمود وقبل از حرکت دستور داد عده‌یی از قاجاریه را باوطان خودشان بازگردانند واز میان سران ایل تنها آغامحمدخان وبرادرش حسینقلی‌خان را برسم رهانت ولی باسم امانت با خود بطرف شیراز حرکت داد ، زیرا کریمخان از افکار وامیال وکیاست وشجاعت و پشت‌کار آغا محمدخان بخوبی مطلع بود ومیدانست‌که اگر این جوان را آزاد بگذارد ولواینکه موفق به برهم زدن سلطنت او هم نشود ، لامحاله اسباب زحمت اورا فراهم خواهدآورد . دراین سفرعمّه آغا محمدخان «خدیجه‌بیگم» خواهر محمد حسن‌خان نیز که از سابق درحباله نکاح کریمخان بود همراه ایشان بود .

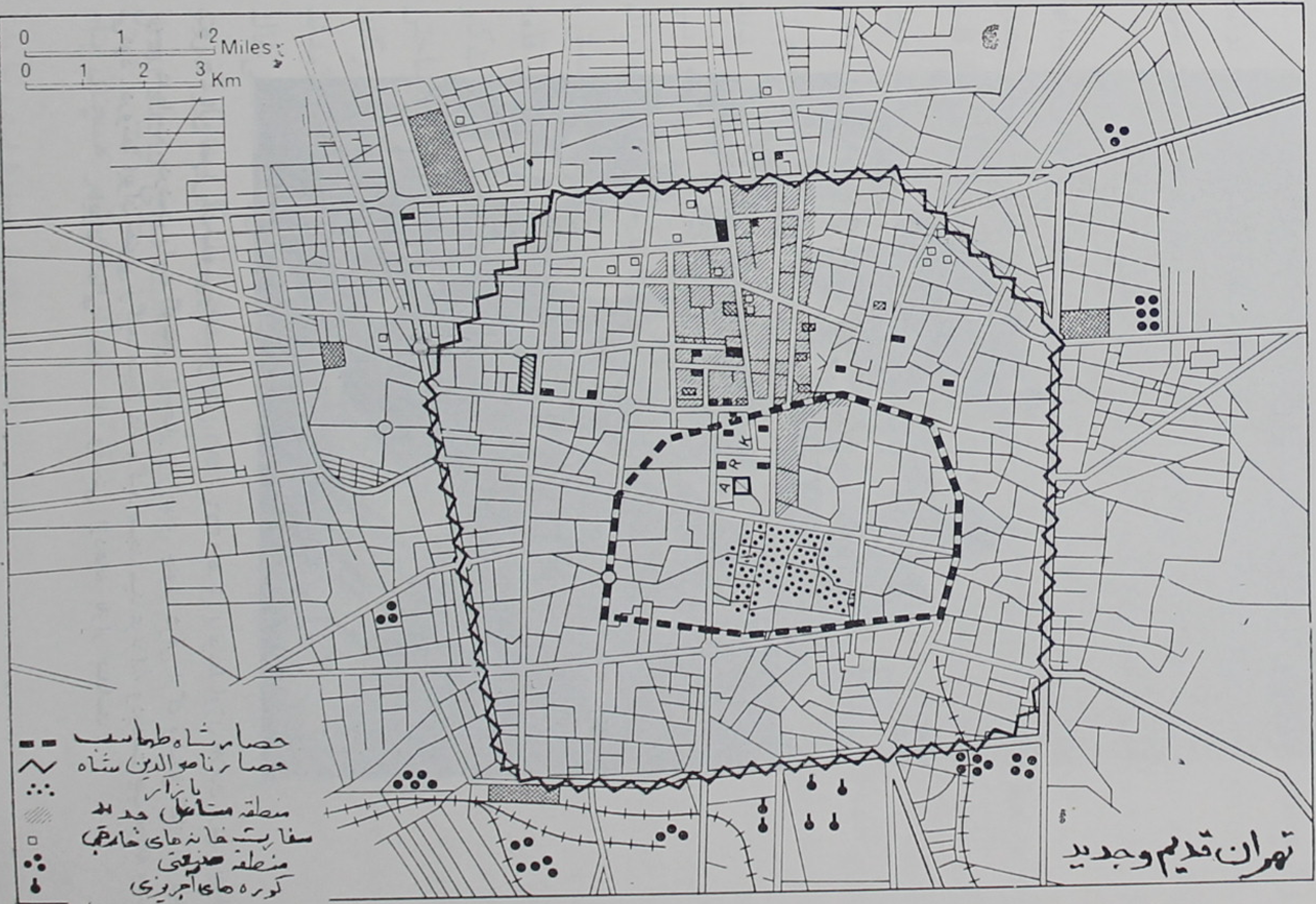
خان قجر در دستگاه وکیل در شیراز بعزت و احترام تمام میزیست وکریمخان درکارهای عمومی مملکت از آرای صائب او استفاده کرده طرف مشورتش قرار میداد ودر وضع معیشت مادی او نیز سختگیری نکرده ، حتی اجازه مسافرتهای چند روزه برای شکار وتفریح باطراف شیراز باو داده بود ، ولی هیچیك از این مهربانیها و جوانمردیهای وکیل‌الرعایـا در دل کینه‌توز آغا محمدخان کمترین تأثیری نگذاشته واوکه خودرا بناحق وارث تاج‌وتخت ایران ووکیل‌را غاصب میدانست ، درشاه زند بنظر عداوت ودشمنی مینگریست وهرآن درصدد انتقام بود .

معروفست‌که بعدها خود آغا محمدخان باطرافیان خود میگفته «وکیل گاهی‌که مرا برای مشورت در امرمهمی احضارمیکرد ودرپهلوی خود مینشانید من در امر صلاح‌اندیشی و مشورت نسبت باو خیانت نمیکردم زیرا سلطنت را خاص خود میدانستم ولی مخفیانه از زیر جبّه با چاقوی قلمتراش قالیهای گرانبهای زیر پای خودرا میبریدم وناقص میکردم وبا خود میگفتم امروز این اندازه ازدست من ساخته‌است ببینم فردا چه‌خواهم کرد وحالا میبینم درحقیقت آن دشمنی را نه با او بلکه باخود کرده‌ام زیرا فرشهای پاره‌کرده خودم بخودم رسیده است» .

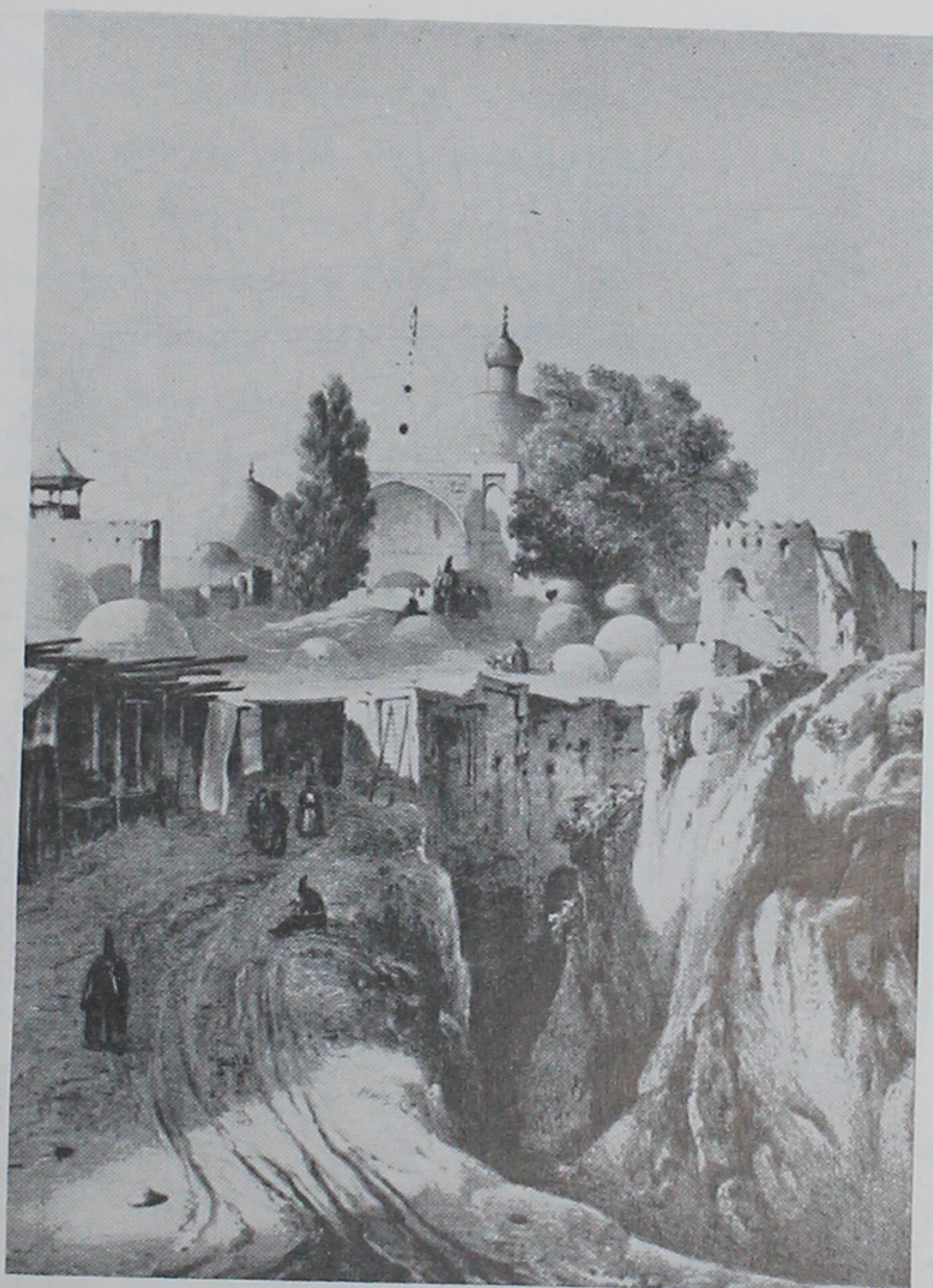
بدین گونه آغا محمدخان شانزده سال تمام درشیراز در دستگاه وکیل زندگانی می کرد وهرقدر ازمهرومحبت او مستفید میگردید بهمان اندازه آتش کینه وانتقام در درون او زبانه میکشید ، تااینکه در روزهای آخر عمر وکیل که بوسیله عمه‌اش خدیجه‌بیگم زن شاه زند از بیماری سخت ووضع وخیم او مطلع گردید بنا برمعمول روزها ببهانه شکار ، به‌بیرون شیراز میرفت ومقدمات فرار خودرا فراهم میآورد ، تااینکه در روز وفات کریمخان که دربیرون شیراز بود بقولی بوسیله دود آتشی که عمّه او درپشت بام قصروکیل برافروخته بود ، وبقول دیگر هنگام غروب که بدروازه اصفهان شهر شیراز رسید بوسیله ایما و اشاره محمد حسین‌خان فیروزکوهی ارجمندی و عبدالله‌خان دماوندی که محافظان دروازه بودند ، از فوت وکیل اطلاع یافت وناگهان بازشکاری خودرا که در دست داشت بعمد رها ساخته ببهانه گرفتن آن دوباره بصحرا بازگشت وچون شب فرا رسید ودروازه‌ها بسته شد ، درشب چهارشنبه چهاردهم صفر ۱۱۹۳ ه‍. ق. با چهارده‌تن از اقربای خود ازشیراز سواره بسرعت عجیبی فرار کرده وشب سه‌شنبه بیستم صفر خودرا بشاه‌عبدالعظیم نزدیك تهران رسانید .

آغا محمدخان پس‌از رسیدن به میان ایل وقبیله خود نظر بداعیه‌یی که درسر داشت ، عده‌یی سوار ولشکری بدورخود جمع کرده درسال ۱۱۹۹ ه‍. ق. پس‌از جنگهایی که با غفورخان حاکم تهران کرد ، بالاخره این‌شهر را بتصرف درآورد وروز یکشنبه یازدهم جمادی‌الثانی ۱۲۰۰ ه‍. ق. که مصادف با نوروز و اول بهار بود ، درهمان تالاری که روزی بعنوان اسیر وگروگان بخدمت وکیل آورده شده بود ، بتخت سلطنت ایران جلوس نمود وبالاخره نیت وکیل الرعایا را عملی ساخته این شهر را بعلت افکار دورودرازی که داشت وطالب مقام خلافت اسلامی بود «دارالخلافه» نامیده بپایتختی خود انتخاب کرد .

طبعاً تهران از هنگامی که به پایتختی‌ایران انتخاب گردید ودستگاه‌های دولتی درآن تمرکز یافت رو به‌توسعه وآبادانی نهاده ، جمعیتش سال بسال فزونی یافت وعمارات ومحله‌ها وخانه‌های جدید وزیادی درآن ساخته شد



شکل ٥ – تهران جدید وحدود حصار ناصری و باروی طهماسبی .



شکل ٦ - این تصویر یك‌صدوسی‌واند سال پیش (۵۷ - ۱۲۵٦ ه. ق.) توسط اوژن فلاندن ازشهر تهران ترسیم شده‌است . دردست راست گوشه‌یی ازحصار وبرجهای جنوب شرقی ارگ وخندق کنار آن دیده می‌شود . دروسط ایوان جنوبی وگنبد مسجد شاه وگنبد مسجد سید عزیزالله ودردست چپ موذنه وپشت ایوان شمالی مسجد شاه وقسمتی ازدهانه بازار پیداست .

وکوچه‌ها وخیابانهای فراوانی احداث گردید .

در دوره فتحعلی‌شاه ومحمد شاه این توسعه وآبادی همچنان ادامه یافته بر رونق شهر بیش‌از پیش افزوده گردید ولی تغییر قیافه اساسی شهر در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین‌شاه انجام گرفت .

دراین دوره براثر افزایش تدریجی جمعیت واحداث باغها وساختمانها ومؤسسات سلطنتی ودولتی مختلف ، جایی برای توسعه بیشتر در داخل حصار قدیم شهر باقی نماند وناچار رجال واعیان و سفارتخانه‌ها و غیره درخارج‌ازقلعه دست بایجاد باغها وساختن عمارات وخانه‌هایی زدند وحدود شهر بکلی تغییر کرده قسمتهایی‌که سابقاً دشت وصحرا بود مسکون گردیده جزو شهر درآمد . در سال ۱۲۸٤ هـ. ق. ناصرالدین‌شاه تصمیم گرفت که قلعه و حصار قدیم را برانداخته خندقهای آنرا پرساخته حصار وخندق جدیدی برای تهران پدید آورد ، شاه میرزا یوسف مستوفی‌الممالك صدراعظم و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه را برای اینکار مأمور کرد وآنان با فراخواندن مهندسان ومعماران برای تعیین حدود حصار ومساحت شهر ومحل دروازه‌ها ومدار وعمق خندق ، طرحی برای شهر جدید درتحت نظر «بهلر» مهندس فرانسوی از روی قلعه وحصار قدیم شهر پاریس ریختند که بشکل هشت ضلعی بود وچون مقدمات کار آماده گردید ، درتاریخ یکشنبه یازدهم شعبان۱۲۸٤ هـ. ق. که قراربود بساختن دیوارشهر وحفرخندق جدید اقدام‌نمایند، تمام رجال و وزراء واعیان وبزرگان شهر ونمایندگان کشورهای خارجه دربیرون شهر در زیر چادرها گرد آمدند وشاه باکلنگ‌نقره‌یی[1] که بهمین منظور آماده شده‌بود ، زمین‌راکنده مشتی‌خاك باطراف پاشید وبدین‌طرز عملیات ساختمان قلعه جدید آغاز گردید وازآن‌روز به بعد تهران را «دارالخلافه ناصری» نامیدند که البته دیری نپاییده تبدیل به دارالخلافه مظفری گردید وبالاخره هردو ازمیان رفته شهر همچنان بنام

---

۱ – این کلنگ اکنون درخزانه قدیم جواهرات سلطنتی در بانك ملی محفوظ است و جا دارد به‌موزه‌یی‌که بنام شهر تهران انشاءالله قرار است تأسیس‌گردد ، منتقل شود .

تهران باقی ماند .

میرزا محرم شاعر و خلیفه دارالفنون بمناسبت این روز مادهٔ تاریخی ساخته و گفته است :

طبع محرم با دل‌شاد[1] از پی‌تاریخ گفت :

«جاودان با فرّ یزدان باد شهر ناصری»

ساختن حصار وحفر خندق جدید تهران قریب ده ـ دوازده سال طول کشیدوشهرچندین برابروسیع تر گردید. دورحصارشهرجدیدرادرحدودسه‌فرسنگ ونیم یا قریب ۱۷۹۶۰ متر نوشته‌اند که دارای دوازده دروازه بشرح زیر بوده است :

دروازه‌های یوسف‌آباد ودولت وشمیران درشمال شهر .

دروازه‌های دوشان‌تپه ودولاب ومشهد درمشرق شهر .

دروازه‌های حضرت عبدالعظیم وغار وخانی‌آباد درجنوب شهر .

دروازه‌های گمرك وقزوین وباغشاه درمغرب شهر .

دروازه‌های فوق‌که باطرح وکاشیهای رنگین زیبا ساخته شده بودند گو اینکه بعضی قسمتهای آنها در سالهای آخر فرو ریخته بود ولی تا سال ۱۳۰۹ هـ. ش. پا برجا بودند ودر دوره‌کفالت شهرداری مرحوم سرتیپ‌کریم آقاخان بوذرجمهری بعنوان مدرن‌کردن شهر ، متأسفانه آنها را خراب کرده از بین بردند .

---

۱ ـ مقصود ازدل‌شاد حرف «الف» است‌که یك عدد اضافه باعداد مصراع ثانی میشود و با تاریخ بنای حصارکه هزارودویست وهشتاد وچهار هجریست مطابق میگردد .

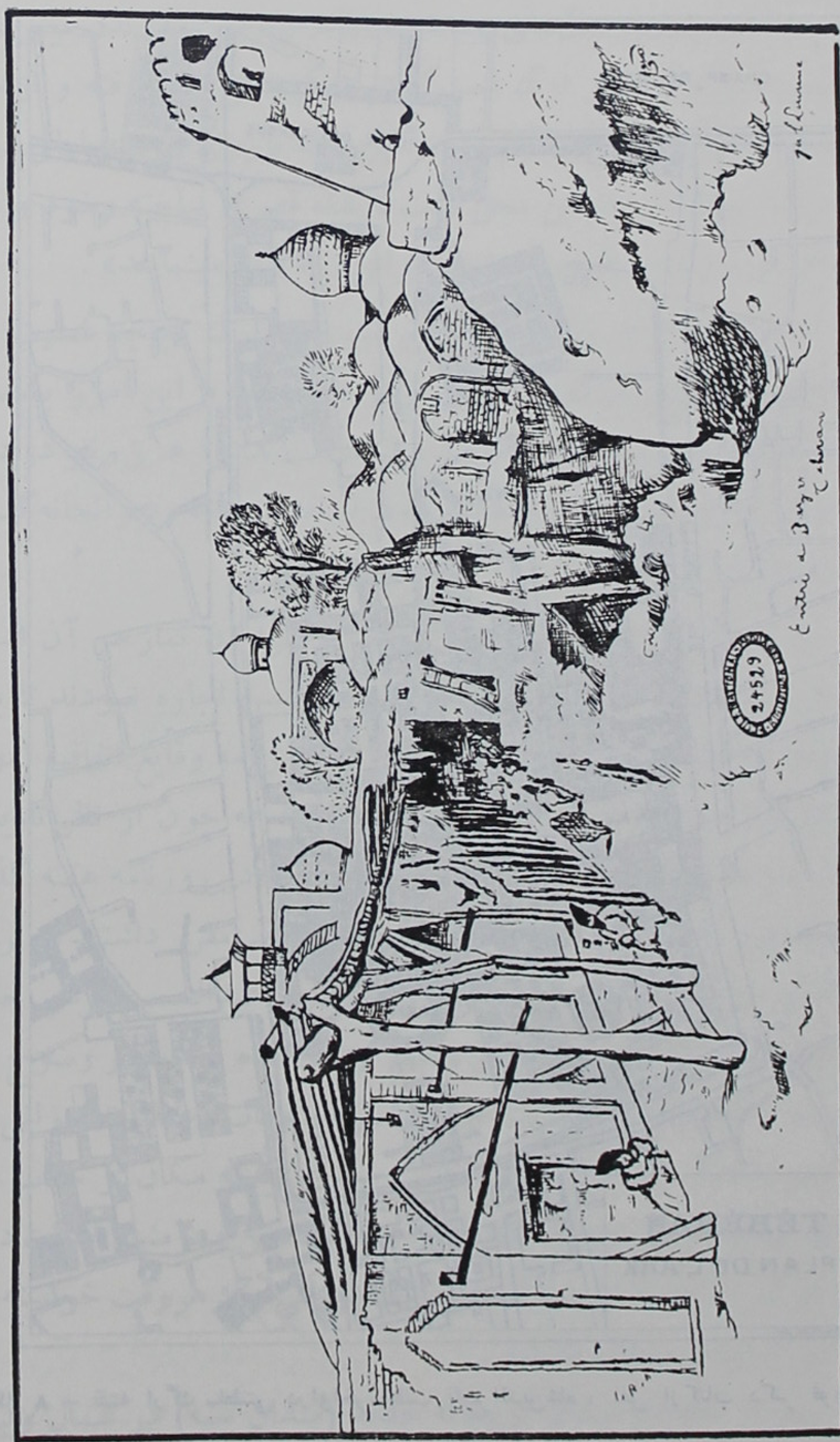
بخش دوم

ارگ سلطنتی تهران

بطوریکه درتاریخچه شهر تهران گفته شد بنیاد ارگ سلطنتی تهران وبعضی ساختمانهای داخل آن از دوره صفویه است ولی درمورد این‌که آیا حصار وخندقی نیز درآن زمانها بدور آن کشیده وحفر شده بوده یا نه ؟ مطلبی از تاریخها ونوشته‌ها بدست نمی‌آید ، اما چون نوشته‌اندکه افغانها پس‌ازتصرف تهران‌درسمت شمال ارگ ، پلی‌بسته ودرجلو آن دروازه‌یی‌بنام «دروازهٔ ارگ» ساختند (همان‌که بعدها دروازه دولت نامیده شد ودر ابتدای خیابان الماسیه از سمت میدان سپه قرار داشت) پس بی‌گمان باید بودکه حصار وخندقی در دور ارگ وجود داشته است ، زیرا درغیر این‌صورت ساختن دروازه وایجاد پل موردی پیدا نمیکرده است . وباز چون درتاریخها نوشته شده که کریمخان زند حصار ارگ را مجدداً برپا داشت ، میتوان چنین‌گمان برد که شاید افغانها بهنگام گریز از برابر لشگریان نادرشاه ، آنرا خراب‌کرده بوده‌اند .

حصار وخندق ارگ تهران را استاد غلامرضای تبریزی معمار معروف آن زمان بامر کریمخان ساخته و حفرکرد ، استاد غلامرضا با خاندان زند خویشی داشت وفرزند او حاجی میرزا جعفرخان ، معمار مشهور عهد فتحعلی‌شاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بود .

در زمان آغا محمدخان ارگ سلطنتی تقریباً در شمال تهران قدیم قرار داشت ویك‌سمت ارگ بحصارشهر وسه‌سمت دیگرش متصل بشهر بود ولی بعداً بعلت توسعه شهر و پیدایش کویها و محله‌های جدید در وسط شهر قرار گرفت .



شکل ۷ — منظره بازار بزرگ و گنبد مسجد شاه و گوشه جنوب شرقی حصار ارگ درسال ۱۲۶۴ ه . ق.
نقاشی ژول لورنس فرانسوی.

شکل ۸ – نقشه ارگ سلطنتی دراواخرسلطنت ناصرالدین‌شاه ، نقل ازکتاب دکتر فووریه .

چنانکه درفاصله سال‌های ۵۷ ـ ۱۲۵۶ هـ. ق. اوژن فلاندن مینویسد : «تنها قسمت قابل‌توجه شهر ارگ است‌که در مرکز شهر قرارگرفته و از سایر قسمت‌ها بوسیله دیواری مستحکم و خندقهایی که برروی هریك پلهای دستی زده شده جدا میگردد . دراین محل است‌که شاه قصری ساخته وخود واقوام نزدیك وامرای بزرگ درباری ومستحفظین‌اش زندگانی مینمایند» .

درسال ۱۲۶۷ هـ. ق. بدستور امیرکبیر قلعه ارگ تجدید عمارت شده و کوچه‌های آن برای حرکت کالسگه ، شوسه گردید و این امور بمعماری عبدالله‌خان معمارباشی آن زمان انجام گرفت. درسال ۱۲۶۸ هـ. ق. نیز در داخل ارگ بناهای جدیدی برعمارات سلطنتی‌قدیم اضافه نمودند ودیوانخانه‌گلستان را ازطرف مشرق توسعه دادند .

چون اراضی ارگ مجهول‌المالك بود و گزاردن نماز در آن اشکال داشت ، درسال ۱۲۷۲ هـ. ق. آنرا از شیخ عبدالحسین اجاره نمودند تا برای نمازگزاردن حلیّت داشته باشد ، دراین باره در روزنامه وقایع اتفاقیه (مورخ ۲۲ جمادی‌الاول ۱۲۷۲ هـ. ق.) خبری انتشار یافته که چون از نظر تاریخچه ارگ جالب مینماید همه آنرا دراینجا نقل مینماییم : «در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که جناب اشرف امجد صدراعظم افخم مقرر داشتندکه اراضی مجهول‌الحال ارگ را از جناب مجتهدالزمان شیخ عبدالحسین برای حلیّت و اباحه نماز اجاره‌کنند چون مختصر ومبهم نوشته شده بود بطور وضوح حالا نوشته میشود که جناب جلالتمآب معظم اراضی وبیوتات وعمارات دیوانی‌ارگ را که مجهول‌الحال است‌کلاً برای حلیّت نماز و اباحه مکان از جناب شیخ معزی الیه اجاره شرعی نمودند که برای جمیع مسلمین ومؤمنین حلیّت داشته باشد که هرکس درهرجا از عمارات وبیوتات دیوانی‌ارگ هروقت خواسته‌باشد نمازکند بر او مباح وحلال باشد» .

پیش‌از احداث میدان توپخانه جدید (میدان سپه) در شمال وبیرون ارگ (درمحل پیاده‌رو ضلع جنوبی میدان سپه) خندقی وجود داشته‌که بوسیله

پل چوبین یك دهانه‌یی بین ارگ وصحرای بیرون شهر ازطریق خیابان الماسیه ارتباط برقرار میشده ودروازه‌یی نیز بنام دروازه دولت (بجای دروازه ارگ قدیم) در جلو آن ساخته شده بوده است . همچنین پیش‌از ایجاد خیابانهای ناصریه (ناصرخسرو) و جبّه‌خانه (بوذرجمهری) و جلیل‌آباد (خیام) محل همه آنها خندق بوده ودرسمت جنوبی ارتباط شهر وارگ بوسیله پلی چوبین بنام «تخته پل» دایر میگردیده است .

درحدود سال ۱۲۷۵ هـ. ق. علاوه‌برعمارات سلطنتی ازحرمخانه وتخت مرمر وخزانه و عمارات دولتی و دارالفنون ومیدان ارگ و دفترخانه وانبار واصطبل توپخانه واصطبل کالسگه‌خانهٔ سلطنتی ودیوانخانهٔ عدالت وانبار غلهٔ خالصه ومدرسهٔ مهد علیا ومجمع‌الصنایع، حتی‌محل سفارتخانه‌روس وخانهٔ وزیر مختار دولت‌روسیه (بعدازقتل گریبایدوف) وخانه عده‌یی‌ازرجال ودرباریان نیز در داخل حصار ارگ بود ، ولی بعدها ازجمله درسالهای ۱۲۸۰ و ۱۲۹۳ هـ. ق. تغییراتی در وضع داخله ارگ داده شد که شرح یکایك آنها در جای خود خواهد آمد .

ارگ تهران بطورکلی در زمان ناصرالدین شاه در مقایسه با وضع خیابانهای جدید تهران شامل محوطه بین ضلع جنوبی میدان سپه وقسمتی از خیابان سپه (خیابان مریضخانه) (ازطرف شمال) وقسمتی ازخیابان بوذرجمهری تا چهار راه گلوبندك (خیابان جبّه‌خانه) (ازطرف جنوب) خیابان ناصرخسرو (ناصریه) (ازطرف مشرق) وخیابان خیام (جلیل‌آباد) ازگلوبندك تا خیابان سپه (ازطرف مغرب) بوده است.

دراینجا سخن خودرا درباره ارگ تهران‌کوتاه‌کرده ودر صفحات آینده شمه‌یی از تاریخچه و وضع یکایك بناها وکاخهای داخل ارگ سلطنتی را با مراسمی‌که درآنها انجام میگرفته ، توأم با عکسها وتصاویر نادر وکمیاب که چگونگی آنها را بهتر وبیشتر از هرنوشته‌یی آشکار وبیان میکنند می‌آوریم.



شکل ۹ ـ منظره قسمتی ازتهران وحصار وبرجهای شرقی ارگ درعهد سلطنت ناصرالدین شاه نقل ازکتاب بنجامین .



شکل ۱۰ ـ تصویری ازمیدان شاه (ارگ یا توپخانه قدیم) وتوپ مروارید و سردر حیاط تخت مرمر
وبرج آغا محمدخانی درسال ۱۳۵۶ هـ. ق. نقاشی فلاندن .

میدان ارگ

نخستین قسمت از ارگ سلطنتی قدیم که از شهر درآن وارد میشدند ؛ میدان وسیعی بود از عهد زندیه ، که در زمان فتحعلی‌شاه بآن میدان ارگ و بعدها «میدان شاه» و «میدان توپخانه» و بالاخره «باغ گلشن» میگفتند واینك همان میدان ارگ نام دارد .

بین شهر قدیم تهران ودیوار جنوبی ارگ خندق عمیقی وجود داشت که برای عبور ازآن و ورود بداخل حصار ارگ ناچار میبایست از پلی چوبین معروف به «تخته‌پل» که در روبروی سبزه میدان قرار داشت بگذرند واین پل تنها راه ورود به ارگ ازسمت شهر وجنوب بود .

ژاك موریه نایب سفارت انگلیس در سفرنامه خود ، که درعهد فتحعلی شاه پرداخته است ، مینویسد : « . . . . به میدان بزرگی که پیش از میدان ارگ قرارگرفته بود (سبزه میدان) وارد شدیم ، در دوطرف مدخل میدان یك شیر ویك خرس زنجیرکرده نگاهداشته بودند ، ازاین میدان گذشته از روی «تخته‌پل» عبور نموده وارد میدان ارگ شدیم ، قشون زیادی در چهارسمت صف‌کشیده توپ بسیاری هم در دوطرف میدان گذاشته بودند ، چون وارد عمارت شدیم از دالان تاریك ممتدی عبورکرده بحیاط‌کوچکی رسیدیم» .

سروان جرج کپل « Keppel » انگلیسی که درتاریخ بیست‌وششم ماه مه ۱۸۲۴ میلادی (= ۱۲۴۰ هـ . ق .) ازاین میدان دیدن‌کرده‌است درسفرنامه خود مینویسد : « . . ما یك ساعت ازوقت خودرا صرف تماشای دقیق قصر

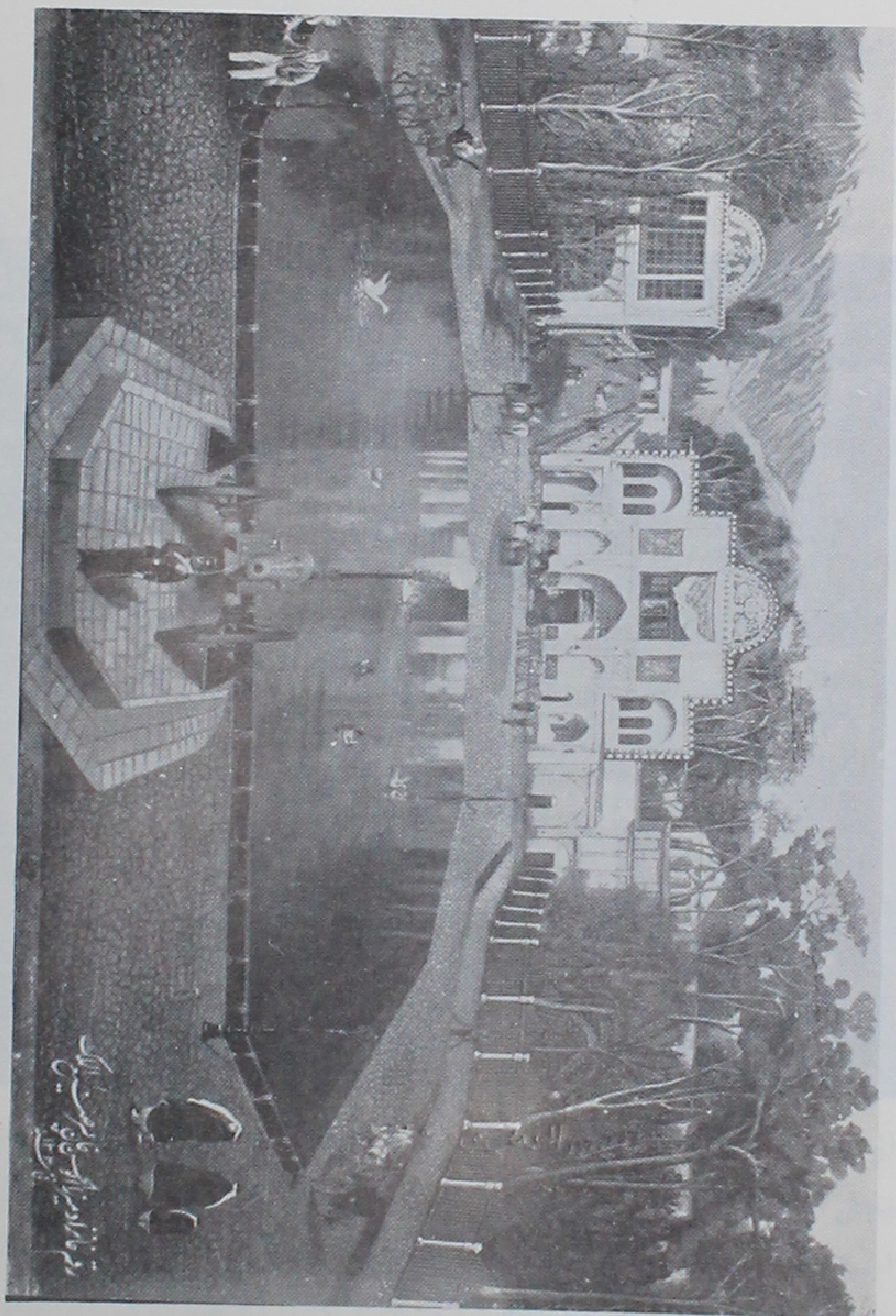
کردیم دروازه‌یی رو به‌بیرون بمیدان وسیعی باز میشودکه درآن چندین اراده توپ باندازه‌های مختلف قراردارد دروسط میدان یك توپ بزرگی هست‌که ازلطفعلی خان آخرین پادشاه سلسله قبلی ایران گرفته شده‌است . درسردر هریك ازچهار دروازه تصاویر بزرگی هست‌که ازکاشی لعابی وحقیقتاً بوضع بسیار عجیبی ساخته شده‌است . دریکی ازتصاویر رستم قهرمان بزرگ ایرانی نقش گردیده‌که بادیوسفید ـ دیومعروف شاهنامه‌فردوسی ـ گلاویزشده‌است».

چون میدان ارگ صحرایی بی‌نظم وترتیب و پرگردوغبار بود و در مدخل عمارات سلطنتی ، محل بسیار نامناسبی‌را تشکیل میداد باین سبب‌درعهد سلطنت محمد شاه غازی مختصر تغییراتی دروضع آن داده در دورادور آن حجره‌هایی برای توپچیان ساخلو تهران ساختند .

درتصویری که فلاندن نقاش وجهانگرد فرانسوی درسال ۷-۱۲۵۶ ﻫ . ق . ازاین محل نقاشی‌کرده‌است وضع میدان وعمارت سردر حیاط تخت مرمر ودرسمت راست آن برج آغا محمد خانی ودرسمت چپ دهانه کوچه‌یی که بعدها «خیابان نایب‌السلطنه» نامیده شد و صف توپچیها وتوپ مرواریدکه دروسط میدان برروی سکویی قراردارد ، بخوبی نمایان است واین قدیمیترین تصویریست‌که ازاین میدان دردست داریم . خود او درباره این میدان‌میگوید : «دروازه عمده ارگ بسمت جنوب دروسط شهر تهران دم بازار میباشد ، پس‌از طی خندق بدالانی دراز وتاریك میرسندکه محل سربازان وقلیانچی‌هاست ازاینجا به «میدان شاه» میرسند دور میدان دیواری بابرجهایی چند است‌که محل توپها یااطاقهای استراحت سربازانست . دروسط این میدان یك سکویی است‌که ازسطح زمین یك متر ارتفاع دارد در روی آن توپی قرارداده‌اندکه علت‌گذاشتن آن معلوم نیست . روزی مردی‌را دیدم‌که درزیر پایه شکسته آن نشسته گدایی میکند ، بمن‌گفتند این شخص آدم کشته وبست نشسته چه مقصری‌که بدینجا آید مصون میماند . درمیدان شاه چند قطعه توپ ازکار افتاده دیگر نیز دیده میشودکه درکنار دربهای قصر قراردارد بعضی فاقد چرخ



شکل ۱۱ ـ عالی قاپو یا سردر حیاط تخت مرمر درسال ۱۲۹۷ ه . ق .



شکل ۱۲ – میدان ارگ یا باغ گلشن وتوپ مروارید درسال ۱۳۰۳ ه.ق. نقاشی رنگ روغنی ابوالحسن ثالث، موزه کاخ گلستان.

وپایه بنظر میآید» .

درسال ۱۲۶۷ ه . ق . دراوایل سلطنت ناصرالدین شاه بدستور میرزا تقی خان امیرکبیر که قلعه ارگ سلطنتی‌را تعمیر میکردند ، ضمناً میدان ارگ‌را نیز تجدید عمارت کرده آنرا «میدان توپخانه» نامیدند . ودرسال ۱۲۷۱ ه . ق . مجدداً حجره‌های توپچی‌هارا مرمت‌نموده باایجاد انبارفراشخانه درمحوطه آن درآبادی ونظم آن کوششی بکار بردند ، ولی چون اصولاً میدان مزبور تنها گذرگاه مردم وچارپایان ازشهر به‌ارگ سلطنتی وقسمتهای شمالی‌تر آن بود ، بعلت سنگ‌فرش نبودن و وجود توپها وتوپچیان ، محل پرمشغله و ناپاکیزه‌یی‌را درمدخل کاخهای سلطنتی تشکیل می‌داد .

بسال ۱۲۸۱ ه . ق . بدستور شاه درصدد اقدام اساسی برای تنظیف و زیبایی میدان برآمده باانتقال دادن توپها وتوپچیان بمیدان توپخانه جدید که درشمال ارگ سلطنتی احداث‌کرده بودند (میدان سپه فعلی) دروسطمیدان استخر هشت ضلعی بسیار بزرگی ساخته آب قنات جدید ناصری وآب سایر قناتهایی‌راکه درکاخهای سلطنتی آفتابی میشدند ، بوسیله شترگلو از وسط این استخر بیرون آورده ازآنجا به‌حوض سبزه‌میدان وازآنجا به‌محله‌های تهران قدیم‌که درجنوب ارگ قرارداشتند جاری ساختند . سپس در دوراستخر دو جاده سنگ‌فرش درشکه وکالسگه‌رو ساخته بقیه میدان‌را باغچه‌بندی‌کرده بادرختهای سرو وکاج ومیوه و گلهای ایرانی وفرنگی بطور جدیدی آراستند و ضمناً دور باغچه‌ها را نیز بانصب پایه وستونهای سنگی درفواصل معین بامحجرهای چوبی محصور ساخته میدان خاکی وناپاکیزه سابق‌را بصورت دو محوطه‌یی سبز و باصفا درآورده آنرا «باغ گلشن» نامیدندکه معمولاً مردم «باغ میدان» میگفتند وبرای اینکه ازعبور ومرور دواب وچاپاریان ازطریق میدان ارگ مانع شوند بسال ۱۲۸۲ ه . ق . بدستور شاه خندق سمت شرقی ارگ (محل خیابان ناصرخسرو فعلی) را نیز باخاك انباشته برروی آن خیابانی ازتوپخانه جدید تادهانه بازار پدید آوردند ودروازه‌یی نیز ازسمت شمال

خارج شهر قدیم بآن گشودند وآنرا خیابان «ناصریه» نامیدند و بدینگونه تاحدی امر نظافت میدان مزبور را تضمین کردند .

تابلو رنگ که روغنی یحیی خان غفاری معروف به ابوالحسن ثالث فرزند صنیع الملك در سال ۱۳۰۳ هـ . ق . ازمیدان ارگ نقاشی کرده واینك درموزه سلطنتی گلستان محفوظ است وضع اخیر میدان وتغییرات آنرا نسبت بسالهای قبل بخوبی نشان میدهد .

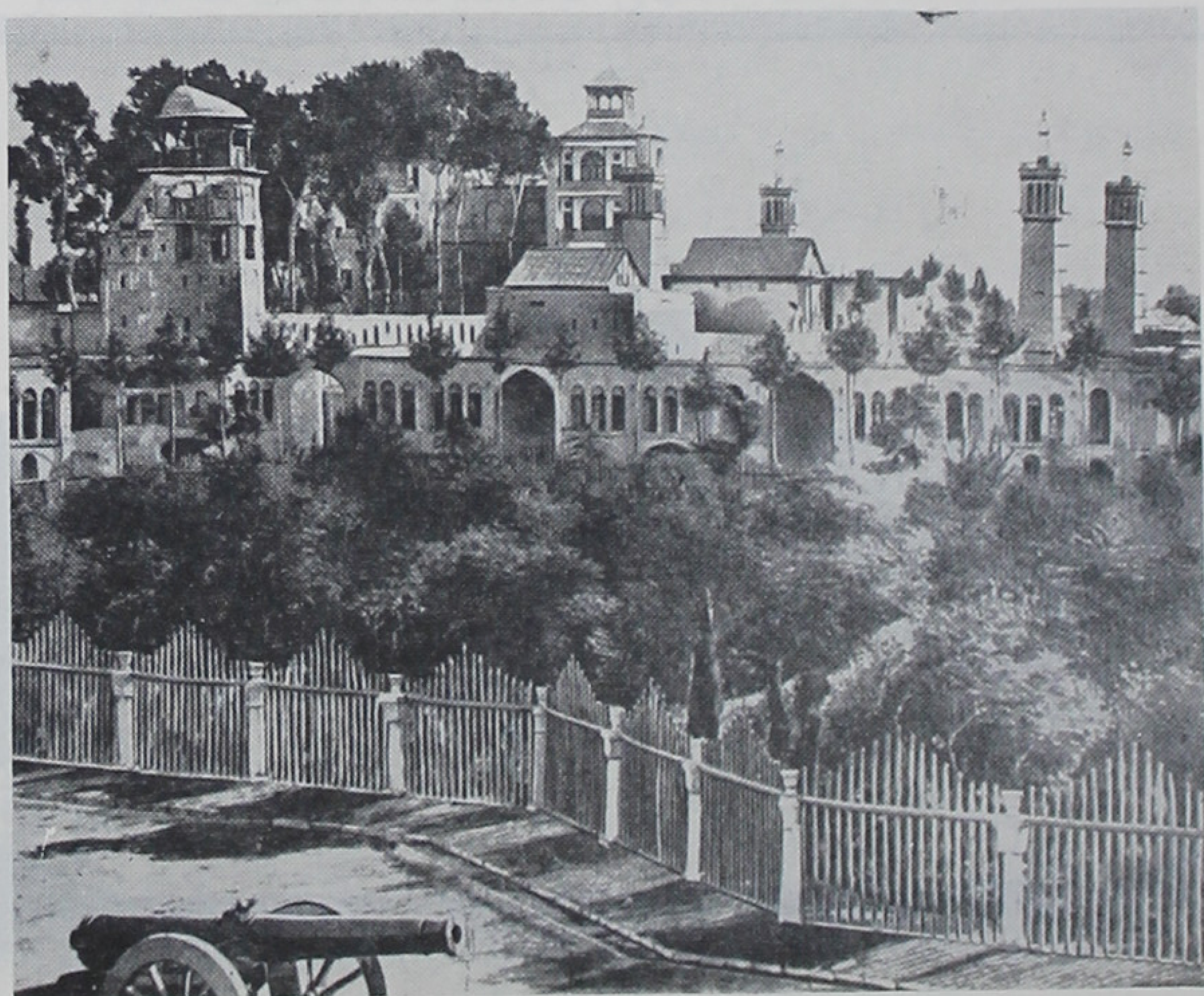
دراطراف میدان ارگ چندین سردر وعمارت وجود داشت که اهمّ آنها عبارت بود از : سردر نقاره خانه ، عمارت تلگرافخانه ، عمارت دفترخانه یاعمارت سردر بزرگ ، عمارت دفتر استیفا وگرمخانه .

سردر نقاره خانه که درمحاذات سردر بزرگ حیاط تخت مرمر متصل به حصار جنوبی ارگ ساخته شده بود ، دروازه یی داشت که ارتباط بین شهر وارگ سلطنتی را برقرار میساخت . دردوطرف آن اطاقهای فوقانی و تحتانی قرار گرفته بود که قراولان ارگ وسربازان کشیك درآنجا ساکن بودند وبعدها «دوستاق خانه» یازندان نیز دراین محل بود . این دروازه شبها پس از بصدا درآمدن شیپور ارگ بسته میشد وسربازان تاصبح ازآن مواظبت میکردند وبالای دروازه ارگ اطاق بی دروپنجره یی وجودداشت که همه روزه چندین بار درآنجا نقاره چیان شاهی طبل یابوق وکرنای وگورگه ونقاره های خودرا بصدا درمیآوردند وسنت دیرین سلطنتی ایران را اجرا میکردند [۱].

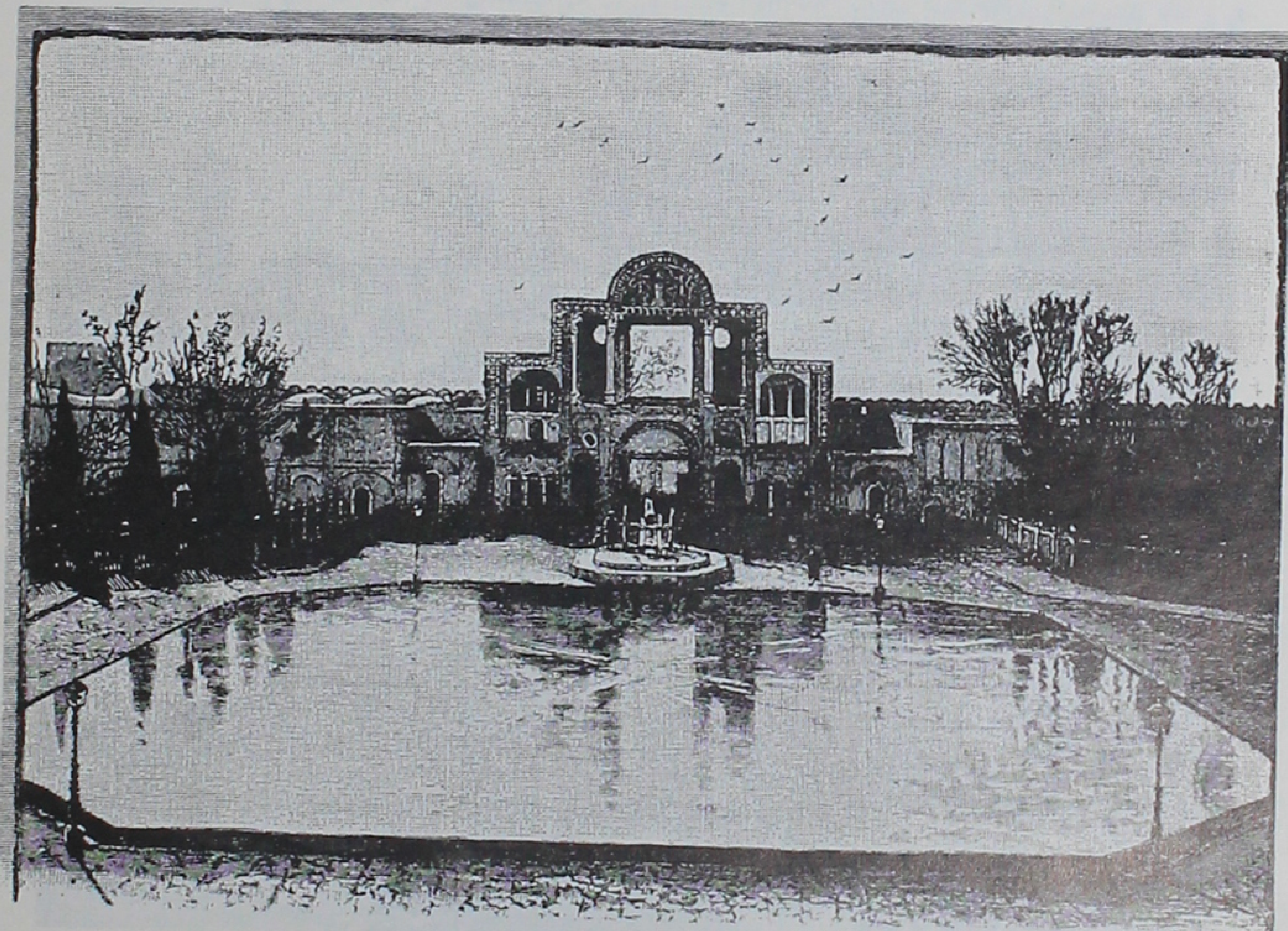
نقاره چیها معمولاً کلاهی ازپوست سیاه باطاق سرخ که یراق دوزی شده بود ونیم تنه های ماهوت سرخ با مغزیهای مشکی وشلوارهایی بهمین رنگ میپوشیدند که سردست ویقه نیم تنه ها از پوست سیاه بود ودگمه های برنجی شیروخورشید داشت و «کریم شیره یی» معروف سرپرست آنان بود . در نقاره خانه سلطنتی همه روزه سه نوبت طبل مینواختند ، دونوبت نیز هنگام طلوع وغروب آفتاب نقاره میکوبیدند .

---

۱ - یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه ص . ۲۵ .



شکل ۱۳ ـ تصویری ازسمت شرقی میدان ارگ درعهد سلطنت ناصرالدین شاه‌که درآن وضع باغچهٔ دور میدان وبرج آغا محمد خانی وعمارت گالری وشمس‌العماره وعمارت بادگیر پیداست .



شکل ۱۴ ــ استخر میدان ارگ وتوپ مروارید و سردر نقاره خانه.

چون یکساعت ازشب میگذشت طبل «خبردار» زده میشد ومعمولاً طبال هنگام نواختن طبل بدور خود میچرخید تا صدای آن بتمام قسمت‌های شهربرسد. ساعت دو ازشب رفته طبل «برچین» را میزدندکه‌کسبه و دکانداران شروع به‌برچیدن بساط وبستن دکانهای خود میکردند، ساعت سه طبل «بگیر وبه‌بند» را زده وشیپور ارگ را میکشیدند ودرها بسته میشد، چون پنج ساعت ازشب میگذشت جز «گزمه»ها و سردم‌دارهاکه صدایشان طنین‌انداز بود دیگر جنبده‌یی درکوچه وبازار دیده نمیشد واگرکسی بعلتی ناچار بود دیروقت بخانه بازگردد قبلاً بداروغه مراجعه‌کرده «اسم شب» میگرفت وآن تنها علامت و رمز عبور ومرور در شب هنگام ووقت «قرق» بود.

درضلع شرقی میدان، عمارت تلگرافخانه قرار داشت‌که تلگرافچیان دولتی شب و روز درآنجا مشغول‌کار بودند.

درشمال میدان درگوشه شرقی‌که عمارت دفترخانه قرارگرفته بود سردر بزرگی بود که بآن «درب سعادت» یا «عمارت سردر» و «عالی قاپو» میگفتند این سردر دروسط ضلع‌شمالی میدان در روبرو وقرینهٔ سردرنقاره‌خانه قرارداشت.

اساس ساختمان سردر بزرگ از زمان فتحعلی شاه بودکه درسالهای بعد تغییراتی درآن داده بودند ولی شکل اصلی بنا تقریباً محفوظ مانده بود. آخرین تغییر وتبدیلی‌که درآن داده شد درسال ۱۳۰۱ ه. ق. بمباشرت آقا علی امین حضور وزیر بقایای آن زمان بود.

این بنای باشکوه در طبقه زیرین دارای طاق و طاقنماهای بزرگ وکوچکی بودکه بالای آنها مقرنس‌کاری شده واطراف لچکی طاقهای آن با کاشیهای الوان تزیین یافته بود. در طبقه بالا روی هشتی و دالان واطاقهای زیرین تالاری‌وسیع واطاقهای گوشواره قرارگرفته بودکه باارسی وپنجره‌های مشبک وگچ‌بریهای زیبا آرایش یافته بود. در پایین دربانان وقراولان سلطنتی و دراطاقهای بالا اعضای دفترخانه دولتی ساکن بودند.

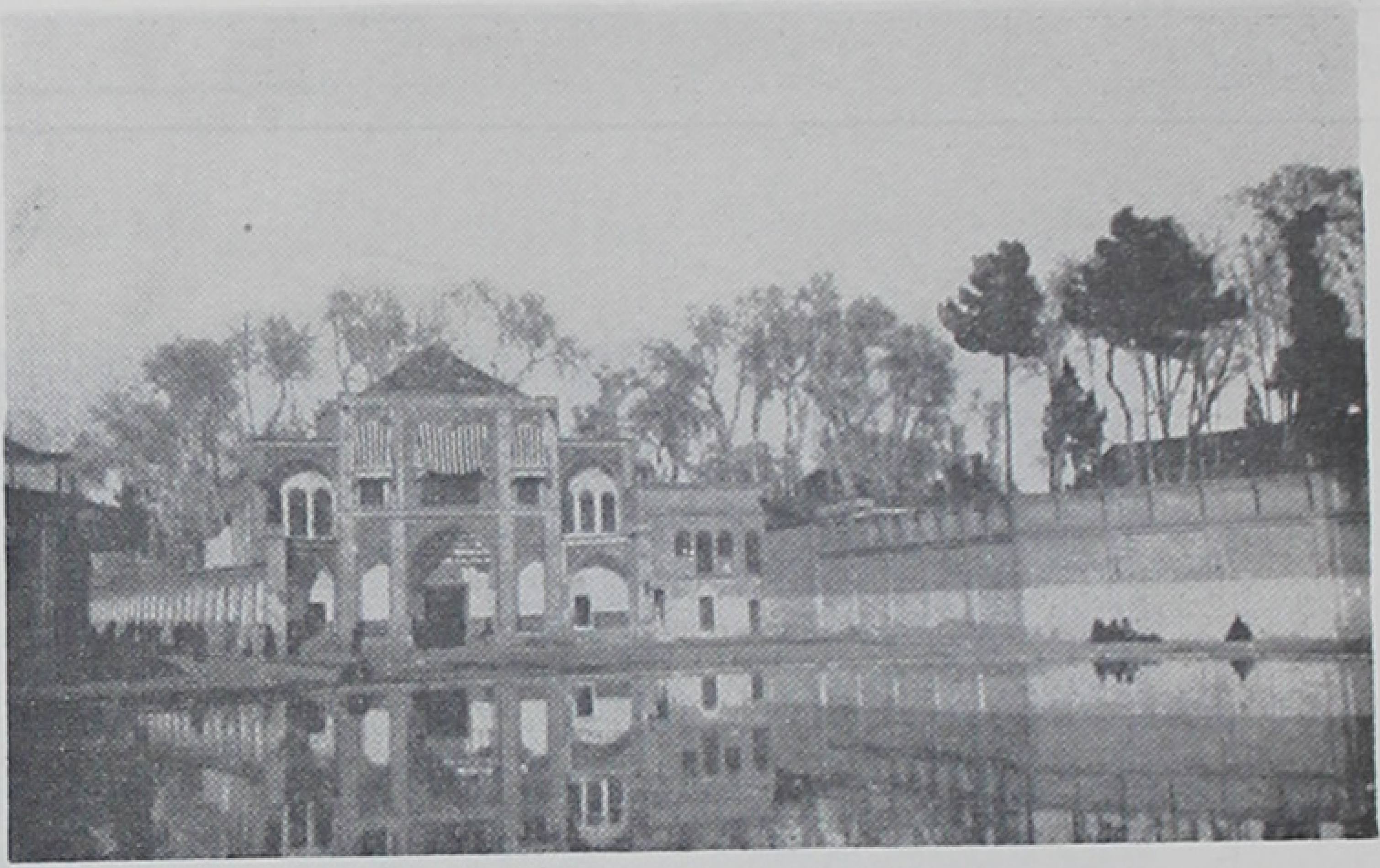
دیـوار پشت سردر «درب سعادت» در سمت حیاط تخت مرمر باکاشیهای رنگین صحنهٔ پیکار رستم ودیو سفید تزیین گردیده بود. بسال ۱۳۰۹ هـ . ش. هنگامی‌که سردر را منهدم ساختند، اداره بیوتات سلطنتی، این کاشیهارا نگهداری کرده درسال ۱۳۱٤ هـ . ش. هنگام ساختمان ورزشگاه امجدیه آنهارا دربالای دیوار مدخل ورزشگاه مزبورکارگذاشتند ودرسالهای اخیرکه آن بنارا نیز بشکل دیگری درآوردند، همان‌کاشیهارا در دیوارداخلی سرسرای جایگاه مخصوص، نصب‌کردند. این کاشیها دارای رقم محمد علی شیرازی وتاریخ ۱۲۷۳ هـ . ق. میباشد وناگفته پیدا است‌که ربطی به‌کاشیهایی که سابقاً سروان کپل درمیدان ارگ دیده بود ندارد.



«همه ساله روز سوم عید نوروز یك نوع تشریفات نیمه‌رسمی درجلو سردر بزرگ انجام میگرفت‌که نوعی از تفریحات نوروزی دربرابر شاه بشمار میرفت. بدین‌گونه‌که در این روز شاه با دسته‌یی از خواص و خلوتیان خود به تالار عمارت سردر آمده درجلو پنجره وسطی آن برروی صندلی جلوس میکرد. در مراسم این روز مستوفیان و لشگریان شرکت نداشتند ولی عده‌یی سرباز در دورادور میدان ارگ صف بسته بحالت خبردار میایستادند و تقریباً ورود تماشاچیان برای تماشا آزاد بود.

ابتدا قوچ‌بازان وخرس‌بازان ومیمون‌بازان‌که برای دریافت خلعت وانعام حیوانات خودرا درطول سال برای اجرای انواع بازی‌ها وشیرینکاریها تربیت‌کرده بودند وهمچنین ریسمان‌بازان‌وپهلوانان نامی درمیدان گردمیآمدند واسماعیل بزاز وکریم شیره‌یی دو مسخره ومقلد مشهور آن زمان نیز برای مسخرگی وخنداندن شاه ومردم درآنجا حاضر میشدند.

نخست دو قوچ قوی هیکل‌راکه همچون دوگاو کوهی پرورش داده وقلاده‌های وزین درگردنشان انداخته وپرهای ابلق زیبا برسر وشاخهایشان نصب‌کرده بودند به‌نبرد وادارشان میکردند. ناگهان دوحیوان مست بیکدیگر



شکل ۱۵ ـ سردر بزرگ یا عالی قاپو ودهانه کوچه نایب‌السلطنه (داور) .

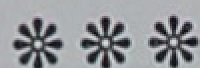
شکل ۱۶ ـ تصویر عمارت سردر بزرگ ودفترخانه درمیدان ارگ .



شکل ۱۷ — تصویری ازمراسم تفریحی روز سوم عید نوروز درمیدان ارگ درعهد سلطنت ناصرالدین شاه .

حمله برده بقدری بسر وکله هم شاخ میکوبیدند تایکی ازآنها شکست خورده ازمیدان بدر میرفت . پس ازآن جنگ خروسهای لاری آغاز میشد وبعضی ازآنها چنان قوی وجسور بودندکه حریف خودرا بالگد وزخم سیخ مهمیز خود ازپای درمیآوردند واغلب درمیان تماشاچیان برسرآنها شرط‌بندی نیز میشد. آنگاه لوطیان برقصانیدن خرسها وبوزینه‌های خود میپرداختندوریسمان بازان به عملیات بندبازی و جست‌وخیز خود شروع میکردند در پایان این بازیها شاه ازجایگاه خود یك سینی دو قرانی وپنج قرانی نقره برایشان میپاشید و همگی ریخته آنهارا جمع نموده بروجود شاه دعاکرده بکناری میرفتند . بعد نوبت‌کشتی و ورزش وشیرین‌کاریهای پهلوانان میرسید ، درآغاز بعملیات مقدماتی زورخانه‌یی از قبیل شنا و میل‌بازی وکباده‌گیری و چرخ وپاره‌یی شیرین‌کاری‌های دیگر مبادرت میکردند و در ضمن آنها مرشد یاضرب‌گیر باضرب بزرگی‌که خود تقریباً درپشت آن مخفی بود ، درجایگاه مخصوص خود بگرفتن ضربهای مناسب وخواندن اشعار حماسی از شاهنامه میپرداخت ، سپس پهلوانان دو بدو قدم درمیدان نهاده بگرفتن کشتی وزورآزمایی مشغول میشدند .

دراین روز معمولاً پهلوان پایتخت‌را معلوم میکردند و اوکسی بود که‌پشت تمام پهلوانان‌را بخاك رسانده وازجانب شاه بازوبند موسوم‌به «بازو مهره» را دریافت میداشت وتاکسی براو غالب نیامده بود این سمت واین بازوبند باو تعلق داشت وازمزایای آنها استفاده میکرد». ۱



درضلع شمالی میدان ارگ پس‌از سردر بزرگ‌که شرحش گذشت دهانه خیابان نایب‌السلطنه (خیابان داور کنونی) وپس‌از آن ساختمان دوطبقه دفتر استیفا قرار داشت‌که وزیر دفتر ومستوفیان درآنجا بکارهای خود مشغول بودند .

۱ – یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه ص . ۸۷ – ۸۶ .

درسال ۱۳۰۶ هـ . ق . بنا به‌نوشته اعتمادالسلطنه ، گرم‌خانه و گلخانه بسیار بزرگی نیز درسمت شرقی باغ گلشن ساخته بودندکه اصله ونشا و گلهای باغهای سلطنتی‌را درآنجا پرورش می‌دادند .

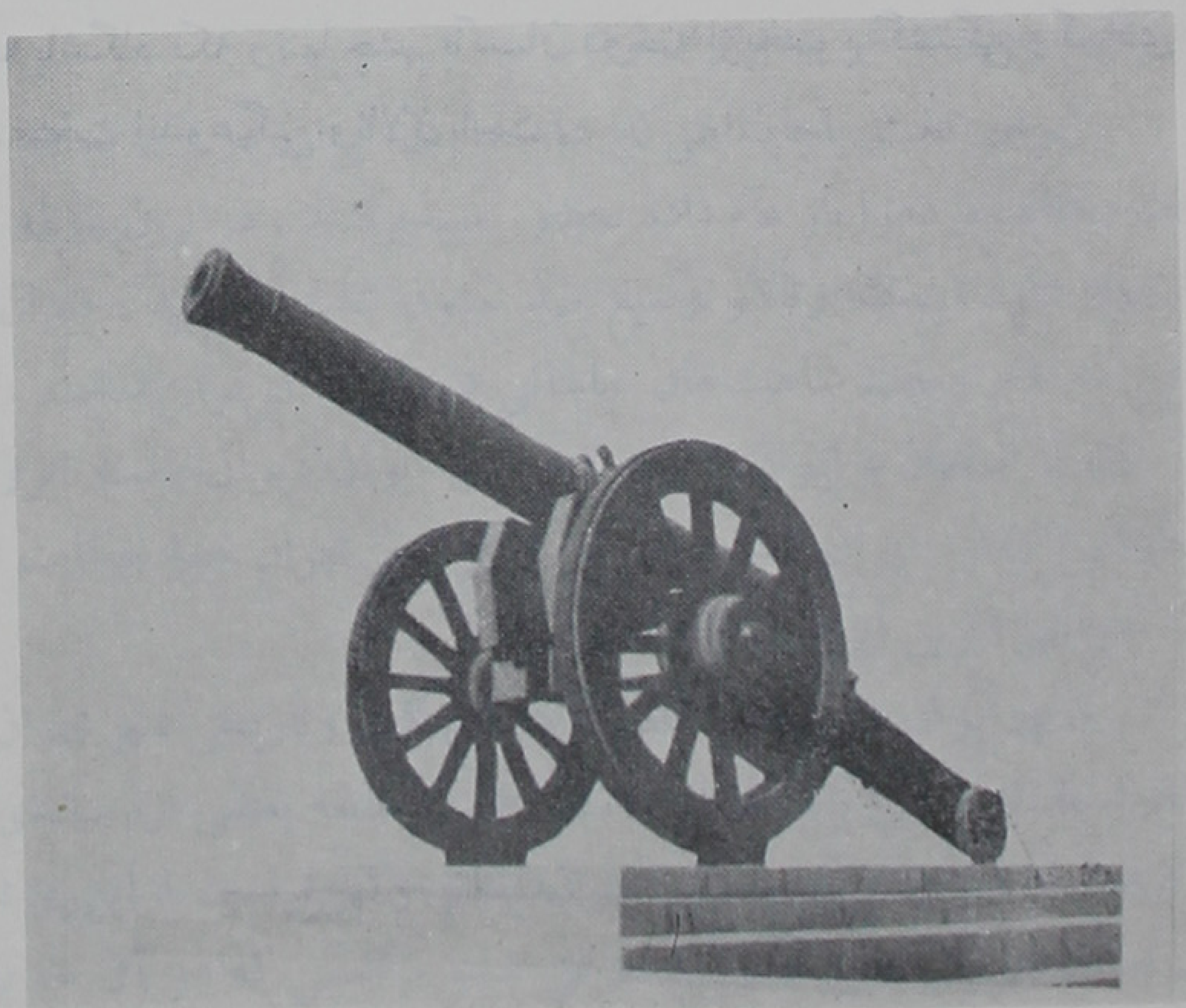
تنها اثری‌که ازمیدان شاه قدیم ومیدان توپخانه سابق در دوره‌های بعد دروسط میدان ارگ برروی سکویی دیده میشد ، توپ عظیم وبزرگی بود که‌هنوزهم بدرستی معلوم نیست به‌چه‌سبب آنرا «مروارید» نام نهاده‌اند .

این توپ‌که اینك سالهاست ازمیدان ارگ بباغ باشگاه افسران در تهران انتقال داده شده برخلاف آنچه درمیان مردم وتاریخ‌نویسان شهرت‌دارد، در ضمن جنگهای ایرانیان و پرتقالیان در خلیج فارس بغنیمت گرفته نشده و یا آنچنان‌که نوشته‌اند : جزو غنایمی‌که نادر شاه ازهند آورده نبوده‌است بلکه این‌توپ مسلماً بسال ۱۲۳۳ هـ . ق . درعهد فتحعلی شاه دراصفهان‌ریخته وسوار گردیده است واشعار وماده تاریخی‌که فتحعلی خان صبا ملك‌الشعراء دربار فتحعلی شاه برای آن سروده وبروی لوله توپ بطور برجسته حکاکی شده وهمچنین رقم استاد اسماعیل ریخته‌گر اصفهانی سازندهٔ توپ‌که جداگانه در داخل ترنجی ثبت شده‌است ، دلیل متقن وصریحی براین موضوع میباشد .

اشعار روی توپ مروارید بدین‌گونه خوانده می‌شود :

شاه جمشید نشان فتحعلی شاه که بود
انجم ملك جهانش همه در زیر نگین
آنکه در حضرت او ناصیه‌سای است ینال
آنکه بردرگه او خاك نشین است تکین
آن که شد تیغ عدو افکن او ملجاء ملك
آنکه شد عدل قوی پنجه او شحنه دین
آن سیاوش وش دارا دَر افریدون فـر
آن سکندر دل وکی موکب وجمشید آیین

داد فرمان که همین توپ همایون پیکر
زیور درگه دارا بود و عرصه کین
شهرتش هوش‌ربا از سر قیصر در روم
هیبتش لرزه فکن برتن خاقان در چین
در زمین بیخ برآورد ، ز هر سد سدید
زاسمان برج فرو ریخت زهر حصن حصین
توپ نه نعره او را اثر از صور نخست
توپ نه صیحه آن را خبر از روز پسین
الغرض طبع صبا از پی تاریخش گفت
« شاه توپ ملك روی زمین آمد این »
۱۲۳۳ ه . ق .



شکل ۱۸ ــ توپ مروارید.

توپ مروارید هنگامیکه درمیدان ارگ بود دو خاصیت داشت یکی آنکه «بست» بود و گناهکاران ومقصران برای فرار ازکیفر ومجازات بزیر چرخهای آن پناهنده میشدند ، ودیگر اینکه بخت‌گشای دختران وزنان تهران بود وهمه ساله درمراسم چهارشنبه‌سوری صدها نفر از زنان سیاه بخت و دختران بخت‌بسته برای گشودن بخت وسفیدبختی ، درمیدان ارگ دراطراف توپ جمع میشدند وپس‌از نیت‌کردن روی لوله توپ سوار میشدند و یا از زیر لوله آن میگذشتند و گاهی نیز برای نیل بمراد و برآورده‌شدن آرزوی خودشان ، قطعه‌یی پارچه به‌توپ دخیل می‌بستند .

«بست» توپ مروارید در زمان ناصرالدین شاه شکسته و موقوف گردید ودکان بخت‌گشایی او نیز اخیراً پس ازحمل به باشگاه افسران تهران تخته شد واینك بیاد روزهای پرغفلت وخوشی‌که با زنان ودختران ساده دل وپندار پرست آن زمان گذرانیده وبرعقل وفهم آنان خندیده بود در وسط باغچه باشگاه یکه وتنها چشم بآسمان دوخته ازبخت برگشتگی وکسادی بازار خود سخت اندوهگین ونالان است .

ایوان تخت مرمر

روح ظرافت‌پسند و جلال‌پرست صنعتگر ایرانی بادست نازك كار وقرینه سازش بااستعانت ازهنرهای : معماری ، نقاشی ، سنگتراشی ، کاشی‌کاری ، گچ‌بری ، آئینه‌کاری ، خاتم‌سازی ، منبت‌کاری ومشبك سازی باحفظ سنت‌های دیرین وشکوه پادشاهی دروسط کاخهای سلطنتی قدیم مجموعه‌یی دلپسند ، ترکیبی بدیع وبنایی رؤیاانگیز بوجود آورده‌که شایدکمتر نظیری برای آن درجای دیگر پیدا توان‌کرد .

ایوان تخت یاجایگاهی‌که شاهنشاهان ایران در آن بسلام نشسته طبقات مختلف مردم‌را بار عام داده بحضور میپذیرفتند ، درایران سابقه چندین هزارساله دارد ، صفّه وتالار وسیع صد ستون تخت جمشید ، ایوان عظیم مداین که تاج وتخت شاهنشاهان ساسانی در میان آن قرار داشت ، ایوان چهل ستون اصفهان ، ایوان نادری قزوین و ایوان دیوان‌خانـه ایروان در ارمنستان بالاخره ایوان تخت مرمر در مرکز شهر تهران همه حکایت از این سنت سلطنتی دیرین ایران میکنند .

بنای ایوان تخت مرمر یکی ازبناهای کهن وتاریخی شهر تهران است که خوشبختانه سالم وپابرجا مانده‌است . عمر وسابقه بعضی ازقسمتهای بنای آن ازهمهٔ قسمتهای ارگ سلطنتی تهران بیشتر وکهن‌تراست ازاین‌رو شایسته است ساختمان آن بطور مشروح معرفی شده مراسمی که در آن جا برگزار میگردید مفصلاً شرح داده شود .

درتاریخچه شهر تهران گفته شدکه درتابستان سال ۱۱۷۳ هـ . ق . هنگامی که وکیل الرعایا برای تصفیه کار آذربایجان بطرف چمن سلطانیه حرکت کرد دستور داد که یکدست عمارت خاصه و دیوانخانه بزرگ بسبك ساسانی وباغی درجنب آن بنا کنند .

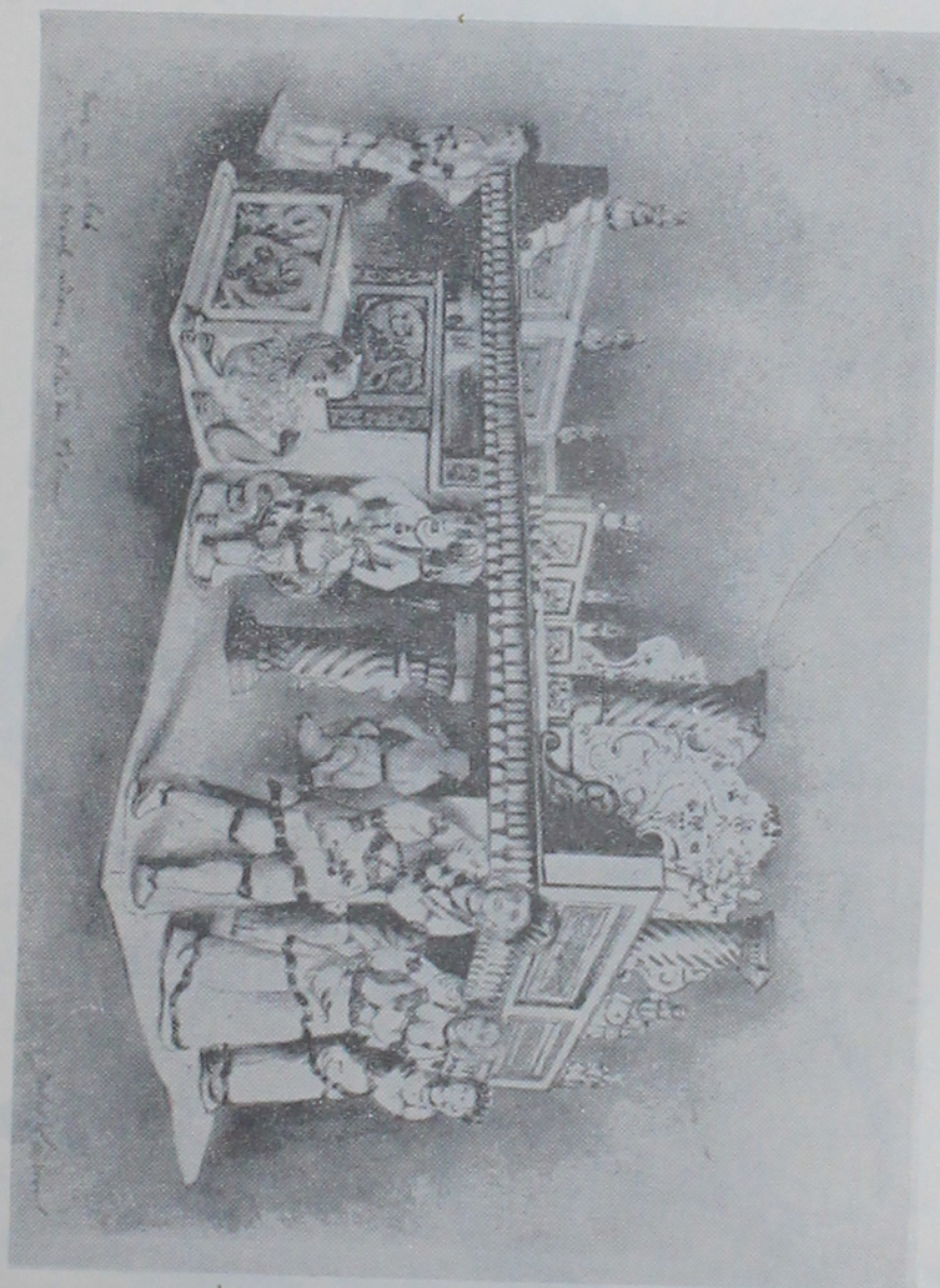
نویسنده تاریخ گیتی‌گشا این بنا را در کتاب خود چنین توصیف میکند : «درحالتی که خیام عزّ وشأن در سلطانیه و زنجان سرکوب برجیش وکیوان بود قلم مقدس جاری وفرمان اقدس برمزاج ملك ساری شدکه‌عمارتی بجهت خاصه سرکار دربلده طهران پردازند .

کارگزاران دیوان عدالت ارکان شروع برانجام کار وتدارك اسباب بسیارکرده معماران اقلیدس گشا وبنایان کارآزما ونجاران بدایع‌کار ونقاشان هیکل‌نگار ازهرگوشه وکنار جمع‌آورده شروع باساس این بنای زیبا کرده ودراندك روزی این‌عمارت بهشت رونق سرکوب سپهرمطلق وعبرت چرخ‌معلق ورشك طاق کسری و ایوان خورنق‌گشته در دیوان خلد و حرم ومکانهای کشیك‌چی وخدم بنایی چون باغ ارم آراسته وخانه‌یی چون بیت‌الصنم باتمام رسید» .

از فحوای‌کلام و عبارات و توصیفات نظیر « سرکوب سپهر مطلق » و «عبرت چرخ معلق» و «رشك طاق‌کسری» و «ایوان خورنق» که نویسندهٔ گیتی‌کشا درمورداین‌عمارت‌خاصه بکاربرده‌است وهمچنین ازاشاره صریحی‌که میرزا عبدالکریم درذیل همان تاریخ درداستان‌نقل اسباب واثاثیه قصروکیل از شیراز بتهران (شرح آن بعد خواهد آمد) باعبارت «آنچه ممکن‌الحمل وسهل‌-النقل بود تمام نقل تهران و در عمارتی‌که خاقان گیتی‌ستان (کریمخان) در دارالملك مزبور بمعماری همت بلند ساخته بود منصوب وکارگذاشت» کرده است چنین استنباط میشودکه بنیاد ایوان تخت مرمر یا چنانکه سابقاً میگفته‌اند «دیوان‌خانه وایوان دارالاماره» ازعمارات کریمخانی وازبناهای عهد زندیه در داخل ارگ سلطنتی بشمار میرود .



شکل ۱۹ ـ تصویر کریمخان زند بنیادگذار ایوان تخت مرمر .



شکل ۲۰ ــ تخت مرمر ــ نقاشی ژول لورنس درسال ۱۲٦٤ ه.ق.

مرحوم عبدالله مستوفی در «تاریخ اداری واجتماعی دوره قاجاریه» بی‌آنکه مدرك وسندی نشان‌دهد بنای ایوان تخت مرمررا ازآغا محمد خان دانسته وچنین نوشته است «این پادشاه علاقه به‌باقی‌گذاشتن نامِ خود از راه ابنیه عالیه نشان نداده وازاو جز تخت مرمرکه اسلوب ساختمان آن همان‌طرز ساختمان تالارهای عمارت‌کریمخانی شیراز واثر هوی وهوس دوره اسارتش بوده است بنایی معروف نیست» ولی براین نوشته بی‌مدرك مرحوم مستوفی دراین مورد اعتمادی نیست بخصوص‌که درتواریخ عهد قاجاریه درجاهایی‌که عمارات و مساجد و پلهایی را که بدست سلاطین اولیه قاجار ساخته شده برشمرده‌اند ، هیچ نامی ازایوان تخت مرمر نبرده و این بناْ را بهیچ یك ازآنان نسبت نداده‌اند .



درسال ۱۲۰۶ هـ . ق . آغا محمد خان برای تسویه حساب خود با بازماندگان وکیل‌الرعایا لشگر بفارس‌کشید وپس‌ازکشش وکوشش‌هایی شهر شیراز را براثر خیانت حاج ابراهیم قوام شیرازی درحق لطفعلی خان زند ، بتصرف درآورد ، در روز هیجدهم شوال پس‌از سیزده سال‌که دوباره قدم درخاك شیراز نهاد ، پس‌از نبش قبرکریمخان‌که شرح آنرا درجای خودخواهیم آورد ، دستور داد قصر وکیل‌راکه ازبناهای زیبای شیراز ودارای پرده‌های نقاشی وآینه‌های قدی ومرمرها وستونهای بلند وزیبا ودرهای خاتم‌کاری وزرنگاریهای عالی بود ، ازبیخ وبن برکنند وسنگها وآینه‌ها وپرده‌ها ودرها وستونها ومرمرهای آنرا بتهران حمل‌کرده درایوان دیوانخانه‌که ساخته خود وکیل بود نصب نمایند .

بنابراشارات تاریخی اولین تغییراتی‌که درساختمان ایوان دارالاماره شاه زند داده شد درهمین زمان بود بدین‌گونه‌که پس‌از حمل ستونهای سنگی بلند ویك‌پارچه ومرمرها وآینه‌ها ودرها وپرده‌های نقاشی قصر وکیل ازشیراز بتهران ونصب آنها درایوان مزبور ناچار دروضع بنا نیز مختصر تغییری داده

سقف آنرا بتناسب ارتفاع ستونها بالا برده همچنین برای نصب آینه‌ها و پرده‌های نقاشی و کارگذاشتن درهای خاتم بعضی از طاقچه‌ها و طاقنماها را پر کردند.

متأسفانه ما از وضع اصلی ایوان قبل از تغییرات عهد آقا محمد خان وحتی کمی بعد از آن اطلاع صحیح ودقیقی در دست نداریم ومحققاً نمیدانیم که وضع اولیه ایوان وکیل به‌چه شکل وبه‌چه صورت بوده‌است ولی این مسلم است که در دوره‌های بعد تغییرات مداومی در ظاهر و تزئینات بنا داده شده‌است.

این ایوان بیشتر برای برگزاری سلام عام ومراسم عمومی از اعیاد وجشنها ومواقع دیگری از این قبیل، در وقت وهوای مساعد، بنیاد نهاده شده بود، با این‌که معلوم است در زمان آغا محمدخان در موارد مختلف از این ایوان استفاده میشد، ولی متأسفانه تاریخ‌نویسان در ذکر وقایع آن عهد از مکان ومحل سلامها وسایر مراسم سلطنتی بصراحت نامی نبرده‌اند.

آغا محمد خان تا سال ۱۲۱۰ هـ. ق. یعنی یکسال واندی پیش از کشته‌شدنش تاکشور را امنیت نبخشیده، مدعیان سلطنت وتاج وتخت را از میان نبرد، تاج شاهی برسر ننهاد[1] تا جاییکه بالاخره بزرگان کشور مصراً از او خواستند که رسماً تاجگذاری کرده برتخت سلطنت جلوس نماید.

مؤلف ناسخ‌التواریخ در این مورد نوشته است که «. . . بسیار وقت صنادید درگاه وقواد سپاه خواستار همی بودند که شهریار تارك مبارك را بتاج پادشاهی زیب دهد وچهار بالش سلطانی‌را برزبر تخت کیانی نهد پادشاه سخن آن جماعت‌را وقعی نمینهاد وملتمس ایشان‌را پذیرفتار نمیگشت همانا درضمیر داشت که در تمامت ممالك ایران چندانکه یك تن از در نافرمانی تواند

---

۱ – مرحوم محمدحسن‌خان تاجبخش (سالار همایون) چنین‌اعتقاد داشت که درسال ۱۱۹۳ هـ. ق. که آغامحمدخان درحوالی تهران بود، میرزا محمدخان دَوَلو ایلخانی ایل قاجار دردوازدهم ربیع‌الاول همان سال درشهر ورامین تاجی‌را که بدست یك زرگر ایرانی ساخته شده بود در زیر چنار سوخته سعدآباد ورامین برسر آغامحمدخان گذاشت وبهمین مناسبت خاندان او بنام «تاجبخش» معروف شدند وسپس این تاج را که ازمس مطلا بود باصفهان فرستادند که میناکاری گردید واینك درموزه سلطنتی گلستان محفوظ است. اما درکتابها اگرچه بعضی ازتاریخ نویسان جلوس سال ۱۱۹۳ هـ. ق. را متذکر گردیده‌اند ولی ازتاجگذاری ورامین یادی نکرده‌اند.

شد واندیشه مخالفت تواند درخاطر گرفت سررا بحمل تاج گران نکند وبرتخت تکیه نزند . این‌وقت‌که برمراد دست‌یافت وآرزو درکنار گرفت مسئول بندگان درگاه‌را باجابت مقرون‌داشت حکم رفت تا صنادید وشناختگان تمامت ایران‌در طهران حاضر شوند وساعتی نیکو اختیار ساخت آنگاه تاج کیانی‌راکه بجواهر بحار وجبال زینت ترصیع داشت برفرق فرقدان شاهی بنهاد وبازوبند دریای نور وتاجماه‌راکه رفیق آرزوی هیچ پادشاهی نبود بربازوی جهانگشای بست و رشته‌های لآلی منضود راکه هریك بیضه عصفوری یا بندقه کافوری مینمود ازیمین وشمال کتف ویال درآویخت وشمشیر جهانگشاکه از زبان مارگرزه ودندان شیر شرزه بکارتربود برمیان بست وبرتخت گوهرآگین بشریعت ملوك پیشین زمان وسنت سلاطین باستان برنشست بزرگان ایران واعیان امصار و بلدان وخاصان درگاه وسرهنگان سپاه ازدوسوی صف برکشیدند وتحیت وتهنیت فرستادند و بایادی متکاثره وخلاع فاخره مفتخر ومباهی گشتند» .

مورخ مزبور باانیکه داستان تاجگذاری‌را باشرح وبسط تمام سروده ودقایق آنرا معین‌کرده ولی بااین‌همه محل تاجگذاری وجلوس‌را متعرض نشده است بنابراین معلوم نیست‌که آیا این مراسم طبق معمول درایوان دارالاماره بوده یادرجای دیگر .

پس‌از کشته‌شدن آغامحمدخان در شب ۲۱ ذی‌الحجه ۱۲۱۱ هـ . ق . درپای قلعه «شوشه» درقفقاز باباخان برادرزاده او ازشیراز بتهران آمده بنام فتحعلی شاه زمام سلطنت ایران‌را دردست‌گرفت .

فتحعلی شاه برخلاف عم خود آغا محمد خان‌که شخصی بیباك ومقتدر ودرعین حال مقتصد بود وهمچون کریمخان زند بسادگی وقناعت وبدون تشریفات زیاد زندگی میکرد ، مردی بودکه کودك‌وار از زرق وبرق طلا۔ وجواهرات وجلال وشکوه وصله‌ها وادوات سلطنتی بسیار خوشش میآمد و نیز مراسم پرطمطراق و تشریفات مجلل و مطول درباری را بسیار دوست میداشت وخود نیز پی‌درپی برآداب ورسوم درباری هرچه بیشتر میافزود .

او بسیار مایل بودکه همچون سلاطین وشاهنشاهان مقتدر ومعروف ایران باستان چنانکه در شاهنامه و کتابهای تاریخ خوانده بود و یا همچون سلیمان ، نبی وپادشاه یهود درباری باشکوه تشکیل داده برتخت عاج وفیروزه وآبنوس وگوهرنشان برنشیند وتاج کیانی برسر نهد وتن وبرخودرا باجواهر گرانبها ورنگارنگ آرایش دهد وبدین‌گونه نه‌تنها شکوه وعظمت و ثروت ومکنت دربار خودرا برخ دیگران بکشد ، بلکه عدم عزم واراده واقتدار واقعی خودرا نیز بااین نمایش‌های کودکانه مخفی وپوشیده دارد . بنابراین وجود چنین ساختمان وایوان متقارن وشکوهمندی باروحیه وطبع فتحعلیشاه بسیار موافق افتاده درآرایش وتجلیل محل مزبور بیش‌ازپیش کوشیدوچنانکه تواریخ آن دوره گواهند ، وی دائماً بعنوان‌های مختلف ، ازقبیل برگزاری مراسم نوروز وسایر اعیاد وجشنها وپذیرفتن سفرا وفرستادگان کشورهای خارجه یاصدور فرمانهای مهم یاقصاص ومجازات مجرمین ومخالفین سلطنت ، جامه‌های زری رنگارنگ میپوشید ، تاج برسر مینهاد ، جواهرات‌گوناگون برخود می‌بست وسایر وصله‌های سلطنتی ازگرز وسپر وشمشیر وکمان‌دان وترکش وظروف مرصع وجواهرنشان‌را بدست پسران و اطرافیان خود میداد تا برگرد تختی که در وسط ایوان نهاده بود ، حلقه زنند و درحالیکه شهرها و ایالات زرخیز شمال غربی ایران‌را یکایك ازدست میداد وازضعف وبی‌ارادگی ولئامت وپول‌دوستی ، به عقد عهدنامه‌های ننگین تن درمیداد ، خود را بااین بازیهای کودکانه فریفته ، دلخوش میداشت .

آنچه ما میدانیم درزمان فتحعلی شاه دروضع ساختمان ایوان‌تغییرات مهمی بوقوع نپیوست وفقط طاقچه‌ها وطاقنماها ودرگاهی‌ها و ازاره‌های دو اطاق گوشواره و خود ایوان و غلام‌گردشهای طبقه دوم دو سوی ایوان را زرنگار ساخته باصورت سلاطین ایران وزنان ومردان جوان وزیبای فرنگی آراستند ودرحاشیهٔ بالای رف اطاقهای گوشواره قصایدی‌راکه درمدح‌فتحعلی شاه سروده شده بودگچ‌بری ورنگ‌آمیزی کردند .

ازوقایع مهمی که درهمان سال اول سلطنت فتحعلی شاه دربرابر این ایوان روی‌داد کورکردن علی‌قلی خان قاجار برادر خود فتحعلی شاه بودکه بیمی ازاو در دل داشت ومیخواست دست اورا ازکارهای دنیا کوتاه کند. هدایت دراین‌باره مینویسد: «. . . روز دیگر درایوان دارالاماره برمسند جلوس جای گرفت . . . پس فرمود تاصعود بایوان‌کند چون علی قلی خان راه برگردانیدکه ازباب ایوان داخل شود ازپس در اورا بدیگر جای بردند وازهردو چشم نابینا ساختند».

همچنین درسال ۱۲۱۷ ه. ق. نادر میرزا پسر شاهرخ افشار راکه مدعی سلطنت بود ومیرزا مهدی مجتهد مشهدراکه باعث شکست قوای افشاریه و ورود آغا محمد خان بمشهد گردیده بود، درحرم رضوی باتبرزین گردن زده بود - گرفتار ساخته سوار برالاغ وارد مشهد کرده با غل و زنجیر روانه تهرانش نموده بودند، در جلو همین ایوان بحضور فتحعلی شاه آوردند، فتحعلی‌شاه درظاهر ببهانه خونخواهی مجتهد مزبور ولی درباطن برای ازمیان برداشتن‌آخرین بازمانده نادرشاه افشار ومدعیان سلطنت دستورداد درهمانجا اورا کشتند.

درسال ۱۲۱۹ ه. ق. مهرعلی نقاشباشی دربار فتحعلی شاه دو تابلو بزرگ تمام قد ازفتحعلی شاه نقاشی‌کردکه یکی درحال جلوس برروی صندلی مرصع ودیگری بحال نشسته برروی سجاده مروارید دوزی است وهردو را بتناسب نخستین طاق‌نماهای سمت چپ وراست ایوان ساخته وبجای پرده‌های قبلی‌که‌گویا مجلس شکار وغیره بوده نصب‌کردند.

چون دراین‌اوقات دربرگزاری مراسم دربرابر ایوان تخت برای‌جلوس شاه ازتخت طاووس استفاده میکردند وبالطبع حراست وحمل ونقل وبازکردن وبستن پی‌درپی آن دراین ایوان باعث اشکال بود وازطرف‌دیگربعلت محفوظ نبودن ایوان امکان نداشت‌که تخت‌جواهرنشان‌را همیشه درآنجا مستقرسازند، ازاینرو زمانی پیش‌از سال ۱۲۲۱ ه. ق. (وشاید بسال ۱۲۱۹ ه. ق.)فتحعلی

شاه به‌حجاران وسنگتراشان معروف اصفهانی‌که درآن هنگام شهر هنری و صنعتی درجه اول ایران بود واستادان بزرگی درهررشته ازفنون درآنجاگرد آمده بودند ، امرکردکه تختی ازسنگ مرمر زرد معادن یزد ، برای جلوس «قبله عالم» بسازند تاهمیشه دروسط ایوان نصب وبرقرارگردد[1] .

طرح‌ریزی تخت خاقان ازمیرزا بابای شیرازی نقاشباشی وسرپرستی حجاری آن بااستاد محمد ابراهیم اصفهانی ، حجارباشی دربار بود . عده‌یی ازحجاران دیگرازجمله : استاد محمد حسین ، استاد محمد باقر، استادمرتضی، استاد غلامعلی نیز اورا درساختن وپرداختن تخت یاری نمودند[2] .

---

۱ - میرزا صادق وقایع‌نگار درتاریخ «رطب‌اللسان» در «صفت سریر سلیمانی و اورنگ‌خاقانی که‌حسب‌الامر پادشاه جمجاه ازقطعات سنگ‌مرمر باصفا انجام یافته‌است» چنین می‌نویسد: « . . . حضرت رب‌العزت‌را حکمت بالغه مقتضی آمدکه درجنس جماد ازسه‌نوع حجر سه حجاره میمنت اثر را از سایر انواع بدولت ابدی و عزت سرمدی ممتاز فرماید . . . نخستین آنها حجاره حضرت موسی . . . دیگر حجرالاسود کعبه معظمه است . . . و ثالث آنها سنگ گردون هنگ است‌که سریر خسرو گیتی پناه ازآن پرداخته آمد . . . باقتضای حکم تقدیر خاطر خطیر سلطنت باین مطلب تعلق‌پذیرگردیدکه سریری مبنی برچهار ذرع طول و سه ذرع عرض ازقطعات سنگ مرمر باصفا مرتب آید حالی حجاران فرهاد صنعت آزر حرفت اقلیدس اندیشه فرهادپیشه از قرار طراحی کلك نیرنگ‌ساز وحیدالزمانی بهزادالدورانی میرزا بابای شیرازی نقاش‌باشی سرکار پادشاهی اورنگی چون نگارخانه ارتنگ مصور بتصاویر دلکش ومنبت بتماثیل پریوش مشتمل بربیست و شش پایه آراستندکه تاخسرو سیارگان برسریر سیمین مرصع قدم نهاده دیده بمشاهده چنین سریری نگشاده است . . . پایه‌های آن سریر خلافت مصیر را بترکیب لعبتان پری‌پیکر ومهوشان سیمین برمنبت نموده‌اندکه بعضی پابرسرشیران نهاده وپاره‌ای قدم برفرق دیوان قوی پیکر . . . سایر صفات وقطعاتش بانواع تصاویر وتماثیل ازوحوش وطیور و ملك وپری منقش ومنبت است دراطراف دست‌انداز ودیواره‌اش بجای قباب زرین قطعات سنگ سمین بهیأت لعبتان پری‌پیکر تراشیده‌اندکه هنگام طلوع خسرو سیارگان و جلوس پادشاه گیتی‌ستان تعطیر دماغ جان و ترویح مشام جان‌را هریك دسته‌گلی دردست دارند وشاخ سنبلی برکف... ومنبع فواره زرین مرصعش‌را درجنبی پشت‌انداز آن تخت فلك رفعت بصورت دو مناره بدیع تعبیه نموده‌که هنگام جلوس میمینت مأنوس آن دو منبع عطر ازگلاب ناب پرآید وبعدازآن بعطرافشانی دربساط . . . خسروانی خالی . . . حضرت صبا را در تاریخ اتمام این تخت فلك رفعت . . . قصیده بسلك نظم منسلك‌گردیده بخط دلارای ملك‌الکتاب سلطانی آقا مهدی طهرانی درکتیبهٔ آن سریر خلافت منبت ومثبت است .

۲ - لرد کرزن درکتاب خود بنام «مسئله ایران و ایرانیان» ج ۱ ص ۳۱۳ این تخت را به‌کریم‌خان زند منسوب داشته ، مینویسدکه آنرا درزمان کریم‌خان زند درشیراز درتالار قصر وکیل‌که

بقیه حاشیه درصفحه بعد

چون این افسانه درمیان ایرانیان معروفست‌که سلیمان نبی وپادشاه یهود دارای اقتدار فوق‌العاده‌یی بوده ودربار باشکوهی داشته‌است (بهمین علت‌هم درایران هربنا وساختمان عظیمی‌که بوده باو نسبت داده شده مانند مسجد سلیمان ، تخت سلیمان ، زندان سلیمان ، قبر مادر سلیمان وغیره) ازجمله اشیاء عجیب وغریب دربار او تختی بوده‌که بهنگام ضرورت دیوان وپریان آنرا بردوش خودگرفته درآسمانها برروی ابرها بگردش درمیآوردند ودر هرجاکه سلیمان اراده میکرد فرود میآوردند ، ازاینرو بمناسبت افسانه مذکور وتشبیه فتحعلی‌شاه دراقتدار وثروت وشوکت به‌سلیمان این تخت‌را «تخت سلیمانی» نامیدند ومطابق توصیف افسانه واعتقادی‌که داشتند آنرا بردوش دیوان وپریان استوار ساختند .

همچنین ازفتحعلی خان صبا ملك‌الشعراء دربار فتحعلی شاه خواستند که قصیده‌یی در مدح شاه یا «سلیمان زمان» سروده و ضمناً ماده تاریخ ساخت تخت‌را نیز درآن بگنجاند .

فتحعلی خان قصیدهٔ مطولی دراین مورد سرودکه فقط ۱۷ بیت ازآن بتعداد ترنج‌های داخل وخارج طارمیهای تخت انتخاب گردید ودرآخرین‌مصرع آن نام وتاریخ ساخت تخت (۱۲۲۱ هـ . ق .) را بحساب جمل قیدکرد .

پس از آمـاده شدن قصیده هریك از مصرعهـای آنرا در داخـل ترنجی بخط نستعلیق بسیار خوش نوشته برجسته‌کاری‌کردند وسپس تمام خطوط وسایر قسمتهای برجسته تخت‌را باآب طلای اشرفی زرنگاری کرده

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

سپس محل تلگرافخانه هند و اروپایی شد گذاشته بودندکه سپس توسط آغا محمدخان بتهران انتقال داده‌شد ، وگویا به‌تبعیت از او یا پروفسور هرتسفلد در ص . ۸ «راپرت درباره حالت کنونی اطلال شهر پارسه» بوده‌که آقای مجتبی مینوی نیز در ص . ۱۶۵ کتاب «وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان» آنرا «تخت کریم‌خانی» نامیده‌است . ولی بشهادت اشعار دور تخت و اینکه درجای دیگر جز کتاب کرزن وهرتسفلد این تخت بکریم‌خان نسبت داده نشده است ، شکی باقی نمیماندکه این تخت مسلماً درسال ۱۲۲۱ هـ . ق . بدستور فتحعلی شاه ساخته‌شده واصلا درزمان کریم خان وجود نداشته است .

برای نصب درایوان آماده ساختند . چون شرح جزئیات تخت بجای خود گفته خواهدشد ازاینرو بهمین مختصر اکتفاکرده سخن خودرادرباره تاریخچه ایوان دنبال میکنیم :



تهران در آن زمان در تابستانها بعلت گرمای شدید وعدم بهداشت وعفونت هوا وبروز امراض مختلف ازجمله بیماری مسری وخطرناك وبا ، تاحدی غیرقابل سکونت میگردید ، ازاینرو اکثر اهالی شهر برای فراراز گرما وحفظ جان خود وبستگانشان ازبیماریها راه روستاها وقصبه‌های خوش آب وهوا وخنك اطراف تهران‌را درپیش میگرفتند ، فتحعلی شاه نیز باحرم ودم ودستگاه بسیار مفصل خود ، همراه با درباریان و وزراء ورجال ولشگریان وحتی فیلها بعلت نبودن مراتع وسیع دراطراف تهران بنابریك رسم کهن به‌چمن سلطانیه نزدیك زنجان حرکت میکرد . این ناحیه از زنجان بعلت داشتن آب وهوای خنك وسالم و وجود مراتع فراوان وهمچنین بعلت وجود چند قصر کوچك دراطراف مقبرهٔ سلطان محمد خدابنده الجایتو برای اطراق ونصب خیمه وخرگاه خاقان بسیار مناسب بود و اردو وشاه تاهنگامیکه علف مراتع وچمنهای آنجا اغنام واحشام وایلخی اسبان دربار ولشگریان‌را تکافو میکرد درآنجا میماندند وچون علف رو باتمام میگذاشت راه اصفهان یا همدان و تبریزرا درپیش میگرفتند .

درتابستان سال ۱۲۳۲ هـ . ق . که‌بنابرمعمول سنواتی فتحعلی شاه در چمن سلطانیه اردو زده بـود ژنرال لیوتنان الکسیس پتروویچ یرمولوف (Iermolof) که بفرماندهی کل قوای گرجستان منصوب شده بود ، بعنوان سفیر کبیر ازطرف الکساندر اول امپراتور روسیه ، مأموریت یافت‌که بدربارفتحعلی شاه آمده عهدنامه دائمی بین ایران و روسیه‌را امضاءکرده سرحدات گرجستان را معلوم سازد .

ژنرال مزبور علاوه براین ازجانب امپراتور حامل مقداری هدایای

گرانبها برای شاه وشاهزادگان ونیز ازجانب امپراتریس حامل هدایایی برای زنان شاه بود .

یرمولوف درسلخ جمادی‌الاولی ۱۲۳۲ هـ . ق . مطابق هفدهم آوریل ۱۸۱۷ میلادی بسوی ایران رهسپار گردید وچون بسلطانیه رسید فتحعلی شاه دو نوبت اورا به‌حضور پذیرفت .

بار اول درهفدهم رمضان ۱۲۳۲ هـ . ق . بودکه بمذاکرات سیاسی وشرایط اجرای عهدنامه گلستان گذشت وبار دوم دربیستم رمضان که روز تعطیل بود هدایاراکه دیرتر ازخود سفیر رسیده بود ، ازنظر شاه گذرانیدند .

تاریخ‌نویسان ایرانی فهرست هدایای الکساندر اول‌را به‌فتحعلی‌شاه بطور کامل ننوشته‌اند ولی موریس دوکتزبو که از همراهان ژنرال یرمولوف بوده وسفرنامه‌یی ازاین سفر خود بایران پرداخته ، فهرست آنهارا درکتاب خود چنین آورده‌است :

۱ ـ یکدست ظروف بلور تراش .

۲ ـ یکدست ظروف چینی کار سن‌پطرزبورگ که در آنها صورت اشخاص باالبسه مختلف ممالکی‌که بادولت روسیه روابط صمیمانه داشتند (از جمله ایران) نقاشی شده و قسمتی از آنها نیز بدورنماهای اطراف سن پطرزبورگ وابنیه وقصور مهمه‌یی‌که درآن نواحی واقع است مزین بود .

۳ ـ یك جفت گلدان چینی بسیار زیباکه ازشاهکارهای صنعتی بشمار می‌رفت .

۴ ـ یك قاب بلورتراش بسیار بزرگ بطول یك آرشین‌ونیم .

۵ ـ مقداری قلیان بلور .

۶ ـ آینه بزرگی‌که دو فرشته برنزی جار بدست بدان متصل بود .

۷ ـ یکدستگاه اسباب بزك وآرایش زنانه‌که بشکل هرم ساخته شده وظاهراً آنرا باانواع چوبهایی‌که درخاك روسیه یافت میشود پوشانیده وبالوان طبیعی خود جلوه داده بودند . کارآن ازنظر صنعت درنهایت ظرافت واستادی

انجام گرفته بود ودرداخل آن قوه محرکه‌یی قرارداده بودندکه خود ابریشم‌را رشته یا می‌بافت .

۸ ـ ساعتی بشکل فیل‌که خرطوم وچشم وگوش آن درموقع کار حرکت میکرد وبعلاوه پایه آن دورنمای متحرکی داشت‌که بااحجار کریمه زینت شده‌بود .

۹ ـ مقداری تفنگ و تپانچه و قداره که هریك از بهترین کارهای کارخانه‌های اسلحه‌سازی «تولا» بشمار میرفت .

۱۰ ـ دو آینه متصل بهم بطول پنج آرشین (پنج ذرع) .

۱۱ ـ یك قلیان طلا .

۱۲ ـ سه کاردکه دسته آنها باالماس برلیان زینت شده بود .

۱۳ ـ جای توتون یا انفیه‌دان مرصع .

۱٤ ـ مقدار زیادی انگشتر والنگو وساعت .

۱۵ ـ دو طاقه پوست سمور سیبری .

۱٦ ـ سه جیقه الماس از شاهکارهای جواهرسازی دربار سلطنتی روسیه .

اما آنچه ازاین هدایا نصیب ایوان تخت مرمر گردید ، دوقطعه آینه بدن‌نمای بزرگ بودکه بدستور فتحعلی شاه آنهارا در دوطرف شاه‌نشین ایوان درقسمت فوقانی نصب‌کردندکه هنوزهم درجای خود باقی هستند وآینه سوم را چنانکه نوشته‌اند درشاه‌نشین عمارت بلور گذاشتند .



سروان جرج کپل‌که درسال ۱۲٤۰ هـ . ق . درتهران ازایوان تخت مرمردیدن کرده در سفرنامه خود پس از بحث راجع بمیدان ارگ مینویسد :

«این میدان هدایت میشود بحیاط دیگری‌که دروسط آن حوضی قرار دارد و بادرختان تبریزی احاطه شده‌است .

دیوان خانه درمنتهی‌الیه این حیاط قرارگرفته ودرایوان آن تخت‌مرمر

بزرگی هست که اعلیحضرت درمواقع فوق‌العاده برروی آن جلوس میکند .

دیوار وروکوب بنا از زیباترین موزائیك‌ها (کاشی معرق) ساخته‌شده و در ایوان مقادیر کثیری شیشه‌های رنگارنگ تزیینی که شکل گلهارا نشان میدهند بکار برده شده است .

سقف ایوان باآینه‌هایی که بوسیله تزییناتی بشکل گل ازهم جدا شده‌اند پوشیده شده‌است .

درهریکی ازطاقنماهاوطاقچه‌ها نقاشیهایی انجام گرفته ، دریکی مجلس شکار در دیگری مجلس رزم درسومی صورت پادشاه اما آنچه مرا پیش‌از همه جلب‌کرد سبك نقاشی تصاویر کوچك‌تر بود .

یکی ازپرده‌های نقاشی نادرشاه‌را نشان میدهدکه تاج‌را به‌پادشاه هند - پس‌از غلبه براو - بازمیگرداند . در دست راست نادر گرز سلطنتی ودردست چپش تاج سلطنتی هند قرار دارد ولی نگاه او چنان غضب‌آلود است‌که بنظر میرسد پادشاه هندرا برزمین میخکوب‌کرده‌است .

دومین‌صحنه انوشیروان‌را نشان میدهدکه یکی‌از «خلفا یا ائمه»‌را بار داده است . اما نقاش دقت نکرده‌است‌که انوشیروان پیش‌از پیغمبر اسلام فوت کرده ونمیتوانست بایکی ازاخلاف آن حضرت معاصر باشد .

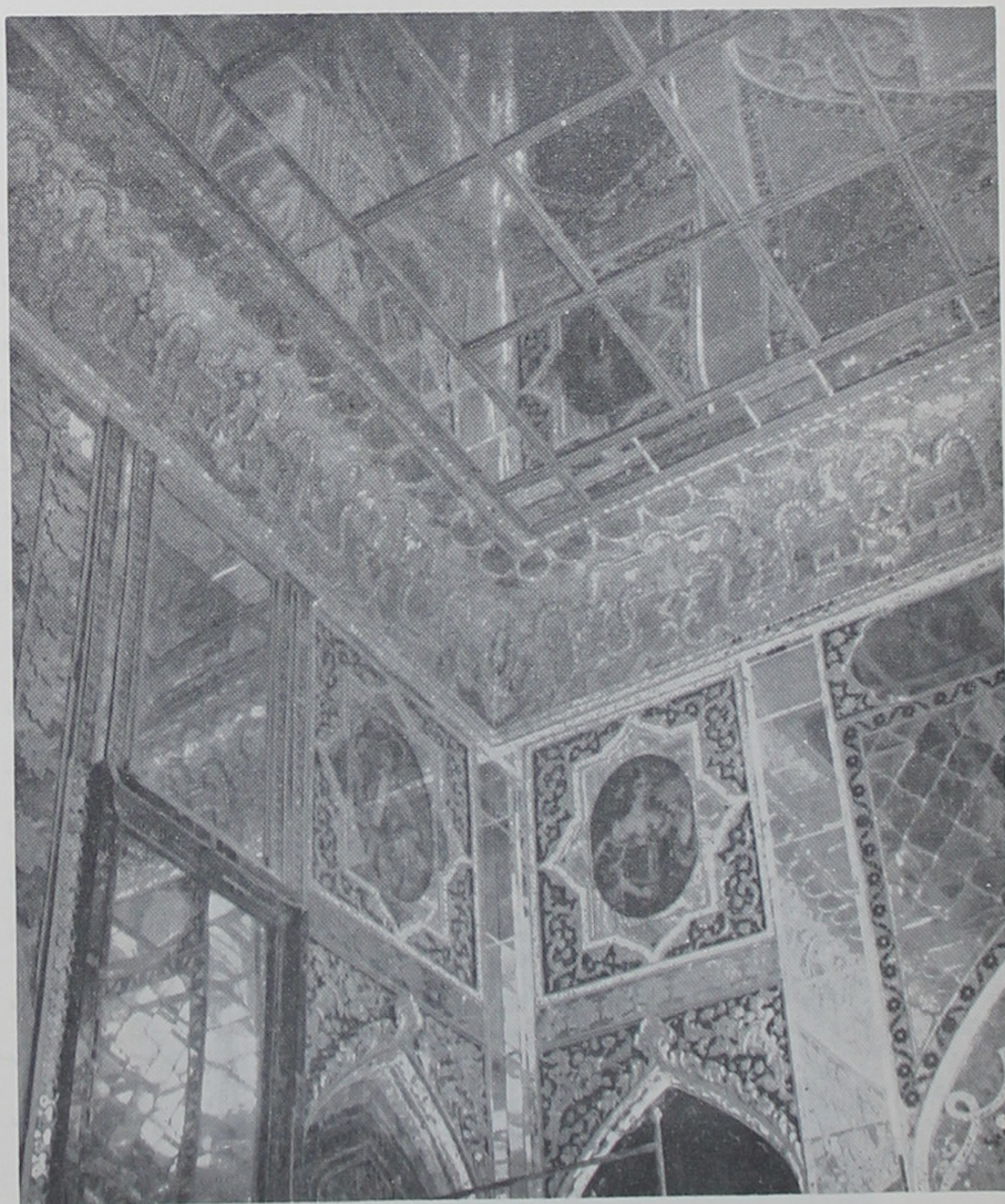
در تصویر سومی اسکندر مقدونی را درحالیکه بمباحثه افلاطون وارسطو گوش فراداده‌است مجسم نموده‌اند . پادشاه مقدونی بلباس جدید ایرانیان ملبس شده و دو فیلسوف بزرگ نیز درهیئت دو درویش معمولی نمایانده شده‌اند» .

ازنوشته این افسر انگلیسی راجع به‌ایوان تخت مرمر چنین بدست میآیدکه وضع نصب تابلوها درطاقنماهای ایوان درسال ۱۲۴۰ ﻫ . ق . باامروز اندکی فرق داشته و درطرف راست مجلس شکار و جنگ و پرتره (از داخل بخارج) و در طرف چپ تابلو تاجبخشی نادر وتصویر انوشیروان‌واسکندرنصب شده‌بوده‌است .

ازاین تابلوها اکنون تابلو مجلس شکارگاه شاه اسماعیل ومجلس رزم نادر بایکن‌پاشا و پرتره های فتحعلی شاه در جای خود موجودند، ولی ازتابلو اسکندروانوشیروان وتاج‌بخشی نادر خبری نیست‌وبجای آنهاپرده‌های نقاشی دیگری نصب شده‌است‌که بموقع خود شرح خواهیم‌داد.

در دوران سی‌وهشت‌ساله سلطنت فتحعلی شاه اگر فصل وهوامناسب وشاه درتهران بود، مراسم سلام‌ها وجشنها واعیاد اغلب درهمین ایوان تخت مرمر برگزار میگردید، وتشریفات وآیین آن نیز بسیار مفصل ومتنوع بود وبرای اطلاع از چگونگی رسم و آیین سلام عام عهد فتحعلی شاه اینك شرح سلام (سال ۱۲۴۸ هـ. ق.)را ازجلد نهم روضة‌الصفای ناصری عیناً نقل میکنیم تادرضمن ازطرز نگارش تاریخ‌نویسان آن زمان نیز مطلع گردیم:

«ودر روزپنجشنبه درعمارت دیوانخانه دارالخلافه برتخت مرمرخاص برآمده جلوس فرمود، نخست باخبار امنای دولت واحضار امرای حضرت توپ‌های تنین‌تن، که‌درمیدان ارك علی‌الرسم نهاده ازبرای شلیك نوروزی آماده بود، بیکبار بخروش و غرش درآمدند، تزلزل در خاك سپهر برین درافکندند، آنگاه درنوبت‌خانه شاهنشاهی نوبت زنان دوال برطبلهای‌رویین آشناکردند ومطربان طرب‌انگیز بنواختن شهنای وسورنای وکرنای درآمدند، ملك‌زادگان حضور باخلعتهای کشمیری وچینی وشارهای رنگین وشمشیر وخنجرهای مرصع چندین‌جا زمین بوس‌کرده باطراف حوض جابجا ایستاده و دم‌بربستند، وامنای دولت از وزراء و مستوفیان و امراء وصاحب‌منصبان ارباب سیف وقلم واصحاب طبل وعلم باجلالت گودرزی وکفالت پیرانی، شرفیاب حضور آمده ایلچیان ولایات خارجه ازروس وانگلیس وروم ومصر وخوارزم وبخارا وسند وهند، هریك درمقام خود قیام‌گزیدند، وزیر دول خارجه حاجی میرزا ابوالحسن خان به‌ترجمانی هریك پرداخته تهنیت عید سعید معروض داشتند ومبارك‌باد استماع کردند، خطبای هبرزی (؟) خطبه‌های بلیغ خواندن‌گرفتند وشعرای رکاب قصیده‌های بدیعه معروض داشتند، فیلان



شکل ۲۱ ـ قسمتی از آینه‌کاریهای دیوار وطاقنماها وگلوئی وسقف ایوان تخت مرمر.



شکل ۳۲ ـ یکی از دو در خاتم که دردوطرف شاه‌نشین ایوان تخت مرمر قرار دارد.

منکلوسی که ازهند وسند وکابل وقندهار وهرات وکشمیر بپایه سریر اعلی فرستاده بودند ، باهودجهای زرین وسیمین وپیلبانان هندی وسندی بدیوانخانه درآمده چنانکه تعلیم داده بودند پیلان باخراطیم ورؤس تعظیم وزمین بوس نموده ودرکنار حوض صفه وسط خیابان بیارمیدند .

فرستادگان حکام وسفیران بلاد از نزدیك و دور هریك باعرایض و ره‌آورد وارمغان وپیشکش خویش بتوسط نواب حاجب بار ، اشیك‌آقاسیان دربار بحضور شاهنشاه آمده نقد وجنس خودرا عرضه‌کردند . بارگاه خسروی ازالوان بدره‌های رنگارنگ چون‌کارگاه آذری وارتنگ مانوی بود ولی فضای باغ از صره های زر ده‌دهی و سکه‌های شاهنشهی کوه زر رویان را در آتش حسرت میگداخت . پنجاه تن ازفرزندان زرین‌کمر مرصع خنجر مانند کواکب رخشان برگرد خورشید درخشان پرده‌زده بودند وهریك حامل یکی از ادوات مرصع و آلات مکلل خاصه گردیده سپر مرصع بیواقیت تابدار ولعل‌های آبدار در دست یکی چون چرخ پرنجوم متلاءلی بود ششپر زرین مکلل بلاآلی والماس‌را هرپره بخراج هفت اقلیم برابری همی نمود ، ازجواهر زواهر مخصوص‌که دراعیاد وایام جلوس زیب پیکر مبارك میگشت ، یکی حمایل محبره مماثل ودیگری کمر شمشیر وخنجر مرصع بودکه اندوختهٔ‌کان وپرورده عمان بهای عشرعشیر گوهری از آن نمیگردید ، وبازوبند شاهنشاه ظفرمندرا چهار قطعه الماس گرانبهای معروف‌که یکی‌را دریای نور و دیگری تاجماه وسیم نورالعین وچهارم‌را اورنگ زیبی ازعهد ابوالملوك کیومرث پیشداد الی زماننا هذا پنجم نیامده بربازوی توانای حضرت شاهنشاهی چون دریای نور وقرص قمر همی‌تابید .

اکلیل مبارك‌که شهره بکلاه کیانی است ومشتمل برهشت ترك‌ازگرزن پرویز بمراتب رخشنده‌تر همی‌نمود وتخت خورشید رخش‌را فخرپایه برفرق فرقدان همی سود . . . . » .

بهرحال چنانکه ازنوشته روضة‌الصفای ناصری برمیآید ، مراسم سلام

عام درزمان فتحعلی شاه درتخت مرمر باشکوه وطمطراق فراوانی برگزار میشد و گذشته از جامه‌های رنگارنگ مدعوین ومراسم خواندن‌خطبه و قصیده وغریدن توپها ونواختن نقاره‌ها خود شکل وهیئت «قبله عالم» نیز ازکثرت جواهری‌که بخود میآویخت ویادراطراف خود بنمایش میگذاشت بسیار جالب وديدنی بود .

سرابرت کرپورتر که در فاصله سالهای ۳۶-۱۳۳۴ ه . ق . در ایران بوده ودو جلد سفرنامه بسیار مفصل راجع باین دوره پرداخته است ، راجع بوضع وهیئت فتحعلی شاه شرحی نوشته‌که قسمتی ازآن‌را بمناسبت دراینجا نقل میکنیم :

کرپورتر مینویسد : « . . . او (شاه) لمعانی ازجواهر بودکه بچشم بیننده درنظر اول میدرخشید . . . یك جقه دارای سه شقه بالای سرشاه بود شکل جقه مخصوصاً نسبت بتاج پادشاه بزرگ ودراز بنظر میرسید . این جقه بطورکلی ازدانه‌های الماس‌ومروارید ویاقوت‌وزمردهای بزرگ تشکیل‌مییافت که‌بطور انبوهی پهلوی‌هم چیده شده‌بود وبقدری ماهرانه آن جواهرات‌راکار گذاشته بودندکه هنگام تابیدن نور ازسطح درخشان آن یك اختلاط‌وامتزاجی از زیباترین رنگها تشعشع مینمود . چندین پر سیاه مانند دم حواصیل با جقه درخشان او درهم آمیخته بود منتهی الیه یانقطه انحنای این جقه شاهی بمرواریدهای گلابی‌شکل بسیار درشت خاتمه مییافت .

جامه‌اش زربفت وتقریباً مانند تاج او مزین بانواع جواهر بود روی دوشانه‌اش دورشته مروارید قرار داشت‌که شاید بزرگترین مرواریدها درنوع خودش بود . من ملبوس اورا جامه نام میدهم زیرا ازگردن تا پایین کمرش را بطور چسبانی پوشانده بود وشکل برازنده‌یی باو میدادکه بامقام و هیئت وسیمای او کاملا برازندگی داشت و ازآن نقطه بپایین مبدل بیك دامن گشاد و بازی میشدکه جنس آن عیناً ازهمان جنس قیمتی بالاتنه بود .

اما ازحیث زرق وبرق وشکوه هیچ چیز با بازوبندهایی‌که بربازوی

او بود ونیز کمربندی که برکمرش بسته بود نمیتوانست برابری کند. اینها وقتی دربرابر نور خورشید قرار میگرفت، حقیقةً مانند آتش از آنها شعله برمیخاست».

ازلوازم وضروریات جلوس فتحعلی‌شاه درسلام عام وخاص درتخت مرمر معمولاً برسرنهادن تاج کیانی، بستن بازوبندهای «دریای نور» و «تاجماه» وآویختن حمایل‌های مرواریددرشت وبستن کمربند شرابه‌دار سلطنتی وشمشیر وخنجر جواهرنشان و دردست‌گرفتن گرز مرصع بود. سایروصله‌های مرصع وجواهرنشان سلطنتی‌را نیز بدست پسرها وجهانگیرخان گرجی‌وابراهیم خان گرجی دامادهای شاه میدادند وسپر ودبوس مرصع نیز مخصوص سپهدار بودکه در دست میگرفت وهمه اینها بطور نیم‌دایره در دور تخت شاه درجای مخصوص خود میایستادند.

یکی از مراسم سلام عام فتحعلی شاه در تخت مرمر این بود که پیشخدمت‌باشی سلام میرزا اسماعیل[1] قلیان مرصع مخصوص سلام‌را درپهلوی تخت در دست میگرفت ونی‌پیچ آنرا بدست شاه میدادکه گاهی پکی بآن‌بزند.

این قلیان‌که به «قلیان سلام» معروفست ازطلا ساخته شده و تمام قسمتهای آن باجواهر مختلف والوان ترصیع شده‌است. شکل میانه قلیان برخلاف قلیانهای امروزی بسیار کوتاه است وازیك سمت سرقلیان آن دو زائدهٔ پَرمانندکه فرخورده وبه‌خود پیچیده‌اند، بیرون آمده‌که برنوك آنها یك آویز جواهرنشان نصب شده‌است.

سر نی‌قلیان یعنی قسمتی‌که چوب یالوله نی‌پیچ باید درآن قرارگیرد بصورت سر اژدها (دهن اژدر) ساخته شده که از فك پایین وزیرگلوی آن دو شرابه یاقوت درشت آویزان است.

---

۱ – میرزا اسماعیل جدیدالاسلام پسر ملابابای کلیمی اصفهانی، درآغاز ازغلام‌بچه‌های دربار فتحعلی‌شاه بود وبعدها به‌پیشخدمت باشیگری سلام ومقامات دیگر ارتقاء یافت. فرزندان وی میرزا علی علی‌نقی‌حکیم‌الممالك پزشك مخصوص وآقارضا اقبال‌السلطنه عکاس‌مخصوص ومیرزاحسین‌خان احتشام حضور پیشخدمت ناصرالدین شاه بود. میرزا اسماعیل جد خاندان فرزانه مقیم تهران می‌باشد.

شرکت‌دادن این قلیان درمراسم سلام عام نوروزی تقریباً یك امر تخطی‌ناپذیر شده بود ، بطوریکه در دوره‌های بعدکه استعمال قلیان دراینگونه مراسم کم‌کم رو به‌منسوخ‌شدن نهاده بود وشاه دیگر نی‌پیچ آنرا در دست نمیگرفت ، بازهم پیشخدمت‌باشی سلام درجای مخصوص خود قلیان بدست میایستاد واین تشریفات بیهوده وبیمعنی‌را تاپایان مراسم بانجام میرسانید .



بنابرماده‌یی‌که درعهدنامه ترکمانچای گنجانیده شده وحمایت روسیه ازاولاد عباس میرزا درامر توارث سلطنت در آن قید گردیده بود ، پس از فتحعلی‌شاه محمد میرزا فرزند عباس‌میرزا نایب‌السلطنه‌که درتبریز بعنوان ولیعهد حکومت میکرد ، درسال ۱۲۵۰ هـ . ق . به‌سلطنت رسید ولی پیش از آنکه بتهران حرکت‌کند ظل‌السلطان عم او درپایتخت اعلام سلطنت نموده سکه وخطبه بنام خودکرده بنام علیشاه مدت نود روز پادشاهی‌کرد . ولی میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی با تدابیری که از پیش دیده بود ، محمد شاه‌را بالشگری انبوه ازتبریز بسوی تهران حرکت‌داد وچون اردوی شاه‌به‌نزدیکیهای تهران رسید ، ظل‌السلطان‌که دروازه‌های شهررا بسته قلعه بند نشسته بود ، هراسناك گشته به‌پیشواز محمد شاه شتافت وازکار رفته عذر خواست .

پس ازورود محمد شاه به‌پایتخت جلوس وتاجگذاری خاص‌درعمارت نگارستان برروی تخت طاووس انجام‌گرفت ولی جلوس دوم‌که توأم باسلام عام بود درتخت مرمر برگزارگردید . دراین مراسم قائم‌مقام ظل‌السلطان را برآن داشت‌که مانند زمان پدر خود خفتان مرصعی‌راکه روی ماهوت گلی دوخته شده بود وازملبوس خاص آغامحمد خان بود پوشیده بهمان وضع سابق درایوان تخت مرمر درحضور برادرزاده خود بایستد وقائم‌مقام این‌وضع را علی رغم سفیر انگلیس‌که ظل‌السلطان‌را درادعای خود یاری کرده بود ، پیش‌آورد وبیش‌ازهمه سعی داشت‌که سفرای دول خارجه این وضع‌را مشاهده

نمایند .

چون مدت سلطنت محمدشاه کوتاه وخود او نیز مرد علیلی بود ، ازاینرو در زمان او تغییرات عمده‌یی در تهران و عمارات سلطنتی بخصوص در ایوان تخت مرمر پیش نیامد .

شاهزاده روسی الکسیس سولتیکف که درسال ۱۸۳۸ میلادی مطابق باسالهای ۵۵ ــ ۱۲۵٤ هجری قمری مسافرتی بایران‌کرده وسفرنامه مختصری تحت عنوان «مسافرت بایران» پرداخته است درضمن مطالب کتاب خود وضع ایوان ومراسم سلام عید قربان‌را درعهد محمد شاه چنین توصیف میکند .

«روز عید قربان‌که درنزد مسلمانان بمنزله عید پاك ماست برای‌عرض تبریك درقصر شاه حاضر شدیم پس‌از دریافت تبریکات ما شاه روی تختی از مرمرسفید حجاری‌شده ومذهّب قرار گرفت ، این تخت سکوی عریضی بودکه برروی دوش وپایه‌هایی بشکل دیو وپری قرارگرفته بود ، ازاطاقی‌که‌کمی‌از سطح زمین بالاتر ویکطرف آن مانند صحنه تماشاخانه کاملاً باز است محلی نمایان بودکه آنجا شاهزادگان بلافصل ، اعیان ، اشراف ، علماء ، خانهاوقشون رسمی شاه وموزیك نظامی واسیران گرگان افغانی دیده میشوند .

این اطاق تخت سلطنتی زیباترین اطاقی است‌که من درایران دیده‌ام ودرباره تزئینات آن‌که بشیوه اسلیمی است نمیتوان درجای دیگر چیزی عالی‌تر ازآن بدست آورد یالااقل این تأثیری است‌که درمن نموده مخصوصاً وقتی‌که بعدها من بجزئیات آن دقت میکردم وبیهوده کوشش میکردم که‌ازآن طرحی بردارم موضوع بسیار مشکل بود . سقف آن بلند وازچندین طاق زیبا تشکیل یافته ولی فهمیدن نقشه عمومی آن مشکل است چه خطوط آنها درمیان مقدار زیادی نقاشیهای ظریف‌که ازرنگ وطلا میدرخشد ، گم میشوند .

این نقاشیها ، گلها ، زنان ، اسب‌سوارانی‌را نشان میدهد ودرجرزهای مقرنس‌که بدنه‌های آنها شیشه وطلا ورنگ‌های مختلف است ودرمیان آنها نظر خیره وتحیرآمیز گم میشود قراردارند .

درته تالار پشت تخت ، دیوار کاملاً ازیك پنجره عریض جناغی اشغال شده که جام‌های رنگین آن بادالبرهایی که باظرافت فوق‌العاده بریده شده هزار نوع گل تشکیل میدهد . شیشه‌ها درقابهای چوبی ظریف وسبك ، مانند تار عنکبوت کارشده ، دو دیوار طرفین که طاقنماهای جناغی درآنها است مانند سقف پرازنقاشی و تذهیب است و روغنی درخشان آنها را پوشانیده ، در ازاره‌های ایوان که مانند تخت ازمرمر سفید است بارنگ روغن گیاههای عجیب وزیبا نقاشی شده ، گفتم مرمر ولی شفافیت وظرافتی دراین سنگ هست که خوب میتوان تصور نمودکه نوعی ازسنگ رخام میباشد . . .

درهای دیوارهای طرفین وته تالار کوچك وکوتاه وتنگ واز خاتم وچوبهای مختلف وعاجی که بشکل طبیعی رنگ شده وازمس وسرب وصدف ساخته شده‌است .

همانطورکه گفتم دیوار چهارم دراین عمارت نیست وجرزهای کم‌عرض بلور یابهتر بگویم تزیین‌یافته از آینه ، سقف را نگاهـداشته‌اند ، پرده‌یی درآنجاست که آن روز باز بود وحیاط که پربود ازاشخاصی که لباس سلام پوشیده بودند ، دیده میشد .

من دراطاقی مجاور تالار تخت قرار داشتم وازمنظره حیاط برخوردار میشدم ، ولی باکمال تأسف شخص شاه‌را نمیدیدم . ملاحظه میکردم حاضرینی که‌محمد شاه بآنها خطاب مینمود . بدون اینکه محل خودرا ترك نمایند باو جواب میدادند وبقدر قوهٔ خود داد میزدند .

بزودی شاعری ازصف خارج شد و باین زبان زیبا و خوش‌آهنگ فارسی اشعاری درمدح صاحب عالیقدر خود خواند ، تقریباً درتمام مدت این تشریفات من گیج شدم واعصابم بیرحمانه ازصدای یك موسیقی خرد شد . اگر بارها این موسیقی‌را نشنیده بودم ، میگفتم موسیقی‌یی شنیده نشده ، این صدا ازمحل تنگی بشکل ایوان کمی دورتر ازحیاط سلام شنیده میشد . آنجا (نقاره‌خانه) چند ساززن فلك‌زده ایرانی ، درکرناهای عظیم خود میدمیدند ،



شکل ۲۳ ـ میانه و سرقلیان وبادگیر قلیان سلام با آویزها ونی‌دهن اژدر ، موزه جواهرات سلطنتی .



شکل ٢٤ — نمای ایوان تخت مرمر . نقاشی فلاندن درسال ١٢٥٦ ه.ق.

طبلهایی‌را بقوت هرچه تمامتر میزدند وبوقهایی‌را بصدا درمیآوردند . تمام اینها بدون اندازه بدون یك لحن مطبوع ، یك آهنگ بتمام معنی ناموزون وناهنجار و وحشی بود . هرروز صبح طلوع آفتاب وهرعصر غروب کوکب رخشان بااین نوا درهمین محل وتوسط همین هنرمندان سلام‌داده‌میشود...».



مراسم سلام نوروزی در دربار محمد شاه تقریباً بهمان سیاق‌که در دربار فتحعلی شاه معمول بود ، اجرا می‌گردید ولی بنظر می‌آید ، دراین‌دوره مقداری ازتشریفات کهنه وبی‌معنی آن حذف گردیده نسبت به‌دورهٔ قبل، اندکی ساده‌تر شده‌بود .

اوژن فلاندن جهانگرد ونقاش فرانسوی‌که درسالهای ۵۷ ـ ۱۲۵۶ هـ . ق . این مراسم‌را درتخت مرمر مشاهده‌کرده آن‌را چنین شرح‌داده‌است :

«وزیر مختار روسیه‌که درموقع اقامت دراصفهان کمك‌های فراوان بماکرده بودگفت اگر مایل باشیم میتوانیم بااو بحضور شاه برسیم . بااعضای سفارت روس بدربار رفتیم در پیشاپیش ما فراشان شاهی و قزاقهاکه گارد مخصوص سفارتی‌را تشکیل میدهند براه افتادند بااین‌وضع بحیاط داخل‌شدیم، نسقچیان شاهی ، تشریفات واحتراماتی‌راکه لازمه حضور سفیری است بجای آوردند ، این حیاط «تخت‌خانه» نامیده میشود زیرا تالار تخت درآن قرار دارد . درجلو تالار حیاطی است‌که کف آنرا با تخته‌سنگهای بزرگ فرش کرده‌اند ، دروسط حوض درازیست‌که پیوسته آب درآن جریان دارد و در دوطرف آن درختان میوه وشاخه‌های گل کاشته‌اندکه صفایی بآن میبخشد . دیوارهای آن متشکل ازطاقنماهایی است‌که برروی آنها نقش ونگارهایی باطرح ونقشه‌های مختلف ترسیم شده است ، این نقشه از قطعات کوچك آجرهای لعابی است‌که بشکل موزائیك درآمده‌است .

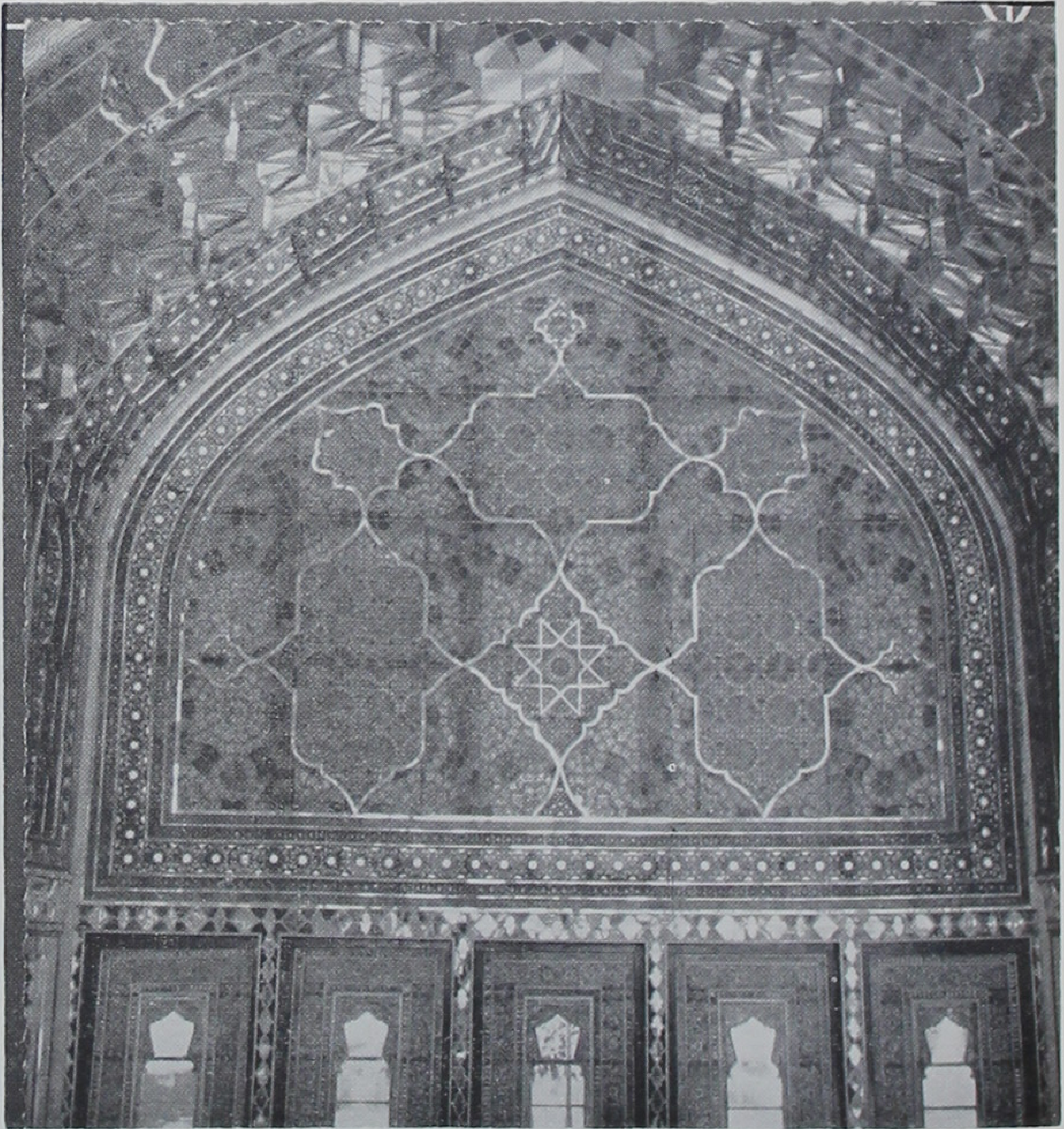
درجلو ایوان شاهی ، سکوی وسیع دیگریست‌که دروسط آن دو حوض تودرتو قرار دارد ، آنکه بزرگتر است مستطیل شکل وآنکه‌کوچکتر

است ودرداخل آن قرار دارد بسبك ایرانی واسلیمی ساخته شده‌است ، این حوض ازمرمر سفیدست وسه فواره داردکه آب ازآنها فوران نموده بروی حوض وپاشوره‌ها میریزد وبوسیله مجرایی بوسط باغ جریان مییابد . هوای این باغ بسیار لطیف وصاف است .

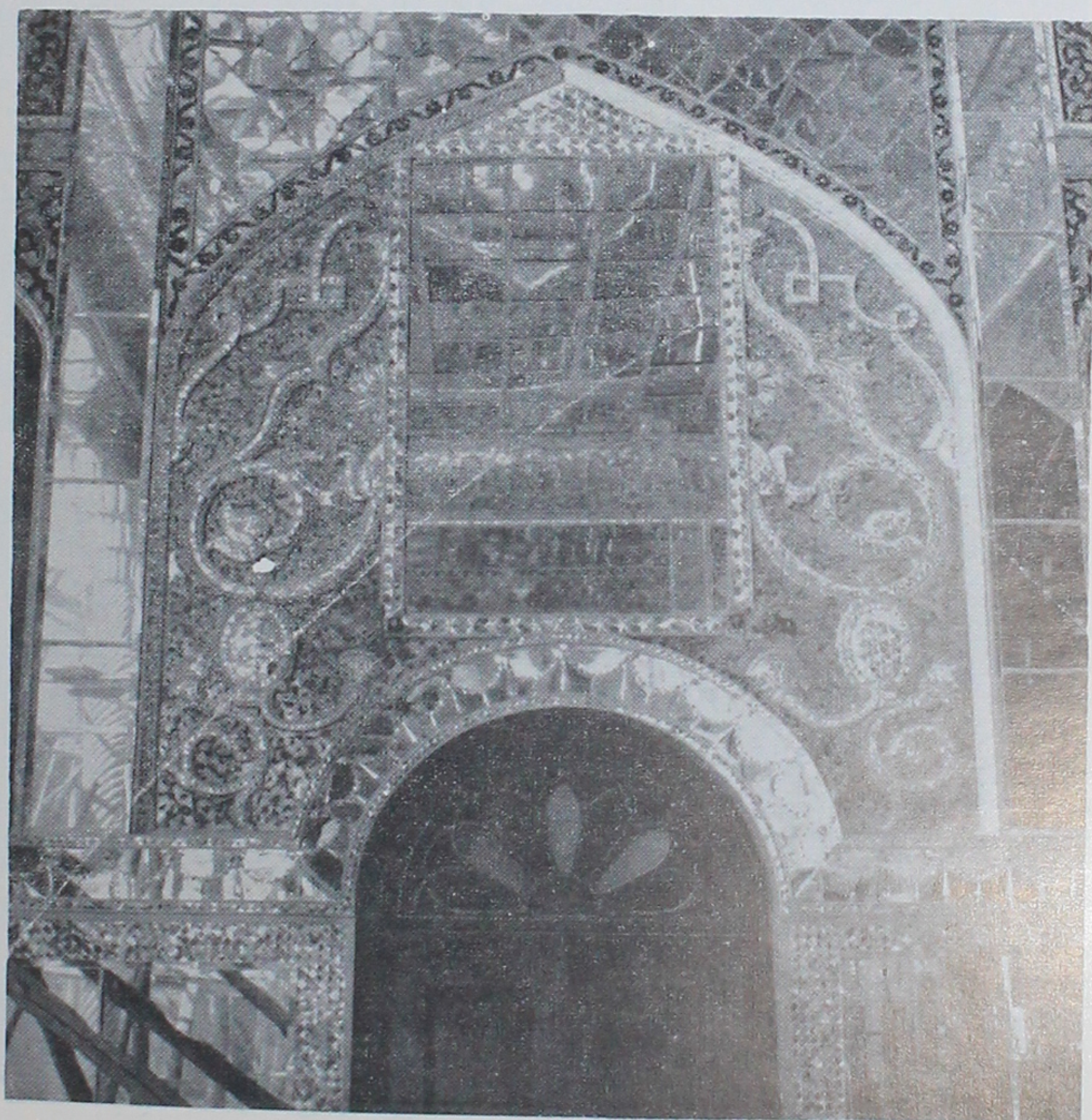
تالاریکه تخت درآن نصب شده‌است به‌سه‌قسمت تقسیم میشود . دروسط ایوان شاهی ودرطرفین دو اطاق برای تشریفات وپذیرائیست . این اطاقها باپنجره‌های خاتم ونقاشی تزئین شده‌اند وشیشه‌های رنگارنگ دارند . ایوان تخت درپشت پنجره‌یی دارد پهن وبلندکه ته تالار را گرفته است . جرزهای این پنجره از دوستون حلزونی شکل بسیار قشنگ تشکیل یافته‌که هریك ازسه‌تکه سنگ رخام مراغه ترتیب یافته است . هرپایه مانند سرستون ازسنگ یك پارچه وهرمیله ستون‌هم‌که چهار وپنج متر ارتفاع دارد ، نیز ازیك تکه سنگ یك پارچه می‌باشد . کلیه قسمتهای ستون منقش است ولی بطوریکه جنس سنگ‌را مشخص میسازد . نقش‌ها ازگل وبوته وشاخ وبرگ نباتات است . روی جرزها باآینه‌هایی‌که درچهارچوب‌ها گرفته شده‌است‌تزئین گشته دیواره سکویی‌که ستونهای ایوان برروی آن قرار دارد ازصفحات‌رخام پوشیده شده است . دروسط این صفحه‌های مرمر یك نقش برجسته‌یی است‌که جنگ شیر واژدهارا نشان میدهد وکارهای قدیمی‌را بخاطر میآوردکه ازآنها درقسمت تخت جمشید گفتگوکرده‌ایم . درقسمت بالای بناودرسرتاسر جلوخان آن طاق چوبی زده‌اندکه‌کنده‌کاری ونقاشی دارد .

این سقف ازتابش نور خورشید بداخل ایوان جلوگیری مینماید ودر جلو تخت‌خانه ، پرده‌کتانی بزرگی زده‌اندکه ازرنگهای مختلف ترتیب یافته است واگر بخواهند پرده‌را جمع‌کنند ، طنابهای آن‌راکه ازقرقره‌هایی‌گذشته است میکشند وهروقت بخواهند پرده‌را بیندازند ، طنابهارا باز میکنند تاپایین افتاده وازتابش نور جلوگیری نماید .

ایوان سلطنتی ازاشیاء وآلات گرانبها یعنی طلا ونقاشی وآینه تزیین



شکل ۲۵ ـ ارسی و کتیبهٔ زیبا و باشکوه آن‌که درشاه‌نشین ایوان تخت مرمر نصب شده است.



شکل ۳۶ ـ قسمتی از گچ‌بریها و آینه‌کاریهای دیوار شرقی ایوان تخت مرمر.

گشته وبردیوارها جایی نمیتوان یافت‌که خالی ازتزیین باشد .

دراین تالار تصاویر پادشاهان ، پهلوانان ، زنان وجنگجویان دیده میشود . درته تالار شاه‌نشین بزرگی هست‌که دروسط آن حوضی قرار دارد وآب ازفواره‌اش بشکل قطرات باران فرو میریزد ودربالای شاه‌نشین‌پنجره‌یی است‌که گلهای آبی ، قرمز ، زرد ، سبز باشیشه درآن ساخته شده‌ونورخورشید بزحمت ازآنها بداخل نفوذ میکند . طاق ایوان بخانه‌هایی چند تقسیم شده‌که هریك ازنقش‌ها وطرح‌ها وتزئینات مختلفی پرگشته است‌که چشم انسان را خیره میکنند . کف زمین‌را باقالی‌های بزرگ نفیس وگرانبها وزیبا مفروش ساخته‌اند دروسط این تالار تختی قراردارد‌که بنظرم چیزی ازاین تخت‌قشنگتر وعجیب‌تر یافت نمیشود . این تخت ازرخام سفید ونظیر ستونهای پشت تالار ساخته شده است وتقریباً مانند میز بزرگی است .

دو ستون‌کوچك درتکیه‌گاه تخت موجود است‌که مخدّه‌های شاه بآنها تکیه داده‌میشود در دورادور این تخت طارمیهایی است‌که بوسیله‌حجاری تزیین شده ومجسمه‌های کوچکی آنرا آراسته‌است . تخت یك متر ازکف‌زمین بلندتر است وپله‌کان دوپله‌یی دارد‌که بنظر میرسد برپشت دوشیر خوابیده قرارداده‌اند و سایر قسمتهای تخت شاهی نیز با پایه‌هایی بشکل مجسمه زنان پیشخدمت نمایانده شده‌اند وکلیه قسمتهای این تخت ازتزیینات وطلاکاریها پرگشته‌است . بدون شك این تخت‌را به‌تقلید بناهای تخت جمشید‌که‌پایه‌هایش ازصور انسانی است ساخته‌اند .

این شرح راجع باین بنا لازم بود داده شود تاخوانندگان بدانند جایی که‌سلام رفتیم چگونه جایی بود . بالاخره باوزیر مختار روس واعضای سفارت بیکی ازتالارهای عمومی تخت‌خانه وارد شدیم . درجلو این تالار باغ بزرگی بود‌که درآنجا مردم ازشانه هم بالامیرفتند وسعی داشتند شاه‌را به‌ببینند . درباریان و رؤسای نظامی وحکام ایالات برای نشان‌دادن فداکاری وعبودیت خود بشاه ، بهترین اسبها و شالهای ترمه و لباسهای قیمتی وپول وخلاصه

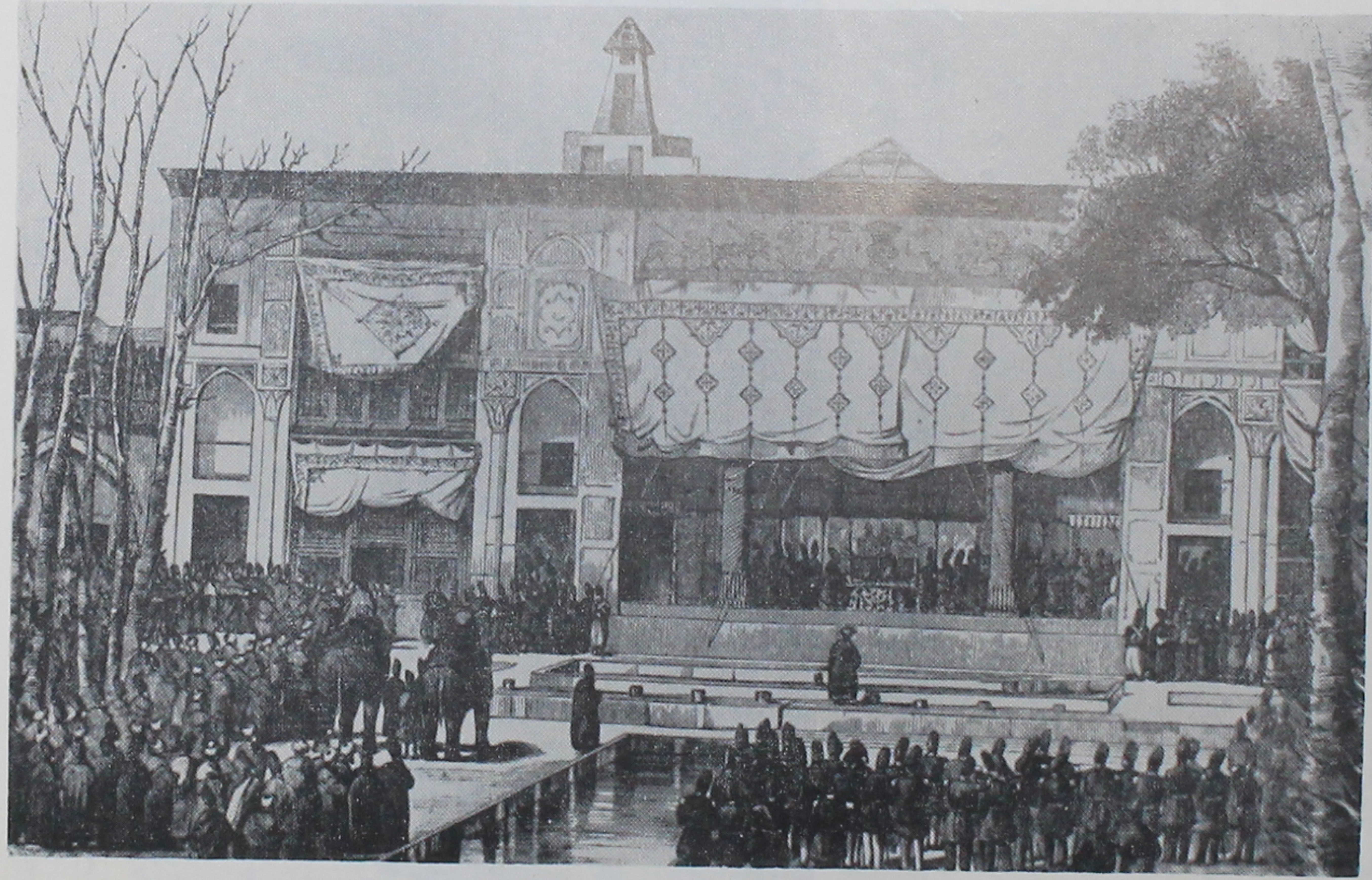
هرچیزی که مطابق شأن ومقام شاهی است برای خوش‌آیندش تقدیم مینمودند.
دراین سلام ازهمه نزدیکتر بشاه شاهزادگان وسپس بزرگان‌مملکت ، افسران ارشد ، درباریان ، مستخدمین دولت ، شعرا وآخر ازهمه کسبه ومردم ایستاده بودند .
موقعی که شاه باجواهر والماس ویاقوت ومروارید آراسته بود ظاهر گشت مردم بمجرد دیدنش سرتعظیم فرود آورده چندین مرتبه تعظیم نمودند وچند مرتبه سلام علیکم سلام علیکم باصدای غرا ادا شد . شاه درظرف این مدت بکلی ساکت وصامت بود وچون تعظیمات وتشریفات مقدماتی تمام‌شد ، شعرا پیش آمده بقصیده‌سرایی آغاز کردند و در خواندن این قصاید ، خودنمایی‌های فراوان کردند واستعارات وتعارفات‌را بمافوق تصور رسانیدند به‌طوری که عقل انسان ازدرکش عاجز میماند .
مردم چندین بار فریادکشیدند : «زنده‌باد شاه» . . . وچون شاه تشریفات‌راکافی دید مشت‌مشت سکه‌های صاحبقرانی بخشش‌کرد وچند تن‌را انعام وافر اعطاء نمود . . . » .



طرح‌هایی که اوژن فلاندن در سال ۱۲۵۶ هـ. ق. در عهد محمد شاه ازایوان تخت رسم‌کرده است، خوشبختانه وضع نمای ساختمان وداخل ایوان راپیش‌از تغییراتی که درعهد ناصرالدین شاه درآن بعمل آمده ، کاملاً برما آشکار میسازند ، ولی بعدها بعلت خرابیهایی که دربنای ایوان روی‌داد و نیز براثر تحولاتی که درنوع معماری وتزیینات بناهای ایران بخصوص درعمارات سلطنتی پیش‌آمد ، در حدود سال ۱۳۰۰ هـ . ق . بدستور شاه در بعضی از قسمتهای داخلی وخارجی ایوان واطاقهای دوطرف آن تغییراتی داده شده‌که بطور کلی شامل موارد زیر بود :
درخارج ایوان : ارسیهای (پنجره‌های کشویی) اطاقهای دوطرف‌ایوان یاگوشواره‌هاکه بعلت وجود نقاشی‌های صورت شاهان ایران به «نقاشخانه»



شکل ۳۷ ــ نمای ایوان تخت مرمر ، نقاشی فلاندن درسال ۱۲۵۶ ه . ق .



شکل ۲۸ – برگزاری مراسم سلام نوروزی درتخت مرمر درسالهای ۷۸ – ۱۲۷۷ هجری قمری .

معروف بودند برداشته شده بجای آنها در هردهنه سه پنجرهٔ دو «لتی» باطاقهای هلالی بشکل پنجره‌های اروپایی نصب‌کردند.

ایوانچه‌ها وطاقی‌های بالای در دهلیزهای ایوان‌را باکاشی معرق پرکرده دریچه‌های کوچك آنهارا که برای جریان هوا و خنکی، بغلام‌گردشهای ایوان راه داشتند، گرفته، کورکردند.

کاشیهای جِرزها وکتیبه‌ها وترنج ولچکی‌های نمای ایوان‌راکه اغلب بطرح قدیمی‌بودند تعویض‌کرده باکاشیهای طرح گلدانی وچدنی تزیین‌نمودند.

سایه‌بان وشیره‌سرهای پیشانی ایوان‌را عوض‌کرده هرهٔ جلو پشت بام ایوان‌را برداشته وپشت بام کاه‌گلی آنرا به‌شیروانی حلبی تبدیل نمودند.

حوض اسلیمی زیبا وتودرتوی جلو ایوان‌را بحوض بیضی ساده‌تغییر دادند.

در داخل ایوان: طاقهای جناغی و بزرگ غلام‌گردش‌هارا پرکرده برروی دیوار آنها آینه‌های قدی بزرگ نصب نموده دو طرف آینه‌هارا با گچ‌بریهای مارپیچی وگل‌سازی وآینه‌کاری تزیین‌کردند ونیز سقف دهلیزهای دو طرف‌راکه کف غلام‌گردشهارا تشکیل میدادند بلندتر ساخته جلو آنهارا دیوارکشیده دروسط دو درمنبت بزرگ باطاقهای هلالی نصب‌کردند.

جلوپنجره‌های مشبك طرفین شاه‌نشین ایوان را تیغه‌کشیده سفیدکاری نمودند ودوتابلو رنگ روغنی بزرگ از ناصرالدین شاه بر روی آنها نصب کردند[1].

---

۱ ـ درسال ۱۳۳۶ که بامر شاهنشاه آریامهر ایوان تخت مرمر دراختیار اداره هنرهای زیبای کشور قرارگرفت و تعمیراتی درآن بعمل آمد، نویسنده ضمن تحقیق تاریخچه بنا وجستجو درتصاویر سابق آن، پی‌بردم‌که درپشت دوتابلو طرفین شاه‌نشین باید پنجره‌هایی وجود داشته باشد، ضمن پیاده کردن تابلوها برای تعمیر ازفرصت استفاده‌کرده باآقای علی‌اکبر تقوی قسمتی ازتیغه را خراب‌کردیم واز زیر تیغه‌ها پنجره‌های مشبك پرکاری آشکارگردیدکه بعداً بدستور مقام ریاست هنرهای زیبا، تعمیر شده بحال سابق خود درآمد. اکنون نیز نویسنده برآنم‌که هرگاه از پشت ساختمان یا ازبالای درهای طرفین ایوان راهی بغلام‌گردش‌های سابق‌گشاده شود، احتمال زیاد هست‌که نقاشی‌های زیبایی ازعهد آغامحمدخان وفتحعلی‌شاه برروی دیوار وطاقچه‌های آن بدست آید.

حوض اسلیمی کوچکی را که در شاه‌نشین ایوان تخت قرار داشت برداشته کف شاه‌نشین را با آجر فرش کردند.

بطور کلی درطرز آینه‌کاری وتزیینات دیگر ایوان تغییراتی داده وضع آنرا تقریباً باآنچه درسابق بود عوض کردند.



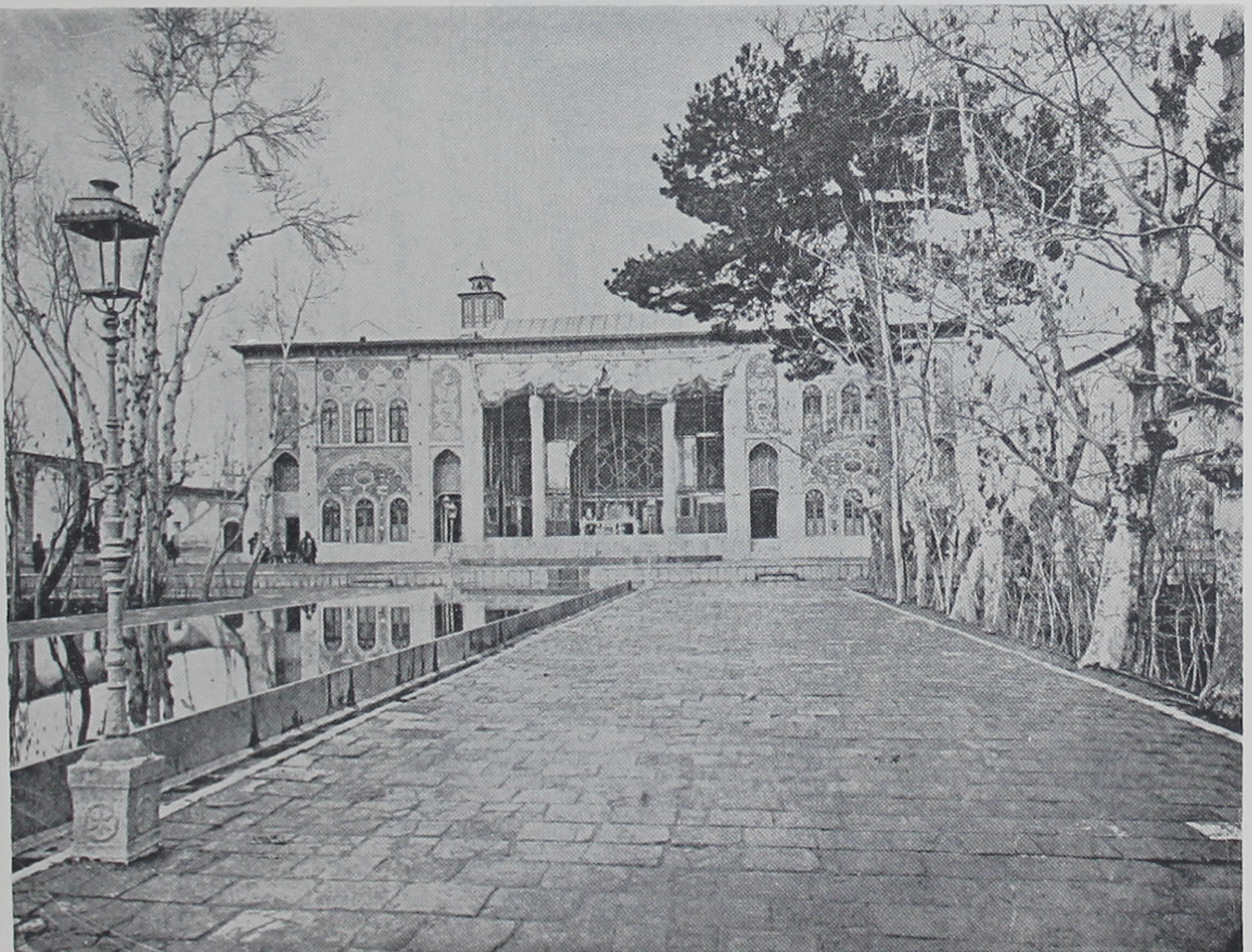
در عهد ناصرالدین‌شاه نیز چنانکه معمول سابق بود مراسم سلامهای عام بخصوص سلام عام نوروزی که در روز دوم عید برگزار میشد در ایوان و حیاط تخت مرمر بعمل میآمد.

مرحوم دوستعلی‌خان معیرالممالك که در این سلامها شرکت داشته و تشریفات آنرا بچشم خود دیده بود، مراسم آنرا بدین گونه شرح میدهد:

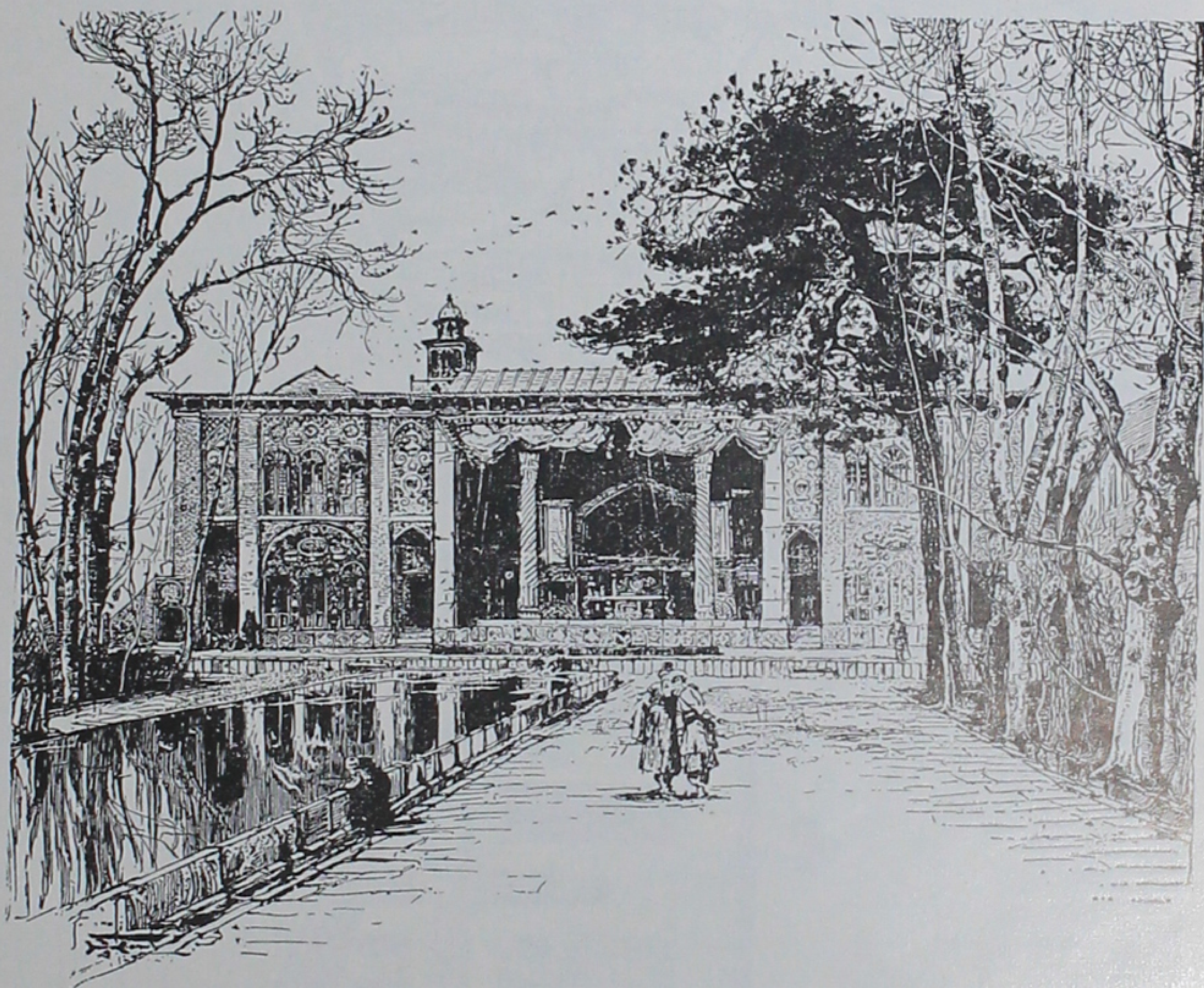
«روز دوم عید سلام عام تخت مرمر منعقد میگشت. شاه پس‌ازبیرون آمدن از اندرون در اطاق کوچکی جنب تالار برلیان جلوس مینمود تا ایشیك آقاسی‌باشی حضور سفرارا برای شرفیابی اعلام دارد. آنگاه به تالار برلیان میآمد و روبروی سفیرکبیرعثمانی ایستاده از سلطان و خود او احوالمیپرسید وشرح مختصری مبنی برروابط ویگانگی دولتین ایراد مینمود. سپس روبسفیر انگلیس کرده میگفت: «احوال خواهرمان ملکه انگلستان چطوراست؟» وبهمین‌ترتیب با دیگرسفرا صحبت داشته بهمه عیدی میدادکه با نهایت ادب سپاسگزاری نموده میپذیرفتند، در آن زمان قانون چنین بود که هر سفیری اقامتش درایران بیشتر بطول میانجامید، درشرفیابی وایستادن در حضورشاه بردیگران حق تقدم داشت..

دراین سلام شاهزادگان بزرگ حامل وصله های سلطنتی بودند، خطیب‌الممالك وشمس‌الشعراء و مخاطب سلام بالای حوض بیضی‌شکلی که درپای ایوان روی سکویی واقع بود میایستادند.

قدح‌های طلای میناکاری لبریز از شربت‌های گوارا دراطراف حوض میچیدند ودرهریك‌قاشقی چوبی قرارداده گیلاسی‌چند برگردش‌مینهادند....



شکل ۲۹ – ایوان وحیاط تخت مرمر پس‌از تغییراتی‌که در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه درآن داده شد



شکل ۳۰ ـ ایوان تخت مرمر وبرج ساعت آن درزمان سلطنت ناصرالدین شاه .

جانب راست ایوان مستوفی‌الممالك با جبه مفتول‌دوزی و نشان مکلل بتمثال همایونی میایستاد . . . ومستوفیان زیر دستش رده میزدند دردست چپ ایوان نایب‌السلطنه وزیر جنگ ایستاده ، سران سپاهی به ترتیب درجه و مناصب زیر دستش صف میآراستند .

بالکونیك روس با قزاقهای خود در یك طرف صف میکشیدند ، سایر طبقات از اشراف ورؤسای ایل قاجار وکشیك‌خانه و عمله خلوت درخیابان‌ها میایستادند . سفرا واعضای وزارت امور خارجه ودیگر اروپائیان دراطاق‌های طرفین ایوان می‌نشستند . چهار پیل دیوانی را نیز زینت نموده درانتهای فضا باز میداشتند[۱] .

همینکه همه‌کس و همه چیز بجای خود برقرار میشد صدای خبردار حسنخان آجودان‌باشی برمیخاست‌و شاه از در دیوانخانه با طمطراق تمام نمایان گشته با قدمهای بلند وارد ایوان میشد وبتخت برآمده با لنگری مخصوص برصندلی مرصعی‌که روی‌آن مینهادند قرار میگرفت . بمحض جلوس مجدداً حسن‌خان آجودان‌باشی‌که بعدها وزیرنظام‌وپس از چندی به سردار کل ملقب شد بصدای رسا آغاز سلام را اعلام میداشت و دفعتاً ده دسته موزیك سلام ایران را مینواخت وآنگاه شیپورچی باد بشیپورکرده متعاقب آن غرش توپها بگوش میرسد وتا شاه برتخت بود شلیك ادامه داشت .

از سردر نقارخانه نیز نقاره‌چیان باد برکرنا و سرناها نموده وطبلها را بنوازش درمیاورند ، چون موزیك خاموش میشد ، خطیب‌الممالك آغاز خطبه مینمود وپس از وی شمس‌الشعراء قصیده غرائی که در وصف عید ومدح ذات شاهانه سروده بود با آدابی خاص و حرکاتی مخصوص میخواند . سپس حکیم‌الممالك با شال و کلاه و چاقچور قصب سرخ قلیان نی‌پیچ سلام را در

---

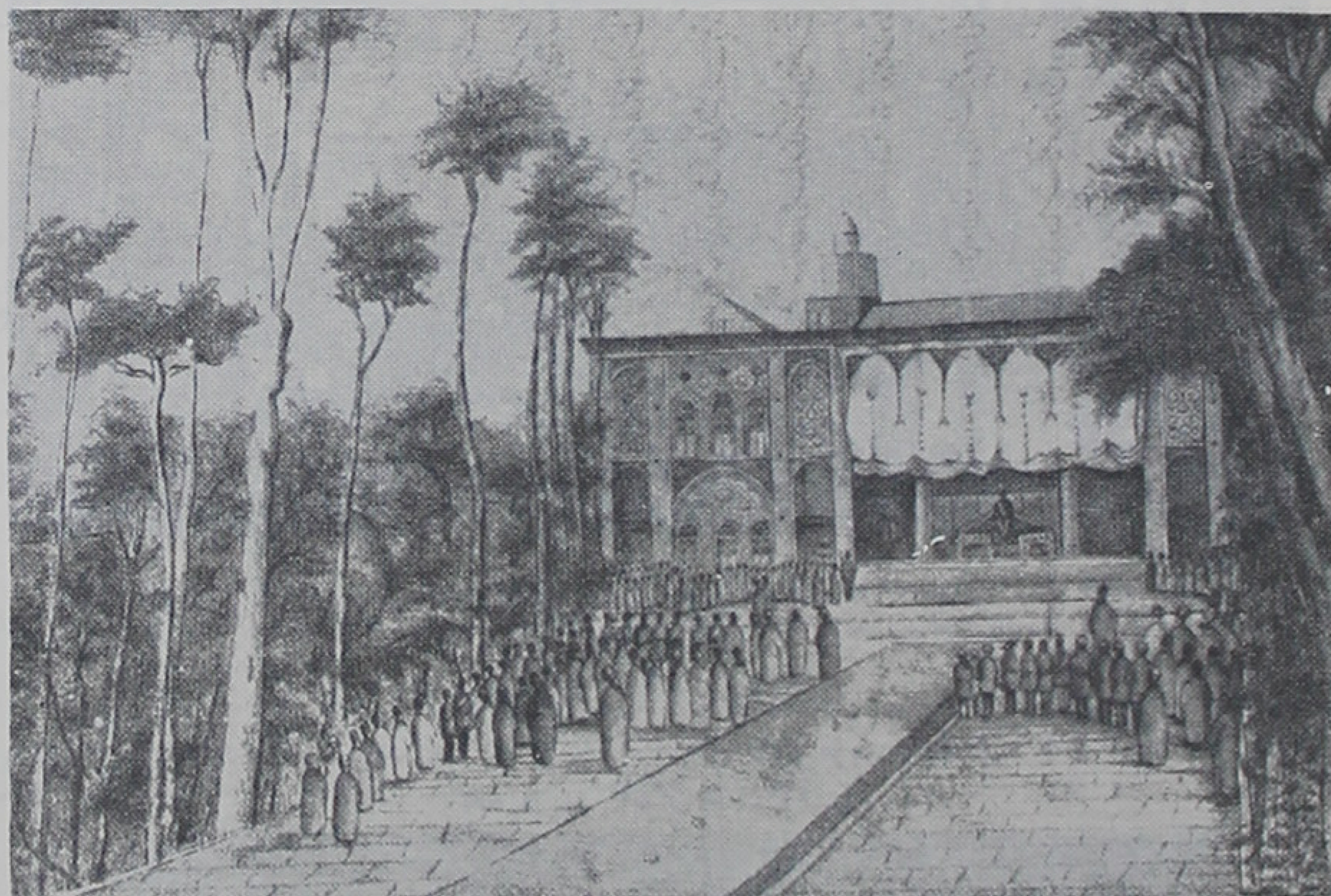
۱ - درزمان فتحعلیشاه نیز فیلها را درمراسم سلام عام تخت مرمر شرکت میدادند وبآنها یاد داده‌بودندکه دربرابر شاه زانوزده ، تعظیم نمایند . درسال ۱۲۸٤ هـ . ق . آقاخان محلاتی که‌درهندوستان متوقف بود سه زنجیر فیل و یك کرگدن بدربار ناصرالدین‌شاه فرستاده بود .

سینی مرصع بحضور میآورد واز تخت بالا شده آنرا در پای شاه مینهاد ونای را بدستش میداد ، شاه نیز علی‌الرسم بکشیدن میپرداخت . دراین وقت مخاطب سلام پیش‌میامد وشاه مختصری ازخوبی هوا وطراوت بهار وفراوانی وارزانی وامنیت وآسایش کشور با وی صحبت میداشت . او نیز پاسخهای مناسب داده از جانب مردم شکرگزاری مینمود . دراین روز تنها بارباب شمشیر و قلم عیدی مرحمت میشد . منشی‌الممالك با دوتن دیگر سینی های بزرگ پراز شاهی سپید ومسکوك زر را دور میگرداندند و هریك از آنان مشتی از آن برمیداشت» .

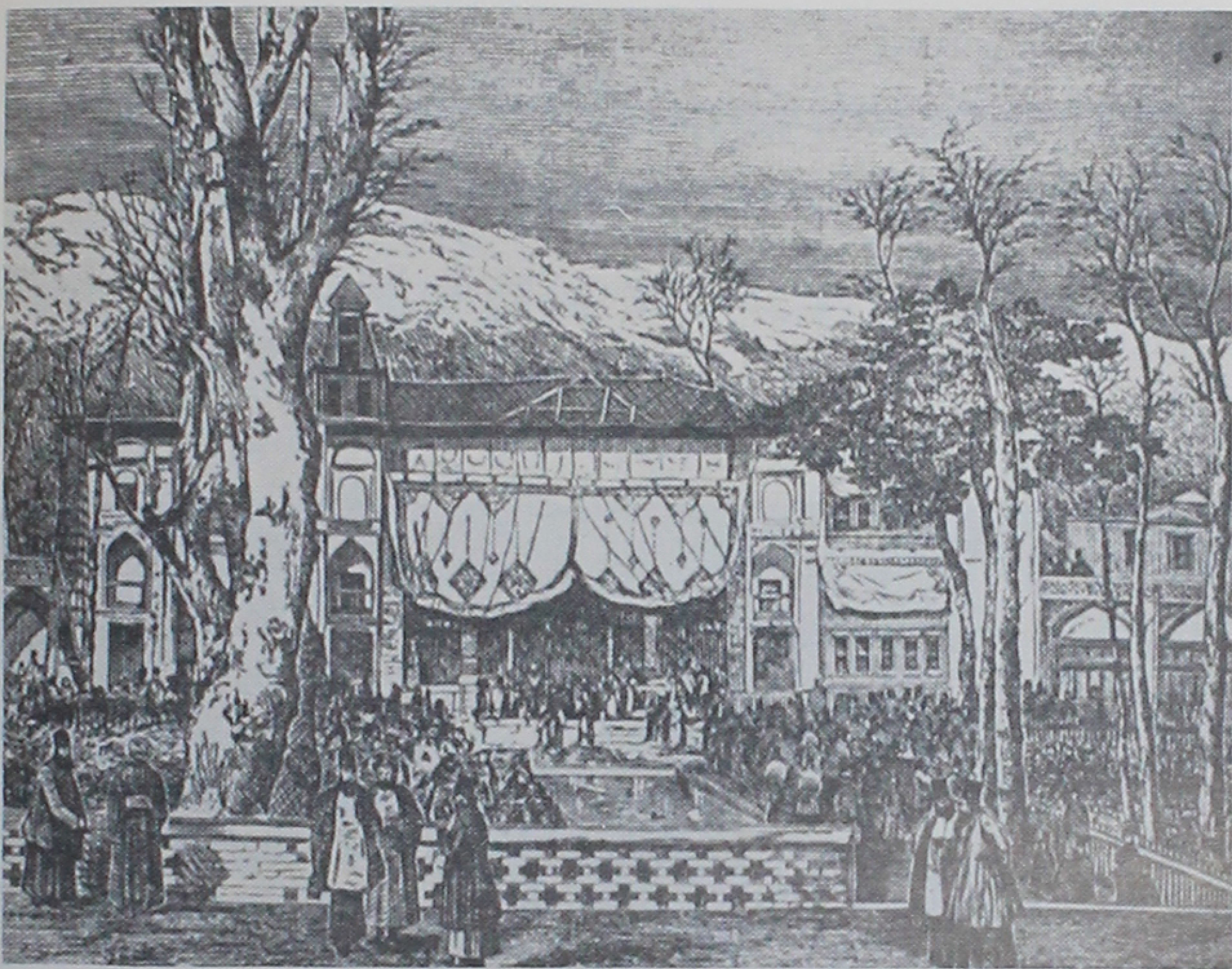


دراینجا بی مناسبت نیست واقعه‌یی را که در زمان ناصرالدین‌شاه در تخت مرمر روی داده از قول معیرالممالك نقل نماییم :

«در یکی از روزهای سلام هنگامیکه پیلان را از دالان مدخل دیوانخانه عبور میدادند یکی از آنها که چندان دراطاعت پیلبانان نبود و هیکلی عظیم و دندانهای بلند و سترگ داشت ناگاه هوای زندگی جنگل و زورآزمایی‌های گذشته بسرش زد و درمیان تماشاچیانی که در دالان گرد آمده بودند قهوه‌چی باشی بینوا را طرف خشم قرار داده بوی حمله‌ور گشت . او از شدت ترس دست‌وپا را گم کرده و خودرا بروی یکی از سکوهای دالان انداخت . دراین وقت پیل باوجود زنجیرهای سنگینی که بدست‌وپا داشت رسیده دندانهای پولادآسایش را بوی حوالت نمود . ازآنجایی که اجل قهوه‌چی باشی فرا نرسیده بود ، دندان‌های حیوان بدیوار آمده او بین آنها قرار گرفت . پیل از شدت خشم درشت نعره‌یی برآورد که دیوار وسقف دالان بلرزه درآمد ودندان‌های در دیوار فروشده را بقوت بالا کشید . از این ضربه دیوار سخت خراشید و خرده های آجر به اطراف پاشید ویکی از دندانهای آن وحشی از میان شکست . قهوه‌چی باشی نیز بپائین افتاده خودرا از مهلکه رهانید و چون بگوشه امنی رسید مدهوش برزمین غلتید ، پس اززمانی که بخود آمد بحضور شاهش بردند و انعامی شایان دریافت نمود . بامرشاه شکاف



شکل ۳۱ ــ مراسم سلام در تخت مرمر درسال ۱۲۷۶ ه. ق. نقل از روزنامه دولت علیه ایران .



شکل ۳۲ ــ برگزاری یکی ازسلام‌های عام درایوان تخت مرمر درحدود سال **۱۲۹۷** ﻫ . ق .

شکل ۳۳ ــ انعقاد سلام درعهد ناصرالدین شاه درایوان تخت مرمر. مخاطب سلام باجبه ترمه وشال کلاه درپیش ایوان ایستاده است .



65. DIE EMPFANGSHALLE DES SCHAH

دیوار را بحال خود باقی گذاشتند و دندان شکسته را بیادگار در موزه نهاده شرح واقعه را روی صفحه‌یی نوشته کنارش قرار دادند . . . .» .



سلامهای عام بعدازناصرالدین‌شاه نیز سالها بهمان وضع ورسوم سابق درایوان تخت مرمر برگزار میگردید ، ولی دیگر آن شکوه وترتیب دوره‌های قبل ، در آنها دیده نمیشد و سال بسال از تشریفات و لطف آن کاسته شده ، بکلی بمراسمی بیروح وبی‌نظم وترتیب تبدیل میگردید ، بخصوص در دوره حکومت محمدعلی میرزا که اوضاع واحوال مردم و کشور تغییر یافته بود و قاطبه ملت ایران ازطرز حکومت او دل خوشی نداشتند و جز درباریان متملق واطرافیان چاپلوس او کسان دیگری درسلامها شرکت نمیکردند وباین امور وقعی نمینهادند .

یکی‌ازسلامهای عام ومهم تاریخی‌که درایوان تخت‌مرمر برگزار گردید هنگام جلوس اعلیحضرت رضاشاه بزرگ درسال ۱۳۰۴ هجری شمسی بود .

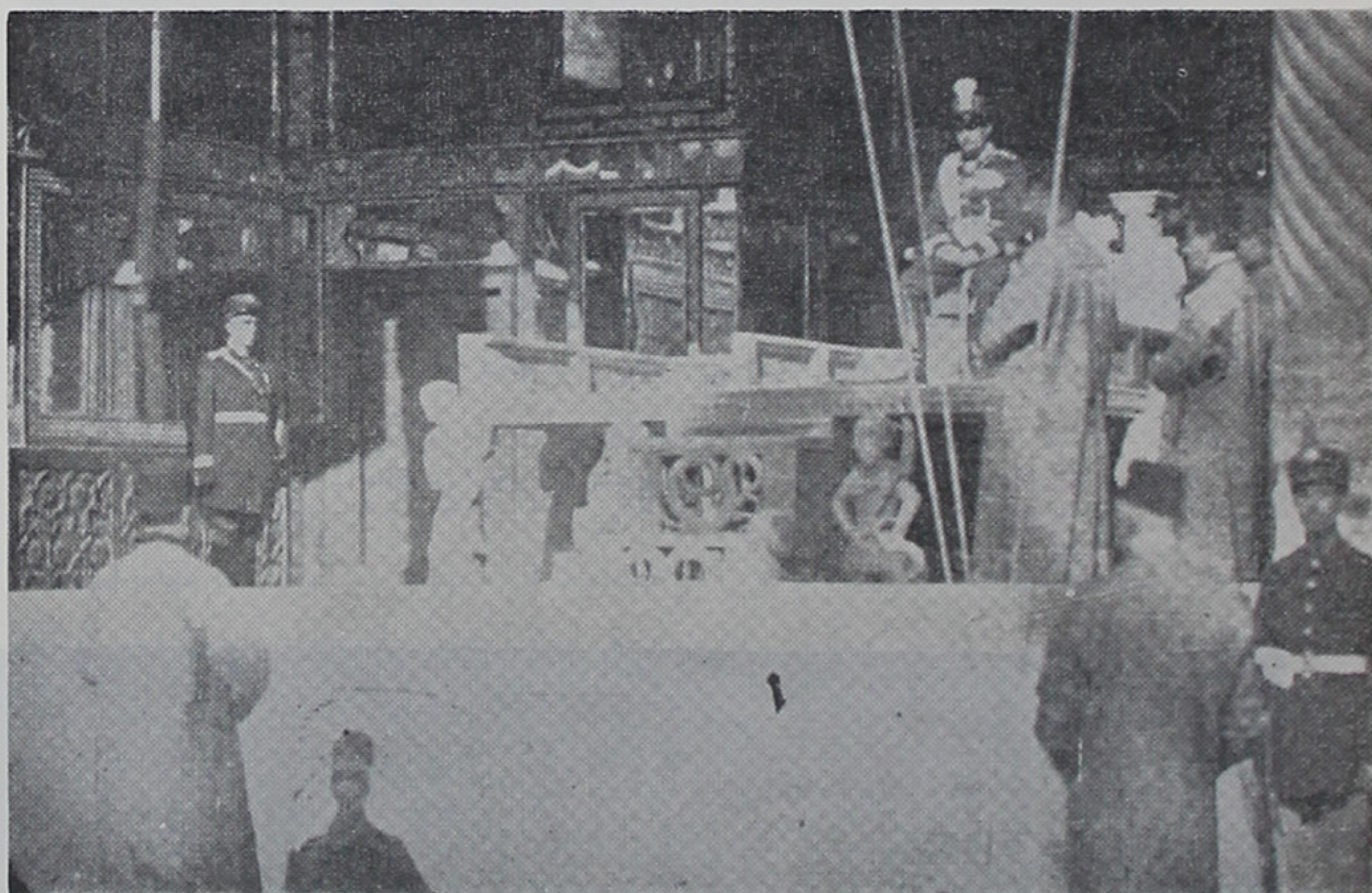
دراین سال پس از تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر سلطنت و قبول زمامداری ازطرف سردارسپه واجرای مراسم سوگند درمجلس شورای ملی ، برطبق سنن باستانی و سلطنتی ایران لازم بود که جلوس و سلام رسمی بعمل آید .

بهمین منظور در روز چهارشنبه بیست‌وپنجم آذرماه همان سال اعلیحضرت رضاشاه با لباس رسمی نظامی و کلاه پهلوی‌که جقه دریای نور را در جلو آن نصب‌کرده بودند با حضورنمایندگان مردم ووزراء ورجال وسفرای کشورهای خارجه وصاحب منصبان قشون‌ورؤسای مهم ادارات و غیره به تخت مرمر برآمده برروی صندلی طلا ومرصع جلوس فرمود وهنگامی‌که طبق‌معمول، رسوم وتشریفات جلوس از نواختن موزیك سلام و شلیك توپ و غیره بعمل آمد ، اعلیحضرت بیاناتی به مضمون زیر خطاب به حاضرین و مردم ایران ایراد کردند :

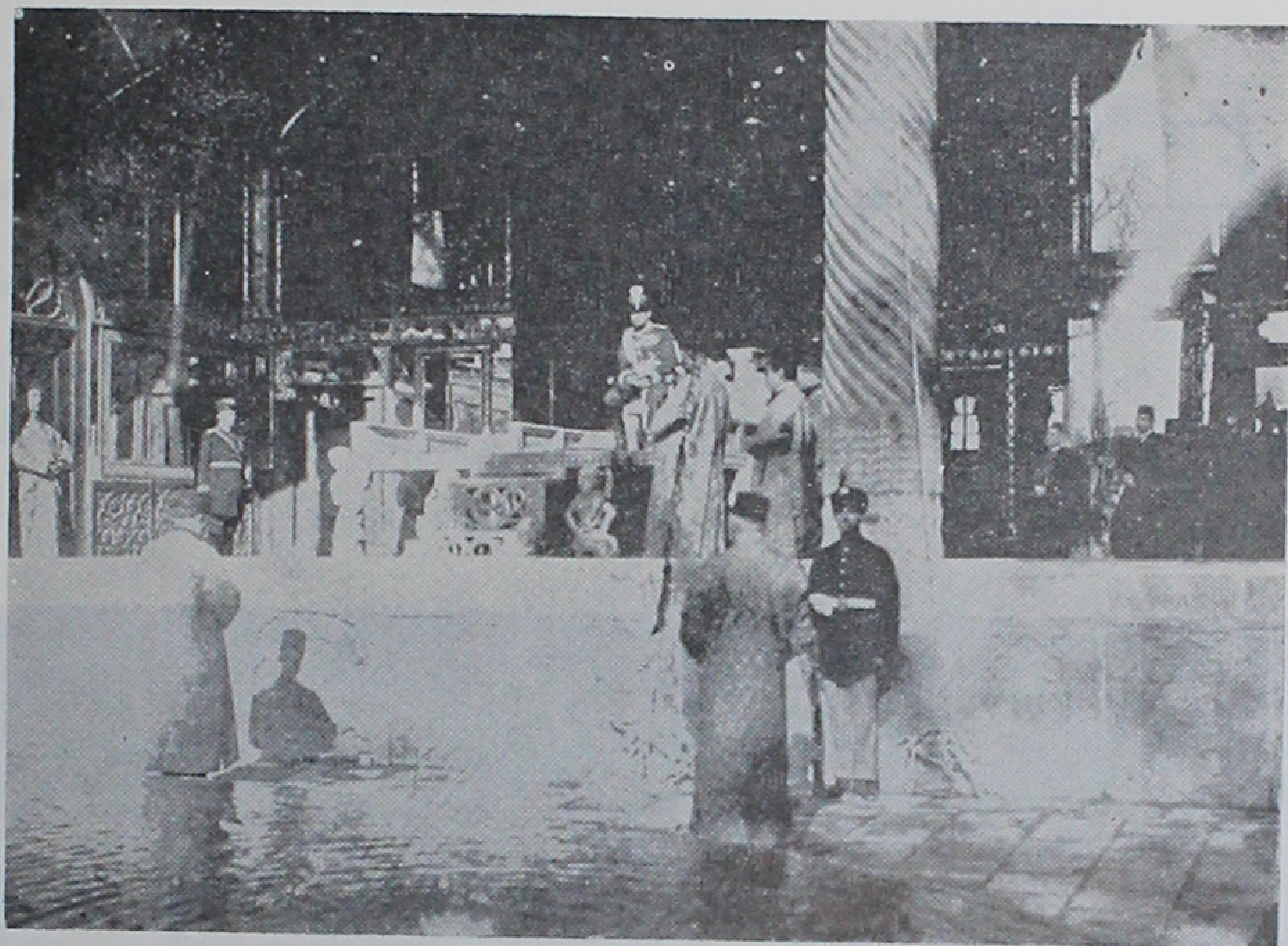
«دراین موقع که بحول و قوه الهی برتخت سلطنت ایران ، که ازطرف ملت بمن تفویض‌شده است جلوس میکنم ، لازم میدانم که اراده خودم را بهمه اعلام نمایم که بدانند تمام مجاهدت و کوشش من در آتیه مثل گذشته معطوف سیر دادن وطن عزیز بطرف ترقی وتعالی خواهد بود وامیدوارم که خداوند دراین نیت من را موفق بدارد» .

سپس سفیر انگلیس برحسب مقررات معموله دیپلماسی بعنوان حائز بودن مقام شیخ‌السفرائی نطقی بمضمون زیر در جلو تخت ایراد کرد :

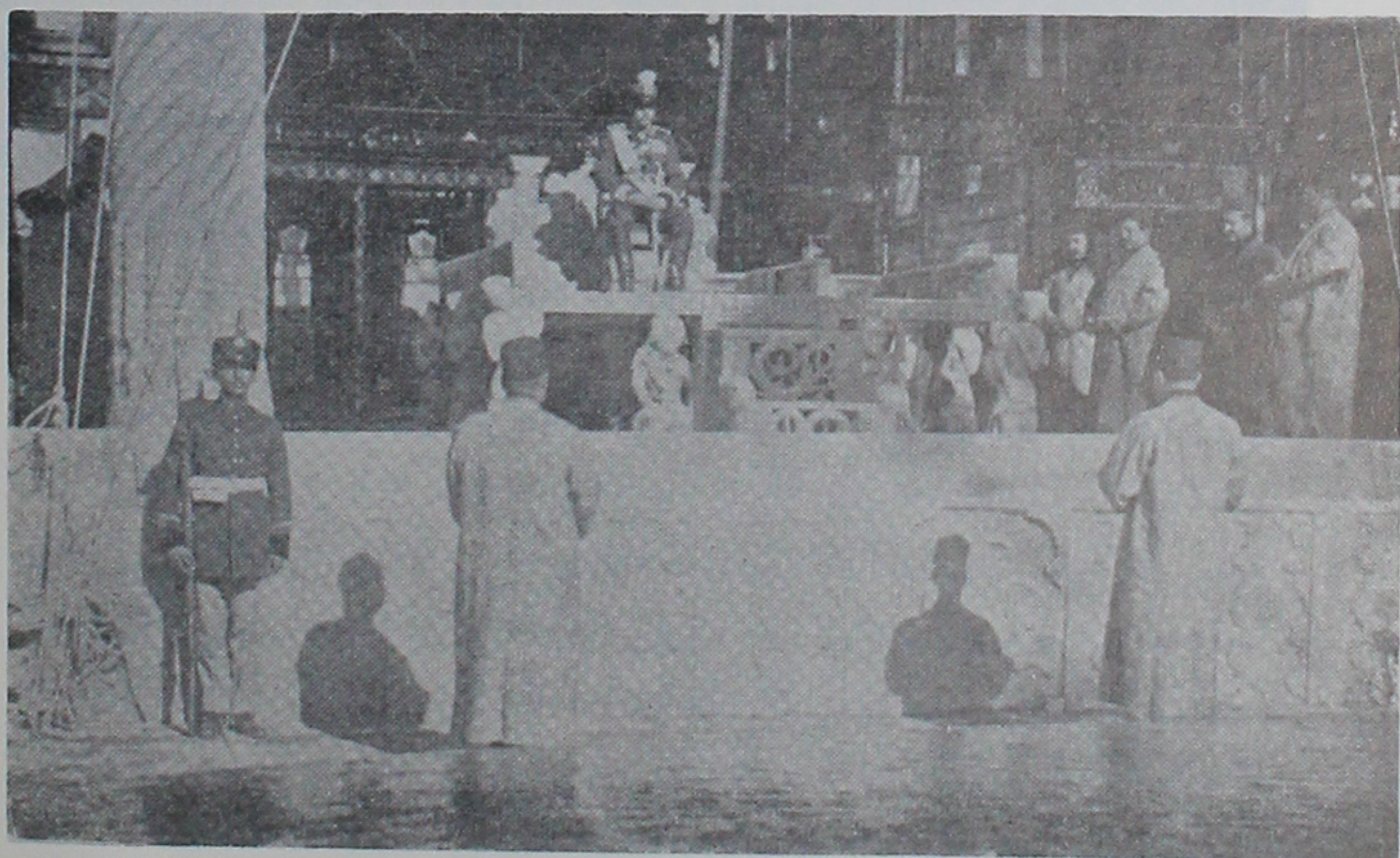
«دراین موقع مسرت‌بخش مهم بلانهایه خوشوقت و مفتخر است که مترجم تبریکات قلبیه مودت‌آمیزی که هیئت نمایندگان سیاسی مجتمع در این نقطه مایلند تقدیم حضورمقدس اعلیحضرت همایونی نمایند گردیده جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت اقدس شهریاری بتخت سلطنت سه هزارساله ایران‌که درنتیجه تظاهر اراده ملت بوسیله آراء نمایندگان وی در مجلس مؤسسان صورت گرفت مرحله مهمی در تاریخ باستانی ومفخرت‌آمیز ملت نجیبی میباشد که مزایای اخلاقی و صفات مهمان‌نوازی وی معروف خاطر همگی است این مرحله مهم صفحه جدیدی درتاریخ ایران بازکرده وحاکی از طلوع عصرنوین ومشعشعی درحیات مملکت باستانی و برای ملت آن میباشد . اینك مشاهده مینمائیم که در نتیجه قبول زمام مهام حکومت و تقبل بار سنگین مسئولیت از طرف اعلیحضرت اقدس شهریاری تمایلات شدیدی برای احراز آتیه درخشان وآنچه که موجب ترقی و سعادت ملی است ابراز می‌دارد . با نهایت افتخار از طرف نمایندگان محترمی‌که دراینجا شرف‌حضور دارند و همچنین شخصاً آرزو مینمائیم که آن اعلیحضرت اقدس شهریاری سالیان دراز برای انجام وظیفه مهمی که عهده دار شده‌اند وبرای حفظ نیکنامی وحیثیت مملکت و تأمین سعادت ایران وتهیه موجبات رفاه وترقی ملتی‌که آن اعلیحضرت‌اقدس‌را بسمت سلطنت برگزیده است براریکه سلطنت مستقر بوده و یك دوره طولانی و با شکوه وعظمت وخیریت‌اثر برای آن اعلیحضرت مسئلت مینماییم‌وامیدواریم



شکل ۳٤ ـ جلوس اعلیحضرت رضا شاه پهلوی برتخت مرمر بسال ۱۳۰٤ ﻫ . ش .



شکل ۳۵ و ۳۶ ــ مناظری ازجلوس اعلیحضرت رضا شاه بزرگ برروی تخت مرمر .



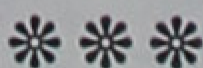
که مجاهدت دائمی اعلیحضرت شهریاری برای اصلاح حال ملت ایران بوسیله قدردانی ومحبت ابدی هریك ازافراد ماجور گردد .

امید است همواره آن اعلیحضرت بتوفیقات ربّانی مؤید ومستظهر باشند» .

پس از پایان نطق سفیر انگلیس اعلیحضرت در جواب او چنین اظهار داشتند :

«آقای وزیر مختار ، بیانات فصیح که بمناسبت جلوس ما بتخت سلطنت از طرف خود وبنام هیئت نمایندگان سیاسی ایراد نمودید موجب‌نهایت مسرت گردید ، وخوشوقتم دراین روز تاریخی که ملت ایران بساط جشن‌وشادی گسترده است هیئت نمایندگان سیاسی خاطر همایون مارا از ملاقات خود قرین مسرت ساخته‌اند ، بطوریکه اظهارداشتید اطمینان داریم آرزوی ملت ایران‌که بوسیله آراء مجلس مؤسسان صورت خارجی پیدا کرد ، حاکی از طلوع عصر جدیدی درمملکت ما میباشد وبرای این مقصود بارسنگین مسئولیت ومقدرات مملکت را دردست گرفتیم که اصلاحات لازمه را که ایران نهایت احتیاج را بآنها دارد در مملکت خود بنماییم ویقین‌کامل داریم‌که دول معظمه متحابه در انجام این وظیفه مشکل با ما معاضدت خواهند نمود . در این موقع اطمینان میدهیم که نهایت اشتیاق را به‌حفظ استقرار روابط ومناسبات حسنه باکلیه ممالك ومخصوصاً با ممالکی‌که نمایندگان محترم آنها دراینجاحاضرند داریم، ازخداوندمتعال مسئلت مینماییم که‌مارا درانجام‌وظیفه مهمی‌که عهده‌دارشده‌ایم مؤید ومنصور دارد» .

دراین مجلس از خاص وعام پذیرایی بعمل آمد و تمام طبقات مردم به‌پیشگاه شاهنشاه ایران عرض‌تبریك نموده ومدت سه‌روز تعطیل عمومی‌اعلام شد و مجالس جشن وشادمانی در تهران و شهرستانها برقرار گردید .



باآوردن مطالبی ازکتابها ونوشته‌های جهانگردان و نویسندگان تا

حدی با چگونگی ساختمان ووضع کلی ایوان تخت مرمر ومراسمی که در آن برگزار میشد آشنا گردیدیم واینک برای بهترشناختن قسمتهای مختلف وجالب ومهم ایوان از قبیل : ستونها ، تخت مرمر ، درها وارسیها و غیره ، لازمست به جزئیات هریك توجه بیشتری نموده درباره آنها چند جمله‌یی بنویسیم .

اولین قسمت جالب و چشم‌گیر ایوان در جلو ، دوستون سنگی بلند و یك پارچه و زیبایی است‌که سقف را نگاهداشته‌اند . چنانکه قبلاً هم اشاره کرده‌ایم این ستونها در سال ۱۲۰۶ هـ . ق بفرمان آغامحمدخان قاجار از قصر وکیل در شیراز کنده شده وبا اراده گردان وزحمات ومشقات فراوان بتهران حمل گردیده‌اند .

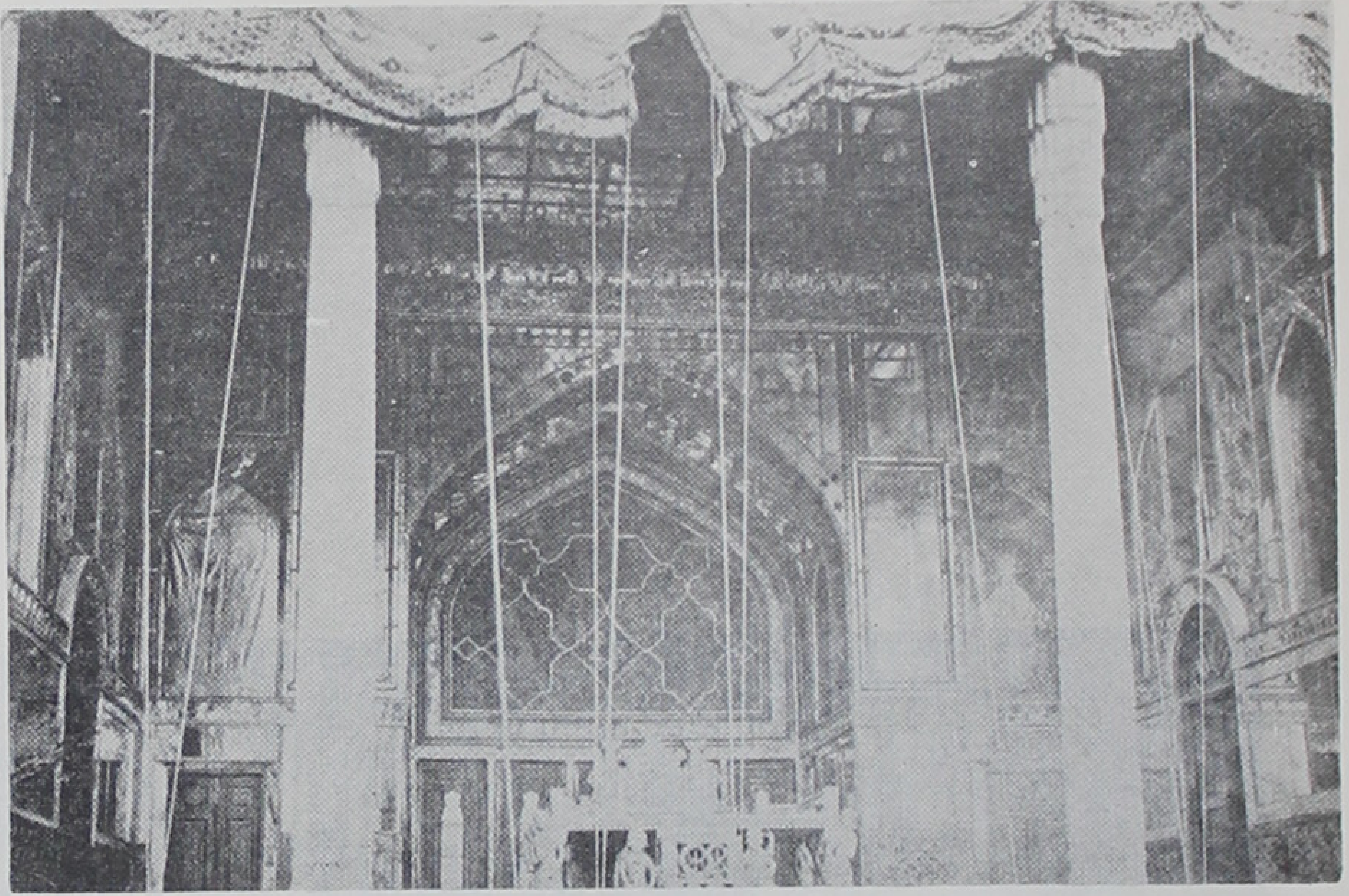
سنگی که ستونها از آن حجاری شده اند برنگ خاکستری مایل به نخودی ومعدن آن درنزدیکی‌های شیرازاست وحقیقةً بریدن وحجاری‌وحتی حمل آن از شیراز به تهران با وسایل ابتدائی آن زمان از کارهای‌شگفت‌انگیز وحیرت‌آور بشمار میرود .

ستونهای ایوان تخت مرمر برخلاف معمول پایه یا ته ستون ندارند وسرستونها هم که در سه ردیف خیاره خیاره ساخته شده‌اند به بدنه ستون متصل میباشند .

رویه ستونها در قسمت پایین با شانزده طرح گلدانی و بوته‌یی‌حجاری وتزیین شده که هریك از آنها کمی بالاتر تبدیل به شانزده ترك مارپیچی یا باصطلاح «فتیله‌یی» شده تا دم خیاره‌های سرستون ادامه یافته است و قطر ستونها هرچه به بالا گراییده باریکتر گردیده و ازدم سرستونها دوباره رو به پهن شدن نهاده است .

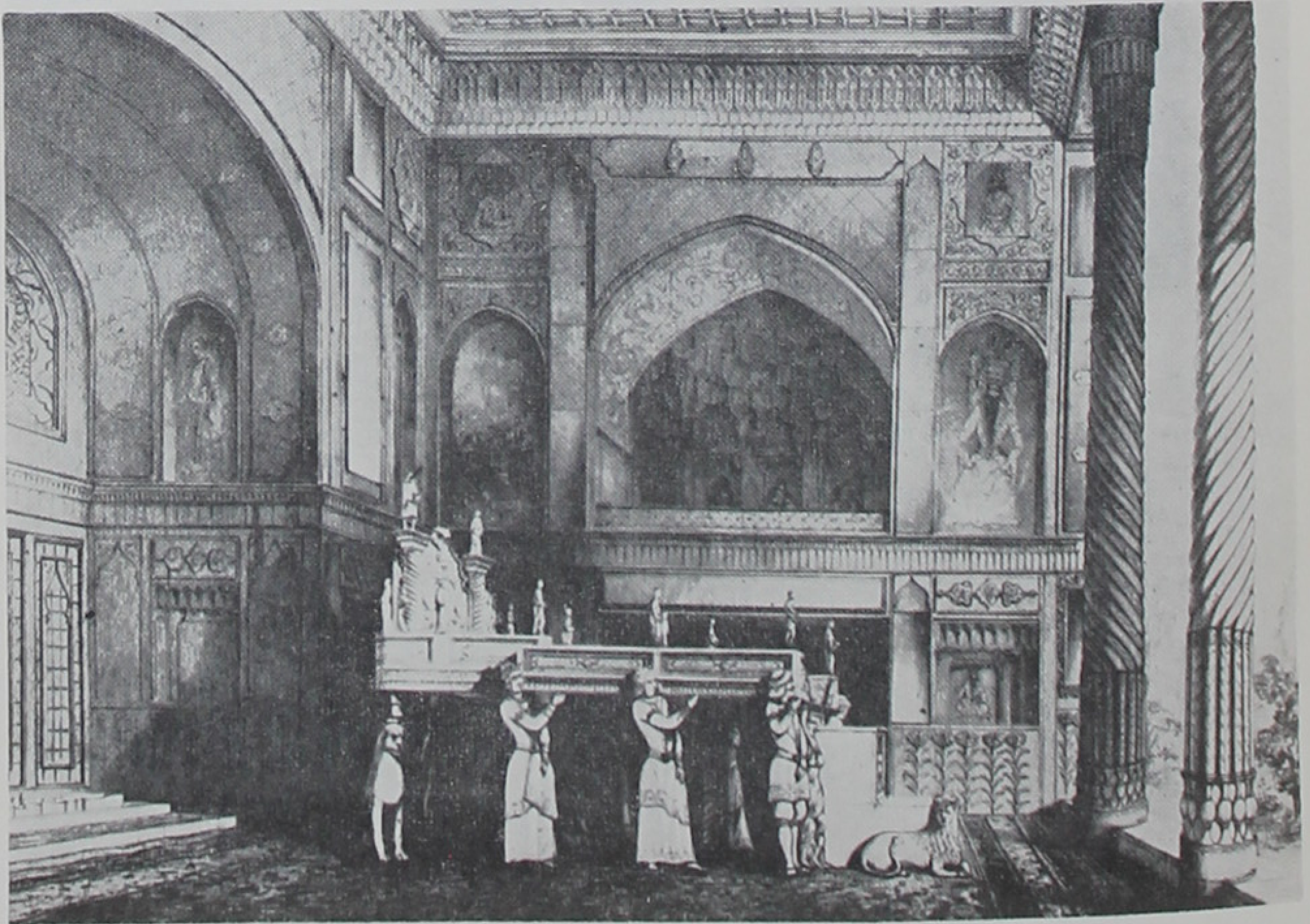
ارتفاع قسمت مرئی هریك از ستونها ۷٫۷۶ متر و با درنظرگرفتن بیست سانتیمتری که درکف ایوان فرو رفته جمعاً درحدود هشت متر است ، ضخامت ستونها در قسمت ته ستون ۲٫۲۳ متر در سر ستون ۲٫۳۵ متراست .

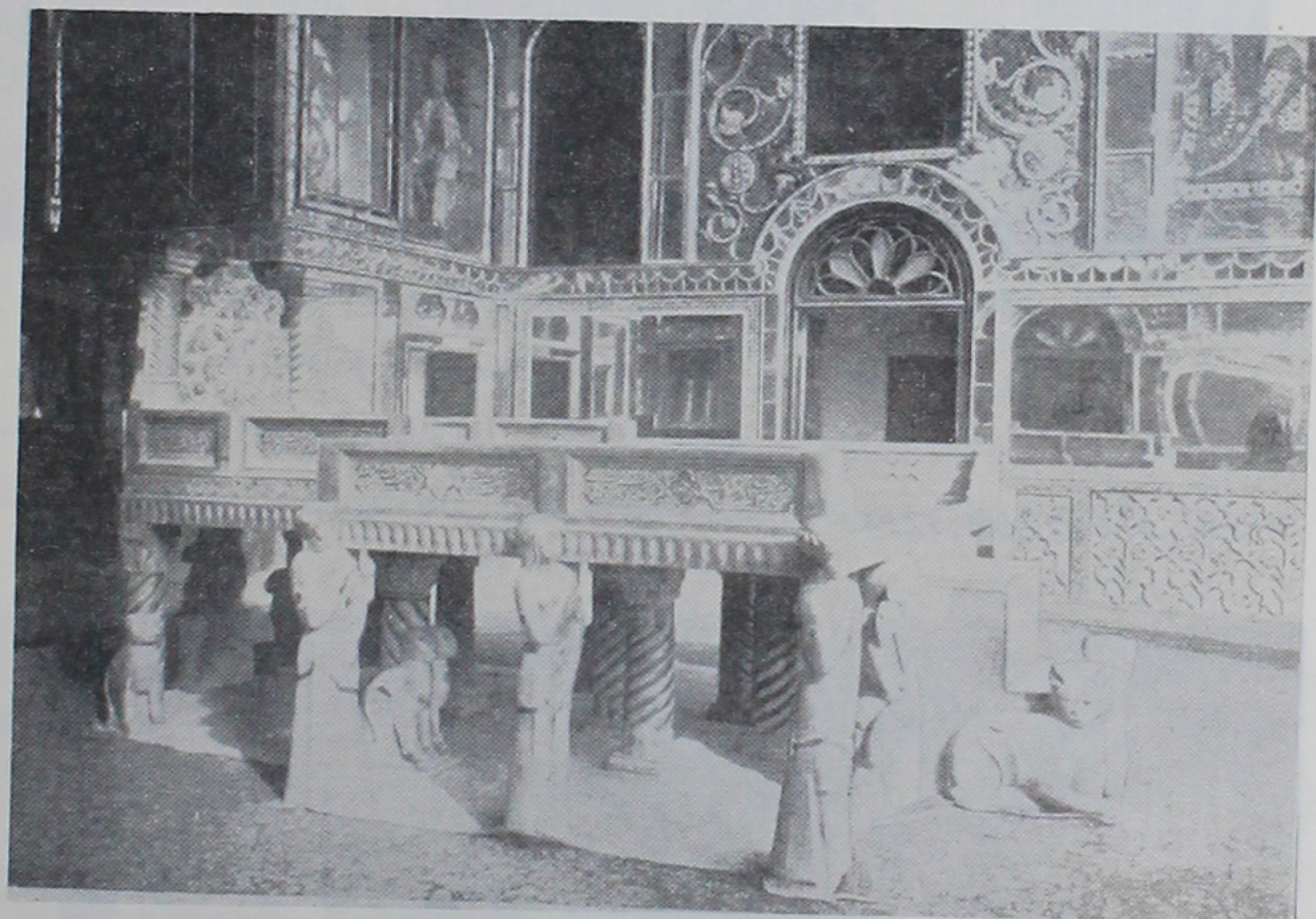
تخت مرمر یا «تخت سلیمانی» که بشکل سکوی دیواره‌دار بلندی



شکل ۳۷ ــ جبههٔ ایوان تخت مرمر وستونهای سنگی یك‌پارچه .

شکل ۳۸ ــ ایوان وتخت مرمر نقاشی اوژن فلاندن فرانسوی . در روبرو طاق غلام‌گردش ایوان‌که بعداً مسدودگردید پیداست .





شکل ۳۹ ـ تخت مرمر بردوش پریان و دیوان .

دروسط ایوان قرار گرفته بطور کلی ازشصت‌وپنج قطعه مرمر بزرگ وکوچك بشرح زیر ترکیب یافته است :

سطحه تخت از پنج قطعه تخته سنگ مرمر صاف بضخامت دوازده سانتیمتر که بامسمارهای آهنین اززیر بیکدیگر متصل گردیده‌اند .

پله‌ها : هفت قطعه .

طارمیها و تکیه‌گاهها : بیست‌ویك قطعه .

پایه‌ها و ستونها و مجسمه‌های حامل تخت : بیست قطعه .

مجسمه های کوچك دور تخت : دوازده قطعه .

نشیمنگاه تخت که در دو سطح ودو ارتفاع متفاوت ساخته شده در سطحهٔ جلو ، دارای حوضچه‌یی بطرح اسلیمی بسیار ظریف و زیبا با تزئینات ونقش برجستهٔ چهار مرغابی است که در متن خود تخته‌سنگ حجاری شده و سابقاً گلابی که در داخل ستونهای پشتی تخت پر می‌کردند بوسیله لوله و فواره‌یی که در وسط آن بوده داخل حوضچه مذکور شده پس از لبریز شدن ، از روزنهٔ پاشورهٔ آن خارج میگردیده است . اندازه سطحه جلو تخت دومتر در سه متر ودر سطحه عقب ۱٫۲۸ × ۱٫۷۰ متر است .

ارتفاع تخت از کف ایوان در حدود یك مترست که از چهار طرف بردوش سه دیو و شش‌فرشته یا انسان (مردان وزنان جوان) و یازده عدد ستون مارپیچی‌که بعضی از آنها بر پشت شیر قراردارند مستقر شده است ، درجلو تخت در وسط دوپله تعبیه شده که در سطحه عمودی پله‌ها نقش دو اژدها ودر طرفین نخستین پله نیز مجسمه دوشیر نشسته حجاری گردیده است .

در دورادور تخت ، طارمیها یا دست‌اندازهایی ساخته شده که ازداخل وخارج دارای کتیبه‌هایی است که درون هر یك ازآنها بر روی دو ترنج یك بیت یا دو مصراع منتخب از دو قصیده مطوّل فتحعلی‌خان صبا ملك‌الشعراء که درمدح فتحعلی‌شاه ووصف تخت مرمر سروده و بقلم نستعلیق‌خوش‌بخط

آقا مهدی طهرانی ملك‌الکتاب سلطانی[1] نوشته شده است، حجاری وزراندود کرده‌اند.

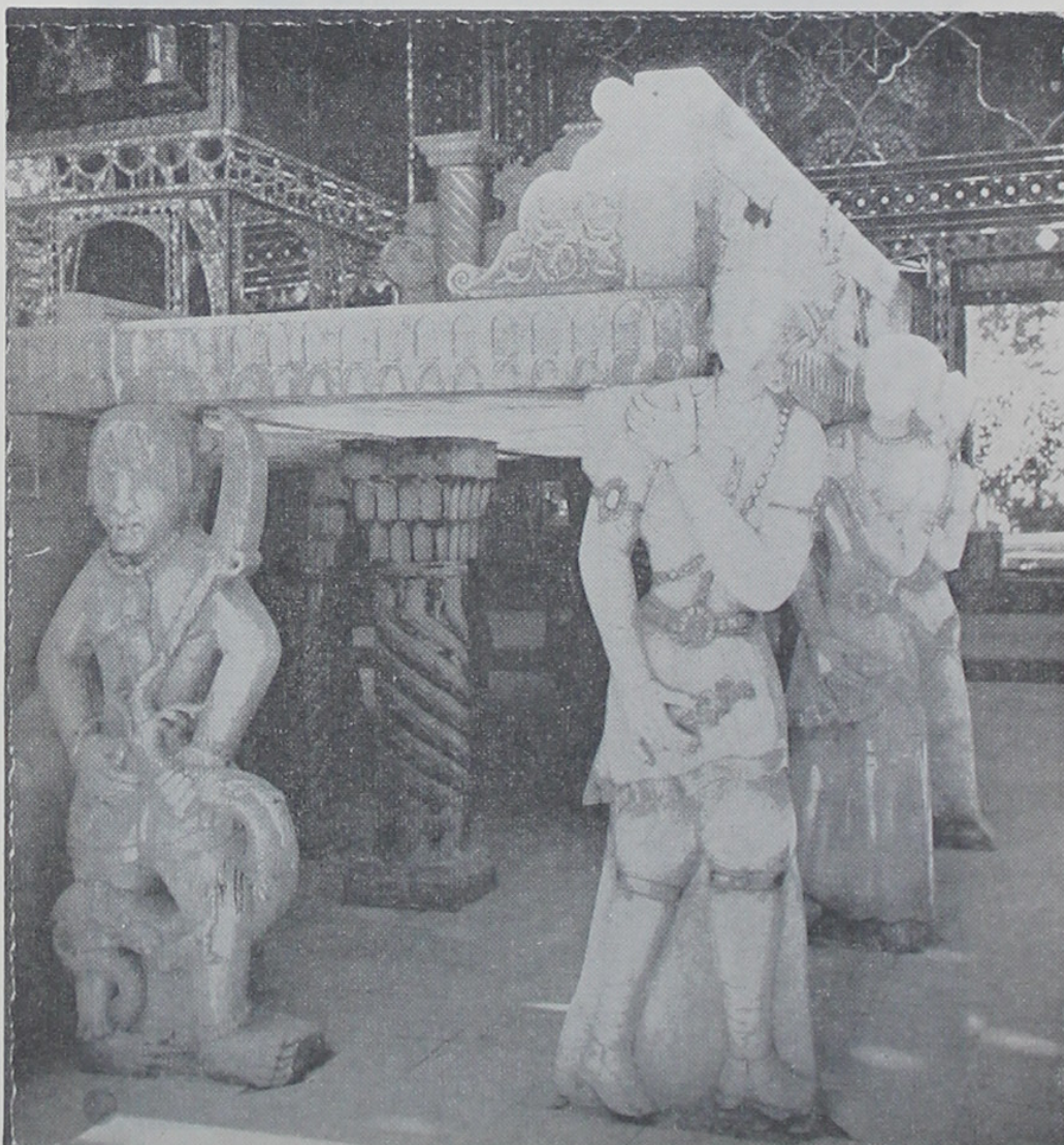
ابیات قصاید ملك‌الشعراء که برروی طارمیها از داخل و خارج بطور برجسته کنده‌کاری شده از سمت راست بیرون تخت بترتیب زیر خوانده میشود:

از قصیده اول:

کشیده سر بفلك تخت شاه عرش اورنگ
ویا سپهر برینی است بر زمین از سنگ
سریر سنگ ز آیینه به کـه از رشگش
گـرفته چهره آیینه سکندر زنگ
سریر فتحعلی شاه که با محیط کفش
دل محیط چـو چشم بخیل باشد تنگ
ز طبع اوست که فواره‌اش دُرافشانست
بلی ز تربیت مهر، گوهر آرد سنگ
ز سنگ کعبه دیگر بیانگر که بروست
رکوع قیصر روم و سجود خسرو زنگ
سریر شاه جهانست یا سپهر برین
کـه مهر اوست رخ شهریار با فرهنگ

---

۱ – محمد مهدی ملقب بملك‌الکتاب و متخلص بعشرت، ار سادات فراهان و ازبنی‌اعمام میرزا بزرگ قائم‌مقام فراهانیست. تحصیلات مقدماتی‌را درفراهان وبروجرد انجام داد وبمشق خط پرداخت واوقات بسیار مصروف ساخت تا درخط نستعلیق وسرعت قلم شهرت یافت وبتوسط فتحعلی‌خان ملك‌الشعراء کاشانی به‌دربار فتحعلی‌شاه راه یافت وموردنظر وعطوفت شاه قرارگرفت وبلقب ملك‌الکتابی سرافرازگردید وهمچنان میزیست تادورهٔ ناصرالدین شاه‌را نیز درك‌کرد. سرعت قلم ویرا چنین توصیف کرده‌اندکه بهفت ساعت هزار بیت می‌نوشت. تاریخ وفاتش‌را سپهر، سال ۱۲۶۰ ثبت کرده است. نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران – مهدی بیانی. شرح حال مفصل ملك‌الکتاب عشرت فراهانی‌را آقای جهانگیر قائم‌مقامی در مجله یادگار ج ٤ ش ۸ نوشته‌اند. دو کتیبه سنگی نیز بخط ملك‌الکتاب در عمارت چشمه‌علی دامغان مورخ ۱۲۱۷ ﻫ. ق. موجود است.



شکل ۴۰ ـ گوشه‌یی از تخت مرمر باپایه‌های گوناگون آن .



شکل ٤١ ـ قسمت پشت تخت مرمر ومجسمهٔ دیو وپایه‌های ستونی شکل آن .

ستوده فتحعلی شاه آنکه رخشش را
ز انجم آمده برکستوان ز منطقه تنگ
همیشه تا تن شاهان بتخت جوید فخر
مدام تا سر مردان ز دار دارد ننگ
قد موافق او بر نشیب تختش راست
سر مخالف او بر فراز دار آونگ

از قصیده دوم :

تختی از سنگ برآراست شه عرش اورنگ
که زغیرت زده بر شیشه نه گردون سنگ
چون نهد پای بر آن خسروجمشید آیین
چون کند جای بر آن شاه فریدون فرهنگ
آسمانیست که اورا بود از خور دیهیم
آفتابیست که او را بود از چرخ اورنگ
تخت دارای جهان فتحعلی شاه است این ؟
یا که عرشست وبران از ملك‌العرش آهنگ
آسمان را به این گاه ، سجود است سجود
زین خرامیدن بیهوده ، درنگ آن ِ درنگ
گرچه با عرش سخن را نبود روی ولی
چه توان چون نبود بارگی واهمه لنگ
الغرض یافت چو این «تخت سلیمانی» فر
بشهنشاه فلك گاه و سلیمان فرهنگ
منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت
که «سلیمان زمان داده شرف این اورنگ»

تاریخ ساخت واتمام تخت ازعبارت «سلیمان زمان داده شرف این

اورنگ» استخراج میگردد که بحساب جمل یا ابجد معادلست با سال ۱۲۲۱ ویا بعبارت دیگر ۱۲۲۶ هجری قمری[۱] .

---

۱ - قصیدهٔ فتحعلی خان صبا که در مدح فتحعلیشاه و وصف تخت سروده بسیار مفصل است وفقط مقداری ازآن انتخاب و در دور تخت حك شده‌است ودراینجا همهٔ آنرا ازدیوان خطی صباکه بسال ۱۲۳۳ هـ . ق . تحریر وبمحمود میرزا پیشکش شده‌است وهمچنین ازنسخه خطی تاریخ رطب‌اللسان میرزا صادق وقایع‌نگار میآوریم :

تختی از سنگ برآراست شه عرش اورنگ   که ز غیرت زده بر شیشه نه‌گردون سنگ
چون [نهد] پای برآن خسرو جمشیدآیین   چون کند جای بدان شاه فریدون فرهنگ
آسمانیست که او را بود از خور دیهیم   آفتابیست که آنرا بود از چرخ اورنگ
کرده چون قبه برآن تعبیه از امر خسرو   هرطرف تیشه فرهاد بسی شاهد شنگ
بامدادان همه را دسته ریحان بردست   شامگاهان همه را شمع فروزان برچنگ
رشك تمثال پری پیکر هر پایه برآن   زده بس آذر آزرم بمانی زارتنگ
همه را پای بود برسر شیران آری   این عجب نیست ز داد ملك شیرآهنگ
هم برآن تخت همایون فلك پایه که هست   از پریزاد بتان ، غیرت بتخانه گنگ
حوضی آراسته کز رشك زلالش به‌بهشت   کوثر از موج درآورده برابرو آژنگ
از لالی سر فواره آن پروینی است   که شود طالع از آن هرنفسی هفت اورنگ
در تراوش زدمش شهد گلاب آگینی است   که شکر تنگدل آمد ز غمش در دل تنگ
پله‌اش آمده بر صورت پیچان اژدر   کز نهیبش فسرد اژدر پیچان در هنگ
نکته‌ای هست در این کزچه بدایع کاران   زده بر پله آن صورت اژدر ، نیرنگ
تا بدانند سلاطین که سپارد هردم   زیر پا تارك اژدر ، ملك تنین چنگ
تخت دارای جهان فتحعلی شاهست این   یاکه عرش است وبرآن ازملك‌العرش‌آهنگ
آسمانا بر آن گاه سجود است سجود   زین خرامیدن بیهوده درنگ آر ، درنگ
نه ترا پایه آن کش به تقابل گویی   که بمیزان شرف با تو مرا باشد سنگ
اولین پله آنرا نتوانی بوسید   راست گر قامت قوسی شودت همچو خدنگ
یمن آن کرده بدل زهر کفایت با شهد   دور تو کرده عجین شهد سعادت به شرنگ
گرچه با عرش سخن نبود روی ولی   چه توان چون نبود بارگی واهمه لنگ
شد در آیینه اندیشه چو این عکس پذیر   سزد ار آینه خاطر آن گیرد زنگ
نی از این ننگ ندارد ولی از آن نالد   که ز من تخت شهنشاه چرا دارد ننگ
الغرض یافت چو این تخت سلیمانی فر   به شهنشاه فلك گاه سلیمان فرهنگ
منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت   « بسلیمان زمان دید شرف این اورنگ »
زینت تخت کیان فتحعلی شه که بخصم   روز شبرنگ کند چونکه براند شبرنگ
آنکه در نیل کفش نیلم بیباده فشان   اژدهاییست که مورش سپرد کام نهنگ
پی آراستن شاهد جاهش باشد   ز آفتاب آینه دار این فلك آینه رنگ
روزگاری پی آسایش گیتی نگزید   جای در خانه زین جلوه‌گه ازعرصه جنگ
اینك از پاس قوی پنجه او جوشن تیغ   گشته هم کیسه ارزن ، شده هم کاسه زنگ
شیر در بیشه ز اندیشه آن شیر اوژن   چنگ از ناب برون آرد و ناب از چنگ



شکل ۴۳ ــ مجسمهٔ پریهای حامل تخت سلیمانی (مرمر) .



شکل ۴۳ ــ یکی ازکتیبه‌های طارمیهای دور تخت مرمر .



شکل ۴۴ ــ مجسمه یکی ازدیوان حامل تخت سلیمانی (مرمر) .

مرمرهای تخت ازمعادن یزد استخراج شده ، دراصفهان تحت‌سرپرستی استاد محمد ابراهیم اصفهانی حجاری گردیده است و رقم او درچندجای تخت بترتیب زیر خوانده میشود :

در روی ساعد چپ وراست مجسمه دیو در پشت تخت :

«چون بندهٔ شاه هفت اقلیم است فرهاد ، کمین چاکر ابراهیم است»

در پشت تخت برروی گرز دیو : «عمل محمد ابراهیم»

برروی گرز دیوسمت چپ تخت : «عمل کمترین‌غلام محمدابراهیم»

بر روی دهـَره دیو سمت راست: «عمل کمترین غلام محمد ابراهیم اصفهانی» .

نام استادان دیگر نیز در پایه وروی مجسمه های کوچك دورتخت نوشته و حجاری شده است .

علاوه بر اشعار فتحعلی‌خان ، در داخل دو کتیبه کوچك نیز عبارت «السلطان‌بن‌السلطان» و «فتحعلی‌شاه قاجار خلد ملکه» حجاری و زراندود گردیده است .



درطاقنماهای جناغی ایوان بعدازآینه‌ها و آینه‌کاریها ، درردیف دوم ، تا چندی پیش هشت تابلو رنگ روغنی بزرگ نصب گردیده بود که اینك فقط شش تابلو از آنها باقی است .

درنخستین طاقنماهای سمت چپ وراست دهنه ایوان ، دوپرده نقاشی از فتحعلی‌شاه قرار گرفته که در یکی از آنها شاه با تاج کیانی وبازوبندهای

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

سر به هر تن که چو بوزینه لعاب حسان — لعبها عرض بدم لا به‌دهد در برزنگ(؟)

هر طرف بارگی حکم قضا آرد رو — باشدش رای شهنشاه جهان پیش‌آهنگ

تا برین برشده اورنگ پی نظم جهان — هر سحرگاه کند خسرو خاور آهنگ

پایهٔ تخت سلیمانی دارای جهان — باد بر تارك این نه فلك مینا رنگ

چاره‌ای جز بدعا نیست صبا را مطلع — عرصه مدح فراخست و مراین قافیه تنگ

دریای نور وتاجماه وگرز گوهرنشان بر روی صندلی مرصع ودر دیگری با همان وضع بر روی سجاده مروارید دوزی نشسته و به متکای مرصع تکیه زده است .

این پرده های جالب هردو اثر قلم مهرعلی نقاشباشی اصفهانی است‌که درسال ۱۲۱۹ هـ . ق . یعنی سال هفتم سلطنت فتحعلی‌شاه ترسیم کرده ورقم وتاریخ را در گوشه‌های پایین تابلوها می‌توان خواند .

درسمت راست ایوان بعدازصورت فتحعلی‌شاه در طاقنمای دیگرپرده جنگ نادرشاه بایکن پاشا سردار عثمانی دیده می شود که بقلم محمد صادق نقاش کشیده شده و یکی از صحنه‌های پرافتخار تاریخ ایران را نشان میدهد .

شرح واقعه این‌تابلو چنین است‌که درسال ۱۱۵۸ هـ . ق . لشکربزرگی ازترکان بفرماندهی یکن محمد پاشا برای یك نبرد قطعی از قارص بطرف‌ایران حرکت کرد . نادرشاه تصمیم گرفت این سردار را در همان جایی که عبدالله پاشا را مغلوب ساخته بود ، ملاقات نماید .

فرمانده ترك که دررأس یکصد هزار نفر از سواره وچهل هزار نفر پیاده نظام پیش‌می‌آمد درمقابل ارتش‌ایران‌توقف وصف‌آرائی‌نموده باستحکام اردوگاه خود پرداخت . روز بعد که بین دولشکر تلاقی حاصل شده جنگ شروع گردید ، ایرانیان پس ازیك‌سلسله نبردهای دامنه‌دار با ترکهاکه چهارروز ادامه یافت ، پیروزی نهایی را بدست آوردند و ترکها باردوگاه خود رانده شده ، پس از بقتل رسانیدن فرمانده خود با بی‌نظمی و نا امیدی تمام فرار نمودند . نادرشاه تمام توپ‌ها و ذخایر نظامی دشمن را بتصرف آورد وهزاران نفرازنیروی دشمن یابقتل‌رسیدند ویا اسیرشدند. پس‌ازاین‌فتح‌درخشان‌نادرشاه برای صلح پیشنهادهای تازه نمود ومعاهده صلح با همان شرایطی‌که درمعاهده با سلطان مراد چهارم بسته شده بود امضاء گردید .

چنانکه درصفحه‌های قبل درحاشیه متذکرگردیده است سابقاً برروی پنجره‌های مشبك در دو طرف شاه‌نشین ایوان ، دو تابلو بزرگ از صورت



شکل ٤٥ ــ ستونهای توخالی وپشت‌انداز تخت مرمر .



ناصرالدین شاه نصب گردیده بود که در یکی تاج مروارید و جبه ترمه پوشیده وبر روی صندلی نشسته و در دیگری با تاج کیانی و جبه ترمه آستر خز سرپا ایستاده است . این تابلوها بعداز بیرون آوردن پنجره‌ها اززیر تیغه‌های آجری بجای‌خود نصب نگردیده در کاخ گلستان‌درمحل دیگری‌بنمایش گذاشته‌شدند.

درداخل شاه‌نشین ایوان درطاقنمای سمت‌راست پرده نقاشی شکارگاه شاه اسماعیل صفوی نصب‌گردیده‌که رقم استادمحمدباقر نقاش را دارد و در روبروی آن پرده دیگریست که میدان جنگ غوریان را نشان میدهد .

شرح داستان فتح غوریان چنین است که محمدشاه در هفتم شعبان سال ۱۲۵۳ بعزم تسخیر هرات اطراف قلعهٔ غوریان را در خاك افغانستان ، لشگرگاه خود ساخته آنرا ازچهارسوی حصار داد وسربازان با کندن خندقها وسنگرهای خودرا بپای قلعه رسانیده با شجاعت تمام چنان کاررا بر قلعگیان سخت گرفتند که بالاخره در چهاردهم همان ماه «شیرمحمدخان» امیر قلعه امان خواسته قلعه‌را تسلیم کرد[1] این واقعه مهم زمان محمدشاه و فتح اوموضوع

---

۱ – درناسخ‌التواریخ درمورد صحنه و واقعه‌یی‌که دراین تابلو نقاشی شده یعنی جنگ با افغانان و فتح غوریان چنین آمده‌است : « . . . مع‌القصه شاهنشاه غازی روز هفتم ماه شعبان درکنار قلعه غوریان لشگرگاه کرد شیخ محمدخان افغان ابواب قلعه‌را فرازکرد ودیوار باره‌را استوار نمود و از تفنگچیان وشمخالچیان زبردست برسر باره لشگری انبوه کرد . . . پس‌ازآن لشگر جرار چون بحرهایج بجنبش آمد وقلعه غوریان‌را ازچار سوی حصار دادند ، افغانان ازفراز برج وباره شمخالها بگشادند وازاینسوی توپچیان دهان توپهارا گشاد دادند وسربازان باسرنیزه‌های تفنگ وآلات دیگر اطراف قلعه‌را بحفرکردن وکنده‌بریدن فروگرفتند . یك دو روز برزیادت نبودکه کنده‌هارا بخندق قلعه پیوسته کردند وازهرجانب توده‌هایی چند از خاك برافراشتند و توپها را برفراز آن قله‌ها صعود دادند . بانگ توپ وتفنگ وگرد ودخان جنگ جهان‌را دیگرگون‌کرد وپای ثبات قعلگیان برفت ، شیرمحمدخان‌را دیگر دل نماند وازفراز باره بانگ الامان بالاگرفت وفریاد برآوردکه دیدار محمد حسین خان مرا واجب افتاده اگر تاپای برج راه نزدیك کند روا باشد .

محمدحسین‌خان سرتیپ فیروزکوهی وصمصام خان سرتیپ فوج ینگی مسلمان‌که دربرابر آن برج سنگر داشتند آواز او بشنیدند ، پس محمد حسین‌خان تاپای باره برفت وشیرمحمدخان از خراج برج ندا درداد و امان طلبید ، لاجرم صورت حال معروض درگاه پادشاه افتاد وامید بخشایش داد . آنگاه قلعگیها از در ضراعت ومسکنت معروض داشتندکه اگر این حصار را دربگشاییم از مردم

بقیه حاشیه درصفحهٔ بعد

تابلو رنگ روغنی بزرگی قرار گرفت که احمد نقاش معاصر او در سال ۱۲۶۰ ه . ق . آنرا ترسیم کرده این بیت را برروی آن نوشته است :

تمثال شهنشه جهانست   هنگامهٔ جنگ غوریانست

دراین پرده نقاشی ، شبیه سواره محمد شاه با لباس وکلاه جواهرنشان وحاجی میرزا آغاسی وبعضی از شاهزادگان و سرداران سوار براسب دراطراف او نقاشی شده‌اند وهمچنین درصفوف لشگریان که با جامه‌ها واسلحه آنروزی نمایش داده شده‌اند جابجا تصویر چند درفش پیداست که ازنظر بررسی انواع درفشهای ایران قابل دقت ومطالعه است[1] .

درطاقنمای چپ خود ایوان ، پس ازپنجره مشبک ، تابلو پیکار امیرتیمور با ایلدرم بایزید سلطان عثمانی نصب گردیده که آن نیز رقم «کمترین محمدباقر» دارد و یك واقعه تاریخی را نشان میدهد .

علاوه براین تابلوها در همین ردیف ، در دوطرف شاه‌نشین بعداز پنجره‌های مشبک ، دو آینه بزرگ قدی با قاب‌های زرین نصب گردیده که از هدایای الکساندر اول امپراتور روسیه به فتحعلی شاهست وپیش ازاین راجع بآنها مطالبی نوشته‌ایم .

دربالای این طاقنماها یعنی درردیف سوم ، جابجا چندین تابلو کوچك

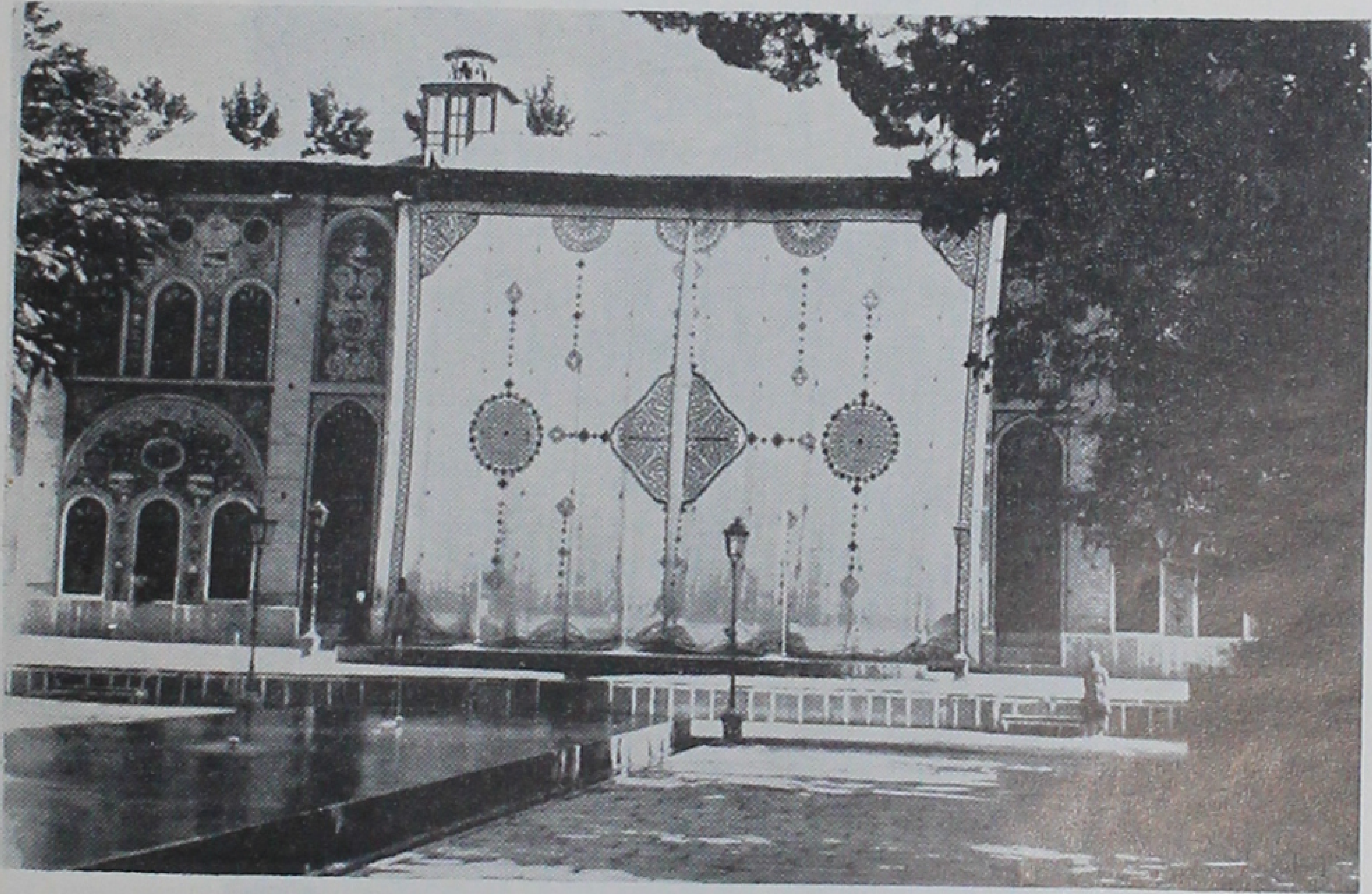
بقیه حاشیه ازصفحه قبل

این‌قلعه نام ونشان نماند ، چندان مهلت بگذارید که این لشگر آشوفته بخیمه‌های خویش بازشوند واین جنگ وجوش فرونشیند تاخویشتن بحضرت پوئیم وزینهار جوئیم . بالجمله روز سه‌شنبه چهاردهم شعبان شیرمحمدخان تیغ وکفن ازگردن آویخته باتفاق محمد حلیم‌خان ومحمد طاهرخان بحضرت آمد آمد وجبین ضراعت برخاك نهاد وبشفاعت حاجی میرزا آقاسی عصیان او معفوگشت شاهنشاه غازی فرمان‌کردکه غوریان درامان باشد ومردمش ازقتل ویغما ونهب وغارت محفوظ باشند وآن جماعت‌که بحکم کارداران کامران میرزا ازمحال خاف ودیگرقری درآنجا سکون جسته‌اند آسوده خاطر بهرجا که خواهند کوچ دهند . آنگاه میرزا اسدالله خان قاینی‌را بفرمود تا بایك فوج لشگر خراسانی‌درقلعه غوریان اقامت‌کند و وحارس وحافظ باشد(ناسخ التواریخ شرح سلطنت وجهانگیری محمدشاه‌قاجار).

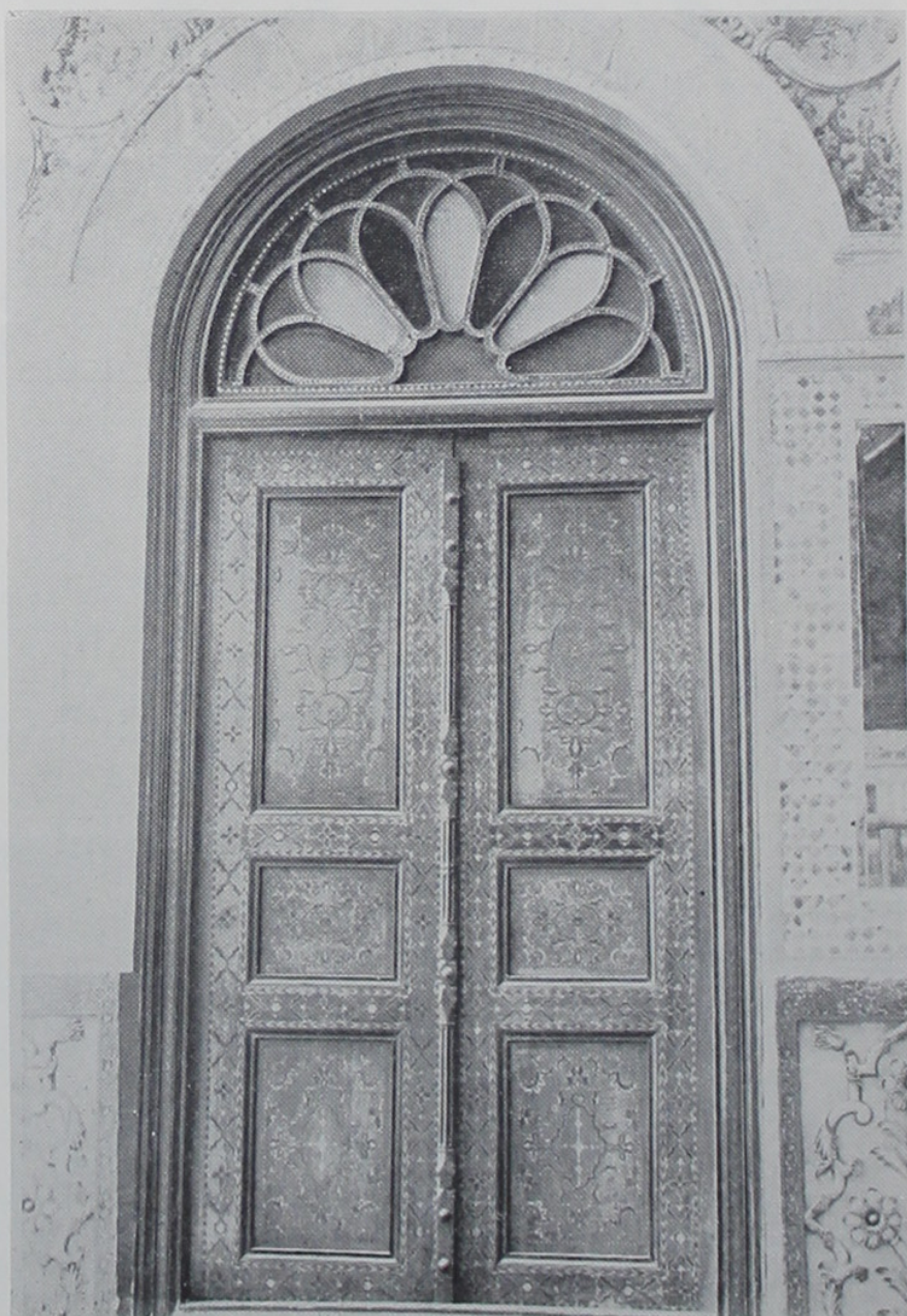
۱ – رجوع شود به ص ۲۳ کتاب «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران» تألیف نویسنده .



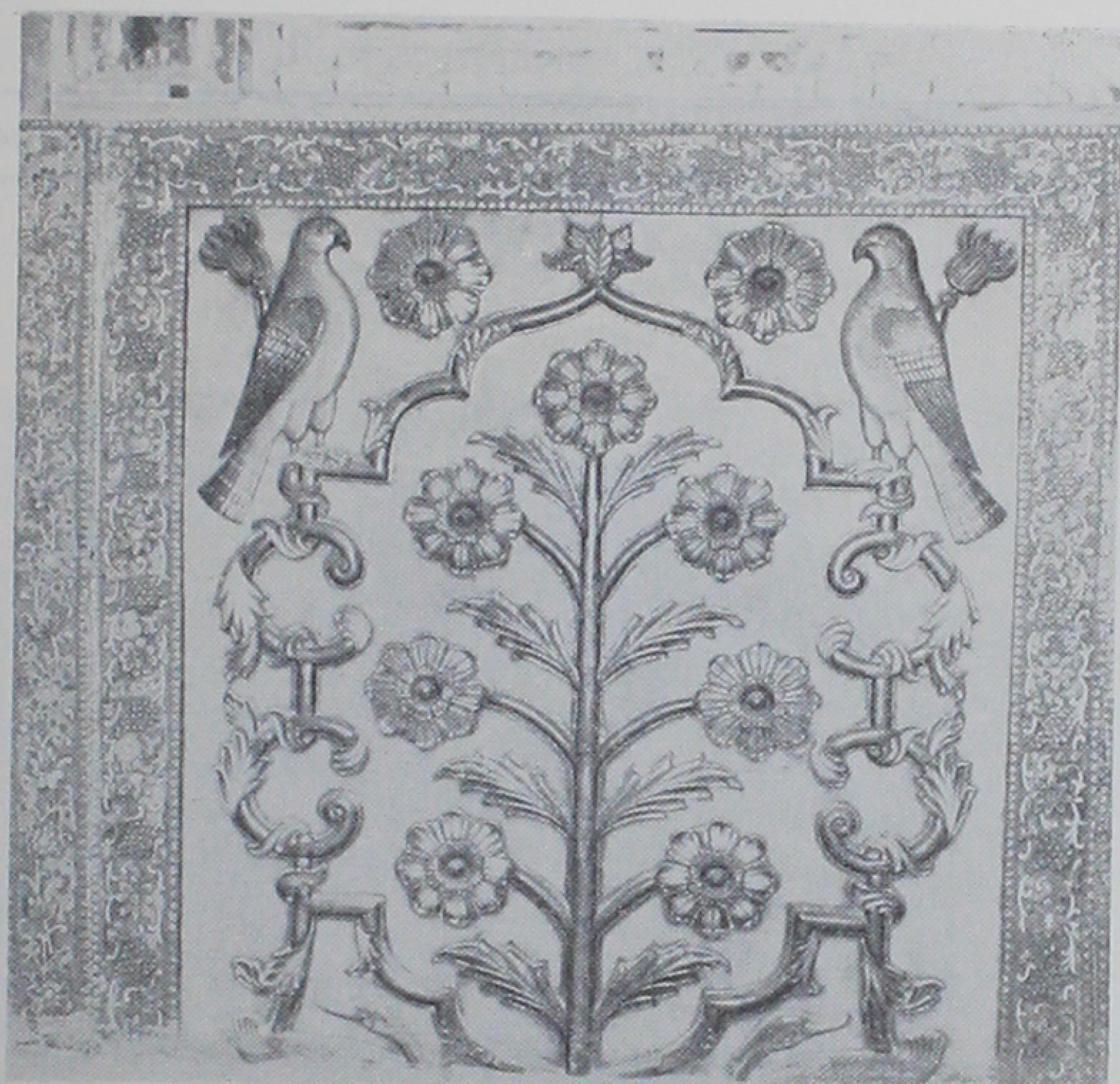
شکل ۴۷ ـ تصویر رنگ روغنی فتحعلی شاه باسجاده و متکای مرواریددوزی درایوان تخت مرمر ، اثر مهرعلی ۱۲۱۹ ه . ق .



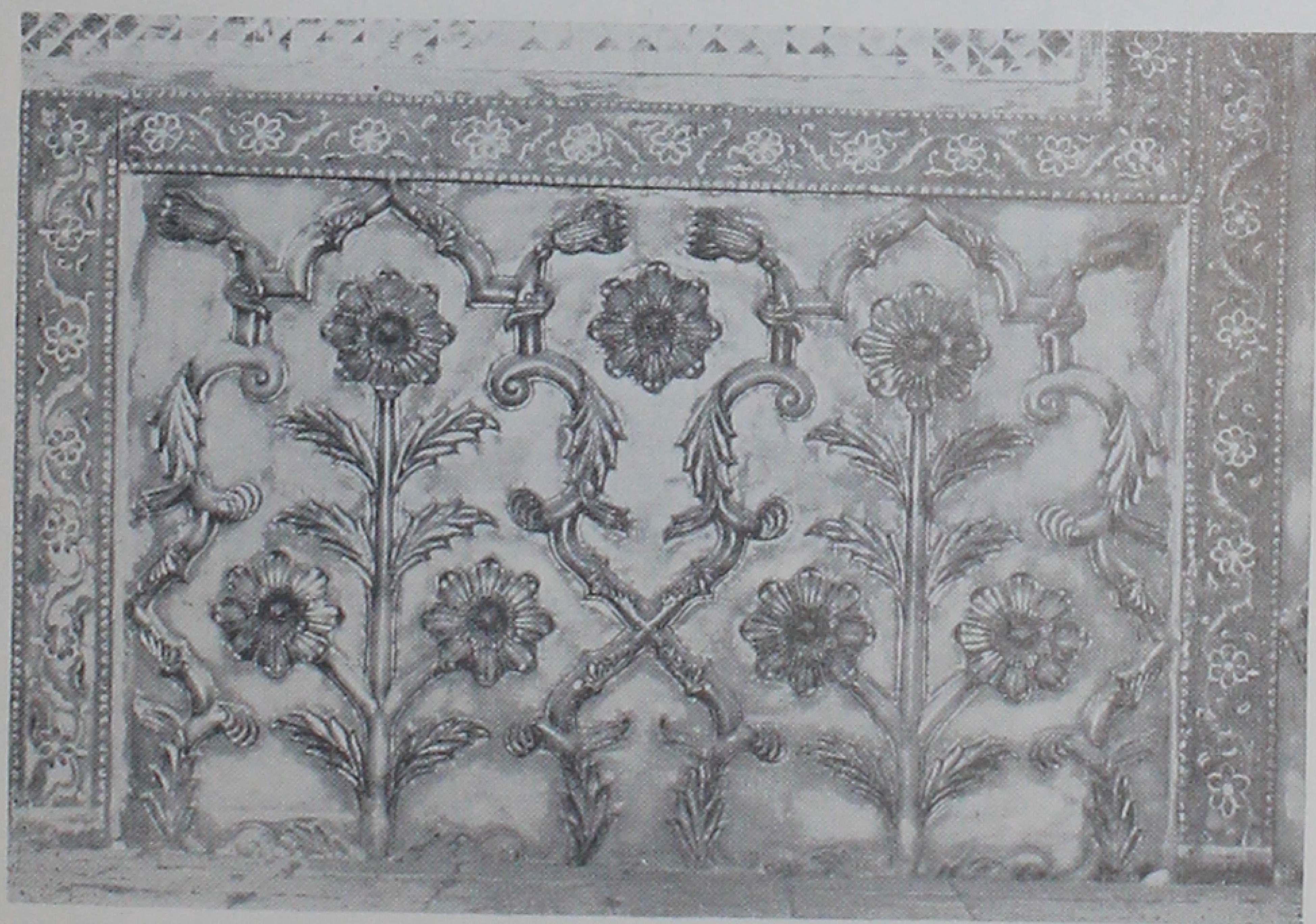
شکل ۴۸ ــ منظره ایوان تخت مرمر وپردهٔ کرباس گلدوزی‌شدهٔ آن .



شکل ۴۹ ــ یکی ازدرهای منبت‌کاری‌شدهٔ ایوان تخت مرمر .



شکل ۵۰ و ۵۱ ـ نقشهای حجاری‌شده برسنگهای مرمر اطراف ایوان تخت . این سنگها ازقصر وکیل درشیراز به‌تهران آورده شده است .



رنگ روغنی ازصورت زنان و مردان فرنگی درپشت شیشه نصب گردیده که همه از نقاشیهای دوران فتحعلی‌شاهست .

در ردیف پائین در زیر پنجره‌های مشبك در دو طرف شاه نشین دو در



شکل ۵۲ ــ نقش برجستهٔ جنگ شیرو اژدها برروی مرمرهای جلو ایوان تخت . اثر استاد محمد ابراهیم اصفهانی .

خاتم بسیار اعلا گذاشته شده که سابقاً ایوان را با حیاط پشت آن مربوط میساختند وامروزه مسدودند .

خاتم‌کاری این درها از نوع تند و کند با طرح‌های بسیار قدیمی است وگمان میرود اثر دست استاد آقا محمدجعفر خاتم‌ساز شیرازی جد اعلای مرحوم صنیع خاتم است .

هردو در بسبک درهای قدیم ایران دارای «پاگیر» بوده و برروی دماغه آنها ابیاتی از سعدی با استخوان یا عاج بمضمون زیر بریده و نصب گردیده است :

بخت باز آید ازآن در که یکی چون تودرآید
رخ زیبای تو دیدن در دولت بگشاید
صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

علاوه براین دو در خاتم ، دور در بزرگ منبت با طاقهای قوسی در دو طرف ایوان نصب گردیده که هردو آنها درعهد ناصرالدین‌شاه همزمان با تغییراتی‌که در ساختمان ایوان داده‌اند ساخته شده است .

ازاره های داخل و خارج ایوان با مرمرهای زرد حجاری‌شده با گل و بته‌های برجسته متقارن با شکل‌طوطی وعقاب پوشانیده شده وهمه آنها توأم با ستونها وآینه‌ها از شیراز به تهران حمل گردیده است .

خلوت کریمخانی

درگوشه شمال‌غربی محوطه گلستان ، چسبیده به تالار سلام ، بنایی سرپوشیده و ستون‌دار بصورت ایوان سه دهنه‌یی‌وجود دارد ، که در وسط آن حوض جوشی ساخته شده و آب قنات شاه از میان آن بیرون جسته ، درباغهای سلطنتی جریان مییابد .

این قسمت از کاخ گلستان که جلوخان یا خلوت کریمخانی نامیده میشود ، چنانکه از نامش پیداست از دو نظر از محلهای قدیمی وتاریخی بشمار میرود . یکی بسبب اساس بنای آن که در زمان کریمخان نهاده شده و دیگر بعلت ستم و عمل ناجوانمردانه‌یی که آغامحمدخان قاجار دراین محل با استخوانهای پوسیده کریمخان زند روا داشته بود .

راه عبور ازاندرون وباغ گلستان به دیوانخانه وتالارتخت مرمر سابقاً از این محل بود ، ولی در زمان ناصرالدین‌شاه به سبب تغییر وضع ساختمانها آن معبر مسدود گردید .

چنانکه در شرح ایوان تخت مرمر نیز بدان اشاره شد ، در سال ۱۲۰۶ ه . ق . آغامحمدخان برای تسویه حساب خود با بازماندگان وکیل‌الرعایا لشکر بفارس‌کشید وروزی‌که فاتحانه وارد شیرازشد ، یکسره بعمارت «کلاه‌فرنگی» (محل کنونی موزه پارس) برسر گور کریمخان ، یعنی کسیکه اورا همچون فرزند خویش دانسته ، در زمان حیاتش نسبت بوی کمال مهر ومحبت را مرعی می‌داشت ، رفت وبا حالت تفکر اندکی درکنار قبر او نشست وناگهان با یك

تصمیم وحشیانه و مخوفی از کنار آن برخاسته برحمان‌خان یوزباشی دستور داد که قبر را شکافته استخوانهای وکیل را بتهران حمل نموده در زیر پله‌های همین خلوت کریمخانی که محل عبورومرور روزانه او بود دفن نماید تا بتواند همه روزه پای برسینه و پشت وکیل نهاده استخوانهای آن مرد نیك‌نفس را لگدکوب خود واطرافیانش سازد.

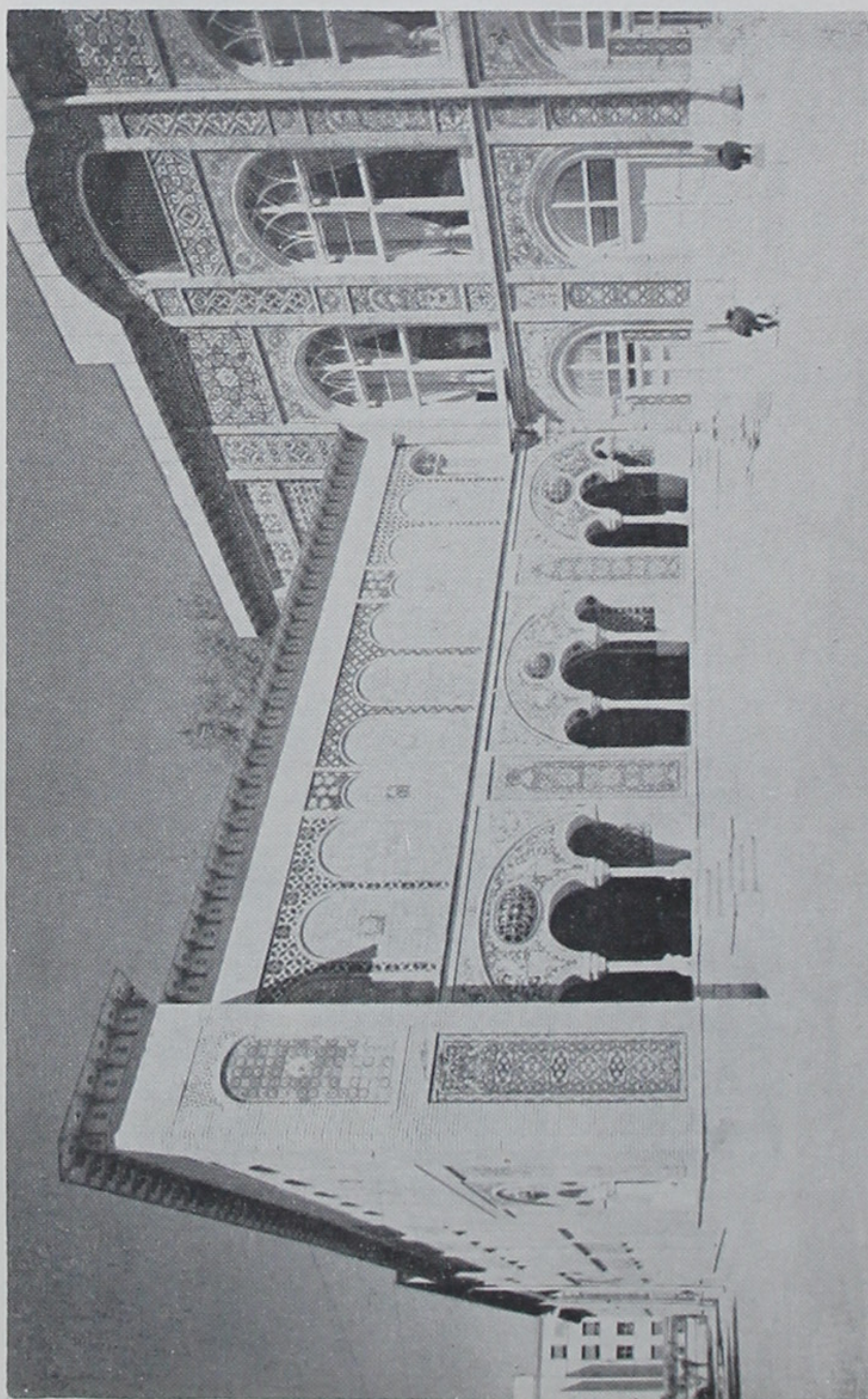
رحمان خان بلافاصله امر شاه را اطاعت نموده استخوانهای وکیل را بتهران حمل‌کرده در زیر پله‌های حوض‌جوش دفن کرد، سپس خان قاجار درتکمیل این‌اعمال سبعانه خود، هنگامیکه شاهزاده جوان و زیباروی وشجاع زند، یعنی لطفعلی‌خان را که براثر خیانت اطرافیانش باسارت افتاده بود، بحضورش آوردند با دستهای خود چشمان شاهزاده را ازحدقه درآورده نسبت باو بی‌احترامیهای ناگفتنی فراوان روا داشت وپس ازآن به تهران فرستاد که دراین شهر بدار آویخته شد.

بهرحال استخوانهای آن پادشاه کریم‌النفس در زیر پله‌های جلوخان کریمخانی سالها لگدکوب قاجاریه بود و درباریان متملق آن زمان درگذاشتن پای بر سروسینه وکیل‌الرعایا بر یکدیگر سبقت می‌جستند و معروف است که اغلب اوقات‌که آغامحمدخان از این پله‌ها عبور میکرد برای تسکین قلب‌پرکینه خود با نوك شمشیری که بر کمرداشت چند ضربه‌یی نیز برخاك او مینواخت[1].

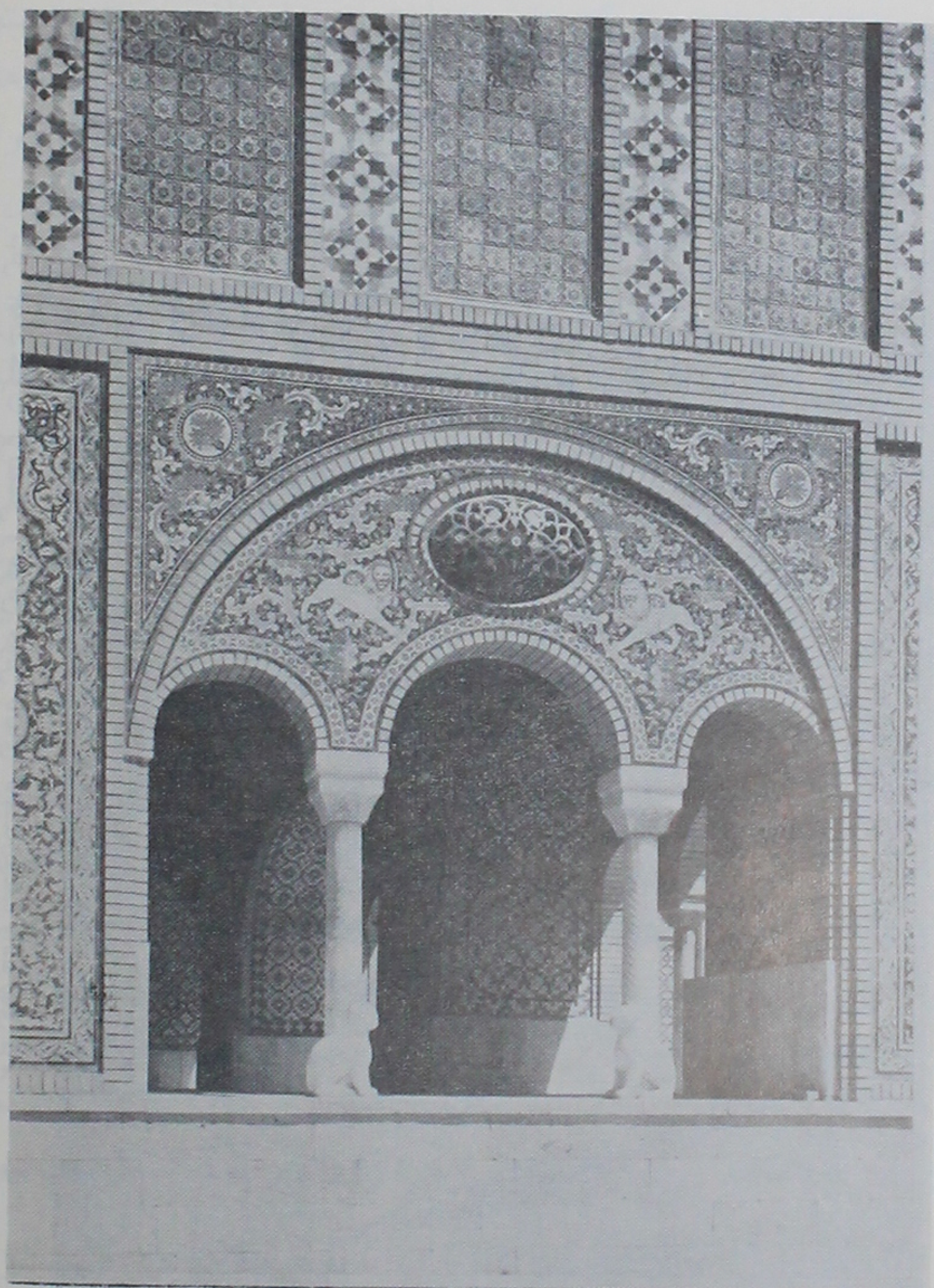
پس از آغا محمدخان این‌قسمت ازبناهای سلطنتی براثرتغییراتی که‌چندین بار در زمان ناصرالدین‌شاه داده شد، تبدیل به محوطه کوچکی بنام حیاط کریمخانی گردید وبوسیله‌نرده‌های آهنی ازباغ گلستان جدا شده بهمان‌صورت

---

۱ - آغا محمدخان از راه کینه‌توزی نه‌تنها با استخوانهای کریمخان این رفتار وحشیانه‌راکرد بلکه وقتی برای گرفتن جواهرات نادری ازنواده‌های او بمشهد رفت دستورداد سنگ قبر نادر راکه ازمرمر بود باپتك وسندانهای آهنین بشکنند (روضة‌الصفا جلد نهم) و حتی ملکم در ص ۱۴۸ جلد دوم تاریخ خود متذکر شده‌است‌که استخوانهای نادرا نیز ازمشهد آورده درآستانه سرای سلطنت دفن‌کرد ولی چون بجز او کسی متذکر این داستان نشده‌است ازاینرو بنوشته‌او اعتمادی نیست.



شکل ۵۳ ـ خلوت کریمخانی و حوض جوش بانمای کاشیکاری‌شده و ستونهای مرمر.



شکل ٥٤ ـ یکی ازدهانه‌های ایوان خلوت کریمخانی باستونهای مرمر.

باقی‌ماند وبعلت صفا وآرامشی که داشت گاهی ناصرالدین‌شاه دراین گوشه دنج به‌تنهایی ، درکنارحوض آن باستراحت پرداخته قلیانی میکشید . پس ازانقراض قاجاریه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بپاس نام نیك وخدمات کریمخان زند ، این رفتار ناروا وزشت آغامحمدخان‌را درباره استخوانهای وی شایسته ندانسته دربهمنماه ۱۳۰۴ روزی که برای این منظور معین شده بود ، شخصاً در محل حیاط کریمخانی حاضرشده با حضورتیمورتاش وزیردربار ومهندس شریف‌زاده ومعمار ارتش ورؤسای ایل زند ونوادگان کریمخان ، دستور شکافتن وکاوش زیر پله‌های سمت راست جلوخان را صادر فرمود . کارگران که آنها نیز از طایفه زند بودند ، تحت نظر استاد حسین میدانی ، زیر پله های مزبور را کنده پس از مقداری خاك‌برداری قطعات استخوانهای نپوسیده شاه زند را بیرون آورده در سینی نقره نهاده توسط شریف‌زاده ازنظر اعلیحضرت گذرانیدند ، دراین هنگام اعلیحضرت نسبت بخاندان زند تفقد فرموده ایشانرا تسلیت‌داد .

بزرگان خاندان زند محض اظهار سپاسگزاری از ایـن عمل نیك اعلیحضرت که روح وکیل‌الرعایا را پس ازیکصدوپنجاه سال از عذاب توهین نابجا رهایی بخشیده بود ، شمشیر شاه زند را ضمن عریضه‌یی بمضمون زیر تقدیم اعلیحضرت نمودند :

«شهریارا ، محبوبا ، اعلیحضرتا ، هرچند از طلیعه اقبال بلند وبخت جوان آن شاهنشاه اعظم فرازونشیب مملکت روشن وتمام نقاط و زوایای‌تاریك هیئت اجتماعیه ایران درپرتو اشعه روز افزون تابناك شده است ولی هیچ زاویه و نقطه خون‌آلود ومشوش درتمام مملکت موجود نبوده است که مانند قلوب داغدارقبیله زند ، خودرا بزیرآن تابش مرهم آمیزوشفاانگیز کشیده واز سپیده دم عظمت انتقام تا باین درجه فرحناك ومسرور شده باشد .

قبیله زند قبیله باوفا وشجاع ونجیب ایرانی وبالاخره قبیله‌یی که‌در پای عظمت ایران و در راه آسایش ملت محبوب خود زانو زده وخواب نوشین را بر خود حرام کرده بود ، چون اولین طعمه گرگ وحشی و ضد ایرانیت

ناپاک‌ترین وناخلف ترین اولاد قجر شده بودوچون نامداران کریم‌النفس و شجاع او به نابکاری متوحشانه آغا محمدخواجه در خونهای پاک وجوان خود درغلتیده با پیراهن سرخ در زیر خاک بخواب رفتند ، این قبیله داغ مرهم ناپذیری درقلب خون‌آلود خود داشت .

ایـران و تاریخ ایران از آن مصائب فراموش‌نشدنی درمقابل دنیا شرم‌آگین و خجلت‌زده بود .

اینک سپاس روزافزون نثار عظمت انتقام منتقم حقیقی باد که مشت آهنین و شمشیر توانای آن اعلیحضرت محبوب در پناه توجهات واحساسات حقیقی ایران و ایرانی کیفر غاصبین نابکاررا داده و اهریمنان را از روی سینه حساس وطن عزیز واز روی قبور نیاکان پاک و شرافتمند ما بلند کرده است .

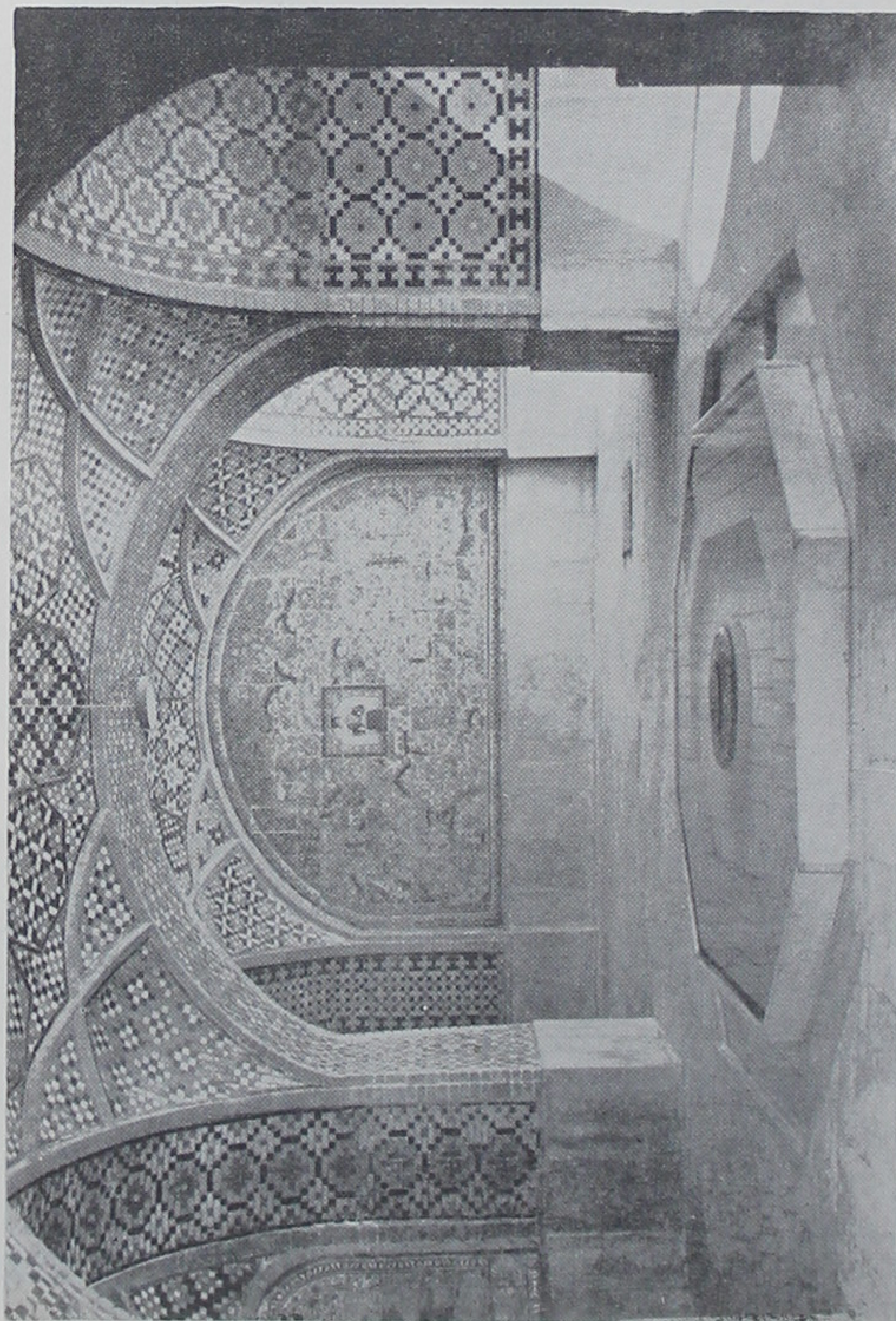
تاجدار عظیم‌الشأن :

زائد است که اعمال سبعانه و نامردانه محمدخان خواجه را با جوان با شرف وشجاع زند شرح دهیم . فجایع مزبور را دست تاریخ با قلم خونین درتاریخ ایران ضبط کرده‌بود و دوده زند از شرح مظلومیت های خود بی‌نیاز است که چیزی عرض‌کند ، زیرا اضافه برآنکه وقت‌گرامی اعلیحضرت شاهنشاه را تضییع نموده بیم آن دارد که روح حساس وضمیر با شفقت همایونی متألم گردد .

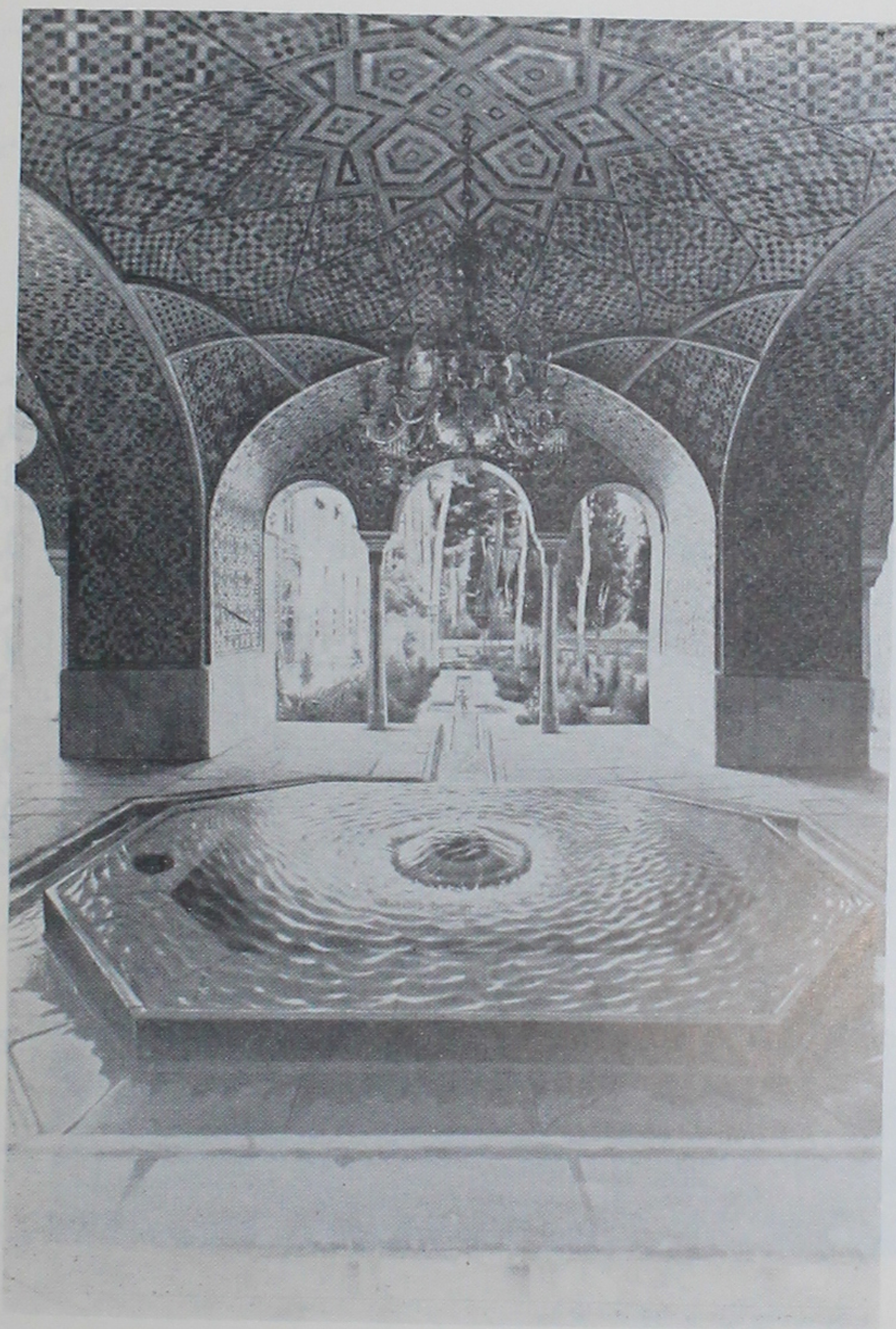
دوده زند امروز راکه بآمال دیرینه خود رسیده وافسر ودیهیم کیانی را از چنگال غاصب نجات یافته دیده وباز می‌بیند که رشیدترین وپاکترین نسل ایرانی ارث گرانبهای نیاکان خودرا از اجنبی بازستانیده است دیگر هیچگونه غم‌واندوه وداغ حسرتی ندارد قلب خودرا مسرور وضمایرخودرا شادمی‌بیند.

رعیت نوازا ، جهانبانا !

به نشانه شادمانی و فرح بی‌نظیر و بعلامت اهتزاز وبال‌افشانی ارواح شهدای نامجو ونامدار زند ، اینک این شمشیر بهترین یادگارهای شهامت و



شکل ۵۵ ـ خلوت کریمخانی و حوض جوش.

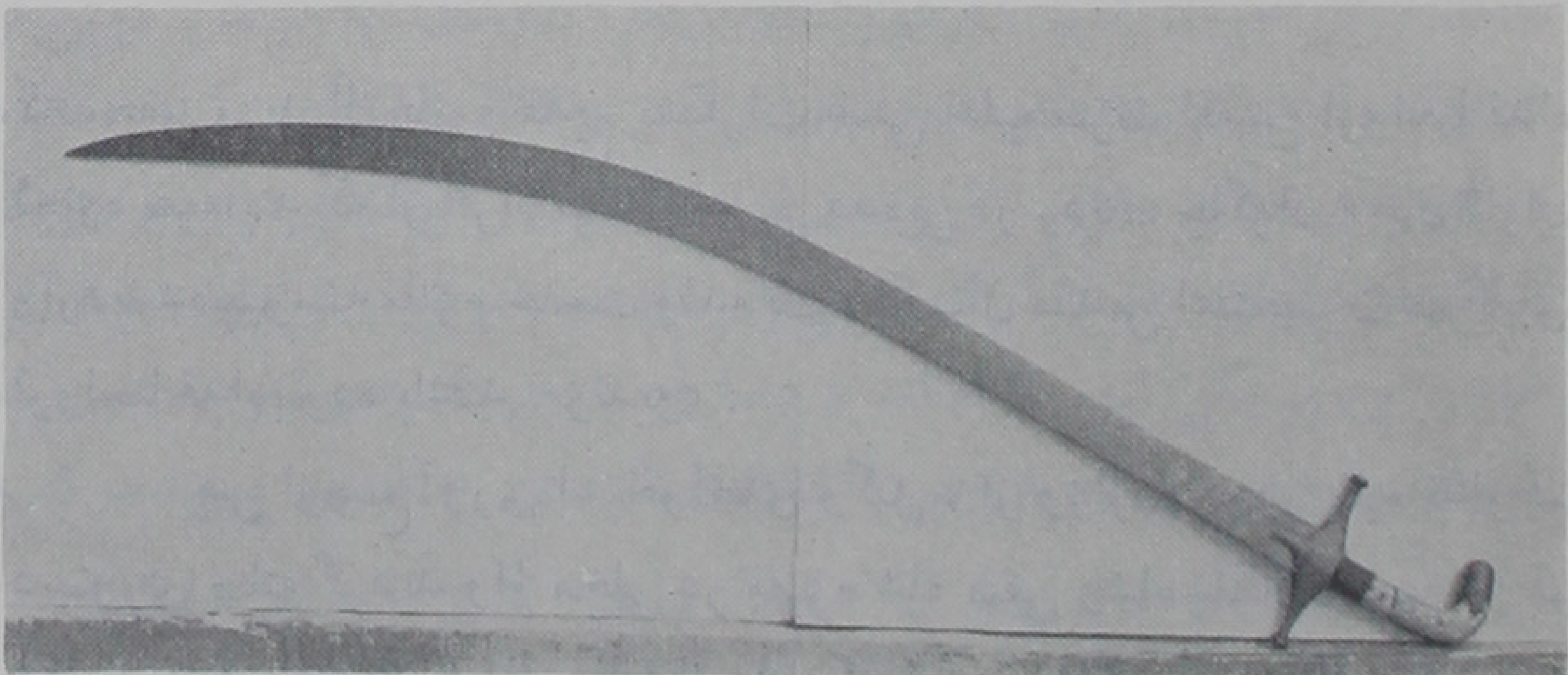


شکل ٥٦ ـ خلوت کریمخانی و حوض جوش مظهر قنات شاه ـ تابلو رنگ روغنی اثر کمال‌الملک ـ موزه کاخ گلستان .

جهانداری است که تقدیم حضور اعلیحضرت اقدس شهریاری میشود .

این شمشیر معروف کریمخان وکیل‌الرعایاست و برروی این قبضه شفاف قطرات زیادی از شبنم‌های حوادث تاریخی ریخته و بالاخره این شمشیر نشانه ویادگارخاطرات بسیار حشمت‌انگیزی است‌که همیشه حمایل پادشاه توانا و مهربان بوده است .

دست نامحرم بقبضه این ودیعه تاریخی ایران نرسیده است ودوده زند بافتخار مسرت بی‌پایان این ارثیه اجدادی خودرا تقدیم پادشاهی میکند که فقط او ازامروز مظهر نیاکان ما میباشد واستدعا دارند ، همانطور که از آغاز جهانداری نسبت بقبور شهدای قبیله زند ابرازعاطفه فرموده وافراد پریشان وسبع خورده مارا پدرانه نوازش فرمودند ، از قبول این هدیه بر مراتب افتخارات این بندگان بیفزایند . پس از تقدیم عرض احساسات مسرت‌انگیز بشکرانه عظیمه جدید الهی وسرنگون شدن نسل نابکارقاجاریه مستدعی هستیم



شکل ۵۷ ــ شمشیر فولاد کریم خان زند باقبضهٔ استخوانی ، عمل علی‌اصغر اصفهانی مورخ ۱۱۸۹ هـ . ق. در روی تیغه شمشیر رباعی زیر طلاکوبی شده است .

این تیغ که شیر فلکش شمشیر است
پیوسته کـلید فتـح دارد در دست

شمشیر وکیل آن شه کشورگیر است
آن دست که برقبضهٔ این شمشیر است

موزهٔ گلستان



شکل ۵۸ ـ اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در روز بیرون آوردن استخوانهای جسد کریمخان زند از زیر پله‌های خلوت کریمخانی. تیمورتاش ومهندس شریف‌زاده نیز درتصویر دیده می‌شوند.

که محض مزید افتخار وتقدیم تشکرات عملی اعلیحضرت اقدس ارواحنا فداه اجازه بفرمایند که از افراد قبیله زند نیز عده‌یی در ردیف چاکران وجان‌نثاران وارد شده پیوسته ملتزم خدمت وفدویت درآستان مقدس اعلیحضرت‌شهریاری ارواحنا فداه بوده باشند. زندیه».

پس ازجمع‌آوری استخوانهای وکیل، از وزارت دربار بفرماندار قم دستوری صادرگردید واو محلی در مقبره شاه صفی وشاه‌سلطان حسین در قم تعیین نمود واستخوانهای وکیل‌الرعایا که قسمت اعظم آن خاك شده فقط قطعات‌کوچکی باقی مانده بود، بقم حمل شد ودرمحل مزبور دفن گردید. بعضی نوشته‌اند که استخوان‌های وکیل را در زمان فتحعلی‌شاه ازمحل مذکور بیرون آورده به نجف حمل کرده بودند ولی با بدست آمدن استخوانها درزیر پله بی‌اساس بودن این شایعه آشکار گردید ونشان داد که اگر هم در آن‌هنگام

برای سرپوش‌نهادن برعمل زشت خود این موضوع را شهرت داده‌اند ولی در این راه عملاً قدمی برنداشته‌اند .



بنا برنوشته مرحوم معیرالممالك ، در سمت شرقی دیوانخانه (تخت مرمر) یعنی جنب همین خلوت کریمخانی که سپس به پاسدارخانه کاخ گلستان تبدیل گردیده‌بودواینك آن نیز ازبین رفته و دهانه چهارمی برایوان گشوده شده‌است «فضایی را با نرده مجزاکرده بودند ودرآن چند قفس بزرگ‌آهنین ترتیب داده بچه‌های ببر وپلنگی‌که برای ناصرالدین‌شاه میاوردند مدتی درآن رها کرده بعد بباغ دوشان‌تپه میبردند ، دربهار یکی از سالها دوبچه ببر از مازندران آوردند ، پس ازچندی تابستان آمد و شاه بمسافرتهای ییلاقی رفت وبعداز مراجعت نیز بفکربردن ببرها نیفتاد ، تا آن روزی که شاه بتماشای آنها رفت وبجای ببرهای کوچك دوحیوان قوی‌هیکل کوه پیکردید که دیوانه‌وار خودرا بمیله‌های آهنی زده و نعره‌های وحشت‌انگیز برمیاوردند . شاه از مشاهده این حـال گفت تاهرطورشده ببرهارا بدوشان تپه ببرند . دوتن از قراولان مازندرانی داوطلب شدند درون قفس رفته آنهارا زنجیر کنند . قلاده وزنجیرهای محکم حاضر آوردند و قراولان مزبور کپنك پوشیده و هریك کپنك وچماقی هم بدست گرفته داخل قفس شدند . یك تن از قراولها ، بچالاکی خودرا بروی یکی ازببرها افکند و دیگری بزنجیر کشیدن آن پرداخت که ناگهان ببر دومی پریده بازویش را بدندان گرفت . چنان بهم پیچیدند کـه استعمال تفنگ نیز میسر نبود ، شاه فریاد برآورد که بیاری آنها بروند در دم امیرخان سردار و مجدالدوله کپنك برداشته داخل قفس شدند و خودرا بروی ببر افکنده بزنجیرش بستند ولی از دست قراول جزاستخوانی نرم شده واندکی پوست بخون آغشته باقی نمانده بود ، ودکترطولوزان پس‌از معاینه فوراً لوازم جراحی حاضر آورده دست را از کتف برید . شاه ازتهور وجانفشانی آن سرباز قدردانی بسیار نموده سیصدتومان انعامش داد» .

اطاق موزه یا تالار سلام

در ضلع شمال‌غربی باغ گلستان ازخلوت کریمخانی‌که بگذریم باطاق موزه یا تالار سلام و یا بنام جدید آن «تالار تاجگذاری» میرسیم . این تالاراز همان آغازکار بمنظور تشکیل موزه بنا گردیده بود ولی سپس بعلت نقل تخت سلطنتی از موزه قدیم و تالار آینه بدین ساختمان وبرگزاری سلامهای خاص درآن کم‌کم نام «تالار سلام» بخود گرفت .

پیش از آنکه این تالار وتالار آینه که در جنب آنست احداث شود درمحل آنها عمارتی وجود داشت که تالار الماسیه نامیده میشد وپیش‌ازاینکه تالار الماسیه هم ساخته شود محل آن دیواری بود که عمارت آصف‌الدوله وسالاررا ازباغ گلستان جدا میساخت ، در روضة‌الصفای ناصری دراین‌خصوص مینویسد[1] : «دیگرعمارت مشهور بباغ گلستان که از ابنیه خاقان صاحب قران بوده ولی قرینه نداشته یك سوی آن باغ‌کلاه فرنگی و سوئی بدیوار وابسته ، چون سراهای آصف‌الدوله و بستگانش درآنسوی دیوار بوده خاقان مغفور درآن تصرفی ننمود دراین‌اوقات که آصف‌الدوله وسالارمخذول‌ومقتول‌ومرحوم شدند وفرزندانشان متفرق گشتند با این که تمامت اراضی ارگ را شاه شهید (آغا محمدخان) از ورثه آن دربیع درآورده بود وکل آن‌بیوتات متعلق بوراث تخت وتاج است حضرت شاهنشاهی بمبلغی خطیر و قیمتی اعلی آن بیوتات

---

۱ - روضة‌الصفا ج . دهم چاپ ۱۲۷۴ ه . ق .

و اراضی را از ورثه او ابتیاع فرمودند و بحاجب‌الدوله اشارت رفت که آنهارا از اجزای عمارت باغ کند واوهمه را کوبیده داخل باغ انداخته برآنسوی که قرینه نداشت عمارات عالیه فوقانی و تحتانی بنیاد کرد و منظری نیکو ساخت».

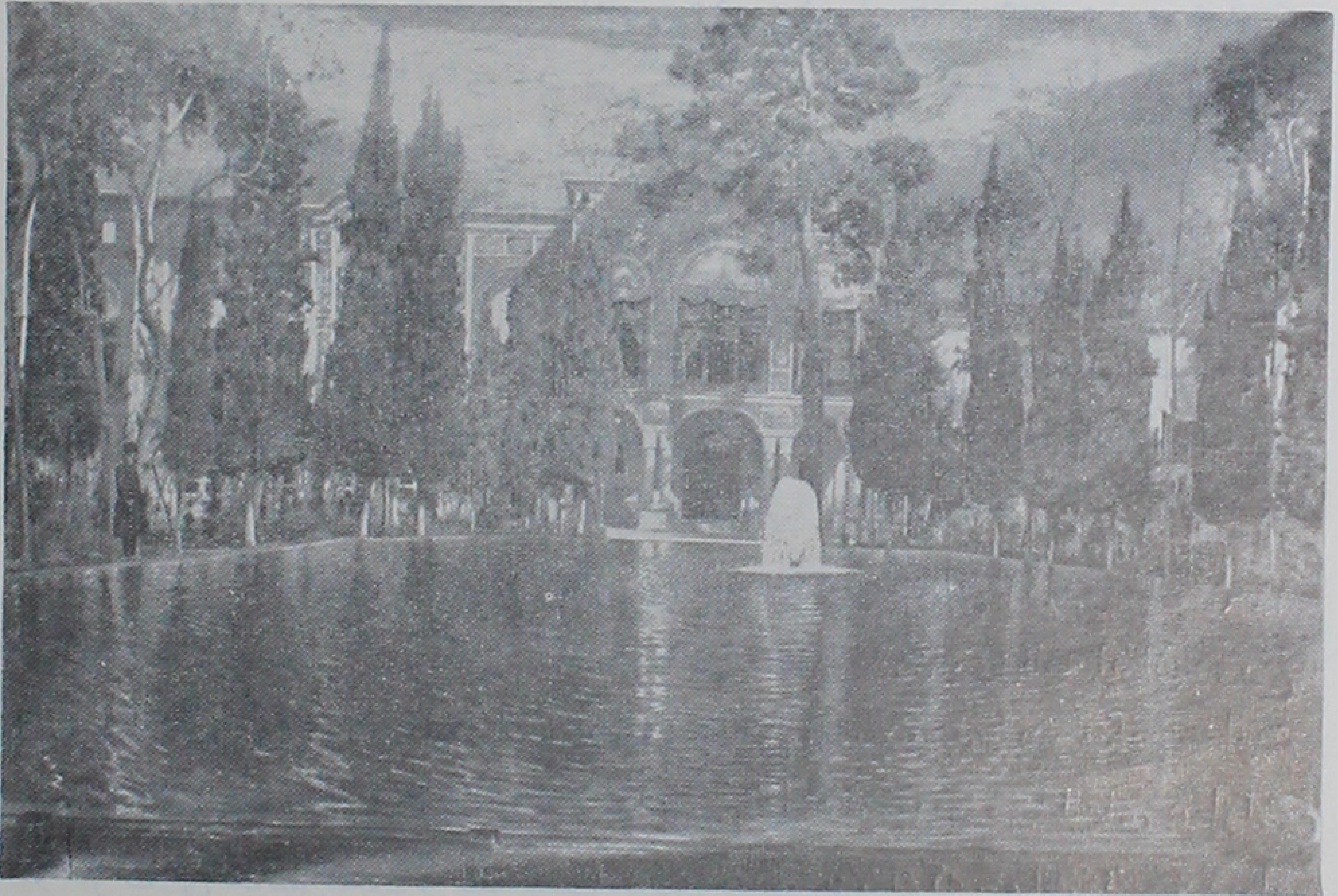
نخستین موزه سلطنتی و دولتی درایران که توسط ناصرالدین شاه تأسیس گردید در داخل عمارات سلطنتی ودر یکی از تالار های وسیع عمارت خروجی گلستان بود که بنای آن بین شمس‌العماره و گوشه شمال‌شرقی باغ قرار داشت ولی بعدها شاه بر اثر مسافرت به اروپا (۱۲۹۰ هـ . ق) و دیدن موزه‌ها و گالریهای بزرگ کشورهای غربی ، تصمیم گرفت که او نیز موزه‌یی شبیه به موزه‌های اروپایی ، درارگ سلطنتی تأسیس و ایجاد نماید . بهمین منظور پس ازبازگشت بایران دستور داد که عمارات قدیمی سمت شمال باغ گلستان را خراب کرده اطاق موزه و سرسرا و حوضخانه و ملحقات دیگر آن را ساختند که اینک تقریباً همگی باقی هستند .

چنین پیداست که بنای تالار موزه و دیگرقسمتهای آن در سال ۱۲۹۳ اتمام یافته بوده است[۱] زیرا اعتمادالسلطنه در شماره ۳۱۸ روزنامه ایران مورخ نهم ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ هـ . ق . می‌نویسد : «یکی از تالارهای بزرگ‌این عمارت سی‌وچهار قدم طول و بیست‌وپنج قدم عرض دارد ، میز و صندلیهای عمارات کلاً از طلای خالص‌است و یك تخت مرصع بسیار بزرگ‌که جواهر نفیسه بسیار دارد و خیلی گرانبهاست (منظور تخت نادری است) دراین عمارت گذاشته شده است که در اغلب اعیاد در سلام عام بندگان اعلیحضرت پادشاهی درروی آن تخت جلوس میفرمایند.» .

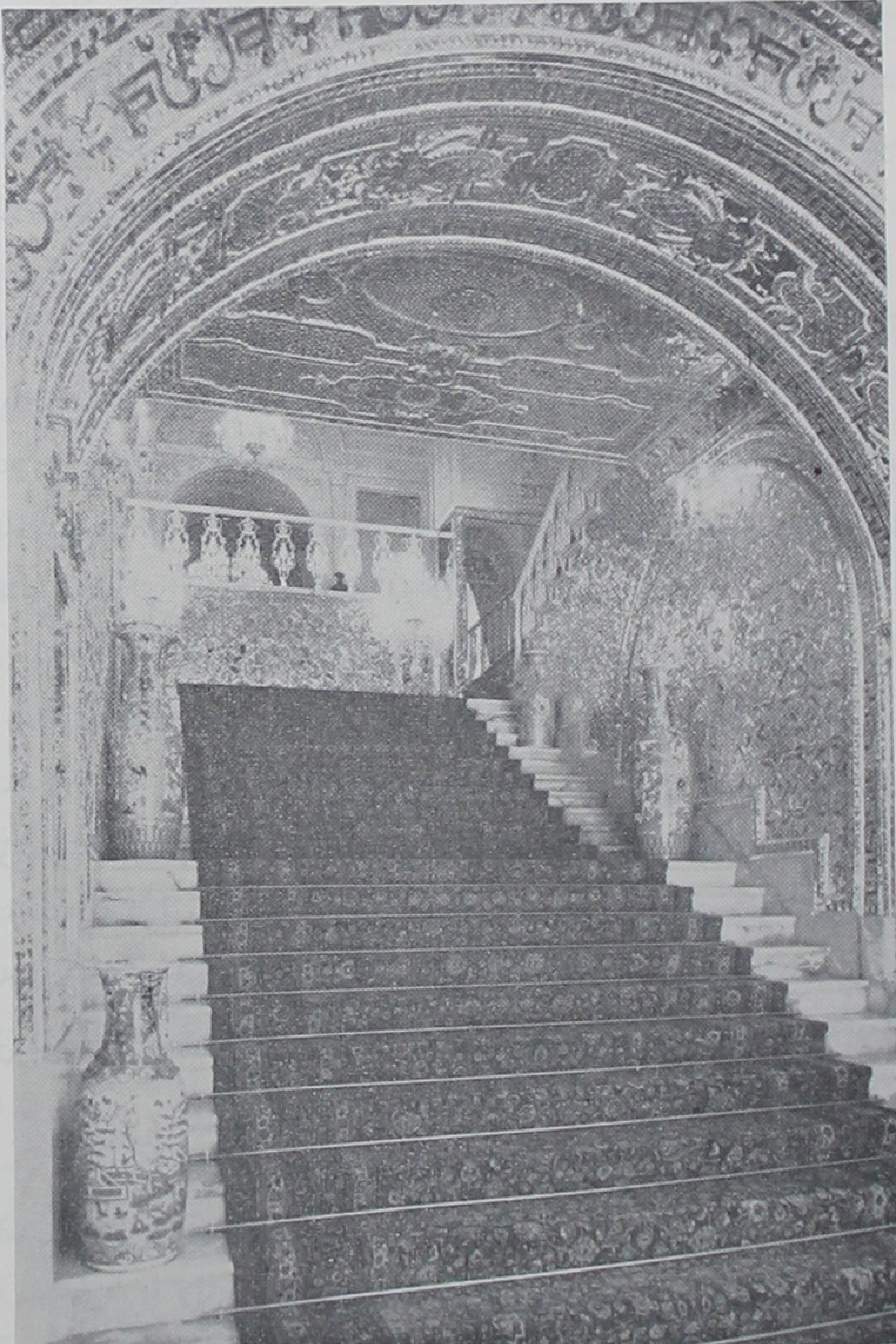
---

۱ – این اعلان درشماره ۲۹۰ روزنامه ایران مورخه یکشنبه ۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۳ درج گردیده است :

«ازجواهر گرانبها واشیاء نفیسه قدیمه ازقبیل ظروف ومسکوکات واسلحه وپرده نقاشی وغیره هرکه داشته باشد بجهة اطاق موزهٔ همایونی لازم است بدارالطباعه آورده بصنیع‌الدوله بنمایدکه بقیمت عادله وعادلانه بجهة دیوان همایون اعلی ابتیاع خواهد شد» .



شکل ۵۹ـ نقاشی رنگ روغنی ازسردر تالار آینه وتالار سلام وباغچه واستخر کاخ گلستان.
اثر کمال‌الملک موزه کاخ گلستان.



شکل ۶۰ ــ پله‌ها وسرسرای تالار سلام پس‌از تعمیرات اخیر .

از فحوای کلام اعتمادالسلطنه در یادداشتهایش چنین پیداست که آرایش و تنظیم تالار موزه و چیدن اشیاء و آثار ونصب تابلوها و غیره سالها طول کشیده وبالاخره درسال ۱۲۹۶ تقریباً پایان یافته است، چنانکه وی درذکر وقایع رمضان سال ۱۲۹۶ ه . ق . بازمینویسد: «موزه قدیم دولتی که درداخل عمارات سلطنتی بود چون وضعاً بالنسبه چندان عالی ولایق ووسیع نبود، سه‌ماه قبل حسب الامر قَدَر قَدَر آنرا خراب ودر یکی از اضلاع عمارت مبارکه، موزه بسیار وسیع وعالی و خوب بنا نموده و محل موزه قدیم، و طرف مقابل آن را دو دریاچه بسیار عریض وطویل ساختند.»

از قرار در تنظیم موزه وتعیین محل اشیاء و آثار وجواهرات وتابلوها، خود ناصرالدین شاه نیز شرکت کرده ودرآرایش تالار دخل وتصرف مینموده وتاچندین سال این کار همچنان ادامه داشته و شاه اوقات فراغت خودرا صرف ترتیب موزه و بخصوص جواهرات آن میکرده است. اعتمادالسلطنه در ذکر وقایع سه‌شنبه غرهٔ جمادی الاولی سال ۱۲۹۹ ه . ق . دریادداشتهای خود مینویسد: «.... ناصرالدین شاه که بحمدالله سال سی‌وششم سلطنتشان است دراطاق موزه که تازه باتمام رسیده است جلوس فرمودند اطاق موزه تالاریست بسیار وسیع که درایران باین بزرگی اطاق ساخته نشده است، ازاطاقهای اصفهان صفویه اگرچه ندیده‌ام اما شنیده‌ام بزرگتر است. سقف اطاق آجری است مشتمل برطاق وسط و چند دالان، سراسرمزین وچهل چراغهای بزرگ آویخته شده».

باز همو در روزنامه شرف در جمادی الثانی ۱۳۰۰ ه . ق . درباره این تالار و عمارت می‌نویسد:

«یکی از مآثرمعظمه .... تالار وعمارت مبارکه موزه‌که این اواخر صورت انجام وزیورِ اتمام یافته‌است. نظیر این بنای عالی که ازحیثیت رفعت ووسعت ولطف وتناسب و استحکام ... دراین ازمنه و ادوار و قرون ... درممالك محروسه ... ساخته وآراسته نشده است.

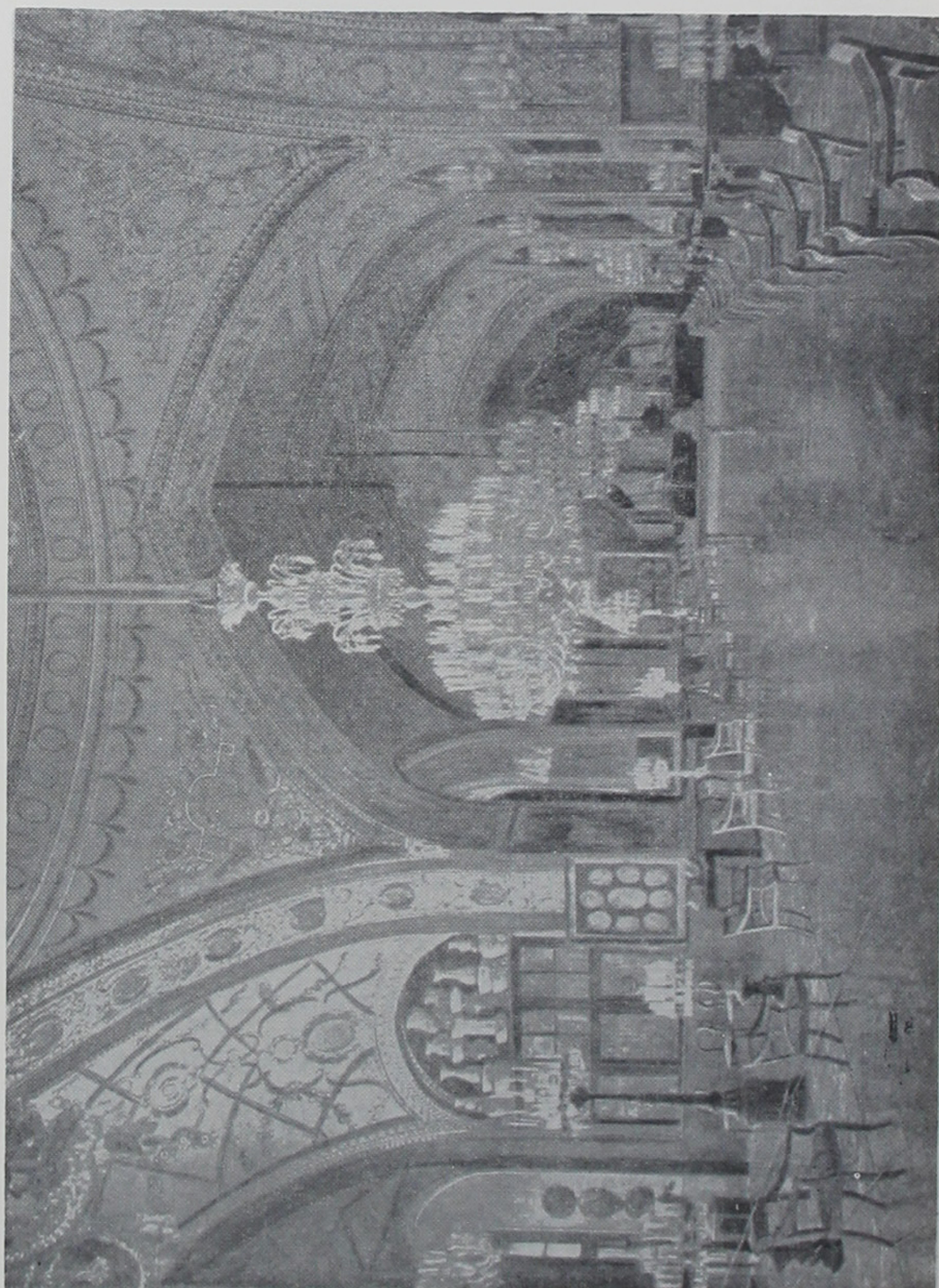
طالار موزهٔ همایونی که طولاً چهل‌وسه‌ذرع ، وعرضاً هجده ذرع و مشتمل بر بیست طاق است در سمت شمال قصر زمستانی و باغ سلطنتی واقع شده همین‌که از دیوانخانه بزرگ بدربار اعظم آمدند واز دربار اعظم از در معروف به سلام که در طرف مغرب قصر زمستانی است وارد عمارت مبارکه مزبور شدند یك دریاچه مشاهده می‌نمایند که علی‌الدوام چهار سنگ آب از وسط آن فوران دارد . از پهلوی دریاچه‌که گذشتند در طرف شمال محاذی همین دریاچه یك در بسیار عالی از فلز هست که از این در بواسطه پله‌های مرمر عریض‌که باقسام‌گلدانهای چینی وملخیت و مجسمه‌های بسیار ممتاز مزین شده صعود نموده بسطحه میرسند . دراین سطحه حوضی از مرمر دیده می‌شود که بر سبیل استمرار آب از فواره آن جاریست . ازاین سطحه بواسطهٔ دوپلهٔ بسیار مزین دیگر بزیر یك طاق بسیار بلند عریضی ورود می‌نمایند . درطرف جنوب این طاق تالار گلستان است که تخت طاوس معروف درآن گذاشته شده .

در طرف مغرب تالار موزه ودر شمال کتابخانه و در سمت مشرق تالار عاج است که از این تالار به تالار بلور می‌روند و ازتالار بلور به تالار موسوم به نارنجستان ودرحقیقت تالارنارنجستان ازجداول وآب جاری ووضع متناسب وبنای بدیع و وخضرت اشجار و فسحت و نزهت صفائی دارد که بوصف درنمی‌آید . و غالباً در فصل زمستان‌که اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی . . . . در دارالخلافه باهره تشریف فرما می‌باشند دراین قسمت قصر سلطنتی درتالار بلور وتالار نارنجستان اقامت می‌فرمایند . . . .

موزه باصطلاح اهالی فرنگ عبارتست ازمکان ومحلی که مخزن آثار قدیمه واشیاء بدیعه و نفایس و مستظرفات دنیاست وازهرتحفه ویادگاری که درآن مخزون وموضوع است اهل علم واطلاع ، کسب فایدتی وکشف سری می‌نمایند واز احوال واوضاع هرزمان و صنایع و حرف آن ورسوم و آداب معموله آن ایام و عادات طوایف انام با خبر میگردند ومی‌توان گفت که موزه شعور ومیزان عقول ودرجهٔ افهام اصناف و مرات ادراك سلاسل است مشکلات



شکل ۶۱ ـ سرسرای تالار سلام وتالار آینه پس‌از تغییرات وتعمیرات اخیر .



شکل ۶۳ — تالار سلام یا اطاق موزه درعهد سلطنت ناصرالدین شاه.

لاینحل در اینجا حل می‌شود وبرمعلومات تاریخی شهود اقامه می‌نماید .

این است که موزهٔ همایونـــی نیز بهمین وتیره خزینه‌ایست مشحون بزواهر جواهرگرانبها وطرایف و نفایس اشیاء وآثار جلیله علمیه و مهمات حربیه قدیمه وآلات و ادوات متنوعه و مصنوعات ازمنهٔ سالفه ونتایج خیالات حکمای بزرگوار وتماثیل وتصاویر نگارنده های بیمثل ومانند روزگار و پرده های نقاشی کار نقاشهای مشهور و حاصل صناعی کارخانه های معروف و ظروف چینی بسیار ممتاز کار چین و سِوروانگلیس و ژاپن وبلورآلات کارخانه‌های ساکس وونیز و سایر کارخانه‌های معتبر و مسکوکات قدیمه با صور سلاطین معظم ایران و غیره . بعلاوه تزیینات لایقه بسیار ومحصولات رایقه بیشمارکه هریك در عالم علم ودرایت وحوزهٔ اطلاع وبصیرت گوهریست بی‌بدل ودر لغات وامتیاز ضرب‌المثل . . . .

چنانکه اشارت نمودیم کتابخانه در جنب موزهٔ مبارکه همایونی است که چندین هزار جلد کتاب خطی و چاپی ازکتب معتبرهٔ قدیمه و جدیده درآن هست و هرکتابی که اسم آن مسموع شده دراین کتابخانه شریفه نسخهٔ آن موجود می‌باشد . . . . . وچندشعری ازقصیدهٔ غرا که ابونصر فتح‌الله خان متخلص به شیبانی . . . . درتوصیف این بنا . . . . سروده بمناسبت درذیل درج نمود .

ای قصه‌ها شنیده ز ارتنگ و روم وچین
خیز ایدرآی و موزهٔ شاه جهان به‌بین

کاندر بنا و نقش صورهاش خیره‌اند
صنعتگران رومـی و صورتگران چین

انموذج‌جهان است این خود نه موزه است
یا خود جهان چو جامه واین قصرش آستین

کز آستین برآیـد هرچیز بی گمان
کانرا کنی بجامه نهـان از ره یقین

کاخی است این بنا که کیومرث نامدار
مانند آن ندید و فریدون آبتین
هر رطب و یا بسی که جهانراست اندروست
پس خود مگوش موزه، کتابی بود مبین
کاخی چگونه کاخ که زوصدهزار شاخ
آویخته است پر گل صد رنگ و یاسمین
وزهرگلی دمیده یکی کوکبی که هست
از آفتاب روشن بر نورش آفرین
دیوار و بام و صحن و درش از بلور صاف
صافی تر از جمال دل‌آرای حور عین» .

ابونصرشیبانی علاوه بر قصیده فوق، قصیده‌یی نیز بمطلع :
بفرخی ملك آراست خانه‌یی چو بهار
بفر و زیب به از چین و خلخ و فرخار
دروصف این بنا سروده است، واین‌قطعه نیز دروصف موزه ازاوست:

خسروان کاخ موزه میسازند — یعنی انموذج جهان استی
موزهٔ شاه ما بیا و ببین — که تو گویی که آسمان استی
کانچه در آسمان نهان باشد — اندرین موزه بر عیانستی
هرچه درعقل و وهمت‌آید باز — اندرو جمع و بی گمانستی
وانچه ازآثارچین‌وروم‌وفرنگ — نغز و خوب است اندرآنستی
وز کران زمانه تا بکران — هرچه خواهی در آن میانستی
درمیانش هزار گونه خوشی — وزبد دهر بر کرانستی
این بنا از چنین شهی نشگفت — کاین جهان جسم واو جانستی
ناصرالدین که تا جهان باشد — کامکار است و کامرانستی[1]

---

۱ - زبدةالاثار ص ۲۳۳ نسخه خطی کتابخانه ملی .



شکل ٦٣ ـ تالار موزه باچلچراغها وصندلیهای طلا و آرایش‌های آن .



شکل ٦٤ ـ داخل یکی ازغرفه‌های تالار موزه و اشیاء نفیس آن درعهد ناصرالدین‌شاه .

علاوه‌براینها بسیاری ازجهانگردان ومأموران سیاسی واروپاییان دیگر که ساختمانهای ارگ سلطنتی ایران را در آن عهد دیده‌اند ، مطالب نسبةً مفصلی راجع باین تالار و طرز آرایش واشیاء وجواهرات آن نوشته‌اند .

از جمله س . گ . و . بنجامین نخستین سفیرآمریکا درایران ، درکتاب خود به نام «ایران وایرانیان» که مربوط بفاصله سالهای ۱۳۰۰ هـ . ق . و ۱۳۰۱ هـ . ق . است می‌نویسد : « . . . . عالی‌ترین قسمت عمارات سلطنتی ناصرالدین شاه همان تالار سلام است که از نظر ابعاد وجلال و شکوه خود ، یکی از عالیترین تالارهای دنیاست . سقف ودیوارهای آن بوسیله گچ‌بری تزیین گردیده است نظیر همان گچ‌بری‌هایی که درکاخ « الحمراء » نیز دیده میشود . کف تالار بوسیله کاشیهایی‌که با نقوش زیبا بصورت موزائیك درآمده مفروش شده است . در وسط تالار میز بسیار بزرگی قرار دارد که تمام‌قسمتهای آن بوسیله ورقه‌های زرین پوشیده شده ودردو طرف تالار صندلیهای دسته‌دار که آنها نیز از ورقه های طلا پوشیده شده‌اند ، چیده شده است . . .» .

دراوایل تأسیس موزه جدید علاوه بر نمایش آثار هنری ایران و اروپا و هدایایی که سلاطین کشورهای خارج برای شاهان ایران فرستاده بودند واسلحه[1] و زره شاهنشاهان سابق و آثار تاریخی و تابلوها و گلدانها وچلچراغها وساعتها و مجسمه‌ها و غیره که بر روی میزها و پایه‌ها و برروی دیوارها قرار گرفته بودند ، قسمت اعظم جواهرات پیاده و اشیاء و وصله‌های جواهرنشان سلطنتی نیز درتالار موزه درداخل قفسه‌های شیشه‌یی بمعرض تماشا گذاشته شده بود ، که اینك همه آنها در بانك مرکزی ایران خود مخزن و موزه مستقل وبزرگی را تشکیل داده‌اند .

---

۱ - موزه اسلحه یا اسلحه‌خانه در واقع ابتدا بسال ۱۲۷۰ هـ . ق . (۱۸۵۳ م .) بنا به امر ناصرالدین‌شاه تأسیس گردیده بود و دراین مورد در صفحه ۲۳۲ جلد چهارم منتظم ناصری می‌خوانیم که : «این اوقات حسب‌الامر اسلحه‌خانه مخصوصی برای اسلحه ممتازه و آلات حربیه سلطنتی بناکرده وتمام اسلحه سلاطین ماضیه واین عهد همایون‌راکه همه ممتاز ومزین بطلا ومرصع بجواهر وازکارهای اساتید قدیمه وجدیده بود ، درآنجا بنظم وترتیب گذاشتند» .

درباره موزه واشیاء آن اعتمادالسلطنه درسال ۱۳۰۶ ه . ق . مینویسد «و دیگر اطاق موزه است که محفظه اشیاء عتیقه و مخزن اعلاق نفیسه میباشد. ازقبیل احجارکریم وگوهرهای یتیم واسلحه خطیر واوانی بی‌نظیروبدایع‌صنایع وودایع طبایع وآثار خطاطین ومواریث سلاطین وعجایب عالم ومسکوکات امم وغیرذلك ازنوادر اشیاء که امهات طبایع وافکار ازتولید اخوات آنها عقیم است ومقومان عقول واوهام ازتعیین ثمن هرکدام درتیه حیرت مقیم . همانا کلیه اشیاء گرانبها از هرقبیل که دراین اساس گردون کریاس مبارك است ازکتب وجواهرات ونفایس دیگر اگر تقویم شود متجاوز ازچهل کرور تومان ایران خواهد بود .»[1]

آنچه بیش‌ازهمهٔ جواهرات واشیاء گرانبها وتاریخی و هنری نظر تماشاگران را درموزه سلطنتی ناصرالدین شاه بخود جلب میکرد ، اشیاء و قطعات تاریخی زیر بود :

دریای نور : دریای نور درشتترین وزیباترین الماس برلیان در میان گوهرهای سلطنتی ایران و یکی ازگوهرهای معروف جهانست .

گفته میشود این الماس درحدود یکهزارسال پیش استخراج وکشف شده‌است . وزن آن اکنون هفت مثقال وبیست نخود یعنی در حدود ۱۸۲ قیراط است ولی پیش از تراش زیادتر از این بوده .

«دریای نور» همراه با خواهر خود «کوه نور» توسط نادرشاه افشار جزو هدایای محمد شاه کورکانی و غنایم جنگی از هند بایران آورده شده است .

این سنگ گرانبها پس ازکشته‌شدن نادر ظاهراً بتصرف نواده وی شاهرخ افشار درآمد ، سپس بدست میرعلم‌خان عرب خزیمه وپس‌ازآن بدست محمدحسن‌خان قاجار افتاده واز او به کریم‌خان و سرانجام به لطفعلی‌خان زند

---

۱ - المآثر والاثار ص ۵۸ - ۵۷ .



شکل ٦٥ ــ تالار موزه وچلچراغهای آن .



شکل ٦٦ ــ قسمتی ازتالار موزه وتزئینات آن .



شکل ۶۷ ــ الماس دریای نور ــ موزه جواهرات سلطنتی .

رسید . آغامحمدخان قاجار پس از شکست دادن لطفعلی‌خان و کور کردن او شخصاً بازوبندهای دریای نور وتاجماه را از بازوان او گشوده متصرف گردید وبدین گونه این گوهر یکتا جزو گوهرهای خزاین قاجار درآمد .

دریای نور تا زمان ناصرالدین شاه دروسط یکی از بازوبندهای سلطنتی نصب شده ولی درزمان او که استفاده از بازوبند رو به منسوخ شدن نهاد ، آنرا بصورت پیش کلاه درآورده درقابی زرین با شیروخورشید و تاج ، مرصع به ۴۷۵ قطعه برلیان ریز وعالی وچهار قطعه یاقوت قرار دادند .

این الماس برلیان ازدوسو تراش خورده و بشکل هرم مثلث‌القاعده‌یی است که قاعده آن چهار سانتیمتر درازا و سه سانتیمتر پهنا دارد ودوسوی‌دیگر آن اندکی نزدیك به نیمی از این مقدار وبلندی آن قدری از دو سانتیمتربیشتر است . همه سطوح دریای نور صاف و یکنواخت است جز یك سمت آن که فتحعلی‌شاه باکندن عبارت «السلطان صاحبقران فتحعلی‌شاه قاجار۱۲۴۲»(؟) از ارزش آن کاسته است . دراین گوهر شاداب اگر از جانب سطوح نگاه کنیم بی رنگ مینماید ولی اگر از جانب اضلاع بنگریم به نسبت وضع نور تغییر رنگ داده گاهی برنگ گلی و گاهی بنفش بنظر میرسد .

ناصرالدین شاه معتقد بوده که این الماس از گوهرهای تاج‌کورش (کیخسرو) بوده است و خود او باین گوهر گرانبها بسیار علاقمند بوده وگاهی آنرا بکلاه و زمانی به بند ساعت و گاهی به سینه خود نصب میکرد وحتی تولیت دریای نور را منصبی قرارداده واین مهم را باعیان و بزرگان کشور محول میداشت . چنانکه درضمن وقایع سال ۱۲۹۶ (هـ . ق .)در منتظم ناصری میخوانیم که تولیت دریای نور درآن‌سالها به حاجی محمدرحیم‌خان‌خازن‌الملك محول بوده است .

دریای نور بعدها داخل موزه جواهرات دولتی گردیده درهمان محل بود تا در سال ۱۳۲۶ هـ . ق . هنگامیکه محمدعلی میرزا براثر شکستی‌که از مشروطه خواهان خورده بسفارت روس در زرگنده پناهنده شد ، این گوهررا

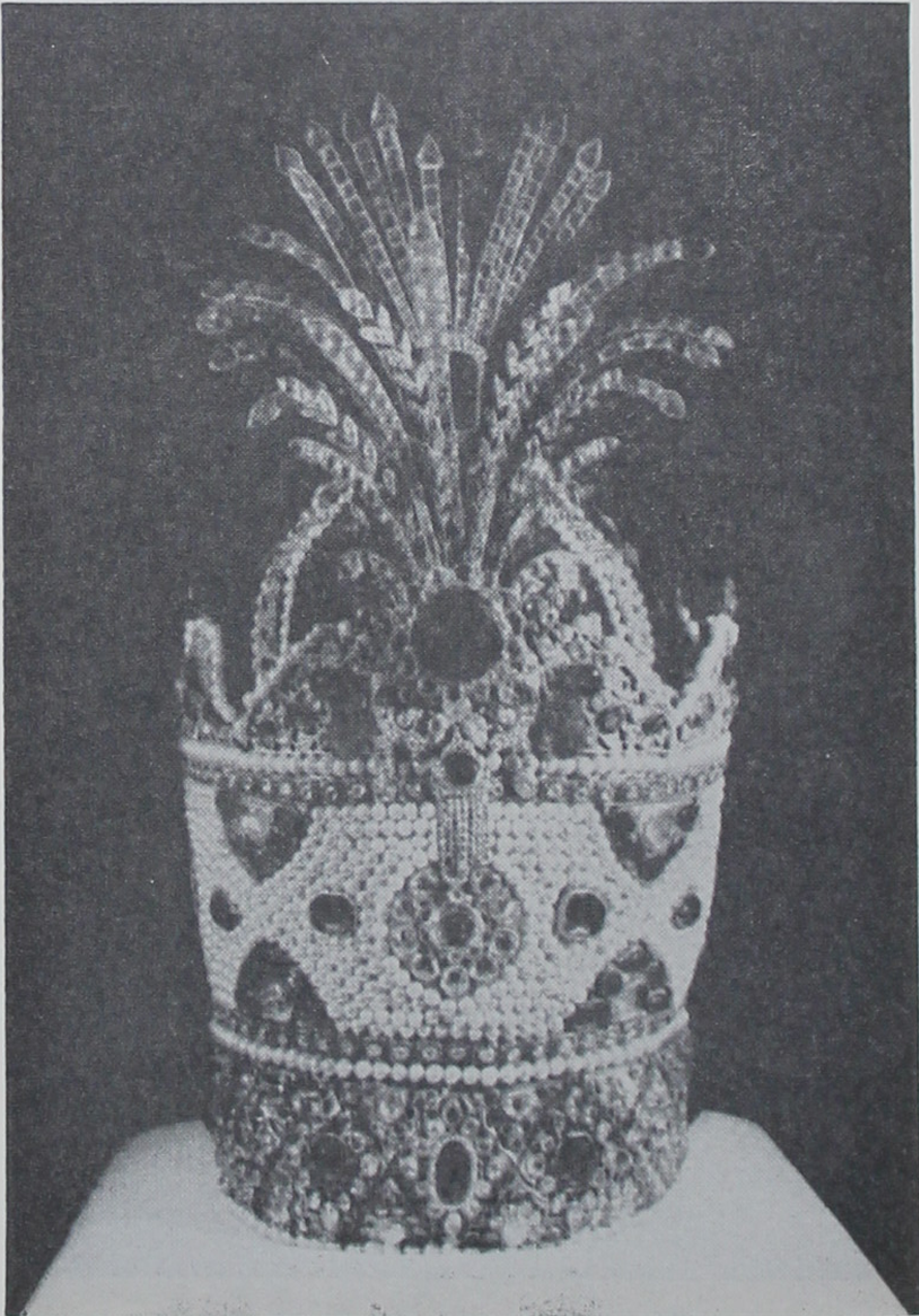
نیز جزو برخی گوهرهای دیگر با خود بآنجا برد و مدعی بود که دریای نور ملك شخصی اوست و چیزی نمانده بودکه این گوهر گرانبهای ایران که یادگار جهانگیریهای نادرشاه است مانند خواهر خود راه دیار دیگری را پیش گیرد. ولی همت ملیون وآزادیخواهان آنرا نجات داد و پس از رفت‌وآمدها و گفتگوهای فراوان این گوهررا با مقداری ازگوهرهای دیگر ازمحمدعلی‌میرزا پس گرفته بخزانهٔ سلطنتی باز گردانیدند.

تاجماه: جواهردیگری که پس ازدریای نور درمیان جواهرات‌سلطنتی ایران خودنمایی میکرد الماس «تاجماه» بود. این‌سنگ‌سفیدوخوش‌آب‌ورنگ بادامی شکل $\frac{۱}{۱۶}$ ۱۱۲قیراط وزن دارد وچنانکه درشرح دریای نور گفته شد سابقاً در وسط بازوبند سلطنتی بازوی چپ قرار داشت و بعد آنرا بصورت دگمه بر روی سینه وگاهی برروی سردوشی یاپیش‌کلاه نصب‌میکردند واینك بصورت پیاده در خزانه جواهرات سلطنتی ایران نگاهداری میشود.

تاج کیانی: ازجمله اشیاء مرصع وجواهرنشانی که در داخل قفسه‌های موزه سلطنتی دیده میشد تاج معروف به «تاج کیانی» بود.

میدانیم که از تاجهای شاهان قدیم ایران متأسفانه اثری باقی نمانده است وشاهان صفوی نیز تاج برسر نمی‌نهادند بلکه هنگام جلوس برتخت فقط به نصب جقه اکتفا میکردند آغامحمدخان نیز در تاجگذاری خود در ورامین ازیك کلاه مسی زراندود که بعد آنرا دراصفهان میناکاری کردند، استفاده کرد که اینك درموزه کاخ گلستان محفوظست ولی برادرزاده‌اش فتحعلی شاه درهمان نخستین سالهای سلطنت خود (۱۲۱۳ - ۱۲۱۲ هـ. ق.) فرمان داد کلاه گوهرنشان بلندی با هشت‌کنگره وطاق‌کروی سرخ بنام «تاج‌کیانی» ساختندکه همه ساله درسلامهای رسمی عام وخاص نوروزی و سایر عیدها و مراسم دیگر آنرا زیب سرخود میکرد.

شکل تاج کیانی فتحعلی‌شاه همان بوده که امروزه هست ولی درزمان



شکل ۶۸ ـ تاج کیانی ـ موزه جواهرات سلطنتی .



شکل ٦٩ ـ کرهٔ مرصع ـ موزه جواهرات سلطنتی .

ناصرالدین شاه اندك تغییری در طرز نصب جواهرات آن داده و جقه زمردنشان بزرگی با پره‌های فراوان و یك شرابه مروارید برآن افزودند.

گوهرهای تاج کیانی عبارتست از مروارید، یاقوت، زمرد و الماس که با چنگ و پایه و سیم برروی تاج نصب گردیده است.

همه سلاطین قاجار در تاجگذاری های خود ازهمین تاج کیانی استفاده میکردند.

کرهٔ مرصع: اثر دیگری که درتالار سلام چشم تماشاگران را بسوی خود میکشید، کره جغرافیائی زرین و مرصع بزرگی بود که در وسط یکی از غرفه های نزدیك به شاه‌نشین تالار، در داخل قفسه شیشه‌یی قرارداشت.

این کره مرصع در سال ۱۲۹۱ ه. ق. یعنی در بیست‌وهفتمین سال سلطنت ناصرالدین شاه با مبلغی که از جمع و خرج مملکت اضافه آمده بود، ازگوهرهای درخت جواهری که صدر اصفهانی به فتحعلی‌شاه هدیه کرده بود وجواهرات پیاده دیگر که در خزانه وجود داشت ساخته شده بود.

درنظربرخی این کره ازنظرموضوع خودکه درآن‌روزها درایران‌تازگی داشته و صنعتی که درآن بکار رفته یکی ازشاهکارهای دوره سلطنت ناصرالدین شاه تلقی گردیده است ولی بطور کلی چنین بنظر میرسد که استاد سازنده این کره بقدری که درجواهر سازی و زرگری مهارت داشته، نقشه‌کش خوبی نبوده است از این‌رو تشخیص حدود قاره‌ها وکشورها ودریاها با اختلاط سنگها و تلالؤ آنها تا حدی دشوار میباشد.

وزن کره با پایه های طلایی آن حدود ۳۷/۵ کیلوگرم میباشد ودر روی آن ۵۱۳۶۶ قطعه جواهر گوناگون بوزن ۳۶۵۶/۴ گرم نشانده شده‌است.

اقیانوسها ودریاها زمردنشان وآسیا مرصع بیاقوت ولعل، ایران مرصع بالماس[1]، اروپا مرصع بیاقوت، افریقا مرصع بیاقوت سرخ و کبود، آمریکای

---

۱ – لردکرزن نوشته است‌که نقشه ایران بوسیله سنگ ملی خود فیروزه ترصیع گردیده است ولی این مطلب بکلی اشتباه است.

شمالی و جنوبی واسترالیا مرصع بیاقوت و لعل میباشد و خط استوا بوسیله الماس ریسه نشان داده شده و دو حلقه زرین ساده که در روی آن ها گلهای الماس‌نشان نصب شده است بطور متقاطع کره را درمیان گرفته است .

در یك سمت کره میان آسیا و آمریکای شمالی در داخل ذوذنقه‌یی عبارت «السلطان بن‌السلطان ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه سنه ۱۲۹۱» منبت والماس نشان شده است .

لرد کرزن درزیرنویس کتاب خود از قول اورسول (Orsolle) درکتاب «قفقاز وایران» مینویسد : یاقوت درشتی که کوه دماوند را مشخص میساخته ازجمله گوهرهایی بوده که آغامحمدخان از شاهرخ افشار نواده نادر گرفته بود ومعروف به یاقوت «اورنگ زیب» است که اینك بصورت پیاده در موزه جواهرات سلطنتی محفوظ است و نیز الماس درشتی که شهرتهران را مشخص میکرده معروف به «الماس اشرف» بوده‌که ازگوهرهای مشهورخزانه صفویان بوده واشرف افغان هنگام فرار از پیشاپیش سپاه نادر آنرا در بغل خود پنهان ساخته بود و هنگامیکه در جنوب ایران بدست امیر بلوچی گرفتار و کشته گردید آن الماس باسر اشرف به نزد شاه طهماسب دوم فرستاده شد .

ابونصر شیبانی در وصف این‌کره قطعه‌یی سروده‌که بمناسبت موضوع دراینجا آورده می‌شود :

کره‌یی کرده شاه ما از زر — واندرو بر نشانده گوهرها
و آن گهرها خبر دهند بخلق — از همه بحرها و کشورها
گهر و زرش مایه است و بهاش — از گهرها فزون و از زرها
بزمین اندراست و چون نگری — آسمانیست پر ز اخترها
در کرهٔ خاك این چنین کره‌یی — کس نکرده بر زر و زیورها
کره‌یی این چنین نگیرد کس — با هزاران هزار لشکرها[1]

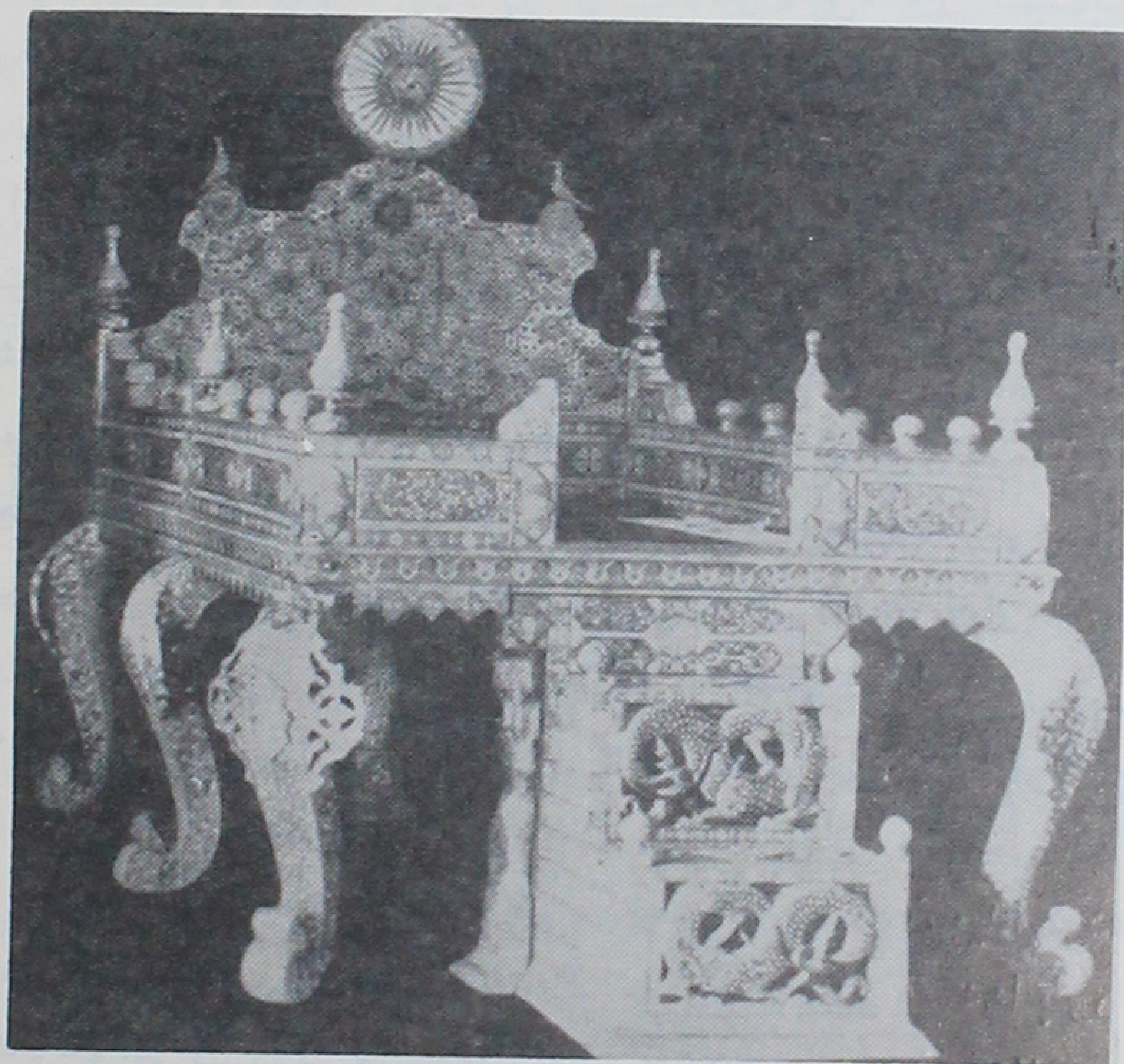
---

۱ – زبدة‌الاثار ص ۲۳۴ نسخه خطی کتابخانه ملی .

بهر حال مجموعه جواهرات سلطنتی ، درتالار سلام باقی بود ، تا براثر سرقتی کـه از جواهرات تخت طاووس در سال ۱۳۰۹ هـ . ق . بعمل آمد و همچنین غوغای تحریم تنباکو که براثر آن مردم برای تظلم و دادخواهی بکاخ شاهی ریختند وجاروجنجال بسیاربرپاکردند ناصرالدین‌شاه را نسبت‌بسرنوشت خزاین سلطنتی وطریق محافظت آنها بیمناك ساخت وباوجود آن که درآن هنگام ، بیم خودرا آشکار نساخت ولی درفکر چاره افتاده ، درصدد برآمد که جواهرات را بجای امن و مطمئنی انتقال داده از انظار مردم دور نماید . بدین منظورابتدا دستورداد درزیر عمارت خوابگاه که در وسط باغچه اندرون قرارداشت سرداب محکمی ساختند وسپس درسال ۱۳۱۱ هـ. ق . به بهانه تعمیر تالار موزه ، جواهرات را در گاوصندوقهای آهنی گذاشته در آن مخزن از انظارمخفی ساختندوبجای‌آنها برای‌پرکردن‌دیوارها وقفسه‌های‌موزه ازگلدانها وظروف چینی گرانبها واشیاء و آثار قدیمی دیگر که در انبارهای سلطنتی موجود بود استفاده کردند . اعتمادالسلطنه در خاطرات خود در ذکر وقایع سه‌شنبه ششم شعبان ۱۳۱۱ هـ . ق . درمورد انتقال‌جواهرات سلطنتی از موزه به اندرون مینویسد :

«تالار موزه بواسطه سوء ظنی که بندگان همایون پیدا کرده بودند دیگر مخزن جواهرات نفیسه و فلزات گرانبها نیست ، در قفسه‌ها بلور وچینی چیده‌اند ، جواهرات را در صندوقها گذاشته بخزانه اندرون بردند و مباشری این چین وواچین با امین همایون بوده است . انصافاً هم خوب از عهده برآمده است .»

با این کـه قسمت اعظم جواهرات سلطنتی و اشیاء جواهرنشان را از موزه برداشتند ولی چند قطعه از آثار مرصع سلطنتی باقی ماند که از جمله آنها دوتخت زرین و مرصع «طاووس» و «نادری» بودکه اینك از نظر اهمیت و شهرتی‌که دارند شایسته است فصل جداگانه‌یی برای آنها اختصاص داده و تاریخچه آنهارا بطور مشروح و مفصل بنویسیم .



شکل ۷۰ ــ تخت طاووس درشاه‌نشین تالار تاج‌گذاری (تالار سلام) .

تخت خورشید معروف به «تخت طاووس»

تخت زرین بزرگ و جواهرنشانی که بنام «تخت طاووس» در شاه‌نشین تالار سلام یا تالار تاجگذاری کاخ گلستان قرار دارد یکی از آثار ویا باصطلاح از وصله‌های معروف سلطنتی ایرانست. تاریخچه این تخت با همه شهرت و معروفیتی که دارد، متأسفانه تاکنون تاریك مانده و بسیاری از جهانگردان و نویسندگان و تماشاگران به‌سبب آنکه آنرا «تخت طاووس» مینامند دراشتباه افتاده چنین پنداشته اند که مگر این تخت همان «تخت طاووسی» معروف است که نادرشاه افشار جزو غنایم جنگی وهدایای محمدشاه‌گورکانی ازهند بایران آورده است.

این اشتباه وانتساب نادرست، بیگمان دوعلت داشته است: یکی روشن نبودن تاریخچه تخت‌کنونی و دیگر اشتراك در نام «طاووس» که تصادفاً درمورد هر دو تخت بکار برده شده است، ولی با مطالبی که خواهیم آورد مسلم ومحقق خواهد گردید که میان این تخت که در ابتدا «تخت خورشید» نامیده‌میشد و «تخت طاووسی» هندکمترین‌ارتباط وحتی‌کوچکترین شباهتی موجود نیست.

تاریخچه تخت طاووسی هند بسیار مفصل است وجای آن نیست که در این‌کتاب درباره آن بطورکامل ومفصل‌بحث نماییم. همین قدرکافی‌است‌بدانیم که نادرشاه پس از فتح دهلی و گرفتن غنایم جنگی و قبول هدایای محمدشاه هندی، بنا بنوشته «جوناس هانوی» بازرگان و جهانگرد انگلیسی معاصرنادر،

درسال ۱۱۵۲ هـ . ق . هنگام بازگشت از سفرهند نه تخت با خود بایران آورده که یکی ازآنها «تخت طاووسی» معروف بوده است .

این تخت جالب وگرانبهای هند که هفت سال تمام استادان وزرگران وجواهرسازان ماهرهندی درساختن وپرداختن آن رنج برده وانواع جواهرات و تزئینات درآن بکار زده بودند ، در سال ۱۰۴۳ هـ . ق . در عهد شاه جهان پایان یافته و بعلت هیکل دو طاووس جواهرنشان بر روی قبه آن بنام «تخت طاووسی» معروف گردیده بود .

نادرشاه نیز دربازگشت از هند ، درطی راه دستور داد استادان و جواهرسازان ایرانی وهندی که در رکابش بودند ، تخت دیگری بـا خیمه وخرگاه لایق آن ساخته باقسام جواهرآراسته نام آنرا «تخت نادری» گذاشتند.

بعضی از تاریخ‌نویسان نوشته‌اند پس‌ازآن که نادرشاه درجمادی‌الثانی ۱۱۶۰ هـ . ق . درفتح‌آباد در دو فرسنگی قوچان کشته شد «تخت نادری» و «تخت طاووسی» هردو بدست کردان خراسان افتاده قطعه قطعه گردیـد وهرقطعه‌یی ازآن به دست‌کسی افتاد . از جمله «فریزر» در کتاب «خراسان» خود مینویسد که درسال ۱۸۲۲ م . (=۱۲۳۸ هـ . ق .) با پیرمردی از رؤسای ایلات کرد ، ملاقات نموده و پیرمرد برای او حکایت کرد که پس از قتل نادر، چادر مروارید دوزی و تخت طاووسی بدست رؤسای عشایر افتاد ودر همان هنگامه آن غنایم را تقسیم کردند که سهم قابل توجهی نیز نصیب خود آن کرد گردید .

اما این نوشته فریزر بدلایلی صحیح نیست زیرا اولاً دانسته نیست نادر بچه سبب درآن حیص‌وبیص تخت سلطنتی و خیمه وخرگاه مرواریددوزی را در اردوگاه نظامی با خود حمل میکرده درصورتیکه اوتمام جواهرات خود را در کلات نگهداری مینمود و ثانیاً براثر تحقیقی کـه نویسنده در این خصوص کـرده است خوشبختانه در کتاب «مجمع‌التواریخ» تألیف میرزا محمدخلیل مرعشی و «مُجمل‌التواریخ زندیه» سه مطلب جالب راجع به «تخت

طاووسی» بدست آورده است که هرسه مدلل میدارند تخت مذکور پس از نادرشاه هم موجود بوده واز آن استفاده میشده است.

مطلب کتاب نخستین مربوط به شاهرخ افشار است که ازامرای خراسان کشتن سیدمحمدراکه ادعای صفوی بودن وسلطنت داشته، میخواسته درحالیکه ایشان باو جواب داده میگفته‌اند «با شخص بیگناهی (بهبودخان) که خدمت شما را نموده از راه دوری مراحل شداید را متحمل شده یکی از اجناس که تخت طاووسی باشد که زیاده از دو صد هزار تومان ارزش دارد بخدمت رسانیده باشد . . . . . شما چنین سلوك نمایید دیگری را چه توقع واطمینان بعدازاین خواهد بود.»[۱]

مطلب دوم نیز از همین کتاب و باز راجع به سیدمحمد مذکورست که بسال ۱۱۶۳ ه. ق. در مشهد بنام شاه سلیمان ثانی بر تخت طاووسی جلوس کرد. می‌نویسد:

«بعد از یکساعت از طلوع نیّر از بیت‌الشرف شوکت عروج وتصدر بتخت طاووسی وتمکن بمکان شمس فرمود . . . وبسه نفر شاهزادگان . . . برکرسیهای مرصع درطرف دست‌راست تخت‌طاووسی حکم‌برنشستن‌شد . . .»[۲]

باردیگر همین موضوع در مجمل التواریخ زندیه آمده که:

«درپنجم شهر صفر ۱۱۶۳ مطابق یونت ایل در عمارت مشهور به الیاس‌خانی بعداز یکساعت که از طلوع صبح گذشته بود روز سه‌شنبه با جاه وجلال در کمال عظمت وشأن، رونق‌بخش آن مکان فرحت‌بنیان و برتخت طاووسی متمکن گشته نقاره‌های بشارت و شادمانی بنوازش درآوردند[۳]».

با اینکه از نظر بررسی تاریخچه «تخت طاووسی» اشاره های

---

۱ - مجمع‌التواریخ ص ۱۱۰.

۲ - مجمع‌التواریخ ص ۱۱۶.

۳ - مجمل‌التواریخ زندیه ص ٤٦.

مزبور بسیار مغتنم و مهم بشمار میروند ، اما متأسفانه هیچکدام از آنها مشکلی را حل نمی‌کنند . و هنوز ما نمی‌دانیم تخت طاووسی قبلاً درکجا و در نزد چه‌کسی بوده‌که بهبودخان آنرا از راه دور به‌حضور شاهرخ آورده بود .

میدانیم که کریمخان زند همانطورکه بعللی نام پادشاهی برخود ننهاد، برتخت سلطنتی نیز ننشست ، از اینرو درتصاویری که از او در دست است هیچگاه تختی زیر پای او دیده نمیشود تا از شکل وچگونگی آن بتوان مطلبی بدست آورد ، شاید هم علت اصلی نه‌نشستن خان زند بر روی تخت ، نداشتن تختی مناسب و شایسته سلطنت بوده‌است زیرا درآن هنگام اغلب تختهای جواهرنشان سلطنتی و قسمت عمده جواهرات نادری درتصرف شاهرخ‌میرزای افشار بود که درراه نگهداری آنها بلاها و مصیبت‌ها دید وزجرها کشید و بالاخره همهٔ آنهارا از دست داد .

بنابرمراتب فوق از دوره زندیه به بعد دیگر خبر واطلاع صریح و صحیحی ازتخت طاووسی هند وتخت‌نادری نداریم وتا آنجاکه‌تحقیق‌وبررسی کرده‌ایم جزیك مطلب مهم که درسفرنامه اوژن فلاندن ذکرگردیده‌است ، از سرانجام تخت مذکور چیز دیگری نمی‌دانیم .

فلاندن در کتاب خود مینویسد :

« . . . . . . میگویندکه‌وقتی نادرشاه بدهلی‌دست‌یافت‌دربین‌گنجهایی که بدستش افتاد ازجمله تخت زیبا و گرانبهای مغول بزرگ بود که سنگهای قیمتی‌آنرا مزین‌میساخت وچون‌به‌پرطاووس‌شباهت‌داشت آنرا «تخت‌طاووسی» نامیده بودند در اصفهان جهانگشا (معلوم نیست منظورش از جهانگشا نادرشاه است یاآغامحمدخان) خبردادکه نمیتواند راضی‌شود برروی الماسها ویاقوتهایی که این تخت را زینت داده‌اند بنشیند باین‌جهت آنهارا جدا کرده تماماً بفروش رسانید . میگویند ازاین معامله مبلغی هنگفت عایدش شد».[۱]

---

۱ - سفرنامه اوژن فلاندن ص ۱۲۰ .

اما منشاء وصحت اظهارات فلاندن معلوم ومحرز نیست، اگر این نوشته و اطلاع صحیح وضمناً مربوط به زمان آغامحمدخان باشد بناچار باید پذیرفت که مؤسس سلسله قاجاریه در همان اوان سلطنت خود جواهرات تخت را پیاده کرده وهیکل آنرا از بین برده‌است ولی اگر باین نوشته فلاندن اعتمادی ننماییم ، درآن صورت معلوممان نخواهدشد که در تغییر وتبدیل سلطنت‌ها تختهای طاووسی ونادری وتخت های دیگرکه نادر ازهند آورده بوده چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند وبرسر آنان چه آمده است .

کسانی هم از روی عدم اطلاع نوشته‌اند که «تخت مزبور هنگامی که درشمار غنایم نادر درآمد چون حمل‌ونقل آن دشوار بود قطعه قطعه گشته بزودی بمصرف مخارج جنگهای تمامی ناپذیر آن پادشاه رسید» .

لرد کرزن درکتاب «مسئله ایران وایرانیان» درضمن اشاره بنظریات مختلف‌درباره سرنوشت تخت طاووسی مینویسد : «مطابق تحقیقاتی که در تهران ازرجال درباری واشخاص مطلع بعمل آمد ، آغامحمدخان در مشهد شاهرخ نواده نادر را شکنجه داده ذخایر و گنجینه های نادرشاه را از وی باز ستد که ازآن جمله بقایای تخت طاووسی درهم شکسته دهلی بوده است که بعدها بشکل تخت جدید فعلی درآورده‌اند» .

خلاصه آن که دراوایل سده سیزدهم هجری مسلماً تخت‌مزبوربکلی مفقود بوده و اثری از آن نه در جزو جواهرات سلطنتی و نه در نوشته ها نمیتوان یافت .

با آن که بعضی از تاریخ نویسان در شرح تاجگذاری آغامحمدخان نوشته‌اند که «براریکه جهانبانی و مسند شهریاری جلوس فرمود . . .» ولی هیچ ذکری ازنام و چگونگی تخت (اگربوده) نکرده‌اند و برخی نیز تنهاجریان تاجگذاری را نوشته و جلوس را متذکر نشده‌اند .

اگرچه پرده نقاشی رنگ ورغنی از صورت آغامحمدخان واطرافیانش درعمارت سلیمانیه کرج (دانشکده کشاورزی) روی دیوار نصب گردیده که

اورا بر تختی نظیر تخت طاووس فعلی نشان میدهد ولی چون اطلاع داریم که این پرده را عبدالله‌خان نقاش‌باشی‌دوره فتحعلی‌شاه ، بعدها بقرینه تصویر صف سلام‌شاه اخیر نقاشی کرده‌است ازاینرو در این مورد نمیتوان برآن تصویر خیالی استناد نمود .

براثر مجاهدت‌ها و جنگهای مؤسس سلسله قاجار چون در اواخر سلطنت خود او واوایل‌دوره سلطنت جانشینش‌فتحعلی‌شاه رشته امنیت ایران‌که سالها از هم گسیخته بود بهم پیوسته و یك نوع آرامش نسبی درکشور پدید آمد ، بهمین علت قدرت حکومت مرکزی روبافزایش نهاده خزائن وجواهرات نادری از دست جانشینان او وامراء واکراد خراسان جمع‌آوری شده درخزانه سلطنتی درتهران گرد آمده ، درضمن یك نهضت سطحی وبازگشت بمراسم وشکوه و جلال دربارهـــای ایران باستان نیز تکوین یافته وایجاد گردید . فتحعلی‌شاه که شخصاً درپدید آوردن این نهضت عامل اصلی بشمارمیرفت میل وعلاقه وافرداشت که مانند شاهنشاهان کیانی و ساسانی با جامه‌های زربفت واسلحه جواهرنشان آنچنان که در شاهنامه سروده شده است برتخت عاج وآبنوس گوهرنشان ، جلوس کرده تاج کیانی برسرنهاده کمر خسروی برمیان بندد و شاهزادگان نیز با لباسهای فاخر و شمشیرهای مرصع برگرد او حلقه زده بزرگان کشوری و لشگری در پیش تختش کرنش نمایند .

بر مبنای همین علاقه وهَوَس فتحعلی‌شاه در همان سالهای نخست سلطنت دریکی ازسفرهای خود باصفهان (میان سالهای ۱۲۱۵ - ۱۲۱٤ هـ . ق .) به حاجی محمدحسین‌خان نظام‌الدوله بیگلربیگی اصفهان که سپس در سال ۱۲۳٤ هـ . ق . بمقام صدارت عظمائی رسیده مشهور بصدر اصفهانی گردید. [۱]

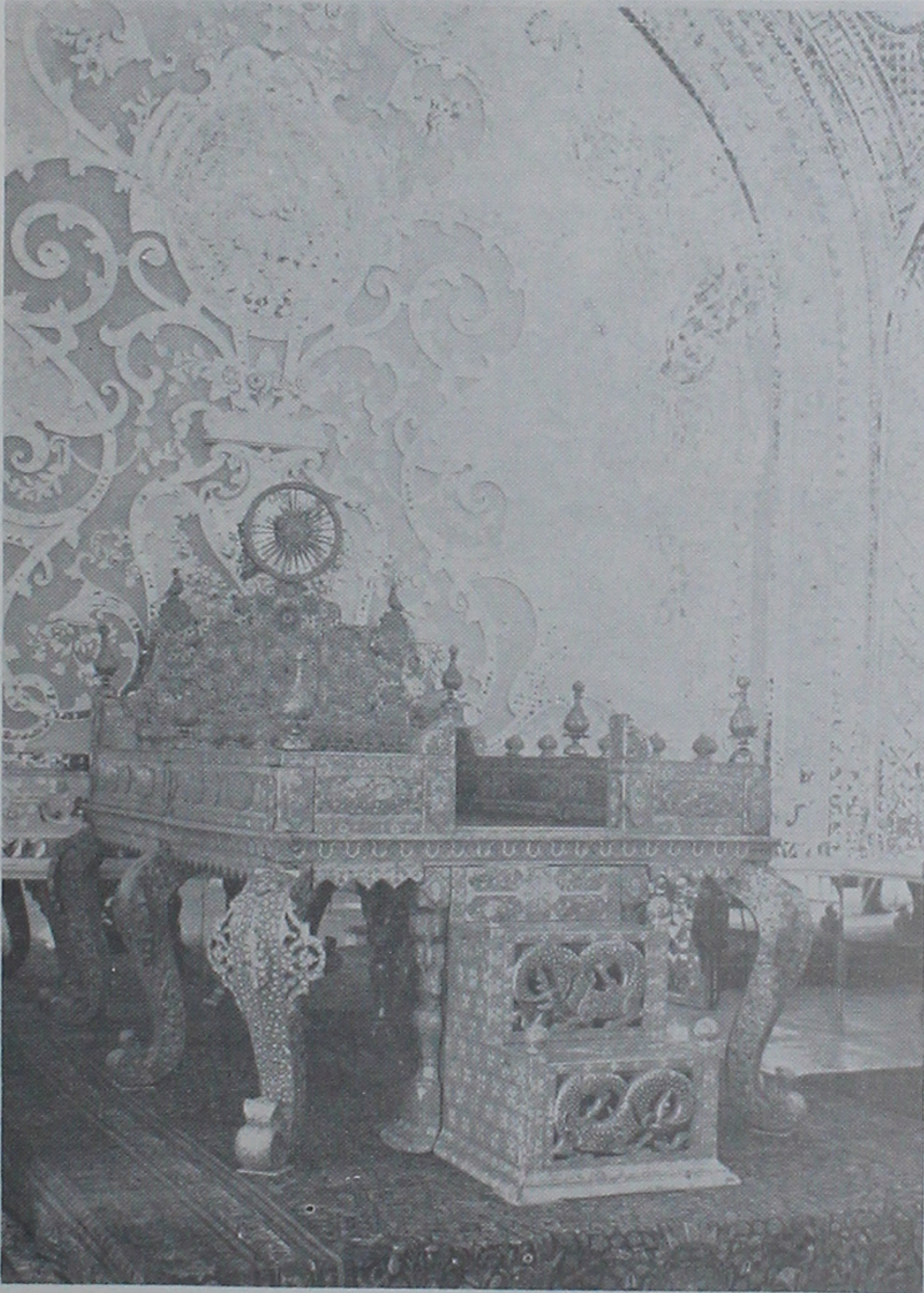
---

۱ - حاج محمدحسین خان ملقب به‌امین‌الدوله ونظام‌الدوله ومعروف بصدر اصفهانی فرزند حاجی محمدعلی و او فرزند حاج محمد رحیم بوده ، اصلش ازاصفهان ویکی ازصدور معروف عهد فتحعلی شاه است .

بقیه حاشیه درصفحه بعد



شکل **۷۱** ـ تصویر حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی . نقاشی فتح‌الله شیرازی .



شکل ۷۲ ـ تخت خورشید معروف به تخت طاووس . کاخ گلستان .

امر کرد که از جواهرات سلطنتی که در اختیار او گذاشته شده بود بوسیله استادان زرگر وجواهرتراش اصفهانی تختی زرین ومرصع برای جلوس قبله عالم بسازد.

اصفهان در آن روزگار نسبت به تهران که شهرکی جدید بود، شهری بزرگ و آبادان و مرکز تجمع استادان وهنرمندان ماهر بود و هنوز مقام هنری وپایتختی خودرا حفظ کرده بود، ازاین رو ساختن وپدید آوردن چنین تختی جز دراصفهان و بوسیله محمدحسین‌خان که مردی متمول و امین بود ممکن ومیسر نمی‌گردید.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

درسال ۱۲۱۵ هـ. ق. که عزل ابراهیم‌خان صدر و نصب میرزا شفیع صدراعظم اتفاق افتاد حاجی محمد حسین خان کمافی‌السابق بیگلربیگی اصفهان بود. وی درسال ۱۲۱۶ هـ. ق. تخت خورشیدرا باتمام رسانیده مورد توجه فتحعلیشاه قرار گرفت. درسال ۱۲۲۱ هـ. ق. فتحعلی شاه برآن شدکه دولت خودرا از وزراء و ارکان اربعه تشکیل دهد ازاینرو منصب بزرگ صدارت‌را به میرزا شفیع صدراعظم داده حاج محمد حسین خان بیگلربیگی وحاکم اصفهان‌را بتهران احضار نموده او را وزیر ثانی‌کرده به‌امین‌الدوله ملقب ساخت ومنصب مستوفی‌الممالکی وحواله و اطلاق مالیات‌وبرقراری مواجب ومحاسبه و ولایات‌را باو سپرد وکم‌کم نفوذ تمام درکارها پیداکرد. درسال ۱۲۲۸ هـ. ق. حاج محمدحسین‌خان بلقب نظام‌الدوله سرافراز شده، برای تنظیم امور فارس و عراق باصفهان‌وشیراز رفت وپسر بزرگ او عبدالله خان‌راکه حاکم اصفهان بود بتهران احضارکرده لقب امین‌الدوله دادند وسمت استیفای ممالك ایران‌را بعهده وی گذاشتند.

درسال ۱۲۳٤ هـ. ق. پس‌از فوت میرزا شفیع درچمن سلطانیه حاجی‌محمدحسین‌خان بصدارت عظمائی نائل‌گردید. درسال ۱۲۳۹ صدر اصفهانی درتهران بیمار شده درصبح چهارشنبه سیزده صفر بمرض یرقان وفات یافت ونعش اورا به‌نجف برده درمدرسه صدریه دفن نمودند و ماده تاریخ فوت او «الصدر فی‌الجنات حل مکرما» آمده‌است، درناسخ‌التواریخ وفات اورا بسال ۱۲۳۸ هـ. ق. نوشته‌که البته اشتباه‌است. صدر غیراز مباشرت درساختن تخت طاووس چون اغلب فتحعلی‌شاه خطاب‌باو میگفته «نظام‌الدوله درخت جواهر است» درخت جواهری ساخته تقدیم‌کرد وناصرالدین شاه آن درخت‌را بریده ازجواهرات آن کرهٔ مصنوعی مرصع‌را بوجود آورد، گفته‌اند الماس معروف «تاجماه» نیز که اینك درموزه جواهرات سلطنتی محفوظ است از تقدیمی‌های صدر به فتحعلی‌شاهست ولی چون میدانیم «تاجماه» دربازوبندهای سلطنتی‌که آغامحمدخان ازبازوان لطفعلی‌خان بازکرد قرینه دریای نور بوده وهمان موقع جزو جواهرات سلطنتی درآمده‌است ازاینرو براین گفته چندان اعتمادی نیست.

درسال ۱۲۱۵ هـ . ق . استادان وزرگران و جواهرتراشان ومیناکاران وطراحان اصفهانی زیر نظرحاجی محمدحسین‌خان ، بساختن تخت مشغول شدند وقبل از فرا رسیدن نوروز سال ۱۲۱۶ هـ . ق . آنرا تمام کرده برای جلوس شاه از اصفهان بتهران حمل کردند .

برخی گفته‌اند که تخت را حاجی بخرج خود ساخته و آنرا به فتحعلی‌شاه هدیه کرده است ولی این سخن قابل قبول نیست وشاید این شهرت بی‌اساس ازآنجا ناشی شده‌که او اجرت استادان وکارگران را خود پرداخته وچیزی از آن بابت از فتحعلی‌شاه نگرفت .

این تخت درابتدا بمناسبت نصب هیکل خورشیدالماس‌نشان وچرخانی در داخل قاب آینه مدوری بر بالای تکیه‌گاه آن ، به «تخت خورشید» معروف بود و جز این ، نام دیگری برای آن ذکر نکرده‌اند .

میرزا صادق وقایع‌نگار دربار فتحعلی‌شاه که در تاریخ خود تاج و تخت و سایر آلات واسباب گوهرنشان سلطنتی را وصف می‌نماید هیچ ذکری از نام «طاووس» بیمان نمی‌آورد وبه‌عبارات «تخت‌همایون» و«سریرخلافت» وغیره اکتفاکرده و با همان سیاق عبارات خود چنین می‌نویسد : « . . . . سریر خلافت . . . . که در روز بار ، محل جلوس میمنت مأنوس خسرو کیکاوس علم سکندر کوس است ، اصل آلات و قطعات و صفحاتش را از طلای احمر وزرناب پرداخته بعد ذلك آن پیکر بدیع را در لآلی درخشان و گواهر غلطان پنهان ساخته ، طول سه ذرع و عرض دو ذرع‌ونیم ترکیب و هیأتش باقتضای طبع سلیم و سلیقه مستقیم .

پله که عروج خسرو جهانگیر را برآن سریر . . . . تواند بود . . . . اژدری پیچان برآن سپهر خلافت بنیان نصب آمده . . . . وبریمین و یسارش بحکم سلیمان روزگار . . . . دو هدهد مرصع بال مکمل تمثال استوار وبرقرار داشته‌اند . ازاین‌کنایه مقصود خاطر شهریار جم‌شعار این تواند بود که سرایر عبادکُلاً و طُرّاً به اِنهای منهیان راست‌گفتار درپیشگاه ضمیرالهام پذیرحضرت

ظاهر و آشکاراست . . . .خورشیدی تابان ازجواهر درخشان برفراز آن‌سپهر ثابت ، سیار است . . . . تخلیص بیان آن که بمبلغ یکصد هزار تومان این سریر فلك نشان صورت انجام واتمام یافته» .

در نوروز سال ۱۲۱۶ هـ . ق . فتحعلی شاه جوان با دبدبه وشکوه تمام به تخت خورشید برآمده برروی سجاده مرصع و مروارید دوزی‌که برروی تخت‌گسترده بودند نشسته به متکای‌مرواریددوزوجواهرنشان‌تکیه زده‌بزرگان کشور را برای تماشای تخت نوین و گوهرنشان خود بار داد .

شعرای درباری بمناسبت این جلوس ، طبق معمول قصاید غرا ومطولی که در توصیف تخت خورشید ومدح شاه سروده بودند خواندند که معروفترین آنها قصیده نونیه فتحعلی‌خان صباست که همه آن را در اینجا نقل می‌کنیم :

دو آفتاب کزان تازه شد زمین و زمان
یکی بکاخ حمل شد یکی بگاه کیان
یکی مباشر آثار سیر هفت افلاك
یکی مکاسف اسرار ربط چار ارکان
یکی چراغ شبستان عیسی مریم
یکی فروغ تجلای موسی عمران
یکی نتیجهٔ انوار قدرت ایـزد
یکی خلاصهٔ آثار رحمت یزدان
یکی بنور جبین کرده پاك رنگ ظلام
یکی بچشم یقین دیده محو رنگ گمان
مطیع سیر یکی شد ظهور لیل و نهار
طفیل ذات یکی شد حدوث کون‌ومکان
ز خاره پرگهر آمد از آن دفاین این
ز خاك خوارتر آمـد ازین نتایج آن

فواید اثر آن بود مربی جسم
روایح کرم این بود مفرح جان
از آن کواکب تابان همه کشیده لگام
ازین مواکب شاهانه همه گسسته عنان
هم از مآثر آن شاخ پرگل و نسرین
هم از مکارم این کاخ پر دُر و مرجان
ز فیض آن شده عالم چو عرصهٔ جنت
زعدل این شده‌گیتی چو روضه رضوان
غنی زتربیت آن مدام سایل بحر
فقیر از کرم این همیشه خازن کان
ازاین مدایح توام دلا خموشی به
که تا ز شرك نه‌بینی زیان ازین هذیان
میان این دو چه نسبت یکی مشاهده کن
کزین کمال مشاهد شود از آن نقصان
یکی نظاره رویش ز چشم آرد اشك
یکی شمایل خلقش بجسم آرد جان
یکی بقای شتابش دهد شتاب بقا
یکی زمان حیاتش بود حیات زمان
بروی تابان بفروزد آن چو از خاور
برای رخشان بنشیند چو در ایوان
چه رشکها که برد روی آن ز خاطر این
چه طعنها که زند این بطلعت آن
بدین دقیقه مگر راه مدح آن پویم
که بوده بهر حدوث زمان این پویان

گزیده فتحعلی‌شاه آنکه نصرت و فتح
بظل رایت منصور او گزیده مکان
جهان‌گشای خدیوی که خسروان بستند
به پیشگاه جلالش چو پیشکار میان
بروزعیدهمایون[1] زیمن‌بخت‌چوخواست
زند بتخت کیان تکیه خسرو کیهان
بحکم نافذش آراستند تختی را
که چون‌سپهر‌بخورشید شد فروغ‌افشان
شبیه شمسه آن گشتی آفتاب منیر
گر آفتاب شدی از فراز عرش عیان
نظیر پایه آن بودی آسمان بلند
گرآسمان نه نگون بودی ونه‌سر گردان
بچرخ وعرش وبکان و بمهر چون نبود
چگونه نسبت این تخت گوهرین بتوان
بچرخ رفعت عرش‌وبعرش‌کوکب چرخ
بکان اشعه مهر و بمهر گوهر کان
ز زرگران بدایع نگار زرین چنگ
که ساحری است ازایشان بسامری بهتان
چهار هدهد[2] عرش آشیان ز زرّوگهر
گرفته جا بیمین و یسار شمسهٔ آن
تبارک‌الله از این چهار هدهدی که کنند
بصد هزار سلیمان رموز ملک بیان

۱ – درنسخه چاپی (همانا).
۲ – منظور چهار هدهدیست‌که دو تا ازآنها بصورت مجسمه دربالا و طرفین شمسه و دوتای دیگر بصورت برجسته درمتن تکیه‌گاه تخت ساخته شده‌است.

در آن دوپله اژدر مثال کاوردند
از آن بمعجز معراج منکـران ایمان
اشارتی است که این تخت شاه شیردلی است
که زیر پا سپرد فرق اژدهای دمـان
بر آن سریر گهردوز مسندی که بود
پدید هر گهرش چون بر آسمان کیوان
ویا فشانده بکیمخت چرخ از پی زیب
هر آن گهر که به پرورده درصدف عمان
نشست خسرو گیتی بیمن بخت سعید
صباح عید چنین بر فرازگاه چنان
مسیح وار چو جا شد به «تخت خورشیدی»
بیك سپهر همانا دو مهر کرد قران
چه مهر؟ مهر ضیاء بخش تخت عرش نظیر
چه مهر ؟ مهر جهانتاب تاج مهر نشان
ز جامهای زراندود و جام زرین گشت
بساقیان نگران آفتاب دل نگران
پی بشارت تحویل از اشارت شاه
گلوی نای غریوان و نای کوس نوان
برون بارگه او وسیع میدانی
که آسمانش گویی است در خم چوگان
بصحنش اژدر تندر فغان تنین دم
ز توپهای شرربار ، برکشیده فغان
درآن فضای ز خمپاره های آتشبار
هزار دوزخ تفسیده در فضای جنان

. . . .

بپای تخت شهی شاهزادگان جسته
چو قدسیان مقرب بپای عرش مکان
همه بر اوج سپهر جلال بدر منیر
همه بصحن ریاض کمال سرو روان
همه بفکر و ادراك سالخورد و کهن
همه بفطرت و اقبال خردسال و جوان
. . . .
همه یوسف عهد و همه عیسی مهد
همه چو گوهر عقل و چو جوهر جان
سحاب برتر از انجم ندید و به‌بین
فراز این‌همه انجم ، سحاب شادروان
زیك طرف وزراء در نظام ملك زمین
ز یك طرف شعرا در ثنای شاه زمان
چو در قباب فلك‌سای موسوی هارون
چو در رکاب همایون احمدی حسان
ببارگاه وشاقان بنظم مجلس عید
چو لعبتان بهشتی بجلوه‌گاه جنان
زمین به دُر ثمین از نوال شاه زمین
چو سطح چرخ برین پرکواکب رخشان
ز بوسه لب شاهان چه طعنها که رسد
زمین حضرت او بگنبد گردان
زنقش چین چنین صحن خرگهش دارد
عیان بخاك روان‌بخش موج آب روان
ز هر طرف بر اسکندری برغم خضر
ز فیض خاك درش آب چشمه حیوان

ز جامه های زراندود جام زرین گشت
بساقیان نگران آفتاب دل نگران

پی بشارت تحویل از اشارت شاه
گلوی نای غریوان و نای کوس نوان

برون بارگه او وسیع میدانی
که آسمانش گوییست در خم چوگان

بصحنش اژدر تندر فغان تنین دم
ز توپهای شرربار کشیده فغان

در آن فضای ز خمپاره‌های آتشبار
هزار دوزخ تفسنده در فضای جنان

کلیم وار هوارا شد از شراره و دود
پدید پرتو بیضا و پیکر ثعبان

ز دود اژدر آتش فشان بجای جهاز
کشیده بختی افلاك کوه بر کوهان

برای تهنیت عید قاطنین فلك
بساکنین جهان هریکی گشاده زبان

ز هر دیار طبقهای پرگهر آرند
ببارگاه جهاندار و حضرت سلطان

چو بود در نظر او بضاعتی مزجات
چنانکه در بر یوسف بضاعت اخوان

دمی ز دست گهرپاش شاه یافت زوال
چو ز آفتاب جهانتاب اختر تابان

رهی‌که بود تهی‌دست، بر ُدر افشاندش
جواهری که بماند بدهر جاویدان

بلی لالی منظوم بحر طبع صباست
جواهری کـه نیابد ز بذل شاه زیان
غرض بطالع میمون بصبح عید سعید
قـدم بگاه کیانی زد چو شاه‌کی دربان
نوشت کلك صبا از برای تاریخش
« نهاد فتحعلی شه قدم بگاه کیان »
(۱۲۱۶ هـ . ق .)

زتخت و بخت ملوك است تا طراز زمین
ز عهد عید سعیدست تا نشاط زمـان
بلند باد چو این تخت بخت عالم پیر
سعیدباد چون این عید عهد شاه جوان

فتحعلی‌خان صبا به سبب انشاد این قصیده غرا و منسجم درهمان مجلس سلام به لقب ملك‌الشعرایی مباهی و مفتخر گردیده جزو ملتزمین رکاب شاهی درآمد .



گذشته‌ازصبا ازمیان شعرای‌آن‌زمان‌سحاب‌اصفهانی(متوفی‌بسال۱۲۲۲ هـ . ق .) نیز قطعه یا قصیده‌یی دراین باره سروده که بیتهای زیر از آنجاست :

بفرمان شاهی کـزو زیب دید
نگین جم و تخت افراسیاب
شهنشاه قاجـار فتح علی
که فتحش عنانست و نصرت رکاب
مرتب شد این گوهر آگین سریر
بالماس رخشان و یاقوت ناب

چو بر این سریر مرصع چومهر
نشست آن جهاندار مالك رقاب
سحاب از پی سال تاریخ گفت
« برآمد بروی سپهر آفتاب »
(۱۲۱۶ هـ . ق .)



فتحعلی‌شاه دریکی ازمسافرتهای خود باصفهان ، دخترك هفت هشت ساله زیبائی را که پوستی سفید ، چشمانی آبی ، مویی طلایی ، قامتی کشیده و «طاووس» نام داشت ، دیده طالب ازدواج باوی گردید .

جد اعلای این دختر ازگرجیانی بود که در زمان شاه عباس اول از گرجستان باصفهان آورده شده بود «طاووس» تمام خصایص و زیباییهای نژاد گرجی را دارا بود . بدستور فتحعلی‌شاه «طاووس» را به آقا جعفر سپردند که بتهران آورده امرتربیت اورا به میرزا عبدالوهاب اصفهانی متخلص بنشاط ، ملقب به معتمدالدوله (متوفی بسال ۱۲٤٤ هـ . ق) محول دارد . طاووس درنزد استاد خود بیشتر علوم ادبی ومتداول آن زمان را از عربی و فارسی و منطق و معانی وبیان فرا گرفته و طبع شعری نیز پیدا کرد و چون خوش آواز بود ، در موسیقی نیز دستی یافت و سرانجام زیر نظر بانوان حرم برموز همسری وهم‌صحبتی پادشاه نیز آشنا گردید .

هنگامی که طاووس خانم بسن ازدواج رسید ، فتحعلی‌شاه به فرزند خود حسن‌علی‌میرزای شجاع‌السلطنه که حاکم تهران بود ، دستور داد تا مقدمات جشن عروسی طاووس‌خانم‌راکه چهل‌ودومین زن اززنان یکصدوپنجاه‌وهشتگانه او محسوب میگردید فراهم آورد .

شجاع‌السلطنه درتهیه وسایل جشن عروسی پدر ، نهایت جدیت و

کوشش را بکار برد تا هرچه باشکوه‌تر و مجلل تر باشد و برای افزایش جلال وتکمیل شکوه آن ، دستور داد تا خوابگاه شاه را بر روی تخت خورشید گستردند .

طاووس خانم نظر بفضل و زیبایی‌که داشت در نزد شاه بسیار محبوب ومحترم گردید ، ازاین‌رو فتحعلی‌شاه بمناسبت نام او و بیاد شب عروسی او «تخت خورشید» را «تخت طاووس» نامید و بعدها این نام جدید چندان‌شهرت یافت که نام سابق را از خاطره‌ها زدود . ولی کسانی که ازنام اصلی تخت اطلاع داشتند ، حتی‌سالها پس‌ازتغییرنام نیزآنرا باهمان نام پیشین‌خود یاد میکردند، چنانکه هدایت در روضة‌الصفای ناصری (چاپ ۱۲۷۰ هـ . ق .) در ذکر وقایع سال ۱۲٤۸ هـ . ق . تخت را همچنان با نام «خورشید» ذکر میکند واسمی از «طاووس» نمیبرد .

فتحعلی‌شاه که سخت مفتون شیرین‌زبانیها و رفتار ومعلومات و موقع شناسیهای طاووس‌خانم شده‌بود اورا «تاج‌الدوله» لقب داده بعبدالله‌خان معمارباشی دستور داد تا «عمارت چشمه»[1] را برای این بانو تجدید ساختمان نموده تخت طاووس را نیز در آن عمارت قرار دهد . چنانکه تخت مزبور پیش از انتقال به موزه قدیم درعمارت خروجی ، درهمان عمارت بود .

ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲٦٤ هـ . ق .) به درحفظ و تغییر وتزئین ومرمت جواهرات ووصله‌های سلطنتی اهتمام فراوان بکار میبرد ، درسال دهم پادشاهی خود (۱۲۷٤ هـ . ق .) به عبدالله‌خان نوری مستوفی[2] دستور داد که

---

۱ - عمارت چشمه یا حیاط سرچشمه که قنات قدیم تهران در آنجا آفتابی می‌شد در قسمت حرم‌خانه فتحعلی‌شاه قرار داشت وازحیاطهای بزرگ اندرون محسوب می‌گردید .

۲ - «میرزا عبدالله خان نوری مستوفی بعدازتحصیل کمالات ازشیراز بتهران رفته متوطن گردید وهم درآنجا وفات یافت . جماعتی از اولاد او درتهران توطن دارند وسه‌نفر پسر آن مرحوم درشیراز متوطن میباشند . اول آنها مقرب‌الخاقان محمدحسن‌خان سرهنگ سواره‌نظام فارس پسر دوم

بقیه حاشیه درصفحه بعد

درتخت خورشید فتحعلی‌شاهی تغییراتی بدهد و قسمتهایی برآن‌افزوده تزئینات وجواهرات آنرا هرچه بیشتر سازد .

مستوفی نوری نیز استادان و زرگران ماهر پایتخت را گرد آورده دستورداد بی‌آنکه درطرح‌وشکل‌اولیه تخت تغییرات‌کلی بدهند ، آنرا ببهترین وضعی تعمیر وتزئین کرده وروکش طلای آنرا میناکاری نموده ودر طارمیها ودست‌انداز آن ابیاتی از قصیده‌یی‌که در وصف تخت ومدح ناصرالدین شاه سروده شده ودر چند مورد به صاحب و پدید آورنده اصلی آن فتحعلی‌شاه اشاره‌یی رفته است ، باخط نستعلیق بسیار زیبا منگنه و میناسازی نمایند .

درفاصله سالهای ۱۲۹۰ و ۱۲۹٦ هـ . ق . که اطاق موزه یا تالار سلام بامر ناصرالدین شاه بنا وایجاد گردید ، شاه دستور داد جواهرات سلطنتی واشیاء وآثار گرانبهای تاریخی وهنری وهدایای سلاطین خارجی وحکام و امرای داخلی‌را درقفسه‌های آن قرار دهند ، ضمناً تخت طاووس را نیز از تالار آینه عمارت خروجی بتالار آینه جدید ، جنب موزه منتقل نمودند وبعدها از آنجا نیز بتالار موزه بردند ، که اینك سالهاست در همان محل مخصوص خود قرار دارد .



بقیه حاشیه ازصفحه قبل

عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزا محمد حسین خان در انشاء رسائل وتحریر مطالب محسود اماثل و اقران است پسر سیم . . . عالیجاه مقرب‌الخاقان زین‌العابدین خان سرهنگ سواره‌نظام است» ص ۵۷ - ۵٦ فارسنامه ناصری . در روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۳۲۰ رجب ۱۲۷۳ هـ . ق . مینویسد «نظر بخدمات وصداقت وراست‌قلمی مقرب‌الخاقان میرزا عبدالله‌خان مستوفی خاصه‌که خاطر رحمت ذخایر اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی‌را درعمل محاسبات وخدمات مرجوعه بخود راضی داشته خاصه در رسیدگی ونوشتن محاسبه هفت‌ساله ملبوس خانه خاصه بدن مبارك ابوابجمعی مقرب‌الحضرة الخاقانیه آقا عبدالله رخت‌دارکه کمال دقت واهتمام بعمل آورده نهایت صداقت وراست‌قلمی‌را منظورکرد لهذا مرحمت ملوکانه مقتضی مرحمتی خاص درباره مشارالیه گردیده بموازی یك ثوب جبه ترمه ازملبوس خانه خاص قرین امتیاز وافتخارش فرمودندکه بهتر ازپیشتر بلوازم صداقت وخدمتگزاری پردازد» .

از پیش آمدهای قابل ذکر اززمان ناصرالدین شاه درمورد تخت موضوع سرقت قطعاتی از طلا و جواهرات آنست . داستان از این قرار بوده که روز دوشنبه سیزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ ﻫ . ق . ناصرالدین شاه که درتالار قدم میزده ناگهان بر اثر دیدن خرده های طلا بر روی قالیهای تالار ملتفت میشود که بجواهرات تخت طاووس دستبردی زده‌اند شاه از اینکه درکاخ وی چنین عملی اتفاق افتاده سخت برآشفته وخشمگین میگردد . دکتر «فووریه» پزشک مخصوص شاه که ناظر خشم وبرآشفتگی او بوده در یادداشتهای خود نوشته : «من هیچوقت شاه را باین خشم ندیده بودم حال خودداری ازاو رفته بود بسرعت قدم برمی‌داشت وبلندبلند ناسزا می گفت بعد ناگهان می‌ایستاد و چشمان خودرا که کاملا گشوده بود با حال غضب وتهدید بنقطه‌یی میدوخت . با این وضع مسلم بود اگر مقصر بدست افتد مورد بخشایش ملوکانه قرار نخواهد گرفت» .

اعتمادالسلطنه در یادداشتهای خود دراین‌مورد می‌نویسد : «وقت ظهر شنیدم که جواهرهای «تخت طاووس» را دزدیده‌اند خیلی تعجب کردم باز باور نکردم تا عصر مکرر این خبر رسید که دیشب این دزدی شده ، جایی که تخت شاه را بدزدند خدا بفریاد مردم برسد».[۱]

شاه به پسرش کامران‌میرزا نایب‌السلطنه که حاکم تهران ووزیرجنگ بود امر می کند هرچه زودتر تحقیقات را شروع کرده مرتکب را بیابد .

در همین روزها اتفاقاً مرحوم میرزا محمدخان غفاری (کمال‌الملک) نقاشباشی دربار ، مشغول کشیدن تابلو «تالار آینه» بوده ودر همان روزواقعه، مقارن غروب آفتاب ، پس‌از اتمام کار خود ، سرایدار را خبر داده بمنزل خود می‌رود . فردای آنروزکه دزدی آشکارمی‌شود وکامران‌میرزا همه‌را ببازپرسی می‌کشد ، درضمن کمال‌الملک را نیز خواسته قریب سه ساعت با او مذاکره

۱ – ص ۸۸۸ خاطرات اعتمادالسلطنه .

می‌کند والبته این موضوع در روح حساس استاد بسیار مؤثر افتاده ، باعث رنجش خاطراو می‌گردد .

خوشبختانه مرتکب دزدی بزودی‌پیدا میشود واو جوان بیست‌ساله‌یی بوده بنام محمدعلی پسرکاظم سرایدار سردر باب همایون معروف به «کاظم سردری» و محمدعلی مذکور با شغل جاروکشی عمارات سلطنتی تازه داخل خدمت شده بود است .

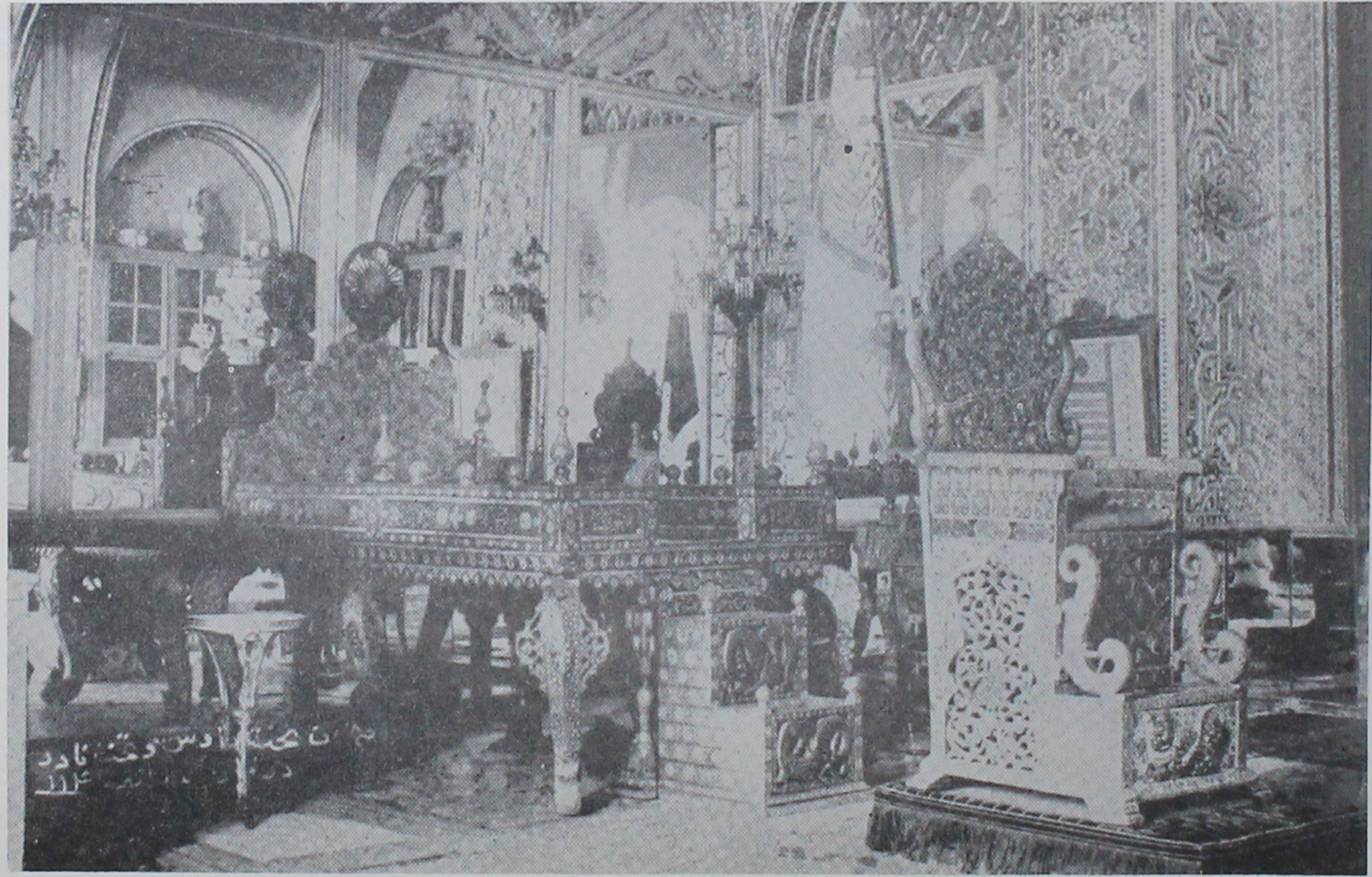
اعتمادالسلطنه در تاریخ چهاردهم ربیع‌الثانی می‌نویسد : «صبح که درب خانه رفتم خود شاه بمن فرمودند قریب چهار هزار تومان طلا و جواهر «تخت طاووس» را دزدیده‌اند بر من یقین شد . سرایدارها وقراولهای عمارت را که مستحفظ بودند ، نایب‌السلطنه گرفته و مشغول استنطاق بودند بعد از ناهار شاه ، دزد پیدا شد محمدعلی‌نام پسره بیست‌ساله کوربدترکیبی‌که حالا جزو سرایدارهابود شب توی اطاق قایم می‌شود قفل را می‌شکند و جواهرهارا می‌دزدد ومی‌رود . نایب‌السلطنه اورا پیدا کرده با تمام جواهرات بحضور آورد چون شاه قول داده بودند که نکشند اورا بحبس‌خانه بردند . . . .» .

بنا برنوشته فووریه پسرك پس از شکنجه و عذاب دادن اقرار کرده بوده که جواهرات را در باغچه کاخ در پای درختی پنهان کرده است و چون آنجارا کاوش می‌کنند جواهرات را در همانجا می‌یابند .

با آنکه شاه قول داده بود مرتکب را نکشد ، ولی ازشدت خشم بر جوانی ونادانی او رحم نکرده حکم میکند اورا در میدان مقابل شمس‌العماره درحضور جمعیت سر ببرند . در روز اجرای حکم نیز سر ناهار مقداری شراب «بردو» نوشیده با سرخوشی به سردر شمس‌العماره می‌رود تا بچشم خودبریدن سر مرتکب را از پشت پرده نازکی به بیند . چون میرغضبان اورا گردن‌می‌زنند شاه ناگهان پرده را بلند کرده فریاد می‌زند «سررا ازتن جداکنید وبلندکنید» چون این کار انجام می‌گیرد جسدش را در پاقاپوق بدروازه خانی‌آباد می‌آویزند وبعد هم میرغضبان دور شهر افتاده ازهردکانی یك عباسی می‌گیرند



شکل ۷۳ ـ محمد علی دزد جواهرات تخت طاووس.



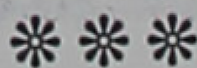
شکل ۷٤ - تخت نادری و تخت طاووس درشاه‌نشین تالار سلام

وشاه نیز بهرکدام ده تومان انعام می‌دهد .

بازاعتمادالسلطنه درضمن وقایع روزجمعه هفدهم ربیع‌الثانی می‌نویسد:

«. . . . . وقت ناهار بندگان همایون قدری بردو میل فرمودند چون کمتر این کار میشود محل تعجب وحمل بکسالت مزاج مبارك نمودم . بعد معلوم شدکه می‌خواهند محمدعلی سرایدار ، دزد تخت را سر ببرند ، بجهت قوت قلب استعمال «بردو» فرمودند چهار بغروب مانده سرآن احمق را جلو سردر آلاقاپو درحضور همایون بریدند واز بدن هم جداکردند که بالای قاپوق بزنند اما درصورتی‌که شاه قول داده بودندکه اورا نکشند واورا بخشیده بودند ، خوب کاری نبود خلف عهد و شکستن قول برای پادشاه»[1] .

اما این حکم غیرعادلانه وحرکت بعدی ناصرالدین‌شاه ازنظرخرده‌بینان زمان مخفی نماند ، از جمله میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان صدراعظم وقت درنامه‌یی‌که بلندن به علاءالسلطنه (پدر مرحوم علاء)نوشته شرحی دراین‌باره آورده که مفاد آن چنین است : « . . . . . اگــر از اوضاع آشفته دربار ناصرالدین‌شاه بخواهید یك موضوع را برای نمونه می‌نویسم و آن اینست‌که من برای رفع خستگی و ضمناً زیارت با کسب اجازه از ناصرالدین‌شاه ده روز بقم رفتم . درغیاب من شاگرد سرایداری چند مثقال طلا ازتخت طاووس کنده . آن پسر را پیدا می‌کنند وشاه امر می‌دهد سر اورا ببرند . یك‌نفر در بین دربارنبوده‌که باو بگوید : مرد حسابی برای چهار مثقال طلا انسانی را سر نمی‌برند ، وازآن بدتربرفرض باید سراورا برید ، چرا خودت‌شخصاً حاضرشوی که زیر چشم تو سراو بریده شود وبعداز پشت پرده سربیرون آوری و فریاد بزنی که سررا بکلی از تن جدا کنند و بعنوان مقدمه در سرناهار مقداری‌شراب بردو بخوری» .



۱ - ص ۸۸۹ خاطرات اعتمادالسلطنه .

دردوران سلطنت ناصرالدین‌شاه همانگونه‌که سالها پیش ازآن برقرار بود مراسم جلوس وتاجگذاری وسلامهای خاص نوروزی و بعضی اعیاد دیگر با استفاده از تخت طاووس ویادربرابر آن انجام می گرفت . مراسم سلام نوروز بسیار باشکوه وتوأم با آداب مخصوص بود . «معمولاً یك روز پیش‌از عید رئیس تشریفات دربارمیرزا علی‌خان ظهیرالدوله داماد شاه ، برای‌طبقات مختلف دعوتنامه می‌فرستاد و مدعوین می‌بایست یك ساعت پیش ازتحویل در کاخ گلستان حاضر می‌شدند . هنگامی‌که تحویل سال نزدیك میشد ، اندکی پیش از ساعت تحویل خواه روز بود خواه شب درباریان و بزرگان کشور وروحانیان وامرا درتالار موزه گرد می‌آمدند ، ودر طرفین سفره هفت‌سین می‌ایستادند .

ترتیب آراستن مجلس وایستادن طبقات واشخاص بدین منوال بود : ازچندگام بعداز در ورودی تالار ، سفره سپید بزرگی گسترده بساط هفت‌سین را روی آن می‌چیدند ودامنه سفره تا شاه نشین تالار که تخت طاووس در آن قرار داشت کشیده می‌شد .

روی تخت ابتدا مسند زربفت کارهندوستان می‌گستردند وروی آن تشکی نهاده سجاده‌یی‌که حاشیه آن مرواریددوزی شده و مرصع بود برروی آن پهن می‌کردند ودر پشت آن دومتکای مرواریددوزی ومرصع با ریشه و منگوله‌های مروارید قرار می‌دادند ، درگوشه‌های تخت شمعدانهای طلای مرصع که دارای آویزهای مروارید و دانه‌های درشت زمرد بود گذاشته می‌افروختند . تمام چلچراغها وجارها ولاله‌های تالار را خواه روز بود خواه شب روشن می‌ساختند ، در پرتو نور چراغها تلالؤ جواهر تخت و نشانها وشمسه‌هایی که بر سینه و جبه‌های حضار نصب گردیده بود ، مجلس شکوه و درخشندگی عجیبی می‌یافت .

همه رجال کشوری با جبه‌های شال وترمه و شمسه‌های جواهرنشان ومرصع وامرا با لباسهای فاخریراق‌دوزی شده وحمایل و شمشیرهای مرصع در تالار حاضر می‌شدند .

درشاه‌نشین رؤسای ایل قاجار با سرداریهای ترمه و شمشیر بسته و رؤسای کشیك‌خانه وسواران مهدیه ومنصور و غلام پیشخدمت‌ها وقورچیان ورؤسای زنبورکخانه با لباس‌های رسمی می‌ایستادند .

در دور تخت شاهزادگان بطور نیم‌دایره با لباسهای مشکی درحالیکه هریك از وصله‌های جواهر نشان سلطنتی ازقبیل : شمشیر و گرز و سپر وگلدان وتیردان و کمان‌دان دردست داشتند قرار می گرفتند .

دریك طرف سفره هفت‌سین ، سران سپاهی با نیم‌تنه‌های سپید وشلوار سرخ یراق‌دار وشارپ ، صف آراسته ونایب‌السلطنه در رأس آنها می‌ایستادند. درطرف دیگر مستوفیان با شال کلاه و جبه‌های ترمه وچاقچورهای قصب سرخ می‌ایستادندومستوفی‌الممالك باجبه ملیله‌دوزی مقدم برهمه آنان‌قرارمی گرفت.

نزدیك تخت ، صدراعظم با جبه و شمسه صدارت ووزراء واعیان زیر دست وی می‌ایستادند ، عمله خلوت وپیشخدمت‌های مخصوص در یکی از غرفه‌های نزدیك تخت گرد می‌آمدند ، اروپائیان‌که بنا برخواهش خود بتماشای مراسم سلام می‌آمدند واطباء درغرفه مقابل آن می‌ایستادند . در روبروی‌تخت خطیب‌الممالك ومنجم‌باشی قرار می‌گرفتند وعموهای شاه نزدیك به تخت می‌ایستادند .

امام‌جمعه تهران با جمعی از علما که در مجلس حاضر بودند بعضی درجلو تخت بر زمین نشسته وبعضی درپای‌تخت می‌ایستادند . منشی‌الممالك با دونفر دیگر که سینی‌های دستلاف دردست داشتند وپرازشاهی های سپید ومقداری دوهزاری طلا وقدری برنج و آرد بود ، درکنار تخت می‌ایستادند. سینیهایی‌که پراز کیسه های تافته سرخ بود ودر هرکدام بتفاوت یکصد کیسه حاوی پنج‌تومان‌شاهی سفید وپنج اشرفی ، پانصد کیسه حاوی سه تومان شاهی سفید وپنج پنجهزاری طلا ، پانصدکیسه حاوی سه تومان شاهی سفید و پنج دوهزاری طلا و سه هزار کیسه حاوی سه تومان شاهی سفید ریخته بودند ، درپای‌تخت قرار گرفته بود .

یك ربع ساعت بتحویل مانده پرده دار پرده تالاررا بالا زده و با آواز بلند ورود شاه را خبر می‌داد ، دردم همه ساکت شده نظامیان بحالت خبردار می‌ایستادند و بقیه سر بتعظیم فرود می‌آوردند .

درپیشاپیش شاه ایشیك‌آقاسی باشی باجبه وشال کلاه و عصای مرصع واعتمادالحرم می‌آمدند ، آنگاه شاه غرق در جواهر ونشانهای سلطنتی ، جقه وتل برکلاه با قدمهای آهسته و طمأنینه مخصوص ازمیان صفوف گذشته در صدرمجلس بالای تخت برآمده روی سجاده می‌نشست و شمشیر جهانگشای نادری را روی زانو می‌نهاد ، باز حاضرین چندین‌بار تعظیم‌کرده بجز علما همه آرام می‌ایستادند ، گروهی از خواجه سرایان وخواص که ازدنبال شاه آمده بودند درکناری قرار می گرفتند .

دراین موقع ریش‌سفید ایل قاجار همراه پیشخدمتها سینی‌های شاهی سفید را در دست گرفته بهریك از حاضرین مطابق مقام ورتبه مشتی هدیه می‌کردند تا هنگام تحویل سال سکه نقره دردست داشته باشند .

ابتدا شاه با دست خود مقداری عود درآتش منقل کوچکی‌که در پهلویش گذاشته شده بود ریخته می‌سوزانید و بوی خوش آن هوای تالاررا معطر می ساخت .

پس‌ازآن خطیب‌الممالك ازصف مقابل خارج شده نزدیك تخت‌آمده خطبه مختصری ایراد میکرد وچون بنام حضرت رسول اکرم و حضرت امیر و شاه میرسید سرها بتعظیم خم میشد . پس از پایان خطبه ، منجم باشی که ساعت بدست منتظر فرا رسیدن وقت تحویل‌بود پیش میآمدواندك زمانی خیره بصفحه آن نگریسته آنوقت باآواز رسا میگفت «بمبارکی و میمنت واقبال وجود مسعود اعلیحضرت در این ثانیه آفتاب ببرج حمل تحویل گردید» . فوراً شیپورچی‌ها که دربیرون بحالت انتظار ایستاده بودند باد در شیپورها دمیده توپهای تحویل سال ، درمیدان بصدا درمیآمدند ، پس ازاعلام تحویل ، شاه بلافاصله قرآنی را که در برابرش نهاده بودند ، برداشته می‌بوسید و برسر



شکل ۷۵ ــ یکی از دو شمعدان مرصع باآویزهای زمرد ومروارید ، موزه جواهرات سلطنتی .



شکل ۷٦ ـ شاه‌نشین تالار سلام و تخت‌ها .

می‌نهاد و سپس سورهٔ کوچکی ازآن تلاوت کرده رو بحاضران نموده با صدای بلند می‌گفت «مبارك باشد» . دراین میان یکی از علما برخاسته دعا می‌کرد ودوام سلطنت وبقای عمر قبله عالم را ازقادر متعال مسئلت مینمود وبعد شاه به دادن کیسه های عیدی علماء می‌پرداخت و چون علما بیرون می‌رفتند چند دسته موزیك‌که دراطراف جلوکاخ گلستان ایستاده و باحترام علما خاموش بودند ، به نواختن آهنگهای دلکش مشغول می‌شدند . سپس شاه از تخت بزیرآمده برصندلی قرار می‌گرفت . نخست به عموها و برادر ها و سپس به نایب السلطنه بعد برؤسای لشگری ومستوفیان وبالاخره دیگران ازکیسه‌هایی که برشمردیم برداشته عیدی میداد و با هریك بفراخور صحبتی می‌کرد وآنها نیز سپاسگزاری کرده کیسه‌هارا بوسیده برسر می‌نهادند ، مجلس تقریباً سه تا چهارساعت بطول می‌انجامید وپس‌ازآن بباغ شاه‌رفته زمانی تفرج نموده بسوی اندرون روان می‌شد وبدین‌گونه مراسم سلام خاص نوروزی پایان می‌یافت وعصر یا فردای آنروز سلام عام درتخت مرمر منعقد می‌شد که آن داستان دیگری دارد و درشرح مراسم ایوان مرمر بطور تفصیل آمده است» .[۱]

پس ازناصرالدین شاه نیز همواره در مراسم و سلامهای خاص واعیاد از تخت طاووس استفاده می‌کردند ولی از دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه بزرگ باین طرف دیگر از تخت مزبور استفاده‌یی نشده است وحتی درمراسم تاجگذاری نیز چون شاهنشاه پهلوی نخواست بر روی این تخت جلوس‌نماید، دستور داد ، تخت دو پله معروف به تخت نادری را برای تاجگذاری آماده نمایند که شرح آن بموقع خود خواهد آمد .

تخت طاووس چون درزمانی ساخته شده که هنوز جلوس برصندلی چندان معمول نبود ، ازاینرو مانند اغلب تخت های پادشاهان قدیم مشرق زمین که چهارزانو برمسند سلطنت نشسته برچاربالش ملك تکیه میزدند ، بشکل

---

۱ - زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه - معیرالممالك .

سکو یا تخت‌خواب ساخته شده وازاین حیث تقریباً به تخت مرمر شبیه است .

این تخت ازقطعات مجزا پدیدآمده وبوسیله پیچ ومهره قابل سوار و پیاده کردن می باشد وتوکار آن همه از چوب محکمی ساخته شده که ورقه‌های طلای ضخیمی تمام قسمت‌های آنرا (جزپشت وزیر ویك پایه ستونی که نقاشی مذهب است) پوشانیده است .

نمای بیرونی روکش طلا در تمام قسمت ها با تزئینات گل وبته‌یی میناکاری شده و سطحهٔ پشت‌انداز یا تکیه‌گاه و خورشید دوار بالای آن و هدهدها وقبه‌ها و صراحی‌هاو دو نیم ترنج طرفین بالای پله‌های تخت علاوه برمیناکاری مرصع بانواع جواهر از الماس و زمرد و یاقوت ولعل‌است .

تخت بر روی شش پایه بشکل خرطوم فیل که در پایین پیچی خورده ، تبدیل بسراژدها گردیده‌اند ودوپایه بشکل ستون و دوپایه نیم‌ستونی درطرفین پله‌ها استوار شده که آنرا قریب یك متر بالاتر ازکف زمین نگاه داشته‌اند .

برای، بالا رفتن از تخت دوپله قرارداده‌اند که در سطحهٔ عمودی آنها نقش مشبك اژدرهای درهم پیچیده ودر سطحه افقی تزئیناتی بشکل ترنج و نیم‌ترنج دیده میشود .

در دورادور تخت بجز در قسمت جلو پله‌ها ، طارمیهای کوتاهی‌کشیده شده که از داخل وخارج به کتیبه‌های ترنج‌دار تقسیم شده و در داخل هرترنج بیتی از قصیده‌یی با خط نستعلیق خوش منگنه شده است .

سراینده اشعار دور تخت برنویسنده ناشناخته است وابیات‌آن بترتیب ازسمت راست به‌چپ چنین خوانده میشود :

سر ملوك ابونصر ناصرالدین شاه
که هست گردون با پایه سریرش دون

به چهر خویش آراسته است تخت نیا
بدان صفت که منوچهر تخت افریدون

بعهد خود چو ملك برجمال ملك فزود
نهاد خوبترین رسم و بهترین قانــون
سریر خاقان دادش بوسه و گفت
نشستگاه توام ، کن جمال من افزون
فزود شاه جهان بر جمال تخت‌نیا
چنانکه رشك برد زو سپهر میناگون
روان فتحعلی شاه در بهشت بــرین
بیاد این ملك راد بشکفد ایدون
به تاج وتخت شهنشاه تا بکار برند
فلك زر و گوهر آرد ز بحروکان‌بیرون
چــو بامداد دهد بار ، آیدش بسلام
ز چرخ طالع مسعود و طایر میمون
قضا به پایه اورنگ او دهد بوسه
قدر بگوشه دیهیم او بود مفتون
همیشه تا زکواکب چو اندر آید شب
شود سپهر مرصع بلؤلؤ مکنون
نشستگاه ملك باد این خجسته سریر
بر سریرش باد قد ملوك چون نون
بود بخت شهنشه پیروز روز افزون
برین سریر مرصع ، چو مهر بر گردون

در بالای طارمیها و در دوطرف پله‌هــا و پشت‌انداز تخت جابجا و بفاصله‌های معین چهارده قبه کروی مرصع و شش صراحی مرصع نصب گردیده است .

پشت انداز تخت بشکل نیم ترنجی است که ازسمت داخل تخت بانقوش

اسلیمی وگل و برگ های مرصع و شمسه‌های جواهرنشان تزئین گردیده ودر دو طرف آن در متن وهمچنین دربالای شاخ‌های ترنج نقش برجسته و مجسمه چهار هدهدکه اغلب باشتباه آنهارا طاووس پنداشته‌اند قراردارد . درترنج‌های سطحه عمودی پله دوم موضوع وتاریخ تغییر و تعمیر مجدد تخت باین عبارت نوشته ومینا شده است :

«بسعی کمترین چاکر درگاه آسمان جاه ، عبدالله نوری مستوفی سمت اتمام پذیرفت ۱۲۷۴» .

دربالا ووسط پشت‌انداز وتکیه‌گاه تخت قاب آینه مدوری نصب گردیده که درداخل آن هیکل خورشید الماس نشانی با شعاعهای فراوان قرار دارد و از پشت متصل به چرخ دندانه‌دار و پاندولی است که پس از کوك‌کردن مدتی بدور خود می‌چرخد .

بر روی تخت طاووس کلاً چهار هزاروپانصد وبیست وهفت قطعه جواهردرشت و ریز از قبیل الماس وزمرد ویاقوت و لعل نشانده شده است که تعداد قطعات هریك ازآنها مطابق دفاتر رسمی بدینقرار است :

الماس	۱٤٤٤	قطعه
زمرد نو	۲۹۱	قطعه
زمرد کهنه	۱۱٤۰	قطعه
لعل نو	۱۱	قطعه
لعل کهنه	۷۸٦	قطعه
یاقوت	۸۵۵	قطعه

تخت نادری

تخت سلطنتی دیگری که سالها در شاه‌نشین تالار سلام در جنب تخت طاووس قرار داشت واخیراً بعد از تأسیس موزهٔ جواهرات سلطنتی به بانك مرکزی انتقال یافت، تخت یا صندلی دو پلهٔ «نادری» است.

این تخت به دلالت شیوه ساخت و شکل وترکیب و نوع زرگری و میناکاری و جواهرسازیش وهمچنین بگواهی اشعاری که در سمت داخل دست‌اندازها وپشت‌انداز تخت بر روی ورقه‌های طلا منگنه ومیناکاری گردیده، بدون شك از ساخته‌های زمان فتحعلی‌شاه است گواینکه در ترصیع وتزئین آن اغلب ازگوهرهای نادری استفاده شده است.

چون سابقاً فتحعلی‌شاه فقط در اردوکشی های‌خود به‌چمن سلطانیه ازاین تخت استفاده میکرد[1] ودرسالهای بعد نیز اغلب در خزانه محفوظ بود و کمتر در معرض دید وتماشای محققان وجهانگردان قرار داشت ازاینرو در کتابها وسفرنامه‌ها راجع بآن مطلبی نمیتوان یافت.

انتساب این تخت به نادرشاه، گویا درچهل وپنجاه سال اخیر شهرت یافته که البته منشاء تاریخی ندارد و صحیح نمی‌باشد.

تخت‌نادری از نظر شکل‌وترکیب وتزئینات زیباتراز تخت‌طاووس است

۱- موریس دوکوتزبو درکتاب خود ضمن برشمردن تجملات سلطنتی فتحعلیی‌شاه درچمن سلطانیه می‌نویسد: «اعلیحضرت روی تختی قرارداشت شبیه بصندلیهای اجداد خودمان‌که بجواهرات گرانبها مزین شده و روی پله اول آن صورت شیر خوابیده‌یی با طلا ساخته بود».

پشت‌انداز آن با ترنج و جواهرات درشت وخوشرنگش آنرا مجلل‌تر نشان می‌دهد . در دو طرف پشت‌انداز تخت‌که مانند دم طاووس چترزده و در بالا دارای تاجی است ، نقش دو اژدهای پیچ خورده یا سمندر قرار دارد که دم آنها بشکل سرعقاب یا طوطی درآمده است ، و نظیر همین دواژدها در دوطرف پله اول تخت نیز دیده میشود که دراینجا دارای پا بوده و به سطحه ودیواره پله چسبیده‌اند .

دردیواره عمودی پله اول تخت ، نقش شیری برجسته کاری شده که بدن آن همچون پوست پلنگ خالدار وجواهرنشان شده است . در دو طرف تخت نیز درداخل ترنج‌های اسلیمی مشبك ، نقش دوطوطی مینا کاری شده مشاهده می گردد .

تخت ازنه‌پارچه چوبهای روکش طلای میناکاری‌شده بسیار اعلی‌مرصع بجواهرات ساخته شده که قطعات مختلف آن بوسیله بندوبست های مخصوص از یکدیگر جدا میگردند ، این قطعات بانضمام يك پارچه سطحه تخت ودو پارچه چوب قید و پیچ ومهره‌های آهنی بدون جواهر جمعاً مشتمل بردوازده پارچه است .

ارتفاع تخت از سرتاج پشت‌انداز تا سطحه نشیمن تخت ۱۲۸ سانتیمتر واز برگشتگی گردن اژدر بطرف دیگر ۱۰۱ سانتیمتر وارتفاع از دست‌اندازها تا سطح زمین ۱۱۹ سانتیمتر می‌باشد .

در وسط سرتاج پشت‌انداز تخت يك قطعه یاقوت درشت دامله بشکل قلوه حبابی نصب شده که در حدود ۲۵ قیراط وزن دارد .

تعداد جواهراتی که بر روی تخت نادری نصب گردیده بقرار زیراست:

الماس : ۹۵۹۷ قطعه

زمرد : ۷٤٦٤ قطعه

یاقوت : ٤٦٨۲ قطعه

لعل : ٦۹٦ قطعه

بنابراین جمع کل جواهرات ریزودرشت تخت نادری در حدود ۲۲۴۳۹ قطعه وتقریباً پنج برابر جواهرات تخت طاووس است .

اشعاری که گویا منتخب از ابیات قصیدهٔ مطولی است ، در دوسمت داخل دست‌اندازها و پشتی‌تخت منگنه ومیناکاری شده واز راست بچپ چنین خوانده می‌شود :

شهنشاه اعظم خداونــد کیهان
جهان‌بین عالم جهانبان دوران
جهاندار فتحعلی شه کــه دارد
بخاك پیش روی خورشید پنهان
سپهرش یکی گرد از سم تازی
زمینش یکی گوی در خم چوگان
هنرجان و جان شهنشه بدان تن
جهان‌جسم‌وجسم‌جهانبان‌درآن‌جان
بحکمی رباینده تاج قیصر
بعزمی ستاننده تخت خاقان
سزاوار خویش آن شهنشاه گیتی
زیاقوت تابان و الماس رخشان
یکی‌کرسی آراست چون‌کان‌گهر
یکی‌کرسی‌افراخت‌چون‌عرش‌یزدان
بپرداختند از در ، گنج دریا
تهی ساختند ازگهر مخزن وکان

***

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در تاجگذاری خود چون مناسب ندید بر روی تختی جلوس نمایدکه روزگاری ناظر عیاشیهای فتحعلی‌شاه ، خونریزیهای

ناصرالدین شاه واستبداد محمدعلی میرزا بود ازاینرو دستور فرمود همین‌تخت نادری را برای تاجگذاری آماده نمودند که در صفحات آینده شرح‌وچگونگی برگزاری مراسم آنرا خواهیم آورد .

درپایان این مقال لازم بیادآوری است که متأسفانه بعلت عدم دقت و توجه دربرخی ازکتابها ونوشته‌ها ازجمله مجله ارتش و کتابچه راهنمای تهران منتشر شده ازطرف سازمان جلب سیاحان ، کتاب ایرانشهر از انتشارات کمیته ملی یونسکو درایران ، این تخت را باشتباه «تخت طاووس» معرفی نموده و عکسش را با همین نام چاپ‌کرده‌اند که البته ، با توضیحات مفصلی‌که در این کتاب‌داده شد پیداست‌که همه آنها نادرست‌است وتاکنون‌کسی از محققان و نویسندگان خبیر و مطلع این تخت را بنام «تخت طاووس» ننوشته است .



شکل ۷۷ ــ صندلی دو پلهٔ مرصع معروف به «تخت نادری» . موزه جواهرات سلطنتی

صندلی طلای مرصع محمد شاهی

یکی دیگر از اشیاء قیمتی وجالب که در شاه‌نشین تالار سلام درپهلوی تخت طاووس قرار گرفته است صندلی طلای مرصع محمدشاهی است .

پس‌از فتحعلی‌شاه که نواده‌اش محمدشاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ه . ق .) فرزند عباس میرزا بسلطنت ایران رسید ، چون به نقرس مبتلا بود ونمی‌توانست چهار زانو به‌نشیند ، ازاینرو کمتر ازتخت طاووس استفاده می‌کرد وبرای اینکه هنگام نشستن پاهای خودرا آویزان نگاه دارد ، در سال ۱۲۶۰ ه . ق . دستور داد بسرکاری بهرام‌خان گماشته منوچهرخان معتمدالدوله و زرگری استاد اسدالله ، صندلی زرین مرصعی برایش‌ساختند . از اواسط سلطنت‌ناصرالدین‌شاه که چهار زانو نشستن برروی سجاده مرصع وتخت‌طاووس منسوخ و موقوف می‌گردید ، معمولا این صندلی را بروی سطحه تخت طاووس می‌نهادند و شاه برروی آن می‌نشست . ازمشروطیت باین طرف نیز معمولاً هنگام افتتاح‌مجلس شورای ملی ، این صندلی را از کاخ گلستان به مجلس می‌برند و شاهنشاهان ایران از جلو همین صندلی نطق افتتاحیه را قرائت می‌کنند .

سنگها و جواهرات قیمتی صندلی مرصع محمدشاهی عبارتست از مروارید ، زمرد ، یاقوت و لعل که جمع آنها ۶۲۷۲ قطعه میباشد ونام مباشر وسازنده وتاریخ آن درپشت تاج پشت‌انداز آن قید گردیده است .

مراسم تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه پهلوی
در کاخ گلستان

از مراسم تاریخی وجالب و پرشکوه که درتالار سلام کاخ گلستان برگزار گردیده تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه بزرگ است .

چنانکه درتاریخچه ایوان تخت‌مرمر گفته شد ، نخستین جلوس اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ، روز چهارشنبه بیست‌وپنجم آذر ۱۳۰۴ برروی تخت مرمر انجام‌گرفت ولی تشریفات تاجگذاری به روزچهارم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵ هـ . خ. موکول گردید[1] .

جشن تاجگذاری که از بعدازظهر روزیکشنبه چهارم‌اردیبهشت‌ماه‌آغاز گردید ، مدت سه روز ادامه یافت ودرآن چند روز هم ادارات دولتی و هم مؤسسات ملی تعطیل بود . مراسم رسمی تاجگذاری طبق معمول درتالار سلام کاخ گلستان برگزار شد ، دراین مراسم وزراء ، علماء سفرای کشور های خارجی ، قضات ، افسران ارشد ، اعیان ، نمایندگان ایالات وولایات ، رؤسای رتبه ۸ و۹ وزارت‌خانه‌ها ، نمایندگان تجار واصناف ونمایندگان مطبوعات با لباس تمام رسمی شرکت داشتند وازطرف وزیردربار وقت دعوتنامه‌هایی بنام

---

۱ - متن‌جریان تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه‌پهلوی‌که دوازده‌سال‌قبل برای‌نخستین‌بار ازطرف نویسنده این کتاب تهیه و تدوین‌گردیده بود توسط اداره انتشارات هنرهای زیبا دراختیار آقای حسین بنی احمد گذاشته شدکه دراطلاعات ماهانه (شماره یکم سال ۱۳۳۷) با افزودن مطالب مختصری از دیگران ، متأسفانه بدون ذکر نام تهیه‌کننده اصلی ، بچاپ رسید و اخیراً نیز بمناسبت تاج‌گذاری شاهنشاه آریامهر ، درمطبوعات وکتابهای مختلف مکرراً ازآن استفاده‌گردید .

آنان فرستاده شده بود.

محوطه کاخ گلستان، چندروز پیش ازاجرای مراسم تاجگذاری آماده شده وآذین بندی گردیده بود. نگهبانی داخل کاخ بعهدهٔ دانشجویان «مدرسه نظام» واگذارشده ویکدسته موزیك نظامی نیز در پایین عمارت کنار حوض کاخ گلستان آماده بود. سرساعت سه بعدازظهر همه دعوت شدگان درجاهای مخصوص خودشان که قبلاً تعیین گردیده بود حاضربودند. نزدیك بساعت سه‌وسی دقیقه بعدازظهر ورود والاحضرت شاهپور محمدرضا پهلوی وحاملان تاجها ووصله‌های سلطنتی اعلام گردید.

طرز ورود ولیعهد بدین ترتیب بود که شش نفر آجودان در دو ردیف پیشاپیش حرکت می‌کردند وپشت سرآنان مجلل‌الدوله دولتشاهی و رئیس تشریفات خارجی درکنار یکدیگر می‌آمدند، پس ازآنان امیرلشگرخدایارخان قرار داشت که درفش سلطنتی را حمل می‌کرد با فاصله کمی از او ولیعهد باللباس مخصوص حرکت می‌کرد. پس‌ازولیعهد حاملین وصله‌ها و اثاثه سلطنتی در دو ردیف بترتیب زیر حرکت می‌نمودند:

فروغی نخست‌وزیر حامل تاج کیانی، تیمورتاش وزیردربار حامل تاج پهلوی، امیرلشکرعبدالله‌خان امیرطهماسبی وزیرجنگ حامل شمشیرجهانگشای نادری، سردار اسعد وزیرپست‌وتلگراف حامل تاج مروارید، مشیرفاطمی وزیر عدلیه حامل‌عصای‌مرصع‌سلطنتی، داوروزیرفوائد عامه حامل دریای نور، دادگر وزیر داخله حامل قلچاق سلطنتی، سهام‌السلطان بیات وزیر مالیه حامل تمثال رضاشاه، امیرلشگر احمدآقاخان (امیراحمدی) رئیس امنیه حامل گرزسلطنتی، امیرلشگر نصرالله خان آیرم حامل شمشیر شاه اسماعیل صفوی، امیرلشگر سردار مدحت جلایر حامل سپر سلطنتی، امیرلشگر نقدی حامل شمشیر شاه‌عباس، امیرلشگر محمود انصاری حامل قداره مرصع، امیرلشگر خزاعی حامل تبرزین سلطنتی، امیرلشگراسماعیل‌خان امیرفضلی حامل زره شاه‌اسماعیل صفوی، امیرلشگر حبیب‌الله شیبانی حامل کمان نادری، امیرلشگر قاسم‌خان

والی (امیرهمایون) حامل تیرکش مرصع.

اثاثه سلطنتی هرکدام برروی کوسن وسینی‌های مخصوص قرارداشت وحاملان آنها را روی دودست گرفته بودند.

بلافاصله پس از این عده افراد زیر حرکت می‌کردند:

مفتاح‌السلطنه کفیل وزارت امورخارجه، چراغعلی خان پهلوی (امیراکرم) پیشکار ولیعهد، ادیب‌السلطنه سمیعی حکمران تهران، محمود جم نخست‌وزیر، میرزا یوسف‌خان مشار کفیل وزارت معارف و اوقاف و معاون‌الدوله رئیس تشریفات داخلی.

پس ازورود این عده آجودان‌هایی که پیشاپیش حرکت می‌کردند در فاصله میان تخت نادری وتخت طاووس ایستادند و خدایارخان حامل درفش پشت تخت نادری قرار گرفت.

رؤسای تشریفات داخلی وخارجی تالاررا ترک گفتند وولیعهد درطرف راست تخت نادری جای گرفت وحاملان اثاثه سلطنتی دردوطرف تالار روبروی هم صف کشیدند.

در این موقع که فریادهای «زنده‌باد» از بیرون کاخ گلستان بگوش میرسید رؤسای تشریفات بداخل تالار بازگشتند وباتفاق یکدیگرباصدای بلند ورودشاه را اعلام‌کردند. سکوت عمیقی فضای تالاررا فراگرفت و چشمها بدر ورودی دوخته شد.

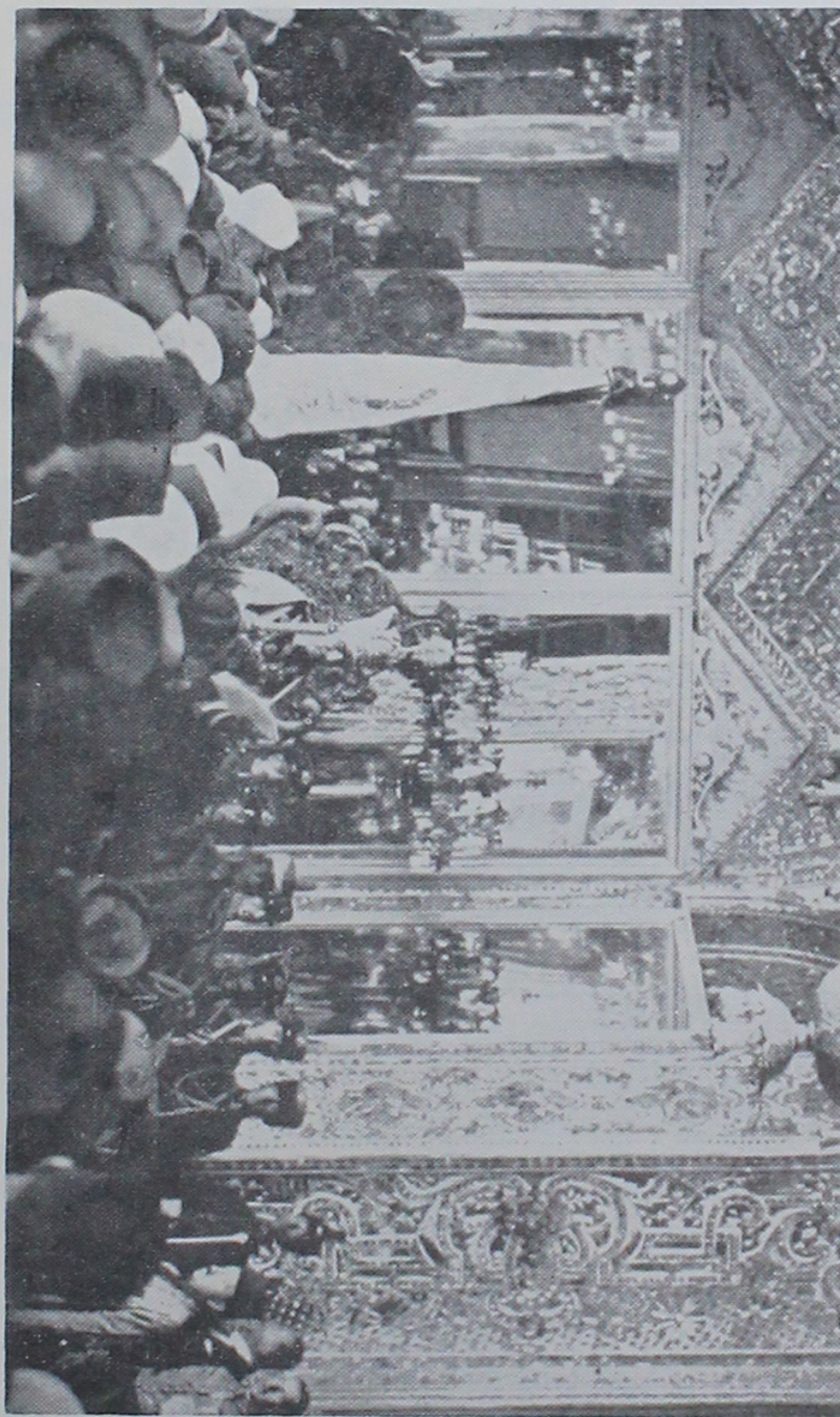
رؤسای تشریفات پس‌از اعلام ورود شاه برای دومین‌بار خارج شدند وبلافاصله آجودان‌هاکه پیشاپیش شاه حرکت میکردند وارد گردیدند. پس‌از شش‌آجودان‌که دردوردیف می‌آمدند رؤسای تشریفات درکنار یکدیگرداخل شدند وسپس بافاصله چند قدم شاه قدم بدرون تالار گذاشت.

ورود شاه باابراز احساسات نمایندگان ولایات وایالات وعشایر که بهمین مناسبت بتهران آمده بودند وسایر مدعوین استقبال گردید.

شاه کلاه پهلوی بسر گذاشته وجقه نادری‌را درجلوآن نصب کرده‌بود



شکل ۷۸ - در تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه مرحوم تیمورتاش وزیر دربار پهلوی حامل تاج پهلوی بود.



شکل ۷۹ - منظره‌ای از آیین تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه پهلوی - (قرائت خطابه) .

وشنل ترمه بوته جقه‌یی مرواریددوزی بردوش داشت درپشت سرشاه بترتیب سرتیب مرتضی‌خان یزدان‌پناه فرمانده لشگرمرکز وژنرال آجودان شاه، بهرامی رئیس دفتر مخصوص ورؤسای درجه اول دربار وارد تالار شدند.

شاه از میان درفشهای افواج لشگر و مدعوین وحاملان اثاثه سلطنتی گذشته ازپله تخت نادری بالا رفته برآن جلوس نمود. آجودانهای همراه شاه نیزدرپهلو وپشت تخت قرار گرفتند. دراین وقت درفشهای افواج بوضع خاصی بعلامت احترام خم گردید و شاه با حرکت دست باین ادای احترام پاسخ داد. سپس حاملان تاجهاواثاثه سلطنتی که دردوصف ایستاده بودند جای خودراتغییر داده بطور نیمدایره در مقابل تخت نادری قرار گرفتند، بطوری که در وسط نیم‌دایره نخست‌وزیر و وزیر دربار واقع شدند و سایرین که چیزی در دست نداشتند در ردیف دوم ایستادند.

پس‌از کسب اجازه ازحضور شاه مراسم آغاز شد. ابتدا ادیب‌الدوله رئیس مدرسه دارالفنون خطبه مخصوص‌تاجگذاری را قرائت کرد پس ازآن وزیردربار تاج پهلوی را نزدیك تخت برد. درهمان وقت که رضاشاه کلاه‌وجقه نادری‌را از سربرمیداشت حاج‌آقا جمال اصفهانی، برای بقای سلطنت شاه دعا خواند. شاه دراین هنگام کلاه وجقه را برئیس تشریفات داد وتاج پهلوی رابا دست خود برداشته بر سر گذاشت.

در این هنگام حضار شروع بکف‌زدن و ابراز احساسات کردند و در میدان مشق بیست‌ویك تیر شلیك شد. سپس وزیر جنگ شمشیر جهانگشای نادری را پیش‌آورد، رضا شاه شمشیر خودرا بازکرده برئیس تشریفات داد و شمشیر نادری را گرفت وبکمر خود بست.

وقتی تشریفات گذاشتن تاج و آویختن شمشیر نادری پایان یافت شاه خطابه کوتاهی از روی ورقه‌یی که تقدیم گردید بمضمون زیر قرائت کرد:

«دراین هنگام که مراسم تاجگذری خودرا بعمل می‌آورم لازم میدانم نیات خودرا در اجرای اصلاحات اساسی مملکت خاطرنشان عموم نمایم تا

بروز این نیات هم دستور جامعی برای دولت‌های من شناخته شود و هم عامه اهالی بمدلول آن آشنا باشند .

اولا توجه مخصوص من معطوف به حفظ اصول دیانت وتشیید مبانی آن بوده و بعدها نیز خواهد بود ، زیرا که یکی از وسایل مؤثر وحدت ملی وتقویت روح جامعه ایرانیت را تقویت کامل اساس دیانت میدانم .

ثانیاً ازآنجایی که با خواست خداوند متعال وتوجهات ائمه اطهار من همیشه کردار خودرا بر گفتار ترجیح داده‌ام و هر موفقیتی هم که در جریان اصلاحات مملکتی نصیب من شد است فقط از راه سعی و عمل بوده بدواً مایلم که کارکنان دولت و کلیه آحاد وافراد مملکت باین حقیقت کلی پی برده واین دستور اساسی را سرلوحه وظایف اولیه خود تشخیص دهند و همه بدانند که پیشرفت هیچ مقصود و انجام هیچ مرامی ممکن و میسر نخواهد شد مگر در سایه جدیت و کوشش .

دولت‌های شاهنشامی من باید قطعاً متذکر باشند که لزوم اجرای اصلاحات اساسی مملکت ازقبیل : توسعه قوای تأمینیه وبسط معارف و توجه مؤثر به حفظ‌الصحه عمومی و همچنین توجه جدی بترقی وضعیت اقتصادی وتکثیر ثروت عمومی و تکمیل وسایل نقلیه و بهبودی اوضاع فلاحت وتجارت اصلاح فوری و عاجل قوهٔ قضائیه رخصت هیچگونه تأمل ورخوتی را نداده باکمال فوریت وسایل اجرا یاصلاحات مزبوررا که تمام در درجه اول اهمیت است فراهم نمایند که نیات من همانطور که انتظار دارم بموقع اجرا گذاشته شود و مخصوصاً مقرر داشته‌ام که د رانتظار افتتاح دوره ششم مجلس شورای ملی موجبات و مقدمات اصلاحات مذکوره ازطرف دولت تهیه گردد .

عمال دولت باید سرمشق حسن عمل و صراحت اخلاق و استقامت‌رأی باشند وبکوشند تا مردم تندرست وتوانا ودانا وتوانگر شوند ووسایلی که مستلزم رفاهیت و آسایش حال عمومی است بر طبق انتظار من تمهید و میسر گردد» .

خطابه شاه درمیان کف‌زدن حضار پایان یافت . بلافاصله نخست‌وزیر تاج کیانی را که در دست داشت بدست معاون خود جم داد و خطابه‌یی را که تهیه کرده‌بود خواند و ضمن خطابه از طرف ملت ایران تاجگذاری رضاشاه را تبریك گفت ، بعداز نخست‌وزیر نمایندگان ایالات‌وولایات به‌حضور شاه تبریك عرض کردند ومراسم پایان یافت .

بعدازخاتمه مراسم تاجگـذاری اعلیحضرت رضاشاه درحالیکه تاج پهلوی را بر سر و شمشیر جهانگشای نادری را بر کمر داشت ، از تخت پایین آمد وبرای استراحت به تالار آینه که جنب تالار سلام است رفت . بلافاصله پشت سر رضاشاه ولیعهد از تالار خارج شد و بعد خدایارخان حامل درفش سلطنتی مرتضی‌خان ژنرال آجودان شاه و حاملان اثاثه سلطنتی بدنبال شاه از تالار خارج شدند . سپس حاملان اثاثه سلطنتی اشیائی را که دردست داشتند بمتصدیان موزه سلطنتی تحویل دادند و خودرا برای همراهی موکب شاهانه آماده ساختند .

مسیرموکب شاه بهنگام بازگشت از در الماسیه کاخ گلستان ، میدان سپه ، لاله‌زار ودروازه دولت بود . ساعت چهارونیم بعدازظهر مردمی‌که برای دیدن موکب رضاشاه در دوطرف مسیر ایستاده بودند ، با شنیدن صدای‌تیرهای توپها دانستند که انتظار آنان بپایان رسیده است .

موکب شاه بترتیب از کاخ گلستان خارج گردید :

آژان سوار ۲۰ نفر ، امنیه سوار ۲۰ نفر ، سواران عشایر وایلات ۳۵۰ نفر ، بهادران (سواران) گارد مخصوص ، محمد ولیخان آصف دولو رئیس فراشخانه سوار براسب وفراشها با لباسهای ملیله‌دوزی پیاده در دوطرف او ، رؤسای تشریفات داخلی و خارجی ، یساولهای سواره ، امیرسلیمانی رئیس کالسکه‌خانه سپس کالسکه سلطنتی‌که رضاشاه درآن نشسته بود حرکت می‌کرد سرتیپ مرتضی‌خان‌یزدان‌پناه کنارچرخ راست جلوکالسکه وسرتیپ‌حبیب‌الله‌خان

شیبانی رئیس ارکان حرب کنار چرخ چپ جلو کالسکه سلطنتی سوار براسب می‌آمدند .

بدنبال کالسکه به ترتیب : شاطرها ، امیرلشکر خدایارخان ، امیرلشکر احمدآقاخان ، سرهنگ کریم‌آقا بوذرجمهری کفیل بلدیه ، سمیعی حاکم‌تهران، سرهنگ محمد درگاهی رئیس نظمیه ، شش آجودان ، چراغعلی‌خان پهلوی ، امیرلشکر خزاعی وولیعهد حرکت می‌کردند .

پشت سر ولیعهد نیز به ترتیب چهارآجودان ، رئیس‌الوزراء و وزیر دربار و سایر همراهان وبهادران گارد مخصوص می‌آمدند .

موکب‌شاه درمیان هلهله وهورای مردم از مقابل عمارت بلدیه گذشته بطرف دروازه دولت رفت ، بیرون دروازه دولت کالسکه سلطنتی توقف کرد واعلیحضرت از آن پیاده شده تاج پهلوی و شمشیر نادری و شنل مروارید دوزی را به رئیس سرایدارخانه سلطنتی داده خود باتفاق ولیعهد با اتومبیل بکاخ سعدآباد رفتند .

آیین تاجگذاری اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح در کاخ گلستان

بزرگترین وباشکوه‌ترین آیین تاریخی شاهنشاهی ایران که همزمان با تألیف این کتاب در کاخ گلستان برگزار گردید . تاجگذاری اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران وعلیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران بود .

بی‌گمان تالار سلام که اینك «تالار تاجگذاری» نامیده میشود از هنگام احداث خود تا این روز چنین آیین پرشکوه ومجلل وزیبا و پرابهتی را بخود ندیده بود وجای بسی خوشوقتی وافتخار است که این فرصت بدست آمدکه چگونگی جریان تاجگذاری وتفصیل مراسم باشکوه این‌آیین‌شاهنشاهی ایران را در دنبالهٔ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه بزرگ در تاریخچه کاخ گلستان نقل وضبط نماییم .

ماه‌ها پیش از فرارسیدن روز فرخنده چهارم آبان تالار سلام که برای برگزاری تاجگذاری در نظر گرفته شده بود ، برای انجام یك رشته تعمیرات وتغییرات موردآزمایش قرارگرفت وچون‌آثار سستی‌وخرابی‌وپوسیدگی‌درآن مشاهده‌شد، متوجه‌گردیدندکه‌اگردست به‌تعمیرات‌اساسی‌نزنند چیزی‌نخواهد گذشت که این تالار مجلل و زیبا درهم فرو خواهد ریخت ، زیرا تمام ساختمان از خشت وچوب و خاك و آجر ساخته شده ومرور ایام بنیان آنرا سست و متزلزل ساخته بود .

برای حفظ بنا از خرابی ، احتیاج بمهندسان ومعمارانی بودکه معماری جدید را با قالب قدیم بتوانند تلفیق نمایند ، خوشبختانه با کوشش کمیته تاجگذاری این امکانات فراهم گردید واستادکاران هنرهای قدیمی از اطراف واکناف کشوربرای مرمت این‌کاخ جمع‌آوری شدند وباین ترتیب برای‌تزئین کاخ بطوری که شایسته تاجگذاری باشد از بهترین متخصصین فن استفاده بعمل آمد .

درنمای کاخ کاشی‌های شکسته وریخته تماماً بطرز جالبی مرمت‌گردید ونمای کاخ مثل روزهای نخست تازه و نو جلوه‌گر شد ، پله‌های سرسرا که سابقاً به ارتفاع ۲۱ سانتیمتر بود ، در تعمیرات اخیر به ۱۶ سانتیمتر تقلیل داده شد تا رفت‌وآمد ازروی آنها بسهولت انجام گیرد .

کف پله‌ها که بیست سانتیمتر بود تعویض شده پلکان‌ها و سرسرا با فرشی از سنگ مرمر بسیار زیبا ، مفروش گردید .

نرده‌های اطراف پلکان که اکثراً خرد شده بود بشکل اولیه مرمت گردیده ونرده‌های ریخته دوباره کارگذاشته شد .

راهروتالار سابقاً بسیار تنگ بود بطوریکه با اشکال دونفرمیتوانستند ازآن بگذرند ولی اینك این راهرو تعویض گردیده واطاق معروف به‌کتابخانه سرسرای طبقه فوقانی ملحق گردیده است .

پنجره آهنی بد شکل ضلع شمالی اطاق کتابخانه بیك پنجره زیبای چوبی تبدیل شده و شبکه‌های آن با شیشه‌های رنگارنگ با نقشی دلپذیربطرز قدیم تزئین یافته است .

گچ‌بریهای سرسرا که سابقاً فاقد ارزش هنری بود تعویض‌شد وروی ستونها ودیوارها با گچ‌بریهای بسیار زیبا و آینه کاریهای جالب تزئین گردید.

روی طاق حوضخانه‌های پایین‌که کف تالار سلام را تشکیل میداد ، طاقهای ضربی نهاده بود ولی بعوض آنکه با طاقهای کوچك ضربی (کپول) همواریی کف تالاررا ایجاد نمایند روی طاق ضربی را ، طاقهای تیغه‌یی زده

ومیان این طاقها را با گل و آهك وچوب پر کرده وسطح تالار را بوجود آورده بودند اما مرور ایام باعث پوسیدگی چوبها وتیرها شده و استحکام آن بکلی از بین رفته بود وبرای آنکه سقف حوضخانه پائین نیاید چهارستون سنگی که حکم «شمع» را داشت درحوضخانه نصب کرده بودند .

پشت بام ساختمانهای قدیم طبق معمول با اندودی از کاه گل پوشیده میشد ، کاخ گلستان نیز بام کاه گلی داشت ولی بعدها برای جلوگیری ازنفوذ باران وبرف روی این بام کاه گلی را شیروانی زده‌بودند .

نخستین اقدامی که صورت گرفت برداشتن چوبهای پوسیده وخاکهای اطراف طاق ضربی حوضخانه وپشت‌بام تالار بود که بحساب دقیق ۲۵۰۰ تن خاك ازپشت‌بام کاخ و سقف حوضخانه برداشته شد . مرحله دوم تعمیر ستونها وجرزهای بنا بود ، ابتدا برای آنکه بساختمان لطمه‌یی وارد نیاید با چوب‌بست هایی طاق‌نماهارا بسته وچوبهای پوسیده پایه‌ها و جرزها را درآوردند وبجای آن بتون مسلح ریختند .

پس‌ازآن‌کف تالاردربالای طاق‌ضربی‌بتون‌آرمه‌شد ، باچوب‌بست‌هایی طاقنامه‌های تالاررا نیزبستند وکلافهای چوبی را که برای گرفتن فشار سقف بین طاقنماهای تالارنصب شده بود بیرون کشیدند و برای حفظ طاقنماها روی قوسها را کلاف‌بندی کردند ودر قسمت پشت‌بام نیز تمام کپولها کلاف‌بندی گردید وهنگامی‌که ساختمان اصلی کاخ با بتون آرمه‌یی‌که از داخل جرزها بعمل آمد استوار گردید شمع‌های سنگی حوضخانه برداشته شد .

طبق اظهارنظر کارشناسان و مهندسان اگراین تعمیرات درکف وسقف تالار سلام انجام نمی‌گرفت تالار مزبور تحمل وزن نزدیك بهزار نفر را که در روز تاج‌گذاری اجتماع کرده بودند نداشت .

درتعمیر کاخ گلستان تغییراتی در شکل اطاقها و تالارها داده شد که در زیبائی داخل بنا بسیار مؤثر افتاد ودر عین حال بشکل وترکیب قدیمی آن نیز بهیچ‌وجه لطمه‌یی وارد نشد .

در داخل تالار سلام نیز دیوار و قفسه‌هایی که در داخل غرفه های طرفین تالار بود برداشته شد با این عمل تالار وسعت وزیبایی خاصی پیداکرد. کف تالار کاخ گلستان ازکاشی مفروش بود اما این کاشی‌ها بطور کلی خرد شده بشکل زننده‌یی درآمده بود. چند استاد کاشی ساز کاشیهایی بهمان طرح ورنگ ساخته با استفاده از کاشیهای سالم کف تالاررا مجددا بهمان شکل اول باز گرداندند.

کف سفره‌خانه یا تالار عاج که قرینه تالار سلام است و گچ و خاك بود با پوشش چوبی بسیار زیبائی مفروش شد. کاسه سقف دراطراف محلی‌که چلچراغ آویزانست با نقوش بسیار زیبائی گچ‌بری وآینه‌کاری گردید.

کسانیکه تالار تاجگذاری را قبل از تعمیر وتغییرات اخیر دیده بودند وقتی باتغییرات شگرف وآینه‌کاریها وتوسعه‌آن روبروگردیدند غرق دراعجاب وتحسین شدند.

در صدر شاه‌نشین تالار برروی سکوهائی که بقدر سه‌پله کوتاه از اطراف خود بلندتر بوده وبوسیله فرشهایی برنگ طوسی پوشیده شده بود، در وسط تخت زرین و جواهرنشان معروف به تخت نادری و در دوسوی آن یك پله پایین‌تر صندلیهای مخصوص علیاحضرت شهبانو ووالاحضرت ولیعهد نهاده شده بود.

فرش عریض وسرخ‌رنگی از زیر وجلو تخت نادری تمام طول تالار را زینت داده واز جلو در بزرگ تالار تا محل توقف کالسکه‌های سلطنتی درمیدان ارك گسترده شده بود.

ازساعت هشت صبح مدعوین بکاخ‌گلستان شروع بحضور در مراسم نمودند، مدعوین بتالار تاجگذاری که گنجایش عده محدودی را داشت از یك طرف و مدعوین به حیاط گلستان و تخت مرمر از راه دیگری راهنمائی می‌شدند و در ساعت نه‌ونیم صبح تمام مدعوین در جایگاه‌های خود مستقر شده بودند.

در حیاط تخت مرمر و گلستان جایگاه‌هایی برای اقامت مدعوین ترتیب داده شده بود ودر داخل تالار نیز دوطرف طبقه‌بندی وشماره‌بندی شده وبترتیب زیر تقسیم گردیده بود .

در جایگاه شماره یك که در سمت راست تخت نادری قرار داشت . خاندان جلیل سلطنت مرکب ازوالاحضرت شاهدخت شهناز وشاهدخت فرحناز پهلوی وسپس والاحضرت شاهدختها وهمسران آنها و والاحضرت شاهپورها باهمسران‌خود ومادر گرامی‌علیاحضرت‌شهبانو وفرزندان شاهدختها وشاهپورها وسایر اعضاء خاندان سلطنت منتسب به‌شاهنشاه وشهبانو قرار داشتند . درهمین جایگاه والاحضرت کریم آقاخان وبیگم آقاخان محلاتی وصدرالدین محلاتی نیز حضور داشتند .

جایگاه شماره دو در سمت چپ تخت مخصوص نمایندگان سیاسی و خارجی بود که همه با بانوانشان در آنجا قرار داشتند و بلافاصله رؤسای سنا و مجلس شورای ملی مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در جایگاه شماره ٤ هیئت رئیسه دومجلس و چندتن از نخست‌وزیران پیش با بانوان خود و بعضی شخصیت‌های خارجی وشاهزادگان که بدعوت شاهنشاه آریامهر به‌ایران آمده بودند درهمین جایگاه در ردیف‌اول جای داشتند جایگاه شماره ۳ سمت راست اختصاص به جناب آقای هویدا نخست‌وزیر و هیئت دولت و معاونان کل و شخصیت‌های دولتی و رؤسای مؤسسات ملی داشت و سایر مدعوین در جایگاه‌های شماره ٥ و ٦ راست وچپ تالار که درپنج ردیف صندلیهای کوتاه وبلند نمره‌بندی شده بود قرارگرفته بودند .

ارکستر نیز در جایگاه شماره ٦ قرار داشت که برای اجرای سرود تاجگذاری ونوای مخصوص شاهنشاهی آماده بودند .

ساعت ده‌وده‌دقیقه بود که کالسکه‌های سلطنتی حامل اعلیحضرتین ووالاحضرت ولایتعهد از کاخ مرمر در امتداد خیابان های سپه وناصرخسرو به‌سوی کاخ گلستان حرکت کرد .

کالسکه سلطنتی را هشت اسب سفید حرکت میداد واسواران آنرا به آرامی اسکورت می‌کردند .

بفاصله کمی کالسکه والاحضرت همایون ولایتعهد رهسپار کاخ گلستان بود شاهنشاه لباس رسمی فرماندهی برتن داشتند و کلاه پهلوی ملیله‌دوزی بر سر نهاده بودند لباس علیاحضرت شهبانو از ساتن سفید ساده و با شکوه بود والاحضرت ولیعهد نیز ملبس به انیفورم دانشجویان دانشکده افسری بودند .

موکب شاهانه در خیابانها از میان موج ابراز احساسات هزاران هزار مردم پایتخت گذشت و در ساعت ده وچهل دقیقه از در شمالی وارد کاخ گلستان شد .

درساعت ده‌وچهل دقیقه درفش شاهنشاهی و درفش ایران توسط آجودان‌های مخصوص که‌درپیشاپیش آنها سپهبدعظیمی ژنرال آجودان شاهنشاه درحرکت بود ، بداخل تالار حمل گردید واین بمنزله اعلام تشریف‌فرمایی اعلیحضرتین بداخل تالارتاجگذاری بود .

ساعت ده وچهل‌ونه‌دقیقه والاحضرت رضا پهلوی ولیعهد ایران در حالیکه درپیشاپیش ایشان چندین آجودان کشوری ولشکری با قدم‌های آهسته درحرکت بودند قدم به تالار گذاشتند وبطرف صندلی مخصوص که در سمت چپ تخت نادری قرار داشت رفتند .

ساعت ده‌وپنجاه‌ودودقیقه علیاحضرت شهبانو باین ترتیب وارد تالار شدند :

آقای نبیل پیشکار علیاحضرت با دردست داشتن گرز مرصع درجلو بلافاصله تیمسار سپهبد جم شمشیر بدست پشت‌سر دوآجودان لشگری تیمساران سپهبد اسکندر آزموده و سرلشگر قره‌باغی شمشیربدست درطرفین‌وعلیاحضرت شهبانو دروسط آهسته قدم برمی‌داشتند . بانو لوئیزقطبی ، بانو دیبا ندیمه وشش دوشیزه افتخار پشت سر حرکت می‌کردند بعد بانو علم وبانو یزدان‌پناه وسپس آقایان امیرسلیمانی ، سیروس فرزانه ، ناصرمشیری ، عزت‌الله خردمند ،

ادیب هویدا قرار داشتند .

علیاحضرت با ابهت و شکوه تمام به طرف صندلی مخصوص رفته در برابر آن ایستادند .

ساعت ده‌وپنجاه‌وهفت دقیقه رئیس کل تشریفات دربار شاهنشاهی آقای دکتر لقمان ادهم درحالیکه گرز مرصعی دردست داشتند داخل تالار شدند پشت سر ایشان تیمسار ارتشبد آریانا رئیس ستاد ارتش شمشیر بدست بعد تیمسار ضرغامی ، تیمسار سپهبدخاتمی وتیمسار دریاسالاررسائی فرماندهان نیروهای زمینی و هوائی ودریایی شمشیربدست واردتالارشدند . پس‌ازآنان تیمسار نصیری ، تیمسار اویسی ، تیمسار مبصر ، رؤسای سازمان امنیت ، ژاندارمری ، شهربانی کل کشور ، شمشیر بدست با قدم های کوتاه و آهسته وارد تالار شدند بلافاصله شاهنشاه آریامهر ظاهر گردیدند که با حرکت دادن سر نسبت به حضار ابراز محبت می‌فرمودند .

پشت‌سر شاهنشاه تیمسار سپهبد کمال ، تیمسار سپهبد فاضلی ، تیمسار سپهبد کاتوزیان ، تیمسار سپهبد روحانی ، تیمسار سپهبد ضرغامی ، تیمسار سپهبد بهاروند ، تیمسار سپهبد اعزازی ، تیمسار سپهبد طوفانیان ، تیمسار دریابان‌کوروس شمشیر بدست با قدم‌های موزون وآهسته وارد تالار شدند وبسوی تخت‌نادری پیش رفتند .

پشت‌سر تیمسار سپهبد یزدان‌پناه رئیس شورایعالی تاجگذاری ، آقای علم وزیردربار شاهنشاهی آقای معینیان رئیس دفتر مخصوص وعده‌یی دیگر وارد شده به طرف شاه‌نشین تالار بحرکت درآمدند دراین موقع سرود تاجگذاری نواخته شد وسکوت سراسر تالار را فرا گرفت .

شاهنشاه سه دقیقه پس از تشریف‌فرمائی به تالار به مقابل تخت‌نادری رسیدند ودرحالیکه بانگ شیپورها آغاز مراسم تاجگذاری را اعلام میکردند بر روی تخت جلوس فرمودند .

دراینوقت حضرت آیت‌الله امام‌جمعه تهران و کسانیکه افتخار حمل

لوازم واثاثه سلطنتی را داشتند از محل مخصوصی بترتیب حرکت کردند ودر مقابل تخت سلطنتی دریك صف قرار گرفتند. کلام‌الله مجید وسیله سربازوظیفه سلطانعلی قلعه برخورداری و بقیه اثاثه سلطنتی بترتیب زیر تا مقابل تخت سلطنتی حمل گردید.

تاج پهلوی وسیله تیمسارسپهبد شفقت ، تاج علیاحضرت شهبانوتوسط سپهبد مین‌باشیان ، شمشیر شاهنشاه آریامهر توسط تیمسار سپهبد منیعی ، کمربند و عصا وشنل معظم‌له بترتیب بوسیله سرهنگ خسروداد ، ناوسروان ادیب‌نیا واستواریکم هوائی حبیب‌ارشدنژاد.

قرائت خطبه:

حضرت آیت‌الله امام‌جمعه تهران ازصف حاملین اثاثه سلطنتی یکقدم بجلو گذاشت وابتدا آیه‌یی از قرآن مجید تلاوت کرد و سپس خطبه‌تاجگذاری را باین شرح قرائت نمود:

تبارك‌الذی بیده‌الملك وهوعلی کل‌شیء قدیر.

نحمدك‌اللهم علی سلطانك‌العظیم و نشکرك علی احسانك‌العمیم و نصلی علی محمدالمتجلی علی سریرالسفارة العظمی والمتحلی بخاتم‌الرسالة العلیاء و علی خلیفته‌حامل‌لواءالولایة ، صاحب تاج‌الوصایه یعسوب‌الدین‌علی‌امیرالمومنین وعلی‌صفیته‌الصدیقه‌الطاهرةسیدةنساءالعالمین، وعلی احدعشرمن‌ولده‌هداةالخلق وولاة الامرالائمةالمعصومین سلام‌الله علیهم اجمعین.

ثم نسئلك یا من‌له مفاتیح غیب‌الجبروت وبیده ازمةالملك‌والملکوت ؛ ان تبارك علینا هذا الیوم‌الشریف وان تفیض من برکاته الجمة علی شعبنا و علی جمیع‌الامة وان تحرس‌اللهم حامی حوزةالاسلام ، الجاهد فی‌الدعوة الی السلم العالمی‌العالم ، ناشرالمذهب‌الجعفری ، باسط‌العدل‌الاجتماعی ، العادل‌الباذل ، جلالةالملك‌العادل محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر قارن‌الله‌سلطنته‌المزدهرة بالدولةالمهدویةالمنتظرة. اللهم یا ذالجلالة والعظمة والقدرة ، اید ملیکنا



شکل ۸۰ – تاجگذاری علیاحضرت شهبانو فرح بدست شاهنشاه آریامهر .



شکل ۸۱ – منظره‌ای از آیین تاجگذاری شاهنشاه آریامهر وشهبانو فرح درکاخ گلستان .

لاعلاء کلمه‌الدین وانصره فی اصلاح شئون المسلمین واجعله خلیفاللفوز المبین. اللهم اکف المسلمین حد نوائب الزمان و کف عنهم السوء والعدوان و انصر برحمتك الواسعة علی کافةالملل رایةالسلم والامان واجعل العدل الکامل قاضیاً علی جمیع الامم وروح التعاطف والتوادد فاشیا بین ابناءالبشر فی کل قطر وبلد برحمتك یا ذاالرحمة والکرم .

پس ازپایان قرائت خطبه شاهنشاه آریامهر بپا خواستند وکلام‌اللهمجید را بوسیدند وبردیده نهادند .

آنگاه شاهنشاه آریامهر کمربندخودرا بازفرمودند وکمربند مخصوص را بکمربستند . سپس شمشیر مخصوص توسط سپهبد منیعی تقدیم شد و شاهنشاه آنرا نیز حمایل فرمودند . شنل مخصوصی سلطنتی را آقای علم و تیمسار سپهبد یزدان‌پناه بدوش شاهنشاه انداختند .

ساعت ۱۱ و ۷ دقیقه شاهنشاه تاج را بر سر نهادند و بعد گرزسلطنتی را بدست گرفتند دراین هنگام بود که صدای شلیك صدویك توپ درفضای تهران طنین افکند وسلام شاهنشاهی نواخته شد . از گلدسته‌های مساجد بانگ تکبیربرخاست وناقوس های کلیساها ، سوت کارخانه‌هاوکشتی‌هاولکوموتیوها بصدا درآمد ونقاره‌چی ها آهنگ مخصوص باستانی را نواختند .

تاج گذاری شهبانو :

ساعت ۱۱ و ده دقیقه علیاحضرت شهبانو فرح در مقابل شاهنشاه آریامهر قرار گرفتند . ابتدا شنل علیاحضرت وسیله دوتن از ندیمه‌ها روی دوش معظم‌لها قرار گرفت آنگاه شاهنشاه آریامهر تاج مخصوص علیاحضرت را بدست گرفتند ودرحالیکه علیاحضرت شهبانو روی یك بالش آبی روشن زانو زده بودند شاهنشاه تاج را بر سر معظم‌لها نهادند .

آنگاه شاهنشاه دست شهبانورا گرفتند و علیاحضرت بپاخاستند و سپس درحالیکه دوشیزگان افتخار دنباله شنل زیبای معظم‌لهارا گرفته بودند

بمقابل صندلی مخصوص آمدند وجلوس فرمودند . وسپس مراسم ادای تهنیت بعمل آمد .

ابتدا آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر پیش‌آمد وبشرح زیر تهنیت گفت :

شاهنشاها !

دراین روز خجسته که به‌آیین باستانی تاج‌شاهنشاهی‌ازوجود همایونی زیب وزینت می‌یابد ، برای چاکر مایه بزرگترین افتخاراست که شکوهمندی آئین تاجگذاری شاهنشاه بزرگ وعزیز را که والاترین یادگار مراسم ملی و باستانی است به پیشگاه مبارك وعلیاحضرت شهبانوی ایران از جانب خود و هیئت وزیران وکارکنان دولت وفرد فرد ملت ایران تبریك وتهنیت عرض نماید.

شاهنشاها !

دراین روز فرخنده ملت ایران بشکرانه این همه افتخاراتی که از توجهات شاهنشاه آریامهر ، نصیبش گردیده یك چنین آیین بی‌نظیر وجشن و سروری را درسراسرکشور برپاداشته است‌که درآن روشنایی‌ها ودرخشندگیها از نوردیدگان و صفای قلب‌ها متجلی گشته‌است وبه یك‌چنین زینت معنوی این‌جشن بزرگ‌است که امروز فردفرد ملت ایران افتخار ومباهات می‌نماید واز جان وقلب فردفرد ملت ایران نیست ، بلکه تاریخ جهان گواه بارز این حقیقت است که موجودیت ایران بصورت تفکیك‌ناپذیر با سلطنت باستانی ما بهم پیوسته بوده و همین پیوند قلبی ناگسستنی است که درکشاکش دوران ضامن بقاء ودوام کشور وملت ایران بوده است . دوران شهریاری شاهنشاه آریامهر در دقیقترین وحساس‌ترین لحظات تاریخ کشور وحتی تاریخ جهان که نائره جنگ جهانی دوم سراسر گیتی را گرفته‌بود آغاز گردید ودر آن روزگاران پرصعوبت ومتلاطم که‌ازخاطره‌ها وتاریخ جهان هیچوقت محو نخواهد شد ، شاهنشاه عالیترین مظاهر فداکاری را برای ملت خود بمنصه ظهور رسانیدند

وبا عنایات خداوندی کشوررا از گزند حادثه‌ها نجات بخشیدند وپس ازتحکیم ثبات سیاسی ، ارتقاء اجتماعی واقتصادی کشوررا وجهه همت عالی خود قرار دادند وبا استقرارعدالت اجتماعی‌راه ورسم ترقی وتعالی‌ملت ایران را براساس آن اصول بنیان گزاری فرمودند ودراین موقع‌که در سراسر کشور یك‌چنین آئین بزرگ ملی برگزار میشودفردفرد ملت ایران درسایه رهبریهای شاهنشاه خود هرروز سعادتمندتر گشته وانوار رفاه درکانون خانواده‌ها درخشانتر گردیده است ، بشکرانه این مواهب بزرگ خداوند متعال را شکرگزاری‌کرده وسلامت شاهنشاه و شهبانوی خودرا از درگاه خداوندیش مسئلت دارد .

تبریك رئیس سنا :

بعد آقای مهندس شریف امامی ، رئیس سنا بشرح زیر بـه پیشگاه اعلیحضرتین تبریك گفت :

جشن فرخنده تاجگذاری اعلیحضرتین برای ملت ایران که سالها آرزومند درك چنین روز مسعودی بود عیدی تاریخی و مبارك و روز خجسته ومسرت‌بخش ونشاط انگیزاست زیرا پادشاهی تاج شاهی را بر تارك خود زینت می‌بخشد که قلوب ملتش آکنده از مهر حقیقی واعتقاد بدلسوزی وبشردوستی است وشهبانوی محبوبی تاجگذاری می‌کند که خیراندیشی ونیکوکاری ، پاکدلی و حسن خلق ، شایستگی و متانتش زبانزد خاص و عام است .

پادشاهی که درعرض بیست‌وشش سال سلطنت خود آنچنان تحولات عظیم وانقلاب اصیلی را بوجود آورده است که ملت ومملکت را بمدارج عالی ترقی رسانده است وبالنتیجه درتمام شئون کشوراصلاحات ودگرگونیهای فراوانی صورت گرفته است . امروز ملت ایران بپاس فداکاری‌ها و تلاشهای مداوم شاهنشاه دادگستر آنچه دردل دارد درطبق اخلاص میگذارد وبا غریو شادی بجشن وسرور می‌پردازد و با صدای «جاوید شاه» مراتب‌وفاداری‌وایمان واخلاص واقعی خودرا ظاهر می‌سازد .

اینك که بیاری خداوند یکتا افتخار درك چنین روز خجسته ومسعودی

نصیب ماگردیده است ، فرصت را غنیمت میشمارد وبایکدنیا خوشوقتی‌وشادی ازطرف خود وعموم نمایندگان سنا و نمایندگان قاطبه ملت ایران با تقدیم عالی‌ترین احساسات صدقانه ایـن جشن فرخنده و باشکوه را به پیشگاه اعلحضرتین از صمیم قلب تبریك وتهنیت عرض میکنم وازخداوند دوام عمر وبقاء سلطنت شاهنشاه آریامهروسلامت وسعادت‌شهبانوی محبوب‌ووالاحضرت ولایتعهد عظمی را که چشم وچراغ ونور دیدگان ملت ایران است مسئلت مینماید وازدرگاه اعلای پروردگار توانا خواستار است که سالیان دراز ملت ایران از پرتو وجود پربرکت وبا میمنت شاهنشاه آریامهر برخوردار وبهره‌مند شده و قرین شادی و شادکامی وموفقیت ورفاه و سعادت بیشتری باشد .

رئیس سنا درپایان عرض تبریك سپاس ملت ایران را که بتصویب قانونی مجلسین رسیده بود بمناسبت آیین‌فرخنده تاجگذاری به‌پیشگاه‌ملوکانه تقدیم نمود .

تهنیت رئیس مجلس شورایملی

سپس آقای مهندس عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورایملی باین شرح تهنیت گفت :

شاهنشاه آریامهرا !

دراین روز پیروز که به پیروی از آئین کهن و سنت باستانی ایران بتائید الهی اورنگ شاهنشاهی بزیور پیکر دلاور آن شاهنشاه بزرگ آراسته گشت وتاج کیانی از تارك تابناك آن فرزند برومند میهن وآن یادگار نامدار کورش وداریوش‌کبیر زیب وزینتی دیگر ورونق و شکوهی از سر گرفت خورشید اقبال بچهره آمـال دوستان تابید ودیده بخت دشمنان درشب تار محنت‌بارشان خوابید .

دراین روز خجسته که دلها در سینه ها ازمهر شاه میطپد چشمها از سیمای درخشان آن مظهر استقلال و عظمت ملی روشنی می گیرد ، لبهابشادمانی این جشن بزرگ میخندد ودهانها دعا وثنای آن شهریار توانا را از صمیم قلب

بر زبان میآورد ، روزی که‌نوری ازوجد وسرور قلوب افراد ملت‌را از خرد و کلان و شهری و روستایی و زن و مرد روشنی بخشیده‌است روزی که دریایی ازصفا و صمیمیت در سراسر کشور موج می‌زند و نسیم دل‌انگیزی از روشنی وداد ویکرنگی واتحاد از همه‌سو میوزد روزی که پیوند شاه ملت با اجرای یك سنت فرخنده باستانی که آرزوی دیرین ملت ایران‌بود استوارتر ونیرومندتر میشود شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران بشادکامی وپیروزی تاج شاهنشاهی بر سر مینهند .

ازپیشگاه مبارك اجازه میخواهد تا از جانب خود وهیئت رئیسه و نمایندگان مجلس و عموم افراد ملت ایران ، این مراسم باشکوه ملی را به پیشگاه مبارك آن پیشوای دادگستر و شهریار عدالت پرور وعلیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران ووالاحضرت همایون ولایتعهد وخاندان جلیل سلطنت و عموم افراد ملت ایران تبریك عرض کرده صمیمانه برای سلامت اعلیحضرتین و والاحضرت ولایتعهد دعا کند ، دعائی که عموم ایرانیان هم‌زبان با فرشتگان آسمان برای استجابت آن بدرگاه حضرت احدیت آمین خواهند گفت .

شاهنشاه زنده و پایدار بماند تا نهالی را که بدست پربرکت خود برای سعادت ملت خویش گشته است آنطورکه آرزو دارد و آرزو داریم بارور و برومند کند وبشمر برساند .

بعد آقای دکتر صورتگر استاد دانشگاه تهران قصیده تاجگذاری را بدین مضمون بعرض رسانید :

عالم آرا شد ز شاهنشاه تاج و گاه
آریامهر آن شه دریادل ایران پناه
گیتی افروز آفتاب دودمان پهلوی
نیك اندیش و نکو کردار شاه نیکخواه
داریوشی‌داد وبینش،کورشی‌رای وخرد
اردشیری فره و نوشیروانی دستگاه

ای زداد ودانش ومردی گرفته‌ازتوزیب
در جهان تاج شهنشاهی و سربازی کلاه

رفته دردوران توبیداد اندرخواب مرگ
زانکه بیداری‌بپاس کشورای فرزانه شاه

تا شده دانش زتو بر خاك ایران نورپاش
بر نشسته جهل از فرّ تو در روز سیاه

جزتو ای‌شاه بلنداخترکس‌ازشاهان‌ندید
با همه لشگر که‌داری‌دارد از دانش سپاه

بر زن و مرد یکسان پرتو مهر تو تافت
کت بداراد ایزد پاك از بد دوران نگاه

ای بسا غرنده روداکامدت زیر مهار
تا برویاند ز خاك خشك از هرسو گیاه

زانسوی کارون فراتر تا فراز هیرمند
کشور ازسعی تو آبادان و مردم در رفاه

ای‌زنه‌فرمانت‌صافی راه هرگون‌پیشرفت
وان سه‌فرمان نوین روشنگر آن شاهراه

کلك تو فرمان‌نویس‌وتیغ تو فرمانگزار
وآن دل داننده برآن ایزدی فرمان‌گواه

تا بخندد از پی نوروز مه اردیبهشت
تا بیاید پیش پیش ماه آبان مهر ماه

بخت توخندان وشهبانوی ایران‌شادکام
ایزد بیچون ولیعهد ترا پشت و پناه

سال هر سالی ببار آید ترا نخل مراد
روز هر روزی بیفزاید خدایت فرو جاه



شکل ۸۲ - تمثال مبارك اعلیحضرت محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران و والاحضرت همایون ولایتعهد.

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. ________ Book No. ________

Vol. ____________ Copy ____________

Accession No. ____________

تاج شاهنشاه و شهبانو جهان افروز باد
تا فروزانند برچرخ برین خورشید و ماه

دراین موقع آقای معینیان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاه آریامهر خطابه ملوکانه را تقدیم داشت و شاهنشاه آریامهر ، آنرا چنین قرائت فرمودند:

خداوند متعال را شکر گزارم که بمن امکان داده‌است درمقام‌شاهنشاه ایران خدمتی راکه در قدرت وتوانایی من است نسبت بکشور و ملت خودم انجام دهم وازدرگاه احدیتش مسئلت دارم مرا در آینده نیز مانند گذشته در ادامه این خدمت موفق بدارد وارشاد فرماید .

تنها هدف زندگی من ارتقاء روزافزون کشوروملت‌ایرانست وآرزویی بجز این که استقلال و حاکمیت این مملکت را حفظ کنم و ملت ایران را بپای مترقی‌ترین وسعادتمندترین جوامع برسانم و عظمت دیرینه این سرزمین و افتخارات تاریخی آنرا تجدید کنم ودراین راه درآینده نیز مانند گذشته حتی از بذل جان دریغ نخواهم داشت . دراین هنگام که تاج سلطنت‌کهنسال‌ترین شاهنشاهی ایران را بر سردارم وبرای نخستین بار درتاریخ شهبانوی ایران نیز تاج برسر نهاده است خودرا بیشتر از همیشه درکنار ملت عزیز ، شرافتمند و میهن‌پرست خویش احساس میکنم و آرزو دارم که همواره لطف وعنایت‌کامله الهی شامل حال ایشان و ملت باشد .

برای من بسیار باعث خوشوقتی و مباهات است که امروزه من و ملتم با پیوند ناگسستنی بیکدیگر پیوسته‌ایم ودست دردست هم در راهی‌که متضمن عظمت وترقی وسعادت ایران است پیش میرویم .

به روان پاك همه آنهایی که در طول هزاران سال با فداکاری و جانبازی خاص‌استقلال وحاکمیت شاهنشاهی ایران‌را حفظ کردند واین ودیعه گرانبها را بدست ما سپرده‌اند درود میفرستیم وازدرگاه قادر متعال مسئلت دارم همه مارا توفیق عنایت فرماید که به نوبه خود کشوری سربلندتر و ملتی مترقی‌تر وجامعه‌ای سعادتمندتر بدست آیندگان خویش بسپاریم وولیعهد مرا

نیز در مسئولیت خطیری که بعهده او نهاده شده است همواره یاری فرماید .

پس از بیانات شاهنشاه آریامهر والاحضرت شاهپورها هریك جلورفتند وبه اعلیحضرتین تبریك گفتند .

بازگشت موکب همایونی از کاخ گلستان به کاخ مرمر

پس ازپایان مراسم فرخنده تاجگذاری شاهنشاه آریامهر در حالیکه تاج پهلوی برسر داشتند و گرزسلطنتی بدست ، با عظمت وشکوه خاصی تخت سلطنتی را ترك فرمودند و همراه ملتزمین از تالار کاخ گلستان خارج شدند . چهره شاهنشاه را ابهتی خاص فرا گرفته بود وبا تبسمی شکوهمند باحترامات مدعوینی که درتالار ایستاده بودند بذل مرحمت میفرمودند. هنرمندان وزارت فرهنگ وهنر دراین هنگام آهنگ ملایمی مینواختند و دسته کر آواز میخواند . چند لحظه بعد علیاحضرت شهبانو درحالیکه دوشیزگان افتخار دنباله شنل معظم لها را گرفته بودند درتالار بحرکت درآمدند چهره مهربان شهبانو را زیبائی وجلالی بسیار شکوهمند فرا گرفته بود ، تاج زمردی بر سر شهبانو درخشش مخصوصی داشت .

بعداز علیاحضرت شهبانو والاحضرت ولایتعهد همراه ملتزمین تالاررا ترك فرمودند والاحضرت همایون ولایتعهد در تمام مدت برگزاری مراسم تاجگذاری بخوبی ازعهده تشریفات سنگین برآمدندوحرکات ورفتاروالاحضرت ولایتعهد از آغاز مراسم تا پایان بقدری موزون و موقر و عالی بود که همه مردم تحسین میکردند و زیرلب دعا مینمودند .

بعدازوالاحضرت ولایتعهد خاندان جلیل سلطنتی ودر پیشاپیش همه والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی در حالیکه دست والاحضرت شاهدخت فرحناز را در دست داشتند تالارموزه را ترك فرمودند .

مقارن ساعت ۱۲ شاهنشاه آریامهر درحالیکه تاج پهلوی بسر و گرز سلطنتی بدست داشتند به محوطه مقابل کاخ گلستان تشریف‌فرما شدند . پشت سر شاهنشاه علیاحضرت شهبانو وولیعهد با همان ترتیب که از تالار موزه‌خارج

شده بودند از میان مدعوین گذشتند .

دراین موقع پنجهزارنفر از مدعوینی که در جایگاه های چند طبقه محوطه باغ گلستان مستقر بودند بپا خاستند وبا کف زدنهای ممتد ادای احترام کردند دراین لحظه دسته کر سمفونیك هنرهای زیبا شروع بخواندن سرود مخصوص تاجگذاری کرد . علیاحضرت شهبانو فرح نیز با تشریفات خاص ودر حالی که تاج برسرداشتند بیست‌قدم دورتر از شاهنشاه آریامهر حرکت‌می‌کردند ووالاحضرت همایون ولایتعهد نیز بیست قدم بعداز شهبانو حرکت می‌کردند . درتمام مدتی که اعلیحضرتین ووالاحضرت ولایتعهد در مسیرمفروش ازفرشهای قرمزرنگ درداخل کاخ گلستان حرکت می‌نمودند حضار داخل و خارج ازکاخ گلستان مرتباً ابراز احساسات می‌کردند و یك لحظه هلهله وشادی مردم قطع نمیشد . در ساعت دوازده‌وده دقیقه اعلیحضرتین به در خروجی باغ کاخ گلستان رسیدند و چند لحظه‌ای نیز منتظر ولیعهد شدند . درتمام این مدت نبزکف زدن‌های ممتد مردم قطع نمیشد واعلیحضرتین با تکان‌دادن سر درحالیکه لبخند برلب داشتند باابراز احساسات مردم جواب میدادند . وقتی‌که والاحضرت ولایتعهد به شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو رسیدند ، اعلیحضرتین و والاحضرت ولایتعهد سوارکالسکه‌های سلطنتی‌شدند و درساعت دوازده‌وربع حرکت‌فرمودند. کالسکه‌های اعلیحضرتین ووالاحضرت‌ولیعهدبوسیله‌آجودانهای نظامی واسواران سوار و کالسکه‌چی‌های سواره وپیاده همراهی می‌شدند . کالسکه‌چی‌ها لباس قرمز بتن و کلاه سفید برسر داشتند و روی سینه آنان ملیله‌دوزی شده بود .

موکب مبارك همایونی پس ازطی مسیر خیابانهای داور ، باب همایون، میدان سپه ، فردوسی ، شاهرضا و پهلوی ، بکاخ مرمر بازگشت فرمودند .

آیین فرخنده تاجگذاری اعلیحضرتین با چنین شکوهی که نظیر آن درتاریخ جهان بی‌سابقه بود برگزار شد و ملت حق‌شناس ایران نیز ضمن ابراز شورانگیزترین احساسات خود به آمال دیرینه خویش نائل گردید .

تالار آینه

یا

«تالار گلستان جدید»

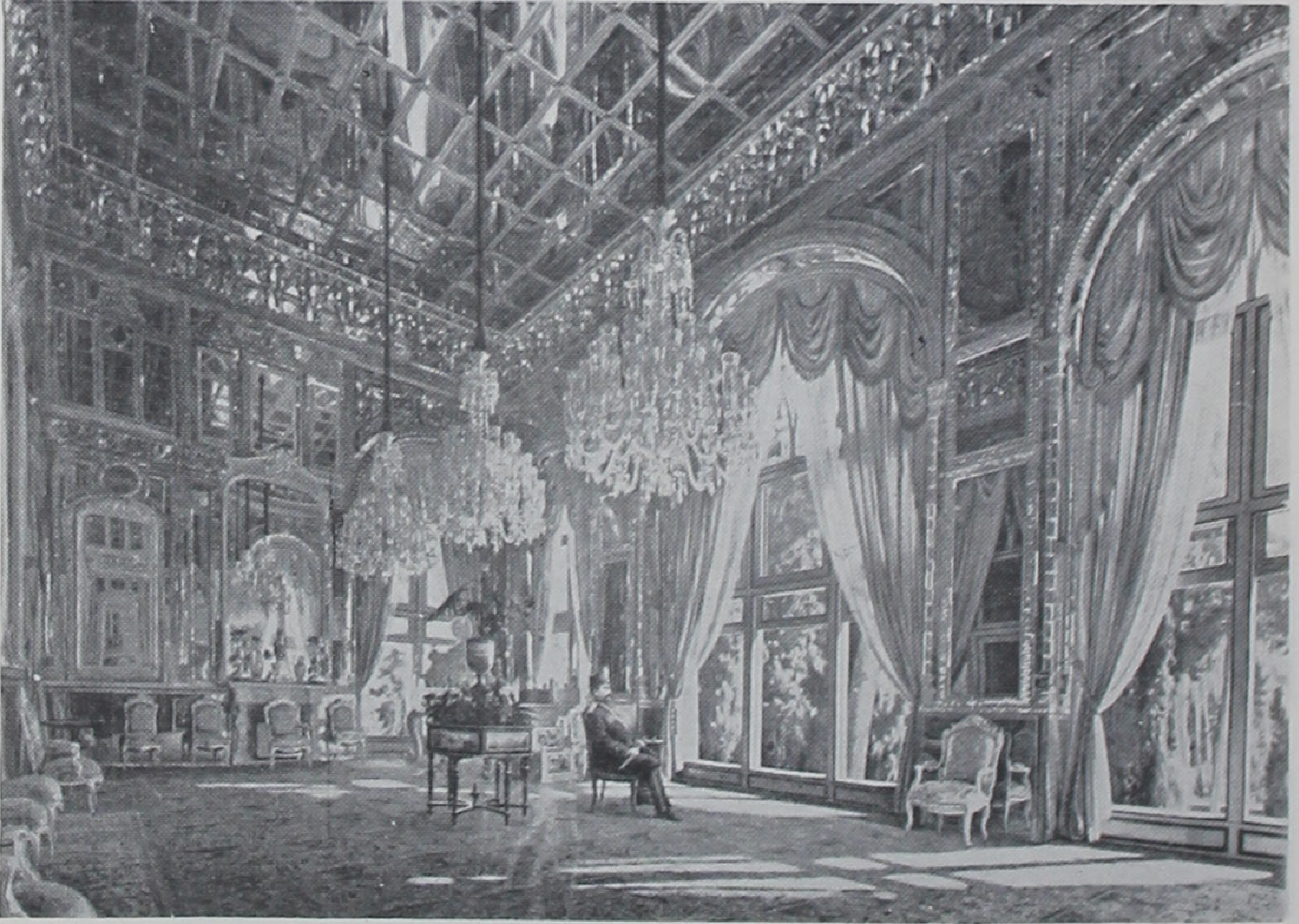
این تالار درغرب تالار سلام وچسبیده بآن ودربالای سردر وایوان سنگی جلو سرسرای کاخ قراردارد ویکی ازتالارهای مشهورکاخ گلستانست.

پیش‌ازآنکه این تالار ساخته شود درمحل آن کلاه فرنگی چهلستون چوبی قرار داشت که در سال ۱۲۶۹ ه. ق. ضمن تغییراتی که محمدتقی‌خان معمارباشـی باهتمام حاج علیخان حاجب‌الدوله در عمارات سلطنتی می‌دادند ساخته شده بود[1] وپیش ازآن نیز چنانکه در ضمن تاریخچه تالارموزه گفته شد بجای آن تالار یا عمارتی بنام «الماسیه» وجود داشت.

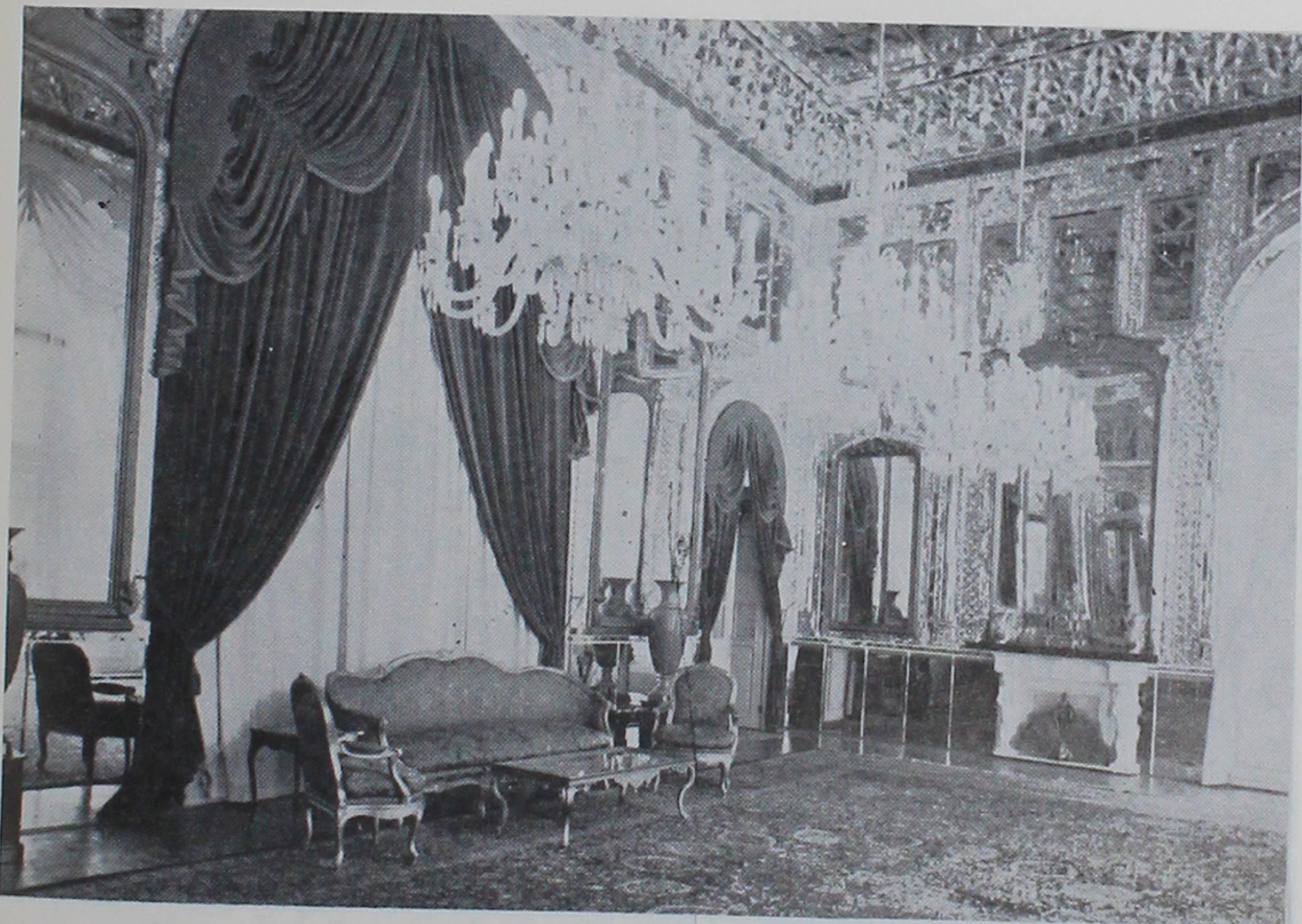
ازاین تالار سه دهنه ارسی ساده قوسی بزرگ که ارسی وسطی سه کشوی و دوتای دیگر دوکشوی است از سمت دیوار جنوبی رو بباغ و حوض بزرگ جلو ساختمان بازمیشود وبعلت پیش‌آمدگی سردر وایوان سنگی که قسمتی از تالار برروی آن قرار دارد، دوارسی دوکشوی هم رو بسمت شرق

---

۱ - وضع این‌کلاه فرنگی چهلستون چوبی‌که قبل ازبنای نارنجستان، محل‌گلخانه و تفرجگاه کاخ بود در تصویر آبرنگی‌که محمودخان ملك‌الشعراء بسال ۱۲۸۶ ه. ق. ازتالار عاج کشیده و در این‌کتاب بچاپ رسیده بخوبی پیداست و درجلو آن تخت بلوری‌که الکساندر اول امپراتور روس فرستاده بوده وتمام پایه‌ها واسبابش‌ازنقره خام بوده دیده میشود، این تخت ابتدا دروسط سکوی جلو حوضخانه عمارت بادگیر قرارداشته ولی سپس باین محل منتقل شده‌بوده است.



شکل ۸۳ - تابلو رنگ‌روغنی تالار آینه ، اثر میرزا محمدخان غفاری نقاشباشی (کمال‌الملک) .



شکل ۸٤ - تالار آینه دروضع اخیر خود .

وغرب بازمیشود وبا دو در و یک پنجرهٔ بزرگ هلالی ، به سرسرای کاخ مربوط میشود .

تالار آینه همزمان با تالار سلام (حدود سال ۱۲۹۱ هـ . ق) ساخته‌شده واصولا جزو بنای موزه جدید محسوب می‌گردیده است ودر آغاز انتقال‌اشیاء وآثار موزه قدیم بموزه جدید این تالار به «تخت طاووس» و «تاج کیانی» اختصاص داشت .

این تالار با آنکه چندان بزرگ نیست ولی بعلت موقعیت وزیبایی آینه‌کاریهای سقف ودیوارهایش شهرت فراوان یافته است .

طرح ومعماری تالار سلام وتالارآینه وسرسراها و حوضخانه‌های مربوط بآن بوسیله حاجی‌ابوالحسن ، معمارباشی[1] عهد ناصرالدین‌شاه ملقب به «صنیع‌الملك» انجام‌گرفته ومباشرت بنّایی آن با میرزا یحیی‌خان‌معتمدالملك[2] «وزیربنّایی» بوده است .

---

۱ - حاج ابوالحسن معمار نوایی ، ازجمله بنایانی بودکه ازحدود سال ۱۲۸۲ هـ . ق . زیردست محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه بعدی) درباغها وکاخهای سلطنتی کار میکردند و کم‌کم بعلت استعداد وحسن خدمت و طرح و ایجاد برخی بناهای جالب (ازجمله تالار سلام و تالار آینه) ترقی‌یافته درسال ۱۳۰۰ هـ . ق . معمارباشی دربار شد و سپس به لقب صنیع‌الملکی مفتخر گردیده ثروت وشهرتی بهم‌زد ، وی‌که بنّایی قابل و معماری ماهر بود درشب ۱۹ رجب سال ۱۳۰۶ هـ . ق . بمرض حصبه درسن شصت‌سالگی وفات یافت . باید توجه داشت‌که این شخص غیراز ابوالحسن خان صنیع‌الملك غفاری نقاشباشی وحاج حسینعلی صنیع‌الملك معمارکه بسال ۱۳۱۱ هـ . ق . وفات یافته وحاج حسن صنیع‌الدیوان معروف به‌حاج حسن معمار ، بانی مسجد حاج حسن در اول خیابان ارامنه (بوعلی) می‌باشد .

۲ - میرزا یحیی خان معتمدالملك‌که بعدها لقب مشیرالدوله یافت فرزند نبی‌خان یوزباشی قزوینی و برادر میرزا حسین خان سپهسالار بانی مسجد سپهسالار بوده و شرح حال اورا محمد جعفر حسینی ملقب به حقایق‌نگار خرموجی درمقدمه کتاب «التحفةالمعتمدیه» که درسال ۱۲۹۲ هـ . ق . هنگام حکمرانی معتمدالملك درفارس بنام او نوشته‌است ، آورده . نسخه خطی این کتاب درکتابخانه مجلس محفوظ است . میرزا یحیی‌خان چون چهارمین شوهر عزةالدوله خواهر ناصرالدین شاه بود ، ازاینرو در این قصیده داماد شاه نامیده شده‌است .

ساختمان تالار با آن که درحدود سال ۱۲۹۴ هـ . ق . پایان یافته بود ولی تزئینات وآینه‌کاریها وگچ‌بریهای آن تا سال ۱۲۹۹ هـ . ق . ادامه داشته است واین موضوع از رقم وماده تاریخ قصیده‌یی‌که در زیر گیلویی‌های‌مقرنس وآینه کاری تالار بقلم نستعلیق درشت بخط میرزا ابوالفضل ساوجی نوشته شده است معلوم میگردد[1] .

چون این قصیده متضمن بعضی فواید تاریخی است ازاینرو همه آن‌را دراینجا نقل میکنیم :

هوالله تعالی شانه‌العزیز بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

ای مهین قصر همیون که بتأیید اله
شدی آراسته از حکم همیون فر شاه

آفتاب از پی نظّاره‌ات ای کاخ بلند
در نخستین نظر انداخته از فرق کلاه

هرچه دراوج وحضیضت نگریستم دیدم
پایه بر ماهی افکنده‌یـی و سایه بماه

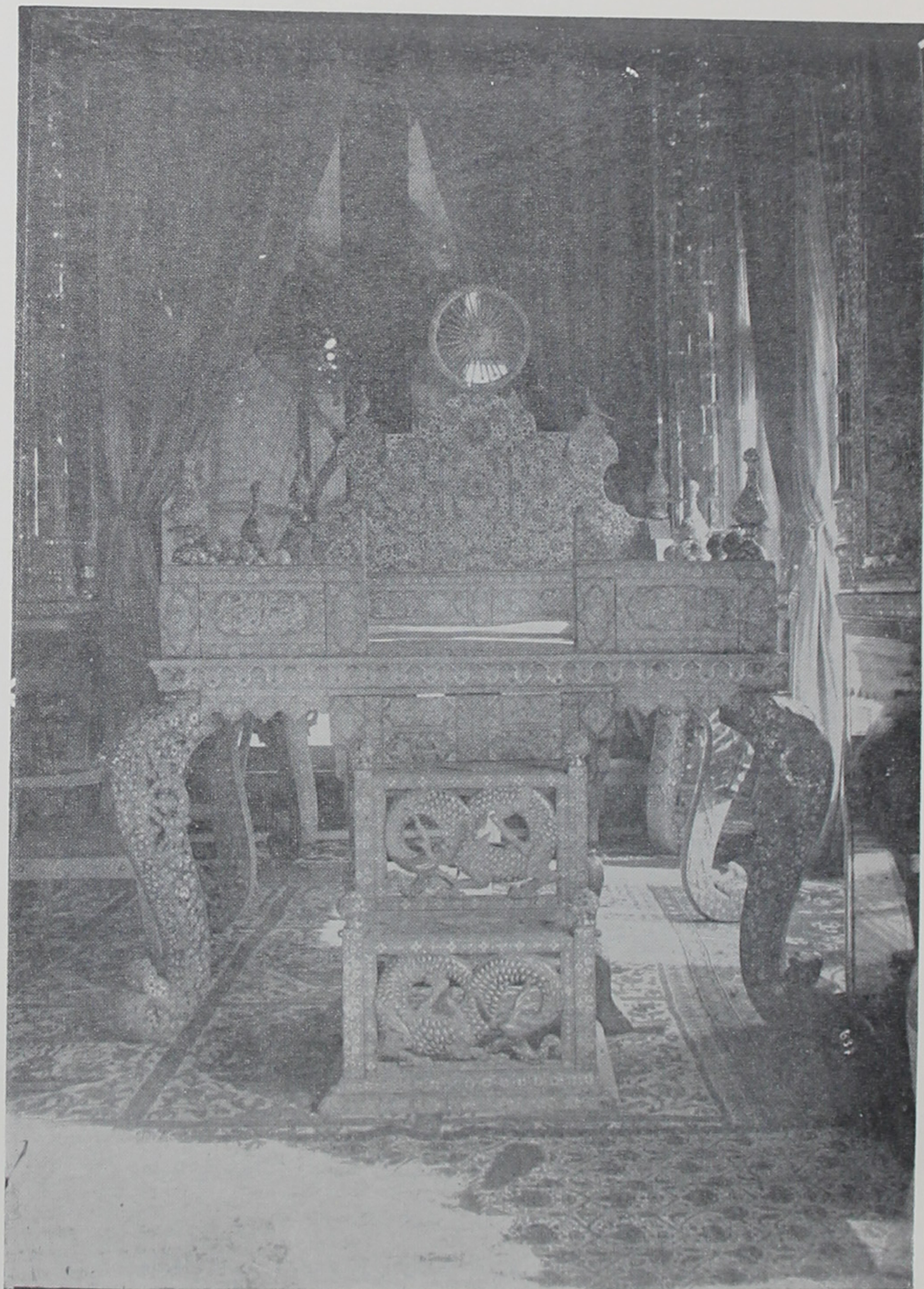
شمس اگر شمسه ایوان تو بیند گوید
بکسوف ابدی چهرهٔ من باد سیاه

غرفه‌ات گویی آورد ز جنت رضوان
بسکه جاریست دراطراف تو انهارومیاه

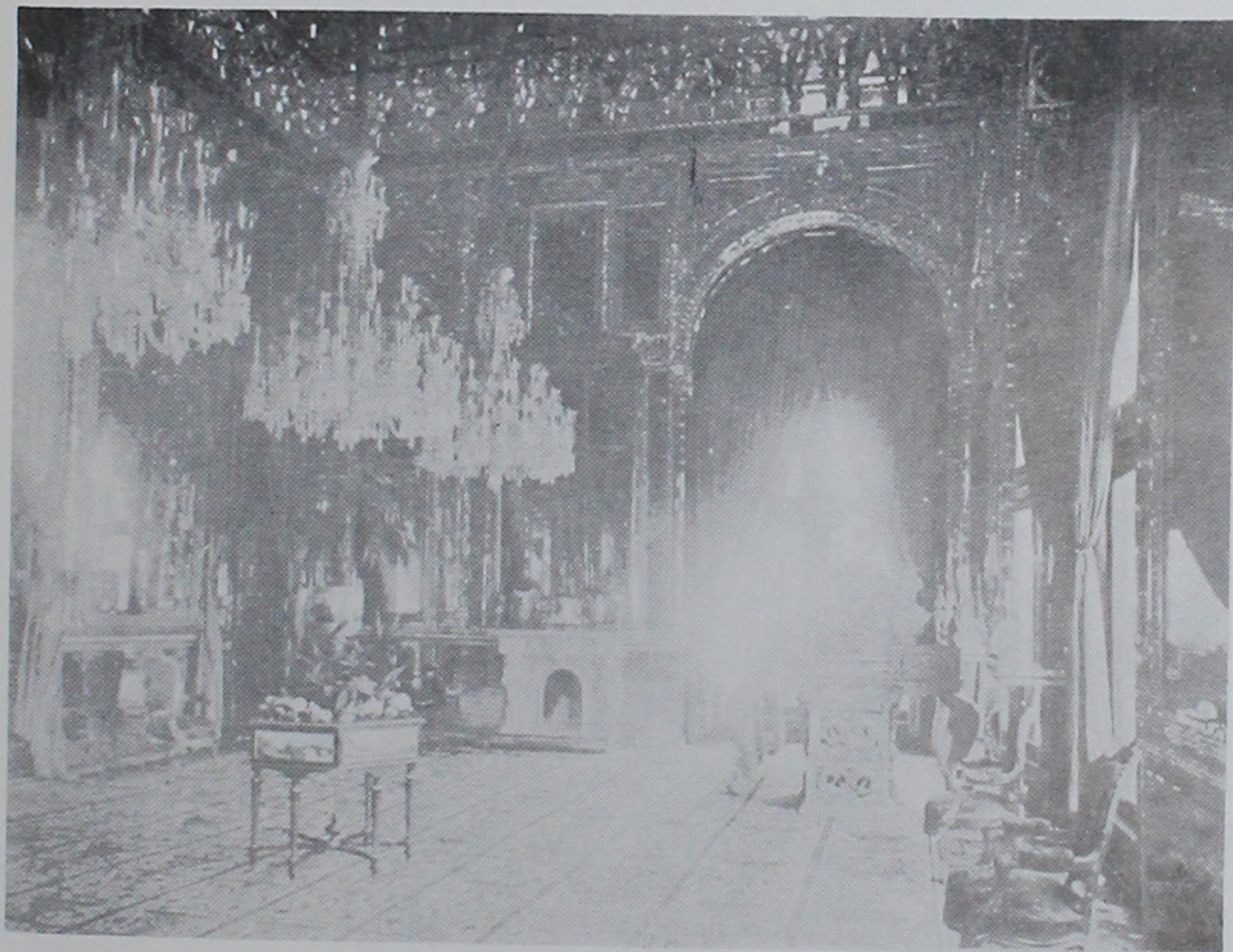
خلد بی سبزه وبی‌لاله ازاین بوالعجبی
کز تو جز زمرُّدویاقوت نرستست گیاه

---

۱ – مرحوم میرزا ابوالفضل ساوجی پدر دانشمند محترم آقای ذبیح بهروز و فرزند میرزا فضل‌الله ساوجی است ، اعتمادالسلطنه در الماثر والاثار درباره او می‌نویسد «هم طبیب و هم ادیب و هم خطاطی ماهر و هم شاعری قادر ، بسیاری ازکتیبه‌های سرای سلطنتی بخط وی پرداخته شده و اینک درمجلس تألیف نامه دانشوران ناصریست‌که امناء دولت قاهره بمن بندهٔ نگارنده سپرده‌اند» ص ۲۰۲ .



شکل ۸۵ – تخت طاووس درتالار آینه درعهد سلطنت ناصرالدین‌شاه .



شکل ۸۶ - تصویری ازوضع داخل تالار آینه در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه .

فلك اندود بام تو چو خواهد گیرد
کاهش ازکاه‌کشان ناوه‌اش ازیکشبه ماه

کاه وگل لایق بامت نشود ، ور باشد
ازگُل سوده گـِل ، ازپاره زرت پرگاه

در و دیوار تو آیینه پذیرفت از این
جای در تو کند خسرو اسکندر جاه

ابدالدّهر مکدر نشود آینه‌ات
که بعهدش نکشد سینه مظلومی آه

خازن اندرتو نهد افسر شاهنشاهی
تا سر پادشهان ساید در این درگاه

مخزن تاج شهنشاهی ، ای منظر خاص
موزه‌ات نام نهاده است خدیو آگـاه

خسروانرا چه رسد آیت فاخلع نعلیك
چو درین موزه نهد پای مبارك گه‌گاه

موزه کندند درین واد مقدس ملکان
تا که بر موزه او روزی ، سایند جناه

ناصرالدین شه سلطان سلاطین جهان
خسرو دوست نواز و ملك دشمن کاه

صدر این موزه کند تا ملك‌الملك قرار
نعل این موزه بسی پادشهانراست پناه

پادشاهان را با او چـه شباهت گیرد
آنکه او قیمت الماس شناسد ز شباه

سایه بار خدا اوست که چون ذات خدا
هم از امثال بری باشد و هم از اشباه

مه تا در پی خورشید گراید سزدش
گاه خورشید شهان خوانی و گاه ظل‌الله

ایزد یکتا آن داد بدو عزوجلال
که بتعظیم درش پشت فلك گشت دوتاه

مسند و گاه بنازد ز شهنشاهی او
گر بنازند شهنشاهان از مسند و گاه

دست وشمشیرش بحر گهر و اَبر دژم
بخت و اقبالش روی ظفر و پشت سپاه

فتح در لشکر منصورش یك چالشگر
بخت در کشور معمورش یك دولتخواه

بدن روشن او بیند در جوشن چین
یوسف‌مصری آنکس که ندیده‌است‌بچاه

جیش‌منصورش قرنی زده با نصرت‌وفتح
زهری رود الی ساحل عمّان خرگاه

با فر و با ظفر و بانصرت ، درقرن دویم
بلب جیحون خواهد زدن انشاءالله

سدّ گر از آهن و مس بسته‌شد، این اسکندر
از زروسیم بیأجوج فتن بندد راه

هر گناهی بسوی عفو پذیرنده شود
غیر عفوش که پذیرنده شود سوی گناه

آبرو هرکه جز از خاك دراو طلبد
بجز از نار سعیرش نبود باد افراه

همچو فردوس بنائی که بماند جاوید
دست بنّای فنا از دروبامش کوتاه

ز امر خاقان فلك مرتبه شد پَردَخته
گشت گسترده درو یکسره چینی دیباه
بغلامی که چهل مرحله از چاکریش
بگذشتست و قرین گشته بعشر پنجاه
حکم محکم شد تا سال بنا عرضه کند
زانکه تاریخ نکو، سال بنا راست گواه
خامه‌رضوان[1]کرد ازشاخهٔ طوبی‌ونوشت
«دُرِ دیهیم شهان بینم در موزه شاه»
(۱۲۹۹)

جفت این بیت مرصوص بماناد بعدل
طاق کسری را تا نام بود در افواه
سعیش از معتمدالملك ملك خواهد دید
چون درین موزه‌کند،گنبد فیروزه‌نگاه
غیرت مهرفلك صَهرملك خواهد بود
چون بهر کار بود معتمد شاهنشاه
راقمه‌ابوالفضل‌الساوجی

---

۱ - سراینده این قصیده سام میرزا شمس‌الشعرا فرزند محمد قلی میرزا ملك‌آرا فرزند فتحعلی شاه است . سام میرزا ازشعرای بزرگ دربار ناصرالدین شاه شمرده میشد و تهیه وخواندن قصاید سلام عام برعهده او بود و دراشعارش رضوان تخلص می‌کرد. وفات او روز سه‌شنبه یازده ذیقعده سال ۱۳۰۹ ه. ق. اتفاق افتاد. اعتمادالسلطنه در المآثر والاثار درباره او مینویسد: «نواب ارفع والاسام میرزا از افاضل دوران ودرشعر استاد سخنوران است. اطلاعات وتتبعات و مواد شعریه اورا هیچ‌کس ندارد، دراین فن شریف زحمتهاکشیده واین زمان هم همی درکاراست، همه سخن‌سنجان این عهد درحضرت این شاهزاده خاضعند و دربدیهیه و ارتجال از فحول رجال است، بعداز فوت میرزا محمد علی سروش اصفهانی‌که ازصنادید اساتید بود، تفویض لقب وشغل شمس‌الشعرایی بشاهزاده مشارالیه شد، ازآن وقت تاکنون مدیح‌گوئی و قصیده‌سرائی رسمی این دولت روزافزون درمجالس سلام عام با اوست و رضوان تخلص می‌کند» ص ۱۹۰ .

ناگفته نماند که درردیف حاشیه خطی تالار در داخل دوترنج کوچك در دیوارهای شرقی و غربی – این عبارات نیز خوانده میشود :

«در محرم سنه هزارودویست‌ونودونه باهتمام حاجی ابوالحسن بناء نوایی حسن انجام پذیرفت» .

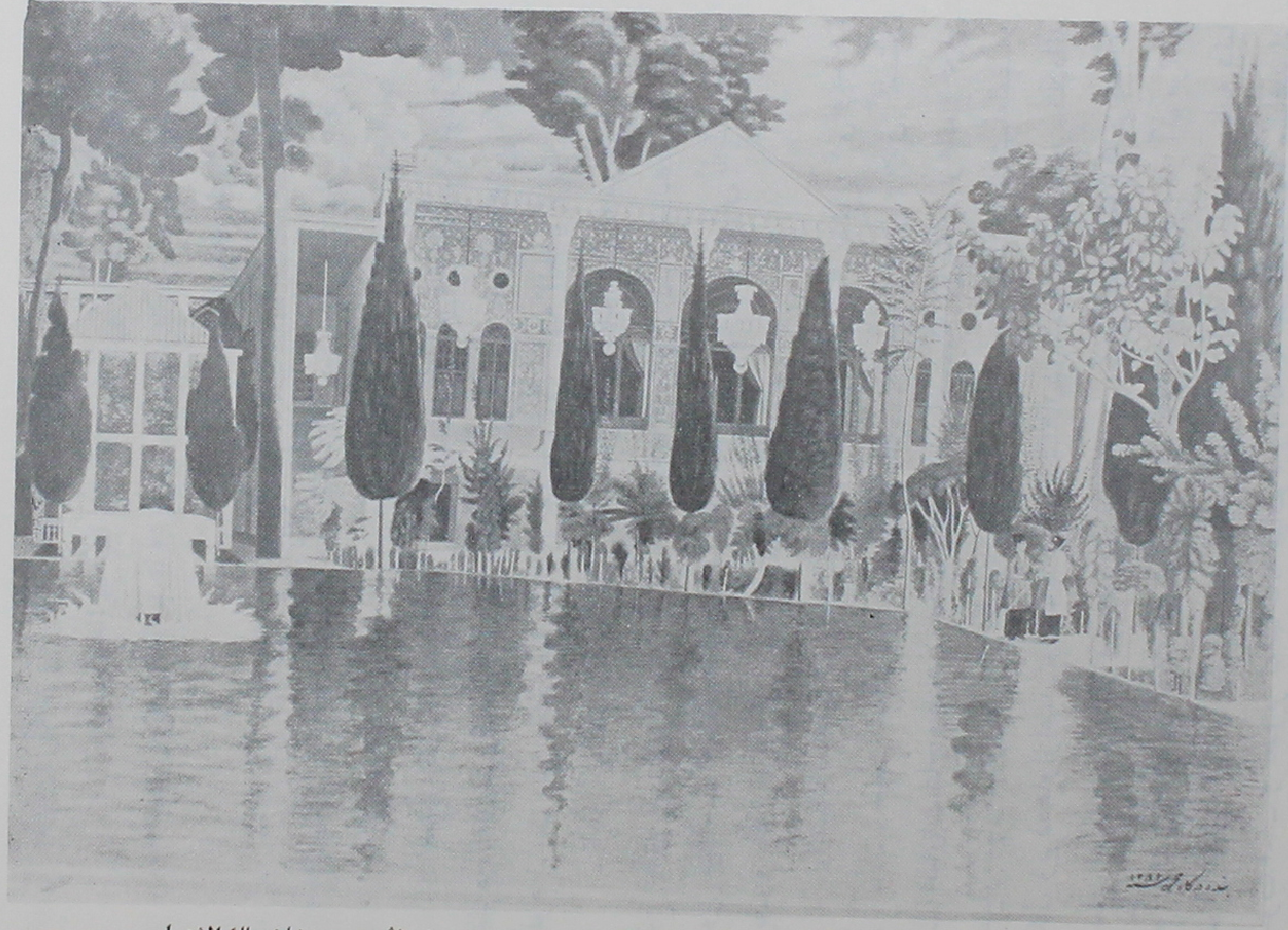
شهرت عمده تالار آینه علاوه بر موقع وتزیینات آن بیشتر بواسطهٔ تابلو رنگ روغنی معروفی است که مرحوم میرزا محمد خان کمال‌الملك‌غفاری بسال ۱۳۰۹ هـ . ق . از آن تهیه کرده واینك در کاخ گلستان محفوظاست . در همین تابلو در آن سوی تصویر ناصرالدین شاه که در جلو ارسی وسط ، بر روی صندلی نشسته است ، تصویر تخت طاووس درگوشه جنوب شرقی تالار بخوبی پیدا ست .

تالار عاج

بعداز تالار آینه ، تالار یا عمارت عاج قرار دارد کـه امروزه بنام «سفره‌خانه» معروفست . تاریخ ساختمان این تالار و حوضخانه زیر آن کاملاً معلوم نیست ولی محققاً قبل ازتالار سلام وتالار آینه انجام گرفته است .

تابلو آبرنگ بسیار زیبائی از محمودخان ملك‌الشعراء موجود است‌که وضع نمای بیرونی تالار را در سال ۱۲۸۶ هـ . ق . نشان میدهد واز روی تصویر پیداست‌که تالار دارای سه ارسی سه دری بزرگ وایوانی با شش ستون ظریف و یك راه پله از سمت مغرب بوده است .

اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران بسال ۱۲۹۶ هـ . ق . می‌نویسد :
« . . . . . سمت شمال این عمارت (منظور عمارت خروجی واطاق گلستان است) عمارات عاج وعمارت جدید نارنجستان است که در صفا و نزهت وخوبی بنابسیار بسیار ممتاز و بطرح فرنگی وایرانی ومخلوط بهم ساخته‌شده‌واز اشیاء نفیسه‌و اشکال و پرده‌هاواز اسباب و تحفه‌هایی که پادشاهان دوست‌هم عهد بهدیه‌فرستاده‌اند وازسایر اشیاء دولتی‌مملو ومخصوصاً چندتصویر مُزَیق (موزائیك) که ترجمه‌آن خاتم‌کاری باسنگهای الوان است که تصویر ابنیه قدیمه شهر رم در آن مرتسم است از قبیل کلیسای معروف به «سنت پیر» کـه از اول ابنیه معظمه دنیا محسوب است و تصویر تماشاخانه قیاصره رم که به سیرك موسوم میباشد از جمله هدایای پادشاه ذی‌جاه ایطالیاست که در سفر فرنگ باعلیحضرت همایون شاهنشاهی هدیه دادند و چندگلدان بسیار بزرگ از سنگ مُلَخیت که بدهنه



شکل ۸۷ – تابلو آبرنگ ازنمای بیرونی تالارعاج درسال ۱۳۸۶ هـ. ق. اثر محمودخان ملک‌الشعرا .



شکل ۸۸ – قسمتی از تالار عاج قبل‌از تغییرات آن .

فرنگ معروفست واز جمله جواهر نفیسه محسوب می‌شود. و چندین گلدان چینی بسیار بزرگ از هدایای اعلیحضرت امپراتور روس وچند تصویرازتصاویر سلاطین عظیم‌الشأن فرنگ من‌جمله پادشاه انگلستان و امپراتریس هندوستان که در سفر فرنگستان بطور یادگار خودشان باعلیحضرت شهریاری دادند و چندگلدان‌چینی‌کار «سور» وبعضی اشیاءدیگرازچینی‌سوریادگاردولت‌جمهوری فرانسه که آنها را نیز در سفر فرنگستان هدیه حضور همایون قرار دادند همه درتالار عاج است» .

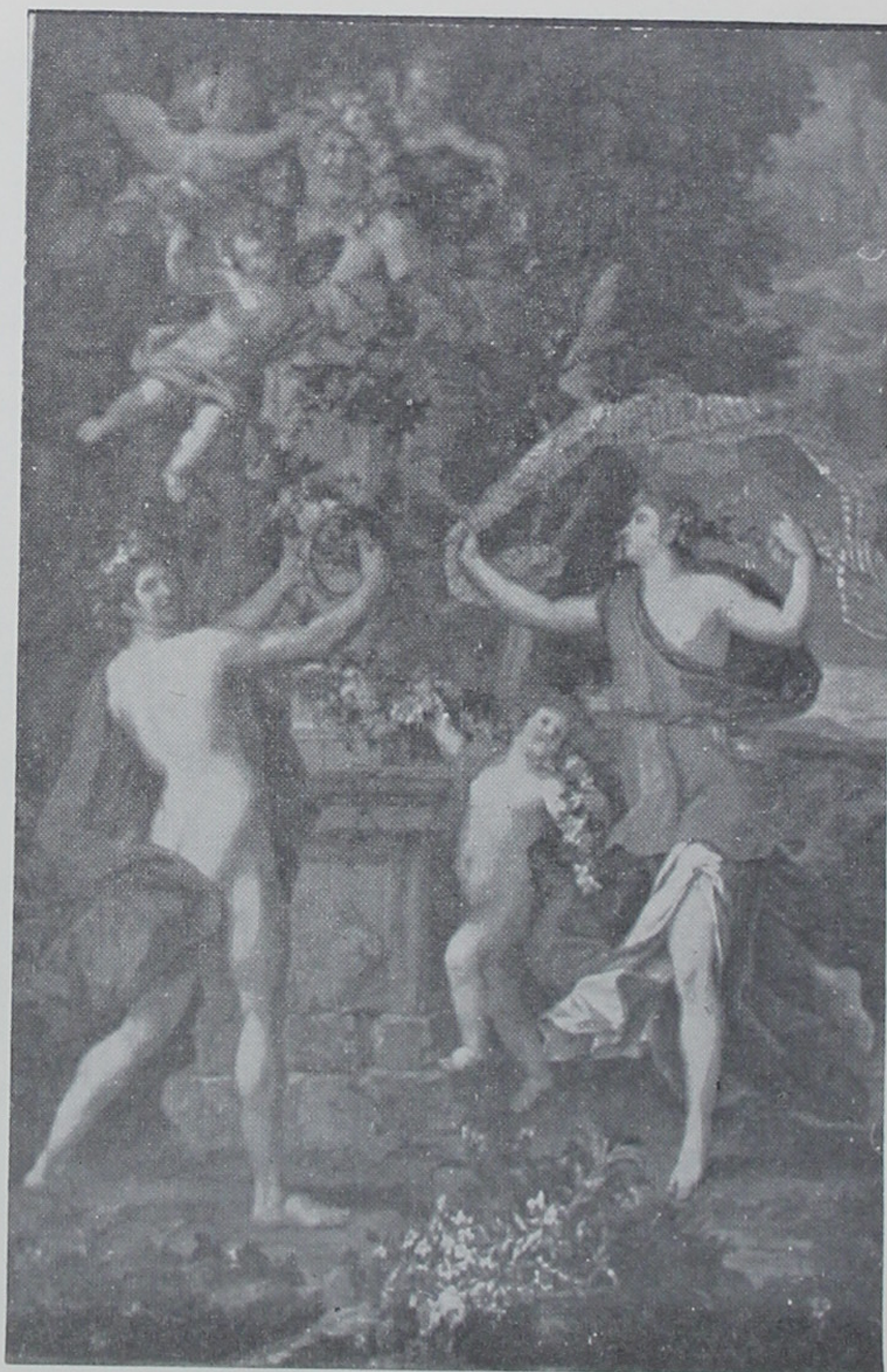
بعدها یعنی در همان سالهای سلطنت ناصرالدین شاه در وضع ظاهر بنای تالار عاج تغییراتی داده ایوان آنرا بداخل تالارانداخته نما و پنجره‌های آنرا هم‌سطح وقرینه با تالار سلام ساختند . اما امروزه‌وضع داخلی‌وتزئینات‌آن با آنچه که اعتمادالسلطنه توصیف کرده فرق دارد زیرا اکنون ازاین تالاربرای پذیراییها و چیدن میزهای عصرانه و ناهار وشام ومهمانیهای رسمی استفاده می‌شود وبدان سبب ازاشیاء وآثار آن کم کرده‌اند و فقط مقداری تابلو رنگ‌و روغنی از نقاشان اروپایی و دو قطعه گوبلن بسیار بزرگ در بالای بخاریهای دیواری تالارنصب شده و مقداری ظروف و گلدانهای چینی و فلزی قیمتی بر سر بخاریها وروی میزهای اطراف تالار دیده می‌شود .

گوبلن‌های مذکور از طرف لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه به محمدشاه پدر ناصرالدین‌شاه هدیه گردیده و هردو بافت «گوبلن» Gobline یکی‌از کارخانه‌های معروف پاریس‌است[1] .

دریکی از گوبلن‌ها مجلس تاجگذاری «فون» Faune رب‌النوع وحافظ مواشی وزراعت‌و دردیگری تاجگذاری «ونوس» Venus ربة‌النوع وجاهت و زیبایی نمایش داده شده است .

---

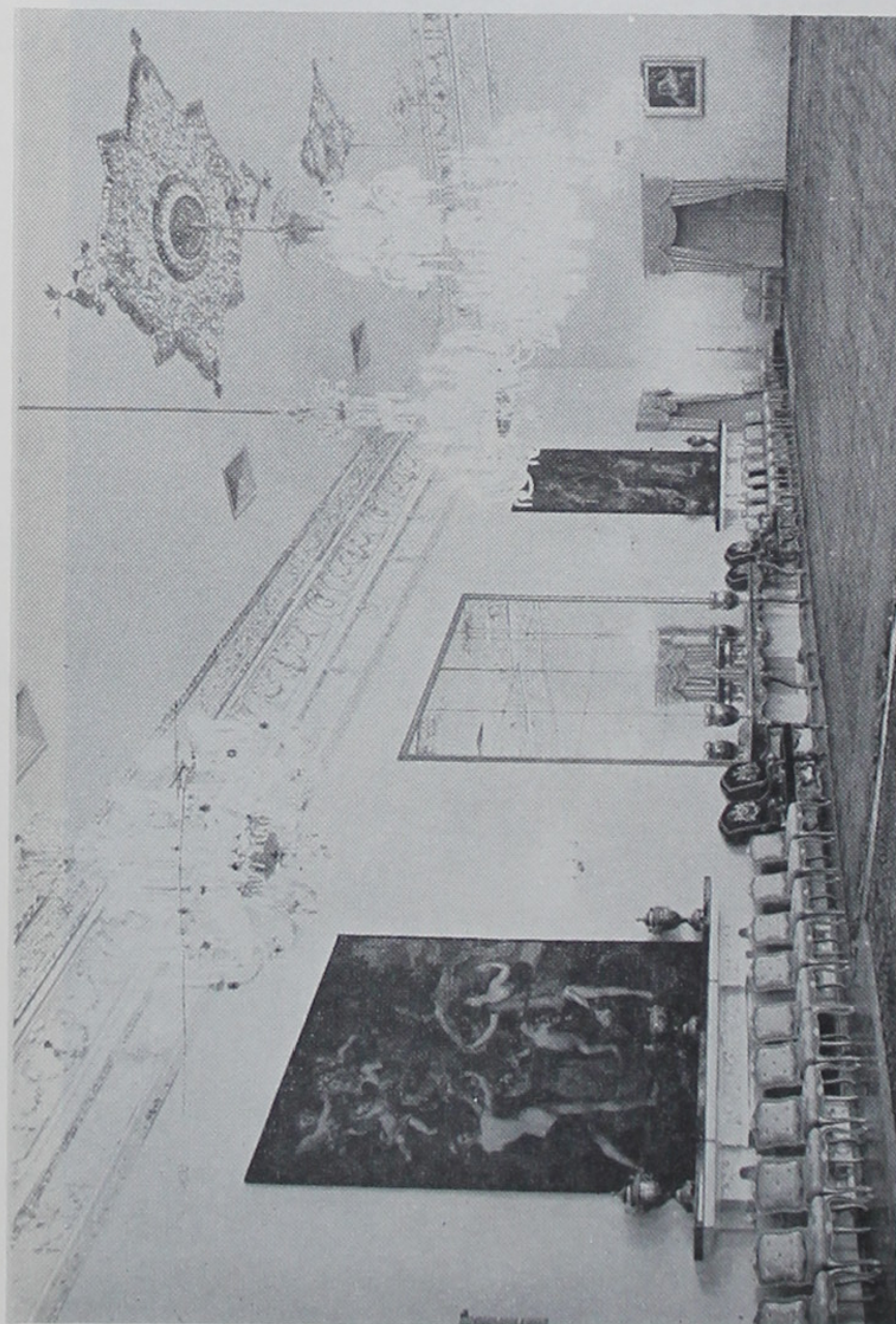
۱ – مرحوم‌دوستعلی خان معیرالممالك دریادداشتهای خودباشتباه‌گوبلن‌های مزبور راازهدایای ناپلئون به فتحعلی شاه نوشته‌است .



شکل **۸۹** – گوبلن تاج‌گذاری ونوس ، تالار عاج (سفره‌خانه) .



شکل ۹۰ - گوبلن تاج‌گذاری فون ، تالار عاج (سفره‌خانه) .

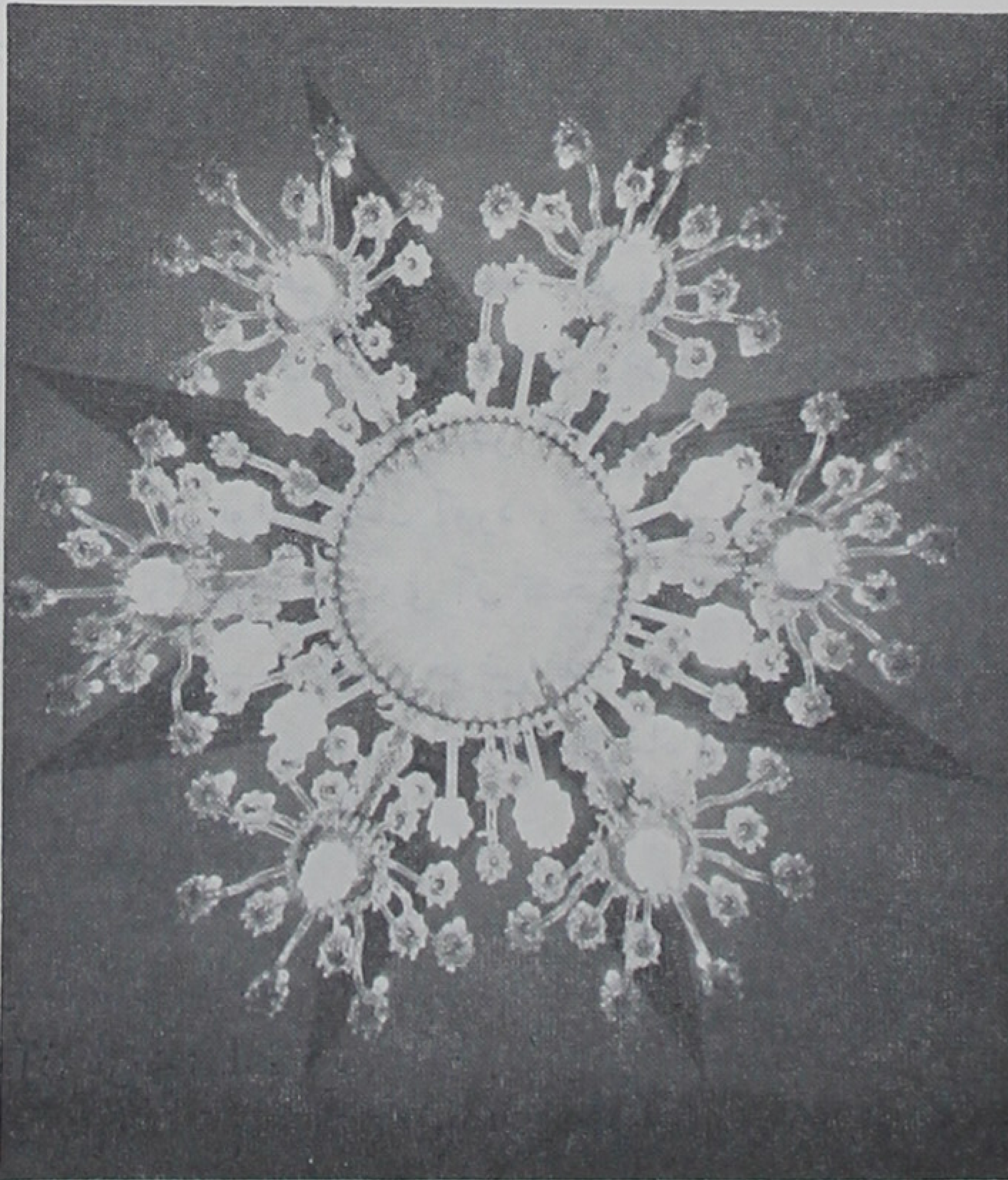


شکل ۹۱ – تالار عاج در وضع اخیر خود .



شکل ۹۲ - چلچراغ وسط تالار عاج (سفره‌خانه) .

دروسط دیوار شمالی تالار ، آینه بسیار بزرگی بدیوار نصب گردیده که شبهنگام در روشنایی چلچراغهای بزرگ وزیبایی که از سقف تالارآویخته شده‌است شکوه وجلوه خاصی به تالار میدهد .



شکل ۹۳ – زیر چلچراغ تالار عاج .

تالار برلیان

درسمت شرقی تالار عاج ، چند تالار واطاق زیبا با آینه‌کاریهای فراوان وچلچراغها و سربخاریها و پله‌ها وسرسراهای متعدد قرار گرفته که سطح کف آنها نسبت به کف تالار عاج وتالارهای دیگر پست‌ترست .

یکی ازاین تالارها بنام «تالار برلیان» و دیگری بنام «تالارتشریفات» معروفست .

چنانکه قبلاً هم اشاره شده است ، پیش از احداث تالار برلیان کاخ یا تالار بلور در جای آن قرار داشت . دربارهٔ تالار بلور که از بناهای دوران فتحعلی‌شاه شمرده می‌شد ، در کتابها و نوشته‌ها جز نام و اشاره‌ای مختصر ، مطلبی نمی‌توان بدست آورد . تصویری نیز ازآن بجای نمانده که طرح وشکل بنا را بتوان از روی آن تشخیص داد ، گویا بعلت داشتن آینه کاریهای فراوان یا بسبب نصب حوض بلور هشت ضلعی وچلچراغهایی که امپراتور روسیه الکساندر اول برای فتحعلی‌شاه فرستاده بود دراین تالار ، بنام «بلور» خوانده شد است .

تا آنجا که اطلاع داریم ، این تالار مسلماً تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری پابرجا بوده است زیرا اعتمادالسلطنه در نوشته‌های خود چندین‌بار بوجود این تالار در آن تاریخ اشاره کرده است .

درزمان ناصرالدین شاه که بعلت کهنگی و فرسودگی بناهای قدیم ارگ ، اغلب آنهارا ویران کرده بجایش ساختمانهای جدیدی می‌ساختند ، این

تالار را نیز خراب کرده ودر جایش تالاری بنام «تالار برلیان» بوجود آوردند ولی گویا کف تالار جدید را برروی پی‌های همان تالار بلور نهادند وبهمین علت هم نتوانستند کف آنرا باندازه کف سایر تالارها بالا ببرند.

چون بسال ۱۳۱۸ هـ . ق . درزمان سلطنت مظفرالدین شاه دربنیاد ساختمان تالار شکستی افتاده بود، در ساختمان آن تعمیرات فراوانی کرده بر تزیینات وشکوهش افزودند واین موضوع از مضمون اشعار کتیبه سنگی بیضی شکلی که در جبهه نمای تالار حك و نصب گردیده است بدست می‌آید.

دراین کتیبه که بخط نستعلیق وبطور برجسته نقر شده است چنین آمـده :

هو

بسم الله العلیم الحکیم

شه انجم‌حشم خاقان مغفور — که مهر ومه نمودش پاسبانی
بنا فرمود طالار بلوری — که صورت را نمودی بامعانی
شهنشاه فلك‌فر ناصرالدین — که میکرد آستانش آسمانی
بجنب او عمارت کرد کاخی — که نامش برلیان شد جاودانی
شکست‌افتاد در وی ازحوادث — که حادث راست آفات زمانی
مظفرالدین، شه عادل‌که نازد — بدو تخت جم و تاج کیانی
حکیم‌الملك[1] را فرمود تا او — کند تکرار کاخ خسروانی
چنان از نو عمارت کرد او را — کزاول نکوتر شد بار ثانی
پی تاریخ اتمامش که تا حشر — همی باقی بود چون نام بانی
فصیحی گفت: «جاویدان بماند — همایون طاق کاخ برلیانی»

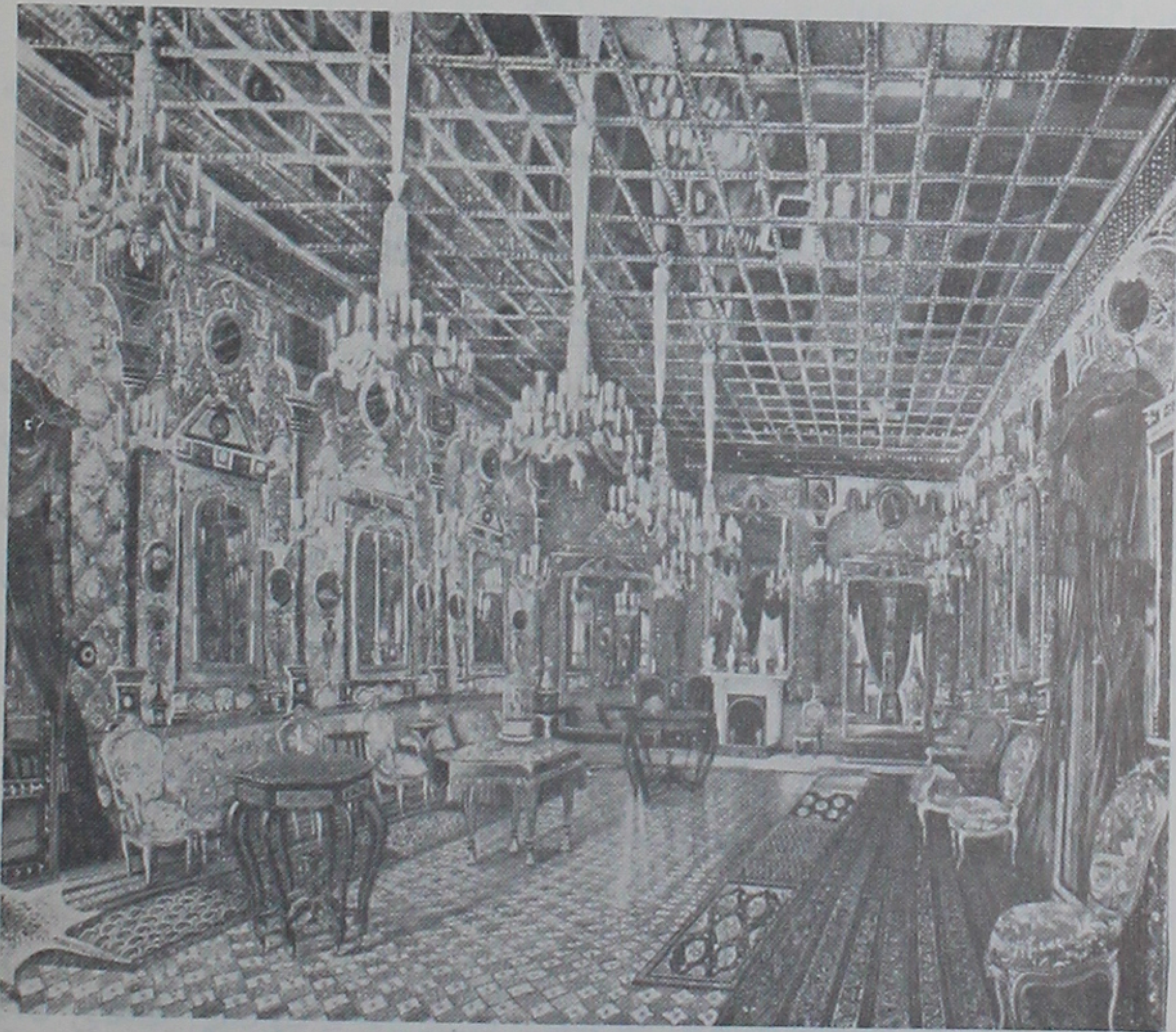
۱۳۱۸ هـ . ق .

۱ – منظور میرزا محمودخان حکیم‌الملك عـّم مرحوم ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملك) است که درآن تاریخ سمت «وزارت کل بنـّایی ممالك محروسه» را داشت.

تابلو رنگ روغنی بسیار پرکار وزیبایی از تالار برلیان ، پیش از تعمیرات وتغییرات عهد مظفرالدین‌شاه ، بوسیله ابوالحسن ثالث (یحیی‌خان فرزندابوالحسن‌خان‌صنیع‌الملک‌غفاری) بسال۱۳۰۵ ه.ق. ساخته شده‌که‌اکنون درکاخ گلستان درتالار تاجگذاری بدیوار آویخته است .

درزیر این تابلو که بخوبی وضع داخل تالار و آینه‌کاریها و چلچراغها واثاثه آنرا نشان میدهد ، چنین نوشته شده‌است :

«حسب‌الامر بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ارواح‌العالمین فداه اطاق مبارکه برلیان بدست خـانه‌زاد ابوالحسن‌خان تشکّل یافت ۱۳۰۵» .



شکل ۹٤ – تابلو رنگ روغنی از تالار برلیان ، اثر ابوالحسن ثالث غفاری .

نارنجستان

سابقاً از عمارت و تالار برلیان که می گذشتند به نارنجستان بزرگی می‌رسیدند که در زمان ناصرالدین‌شاه در قسمت شمالی باغچه گلستان ساخته شده بود .

مرحوم معیرالممالك درباره این نارنجستان می‌نویسد :

«. . . . چون شخص پادرصحن آن‌می گذاشت بوی جان فزایی به‌مشامش می‌رسید و عوالم داستانهای هزارویکشب برابر چشم جلوه‌گر می‌شد بنای نارنجستان شرقی وغربی دارای هفتاد ذرع طول وده ذرع عرض بود . ارتفاع دیوارهایش هشت ذرع و روی آن کمان چوبی قرار داده بودند و در زمستان طاقش‌را با پرده می‌پوشانیدند چهل درخت مرکبات ازقبیل پرتقال ونارنگی و لیمو وتوسرخ و دارابی و پتابی وغیره درآن عمل آورده بودند .

این درختها درطرفین نهرعریضی ازکاشی‌که درهردو ذرع فاصله فواره کوچکی درآن قرارداشت درباغچه‌های گردکاشته شده وازپنج الی هفت ذرع ارتفاع داشتند» .

اعتمادالسلطنه درسال ۱۲۹٤ دراین باره می‌نویسد :

«درمیان نارنجستان نهریست ازآب بسیارگوارا وچهل فواره بلند از میان نهرها بلند میشود و حوضی‌است از بلور ونقره‌که از هدیه‌های امپراتور

نیکولای[1] مرحوم پادشاه ذیجاه روس بحضرت خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار . . . بوده‌است ، آب بسیار گوارا ازمیان‌حوض‌درآمده داخل نهرمیشود وماهیان قرمز رنگارنگ درمیان آن حوض بلور مشغول بازی هستند ، درختان نارنج و لیمو ونارنگی و انواع اقسام مرکبات درنهایت خوبی دراینجا بدو ردیف کاشته شده و همه پربار و پرسایه و قوی هستند» .

باز مرحوم معیر نوشته :

«ازطرف شرقی ده پله طویلی که با سنگ ریزه‌های الوان زینت‌یافته بود ، اطاق برلیان را بنارنجستان مربوط می‌نمود . . . .[2] وسط نارنجستان نیز حوض‌گرد بزرگی بود که ازفواره سنگی آن آبی صاف‌ترازسرشك ابر بهاری می‌جوشید و ماهی سپید وقرمز درآن شناور بودند ، از طرف جنوب روبفضای گلستان ارسیهای بزرگ ازآینه‌های یك پارچه داشت واز سمت اندرون دیوار بسته و دارای طاقنماهای وسیع بودکه پوست پلنگ‌های صید شده را بطرزهای خوش کاه چپانیده ودر آنها قرارداده بودند .

چهل‌چراغ‌های گرانبها و فانوس و دیوارکوبهای گوناگون در طول نارنجستان بدیوار آویخته یا کوفته شده بود وازانتهای آن دری بدیوانخانه باز می‌شد» .

این نارنجستان را دراوایل سلطنت اعلیحضرت رضاشاه خراب نموده

۱– اعتمادالسلطنه دراینجا درذکرنام امپراطورروس‌هدیه‌کننده حوض‌بلور اشتباه‌کرده‌است، زیرا نام‌وی الکساندر اول‌بوده ودراین‌مورد درمرات‌البلدان (ج۱ص۵۴۰) نوشته‌شده ازطرف«امپراتورالکساندر اول، یك‌حوض بلورمثمن بشکل، در دوذرع طول وهمین‌قدرعرض ویك‌ذرع عمق والماس‌تراش‌بود سطح این حوض ازیکپارچه آئینه و علاوه برآن چهل چراغ و قنادیل بلور نیز آورده‌بودند برحسب امر خاقانی حوض بلور را درعمارت موسوم به بلور نصب و چهل‌چراغ و قنادیل را نیز درهمان عمارت آویختند» .

۲ – درعبارتی‌که حذف شده معیر باشتباه حوض بلور را ازهدایای ملکه ویکتوریا به ناصرالدین شاه دانسته است .

محل آن را جزء باغچه گلستان کردند و بالاخره در سال ۱۳۳۹ خورشیدی بمناسبت مسافرت علیاحضرت الیزابت دوم پادشاه انگلیس بایران ، در جای آن کاخی ساختند که اینک به «کاخ الیزابت» معروف است .

اندرون یا عمارت فرح آباد

دیوان‌خانه یا کاخ گلستان از سمت شمال بوسیله چند در و دالان باریك با حرم‌خانه که اندرون وفرح آباد نیز نامیده میشد ارتباط داشت.

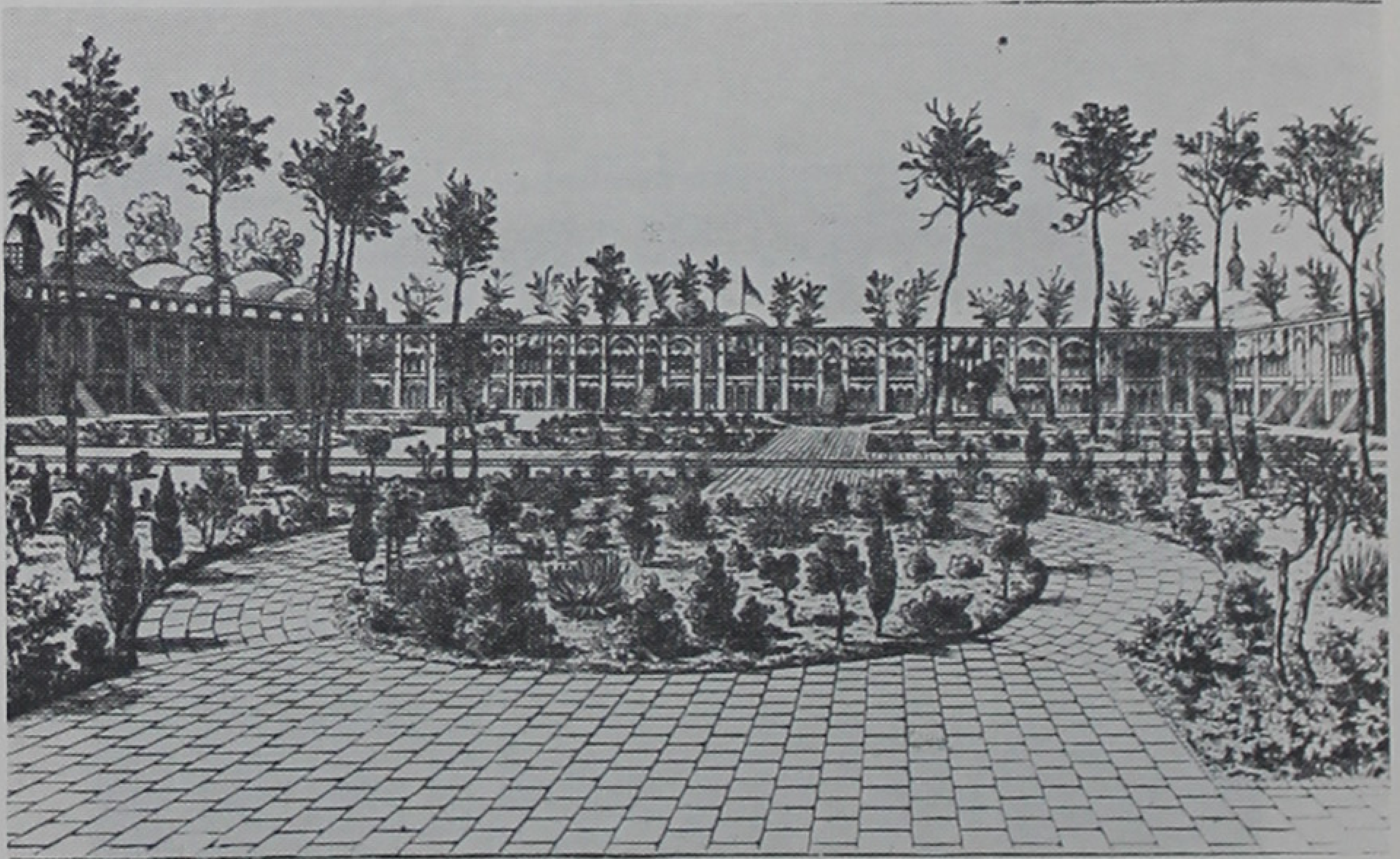
پیش ازسلطنت ناصرالدین‌شاه عمارات اندرون ، همان ساختمانها و اطاقها وتالارهای دوران فتحعلی‌شاه بود[1] وبقول مرحوم معیرالممالك این‌قسمت از بیوتات سلطنتی گرچه دارای وسعت زیادی نبود ولی طرز ساختمان‌خوشی داشت ، ایوانها منقش بصور مختلف و زینت یافته بگچ‌بریهای ظریف طلا و لاجـوردیش هرنظری را جلب می‌نمود ودر یك قسمت عمارات تالار آینه فوق‌العاده زیبایی که دارای شاه‌نشین ها وطاقچه‌ها وگریختگی‌های قشنگ بود و«تالار منظر» نامیده می‌شد اختصاص به خجسته خانم تاج‌الدوله (مادربزرگ معیرالممالك) داشت» .

در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه که در عمارت ارگ سلطنتی تغییرات عمده و مهمی داده می شد ، بنا بنوشته هـــدایت در روضةالصفای ناصری

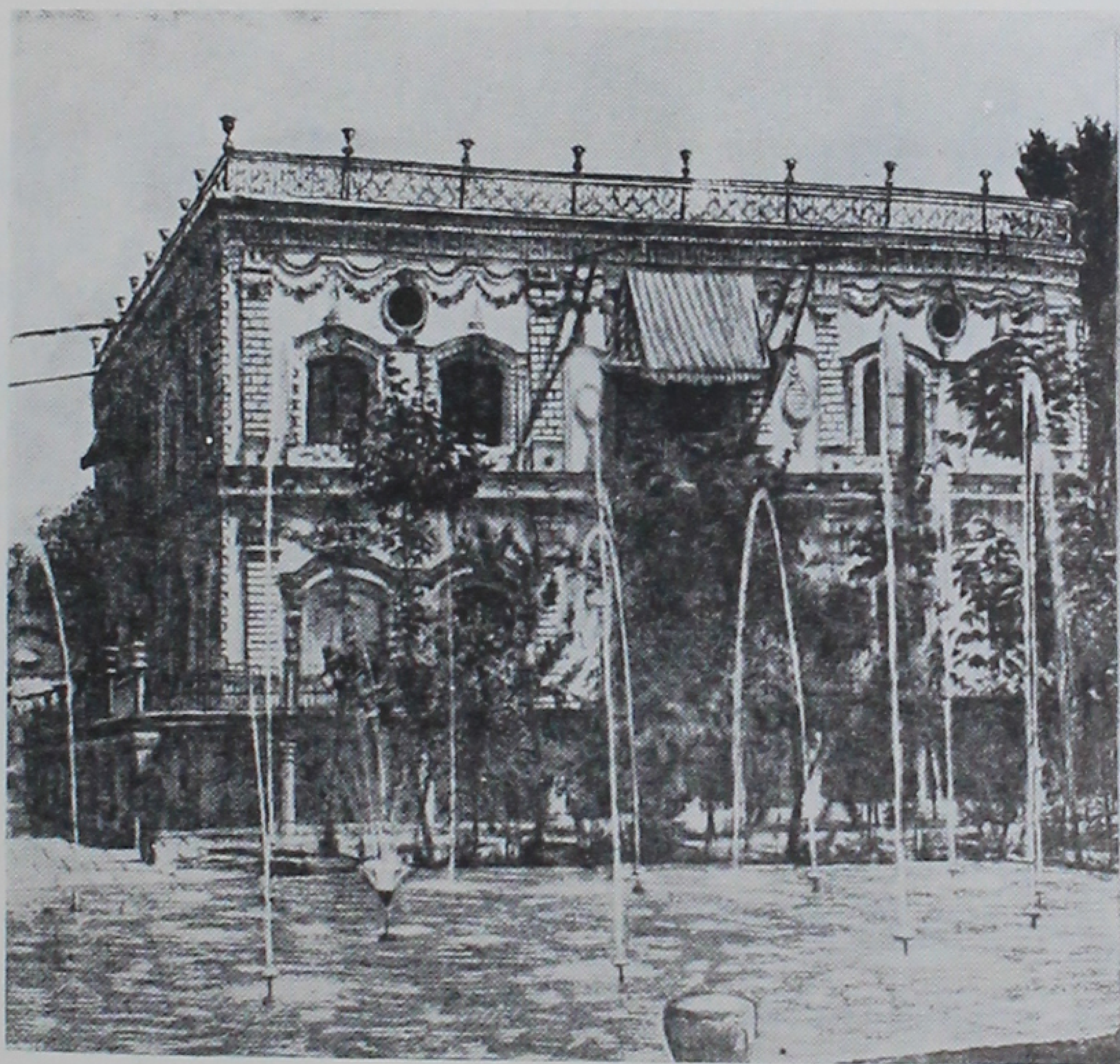
---

۱ - ازعمارات عهد فتحعلی‌شاه‌که درحرم‌خانهٔ قدیم درضلع شمالی عمارات سلطنتی در میان خیابانهای نایب‌السلطنه و درب اندرون و ناصریه (محل کاخ وزارت دارائی کنونی و کاخ شیر و خورشید سرخ) قرارداشت نام چند بنا ازجمله : «عمارت خورشید» و «عمارت سروستان» و «عمارت عشرت آیین» (تالار طنبی) درکتابها ذکر گردید‌که شرح آنهارا از زبان میرزا صادق وقایع‌نگار عهد فتحعلی‌شاه با همان عبارات مغلق و لفاظی‌های مخل و حذف جمله‌های‌غیرلازم ، محض مزید فایده دراینجا می‌آوریم :

بقیه حاشیه درصفحه بعد



شکل ۹۵ - حیاط اندرون پیش‌از ساختن عمارت خوابگاه .



شکل ۹۶ – عمارت خوابگاه وحوض وفواره‌های آن . نقل از روزنامه شرف
شماره ۶۵ – ۱۳۰۶ ه. ق.

«حضرت شاهنشاهی بحاجب‌الدوله امر فرمودند که در عمارات حرم گردش نموده جایی شایسته بجهت عمارت نشیمن پادشاه عهد تشخیص وتعیین کند و عمارات بی ترتیب قدیم را خـراب و بر جای آنها بنیانی ملوکانه برنهد. حاجب‌الدوله بامتثال امراعلی عمارت کریمخانی راکه درجانب در قبلی واقع بود با بعضی ابنیه دیگر خراب کرده از نو بنیانی مهندسانه برآورد و عمارتی‌شاهانه بنا کرد و بر وضع کلاه فرنگی بنیانی ترتیب داد مشتمل بر عمارات تحتانی و

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

عمارت خورشید

نخست عمارت مسمی بخورشید است . . . آن کاخ همایون و قصر میمون درخلف تالار سلطانی و ایوان سپهر بنیان خاقانی واقع گردیده است ، پشت بشمال و رو بجنوبست و درهنگام دی جلوس درآن عمارت بهشت نشان مطلوب. مشتمل برفضا ئیست وسیع و صحنی فسیح ازهار و اشجارش تشویر فزای خاطر سدره و طوبی و زهره زهراست. تصویرهای پری پیکر و سنگهای منبت مرمرش خجلت افزای نقشهای آزری و آیینهٔ اسکندری و مهر جهان‌آراست . . . فواره دریاچه‌اش کشت‌زار خرم است . . . حضرت سحاب را درتاریخ اتمام و بنای عمارت مزبور قطعات سحرآیات و اشعار اعجاز علامات از بحر خاطر فصاحت ذخایر ظاهر گردیده مناسب مقام‌را قطعه‌ای ازآن قطعات دلکش ثبت‌افتاد.

چون بفرمان شهنشاه جهان کز تیغ او — گرد هر معموره حصنی حصین آمد پدید
شاه قیصر پاسبان فتحعلی شـه کز درش — نقش چین جبههٔ خاقان چین آمد پدید
گشت بنیاد دلـگشای عـرش سا — کز علوش بر زمین عرش برین آمد پدید

ذکر عمارت سروستان

دیگر ازقصور بی‌قصور و عمارت لازمةالسرور عمارت سروستان است‌که سروهای دلجویش را از رعنایی ریشه درجان است و روح سدره و طوبی تذروآسا برفراز آن سروهای آزاد نغمه‌پرداز و نوا خوان. روضه‌ایست‌که دراطراف جداول وحواشی انهارش جز درخت سرو نهالی سربفلك نکشیده و درقطعهٔ فضا و بیاض عرصه‌اش کشاورز چمن‌پیرا جز تخم لاله چتری چیزی نپاشیده . . . در وسط آن روضهٔ مینوون کاخی دلگشا و منظری مسرت‌بخش بنا نهاده‌اند و اطراف آن را بفضای آن حدیقه روح‌افزا گشاده . . . در وصف آن پیکر اقلیدس‌نژاد و تعریف آن صورت هندسی بنیاد حضرت استادی میرزا محمدرضی تبریزی‌راست.

بقیه حاشیه درصفحه بعد

فوقانی که تحتانی آن حوضخانه تابستانی است و فوقانی آن مبتنی بر سه تالار وسط و هفت دریهای جنبین است و با برج خروجی وایوان خروجی از طلا و لاژورد همگی را منقش کرده بتصاویر دلپذیر درآورده . . . . . بالجمله بیوتات مفروشه کلاه فرنگی هشتادوچهاریورت است وتمامت اوطاقها و یورتها یکصدو چهارده است[1]» .

اعتمادالسلطنه در المأثروالاثار در باره عماراتی که توسط حاج‌علیخان حاجب‌الدوله پدرمؤلف در اندرون شاهی «بطرزی تازه وطرحی بدیع . . . . .

---

۱ - روضة‌الصفای ناصری جلد دهم چاپ ۱۲۷۴ ه.ق.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

حبذا پیکری بدیع کران — نقشهای شگرف گشت پدید
روز از عکس آن عیان در بزم — فلك پر سهیل و پر ناهید
شب چو عکسی بر آن افتد — از تجلی آسمانی بود پر از خورشید
نوح گویی درو کرانش را — گاه صنعت بکف نهاده کلید
تا گشایند گنج افریدون — تا نمایند مخزن جمشید
شاخ طوبی بود مگر کز وی — لاله و نرگس و بنفشه دمید
یا که طاوس مست در گلزار — بسر از بهر جلوه چتر کشید
یا پریچهرگان خوش خط و خال — دیده بنهاده در ره امید
تا خرامد به بزم خسرو عهد — وندران عیش‌ها کند جاوید

عمارت بهشت‌آیین

قصری دیگر مسمی به بهشت‌آیین دریکی ازحرم‌سراهای حرمت قرین ، خواصه جلوس شهریار جم اقتدار ساخته‌گردیده‌که اگر مؤلف این رساله را بخت مساعدت ننمودکه نظر بمناظر آن منظر رفیع و دیده بمشاهده آن غرفه بدیع گشوده باشد ولی از قرار تقریر یارانی‌که درپرتو التفات خاقانی دردنیا آن بهشت جاودانی‌را دیده وباین سعادت عظمی رسیده‌اند اینست‌که سقف عمارت مزبور را چون عرصهٔ سپهر مینایی به نیل و لاجورد اندوده و بزیور نقش تصویرات صور عبدالرحمانی زیبی بی‌اندازه افزوده‌اند . باین نسبت‌که اصل صور را بنوعی‌که مقتضی صنعت تصویرکشان شاپور مثالست مرتسم ساخته کواکبی‌که ازقرار تشخیص اهل رصد درصور مزبور مرکوز است ازقطعات آبگینه پرداخته‌اند و در جانبی از عمارت مزبور طبقات و درجات جنّات عدن ازقراریکه وصف آن در احادیث صحیحه مرویست نقش گردیده بمثابه که هرکس درآن قصر مینوون درآید درحقیقت بهشت‌را دیده و درمعنی طبقات سپهر را بطریق عروج رسیده .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

مشتمل بر هشتادو دوباب اطاق تحتانی و فوقانی درکمال شکوه وامتیاز . . . در سنه ۱۲۷۱ هـ . ق .» احداث گردیده بود می‌نویسد :

«مقدمه احداث ومنشاء ایجاد این عمارت بدیع بنیاد آنکه بندگان

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

عمارت عشرت‌آیین

عمارت عشرت‌آیین بوضع وترکیبی‌است‌که اکنون درعرف مهندسین آن وضع‌را طنبی خوانند در جنب عمارت خورشیداست وآراسته چون ایوان سپهربنیان جمشید قصریست مشتمل برگنبدی فلك رفعت و دوشاه‌نشین سپهر مرتبت چهار غرفه عرش آیت دارد و دو فضای فردوس خضارت درصفه هرشاه‌نشینش حوضی ازمرمر پرآبست ودرهرحوضی فواره متقاطر بدرخوشاب مرمرش درصفوت گویی شیریست بشکر آمیخته وآبش درعذوبت چون شیرهٔ جاریست جرعه‌ها از زلال حیوان براو ریخته . . . ازاره‌اش مانند دل خوبان ختایی از سنگست و سایر متنش همچون عارض‌بتان آزری ازنقش ونگار رشك کارنامه ارتنگ سقفش‌را با طناب طنین صدا واستدامت غنهٔ غنا چون کاخ دماغ‌بخردان مجوف ساخته و آن تجویفات وطبقات‌را نیز باشکال هندسی مشبك ومثقب نموده بطلا و لاجورد پرداخته‌اند ودراین عمل حکیمانه بنوعی استادی معمول داشته‌اندکه اگرمطربی امتحان نغمه‌را درپرده زخمه‌یی برتارطرب‌آشنا سازد ازطنطنه طنینش طاس نگون وخم وارون سپهرتانفحهٔ صوروصبح نشور ازولوله خالی وازصدا تهی نخواهد بود . تصویرات بدیعش بااینکه جمله درپرده‌اند پرده ازکارها برداشته‌اند وتمثالهای غریبش باوجودیکه همه دروجود خود حیرانند عالمی‌را درکار خود واله‌گذاشته . . . درجانبی ازآن قصر بی‌قصور بامر شهنشاه قضا دستور نقاشان شاپور چنگ‌نیرنگ‌ساز صورت عرصهٔ رزم پادشاه جهانگشا را با سپاه روس درپرده بی‌پرده کشیده‌اند ودرجانبی دیگر ساحت شکارگاه شاهنشاه گیتی‌پناه‌را پرده از رخساره گشاده . . . اگرچه هریك ازشعرای فصاحت نشان رکاب نصرت توامان دروصف آن قصر سپهروش و توصیف آن عمارت دلکش دراری اشعار آبدار ازسپهر فکرت ظاهر و آشکار گردیده واغلبی ازآنها بخط دلارای آقامهدی رازی ملك‌الکتاب بردر ودیوار آن عمارت ارم‌آثار مسطور است ولی اتمام و صافی‌را بقطعه‌یی ازقطعات ملك‌الشعراء که‌بطریق خطاب بآن کاخ عشرت‌آیین و رشك نگارخانه چین برشته نظم کشیده بود اکتفا نمود . . .

ای قصر رفیع آسمان رنگ	ای غیرت کارگاه ارتنگ
با سقف تو سقف نه فلك پست	با صحن تو صحن شش جهت تنگ
زد در تو مثال خسرو عهد	شاپور زمان به پرده نیرنگ
یکسو بسپاه روسش آورد	یکسو بشکار شیرش آهنگ
هر منظر تو ز کلك مانی	پر لعبت شوخ و شاهد شنگ
در طینتشان طراز دانش	در گوهرشان فروغ فرهنگ
افلاك چو آبگینه فانوس	در سقف مقرنس تو آونگ
آن پایه ترا که گوی چرخش	بر پای تو قبه شتالنگ
جمشید تو ماه افسر	خورشید تو شاه عرش اورنگ

اقدس همایون روزی از بالای برجی که در گوشه عمارت سلطنتی طرف‌جنوب غربی‌واقع‌شده ومشرف بمیدان توپخانه(قدیم)وانبارفراشخانه بودواز فرازآن بعضی از ابنیه شهر دیده می‌شد ، در طرف سنگلج عمارتی دیدند مربع بوضع مخصوص ، سئوال فرمودند معلوم شد ازحسینقلی‌خان‌معیرالممالك مرحوم‌است که بمباشری مسیو ریشارخان بطرز فرنگی ساخته می‌شود . پس والد مؤلف را که منصب حجابت دولت داشت احضار فرمودند و مقرر داشتند که در مدت تشریف‌فرمائی موکب همایون به‌ییلاقات ، چنان عمارتی بنانماید وباتمام رساند. پس درظرف سه ماه تابستان این بنای عالی هم برپا گردید و هم مفروش و آراسته شد .

از جمله بالاخانه‌یی بود که در سقف وجدران آن تماماً بشقابهای‌چینی کارکرده بودند . . . » .

دراین‌مورد باز درالمأثروآلاثار نوشته است که : «از ابنیه عشر اول سلطنت عمارتی بود مخصوص و معروف به «خوابگاه» مرکب از دویست‌یورت تحتانی و فوقانی وحرم‌خانه و تالارهای آینه و پله های مرمر که جمله بتوسط والد مؤلف‌ساخته و متجاوز از هفتادهزار تومان دراین‌مصرف خرج شده‌بود» .

پس ازآنکه زنهای حرم سرای ناصرالدین شاه رو بازدیاد نهاد ورفته رفته جا برآنان تنگ شد ، مجبور گردیدند اندرون را دوباره وسعت داده بزرگتر سازند وبهمین منظور در سال ۱۲۹۹ هـ . ق . تمام بناهایی را که توسط حاجب‌الدوله ساخته شده بود خراب‌کردند .

اعتمادالسلطنه در یادداشتهای سرّی خود در ذکر وقایع جمعه ۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۹ می‌نویسد :

«اولا ازغرّه رجب تمام اندرون را خراب می‌کنند از نو بسازند وتمام زنان شاه آنچه اسباب داشتند حتی هیزم و ذغال خودرا بخانه اقوام خود بیرون فرستادند واین عمارت را امین‌السلطان که مباشر بنائی است بجهت نفع شخصی تماماً خراب خواهدکرد حتی عمارت فتحعلی‌شاهی را که از ابنیه بسیار ممتاز

قدیم است ودویست هزارتومان دولت‌را متضرر می‌کندکه بده هزار تومان یقین می‌توان تعمیرکرد[۱] » .

تقریباً یکسال بعداز این یادداشتها خود او در روزنامه شرف در مورد عمارت حرم‌خانه و اندرون شاهی چنین می‌نویسد :

«عمارات حرمخانه مبارکه دارالخلافه باهره مسکن حرم جلالت عبارت از بیوتات عتیقه و ابنیه قدیمه بود که از چهار پادشاه مانده چنانکه بعضی از آنهارا کریمخان وکیل در اوان اقامت طهران بنا نهاده ، برخی را بفرمان‌حضرت شاه شهید آقا محمد شاه و چند باب را بامر خاقان مغفور فتحعلی‌شاه وچندباب دیگر را بحکم شهریارمبرورماضی محمد شاه انارالله برهانهم ساخته بودند واین بیوتات خیلی متعدد ودر کمال عظمت اما مستعد هدم و خرابی بود و مطلقاً محل اطمینان و طرف اعتماد نمی‌توانست شد ونمی‌توانستند در آن مساکن آسوده و بیخیال زیست نمایند . چه مرور دهور موجب سستی و فتور انهدام مبانی عمارات می‌گردد خاصه در خاك تهران که چندان قوتی ندارد . گذشته از این دوقنات بسیار معتبر اززیر عمارات مزبور می‌گذرد ، یکی قنات‌مهرگرد که از قدیم در همین مجری و محل جاری بوده دیگر قنات ناصری که دراوایل جلوس . . . . احداث شده والی آن زیاده از سی سالست که داخل عمارات حرمخانه مزبوره میشود و مسلم است که عبور دو قنات معتبر اززیر عمارت موجب خرابی ووهن مبانی آن می‌گردد ، هرچند آن مبانی را نهایت استحکام باشد وآن مجاری‌را بخوبی ودرستی ساخته باشند و مواظبت از آن کنند و بهمین جهت هر سال تقریباً سی هزارتومان خرج تعمیر و مرمت این عمارات میشد واگر امسال هم بمرمت و تعمیر می‌پرداختند هفتاد هشتاد هزار تومان مخارج داشت و رفع تزلزل خیال و پرهیز از بعضی مخاطرات نمی‌شد . دربن صورت صواب آن بود که یکباره بتجدید این عمارت پردازند تا هرسال دیوان

---

۱ – ص . ۱۸۹ خاطرات اعتمادالسلطنه .

همایون گرفتار ودچار خسارت فوق‌العاده مرمت و زحمت خطر خرابی نباشد وازآنجاکه این کارشغلی نهایت بزرگ . . . بود . . . امین‌السلطان وزیردربار اعظم (میرزا ابراهیم‌خان) وخزانه عامره‌را برای . . . . این‌قصد اختیار وانتخاب فرمودند . واز اول سفر خیراثر ییلاق همایونی شروع بعمل نموده و هرروزه پنجهزار نفر عمله و بنا و نجار وحجار و نقاش مشغول کار بودند و شب و روز کار می‌کردند تا در ظرف هفت ماه این کار بزرگ و بنای با رفعت . . . . بید کفایت جناب امین‌السلطان و بمعماری حاجی‌ابوالحسن معمار باشی زیور اتمام وآراستگی‌حاصل نمود . . . . این حیاط وسیع خیلی بزرگ و باصفاست، جدولها و باغچه‌ها ، حوض‌ها ، خیابانهای متعدد دربن حیاط بزرگ وحیاطهای دیگر طرح شده وازابنیه قدیمه تنها بنایی که باقی مانده و بنائی قدیمی و محکم وعالیست ، تالاریست مشهور به تالار طنبی که در هزارودویست‌ونوزده بامر فتحعلی‌شاه . . . . . . ساخته‌شده واشکال وتصاویر شکارگاه‌ها وجنگهای‌همان شاهنشاه در آن تالار نقش و مرتسم بود ، آن تالاررا بجهت یادگار نگاه داشته‌و جزو این عمارات کرده‌اند . . . . . .

سطح زمینی که عمارت شامل آنست چهل‌وپنج هزارذرع مربع‌می‌باشد که بیست هزارآن ساخت و بناست و بیست‌وپنجهزار فضای حیاط ، طول‌عمارات بزرگ اندرونی‌صدوبیست ذرع وعرض‌صدذرع، فضای‌حیاط من‌حیث‌المجموع دوازده هزار ذرع پنج‌باب تالار بزرگ در طرف طول واقع شده ، چهار تالار در طرف عرض ، هشت رختشوی خانه و حمام و پانزده خلوت مسکون داردکه هریك عمارت معتبریست . اطاق مسکون عمارت غیرازراه‌رو و راه پله تحتانی وفوقانی ، عبارت ازپانصدباب است . در روز هفتم ربیع‌الاول (۱۳۰۰ هـ . ق.) خدام حرم . . . . به این سرای . . . . . داخل گردیده هریك دراماکن ومساکن مقرره خود سکنی گرفتند[1]» .

---

۱ – روزنامه شرف نمره دوم ربیع‌الثانی ۱۳۰۰ هـ . ق.

درالمآثر در مورد بنای اندرون می‌نویسد :

«ودیگر عمارات فرح آبادست که اندرون همایون . . . . می باشد و این عمارت بعنایت . . . . آقا محمدابراهیم‌خان امین‌السلطان . . . . . ساخته وبهر گونه تأنقات وتزریقات که درصفحه خیال جنس وانس زیاده برآن می‌نگنجد آراسته وپرداخته شد و مشارالیه تمام این بنیاد شگفت واثر بزرگ را بگچ و آجر سخت وسفید برآورد و حتی در ثخن جدران وجوف هیچ اساسی نیمه خشت خام و یا نیم پخته بکار نبرده‌اند . .» .

باز در جای دیگر در همان کتاب در ذکر مآثر عهد ناصرالدین‌شاه می‌نویسد : «انشاء وبناء عمارت مبارکه اندرونی سلطنتی دارالخلافه موسوم به فرح آباد که ابنیه سابقه آنجا در تاریخ ذیل این عنوان (۱۲۹۹) بدست مرحوم امین‌السلطان ماضی منهدم ومعدوم شده بنیانی جدید و بنیادی جاوید درکمال شکوه و عظمت وانفساح و نهایت امتیاز و انبساط وانشراح بطول یکصدوبیست درعرض یکصدودوذرع مشتمل بر حیاض و ریاض و جداول و زوایا و حمامها وتالارها ووثاقها و خلوتها از بنلاد تا سرلاد تماماً با آجر و ساروج و سنگ تأسیس و تشیید گردید . . . [۱]» .

معیرالممالك وضع ساختمانها و حیاطهای اندرون را این چنین وصف می‌کند :

«اندرون فضای مستطیلی بود که چهار طرف آن بناهای دو طبقه بسیار بی‌تناسبی با تالارهای بزرگ ساخته شده و اطاقها از طرفی بعضاً وسیع محصور بین بناها و اطراف دیگر بحیاطهای کوچکی که هریك متعلق به یکی اززنهای شاه وبانام مخصوص از قبیل «سروستان» «انارستان» و غیره نامیده می‌شدند راه داشت . . .

اطاقهای انیس‌الدوله که در واقع ملکه بود بحیاطی نگاه می‌کرد که

---

۱ - المآثر ص ۷۸ .

حیاط «طَنبی» نامیده می‌شد وتالاری داشت که بهمین نام معروف بود ومیدان های جنگ فتحعلی‌شاه با روسها بدیوارهای آن منقوش بود.[۱]»

غلامعلی خان عزیزالسلطان معروف به ملیجك در یادداشتهای خود در بارهٔ عمارات اندرون چنین می‌نویسد :

«این عمارات اندرونی یکسال‌ونیم قبل‌از سفر خراسان ساخته شده بود ، حیاط های تودرتوی فتحعلی‌شاهی را تغییر داده بودند ، عمارت و حیاط بزرگ‌را فرح‌آباد نام‌گذاری کردند ، . . . حیاط بزرگ اول حیاط «سرچشمه» بود که قنات قدیم تهران از آنجا بیرون می‌آمد ، حوض بزرگی داشت وچندین خانم در آنجا منزل داشتند . . . بعد حیاط سردر الماسیه بود که درب بزرگ باب همایون سابق از آنجا باز می‌شد و هروقت شاه واهل حرم بمسافرت‌های طولانی میرفتند از آن خارج می‌شدند .

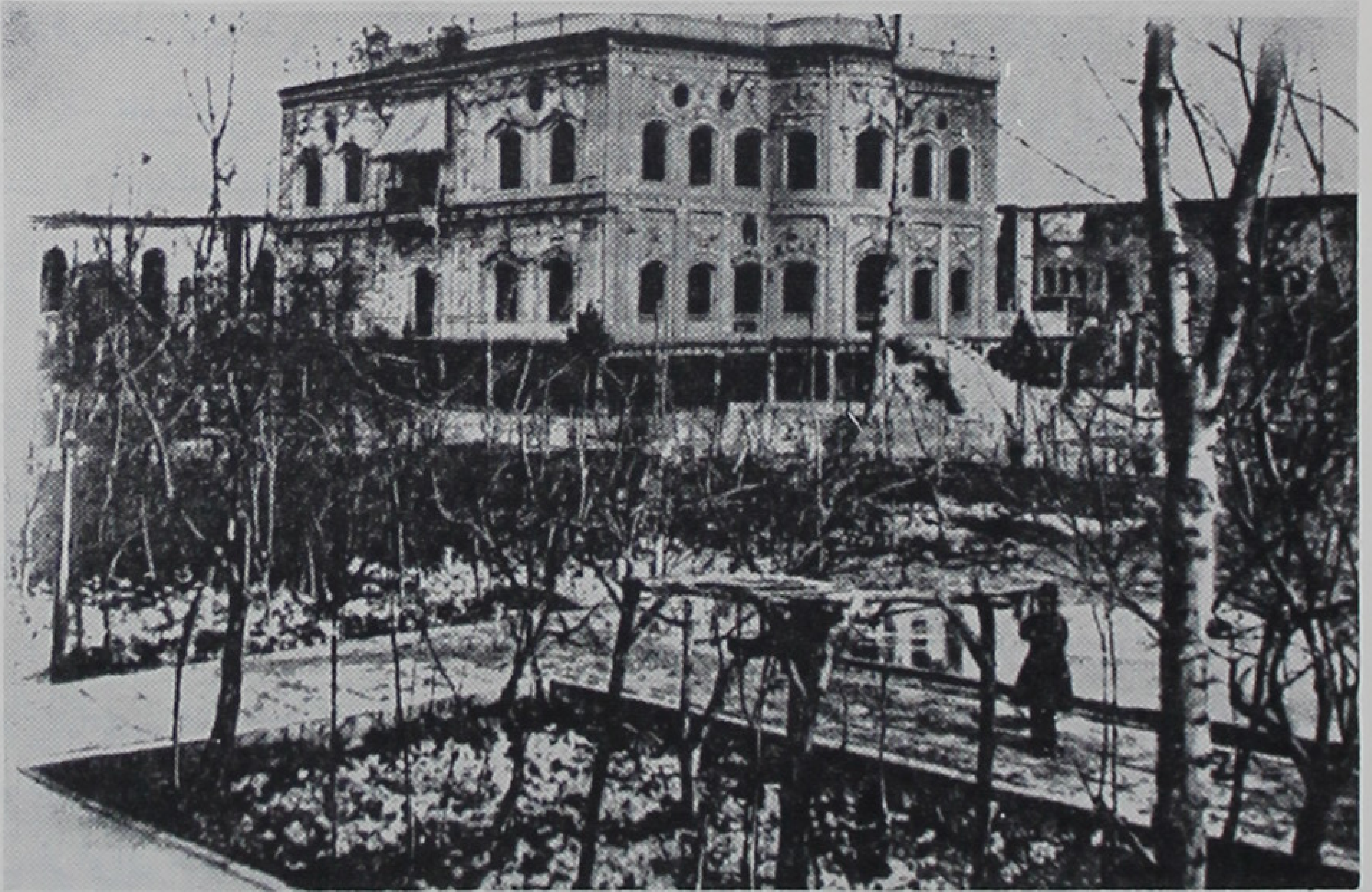
عمارت اندرونی نیز در حیاطهای تودرتو قرار داشت و هریك ازاین عمارات بدالان طولانی و سیعی وصل میشد ، تالار معروف فتحعلی‌شاهی را که گنبدی داشت شاه برای آنکه یادگار جدش بود خراب نکرد ، در طرف شمال این عمارات حیاط انارستان و طرف جنوبش حیاط انیس‌الدوله بود . بعد از آنها حیاط قهوه‌خانه بود که اهالی قهوه‌خانه هم در آنجا منزل داشتند . . . . حیاط دیگری بنام حیاط آینه بود که پشت‌اش عمارت موزه بود . . . . . شش حیاط مختلف هم دربعضی نقاط اندرون بود . . . . .[۲]» .

پس از آن‌که ساختمانهای اندرون در دورادور باغچه وحیاط آن بپایان رسید درسال ۱۳۰۳ هـ . ق . ناصرالدین شاه مصمم گردید که برای خوابگاه خود نیز کاخی بسبك جدید در وسط باغچه بسازد ، مباشرت ساختن این کاخ نیز به محمدابراهیم‌خان امین‌السلطان واگذار گردید و برای شروع پی‌کنی آن

---

۱ – زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه . این‌نقاشی رنگ روغنی بزرگ دیواری اکنون درموزهٔ ایران باستان محفوظ است .

۲ – کتاب ملیجك ص ۳٦٤ تألیف حسین لعل .



شکل **۹۷** – عمارت خوابگاه .

تشریفات و مراسمی بعمل آمد بدین‌گونه که در روز سه‌شنبه غرّه رجب صبح جمعی موزیکانچی و نقاره‌چی خبر کردند ده رأس گوسفند برای قربانی آماده کردند وخوانچه شیرینی وچند قدح شربت تهیه دیده وکلنگی نیز از نقره آماده کردند و شاه با زدن کلنگ بر زمین اجازه داد که ساختمان خوابگاه جدید آغاز گردد[1] .

ساختن بنای کاخ مدت یکسال تمام طول کشید و پس ازآنکه پایان یافت روز یك‌شنبه نهم رجب ۱۳۰٤ هـ . ق . بهمین مناسبت باز شیرینی ومیوه وپیشکش چیده موزیکانچی حاضر کرده جشنی برپاکردند .

این کاخ برخلاف عمارات دیگر ساختمانی بود کاملا بسبك اروپایی که از روی کاخ «دولمه باغچه» سلطان عثمانی ساخته شده و تزئین یافته بود.

قسمت پایین بنا را زیرزمین‌ها و حوضخانه‌ها تشکیل می‌داد و قسمت بالای آنرا با نرده های آهنی محصورکرده بودند که درآهنی مخصوصی‌داشت.

غلامعلی‌خان ملیجك وضع داخلی عمارت خوابگاه را در یادداشتهای خود چنین توصیف می‌کند : « . . . . این ساختمان سه طبقه بود و خزانه همانطور که گفتم در طبقه زیرین قرار داشت ، قدری تاریك بود وازاطراف آب فراوان جاری‌بود ، بهمین جهت رطوبت داشت . تمام اطاقهای زیر که خزانه بود و پنجره‌های قطور و دیوارهای مستحکمی داشت ، قفسه‌بندی‌های مرتبی برای جا دادن پول واسکناس ووجوهات دراطراف اتاقهای خزانه ساخته بودند، پنجره ها تماماً رو به حیاط باز میشد .

بنا و قسمت خوابگاه شاه شش اطاق بود . اطاقی که رو بمشرق بود چهار ذرع در چهار ذرع طول و عرض داشت ، اتاق صرف شام شاه بشمار می‌رفت این اطاق درطبقه دوم بود که بعد از صرف شام باطاق بالا و طبقه سوم تشریف می‌بردند ، سرسرای بزرگی نیز در وسط تالار و هرطبقه بود که

---

۱ - خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۳ - ٤۸۲

خواجه سرایان و کشیك‌چی‌باشی‌های مخصوص در آن قدم می‌زدند .

هرطبقه نیز سه اتاق رو بجنوب داشت ، در طبقه سوم در یکی از اطاقهای بزرگ شاه‌نشینی بود که یك نیمه‌هلالی و باصطلاح بالکنی بطرف حیاط داشت ، این شاه نشین سه در داشت . دواتاق نیز اختصاص بـه محل استراحت شاه داشت . درزمستان اتاقی که رو به مشرق بود محل استراحت شاه بود ، ودر اوایل بهار اتاقی که رو به مغرب بود . شاه مدتی قبل از خواب یا صبح‌ها درآن استراحت می‌فرمودند . . . .[۱]» .

عمارت خوابگاه از بناهای زیبای آن عصر بشمار می‌رفت و نمونه‌یی از تحول معماری ایران و گرایش به طرز ساختمانهای اروپایی بود .

در داخل بنا کاشی های برجسته و صورت‌دار ومنظره‌دار بیشماری بکار برده بودند و سربخاریهای کاشی عالی داشت . در یکی ازاطاقهای داخل کاخ نزدیك اطاق خواب شاه استادبهرام نقاش کرمانشاهی در سقف ودیوارهای آن مجالس عیش وسرورنقش و طرح نموده بود .

اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۶ هـ . ق . در روزنامه شرف درباره «عمارت مبارکه خوابگاه» چنین نوشته است : «این عمارت مبارکه که بوضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است ، دو سال قبل بتوسط جناب جلالتمآب امین‌السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه ودربار اعظم در عمارت و حیاط فسیح‌الفضای حرمخانه جلالت که شش هفت سال قبل صورت و شرح بنای آن در روزنامه شرف مرتسم و مسطور شد بنا شده است . این عمارت بدیع‌الوضع خوابگاه که عمارت مجرد منفردیست مایل بطرف شمالی حیاط حرم خانه مبارکه بنا شده و چهار طرف آن مفتوح و منفصل از ابنیهٔ دیگراست مشتمل بر سه مرتبه و دارای وضع وهیئتی خوش که هنوزبدین وضع مخصوص بنای قصری در عمارت مبارکه سلطنتی نشده بود ، بانواع زینتهای بنایی و

---

۱ - کتاب ملیجك ص . ۹۱ - ۳۹۰ .

حجاری و محجرهای مزین فلزی کار قورخانه ایران مزین است و باقسام بساطها و مبلهای نفیس گرانبها آراسته» .



پس ازواقعه رژی وسرقت از جواهرات تخت طاووس که داستان آنرا درشرح تخت‌مزبورنوشتیم، بدستور ناصرالدین‌شاه همه جواهرات‌سلطنتی‌را از موزه جمع کرده در صندوق های آهنین و قفسه‌ها گذاشته ودر زیر همین عمارت در خزانه مخصوص وجوه نقد ، نگاهداری کردند و جواهرات مزبور تادوران سلطنت‌اعلیحضرت‌رضاشاه‌پهلوی درهمین‌محل‌بودوهربارکه‌جواهرات مورد بازرسی وبازدید قرار می‌گرفت بنا و عمله حاضر کرده درخزانه را با آجر و گچ مسدود می‌کردند . در زمان مظفرالدین شاه دراین عمارت تغییرات‌زیادی دادند ولی شکل اصلی آن محفوظ بود .

عمارت خوابگاه دردوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه جزو ابواب جمعی وزارت دارائی درآمد ومدتها محل‌حوزه وزارتی‌بود ولی پس‌از ساختن کاخ جدید وزارت دارائی چون درنظر بعضی‌ها ناجور می‌نمود ، باهمه تلاشی که از طرف بعضی دستگاه‌ها واشخاص و روزنامه‌ها و بخصوص انجمن آثار ملی بکار رفت ، تا مگر ازانهدام آن جلوگیری شود وبموزه تبدیل گردد ، متأسفانه ممکن نشد و مخفیانه و شبانه با عجله تمام آنرا ویران ساختند و فقط کاشیهای زیبا و جالب آن چندین زیرزمین از کاخ جدیدرا پر ساخت که معلوم نیست بعداً چه سرنوشتی پیدا کردند .



دریکی ازحیاط‌های فرعی اندرون که منزل یکی اززنان ناصرالدین‌شاه معروف به «والی زاده» (دختر خسرو خان والی) بود دوچنار بزرگ وکهن‌سال وجود داشت‌که بعدها هردو را کف‌برنمودند. یکی‌ازآنها بنام «چنارعباسعلی» شهرت یافته بودکه وجه تسمیه‌اش هنوزهم کاملاً معلوم و روشن نیست وشاید

بتوان گفت که این دو چنار از بقایای چنارهای چهارباغی بوده که شاه‌عباس صفوی در داخل ارگ احداث‌کرد ، و در ابتدا چنار عباسی یا «شاه عباسی» نامیده می‌شده و رفته‌رفته تغییر صورت داده به «چنار عباسعلی» تبدیل شده است . بهرحال چون راجع به این چنار و مقدس بودن آن افسانه‌هایی درزبانها بوده و هست ازاینرو داستان چگونگی آن را از قول مرحوم معیرالممالك در اینجا نقل می‌کنیم . می‌نویسد :

«یکی از خدمه اندرون مرتکب خلافی شده و از آنجا که دانست‌مورد خشم وبازخواست خانم خود قرار خواهد گرفت شبانگاه فرار نموده در حضرت عبدالعظیم متحصن شد . چون این خبر بگوش شاه رسید سخت برقت آمد و بخانم کلفت فراری گفت تا از تقصیر وی درگذرد . آنگاه برای آنکه اهل اندرون ملجاء ومأمن نزدیکتری داشته وهنگام ضرورت بدان پناه برند درنهان بیکی ازگیس‌سفیدان حرم دستور داد تا شهرت دهد که خواب‌نما شده و بوی گفته‌اند در پـای چنار کهن سال گشن شاخ کنار مظهر قنات «مهرگرد» واقع دراندرون ، امامزاده‌یی بنام «عباسعلی» مدفونست . همین‌که این آواز دراندرون پیچید اهل حرم شادیها کردند واز شاه خواستند تا نرده‌یی دور آن درخت کشیده شود . شاه به‌نصب نرده امر نمود و آنرا رنگ سبزاندود کردند . از آن پس درخت مزبور به‌چنار عباسعلی معروف شد . زیارت‌نامه مخصوص بتنه آن آویختند واطرافش شمعدانهای نقره کوبیده هرشب شمعها درآن افروختند ، رفته رفته چنار مزبور اهمیت بسزا یافت وبست محکمی شد. اهل اندرون نذور خودرا از قبیل حلوا وغیره در پای آن می‌پختند و به بدنه وپوستش دخیلها می‌بستند . بدین طریق برای نیازمندان حرم نقطه توجه ومأمن نزدیکی بوجود آمد[1]» .

---

۱ - یادداشتهای زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه . ص ۴۳ .

عمارت خروجی

موزه قدیم – تالار گلستان – صندوق‌خانه

در زمان گذشته تقریباً متصل به‌ضلع شمالی شمس‌العماره، یك دستگاه عمارت بزرگ وطولانی دورو، باغ گلستان را بدوقسمت تقسیم می‌کرد که آنرا «عمارت خروجی» می‌نامیدند.

این بنا از مشرق بمغرب شامل: اطاق موزه، تالار آیینه، گلستان و صندوقخانه ورختدارخانه سلطنتی بود.

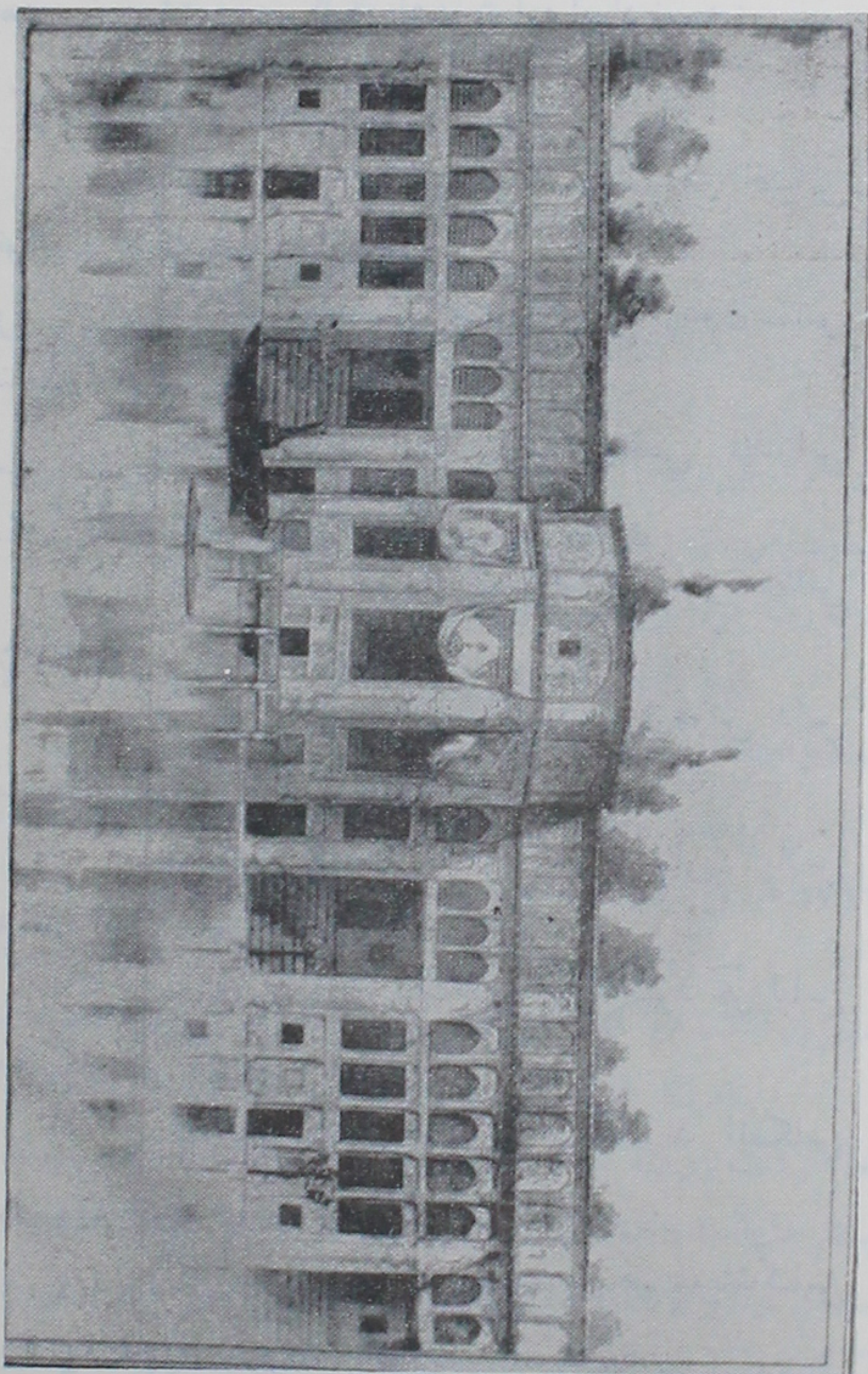
اساس قصر مزبور در زمان آغا محمدخان نهاده شده بود ولی بسال ۱۲۱۶ ه. ق. در عهد فتحعلی شاه پایان یافت.

میرزا صادق وقایع‌نگار عهد فتحعلی‌شاه درتاریخ رطب‌اللسان در وصف عمارت گلستان که آنرا «زینت‌العمارات» نیز می‌گفتند می‌نویسد:

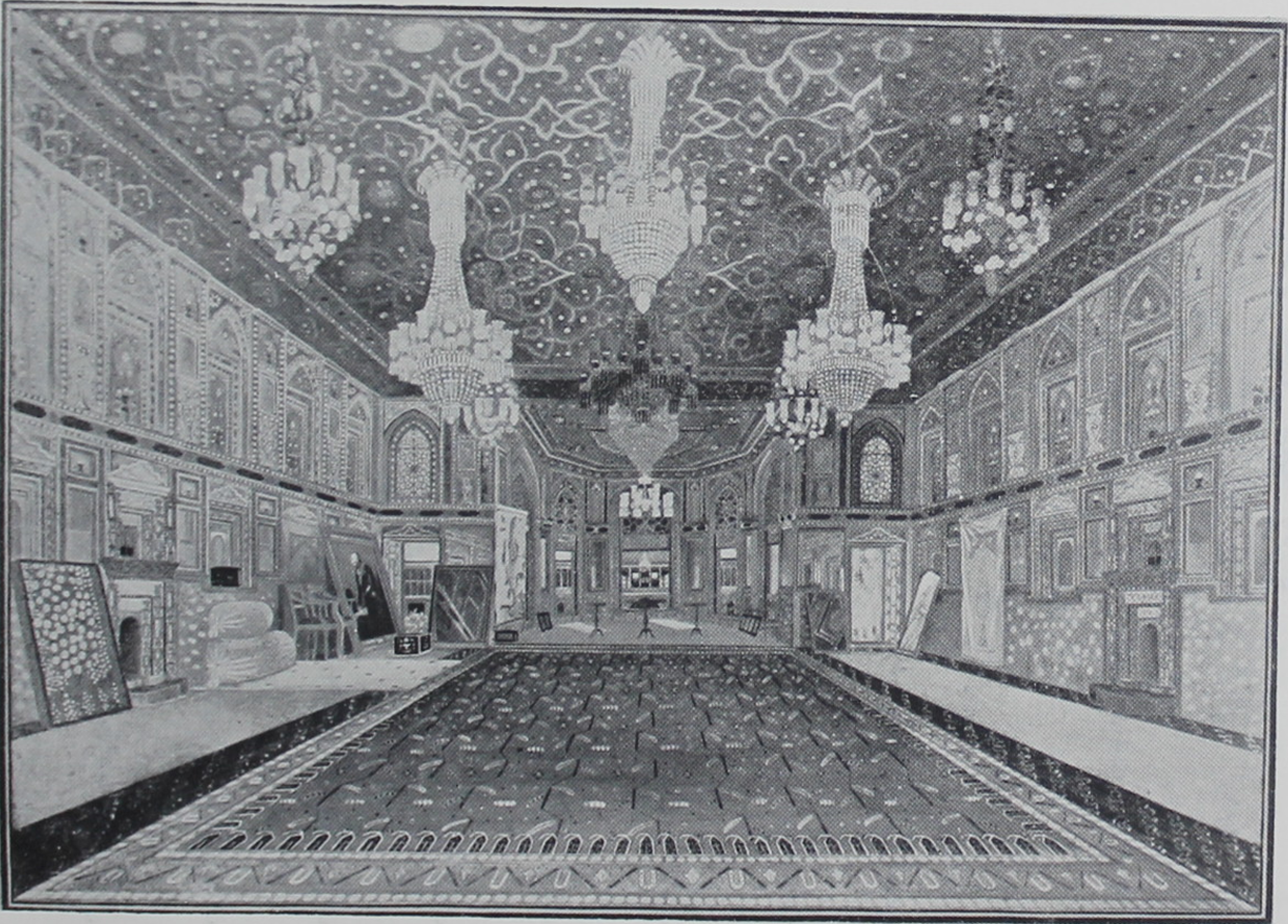
«دیگر از جملهٔ عمارات عالیه عمارت معروف به گلستان است که در هوا رشك روضهٔ جنان است ودر صفا غیرت حدیقهٔ رضوان وآن کاخ دلگشا و منظر دل‌آسا، تالاریست دو رو مشتمل بر دو فضای مشجر ودو روضهٔ‌روح‌پرور ستون ومتون طاق ورواق عرش و فرش درو دیوارش به آینه‌های صاف و آبگینه‌های مهراتصاف زیب وزیور یافته و حوریان جنان از شوق مناظره‌اش ازقصر فردوس روی برتافته وبسوی آن منظر عشرت‌گسترشتافته‌اند... حضرت سحاب را نیسان فکرت در وصف عمارت مزبور درافشانی نموده و قصیدهٔ غرا ...... درتاریخ اتمام آن وثاق گردون رواق وثنای شاهنشاه

آفاق برشته نظم کشیده و بخط دلارای ملك‌الکتاب به آب زر در کتیبه‌اش مسطور است تا شاهد سخن را زیوری کامل باشد بتمامه ایراد نمود :

حبذا ای کاخ گردون رفعت کیوان مماس
شمس از مقیاس تابـان شمسه‌ات در اقتباس
شمعهای محفل تواست اینکه خوانندش نجوم
زآنکه سطح بارگاهت کرده با گردون مماس
گوهرآگین مسندت‌را فرش‌زیرین‌است ازآن
اطلس افلاك ماند ایمن زنقص اندراس
شیر گـردون بر فلك با شیر شادروان تو
راست چون موری بودکافتاده درلغزنده‌طاس
پاك بایستی خیابانت ز هر خار و خسی
زان بکف بگرفته دهقان سپهر ازقوس داس
کرده الوان جامه های خوبرویانت ز رشك
لعبتان آسمانی را ببر نیلی پلاس
ماه منظر شاهدانت را زبس نازك تنند
چون به پیکر نیك بینی هیچ نبود جز لباس
صورت زیرین اشکال تو باشند این صور
کاندرین زنگارگون مرات دارند انعکاس
کبك و بازت سال ومه انباز هم دریك کنام
گوروشیرت روزوشب دمساز هم دریك‌کناس
نه غزالان ترا از حملهٔ شیران گریز
نه گوزنان ترا از هیبت گرگان هراس
شاهدانت بر خلاف خوبرویان زمـان
تا بکی دارند دایم بادهٔ عشرت بکاس



شکل ۹۸ – تصویر عمارت خروجی ازسمت جنوب واستخر مقابل عمارت بادگیر وشمس‌العماره . دروسط تصویر تخت بلور اهدایی امپراتور روس دیده می‌شود . ـ طراحی صنیع‌الملك ، نقل ازروزنامه دولت علیه ایران .



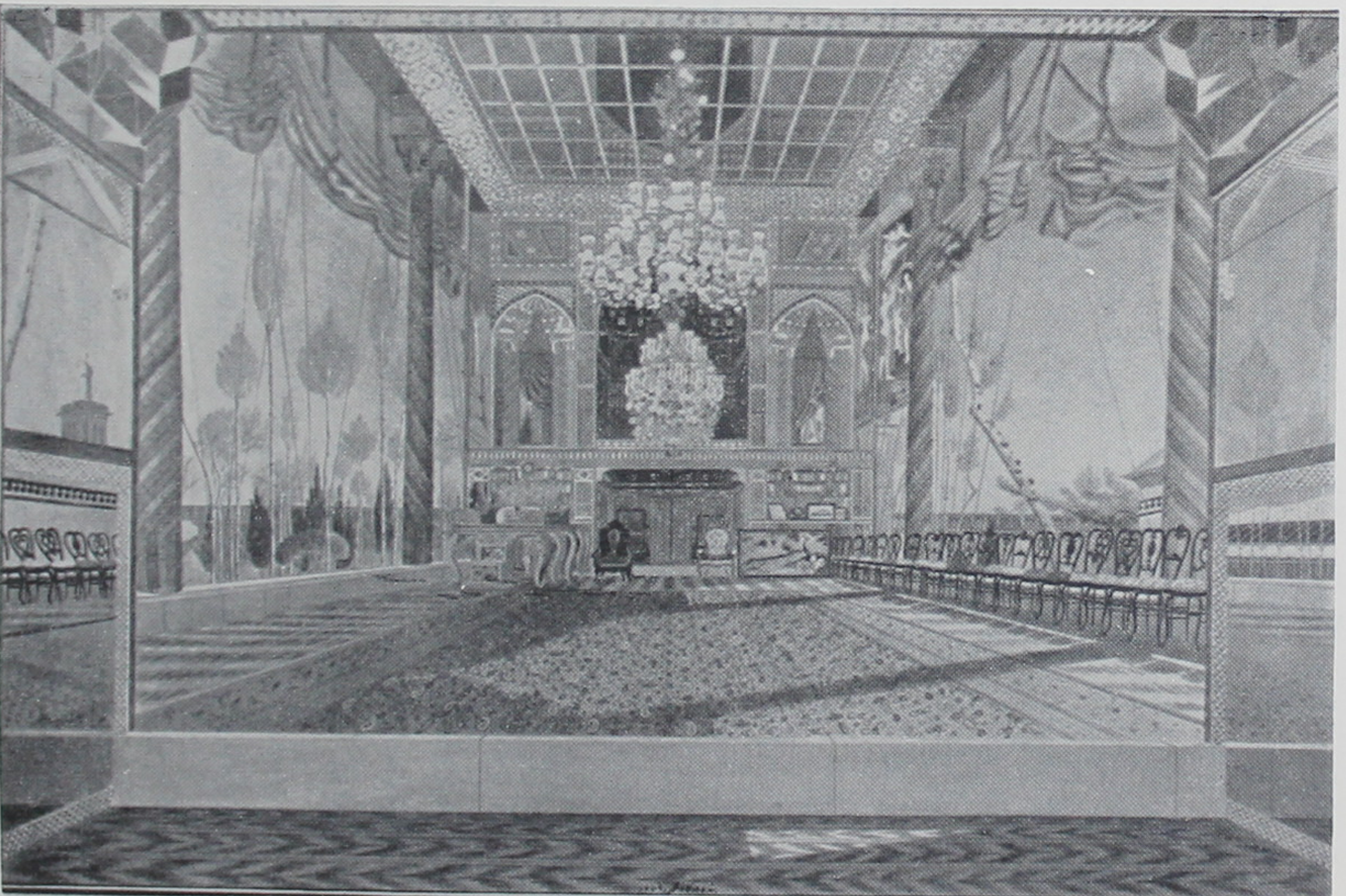
شکل ۹۹ – تصویر آبرنگ از تالار خروجی بقلم محمودخان ملك‌الشعراء بسال **۱۲۸۰** ه. ق.
این تالار تقریباً در وسط عمارت خروجی قرار داشت وشاه‌نشین آن درتصویر شماره **۹۸** بصورت برآمدگی سه‌جنبی پیداست

کردم از پیر خرد تحقیق سطح بام تو
گفت می‌باید سپهری کرد بر گردون قیاس
ارتفاع شمس را از شمسه‌ات باید همی
چون باسطرلاب بیند دیدهٔ اخترشناس
رفعتت چندانکه هر قدر آسمان سر برکشد
بشنود پایه قدرت ندای لامماس
مایهٔ ماهیت هفتم سپهر آمد پدید
دود شمعت یافت تا در زیر سقفت اجتناس
هم ز نقص رتبه چرخ از پایه‌ات در اعتذار
هم بکسب نور مهر از سایه‌ات درالتماس
روشنی هر شب ز شمع محفلت کردند وام
چشم انجم تا تـرا از چشم بد دارند پاس
گرنه شبها تا سحر بهرپاست نغنوند
از چه در هر صبح باشد چشم انجم نعاس
باوجود گرد راهت ایمن است از سکته چرخ
کاسمان‌را بردماغ از این عطوس آمد عُطاس
زنگ زنگار تو چون صیقل زداید رنگ غم
عکس‌شنجرف‌توچون شنجرف دارد روی‌یاس
بنگرد با ارغوانت رنگ زرد از چهره ورد
بشنود باضمیرانت بوی یاس از خویش یاس
شد رهت برجی پراختر آسمانی پر هلال
بس نهد بر خاك راهت رخ ملایك جبهه ناس
بر سپهر ساکنی هم مشرقست و مغربست
درگهت زآمد شد شاهنشه گـردون اساس

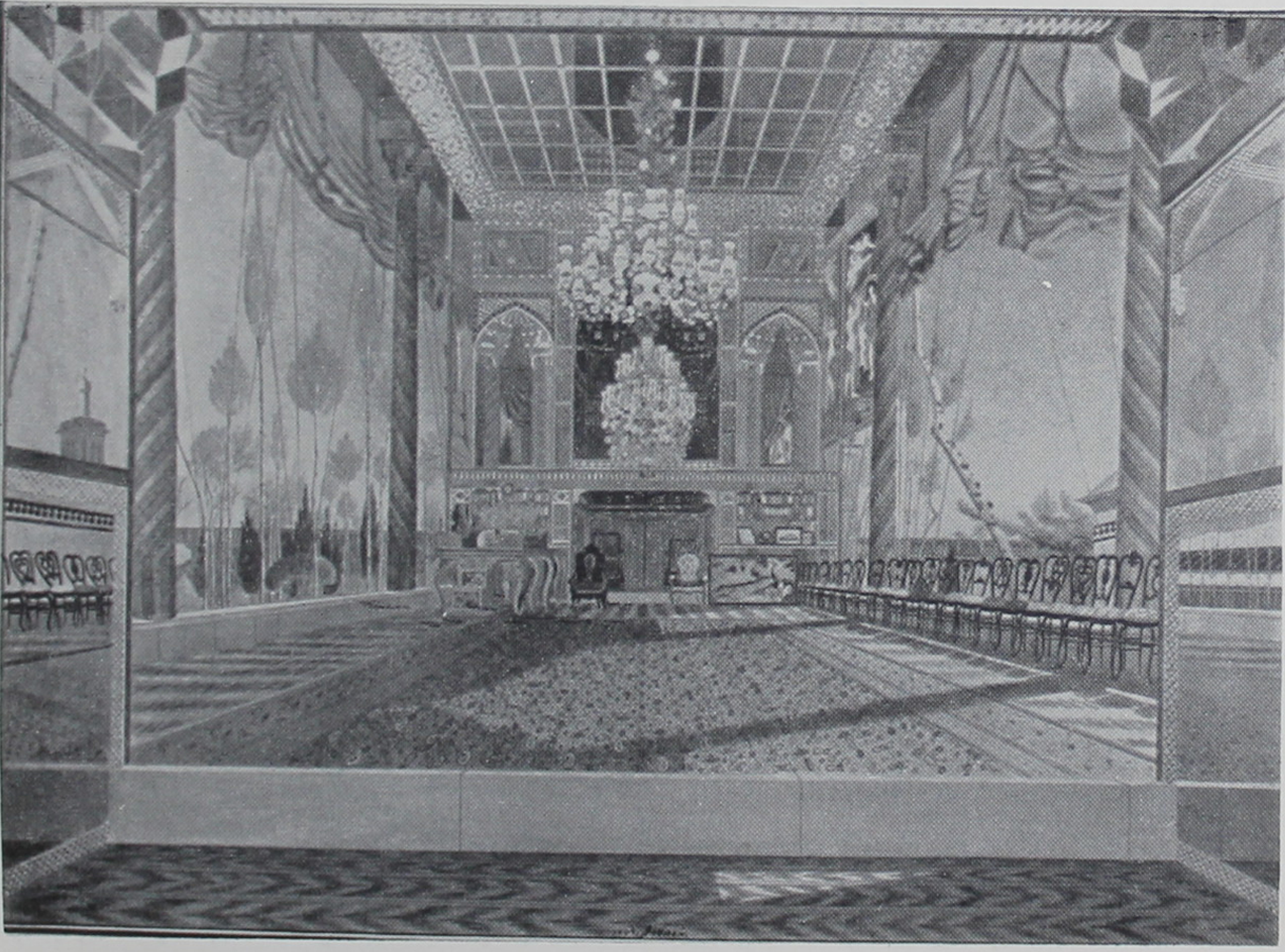
مظهر انوار حق فتحعلی‌شاه آنکه کرد
آفتاب از آفتاب چتر او نوراقتباس
آن شهنشاهی که تا شخص وی آمد در وجود
علت غائی پدیدار آمد از ایجاد ناس
گاه گردون را زنوك نیزه‌اش بر تن خطر
شیر گردون را ز شیر رایتش در دل هراس
استخوان دشمنان قوت همای دولتست
خورد از آن آمد عظام خصم‌ازاین‌گردنده‌آس
گرنه دید آنروز شیر رایتش را از چه گشت
شیرگردون‌روزوشب‌سرگشته‌چون‌گاوخراس
. . . .
چون زمعماری بخت آن خسرو جمشید تخت
کاسمان را فر کریاسش بدل آورده یاس
کرد در هر خطه بنیاد چندین بارگاه
هر یکی گردون مقام و هریکی کیوان مماس
ریخت طرح این عمارت نیز دراین گلستان
کامد اوراقش ز سبزی در تموزودی چو آس
الغرض چون یافت این عالی بنا اتمام وخواند
عرش بر فرشش درود وخلد برخاکش سپاس
از پی تاریخ سالش زد رقم کلك سحاب
«سجده‌گاه پادشاهان است این عالی اساس»

۱۲۱۶ هـ . ق.

اعتمادالسلطنه در تاریخ ۱۲۹۴ هـ . ق . در روزنامه ایران دربارهٔ این عمارت می‌نویسد :



شکل ۱۰۱ – تصویر آبرنگ تالار گلستان وتخت طاووس ، اثر محمودخان ملک‌الشعراء بسال ۱۲۷۹ هـ . ق .



شکل ۱۰۱ – تصویر آبرنگ تالار گلستان وتخت طاووس ، اثر محمودخان ملک‌الشعراء بسال ۱۲۷۹ ﻫ . ق .

«اولاً عمارت وباغ مخصوص همایونی است که درحقیقت بیست سالست متصل درآن کار میشود واین باغ بزرگ را یك عمارت طولانی دورو از وسط بدو قسمت کرده است که بهمدیگر اززیر این عمارت یعنی از درهای عالی وحوض خانه های مزین راه دارند ودراین عمارت طولانی تالار آینه گلستان واقع است که کلاً از آینه و چهارستون دارد و تخت طلای مرصع مشهور به تخت طاووس دراین تالار گذاشته شده و فقط این تالار در این قسمت از بناهای خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار طاب ثراه است لیکن برخوبی وتزیین او در این زمان بسیار چیزها افزوده شده است که هیچ دخلی بسابق ندارد ودر اعیاد بزرگ دراین تالار در روی تخت مرصع طاووس که از جواهر نفیسه زیاد مزین است جلوس می فرمایند.

طرف دست راست این تالار اطاقها و تالارهایی است که دراین اوقات مخصوص موزه دولتی شده است. دربن موزه بسیار اسباب نفیس گرانبها گذاشته شده از قبیل جواهر دولتی و غیر دولتی و اسلحه قدیم و جدید از هر قبیل واز هرجور[1] از انواع زرگریهای طلا و نقره و ظروف و اشکال و بسیار عمارت طولانی و قشنگ و پاکیزه‌یی است و همه اسبابها را در روی میزها و غیره بسیار بقاعده ودرست چیده‌اند و از مسکوکات خیلی قدیم وازاشیاء غریبه که اززیرزمین‌ها در آمده است بسیار دارد.

طرف دست چپ این تالار باز عمارتی است که محل صندوقخانه و رخت‌دارخانه خاصه همایونی است که جواهر و اشیاء گرانبها گذاشته شده است».

باز درهمان روزنامه، در جای دیگر در مورد تالار گلستان می‌نویسد:

«یکی از تالار های این عمارت سی‌وچهار قدم طول و بیست‌وپنج قدم

---

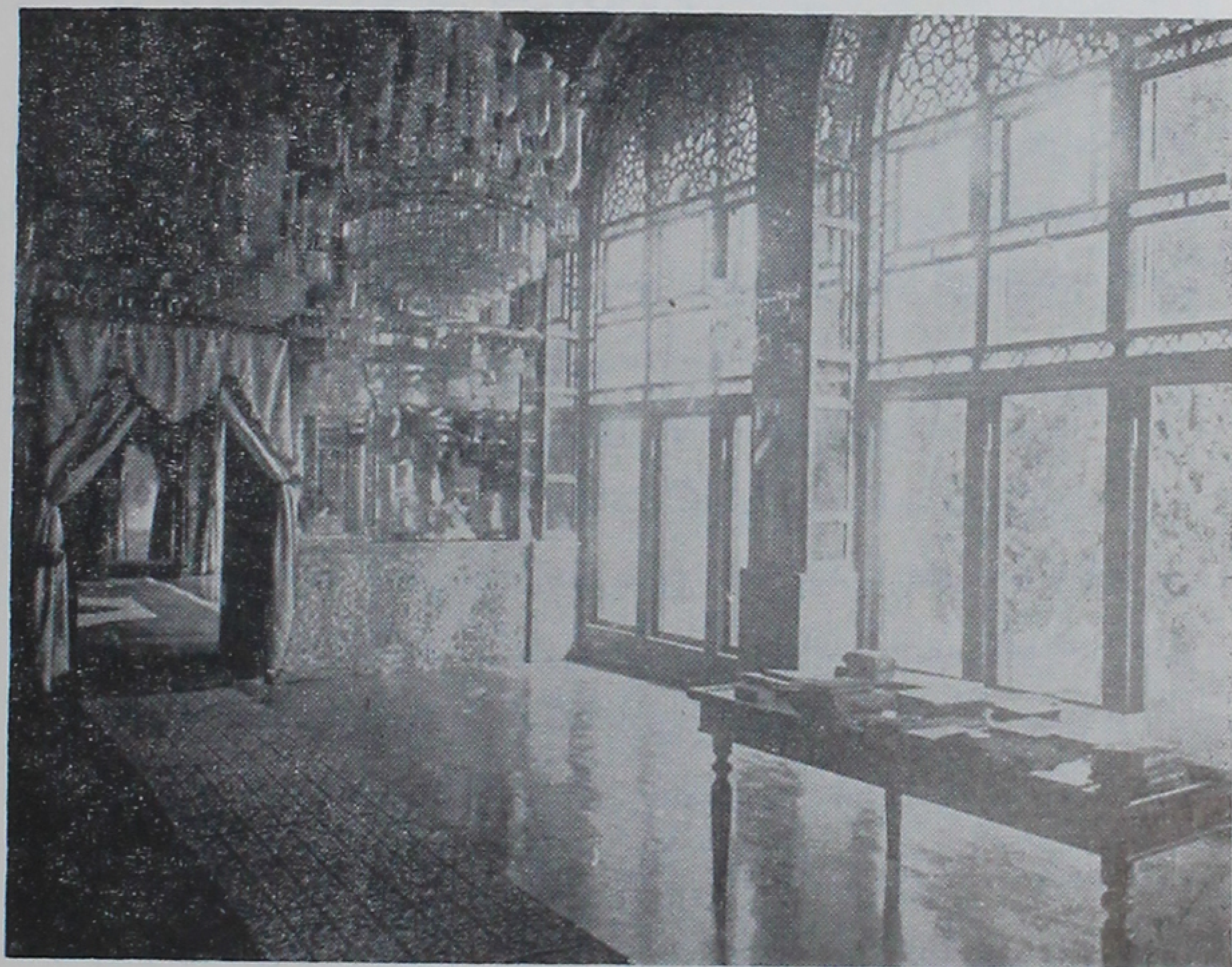
۱ – درمنتظم ناصری می‌نویسد: این اوقات (۱۲۷۰ هـ. ق.) حسب‌الامر اسلحه‌خانه مخصوصی برای اسلحه ممتازه و آلات حربیه سلطنتی بناکرده و تمام اسلحه سلاطین ماضیه واین عهد همایون‌که همه ممتاز و مزین بطلا و مرصع بجواهر وازکارهای اساتید قدیمه و جدیده بود درآنجا بنظم وترتیب گذاشتند. ج ٤ ص ۲۳۲.

عرض دارد . میز وصندلیهای عمارت کلاً از طلای خالص است و یك‌تخت مرصع بسیار بزرگ که جواهر نفیسه بسیار دارد و خیلی گران‌بهاست در این عمارت گذاشته شده است که در اغلب اعیاد ودر سلام عام بندگان اعلیحضرت پادشاهی در روی آن تخت جلوس می فرمایند» .

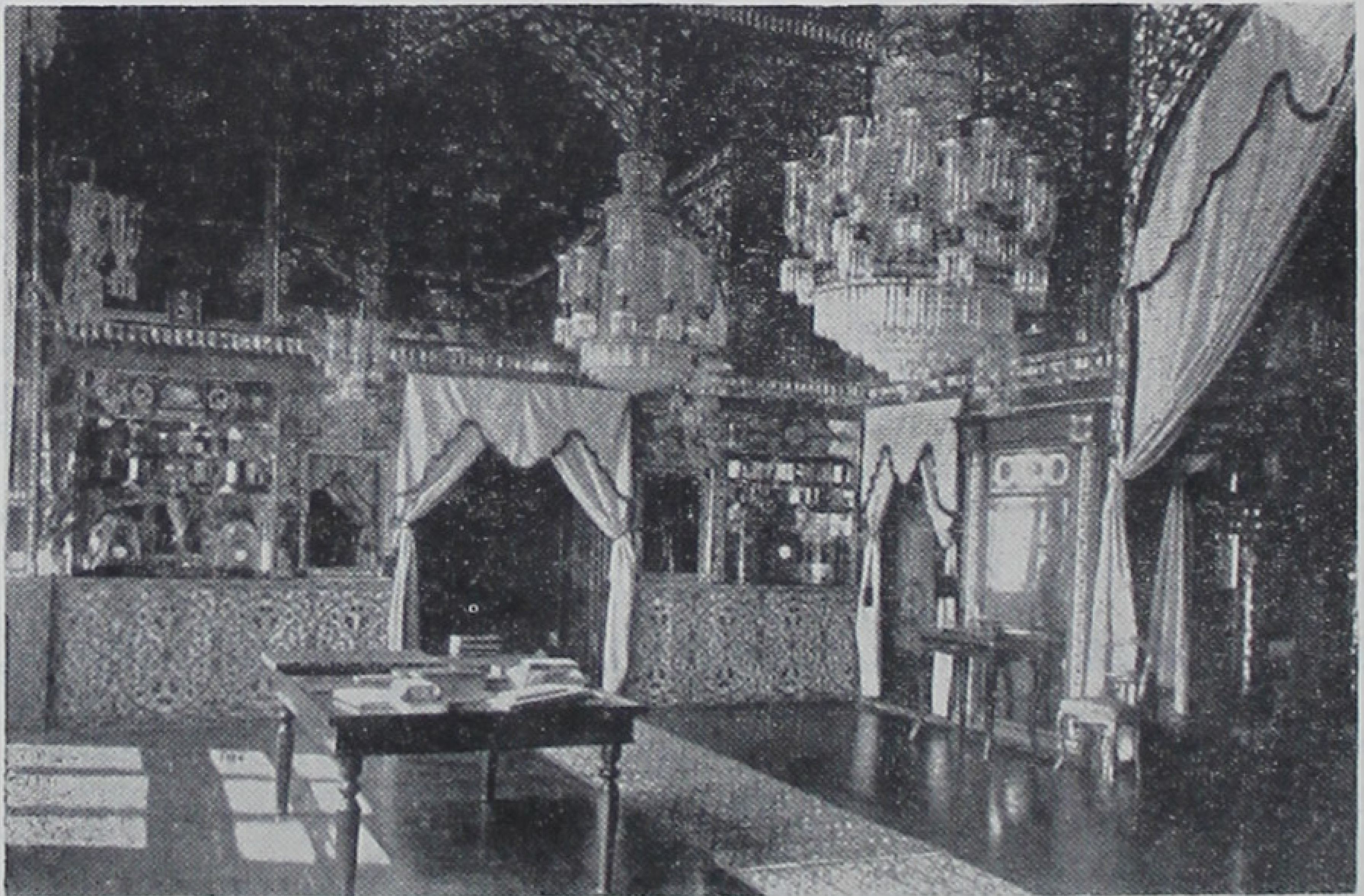
چنانکه درتاریخچه تالار موزه گفته شد ناصرالدین شاه پس ازمراجعت از سفر فرنگ چون موزه بزرگتری احداث نمود ، این بنا را در سال ۱۲۹۶ ه . ق . منهدم کرده محل آنرا تبدیل به دریاچه یا استخر بزرگی نمودند که استخر جلو عمارت بادگیر و شمس‌العماره واستخر جلو تالار آینه جدید را بهم متصل می‌ساخت . این استخر را دراوایل سلطنت رضاشاه بزرگ بعلت اینکه پشه فراوان تولید می‌کرد پرکردند ولی جای آن هنوز باقی وپیداست .

دراینجا لازم است یادآوری کنیم که نام کاخ گلستان از نام اطاق یا تالار «گلستان» فتحعلی‌شاهی که درعمارت خروجی بود گرفته شده و ازطریق اطلاق جزء به کل سپس همهٔ کاخهای سلطنتی را با این نام خوانده‌اند ، ولی گاهی تالار آینه جدید را نیز تالارگلستان می‌گویند .

خوشبختانه درمیان نقاشیهای آبرنگ محمود خان ملك‌الشعرا منظره‌یی وجود دارد که در سال ۱۲۷۹ ه . ق . از تالار آینه گلستان نقاشی کرده و محل وموقع‌آنرا بخوبی‌نشان داده‌است (ش۱۰۱) . بدین‌معنی‌که درقسمت جلو تابلو در روی‌آینه‌های طرفین، درسمت چپ عکس یکی‌ازبادگیرها ودرسمت راست عکس نارنجستان بخوبی تشخیص داده می‌شود و چنانکه اعتمادالسلطنه هم نوشته است درگوشه سمت چپ تصویر تالار که بصورت ایوان چهارستونی بوده تخت طاووس قرار داردکه بعدها بتالار آینه جدید منتقل گردید .



شکل ۱۰۲ - تالار جلو عمارت برلیان معروف به حوض بلور واقع درعمارت خروجی



شکل ۱۰۳ - تالار جلو تالار برلیان که درعمارت خروجی قرار داشت

شمس‌العماره

شمس‌العماره یکی از بناهای مرتفع و مشخص و جالب تهران قدیم است. گویا ناصرالدین شاه قبل از سفر اروپا براثر دیدن تصاویر بناها وآسمان خراشهای کشورهای غربی، تمایلی پیدا می‌کند بنای مرتفعی نظیر بناهای فرنگستان درپایتخت ممالك محروسه خود ایجاد نماید تا از بالای آن خود و زنانش بتوانند منظره شهر تهران و دورنمای اطراف را تماشا کنند. شاه در حدودسال ۱۲۸۲ ه. ق. این قصدخودرا بادوستعلی‌خان نظام‌الدوله معیرالممالك درمیان می‌نهد واورا برای ساختن چنین بنایی درسمت شرقی ارگ سلطنتی مأمور می‌کند.

معیرالممالك بزودی بوسیله استادان و معماران ماهر آن زمان[1] طرح عمارت را ریخته وپی‌کنی آنرا شروع می‌کند. ساختمان آن پس از دوسال یعنی درسال ۱۲۸٤ ه. ق. بپایان میرسد و آنرا شمس‌العماره نامیده تاریخ بنایش‌را بحساب جمل «کاخ شاهانشاه» می‌یابند.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران در سال ۱۲۹٤ ه. ق. درباره این کاخ می‌نویسد:

۱- طرح و نقشه شمس‌العماره گویا از خود معیرالممالك و معماری آن با استاد علی محمد کاشی بوده‌است. دوستعلی‌خان نظام‌الدوله معیرالممالك، فرزند حسینعلی خان معیرالممالك (متوفی بسال ۱۲۷٤ ه. ق.) و پدر دوست محمدخان معیرالممالك (داماد ناصرالدین‌شاه) و جد دوستعلی خان معیرالممالك اخیر (نویسندهٔ کتاب «یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه») است. مرحوم عباس‌اقبال درصفحه ٦٧ شماره نهم ودهم سال‌چهاردهم مجله یادگار باشتباه خود دوستعلی‌خان نظام‌الدوله را شوهر عصمةالدوله وداماد ناصرالدین‌شاه پنداشته درحالی‌که او پدر داماد شاه بوده است.

«. . . . . اولاً عمارت شمس‌العماره است که بسیار مرتفع واز بناهای بسیار عالی این دولت جاوید شوکت می‌باشد . تالارهای آینه وستونهای بلند بزرگ از مرمر و ازاره و پله‌ها نیز کلا ازمرمر و مراتب زیادی الی بالای عمارت دارد . چهل ذرع ارتفاع این عمارت است و دو برج دارد با یك مهتابی که روی برجها نشیمن عالی ساخته‌اند برای تفرج ، وقتی‌که بالای آن برجها می‌روند شهر تهران و اطراف و کوه‌ها و صحراها کلا پیدا و چشم‌انداز بسیار خوب وبا روحی دارد درکمال خوبی می‌توان دید. حتّی‌همه دره‌ها وآبشارهای کوهها پیداست ودرین عمارت هم از اسباب واشیاء نفیسه بسیار است و ساعت بزرگی دربالای این عمارت می‌باشد که صدای زنگ آن دراکثر مواضع شهر شنیده می‌شود» .

باز همو در الماثر والآثار می‌نویسد :

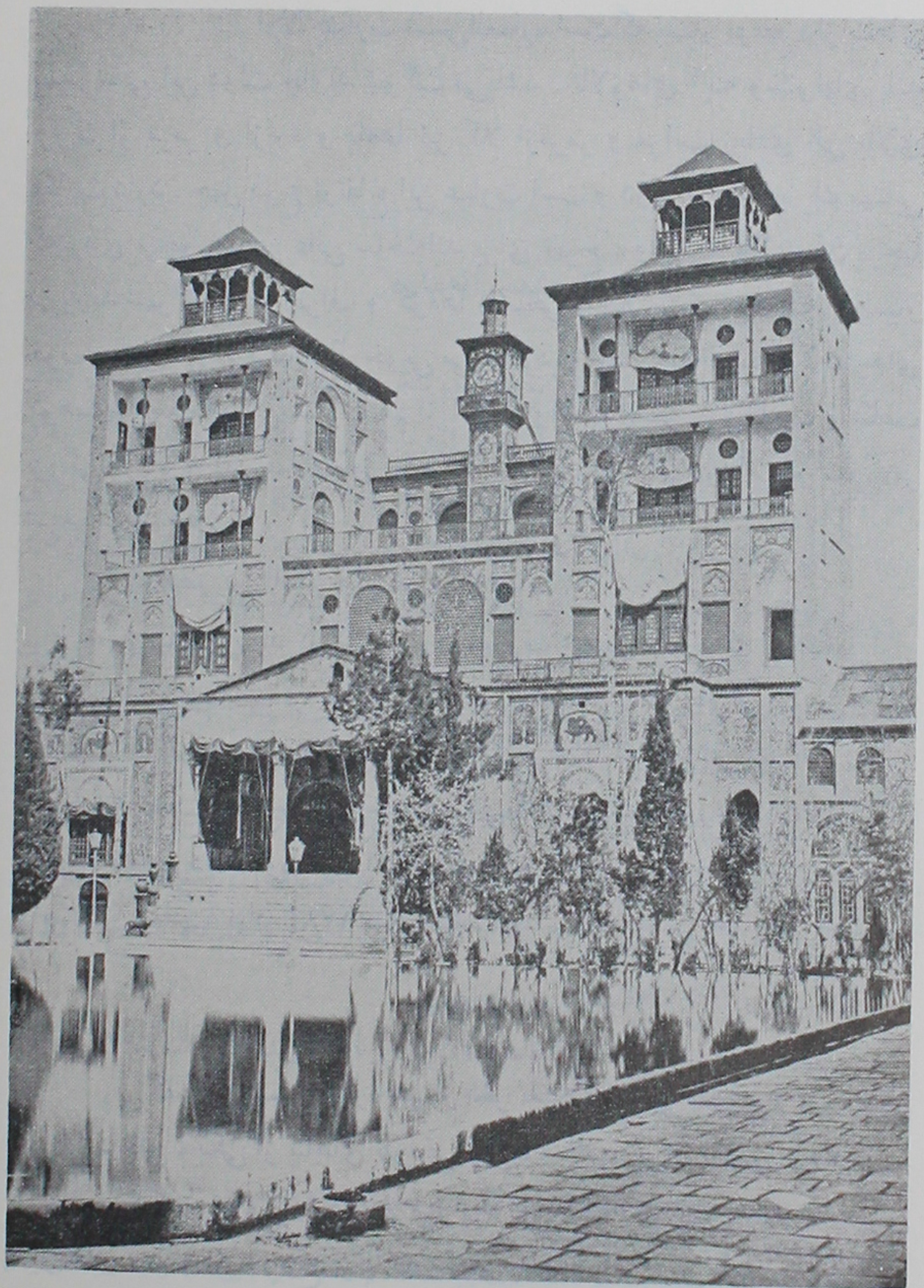
«بنیان و بنیاد کوشك مبارك معروف شمس‌العماره که از عظایم آثار این شهریار وامتیازش بر جمیع ابنیه تهران بلکه ایران اظهرمن‌الشمس است مشتمل بر طبقات خمس . واین یادگار بزرگوار چنانکه دراوایل این باب . . . . اشارت‌شد بدستیاری دوستعلی‌خان معیرالممالك بسبك قصورعمارات‌فرنگستان طرح ریخته وپرداخته وبناء برداشته و افراخته شده است تاریخ تأسیس آن بنیاد واین اثر سعادت نهاد ۱۲۸٤ سال بیست‌ویکم از جلوس همایون است[۱]».



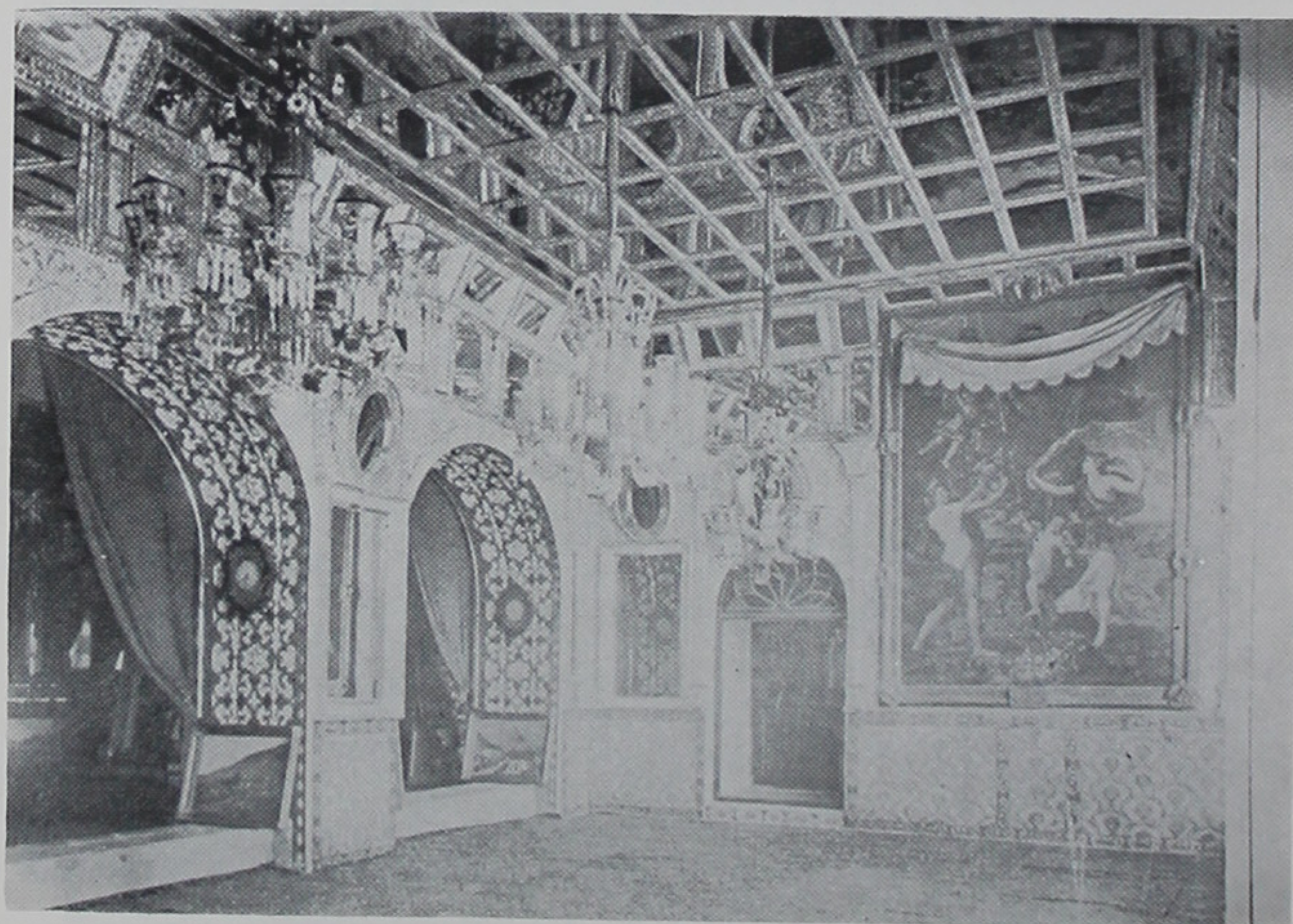
بی‌گفتگو شمس‌العماره هم از نظر نقشه و شکل ظاهری و هم ازنظر آرایش داخلی ، یکی از بناهای تاریخی و زیبا وجالب تهران است و آینه‌کاریها و نقاشیها وگچ‌بریهای ازاره‌ها و دیوارها و سقف‌های آن از حیث نمایش شیوه‌های مختلف و متنوع تزئینات داخلی بناها درایران بی‌نظیر است و جای

---

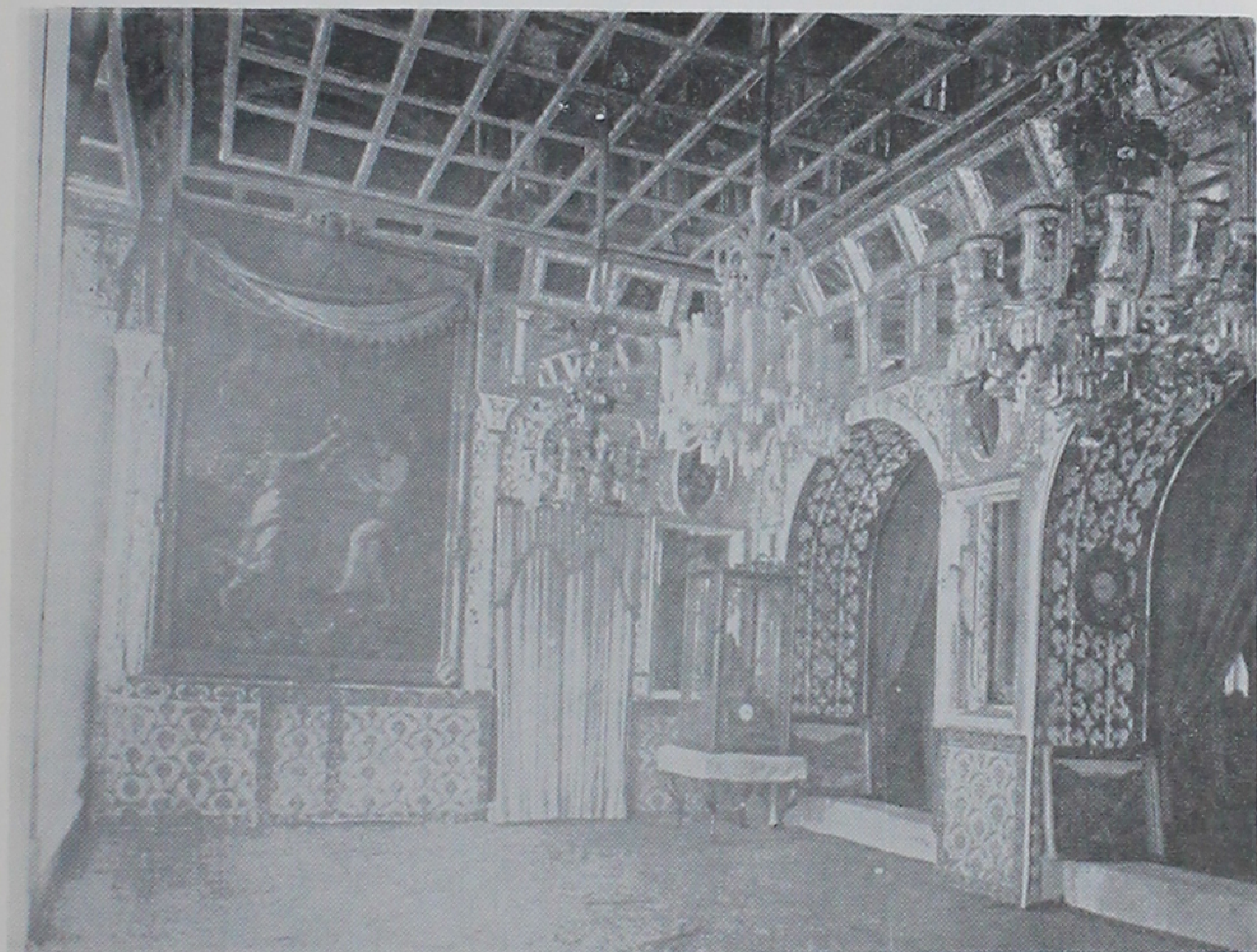
۱ - المآثر والاثار ص . ۷۳ .



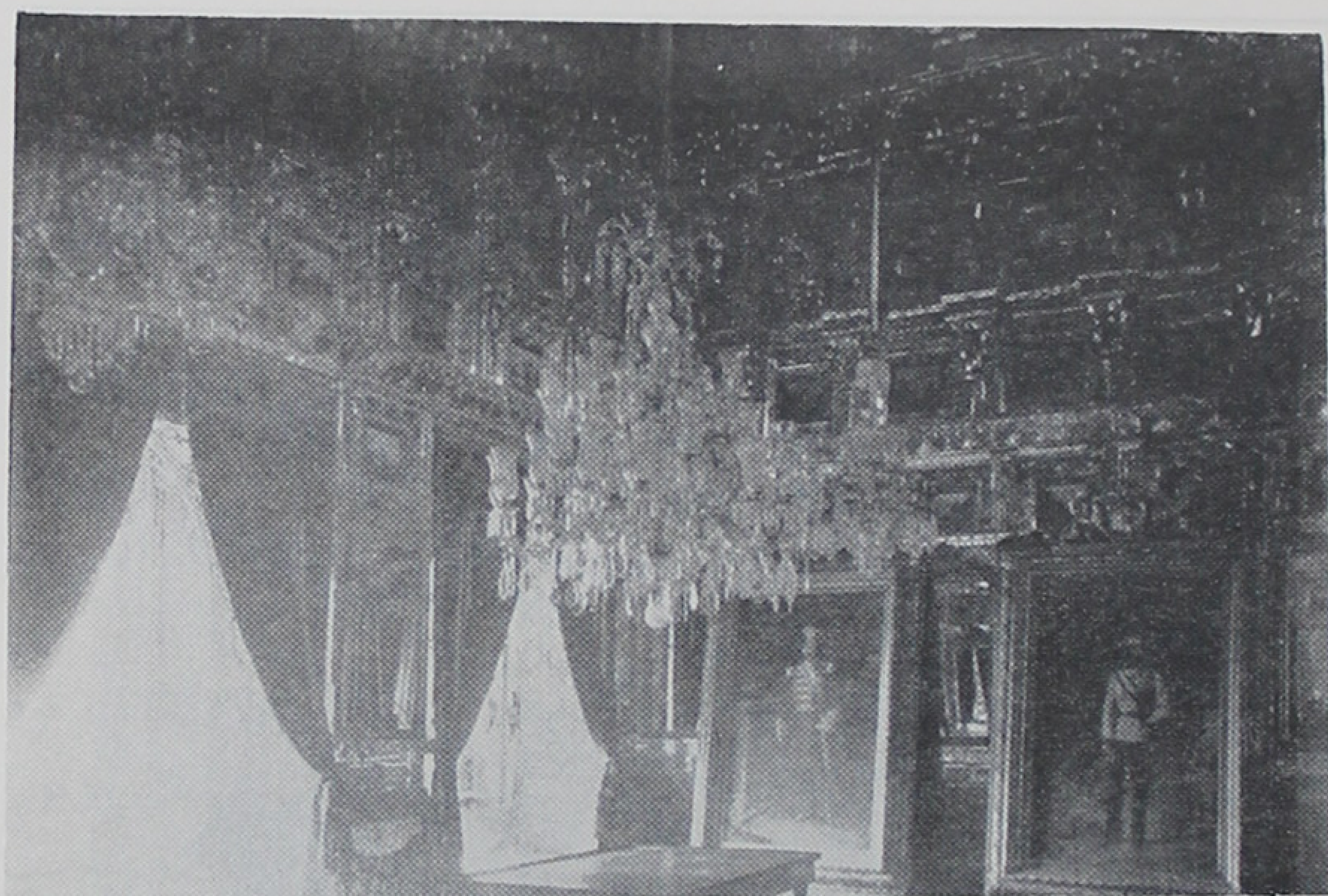
شکل ۱۰۴ – شمس‌العماره در زمان ناصرالدین‌شاه .



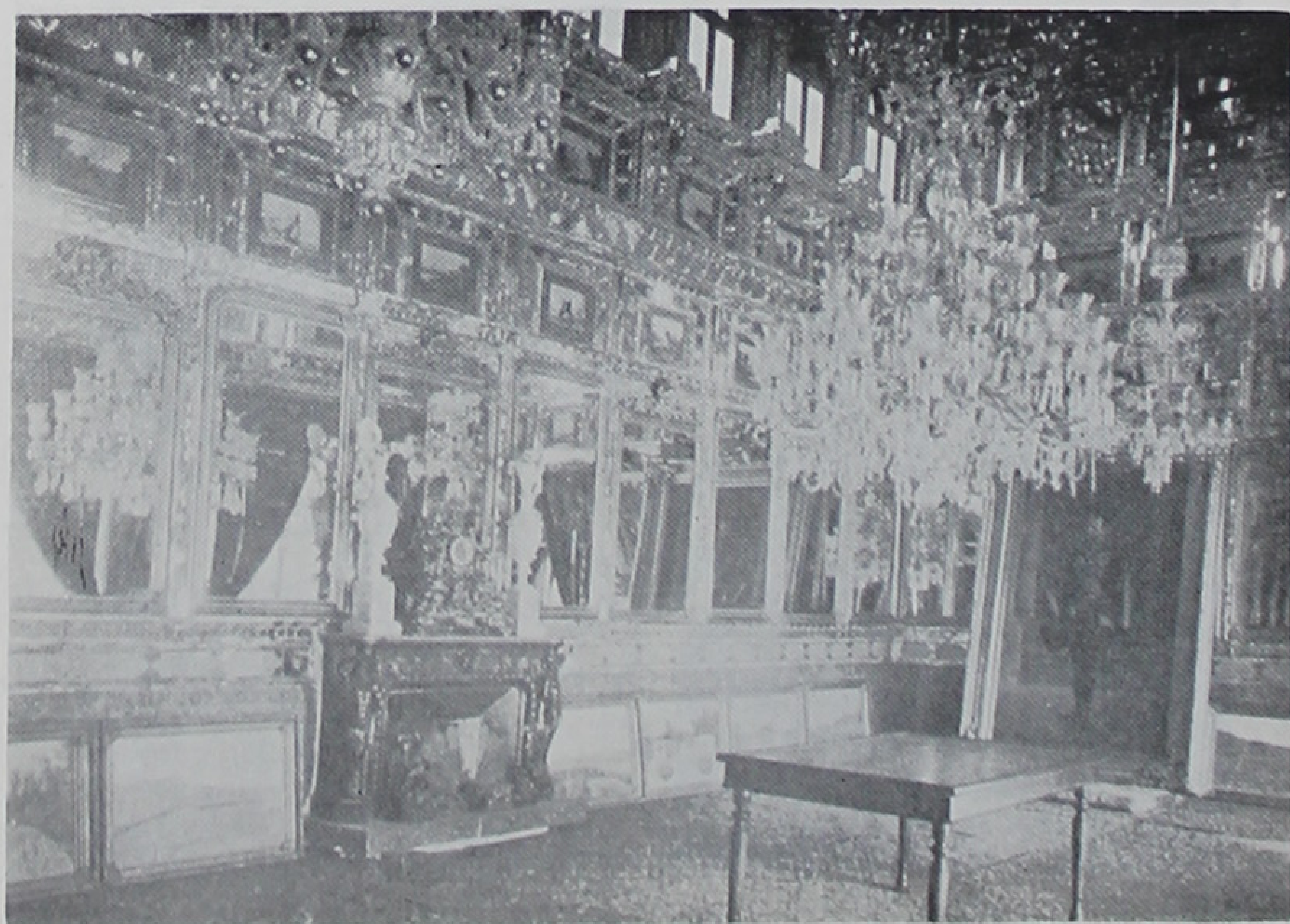
شکل ۱۰۵ - یکی از تالارهای شمس‌العماره



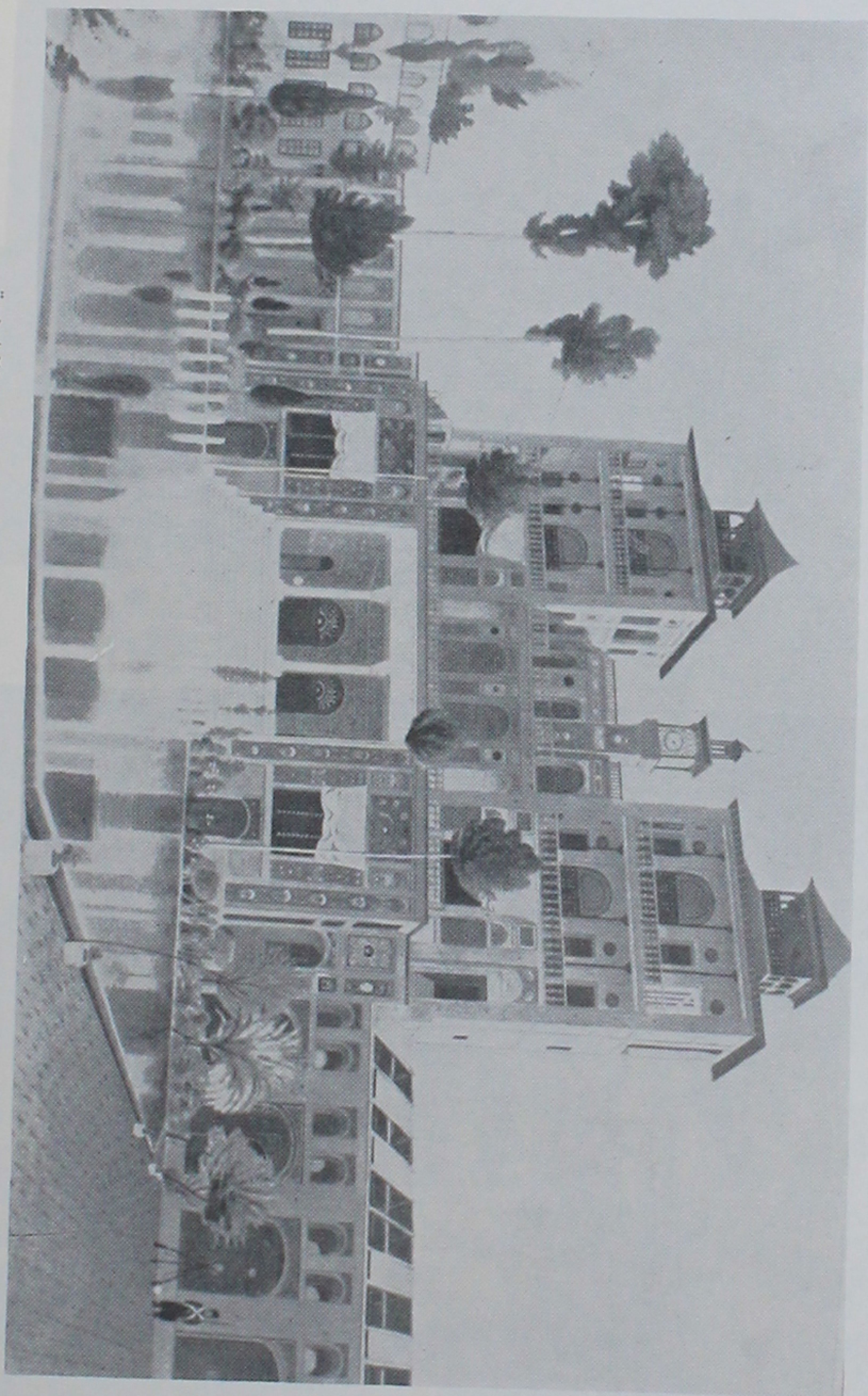
شکل ۱۰۶ – قسمتی دیگر از همان تالار



شکل ۱۰۷ - گوشه‌یی از یکی از تالارهای شمس‌العماره



شکل ۱۰۸ - یکی‌از تالارهای شمس‌العماره باگچ‌بریها و آیینه‌کاریهای زیبای آن



شکل ۱۰۹ – تصویر آبرنگ شمس‌العماره، اثر محمودخان ملک‌الشعراء مورخ ۱۲۸۵ ه‍.ق.

آن دارد که از نظر حفظ نمونه و موردی برای مطالعه معماری وتزیینات داخلی آن دوره از تاریخ ایران درنگاهداری و مرمت آن دقت و همت بیشتری بخرج بدهند و نگذارند این اثر جالب از بین برود .

این ساختمان را معیرالممالك بخرج خود ساخته و بعلتی که بهترست از نظر تکمیل تاریخچه بنا شرح آنرا از زبان نواده‌اش دوستعلی خان معیرالممالك بشنویم ، تقدیم ناصرالدین‌شاه کرد .

می‌گوید : «حاج میرزاحسین‌خان سپهسالار که با معیرالممالك نرد مخالفت می‌باخت نهانی چندتن را برآن گماشت تا صورت مخارج بنای مزبور را با دقت بردارند ودر آخر کار آن را برای مقابله با سیاهه تقدیمی معیربدست شاه داد و ضربتی کاری بکار رقیب خود برد .

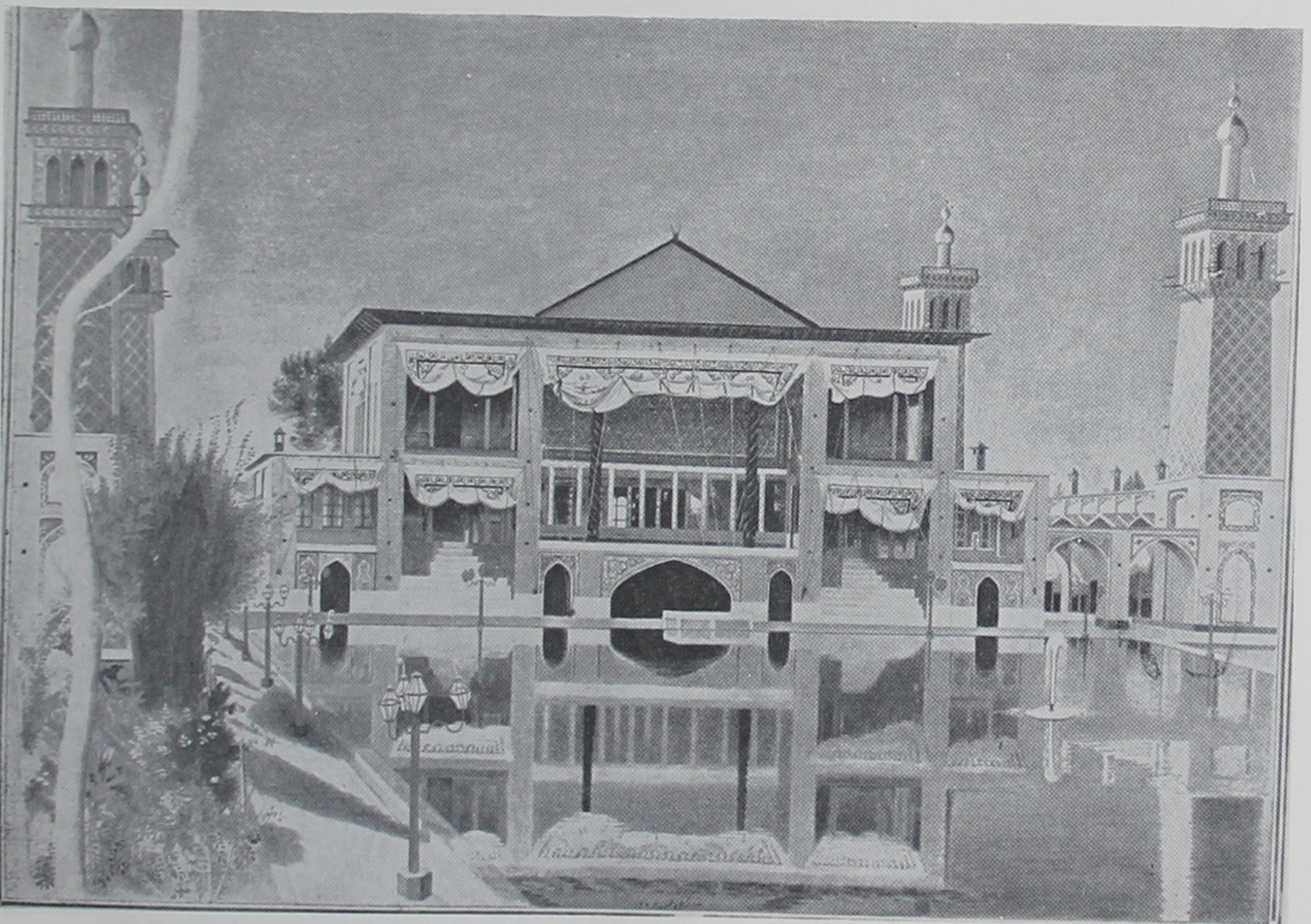
پس از دوسال بنای شمس‌العماره بپایان رسید و مخارج آن از هرجهت با اثاثه و فرش و غیره به چهل هزارتومان بالغ گردید ، روزی را جشن گرفتند وشاه رسماً بعمارت مزبور آمد وحاج میرزاحسین‌خان هم برای مشاهده نتیجه نقشه خود حضور بهمرسانید شعرا با مدیحه‌های آبدار مقدم خسروانه ومیمنت بنای تازه را تبریك گفتند و شاه پس از بازدید اطاقها و تمجید بسیار رو بمعیرالممالك نموده گفت «فی‌الواقع بنای زیبا وباشکوهی‌است ولی باید برای دولت گران تمام شده باشد ؟» معیر عرض کرد : قربان برای چاکر گران تمام شد ، زیرا بنا تقدیم خاکپای همایونی و طومار آن اینست که ازنظر مبارك می‌گذرد وگامی پیشتر نهاده صورت مخارج را بدست شاه داد ، سلطان از شنیدن این سخن تغییرقیافه داده وبی‌اختیارنگاه خشمناك بحاج‌میرزاحسین‌خان افکند که معناً ازنظر حضار پوشیده نماند . . . . . .» .

عمارت بادگیر

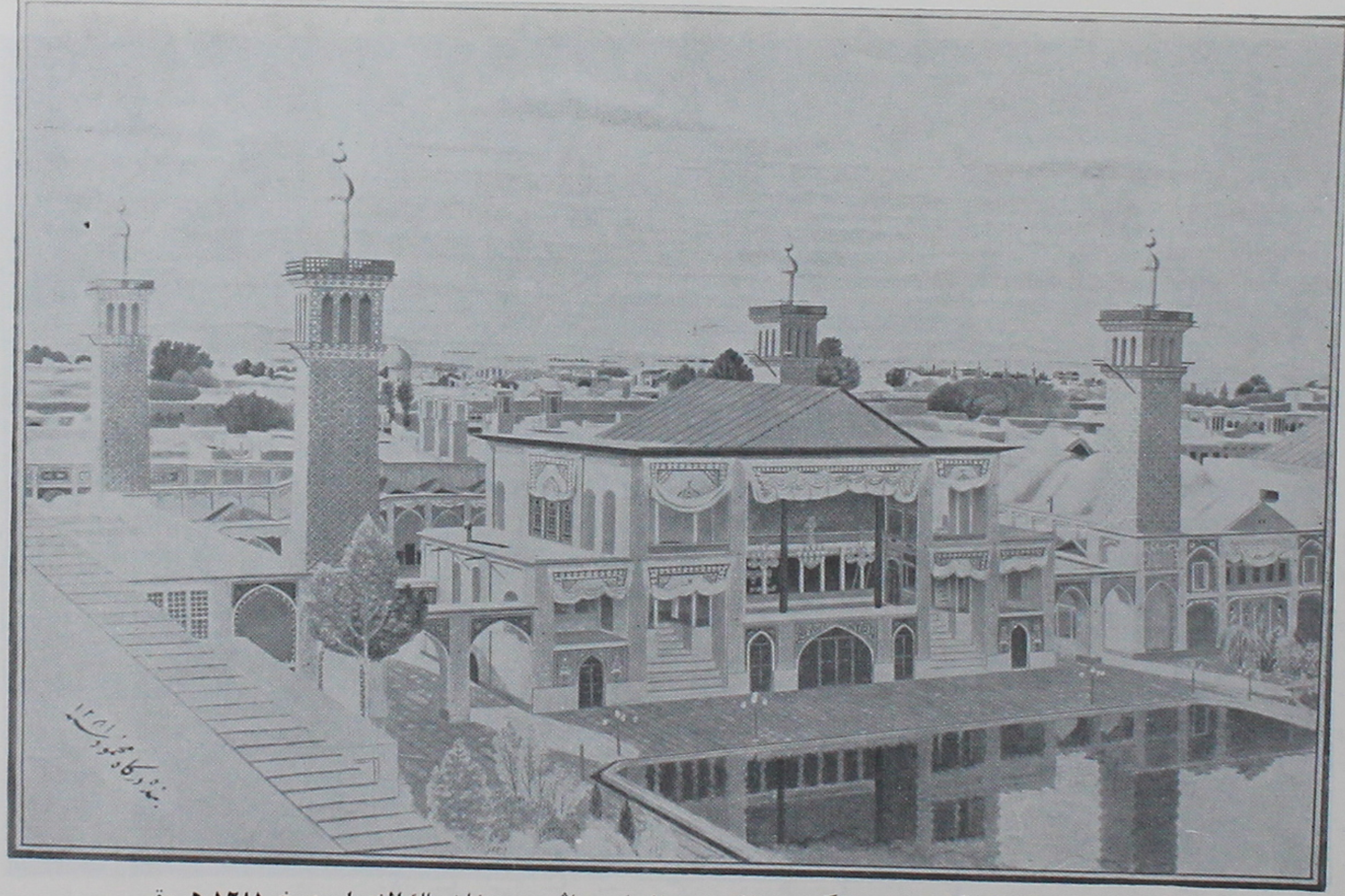
عمارت بادگیر درزمان فتحعلی‌شاه در ضلع جنوبی باغ گلستان ساخته شده ولی درزمان ناصرالدین‌شاه توسط حاج‌علیخان حاجب‌الدوله تصرفات عمده‌یی در آن انجام گرفت و بشکل امروزی درآمد و حتی این تغییرات وتصرفات درسالهای بعد نیزادامه‌یافت . با مقایسهٔ تابلوهای آبرنك بسیارزیبایی که محمودخان ملك‌الشعراء درسالهای ۱۲۷۸ و ۱۲۸۱ هجری قمری از این عمارت نقاشی کرده و عکسهایی که بعدها از آن گرفته شده است می‌توان چگونگی بعضی ازاین تغییرات را معلوم داشت .

عمارت بادگیرگذشته از گوشواره‌های زیبا وبالاخانه‌ها و دهلیزها ، دارای تالار بزرگی است که ارسی‌ها وستونها ودیواره‌ها و سقف‌آن تماماً با نقاشی وزرنگاری و آینه‌کاری و گچ‌بری و منبت کاری و مرمر پوشیده شده وازاین حیث یکی ازتالارهای پرکار و زیبا وجالب عمارات سلطنتی‌قدیم بشمار میرود .

در زیر تالار وعمارت مزبور حوضخانه وسیعی وجود دارد که در چهارگوشه آن چهار بادگیر بلند از کاشی‌های معرّق آبی و زرد و سیاه با قبه های زرین قرار گرفته و هوای حوضخانه وتالار واطاقها بوسیله آنها بخوبی خنك می‌شود . سابقاً درمیان حوضخانه حوضی مرمرین وجود داشته و آب بوسیله نهری از کاشی آبی درآن جاری می‌شده‌است واینك برای جلوگیری از نفوذ رطوبت وانهدام بنا سالهاست جریان آب آن قطع گردیده است .



شکل ۱۱۰ – تصویر آبرنگ عمارت بادگیر ، اثر محمودخان ملک‌الشعراء مورخ ۱۲۷۸ ه. ق.



شکل۱۱۱ – تصویر آبرنگ عمارت بادگیر ازبالای شمس‌العماره . اثرمحمودخان ملک‌الشعراء مورخ ۱۲۸۱ ه. ق

پادشاهان سابق معمولا اگر درایام تابستان بسببی درتهران بودند وبه ییلاق نمی‌رفتند ، ازاین حوضخانه استفاده می‌کردند وتاج گذاری مظفرالدین‌شاه نیز که مصادف با تابستان وگرمای شدید تهران بود ، درتالار همین عمارت بر روی تخت طاووس برگزار گردید .

بنا برنوشته معیرالممالك درزمان ناصرالدین شاه در حوضخانه این عمارت «انواع طیور زیبا . . . . رهاکرده بودند ، در یك طرف عمارت مزبور نیز لانه و قفسهایی ساخته وپرندگان بسیار از هرقبیل در آن گرد آورده بودند وگاه هنگام دانه دادن بآنها شاه آمده بتماشا می‌ایستاد و با همراهان سخن از صید طیور و طرز بدام آوردن آنها میراند» .



شکل ۱۱۲ ــ عمارت بادگیر واستخر مقابل آن با قوها و قایق .

تالار الماس

درسمت جنوبی محوطه باغ گلستان بعدازعمارت بادگیر تالارالماس قرار دارد که از قسمت های قدیمی وکهن ارگ سلطنتی است . بنیاد واساس این تالار در زمان فتحعلی‌شاه نهاده شده و شکل وتقسیمات ودرها و پله‌ها و مقرنس کاریهای آن شیوه ساختمانهای زمان او را دارد ولی در زمان ناصرالدین شاه تغییراتی در ظاهر و تزئینات آن داده‌اند . این بنا بمناسبت آینه‌کاریهای داخلیش بنام الماس خوانده شده و شامل یك تالار بزرگ و اطاقهای گوشواره ودهلیزها و بالاخانه‌ها وپستوهای متعددیست . درزیر تالار نیزحوضخانه یا زیرزمین وسیعی وجود دارد . درسه طرف تالار بالاتر از رفها بسبك بناهای عهد فتحعلی شاه سه ایوانچه آینه‌کاری مقرنس وطاقنماهای باریك و کشیده ساخته شده و سمت شمالی تالار با ارسی‌های بزرگ که دارای شیشه‌های رنگین زیبایی است پوشیده شده است .

اغلب طاقها و طاقنماهای جناغی این تالاررا مانند بسیاری از طاقهای دیگر کاخ گلستان ، در عهد ناصرالدین شاه به طاقهای قوسی یا رومی تبدیل کرده و دیوارهای تالار را با انواع کاغذ دیواری خارجی پوشانیده‌اند . قدیمترین اثر درتالارمقرنسهای آینه‌کاری شدهٔ ایوانچه سمت جنوبی تالاراست که ازبقایای آثار عهد فتحعلی‌شاهست .

تکیه دولت

«تکیه»ها مانند «خانقاه»ها از زمانهای بسیار پیش در ایران شناخته و معروف بودند و معمولاً صوفیان و درویشان در آنجا گرد آمده به اجرای مراسم و آداب مخصوص بخود قیام می‌نمودند. چون یکی از اصول مورد علاقه متصوفه سماع و رقص‌های صوفیانه بود، ازاینرو در نقشه وساختن این قبیل مکانها الزاماً در وسط بنا فضا و محل نسبةً وسیعی را برای رقص و چرخش وجست و خیز ایجاد میکردند و معمولا در همین قسمت از تکیه‌ها کرسی و تخته‌بند قطب یا مرشد را نیز می‌نهادند واو ازآن محل برای جمع صوفیان مجلس می گفت ومسائل تصوف را تعلیم میداد.

بنابراین تمایل بایجاد محوطه های وسیع مربع ویا مدور در وسط تکیه‌ها و خانقاه ها درایران وترکیه و شامات و مصر از روی همین نیاز وبرای اجرا و برپا داشتن این‌قبیل آداب و مراسم پدید آمده و معمول گردیده است وشاید دراتخاذ شکل‌مدور برای بناوفضا وسط‌تکیه‌ها طرح مدوریا هشت‌ضلعی گود زورخانه‌ها وغرفه های اطراف آن نیز بی‌اثرنبوده است.

بهرحال در زمانهای بعد که شریعت و طریقت یا مذهب و تصوف درهم آمیخت و وجه تمایز آنها رفته‌رفته از میان برخاست از تکیه‌ها برای برگزاری مراسم مذهبی نیزاستفاده شد ونخست درآنها به روضه‌خوانی‌واجرای گفتگوها وبالاخره نمایش‌های بسیارساده پرداختند و چون این قبیل نمایشها سخت مورد

توجه‌وپسند مردم وتماشاگران قرار گرفت، روزبروزبررواج وتشریفاتش افزود، تا جایی‌که در دوره ناصرالدین شاه چون شخص او ودرباریانش مشوق و طرفدار این طرز عزاداری بودند تشکیلات مفصلی بـرای «شبیه‌گردانی» پدید آمد وکار تکیه‌ها رونقی فراوان یافت .

بموجب مدارکی که در دست داریم درحدود سال ۱۲۸۵ هـ . ق . در تهران بیش ازسی‌تکیه دایر بوده و بعدها ده پانزده تکیه نیز بر آنها افزوده شده تعداد آنها به چهل الی چهل‌وپنج تکیه رسید[۱] که بعضی از آنها هنوز هم با نام قدیم خود باقی وبرقرار است .

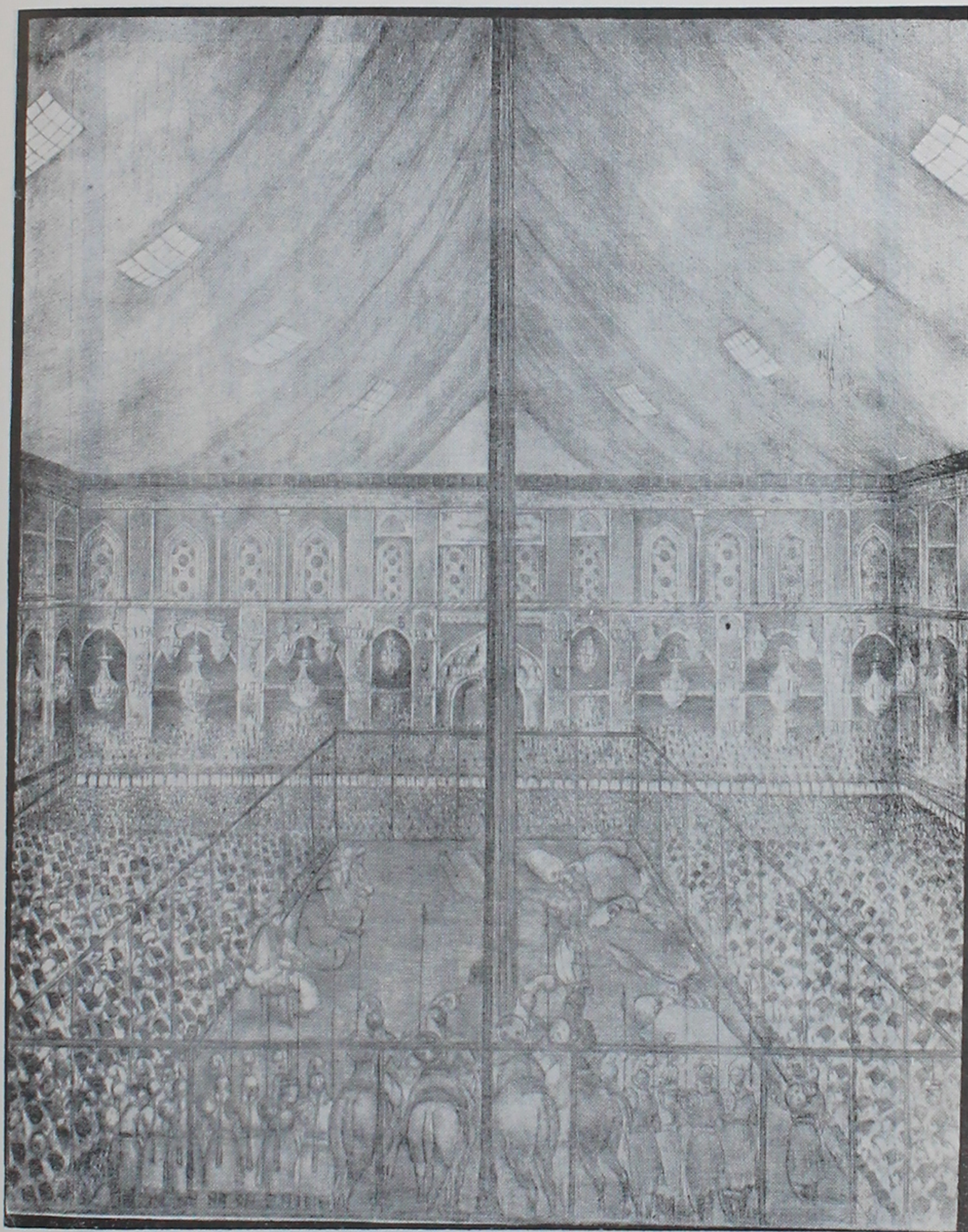
معتبرترین ووسیع‌ترین تکیه‌های تهران که تعزیه های دولتی درآن برگزار می‌گردید تکیه «حاج میرزا آغاسی» بود که تکیه «عباس‌آباد» نیز نامیده می‌شد . چون استقبال شدید مردم بخصوص زنان از این نمایشهای مذهبی وتنگی و کوچکی فضای تکیه عباس‌آباد لاجرم ازدحام وناراحتی‌تولید می‌کرد وکار اجرای شبیه‌گردانی را مختل میساخت واقتضای زمان و اوضاع نیز تکیه بزرگتر و وسیع‌تری‌را طالب بـود ، از اینرو در سال ۱۲۸۳ هـ . ق . ناصرالدین‌شاه ضمن‌دادن دستورشروع‌بنای شمس‌العماره اوامری‌نیزبرای‌ایجاد

---

۱ – نام تکیه‌های معروف آنزمان بدینقراراست : ۱ – تکیه حاج رجبعلی ۲ – میرزا حسین حکیم‌باشی ۳ – زنبورکخانه ٤ – درخونگاه ٥ – دباغخانه ٦ – منوچهرخان ۷ – رضاقلی‌خان ۸ – عباسعلی ۹ – قمی‌ها ۱۰ – حیاط شاهی ۱۱ – سهراب‌خان ۱۲ – میران ۱۳ – همت‌آباد ۱٤ – حاجی باقر ۱٥ – چهل‌تن ۱٦ – آقا بهرام ۱۷ – مدرسه ۱۸ – مسجد حوض ۱۹ و ۲۰ – افشارها (دو دستگاه) ۲۱ – نوروزخان ۲۲ – سرپولك ۲۳ – کرمانیها ۲٤ – خدآفرین ۲٥ – عودلاجان ۲٦ – زرگرها ۲۷ – لوطی علیخان ۲۸ – پهلوان شریف ۲۹ – ملاقدیر ۲۹ – عربها (دروازه شاه عبدالعظیم) ۳۱ – خلجها ۳۲ – خشتی ۳۳ – هفت تن ۳٤ – دانگی ۳٥ – حاج‌میرزاآقاسی ٤٦ – قاطرچیها ۳۷ – حمام خانم ۳۸ – صاحب دیوان ۳۹ – ابوالقاسم شیرازی ٤۰ – پیرزن ٤۱ – عربها (محله عربها) ٤۲– بربریها ٤۳– وزیر ٤٤– سیدنصرالدین یا ناصرالدین . (این تکیه درمحله ملك‌آباد جنب امامزاده توسط محمد ابراهیم خان معمارباشی‌دائی‌کامران میرزاکه بعداً وزیر دارالخلافه گردید ساخته‌شده‌است) . ٤٥ – تکیه سلطنت‌آباد ٤٦ – تکیه نیاوران .



شکل ۱۱۳ – منظره‌یی ازشبیه‌خوانی ومراسم سادهٔ تعزیه درایران ، اثر وایدنباخ درسالهای ۷۸ – ۱۳۷۷ ه. ق.



شکل ۱۱٤ - تکیه سلطنت‌آباد درسال ۱۲۷۶ ه. ق. نقل از روزنامه دولت علیه ایران

وتأسیس تکیه بزرگی در داخل ارگ سلطنتی به دوستعلی‌خان معیرالممالك صادر کرد[۱].

برای محل‌بنای تکیه جدید قسمتی از دوستاق‌خانه دولتی (زندان) و سیاه‌چال که محل آن گرمابهٔ مخروبهٔ متروك و مرطوبی بود و از بدترین اقسام محبس شمرده می‌شد و همچنین محل عمارات مسکونـی شادروان میرزا تقی‌خان امیرکبیر که درهمین قسمت قرار داشت وبعضی انبارهای قدیمی ارگ که در سمت‌جنوبی باغ گلستان قرارگرفته بود ، انتخاب گردید وطرح وپی‌ریزی آن بزودی آغاز شد ، چون دربرگزاری نمایش‌ها وشبیه‌گردانی‌ها درتکیه‌های دیگر تجربیاتی برای اجرا کنندگان بدست آمده بود ، این‌بار با استفاده ازآن تجربیات ، بکلی اساس ساختمان تکیه را بر دایره نهاده ، محوطه و فضای وسیعی را با غرفه ها وحجره های چند طبقه‌یی و پله های فراوان و یك تخت یا صفه نمایش مدور دروسط با محل گردش کافی دراطراف آن پدید آوردند ودر برابر تکیه‌های شخصی که مردم ورجال پیشین ساخته بودند آنرا «تکیه

---

۱ - پیش‌از ایجاد تکیه دولت درتهران ، یك تکیه دولتی درنیاوران درسال ۱۲۷۳ هـ . ق . درجنب قصر سلطنتی ساخته شده‌بودکه هنوز هم برپاست وموردِ استفاده قرارمی‌گیرد . درمورد تکیه چاله حصار این شرح‌را درشماره ۲۹۳ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ محرم ۱۲۷۳ می‌خوانیم : «در روز عاشوراکه شبیه هفتاد دو تن را می‌آورند بمواظبت زکیخان کدخدای محله سنگلج تدارکات و مخارج اسباب چراغانی زیادکه سر بهزار چراغ میزد درشب عاشورا درچاله حصار چه دراطراف قبه‌ها و چه منجنیق باقسام مختلفه ترتیب یافته روشن بود الی پنج ساعت ازشب‌گذشته اشخاص معارف و غیرمعارف ازهرقبیل وهرگروه آمدوشد میکردند ودسته‌های سینه‌زن و سنگ‌زن ازتکایای حول و حوش آمده بتعزیه‌داری مشغول بودند .

صبح روز عاشورا هم نخل وعماری و علم وبیدق بسیاق قرارهای قدیم بلکه بانظم‌تر ورنگین‌تر وارد چاله حصار شد و سه ساعت از روز گذشته شروع بخواندن و آوردن شبیه شده و الی پنج ساعت بغروب مانده امتداد یافت و اشخاصی‌که دراطراف مرتبه‌های فوقانی چاله حصار هرساله چادر میزدند هریك که درشهر بودند چادر خودشان‌را زده خود حضور داشتند (تابستان بوده و اغلب به ییلاق رفته بودند) وکسانی‌که درشهر نبودند بطور هرساله چادر آنهارا زده و بدون کسر و نقصان کسانشان آمده درچادر خود سکنی داشتند با شدت گرما الحمدالله اذیت باحدی نرسید» .

همایونی» و «تکیه دولت» یا «دولتی» نامیدند .

اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران مورخ ۱۲۹۴ می‌نویسد :

« . . . . دیگر از بناهای بسیار معروف عالی تکیه دولتی است که مدور وچهارمرتبه ساخته شده است و همه از آجر است و هشت نیم دایره از چوبهای کلفت و آهن برای سقف آن ساخته‌اند که در صنعت نجاری آن‌بسیار مهارت بکار رفته ، چرا که طاق زدن در محوطه باین وسعت خیلی کار عجیب وغریبی است .

درایام محرم پارچه‌یی از کرباس بروی آن طاقهای چوبی می‌کشند که از باران و آفتاب محفوظ باشد ودراطراف تکیه هم بعضی بناهای عالی ساخته‌اند ، واین بنا وتکیه درمیان شهر مثل یك کوه عظیمی است . از پنج فرسنگی تهران این آثار پیداست و بجز این بنا از گنبدهای مساجد و غیره که بسیار مرتفع هستند هیچ نمایان نیستند . این تکیه درهای متعدد دارد و یك‌در هم بهمین باغ عمارت (گلستان) باز است» .

باز همو درروزنامه شرف در شماره پنجاه‌وسیم ذی‌حجه ۱۳۰۴ ه . ق. تحت عنوان «تکیه مبارکه دولتی» شرحی به مضمون زیر درج کرده است :

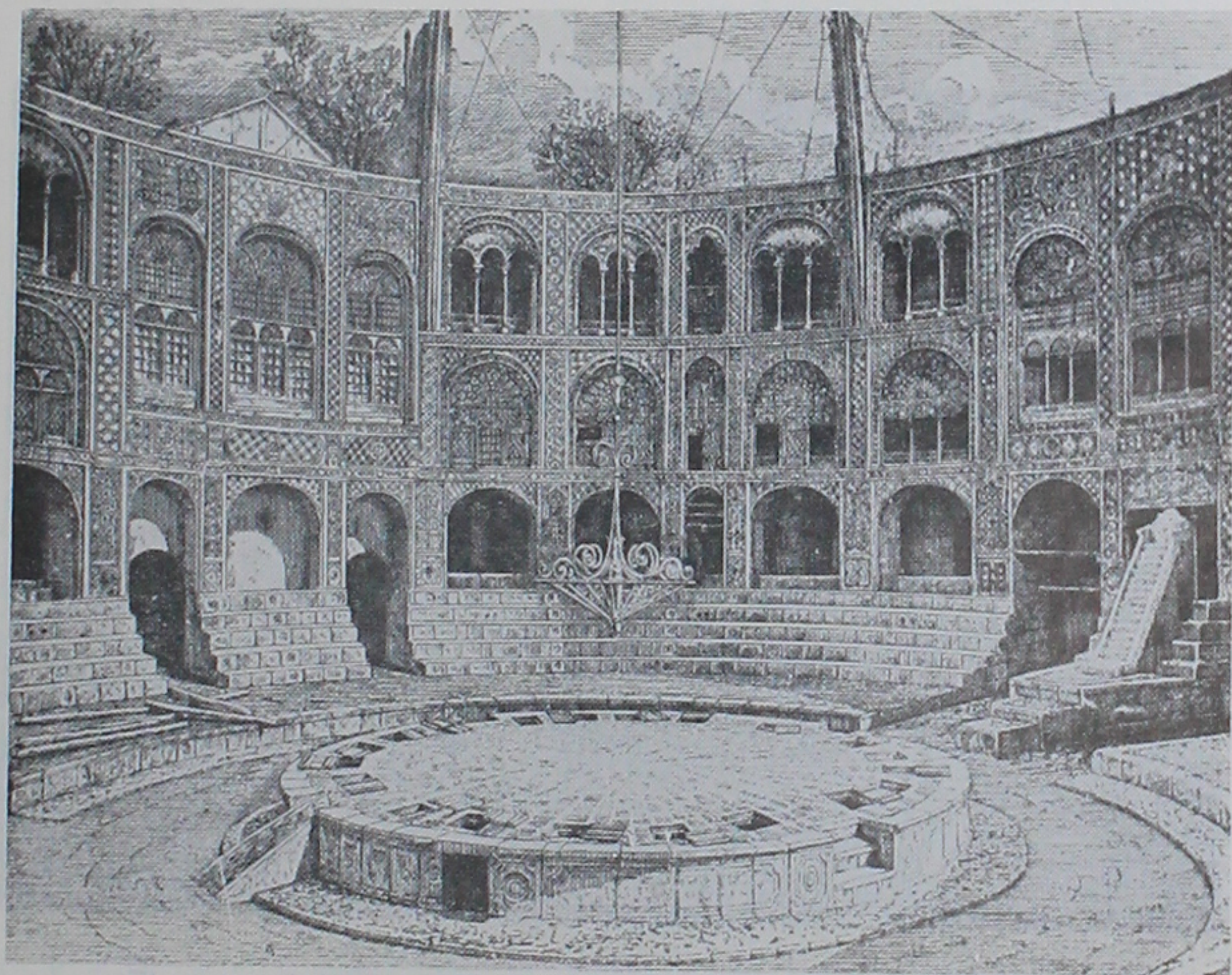
« . . . . . ازسال هزارودویست‌وهشتادوپنج اراده علیه بندگان اعلیحضرت . . . باقتضای کمال ارادت و جمال عقیدت که باهل بیت . . . . دارند براین علاقه یافت که تکیه عالی که در خور مجلس عزاداری دولتی باشد در جنب عمارت و باغ خاصه سلطنتی بنا شود که از آثار عظیمه بلکه از ابنیهٔ عدیم‌النظیر این عصر همایون شمرده شود .

جمعی مهندسین قابل و معماران ماهر بامر اولیای دولت قاهـره گرد آمده طرح این بنای سعادت‌افتخاررا ریختند و در ظرف چهار پنج سال مبالغ خطیره از وجوه خاصه دولت روزافزون صرف عمارت این بنا نموده تا بپایان آوردند .

این تکیه مبارکه وضعاً مدور و مشتمل بر چهار مرتبه و هریك ازمراتب



شکل ۱۱۵ - یکی‌از تکیه‌های تهران در روزهای ماه محرم در زمان ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۱۶ - تصویری از تکیه دولتی وتخت وسط آن . نقل ازکتاب بنجامین .



شکل ۱۱۷ – تصویر تکیه دولت ازخارج . نقاشی ابوتراب غفاری نقل از روزنامه شرف شماره ۵۳ مورخ ۱۳۰٤ ه . ق .



شکل ۱۱۸ ــ دیوار دور تکیه دولت و سقف چوبی آن درزمان ناصرالدین‌شاه .

دارای حجرات و غرفات واطاقها و تالارهای عالی است . ظاهر بنا ازدرون تکیه تماماً بکاشی معرّق و غیرمعرق ممتاز مزین شده . دور سطح حیاط تکیه یکصدوبیست ذرع و قطرش چهل‌ذرع وارتفاع آن نیز چهل‌ذرع است وبقدری که از سطح زمین ارتفاع یافته قریب بهمان هم از قعر زمین شالده ریخته وپی برآورده‌اند . تمام این بنای عالی ازسنگ وآجر وگچ وساروج و کاشی اعلی واحجار منبت و منقور ساخته و پرداخته شده . چهار هلال که هرهلالی عبارت از نصف دایره باشد با آهن و چوب بوضعی محکم وخوب بر فوق این بنا تعبیه شده که سقفی از چوب وتخته و شیشه برآنها حمل نمایند ولی هنوز کارسقف ناتمام است . وتاکنون از بنایی وحجاری و نجاری وکاشی‌کاری معادل‌سیصد هزار تومان خرج این بنا شده . . . . . . » .

درالماثر والاثار نیز عباراتی نظیر مطالب بالا آورده و افزوده است :

« . . . . . . طبقات طاقات آنرا بالوان زجاجات و چراغهای بلورین و فنون نوادر اشیاء و امتعه ثمین برآراسته . . . . این تکیه شکلاً مستدیر است مشتمل بر سه مرتبه و اگر سردابه‌ها هم بحساب آید چهار طبقه خواهد بود تمام بنا از آجر سفید . . . . . وسطح داخله تکیه یکجا کاشی معرّق است و زیاده از بیست‌هزار نفر در صحن و طبقات و مراتب آن می‌گنجد و تخمیناً یکصدو پنجاه هزار تومان مخارج بنای این مکان . . . . . شده‌است[1] » بهر حال تکیه دولتی محوطه وسیعی بود مستدیر که بنای سه طبقه زیبائی بارتفاع تقریبی ۲۴ متر آنرا احاطه کرده بود . قطر دایره این محوطه تقریباً شصت متر و مساحت آن در حدود دوهزاروهشتصدوبیست‌وشش‌مترمربع بود . . . . چنانکه گفته شد ، این بنا سقف نداشت ولی چوب‌بست‌هایی بشکل گنبد با چند میله آهنی وپشت‌بندهای آجری سقف آن را تشکیل میداد که برروی آنها پرده‌های ضخیم کرباسی کشیده می‌شد ومردم و تماشاگران را از تابش آفتاب وباران محفوظ میداشت ، تعداد این چوب‌بست‌های هلالی در ابتدا چهار نیمدایره بود ولی

---

۱ – المآثر والاثار ص ۵۸ .

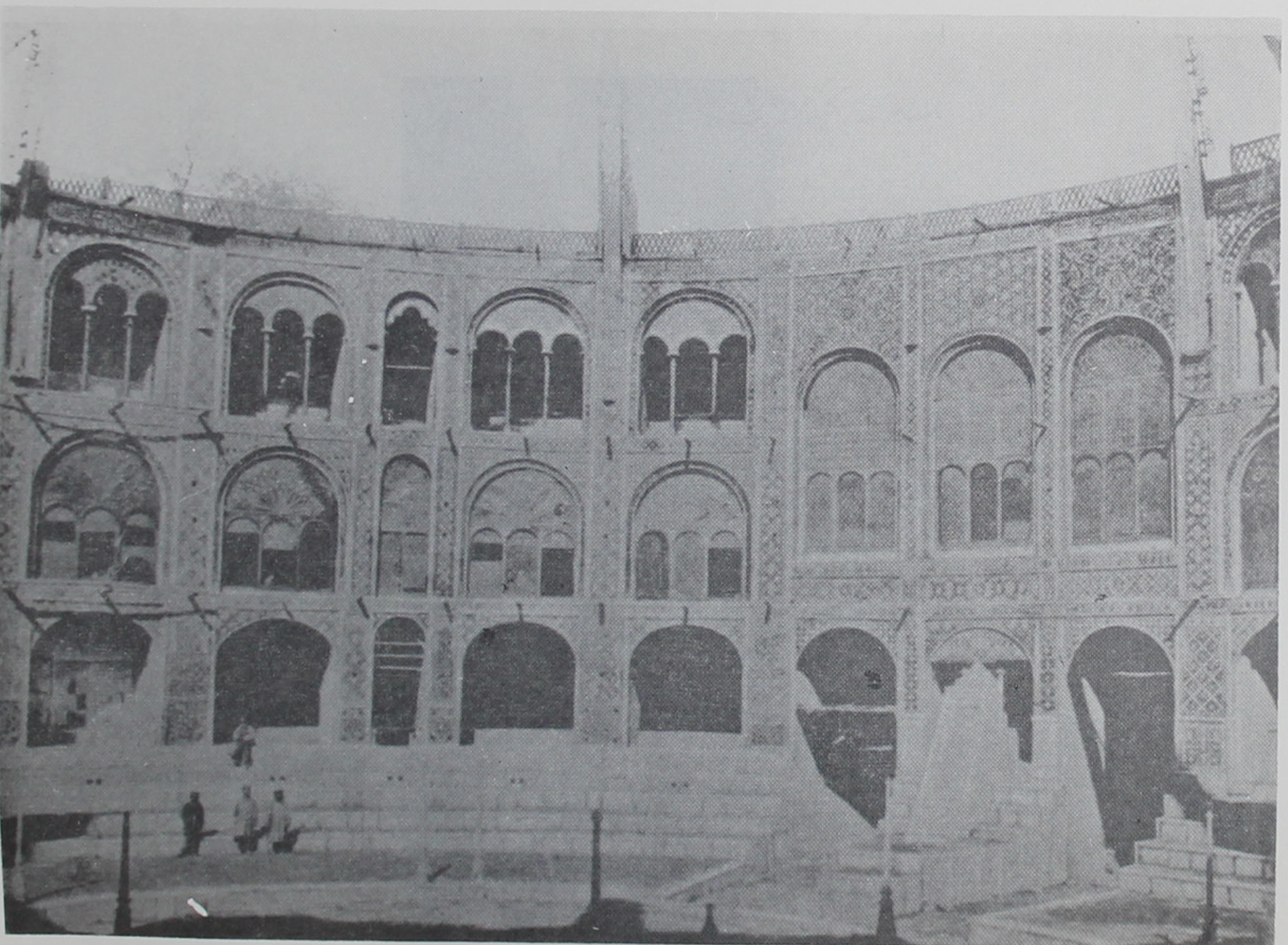
چون دراواسط سلطنت مظفرالدین شاه بنای تکیه از چند محل شکست برداشت
وبیم آن میرفت که ناگهان سقف وطاقهای آن برسرمردم فروریزد مظفرالدین‌شاه
مسیو «بتن» مهندس فرانسوی را که ازدیرزمانی درتهران زندگانی می‌کرد
بفرنگ فرستاد و او ستونهای هلالی آهنی با خود به تهران آورد که تعداد
نیم هلالی های آن دوازده عدد بود و همه آنها با پیچ ومهره بهم بسته شده با
سیم‌های فنردار آهنی نگاهداری می‌شدند و دیگر به پشت‌بندهای آجری در
سقف حجره‌های تکیه احتیاجی نبود .

بنای تکیه با آجر ساخته شده و با کاشیهای معرق تزیین یافته بود و
از نظر تناسب و زیبایی نظر هربیننده‌یی را بخود جلب می‌کرد . بنای دورا دور
تکیه ترك‌ترك ساخته شده بود ودر هرترك چندین حجره وراهرو و طاقنما
وجود داشت ولی در ساختن آنها رعایت قرینه‌سازی مطلق بعمل نیامده بود .

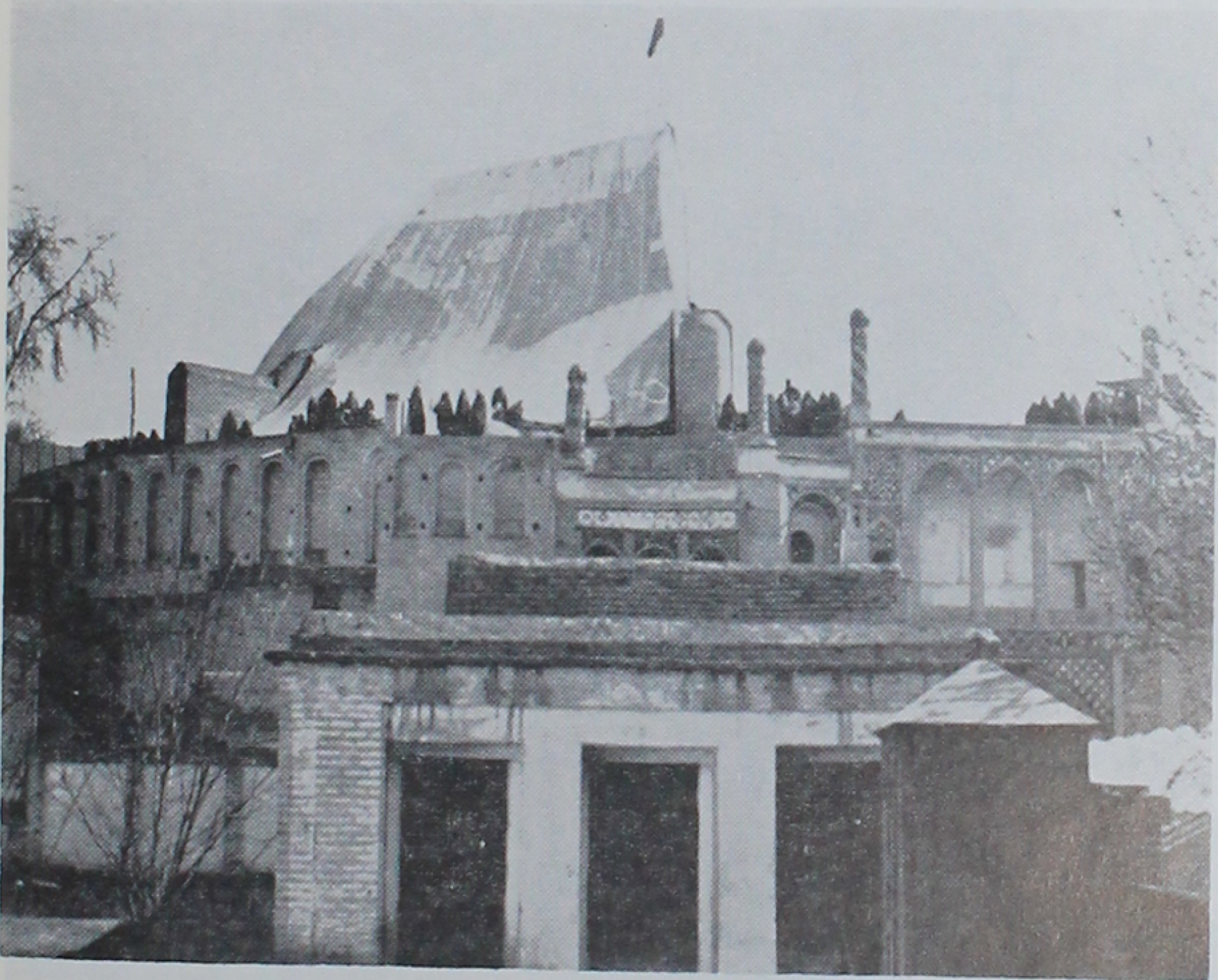
درجلو حجره و غرفه‌های طبقه پایین چندین ردیف پله دیده می‌شدکه
از آنها در یك سمت تکیه برای نشستن تماشاگران بخصوص زنان ودر سمت
دیگر برای چیدن لاله‌ها و چهل‌چراغهای پایه‌دار وچراغها وشمعدانها وگذاشتن
آیینه‌ها و تابلوهای رنگ‌وروغنی مذهبی زرگ از جمله شمایل‌ها ومجلس‌قربانی
اسماعیل وديدار يوسف و یعقوب وغیره استفاده می‌کردند و بدینسان برشکوه
وجلال مجلس می‌افزودند .

هرگاه مراسم شبیه‌گردانی وتعزیه شب هنگام برگزار می‌گردید همه
این‌چلچراغها ولاله‌ها را روشن می‌کردند و بنا به تخمینی که یك نویسنده
خارجی زده است متجاوز از پنج‌هزار شمع هنگام اجرای تعزیه در تکیه دولت
روشن بوده است . یك چلچراغ بزرگی نیز از وسط گنبد آهنین تکیه آویزان
بود که فضای وسط را روشن میساخت .

دروسط تکیه سکویی به بلندی یك متر از سنگ قرار داشت که صفه
نمایش را تشکیل میداد وبآن «تخت» می‌گفتند وشبیه‌ها وبازیگران از پله‌هایی
که در چهار سمت آن تعبیه شده بود به بالای آن می‌رفتند . همچنین در چهار



شکل ۱۱۹ – بخشی از بنای تکیه دولت وطبقات آن .



شکل ۱۲۰ - تصویر تکیه دولت از بیرون وچادر سقف‌آن .

سمت صفه وسط چهارپایهٔ سنگی ، دیرک‌های چوبی بشکل پایه فانوس وجود داشت که در بالای آنها چهار چراغ گاز (بعدها تبدیل به چراغ برق گردید) نصب شده بود وبرای آن که نور آنها مخلّ تماشای کسانی که در غرفه ها و حجره‌های بالا نشسته بودند نگردد بجای کاسه یا حبابهای فلزی و شیشه‌یی چهار چتر بر بالای آنها بسته بودند . درصدر تکیه مِنبَر بزرگ بیست پله‌یی و یك پارچه از سنگ مرمر نصب شده بود که دوستعلی‌خان معیرالممالك درزمان حکومت خود در یزد آنرا سفارش داده بود وپیش‌از شروع تعزیه روضه‌خوانها بر بالای آن رفته بشرح مصیبت می‌پرداختند . درگرداگرد تخت نمایش ، راهی برای حرکت دسته‌ها و سوارها وموزیکانچی‌ها وفیل‌ها وشترها ودرشکه و اسبها و ورود و گردش تعزیه‌خوانها و صفوف دیگر ساخته بودند ، چند در بزرگ در چهار سمت بنای تکیه برای ورود و خروج دسته ها وجود داشت و ورود به حجره‌ها وغرفه‌ها و طاقنماهای فوقانی بوسیله دالانها و راهروهایی که در پشت حجره ها ساخته شده بود ، انجام می گرفت .

معیرالممالك در طرز بستن تکیه ومراسم آن می‌نویسد :

«هریك از طاقنماهای تکیه بامیر ووزیر یا حکمرانی تعلق داشت که جار وچراغ وآینه و گلدان و قالیچه وبعضی ظروف دیگر ، آنرا زینت‌می‌کردند وچهل‌چراغها وقنادیل از سقف آن آویخته و می افروختند و عکس صاحب طاقنما یا یکی ازپدرانش را بالای آن قرار میدادند . حکام پیشکاران خودرا از مرکزحکمرانی برای بستن طاقنماها بتهران می‌فرستادند. حجره بزرگ بخرج شاه آراسته می شد . . . . طاقنماهای طبقه اول تا سوم مخصوص اهل اندرون بود که خانمها در طبقه اول ودوم و خدمه در طبقه سوم قرار می‌گرفتند و در دهه اول محرم بالغ بر دو هزار زن از خانمهای وزراء واشراف وهمراهانشان باندرون می‌آمدند .

از در بزرگ نارنجستان تا در تکیه در دو طرف پرده قرمز رنگی کشیده خیابانی بعرض سه ذرع بین آنها برای عبور اهل حرم می گذاشتند ، هنگام

رفتن به تکیه خانمها با مهمانهای خود دسته‌دسته از میان پرده‌ها می گذشتند وکنیزان سینی‌های عدس و برنج بوداده ولوازم چای بدست از دنبالشان روان بودند . . . چون اهل حرمسرا بطبقات فوقانی تکیه رفته جا می گرفتند آغانورمحمدخان کلیددار ، در را از پس آنان قفل می‌کرد .

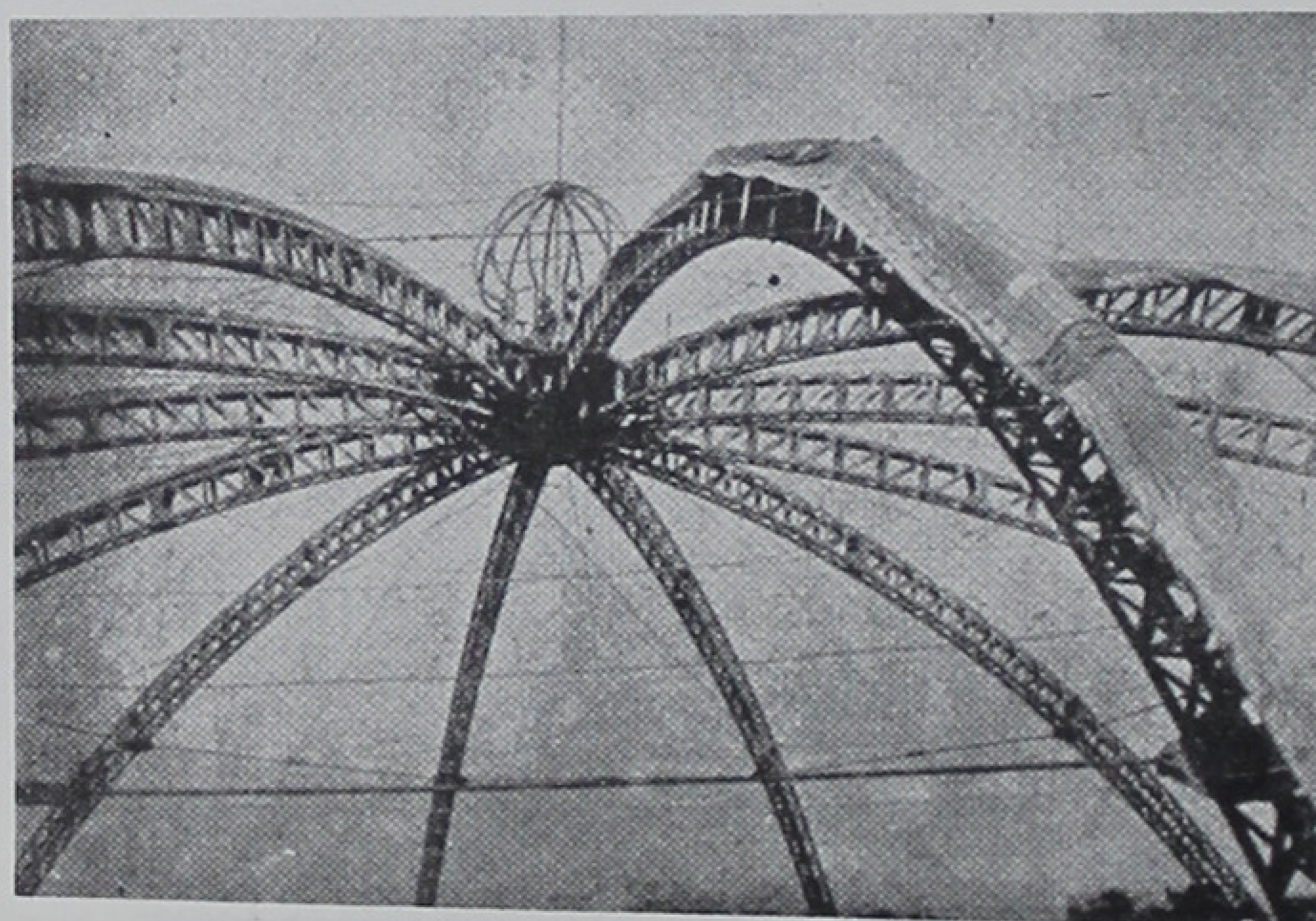
جایگاه شاه بالاخانه وسیعی بود کـه ارسی بزرگی رو بدیوانخانه داشت ودوغرفه طرفین آن بود که پیش خدمت‌های مخصوص و عمله خلوت درآن می‌نشستند . طاقنمای نایب‌السلطنه بسیار با شکوه وزیر بالاخانه شاه واقع بود .

ایام عاشورا روز و شب تعزیه‌داری معمول می گردید . روزها از دو ساعت بعدازظهر تا نزدیك غروب و شبها از دوساعت از شب گذشته تا نیمه‌شب تعزیه‌خوانی ادامه داشت .

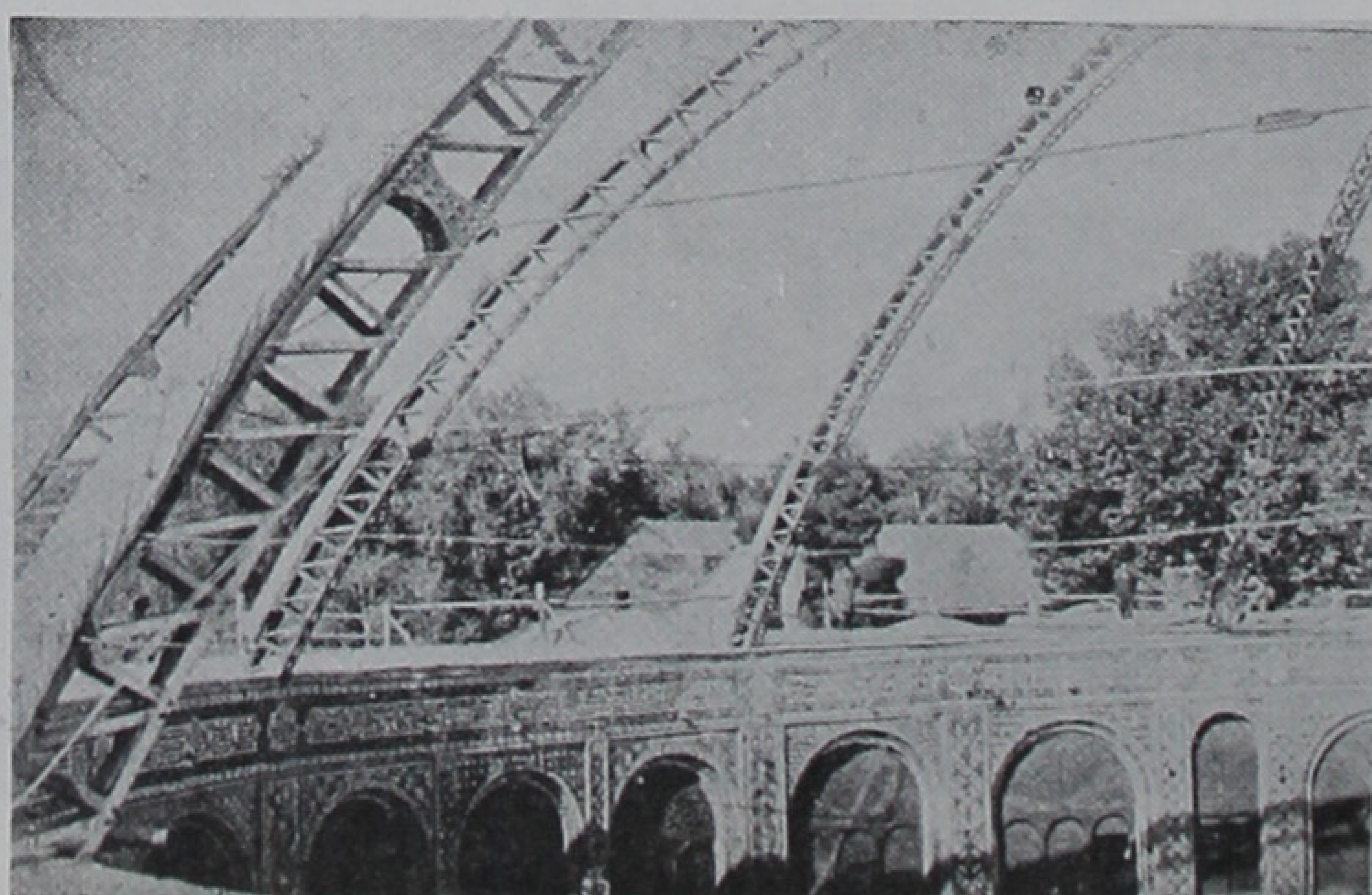
زنهای تماشاچی از صبح با قالیچه و غذای مختصری آمده باصطلاح جا می گرفتند و اغلب حوصله بخرج داده برای شب نیز می‌ماندند .

اطراف مِنبَر تکیه ، متجاوز ازسیصد روضه‌خوان و بچه‌آخوند گرد می‌آمدند و باصطلاح برای گرم کردن مجلس یکی پس ازدیگری بمنبر رفته پس از خواندن روضه مختصری بزیر می‌آمدند تا اینکه شاه بتکیه آمده در جایگاه مخصوص خود قرار می‌گرفت و آقا سید ابوطالب معروف به «خاتم» که مردی آگاه و حرّاف وطرف ملاحظه واحترام خلق بود بمنبر می‌رفت و باآوازی نسبةً خشن ولی رسا ذکر مصیبتی نموده بدعای شاه مجلس را ختم می‌نمود . . . . . .

پس ازختم روضه‌خوانی تعزیه آغاز می‌شد . تعزیه‌خوانها معمولاً بالغ بریکصد تن بودند ودریکی از دالانهای وسیع تکیه گرد می‌آمدند وجوان نابالغ وخوش‌آوازی که «بچه‌خوان» نامیده می‌شد ، اندکی جلوتر ازآنها ایستاده بصورت رسا ومؤثری چند بیت ازبندهای معروف محتشم را می‌خواند، سپس نوحه اجتماعی سرداده آهسته براه میافتادند و یکدور دور «تخت»



شکل ۱۲۱ و ۱۲۲ - سقف آهنی تکیه دولت‌که در زمان مظفرالدین‌شاه توسط مسیو بتن فرانسوی ساخته شد .





شکل ۱۲۳ - تابلو رنگ روغن ازداخل تکیه دولت هنگام اجرای مراسم تعزیه در زمان ناصرالدین شاه اثر کمال‌الملک . موزه کاخ گلستان .

گردیده بربالای آن‌میرفتند وبرابرجایگاه شاه تعظیم نموده بردیف می‌ایستادند.
«معین‌البکا»[۱] تعزیه‌گردان که دارای قامتی‌متوسط وچشمهایی درشت وابروانی پرمو وریش پهن بود وکلاهی ازپوست‌بخارای گُل‌درشت وجُبه سیاهی دربر وشالی عریض برکمر داشت میان عصای بلندی را بدست می‌گرفت و مقدّم برهمه ایستاده چنان با تکبّر و مناعت بچپ وراست ولوله‌های نسخه اشعار تعزیه که بدور شال زده بود می‌نگریست که گویی این بساط را از وجود خود برپا می‌دانست.

دراین وقت پنجاه فراش قرمزپوش هریك صندلی طلایی بدست از پله‌ها بالا آمده آنهارا دور تخت می‌چیدند، سپس حاجب‌الدوله فراشباشی که رئیس بر هشتصد فراش بود، بمعیت نایب‌های فراش خانه با لباس سیاه و عصا بر دست وارد میشد.

سید غراب در وسط تخت بنوحه سرایی می‌ایستاد و فراشها با سرداری های ماهوت قرمز یراق و نواردوزی دورادورش بسینه‌زدن حلقه می‌بستند. سید غراب نیز بیتی چند از محتشم یاد می‌کرد ودر پایان فراشها یك آهنگ «یاحسین» کشیده سینه‌زنان خارج می‌شدند.

آنگاه دسته زنبورکچیان وارد می‌شدند، در جلو علم زنبورکخانه‌که مزین بطاقه شالهای گرانبها و زری‌های قدیمی و پرهای الوان بود با مناعت تمام پیش می‌آمدند وسرخودرا با لنگر مخصوصی بجلو وعقب حرکت‌میدادند.

سرتیپ نصرالله‌خان زنبورکچی باشی با چند تن فرزندانش در سایه علم آهسته می‌آمدند و زنبورکچیان عرقچینی از ترمه بر سر و قبایی از الیجه راه راه‌دربر وگیوه برپا هریك دوقطعه تخته گرد واندکی پهن بردست از عقب‌روان وهنگام نوحه‌خوانی تخته‌هارا بترتیب خاصی برهم زده و برهوا می‌پریدند و بدین وضع یکدور تخت گردیده، بیرون می رفتند.

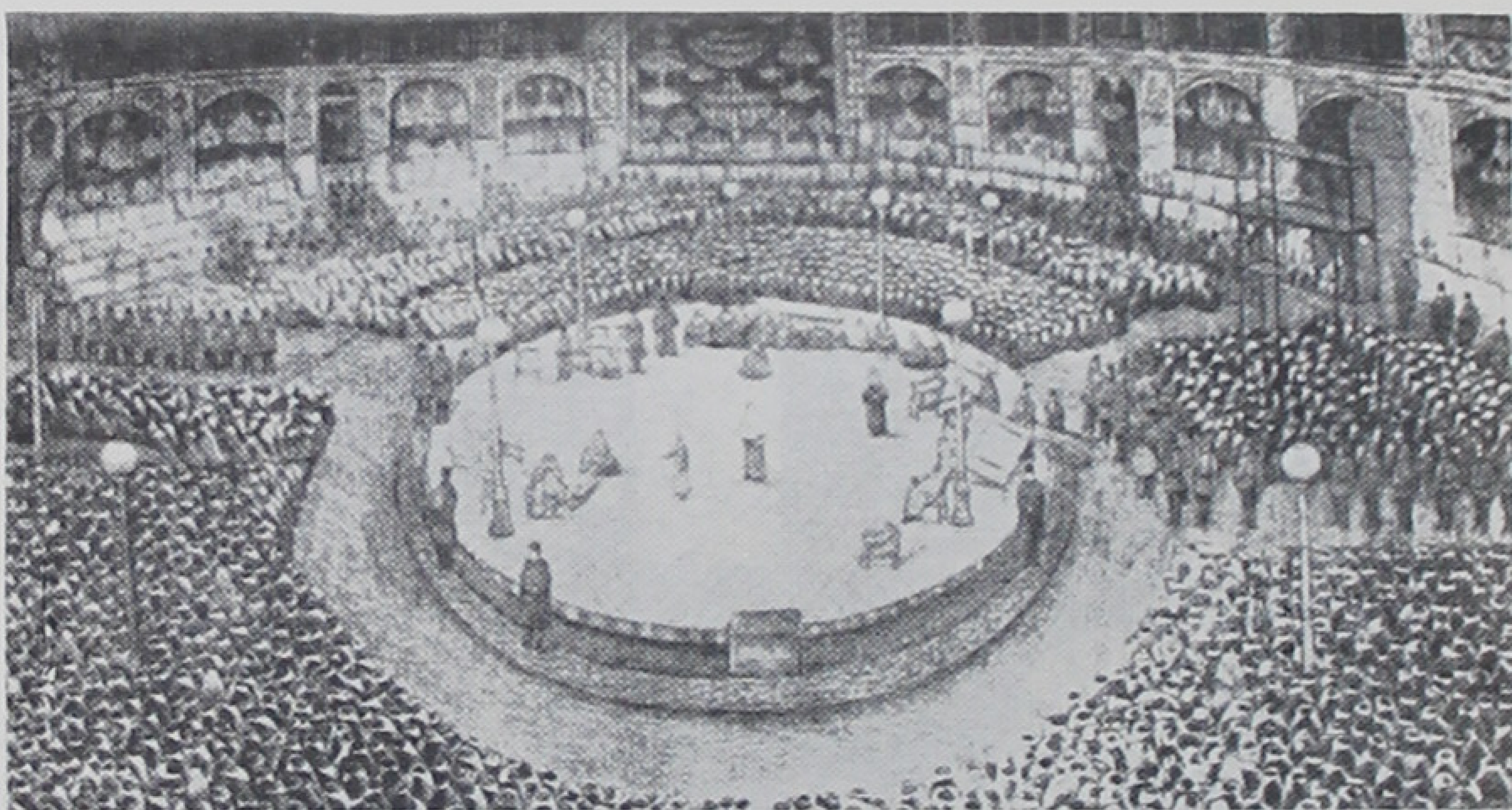
---

۱ - ازتعزیه‌گردانهای تکیه دولت علاوه برمیرزا باقر معین‌البکا، سید صادق امین‌البکا و میرزا علی‌اکبر ناظم‌البکا و میرزا یحیی شبیه‌گردان مقیم سنگلج معروف می‌باشند.

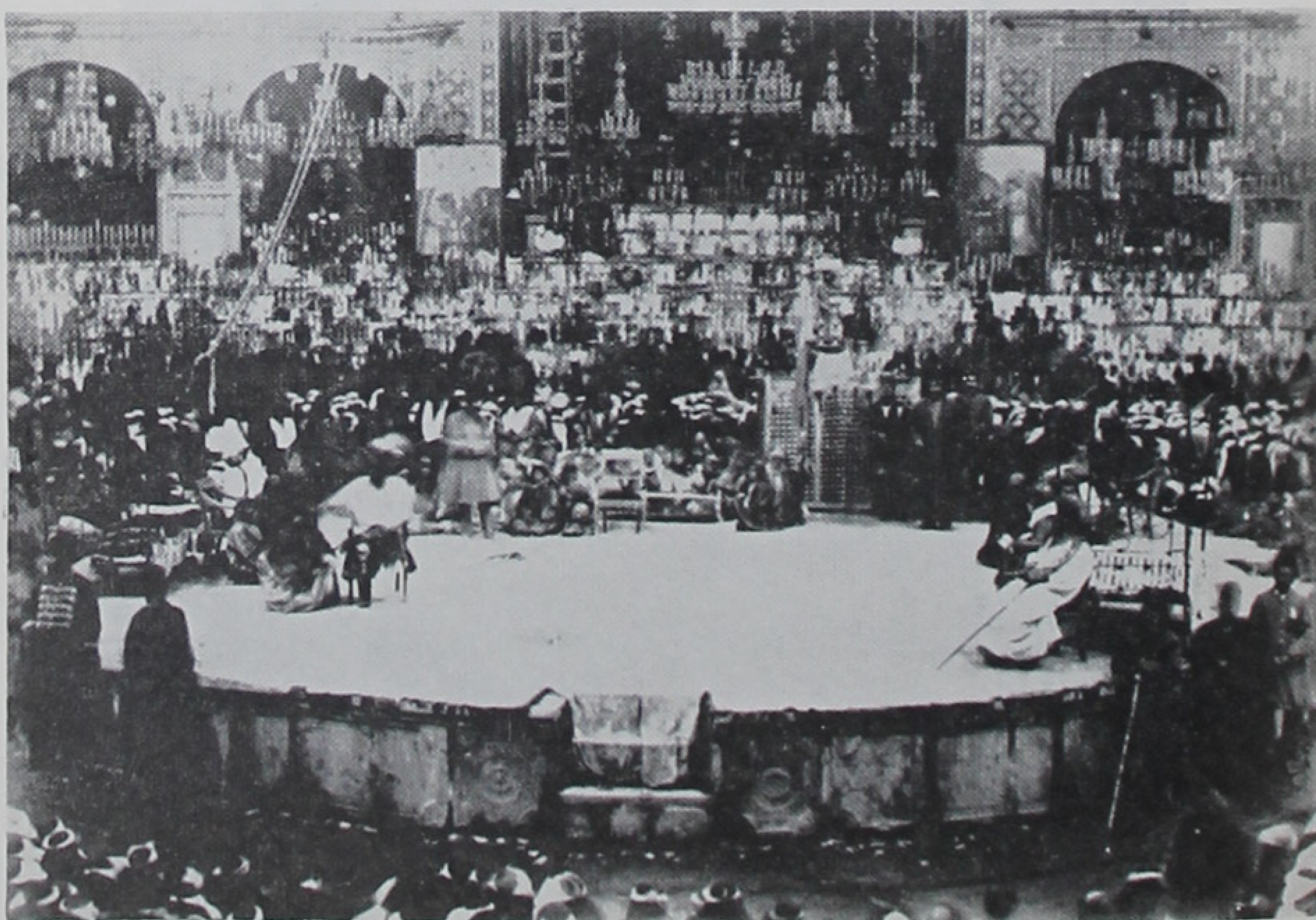
بلافاصله دسته سواران نیزه‌دار ، با نی های دسته قرمز سرطلا وریشه گلابتون بر بهترین اسبهای شاهی سوار وارد معرکه می‌شدند . اسبهارا با یراقهای تیپ طلا آراسته و گوهای زرین زیر داباغی (داباغی عبارت بود از چند رشته ابریشم که برای زینت بگردن اسب می‌بستند ومنگوله های زیبا بدان می‌آویختند) آنها آویخته بودند ومتعاقب آنها سواران یساول وفراش‌سوار با چماقهای طلا بردوش باآدابی مخصوص آمده می گذشتند . ودنبال آنها اعراب که تنها چفیه و عقال بسر و شلواری بپا داشتند و بلحن عرب نوحه می‌خواندند داخل شده وازعقب آنها ده دسته موزیك نظامی وارد می‌شد. میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی که در دوره مظفری به‌مُزَیِّن‌الدوله ملقب شد واز شاگردانی بود که در زمان ناپلئون سوم در پاریس تحصیل کرده بود سر آنها قرار داشت . دسته اول حامل موزیك مخصوص نقرهٔ تمام عیاری بود که در یکی از سفرها ملکه انگلستان بشاه داده بود . دسته دوم موزیك قزاق سوار بود که سرتیپ غلامرضاخان مین‌باشیان ملقب بسالار معزز رئیس کل موزیك پیشاپیش آنها می‌آمدودسته‌های دیگرمتعاقب آن‌وارد می‌شدند پس‌ازآن‌شترهای‌زنبورکخانه با منتهای زینت می‌آمدند وزنبورکها و زنبورکچیان برپشت آنها جا داشتند و بیرقی بالای سرشان در اهتزاز بود .

بالاخره شترهای‌نقاره‌خانه با شکوه ووقاری‌قدم درتکیه می گذاشتند، گبرگه‌های بزرگ بر حیوانهای کوه‌پیکر بسته ، سرناچیان با لباسهای قرمز ، برپشت آنها گرم نوازندگی بودند و پس از کبکبه ، تعزیه خوانها با جامه‌هایی که متناسب با موضوع تعزیه بود سواربراسبهای زینت‌شده وارد تعزیه می‌شدند و تعزیه آغاز می گردید . گاه بنا به اقتضای مجلس کرناچیان از طبقه چهارم زیر طاق چادر باد بکرناها می‌دمیدند .

شب نیز همین بساط برپا بود با این تفاوت که چندین هزار چراغ و شمع افروخته می‌شد و بمراتب بجلال و شکوه مجلس افزوده می گشت ، فراشها هنگام ورود به تکیه هریك چراغی بدست داشتند که دورتخت وسط می‌چیدند.



شکل ۱۲٤ – صحنه‌یی از شبیه‌خوانی درتکیه دولت نقل از روزنامه شرف شماره ۵۳ مورخ ۱۳۰٤ ه. ق.



شکل ۱۲۵ – تصویری ازشبیه‌خوانی برروی تخت تکیه دولت درزمان ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۳۶ – دوتن از شبیه اشقیاء یا شمرخوانها برروی اسب .

پنجاه شاطر که سپرده به بشیرالملك شاطرباشی بودند مدام درآمدورفت وبنظم وترتیب امور رسیدگی می‌نمودند.

این دسته تاج عریضی که دو تیغه آن روبرو و عقب واقع وکنگره های آن منگوله های رنگارنگ آونگ بود بر سر، سرداری یراق دوزی ازماهوت قرمز با سردستهای برگردان سبز برتن، وکمر زرین برمیان داشتند وچوبی کوتاه بدست گرفته مچ‌پیچی برساق می‌بستند».

«دربعضی مواقع قبل‌ازشروع تعزیه یکی ازشبیه‌گردانها یا تعزیه‌گردان موضوع تعزیه را تشریح می‌کرد.

درتعزیه دکور وجود نداشت ولی از وسایل وابزار بیش از حدکفایت استفاده می‌شد وچون در تعزیه دولت امکانات از هرلحاظ بیشتر بود درمورد آرایش صحنه بر حسب معمول جنبه افراطی را مرعی داشتند. تشکهای ترمه و مخده‌های ملیله‌دوزی شده و صندلیهای زرکوبی شده واشیاء دیگر از دربار بعاریت گرفته می‌شد وبکار میرفت. در هشتاد سال پیش ارزش بعضی از صندلیهایی که در آن زمان در تکیه دولت مورد استفاده قرار می‌گرفت هریك بالغ بر چهار هزار دلار تخمین زده شده است. ازاینجا می‌توان تشخیص داد که چه مایه ثروت در برگزار کردن تعزیه دخیل بوده است. باوصف این‌اهمیت کار همیشه بسته به شایستگی و هنرمندی تعزیه‌خوانها بود نه باشیاء گرانبها. بهترین خوانندگان را ازگوشه و کنار مملکت جمع می‌کردند وایشان را برای شرکت‌در تعزیه آماده می‌ساختند بدین وسیله بسیاری از آوازها وگوشه‌های موسیقی ملی سینه بسینه حفظ می‌شد.

آوازهایی که هریك از شبیه‌خوانها می‌خواندند به اقتضای مقام ومرتبه ووضع خاصی که درطی پیشرفت داستان می‌یافتند متفاوت بود امام‌خوانها.... عموماً دارای لحنی مطبوع ودلنواز بودند ودرابتدای تعزیه و همچنین‌درمواقع عادی اشعار خودرا درآوازهای موقر ومتین ازقبیل «پنجگاه» و «نوا» و «رهاوی» وازاین قبیل می‌خواندند ودر مواقع پرهیجان از آوازهای «دشتی»

و «شور» وترکیبات آن استفاده می‌کردند . درصورتیکه دسته مخالف یعنی «اشقیاء» یا «شمرخوانها» علاوه براینکه دارای صدای خشن بودند مطالب خودرا درلحنی یك‌نواخت و ناخوش‌آیند بیان می‌کردند ، اشعار را شعرای معروف می‌ساختند ویا از غزلیات اساتید قدیم تضمین می‌کردند .

تعزیه عموماً با مناجات و یا بیان حال یکی از امام‌ها و یا بستگان ایشان شروع میشد نه تنها صدا و لحن و کلمه بلکه رنگ لباس هم مشخص خصوصیات شخص بازی کننده بوده است . امام‌خوانها عموماً لباس و عمامه سبز وشال‌ترمه سبزرنگ داشتند درصورتیکه شمر واعوانش عموماً لباس قرمز بتن می‌کردند ویا لباس رزم که عبارت بود از زره وکلاه‌خود که با پرهای قو تزیین میشد ، دربر می‌کردند .

نقش زنان را مردان با صدای تصنعی «زیر» ایفاء می‌کردند (یا جوانانی کـه هنوز صدای نازك زنانه داشتند) سرپرست شبیه‌خوانها تعزیه‌گردان و شبیه‌گردان نامیده می‌شد که معروف‌ترین آنها «معین‌البکا» لقب یافته بود این شخص بدون اعتنا به تماشاکنندگان بهر سمت که لازم می‌آمد می‌رفت ودستور لازم را به شبیه‌ها می داد ، جای ایشان را تعیین می‌کرد و خطاهایی را که احیاناً مرتکب می‌شدند بایشان متذکر می گردید .

نوازندگان بدستور واشاره عصای او موسیقی می‌نواختند ومی‌توان گفت که وظیفه کارگردان و «سوفلور» امروز تئاترهارا یك‌تنه انجام میداد .

درتعزیه گاهی لازم میآمد که پیغمبر یا حضرت فاطمه ویا حضرت‌علی در واقعه کربلا شرکت جویند در هیچیك از تئاترهای جهان ارواح اموات را بدین صورت که در تعزیه معمول بود یعنی بصورتی که با وضع عادی ابداً تفاوت نداشته باشد در داستان دخالت نمی‌دادند . . .

درتعزیه‌های ایران آرایش چهره معمول نبود وشبیه‌ها عموماً با قیافه و چهره طبیعی خود کار می‌کردند فقط کسانی که شبیه زنهارا بازی می‌کردند



شکل **۱۲۷** – تصویر میرزا غلامرضا درنقش حضرت عباس .



شکل ۱۳۸ - چندتن ازشبیه اشقیاء درزمان ناصرالدین‌شاه .

چهره خودرا با پارچه سیاه می‌پوشانیدند وفقط چشمهای ایشان دیده می‌شد[۱] .

در هر وعده از تعزیه‌ها ، مانند روضه‌خوانیها مقدمةً یك داستان و حکایت مذهبی یا تاریخی از قبیل :

سلیمان و بلقیس ، قربانی اسماعیل بدست ابراهیم ، دیر سلیمان ، عروسی‌رفتن‌حضرت‌فاطمه وغیره نمایش‌داده‌می‌شد وسپس «گریزبصحرای کربلا» زده موضوع اصلی تعزیه را برگزار می‌کردند ، بطوریکه با مقایسه دو داستان که معمولاً وجه مشابهت‌های مخالف داشتند ، واقعه دوم هرچه سوزناکتر و غم‌انگیزتر جلوه‌گر می‌گردید[۲]» .

درنمایش بعضی وقایع معمولاً از وسایل رمزی و «سمبلیك» استفاده می‌کردند مثلا خواب دیدن و ارواح را بوسیله تورهای سبز یا سفیدی‌که بروی اشخاص می‌انداختند نمایش می‌دادند .

مرگ بوسیله‌کشیدن تدریجی لحاف از طرف پا بسر نمایش داده می‌شد وحی و نداهای آسمانی همراه صدای بوقها و کرناها نازل می‌گردید.

حرکت های دَوَرانیِ و تغییر جا گذشت زمان و تغییر فاصله و تغییر مجلس را معنی می‌داد .

بهنگام نمایشِ جنگ ازکوبیدن شمشیرها بیکدیگر یا شمشیر و سپرها بهم استفاده می‌شد و معمولاً در تکیه دولت جنگ وگریزهای سواره درمحوطه دور تخت تکیه انجام می‌گرفت .

گاهی اوقات در نمایشهای تکیه بمناسبت موضوع شبیه ، ازماسك

---

۱ – در روزنامه ایران شماره ۱۲۵ مورخ محرم ۱۲۸۹ می‌نویسد : «چون مراقبت امور تکایای دولتی و مواظبت البسه شبیه‌خوانها وسایر امور تعزیه‌داری درحضور همایون در دربار علیه ایران همیشه سپرده به‌خوانسالاران و نظم آنها ازجمله تکالیف فراشباشی‌های درباری بوده و می‌باشد، عضدالملك خوانسالار و حکمران مازندران و علاءالدوله امسال درنظم تکایا و لباس اجزاء شبیه امتیازی مخصوص داده وخاطر همایون از حسن خدمات معزی‌الیه نهایت خرسندی حاصل فرموده بنا باستدعای صدر اعظم ازجانب سنی‌الجوانب همایونی یك تطعه گل‌کمر مکلل بالماس به عضدالملك و یك قطعه انگشتری الماس ممتاز به علاءالدوله مرحمت و عنایت شد» .

۲ – ایرانشهر مقاله آقای دکترمهدی فروغ .

وشکل حیوانات که از مقوا ساخته شده بود و همچنین فیل و شترهای جمّاز استفاده می کردند وازجمله در شبیه سلیمان و ملکه سبا ، بلقیس را بر فیل‌سوار کرده وارد تکیه می‌نمودند و بعضی اوقات بعلت همهمه تماشاگران و صدای موزیك وشیپورها فیل رم خورده پس‌از زیر گرفتن وکشتن یکی دوتن عروس را با خود برداشته از یکی از درهای تکیه به بیرون فرار می‌کرد وبدینگونه اسباب‌وحشت وخنده حضار را فراهم می‌آورد .

شبیه‌گردانی درتکیه دولت تا اواخر قاجاریه کم‌وبیش برگزارمی‌گردید ولی دیگر رونق سابق را نداشت تا اینکه بعداز مشروطه بعلت عطف توجه مردم بوقایع سیاسی واجتماعی وامور دیگر رفته‌رفته تضعیف گردیده در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه بزرگ بکلی ازمیان رفت .

ازوقایع مهم سیاسی که در تکیه دولت انجام گرفته است تشکیل اولین مجلس مؤسسان و عزل احمدشاه و نصب سردارسپه بریاست حکومت موقتی و سپس تفویض امر سلطنت ایران برضاشاه پهلوی بود که خود داستان مفصلی دارد .

تکیه دولت سالها بحالت متروك ونیمه مخروبه درجنوب کاخ گلستان باقی بود تا اینکه برای بنا و ایجاد ساختمان شعبه بانك ملی دربازار در سال ۱۳۲۵ آنرا خراب کردند و تهران را ازداشتن یك اثر معماری و نمایشی جالب‌که می‌توانست تغییر صورت یافته برای منظورهای دیگری مورد استفاده قرار گیرد ، محروم ساختند .



شکل ۱۳۹ - گروهی ازشبیه‌ها وتعزیه‌خوانهای تکیه دولت با لباسهای مخصوص‌خود . معین‌البکا درسمت چپ با عبا وعصا وکاغذ ایستاده است .



شکل ۱۳۰ - تصویری دیگر ازشبیه‌خوانهای تکیه دولت ، درزمان ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۳۱ - مرد فرنگی یزید را که مشغول شراب‌خواری است مذمت میکند



شکل ۱۳۲ - تصویری ازشبیه امامخوانها بالباسهای مخصوص خود . معین‌البکاء با عصا و لوله‌کاغذ در پشت دیده میشود .



شکل ۱۳۳ - یکی از ماسکهای شبیه‌خوانی تکیه دولت . موزه مردم‌شناسی تهران .

کاخ ابیض

دراواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه‌سلطان‌عبدالحمید‌پادشاه عثمانی‌مقداری اثاثیه عالی و گرانبها از جمله چند دست مبل استیل لوئی شانزدهم و پرده‌های مخملی و دوقطعه آینه با قاب و پایه‌ها ومجسمه‌های برنزی ومطلای زیبا وچند قطعه قالی بافت ترکیه برای شاه ایران هدیه فرستاد ، چون درآن هنگام تقریباً همه کاخها و تالارهای سلطنتی از تابلوها واثاثیه متعدد پر وآراسته شده و جایی برای نهادن و نصب هدایای سلطان عثمانی باقی نمانده بود ، از اینرو ناصرالدین شاه تصمیم گرفت که در گوشه جنوب غربی محوطه گلستان‌که سابقاً محل کلاه فرنگی یا برج آغا محمدخانی بود ، کاخ جدیدی بنا نموده هدایای سلطان را در آن جای دهد . با آنکه مسلم است کاخ ابیض دراواخر سلطنت ناصرالدین شاه ساخته شده ولی تاریخ دقیق بنای آن معلوم نیست وچون در وسط یکی از کاشیهای برجسته راهرو طبقه دوم کاخ نوشته شده «حسب‌الامر جناب جلالتماب آقای امین‌الملك دام‌اقباله عمل جان نثاران مهدی وصادق کاشی ۱۳۰۸» می‌توان گمان برد که تاریخ بنای خود کاخ نیز در حدود همین سالها بوده است . دکترفووریه طبیب مخصوص که در فاصله سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۹ ه. ق. درایران بود درکتاب خود باآوردن مطلب : «وعمارتی‌که بتازکی بسبك معماری عهدلوئی شانزدهم در سمت مغرب ساخته شده است» ، تاحدی این موضوع را تأیید می‌کند .

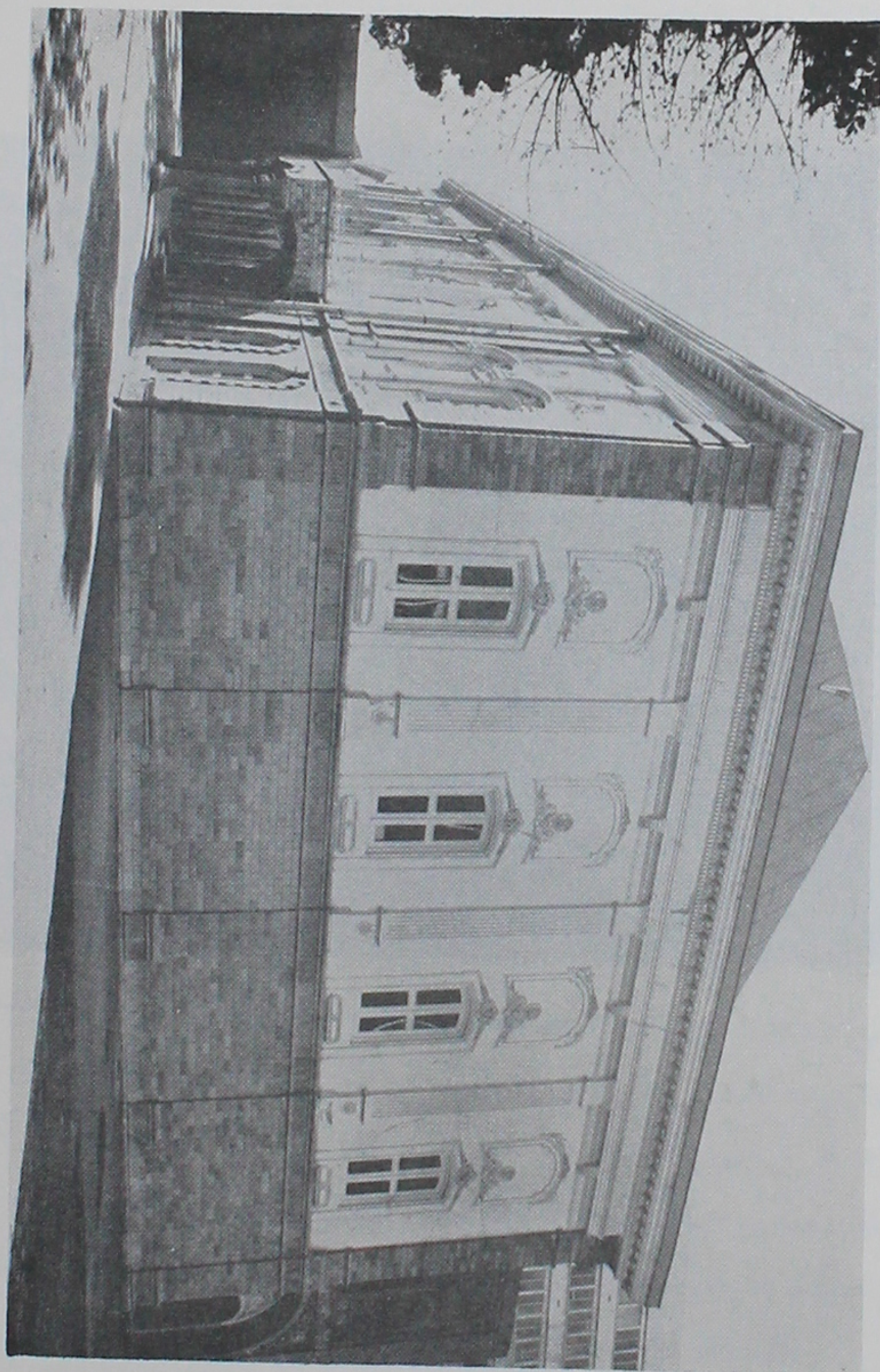
گفته‌اند که نقشه‌کاخ جدید را خود ناصرالدین‌شاه کشیده وابعاد تالار بزرگ آنرا مطابق عرض و طول بزرگترین قالی سلطان قرار داده است[1] .

---

۱ – باآنکه تالار باندازه قالی ساخته شده باز عرض قالی اندکی بزرگتر ازعرض تالار درآمده و اینك بناچار مقداری ازآن تا میخورد .



شکل ۱۳٤ – نمای شرقی کاخ ابیض .

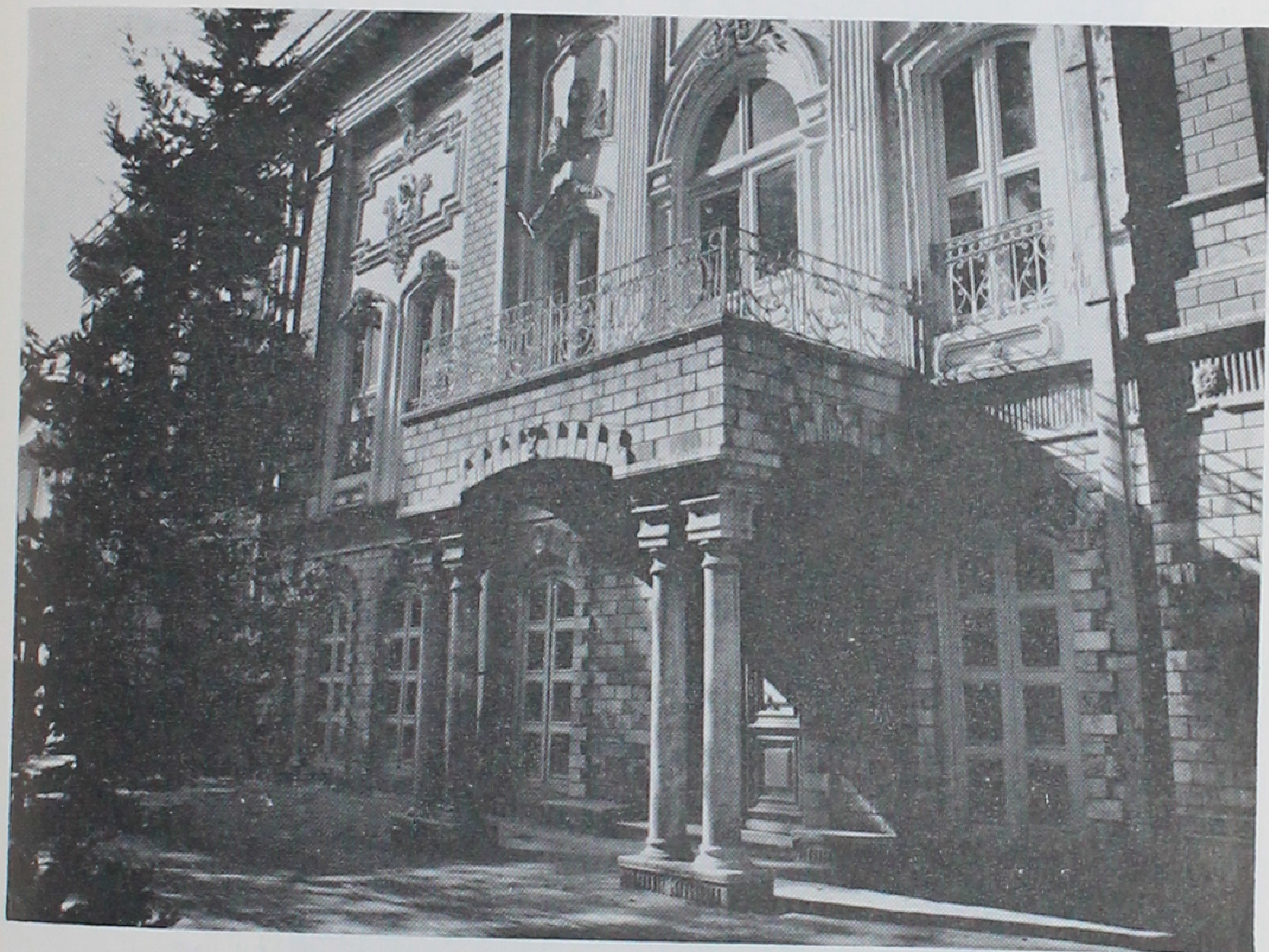


شکل ۱۳۵ – نمای شمالی وشرقی کاخ ابیض پس از تعمیرات اخیر .

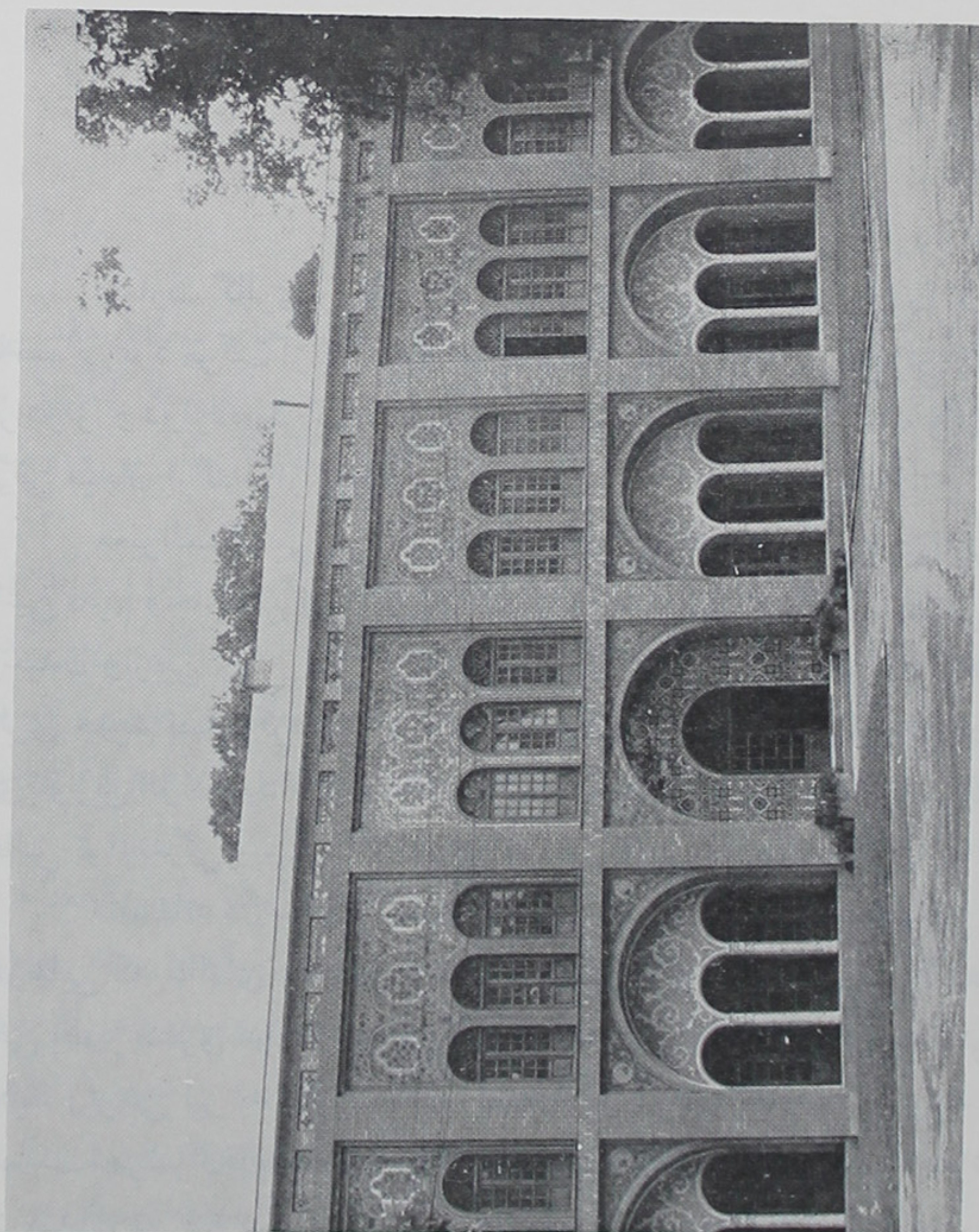
بهرحال چون ساختن بنای آن بانجام رسید بعلت سفیدی رنگ نمای ساختمان که بشیوه بناهای قرن هیجدهم اروپا گچ‌بری ونماسازی شده وپله‌ها و ازاره‌های سرسرای کاخ نیـز از مرمر سفید رگه‌دار بود « قصر ابیض » نامیده شد . پس‌ازاتمام بنا ناصرالدین شاه دستور داد قالی بزرگ سلطان‌عثمانی را در تالار بزرگ گسترده و پرده‌ها را آویخته و آینه‌ها را در دو دیوار شمالی وجنوبی تالار روبروی هم نصب کردند وضمناً مقداری از تابلوهای رنگ و روغنی بزرگ از صورت پادشاهان و ملکه‌های کشورهای مختلف اروپا را که درسفرهای فرنگستان بعنوان یادگار بشاه ایران داده یا بعداً فرستاده بودند در تالار مذکور جابجا نصب کردند وبدین‌گونه تالاری با شکوه ودر خورپذیرائی پادشاهان بوجود آمد وآنرا «تالار عبدالحمید» نام‌گذاری کردند .

کاخ ابیض از همان ابتدای بنای خود به محل اشتغال صدراعظم‌ها اختصاص یافت ورئیس‌الوزراء ها ونخست‌وزیرهای دولت های بعد نیز مقر حکومت خودشان را در همین‌کاخ قرار دادند و جلسات هیئت وزراء نیز در تالار «سلطان عبدالحمید» تشکیل می‌یافت .

درحدود شانزده سال قبل‌که نخست‌وزیری بکاخ والاحضرت شاپور علیرضا درخیابان کاخ انتقال‌یافت بفرمان شاهنشاه کاخ ابیض دراختیارهنرهای زیبای کشور قرار گرفت و تعمیرات مختصری درآن بعمل آمده بمحل تشکیل نمایشگاه های موقتی و مرکز فعالیتهای اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه اختصاص داده شد . بعد از تشکیل وزارت فرهنگ‌وهنر و انتقال اداره فوق بمحل جدید خود ، بمناسبت برگزاری آیین جشن فرخنده تاجگذاری شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو درکاخ گلستان در وضع نمای غربی واطاقهای طبقات پایین کاخ مطابق با شیوه اصلی بنا تغییرات و تعمیرات عمده‌یی انجام گرفت واز انهدام وویرانی آن که بعلت رطوبت و کهنگی ساختمان پیش آمده بود بکلی جلوگیری گردید واینک برای محل موزه مردم شناسی اختصاص یافته است .



شکل ۱۳۶ - ایوان و سردر و ستونها و نمای شرقی کاخ ابیض .



شکل ۱۳۷ – نمای غربی کاخ ابیض پس‌از تعمیرات و تغییرات اخیر .

عمارت گالری

عمارت گالری را ناصرالدین شاه دراواخر سلطنت خود بنا کرد و آن ساختمانی بود مرکب از یك عده اطاقها و تالارهای بزرگ و طولانی که یکصد متر درازا و دوازده متر پهنا داشت ودرسمت‌غربی حیاط زرگرخانه وباغچه‌های شرقی میدان ارگ قرار گرفته بود.

معیرالممالك‌می نویسد: بدستور ناصرالدین‌شاه مقدارزیادی ازپرده‌های نقاشی قدیم وجدید ایرانی وفرنگی را که درانبارهای عمارات سلطنتی درحال پوسیدن وازبین رفتن بود گردآورده پس ازاندکی مرمت در دیوارهای این گالری جدید نصب کردند و بیست‌وپنج چلچراغ که دارای گل وبرگ ومیوه های‌بلورین الوان بود ازسقف آن آویختند، درسالهای آخرعمرناصرالدین‌شاه مجالس نوازندگی و سرور شبانه نیز دراین گالری تشکیل میشد.

متأسفانه در سالهای بعد براثر متلاشی شدن و نضج نگرفتن گالری تابلوهایی که سالهای سال در دستگاه سلطنتی گرد آمده بود پراکنده شده برخی بطور متفرق در دیوارهای تالارها و سرسراهای کاخهای سلطنتی نصب گردید وبرخی نیز بدست اشخاص افتاد و یا در انبارها فاسد گردید واینك سالهاست‌شهرتهران‌فاقدیك‌موزه‌نقاشی‌آبرومندوگالری‌اساسی‌است‌تاهنرشناسان وهنرمندان بتوانند درآنجا یکجا و بترتیب تاریخی به همه تابلوها و پرده‌های نقاشی دویست ساله اخیر دسترسی داشته و تحولات نقاشی رنگ‌روغنی ایران وشیوه‌های مختلف نقاشی و نقاشان ایرانی را مورد مطالعه و مقایسه و بررسی قرار دهند.

باغچه گلستان

اکنون که سخن ما درباره بناها وتالارها و قسمت‌های مختلف وقدیمی ارگ سلطنتی بپایان رسیده بی مناسبت نیست راجع بوضع باغچه گلستان و تزیینات واستخرها و حوض و گل‌کاریهای آن نیز مطالبی بگوییم و وضع وچگونگی سابق آنرا روشن سازیم .

محوطه باغچه گلستان که اغلب بناها وتالارها در دورادور واطراف آن ساخته شده است چنانکه در نقشه ارگ نیز پیداست نسبةً شکل مربع دارد، سابقاً این محوطه بوسیله عمارت خروجی بدوقسمت شمالی و جنوبی تقسیم میشده ولی پس از خرابی آن عمارت این دوقسمت بهم متصل گردیده باغ وسیع چهارگوشی پدید آمد .

دراوایل دو استخر یا حوض بزرگ ، یکی درجلو شمس‌العماره و عمارت بادگیر ودیگری در جلو تالار آینه وجود داشت که بوسیله حوض درازی که درمحل عمارت خروجی ایجاد شده بود بهم متصل ومربوط می‌گردید.

استخر جلو شمس‌العماره بسیار بزرگ و عمیق بود و معمولاً قایقی در آن انداخته ، گاهی بعنوان تفریح وتفرج برآن سوار می‌شده‌اند .

در پاشوره‌های حوض‌ها و استخرها ، جابجا پایه‌های سنگی برای گذاشتن گلدانهای گل و نصب مجسمه‌ها و فانوسها ، قرار داده بودند . در داخل حوض‌ها نیز فواره‌های گوناگون دائماً فوران داشته و هوای باغچه را خنک ومصفا می ساختند .

برروی استخرهای دراز ، پلهای آهنین و چوبین بسته ودر کناره آنها الاچیق و کلاه فرنگی های چوبی و شیشه‌یی ساخته ، هرگوشه باغ را بنحوی تزئین کرده بودند .

چنارهای بلند کهن‌سال و درختها و درختچه‌های زینتی فراوان و گوناگون که اغلب نهال یا تخم آنها را ازکشورهای خارج یا ازجنگلها ونواحی دیگر ایران آورده بودند ـ در کنار ووسط باغچه‌ها با سرسبزی و سایه خود صفایی به باغ می دادند .

گل‌کاریهای باغچه‌ها توسط یك‌نفر باغبان فرانسوی بنام «پِرُوزُل» انجام می‌گرفت که در کار خود استادی ومهارت تمام داشت وبسیاری ازگلهای اروپایی که در ایران شناخته نبود ، بوسیله او در تهران معروف گردیده ، رواج یافت .

دیوارهای اطراف باغ دارای طاقنماهای قوسی ، پوشیده از کاشیهای هفت رنگ بود که در روی آنها اغلب شکل و صورت سربازان وافسران و موزیکانچی های آن عهد و نقش شیروخورشید ومناظر واشکال گوناگون رنگین ترسیم گردیده بود .

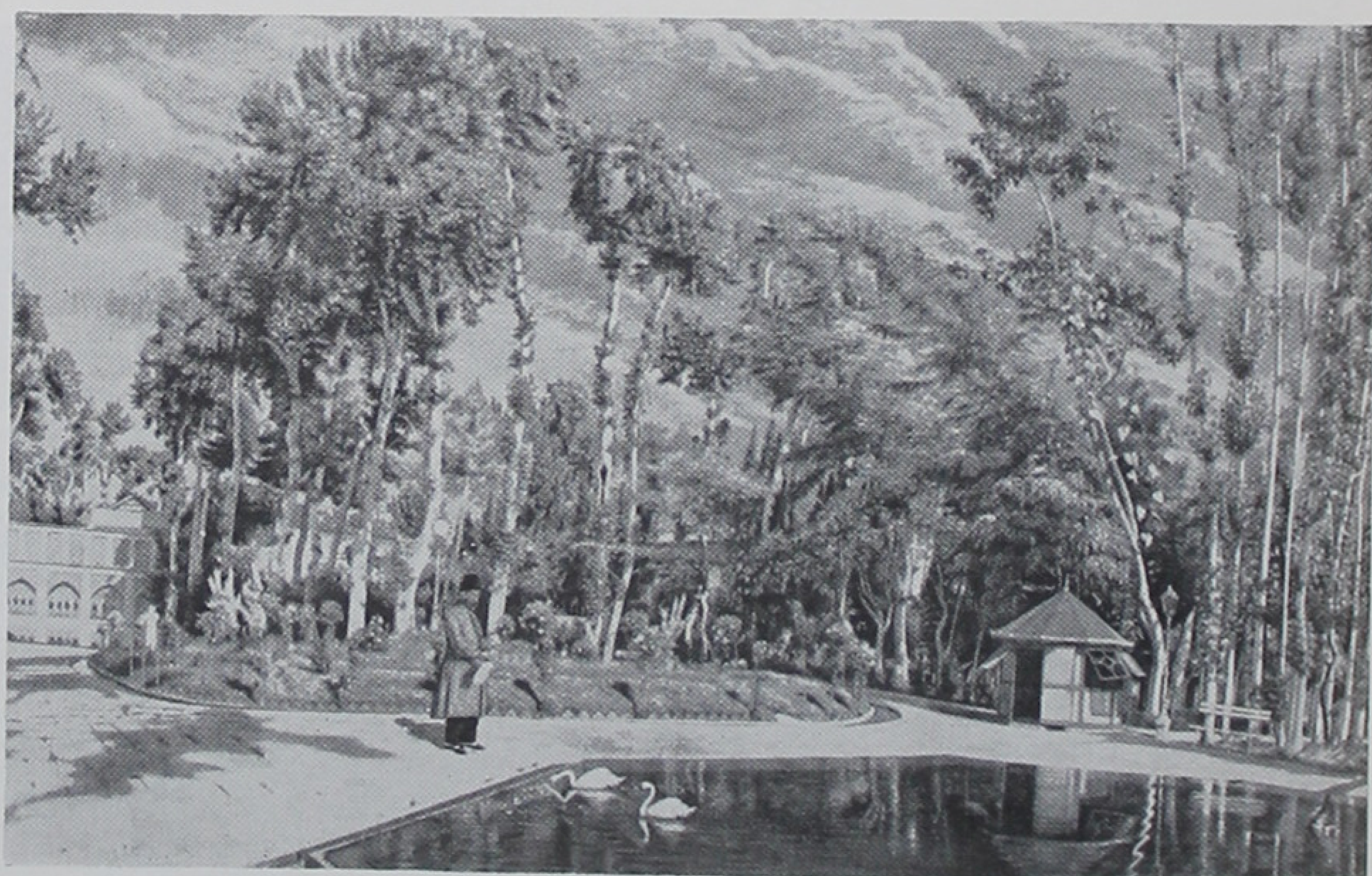
دربالای این طاقنماها ، یك ردیف طاقنماهای کوچکتری قرار داشت که آنها هم با کاشیهای هفت رنگ بطرح گلدانی بسیار زیبا پوشیده شده‌بود[1].

بسیاری از جهانگردان خارجی و سفرا و اروپائیان و امریکائیان دیگری که در عهد ناصرالدین شاه به ایران آمده و این باغ را دیده و مطالبی راجع بآن نوشته‌اند از نزهت وصفای باغ وطرح وآرایش آن تمجید وتحسین فراوان کرده وسلیقه ایرانیان را درباغ‌آرائی ستوده‌اند .

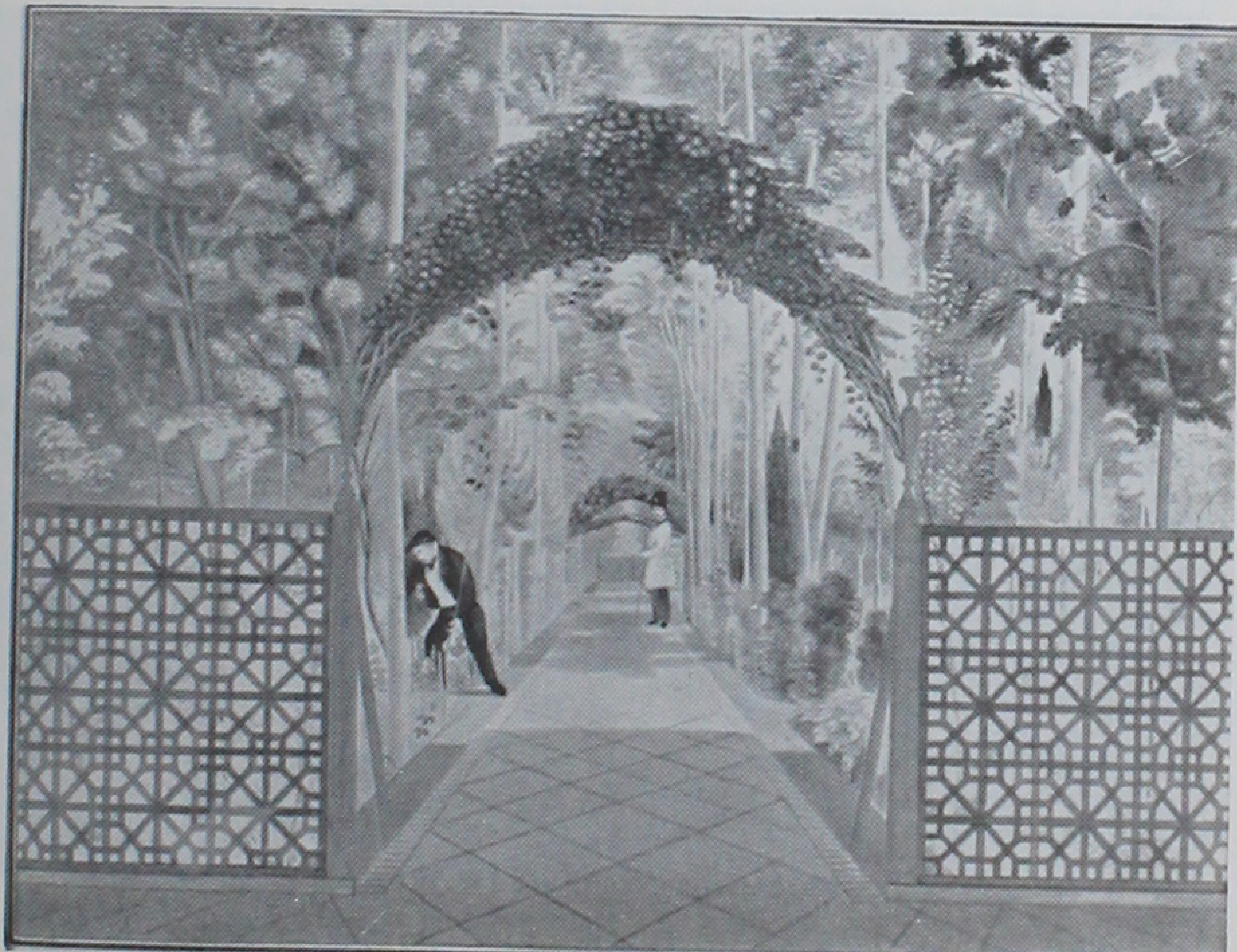
اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران مورخ ۱۹۲٤ ﻫ . ق . پیش از خرابی عمارت خروجی راجع به باغچه گلستان می‌نویسد :

---

۱ ـ براثر مرور زمان وریختن کاشی‌های بعضی قسمت‌ها ، تجدید کاشیکاری آنها در اواخر دوره قاجاریه انجام‌گرفته و نام طراح وکاشی‌ساز و تاریخ ساخت آنها برروی کاشیها دیده‌می‌شود .



شکل **۱۳۸** - تابلو رنگ روغن از باغچه کاخ گلستان اثر کمال‌الملک . موزه کاخ گلستان .



شکل ۱۳۹ - نقاشی آبرنگ از باغچه کاخ گلستان ، اثر محمودخان ملک‌الشعراء مورخ ۱۲۸۷ ه. ق.
مسیو پروزل باغبان فرانسوی مشغول رسیدگی بگلها ودرختهاست .



شکل ۱۴۰ - تصویری از باغچه واستخرهای کاخ گلستان با مجسمه‌ها وپایه چراغهای دور حوض .



In the Garden of the Palace

شکل ۱۴۱ و ۱۴۲ - مناظری از باغ واستخرهای باغ گلستان .



«. . . . . درمیان باغ همه انواع درختان قوی بزرگ بلند وانواع میوه‌جات و چمنها و انواع گلها در هر فصل مهیا و حاضر است واز اغلب خیابانها ، انهار وآبهای زیادی جاری و یك دریاچه بسیار بزرگ مدور ازمیانش پنج سنگ آب یك دفعه بیرون می آید مثل یك رودخانه عظیم وصدای زیادی می‌کندکه‌نزدیك‌آن‌حوض نمیتوان‌درست حرف‌زدوصدای‌آب مانع‌شنیدن‌گوش است واین قناتی است که هفده سال قبل‌ازاین (۱۲۷۷ هـ . ق .) حکم بحفر آن فرموده‌اند و ازآن زمان تا حال دائماً جاری و ساریست و نصف بیشتر شهر طهران از این آب مشروب می‌شود . آبش در نهایت صافی و سردی وگوارایی است . قبل از جریان این قنات که مردم شهر مجبور بودند از آبهای بدقنوات سابق بخورند احداث امراض کلیه می‌کرد . بعداز آشامیدن از این آب می‌توان گفت که مرض در طهران بسیار بسیار کم است که قابل ذکر نیست بحمدالله تعالی .

دیوارهای اطراف این باغ بسیارمرتفع وهمه‌کاشی‌کاری بسیاراعلاست ودر هر فصل از هر قسم گل‌های ایرانی و فرنگی در باغچه موجود است و باغ را همیشه معطردارد .

طرف جنوبی عمارت گلستان و موزه ، باغ بزرگ دیگریست که مثل همان باغی که مذکور شد از انواع درختها و گلها و نهالهای نارنج و لیمو و پرتقال ونارنگی تزیین است .

دریاچه بسیاربزرگی دراین باغ است‌که بسیار عمیق و عریض وطولانی است یك حوض مدور بزرگی دیگر هم دارد» .

بخش سوم

کوچه‌ها وخیابانهای داخل واطراف ارگ

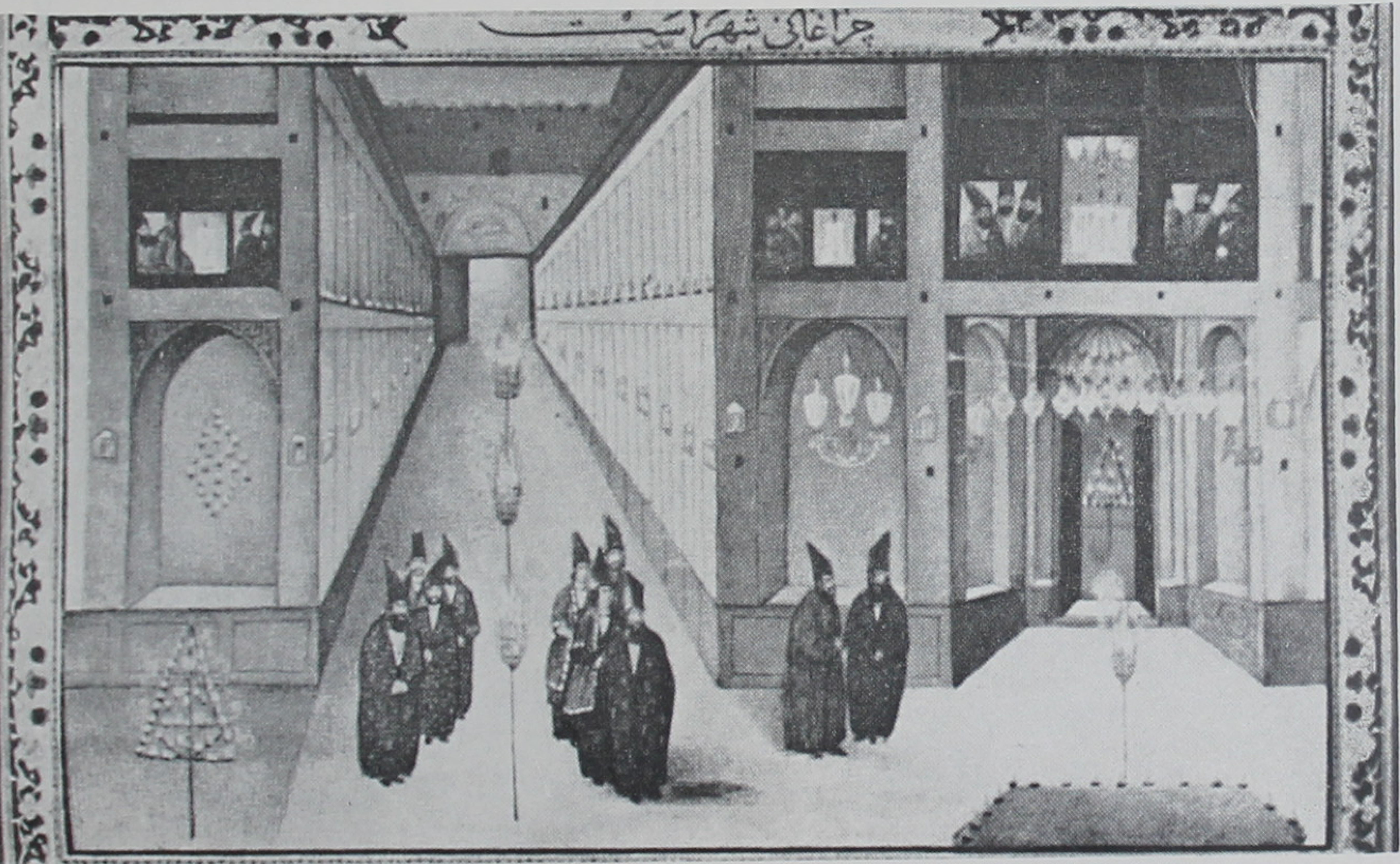
الف – کوچه‌ها وخیابانهای داخل ارگ

در داخل ارگ سلطنتی تهران دوکوچه ویك خیابان نسبةً وسیع وجود داشت که «نایب‌السلطنه» و کوچــه «درب اندرون» و خیابان «باب همایون» نامیده می‌شد .

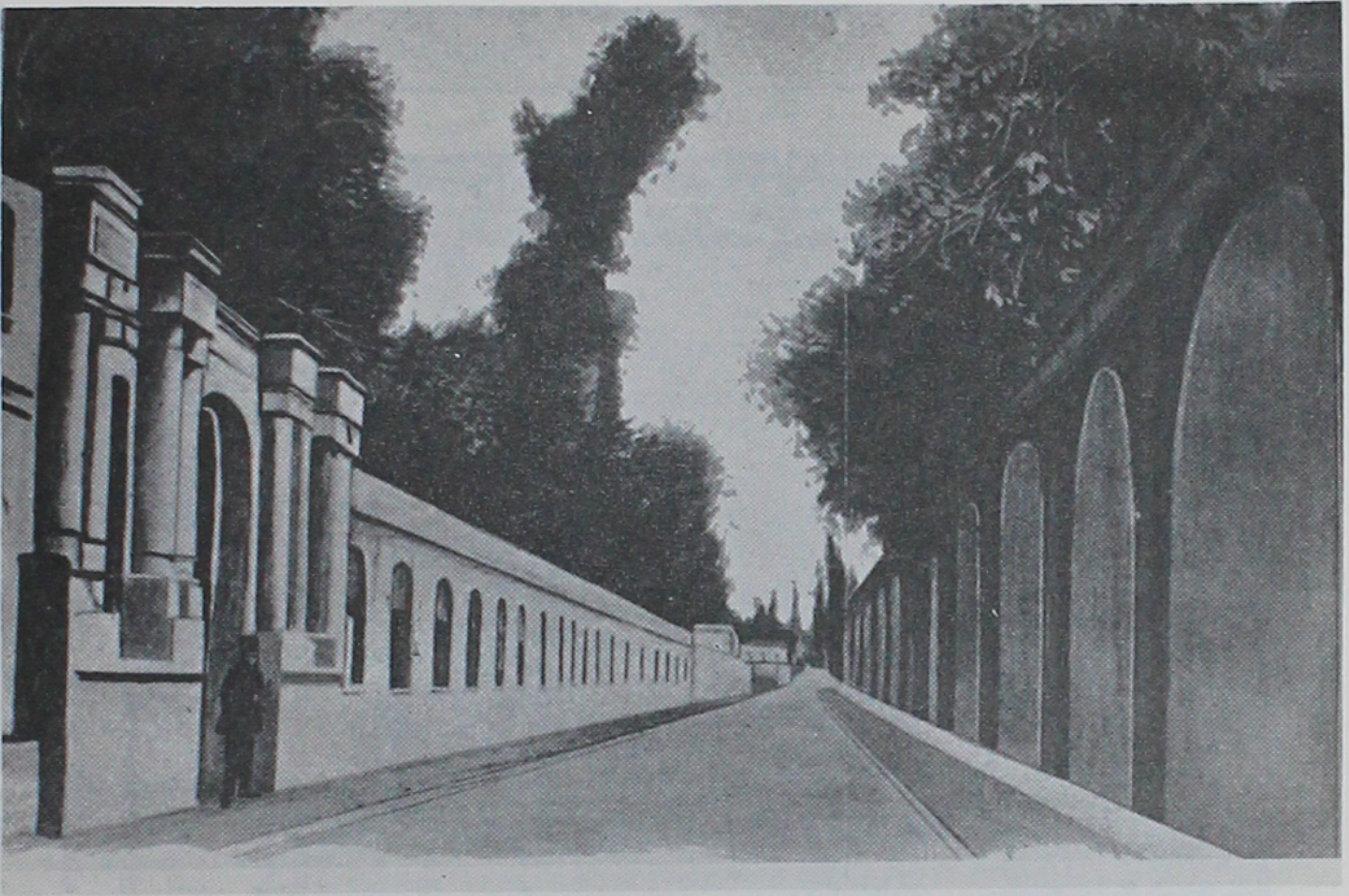
۱ – کوچه نایب‌السلطنه

این‌کوچه که‌اکنون به‌سبب بنای‌کاخ وزارت دادگستری درسمت غربی آن بنام مرحوم «داور» نامگذاری شده است میدان ارگ را ازجنوب بشمال به‌کوچه درب‌اندرون متصل می‌کرد . نام قدیم‌تر این‌کوچه معلوم نیست ولی از هنگامی که عمارات کامران میرزا نایب‌السلطنه و وزیر جنگ ناصرالدین‌شاه درمحل قسمتی از عمارات فتحعلی‌شاهی درسمت شرقی این‌کوچه ساخته شد ، به‌کوچه نایب‌السلطنه معروف گردید .

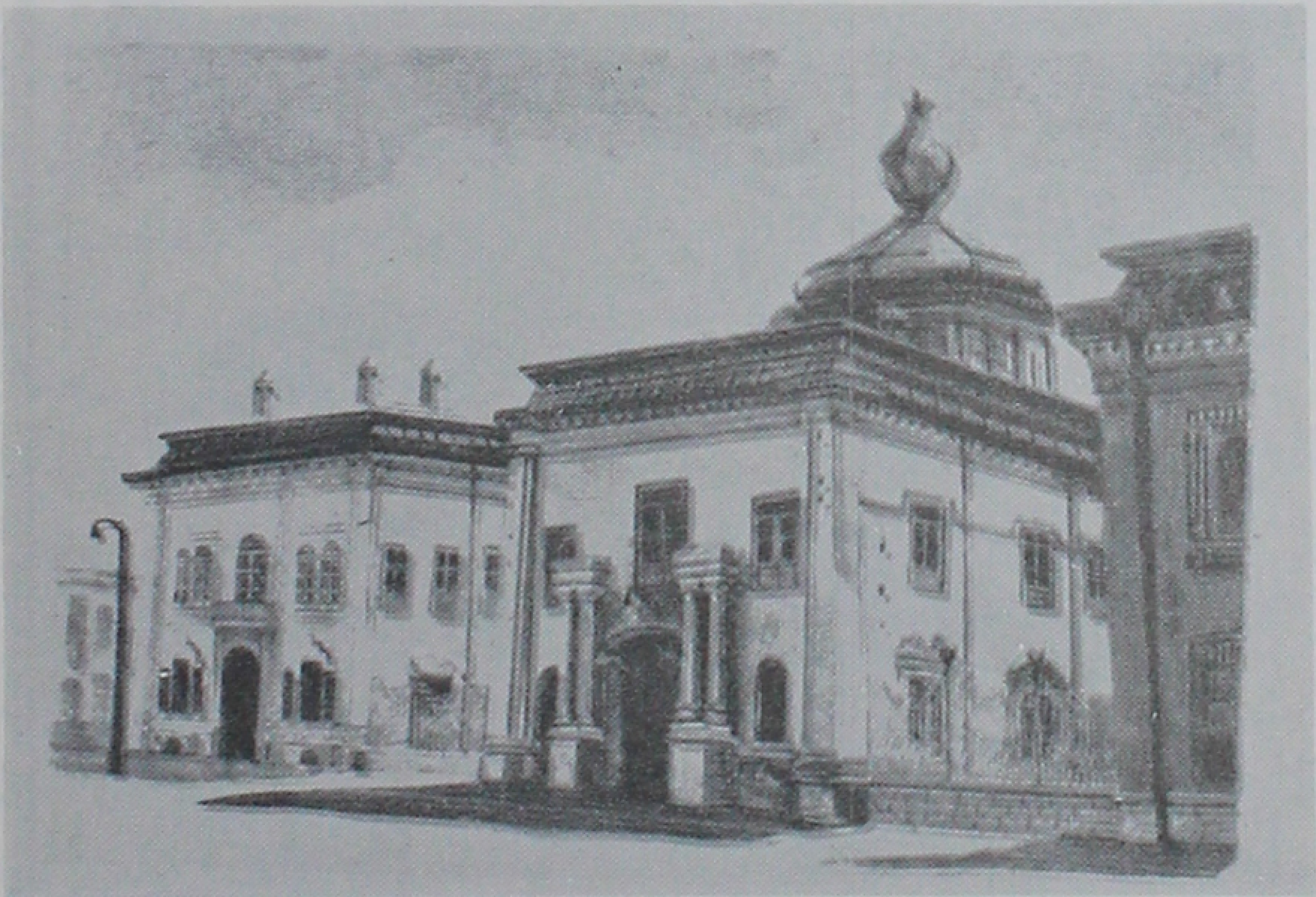
در ترجمه کتاب هزارویکشب که درکتابخانه سلطنتی موجود است واغلب تصاویر رجال ومناظرآن توسط ابوالحسن‌خان صنیع‌الملك وشاگردانش، از روی قیافه مردم ووضع مناظر شهر تهران ساخته شده‌است ، تصویری هست که وضع این‌کوچه را پیش‌از تغییرات عهد ناصرالدین‌شاه نشان می‌دهد واز آن تصویر چنین پیداست‌که از ابتداء عالی قاپو (سردر حیاط تخت مرمر) دردست راست و دفتر استیفا در دست چپ ، دوطرف کوچه را دو ردیف طاقنماهای



شکل ۱۴۳ – تصویر کوچه نایب‌السلطنه ازکتاب هزارویکشب پیش‌از تغییرات عهد ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۴۴ - کوچه نایب‌السلطنه درعهد ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۴۵ - قسمتی ازعمارت کامران میرزا نایب‌السلطنه که سپس بوزارت دارائی اختصاص داده شد .

بلند محصور می‌کرده است ودر انتهای کوچه حصاری بلند ودروازه‌یی بوده‌که شبها بسته شده ، عمارات سلطنتی‌را ازقسمتهای دیگر ارگ جدا می‌ساخته است.

محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران مورخ ۱۲۹۴ خود کوچه و بناها و عمارات دوطرف آن‌را چنین توصیف می‌کند :

« . . . دیگراز کوچه‌های معروف‌کوچه‌ایست‌که ابتدا می‌شود ازطرف شمالی باغ میدان ومنتهی میشود بکوچه باب‌همایون . ابتدای این‌کوچه طرف یسار عمارت دفتر استیفاست کـه جناب وزیردفتر و مستوفیان عظام در آن می‌نشینند وطرف دست راست‌کوچه دیوارهای عمارات دولتی وعمارات . . . نایب‌السلطنه امیر کبیر می‌باشد .

نیز ازطرف دست چپ انبارتوپخانه است‌که قریب چهارصد عراده توپ از هرجور درآن انبار درنهایت تمیزی چیده شده است . بعداز آن انبارهای ذخیره گندم دیوانی‌است وهمیشه بیست‌هزارخروار گندم دراینجا موجود است.

بعدازآن اصطبل خاصه‌است‌که اسبان خاصه را درآنجا نگاه می‌دارند. بعدازآن باغ وعمارت اطاق نظام است که صاحب‌منصبان نظامی ولشکرنویسان و وزیرلشکر درآنجا می‌نشینند . . . وخزانه نظامی دراین عمارت است وجیرهٔ قشون دراین باغ وعمارت داده می‌شود . یك طرف این باغ راکه به‌کوچه نگاه می‌کند محجر گذاشته‌اند ، عابرین‌کوچه ، باغ وعمارت‌را تماشا می‌کنند. عرض این‌کوچه زیاد است وهرشب فانوسها روشن می‌باشد .

بعد بعمارت دیوان‌خانه که جناب وزیـر عدلیه و اجزای دیوانخانه می‌نشینند میرسد ، دارالطباعه دولتی‌هم دراینجا واقع است» .

آنچه‌باید برنوشته اعتمادالسلطنه بیفزاییم اینست‌که‌ازنقشه‌یی‌که درسال ۱۲۷۵ هـ. ق. از روی نقشه‌کریشش اتریشی درتهران چاپ شده‌است چنین‌معلوم میشودکه محل دفتر استیفا درابتدا وسمت چپ‌کوچه نایب‌السلطنه ، سابقاً محل انبار توپخانه وقورخانهٔ دولتی بوده است وهمینطور درانتهای کوچه درسمت راست (نبش‌کوچه نایب‌السلطنه وکوچه درب اندرون) عمارت سروستان قرار

داشته است که درزمانهای بعد همه آنهارا خراب کرده بناهای دیگری ساخته‌اند.

۲ ـ کوچه درب‌اندرون

کوچه درب‌اندرون ازشرق به‌غرب ارگ سلطنتی را ازعرض بدوبخش تقسیم می‌کرد ، در طول کوچه درسمت جنوب عمارات اندرون وعمارات دیگر سلطنتی ودیوان‌خانه عدالت و درسمت شمال دو امامزاده بنام روح‌الله ونورالله و عمارت دارالفنون و مدرسه نظام و خانه‌های خواجگان و آغایان و خانه عزیزالسلطان (ملیجك) وخیابان الماسیه ومدرسه مجمع‌الصنایع ومسجد مهدعلیا وقورخانه دولتی وغیره قرارگرفته بود ، وبا درهای بزرگ خود ، خیابانهای ناصریه وجلیل‌آباد را بیکدیگرمتصل‌میساخت ونیز دردونقطه‌خیابان‌باب‌همایون (الماسیه) وکوچه نایب‌السلطنه آنرا قطع می‌کرد .

کوچه درب‌اندرون پیش‌ازپرکردن خندق شرقی‌ارگ واحداث خیابان ناصریه ، بوسیله پلی چوبی ، با قسمت شرقی شهر ارتباط داشت که به آن «تخته پل جدید» می‌گفتند .

چون‌نزدیك به‌سرکوچه درجنب‌خیابان‌ناصریه، دِری از اندرون به‌کوچه باز می‌شدکه رفت‌وآمد اهل‌حرم وخواجگان معمولاً ازاین‌در انجام می‌گرفت، بااین‌جهت این‌کوچه را «درب اندرون» می‌نامیدند .

بنای مشخص وقابل ذکری‌که در این‌کوچه وجود داشت ، گذشته از جلوخان درب‌اندرون ، سردربزرگ وباشکوه «باب‌همایون» یا«سردرالماسیه» بودکه محل ورود وخروج عمارات سلطنتی ازسمت شمال محسوب میگردید .

عمارت سردر باب همایون بسال ۱۲۸۸ هـ. ق. با سردر دروازه دولت وخود خیابان الماسیه یا باب‌همایون ، که درآینده راجع به‌آنها بحث خواهیم کرد ، بتوسط واهتمام محمد رحیم‌خان قاجار علاءالدوله (امیرنظام) که علاوه برسمت نسقچی‌باشیگری ، منصب فراشباشیگری دربار را نیز داشت ساخته شده بود[۱] .

---

۱ ـ روزنامه‌ایران شماره ۶۶-۱۲۸۸ هـ. ق. ـ مرات‌البلدان ج۳ ص۱۵۱ـ المآثروالاثار ص۵۷ .



شکل ۱٤٦ – نقشه کوچه‌ها وخیابانهای داخل وخارج ارگ به‌سال ۱۳۷۵ ﻫ . ق .

عمارت سردر باب همایون که تا چهل‌سال پیش ویران نشده‌بود ، بنایی بود دوطبقه‌که دروسط طبقه اول در بزرگی قرار داشت باطاق هلالی‌که درروی آن علامت شیروخورشید وتزیینات دیگر باکاشی رنگین نقش ونصب گردیده بود. در دوطرف آن، طاقنماها ودرگاهیهای مزین‌بکاشی‌دیده می‌شد و درداخل درگاهی‌ها در روی سکوهای سنگی ، دومجسمه فلزی مشعل بدست وجود داشت . بعدازآن دواطاق قرارگرفته بودکه بالای درهای آنها با مقرنس‌های کچی بسیار زیبا زینت یافته بود و محل بیتوته و استراحت دربانها یا باصطلاح آنروز «قاپوچی»ها بود .

پس‌از قسمت‌های اصلی سردر ، دو رشته ایوان ستون‌دار واطاقهای کم‌ارتفاع در دوسمت سردر ساخته بودندکه مخصوص قراولان و نگهبانان عمارات سلطنتی بود .

قسمت پایین دیوارها و سکوها و درگاهی‌های طبقه اول ، تماماً با تخته سنگ‌های حجاری ، هرّه‌سازی شده‌بود .

درطبقه دوم سردر ، درقسمت بالای در وطاقنماها ، تالار وسیعی با سه دهنه ارسی مشبک هلالی وایوانی با دوستون کچی فتیله‌یی یا مارپیچی ودو نیم‌ستون ، ساخته بودند وجبهٔ ایوان وتالار را تاج هلالی بزرگ با پیچک‌ها وگلهای مشبک ونیم‌ترنج گچ‌بری شده زینت می‌داد .

در بالای اطاقهای طبقه اول ، دواطاق گوشواره یا بالاخانه وجود داشت که نور آنها از ارسیهای سه‌دری مشبک با شیشه‌های رنگین وآینه‌کاری شده تأمین می گردید .

اعتمادالسلطنه در مورد این‌کوچه در روزنامه ایران نوشته است :
« . . . دری در حرم‌خانه دارد که اغلب اوقات سواری وتفرج ، اعلیحضرت اقدس شاهنشاه . . . ازآن بیرون آمده سوار می‌شوند وسردری دارد معروف به سردر الماسیه » .

۳ ـ خیابان باب همایون

این‌خیابان از شمال به‌جنوب نیمهٔ شمالی ارگ را به دوقسمت تقسیم می‌کرد ومیدان توپخانه جدید (میدان سپه) را به‌خیابان درب‌اندرون مربوط می‌ساخت وچون درست در محاذی باب همایون یا سردر الماسیه قرارگرفته بود ، از اینرو به خیابان باب همایون یا خیابان الماسیه معروف‌گردیده بود ، ولی گاهی خیابان دولت و دالان بهشت نیز نامیده می‌شد .

این خیابان درسابق کوچه‌یی تنگ وباریك وناپاك بود ، ولی درسال ۱۲۸۸ هـ. ق. بدستور ناصرالدین‌شاه ، محمد رحیم‌خان علاءالدوله (امیرنظام) آنرا بصورت خیابان عریضی درآورده ، مغازه‌ها و دکان‌های منظم و نظیفی در دو طرف خیابان ساخت و حاشیه آنـرا درخت کاشته کف خیابان را سنگ‌فرش کرد .

محمودخان ملك‌الشعرا، منظرهٔ آبرنگ بسیارجالبی‌ازخیابان باب‌همایون بسال ۱۲۸۸ یعنی مقارن با احداث آن ، نقاشی کرده است که وضع خیابان وچگونگی مغازه‌ها ودرختها وتیر فانوسها وجلوخانها وسردر باب‌همایون را در آن‌هنگام بخوبی نشان میدهد واز نظر تاریخچه شهرتهران وبررسی‌تحولات آن یکی از مدارك واسناد بسیارمهم وجالب بشمار می‌رود .

چنانکه قبلاً هم اشاره کرده‌ایم ، در انتهای این خیابان یعنی درمحل دروازهٔ قدیمی‌که افغانها درحصار ارگ و لب خندق شمالی شهر احداث‌کرده درجلو آن پلی بسته بودند ، درسال ۱۲۸۸ هـ. ق. یعنی همزمان باایجاد خیابان الماسیه ، دروازه‌یی بسیار بزرگ با سردری بلند وباشکوه توسط علاءالدوله مذکور ساخته شد که با نام قدیم خود «دروازهٔ دولت» معروف‌گردید[1] .

این دروازه که به میدان توپخانه باز می‌شد دارای سه‌در بزرگ یا سه

---

۱ ـ هنگامی‌که شهرتهران توسعه داده‌شد وجای دروازه‌های شهر تغییرکرد، دروازهٔ دولت نیز به‌انتهای خیابان لختی (سعدی) انتقال یافت .

دهانه بودکه در وسطی بزرگتر ودو در دیگر کوچکتر بود ورفت‌وآمد مردم از توپخانه به ارگ از همین درها انجام می گرفت.

سردر دروازه دولت، بصورت بنای سه طبقهٔ متقارنی بود ودو اطاق در بالای درهای دوطرف و یك ایوان یا مهتابی ستون‌دار بالای در اصلی با برجها و ستونهای کاشی‌کاری‌شده، قرار داشت.

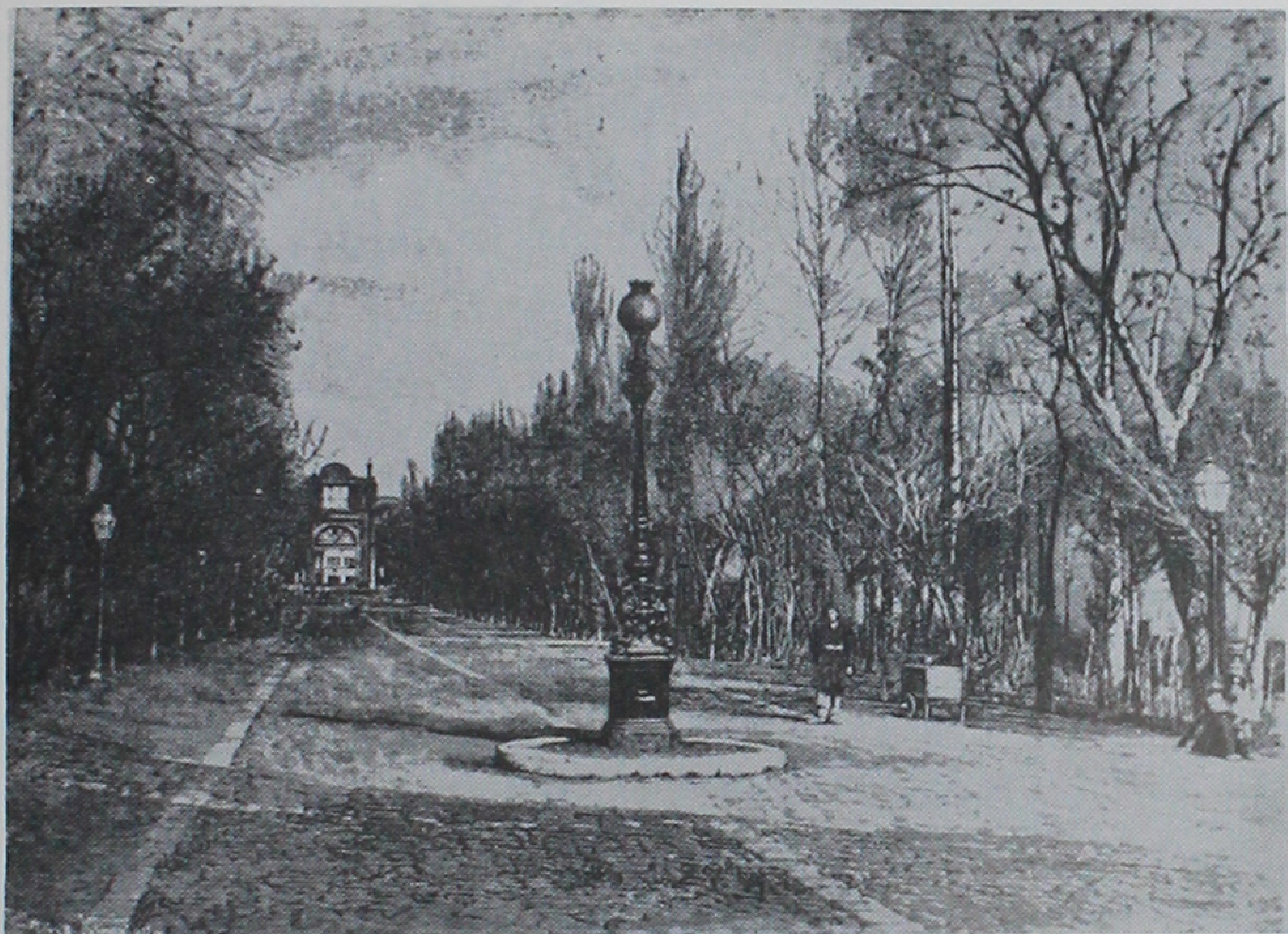
درهای دروازه‌ها، از چدن بصورت یك پارچه درقورخانه دولتی پس از نصب چرخ بخار ریخته شده بود وتا آن‌هنگام ساختن چنین درهای بزرگ و یك پارچه درتهران سابقه نداشت و بهمین‌علت اعتمادالسلطنه در شماره ۱۷ روزنامه‌ایران مورخ ۱۲۸۸ ه. ق. (وجلد سوم مرات‌البلدان‌ناصری - ص۱۴۰) می‌نویسد: «دروازه خیابان جدید دولت که بسیار بزرگ ومرتفع ساخته شده است حسب‌الامرالاعلی مقرر فرمودند با چدن ریخته شود، یك جفت آنرا که جنبین دروازه است از چدن ریخته‌اند. یك‌پارچه‌بودن وخوبی‌آن محل تعجب و تماشاست و تاکنون در ایران این قسم چدن‌ریزی دیده نشده بود واین اول نتیجه‌ایست از نتایج چرخ بخار».

باز همو در روزنامه ایران مورخ ۱۲۹۴ ه. ق. درخصوص این‌خیابان و بناهای واقع درآن می‌نویسد: «... طول این‌کوچه نزدیك بهزار ذرع می‌شود الی دروازه که داخل میدان توپخانه جدید می‌گردد و این دروازه سردری دارد بسیارعالی و از بناهای معروف وازکاشی‌کاری وغیره.

در جنبین این کوچه همه درختهای سایه‌دار خوب غرس شده است و محجر گذاشته سیم کشیده‌اند. عرض‌کوچه پانزده الی بیست ذرع است. دکاکین وخانه‌های خوب درطرفین کوچه است. طرف دست راست کوچه‌یی دارد که به مدرسه نظامی می‌رود وهمه‌کوچه سنگ فرش است وهرشب چراغ روشن می‌باشد. در دست چپ جلوخان وسردر قورخانه و انبار دولتی است درنهایت تزیین بناشده».



شکل ۱۴۷ – تصویر آبرنگ خیابان الماسیه (دربهشت) به‌سال ۱۳۸۸ ه. ق. اثر محمودخان ملک‌الشعراء.



شکل ۱۴۸ - خیابان الماسیه و پایه چراغ چدنی .

بناها و عمارات دولتی قابل ذکرکه در خیابان الماسیه وجود داشت عبارت بود از مدرسه نظام ، قورخانه ومجمع‌الصنایع ومسجد مهدعلیا وغیره . البته مدرسه مجمع‌الصنایع واقع درخیابان الماسیه جز از مجمع‌الصنایعی است که بوسیله مرحوم میرزا تقی‌خان امیرکبیر در انتهای بازار توتون فروشها (بازار صندوقدار) در سبزمیدان ایجاد وتأسیس شده سالها دایر بود وهنوزهم محلش بهمان نام باقی‌است .

مجمع‌الصنایع الماسیه تقریباً درپشت مسجد مهدعلیا در ابتدای خیابان قرار داشت و بحجره‌های چندی تقسیم می‌شد و استادان وشاگردان درآنجا به‌صنایع وحرف مختلفی مشغول بودند .

اعتمادالسلطنه درشماره ۴۸۷ روزنامه ایران مورخ ۱۲۹۹ درباره این مجمع‌الصنایع می‌نویسد :

«ازآنجا که خاطر . . . اعلیحضرت همایونی پیوسته مایل و متوجه تکمیل صنایع وتشویق اهل حرفت وصنعت است این اوقات بنواب اشرف والا امیرکبیر نایب‌السلطنه وزیر جنگ وحکمران دارالخلافه . . مقرر فرمودندکه مدرسه مجمع‌الصنایع واقعه درخیابان باب همایون راکه مدتهابود خالی ازسکنه وبایر مانده‌بود بجمع اهل‌حرفت‌وصنعت دایرنمایند. نواب معظم‌له . . . دراقرب زمان ، مکان مزبور را مرمت‌کامل‌کرده درترتیب ووضع وهیئت مدرسه وجمع و تشکیل اهل حرفت و صنعت اقدامات لایقه بعمل آوردند . اصناف حرفت و انواع صنایع با استادان ماهر درآنجا مجتمع و هرحجره را به صنعتگری مخصوص داشتند . . .

صورت اسامی اصناف مجمع‌الصنایع و امتعه و مصنوعاتی‌که از آنها بظهور رسیده است :

حجره حاج اسمعیل : صندلی فنردار آهنی درنهایت امتیاز . آینه مفضّض اعلی . قهوه‌ریز مطلای نوظهور ، آفتابه‌لگن برنجی ، قلمدان مطلا ، قاب سیگار مطلا ، قداره مطلای طلاکوب . . . .

حجره استاد محمد صادق : چاقوی تیغ‌مطلا وتیغ نقره و تیغ خشکه از قلمتراش ومیوه‌خوری ، اسباب جراحی ازهمه‌چیز ، مهمیزچکمه ونیم‌چکمه، اسباب مخابراتی با تمام‌لوازم‌آن‌که تماماً دراین‌حجره خود ساخته ، بادام‌شکن .

حجره استاد اسمعیل : پایه‌لاله‌فنری برنجی‌کوتاه وبلند . قداره غلاف آهن ممتاز ، میوه‌خوری پایه‌دار برنجی بزرگ وکوچك ، آجیل‌خوری پایه‌دار، تنگ برنجی بزرگ وکوچك بانواع مختلفه سینی برنجی مدوّر ومربّع .

حجره استاد بهرام : پردهٔ شبیه همایونی در شکارگاه[1] ، ایضاً تمثال مبارك دوپرده ، پرده‌های نقاشی‌متفرقه وسایر تصاویرمختلفه .

---

۱ - این پرده اکنون درموزه کاخ گلستان محفوظ است .

حجره میرزا مصطفی: آیینهٔ مصور مربع تذهیب‌شده، آیینه دستی‌مصور تذهیب شده ، قلمدان صورت جنگ بسیار ممتاز، قلمدانهای بسیار اعلی بانواع واقسام واشکال مختلفه .

حجره استاد مهدی ساعت‌ساز : ساعت بزرگ زنگی عمارتی‌که تمام اسباب آن‌را در دارالخلافه تهران ساخته‌اند . قفل‌مرغ مصنوعی ، ساعتهای دیوارکوب متفرقه اعم از نوساز ومرمت واصلاح‌شده .

حجره حاج عیسی‌خان : عصاهای چوب آبنوس سردسته شیرماهی به‌وضع‌ها واشکال‌مختلفه، قابهای‌مختلفه، جای‌جواهرآلات، جعبه‌لوازم‌التحریر چوبی ، قنداق تفنگ بسیاراعلی .

حجره‌آقاسیدعلی : قداره قزاقی‌طرح ایرانی وروسی واطریشی، قداره نظامی‌آهنی بطرح‌های مختلف. قمهٔ قزاقی وغلاف برنج منبت، قمهٔ جوهری ، رکاب ودهنه طرز فرنگی ، رکاب ودهنه طلاکوب ایرانی ، کارد جوهری .

حجره میرزانصرالله : برتپه قدّاره ، بند قداره نظامی، اشارب گلابتون قزاقی ، اشارب ابریشمی مال صاحب‌منصبان ، یراق شلوار وقبای طرح اطریشی، یراق طرح اطریشی بجهت سر دست ویقه لباس نظام و یراقهای پهن و باریک بجهت لباس‌زنانه ، جوانی گلابتون ریشه‌ابریشمی بجهت‌پرده ، بندپرده‌ابریشمی، قیطان بجهت دور مخدّه .

حجره میرزا رضی‌مذهب : جلد آلبوم عکس تذهیب‌کرده ، قلمدانهای تذهیب شده اعلی ، ورق مرقع صورت مرغهای مختلف .

حجره میرزا کوچك سرّاج : قاب طپانچه چرمی ، لیوان آبخوری بلغار ، تازیانه چرمی طرح فرنگی .

میرزا غلامعلی میناکار : سرغلیان طلای مینا ، سرغلیان مس‌میناکاری شده ، صورتهای کوچك میناشده .

حجره میرزا آقای نقاش : چرم برّاق طرز چرم فرنگی ، پرده بزرگ نقــاشی .

شکل ۱۴۹ - عمارت سردر الماسیه یا «باب همایون» .

Téhéran. Vue générale.

شکل ۱۵۰ - قسمتی ازگوشه شمال شرقی ارگ و شهر تهران از بالای مهتابی دروازه دولت .



شکل ۱۵۱ – دروازه دولت ازطرف خیابان الماسیه .

حجره مشهدی حسین : پارچه‌های بافته طرز آغاری ازهمه رنگ که در دوازده دستگاه اتصالاً مشغول بافتن است .

حجره استادحسین نجّار : نیمکت بزرگ وبسیارممتاز ، صندلی خیلی ممتاز ، میزکوچك بزرگ» .

ب – خیابانهای اطراف ارگ

ارگ تهران درآن هنگام که با دیوارها وبرجهای بلندی محصوربود ، به‌سبب موقعیتی که داشت ازطرف مشرق به‌خیابان ناصریه (ناصرخسرو) ازطرف جنوب به خیابان جبّاخانه (بوذرجمهری) ازطرف مغرب به خیابان جلیل‌آباد (خیام) ازطرف شمال قسمتی به میدان توپخانه جدید (میدان سپه) و قسمتی به خیابان امیریه یا مریضخانه (خیابان سپه) محدود می‌گردید . اما همه این خیابانها وضلع جنوبی میدان پیش از توسعه شهر تهران درسال ۱۲۸٤ هـ. ق. خندقهای گودی بود که برج وباروهای ارگ در وسط آنها قرار داشت وارگ بدین‌وسیله ازشهر وخارج شهر جدا می‌شد .

چون این خیابانها هریك دارای تاریخچه‌یی است و هرکدام درطول زمان تحولات وتغییرات فراوانی بخود دیده است ازاینرو در پایان کتاب بجا می‌داند فصلی نیز برای آنها بازکرده و درمورد هریك شرحی نوشته شود .

۱ – خیابان ناصریه (ناصرخسرو)

چنانکه قبل از این‌هم نوشته‌ایم ، محل این خیابان پیش‌از توسعه شهر خندق شرقی ارگ را تشکیل می‌داد و در سمت شرقی خندق مزبور تقریباً از برابر شمس‌العماره تا جلوخان مسجد شاه ، درپشت دکانهای شرقی ، بازاری وجود داشت که به «بازارکنارخندق» معروف بود ، زمانی‌که خیابان ناصریه‌را تعریض‌کردند ، ودکانها وبازار را از بین بردند و تیمچهٔ صدراعظم و دکانهای

غربی بازار درکنار جبههٔ جدیدالاحداث خیابان ناصرخسرو قرارگرفت[۱] . وضع قدیمی این قسمت و خندق شرقی ارگ و برج آن در تصاویر شماره ۶ و ۷ این کتاب نشان داده شده است ولی هنگام ترسیم آنها ، هنوز بازار کنارخندق ساخته نشده بود وآنچه درعکس نمایانست مدخل بازار تهرانست .

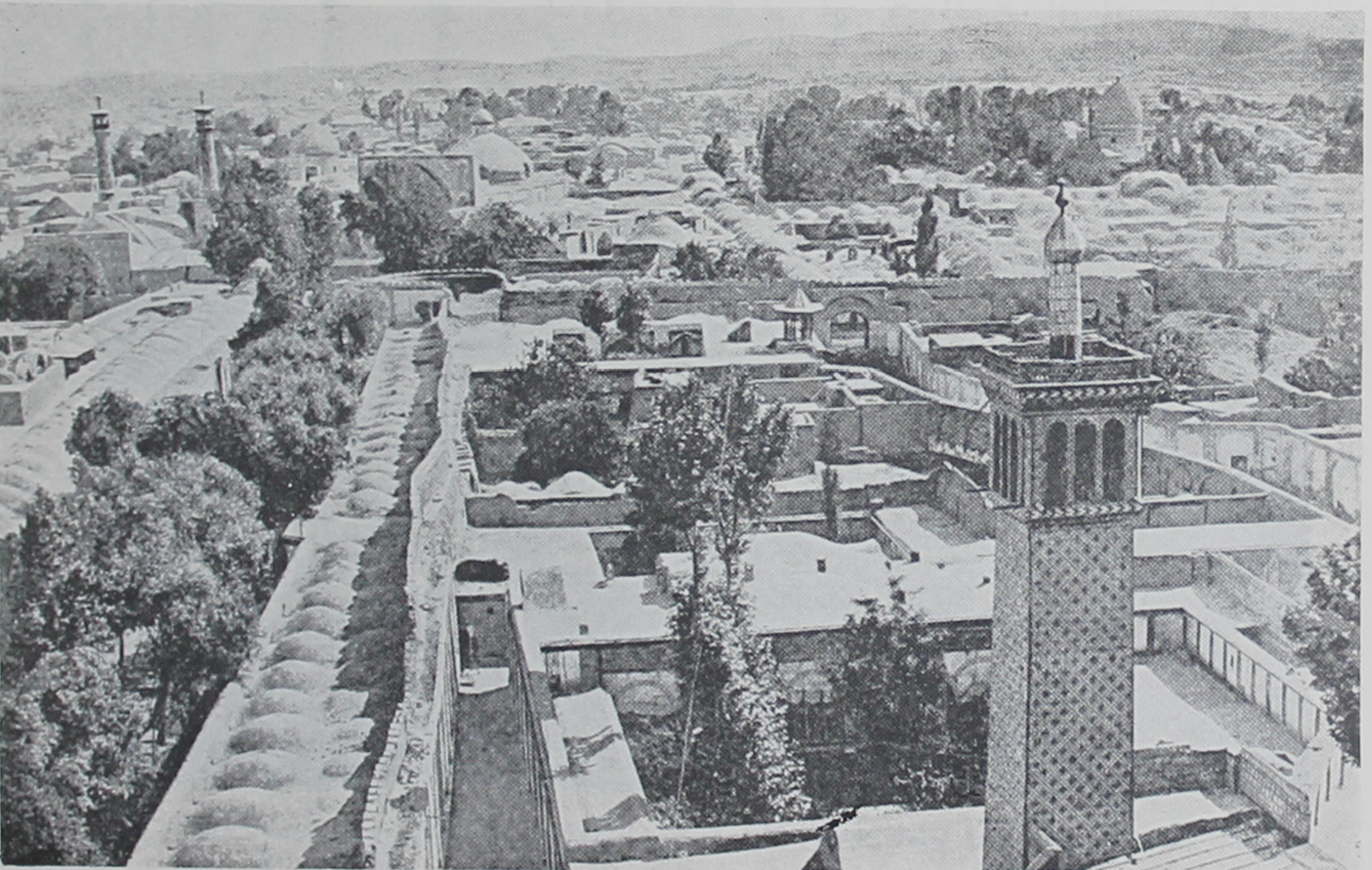
پرساختن خندق شرقی ارگ درسال ۱۲۸۵ هـ. ق. باتمام رسید وضمن ساختن حصار وخندق جدید در دور دارالخلافه ناصری یا تهران جدید ، این قسمت را نیز تبدیل به‌خیابان کردند وبنام ناصرالدین‌شاه ، آنرا خیابان «ناصریه» نامیدند و درهمین سال درانتهای خیابان دروازه‌یی بنام دروازه ناصری ساخته شد[۲] که گاهی بعلت وجود شمس‌العماره در این خیابان به آن دروازهٔ خیابان شمس‌العماره نیز می‌گفتند[۳] .

خیابان ناصریه تا سال ۱۲۸۹ هـ. ق. هنوز سروسامانی نیافته بود ، درین سال تکمیل وتنظیف آن به امین‌حضور واگذارگردید و او این خیابان را بصورتی درآوردکه یکی‌ازخیابانهای خوب‌آن زمان بشمارمی‌رفت. دراین‌باب در روزنامه ایران[٤] نوشته شده‌که : «چون مراتب اهتمام امین‌حضور ، خازن صرف جیب همایون درخدمات محوله عموماً و درنظم عمارات دولتی ییلاقی خصوصاً ، کاملاً معروض خاکپای مبارك افتاد به موجب دستخط . . . مراقبت ومواظبت خیابان ناصری جنب شمس‌العماره واتمام امر بنایی وتکمیل غرس‌آن خیابان را بعهده معزی‌الیه واگذار فرمودند که از روی سلیقه ودقت باکمال امتیاز واختصاص ، نظمی‌کامل درامر خیابان ناصری بدهد» .

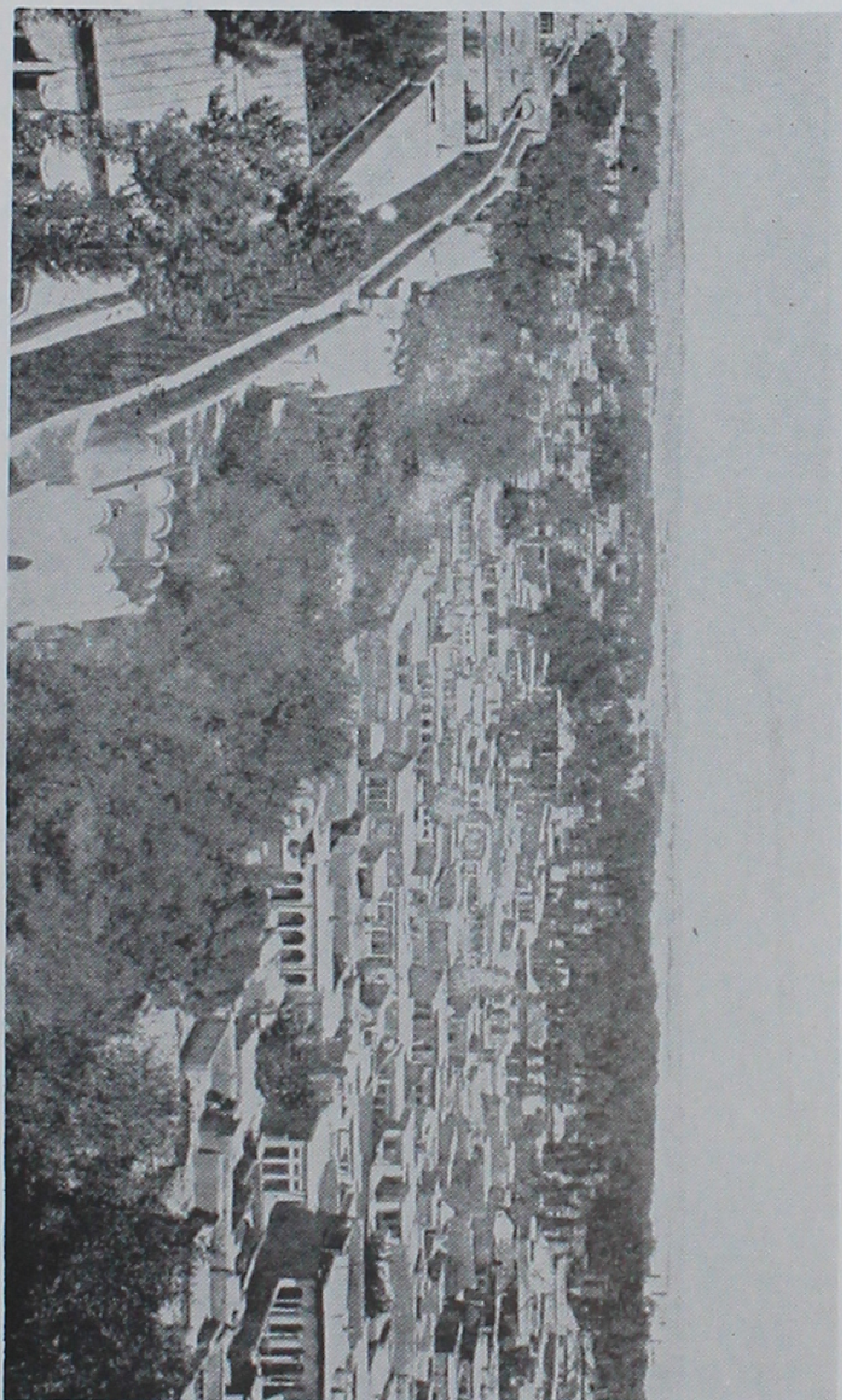
در سال ۱۲۹۲ هـ. ق. از دارالفنون که در داخل ارگ قرار داشت در جدیدی به خیابان ناصریه بازکردند وعمارات وحیاط مدرسه بوسیله این‌در با خیابان مذکور مربوط گردید و پیش‌از آن در ورودی مدرسه از خیابان

---

۱ - اطلاعات ماهیانه ش ۹ ص ۶-۷ مقاله دانشمند محترم آقای سیدمحمدتقی مصطفوی .
۲ - المآثر والاثار ص۷۳ .
۳ - روزنامه ایران شماره ۴۷ - ۱۲۸۸ هـ. ق.
٤ - روزنامه ایران شماره ۸۸ - ۱۲۸۹ هـ. ق.



شکل ۱۵۲ – منظره گوشه‌یی ازجنوب شرقی ارگ خیابان ناصریه ومسجدشاه وحصار ارگ درزمان ناصرالدین‌شاه.



شکل ۱۵۳ - منظره‌ای از شرق تهران و برجها و باروی ارگ و خیابان ناصریه از بالای شمس‌العماره .

باب همایون بود و در پشت محل فعلی تلگرافخانه کوچه‌یی بود وازآنجا راهی بمدرسه داشت .

اعتمادالسلطنه درسال ۱۲۹٤ هـ ق. در روزنامه ایران دربارهٔ وضع این خیابان چنین می‌نویسد :

« دیگرکوچه وخیابان شمس‌العماره است‌که بهترین بناها و بهترین کوچه‌های طهران می‌باشد . این‌کوچه یك دروازه از آخر باغ وعمارت بادگیر و شمس‌العماره داردکه اغلب اوقات اعلیحضرت شاهنشاه . . . ازاین در سوار شده بتفرّج می‌روند. طول این‌کوچه هزاروپانصد ذرع می‌شود وعرضش بیست الی سی ذرع است . طرفین‌کوچه درختهای میوه‌دار و چنار وغیره کاشته‌اند ومحجرها وسیمها دارد . وسط کوچه محل عبورکالسگه وسوار وجنبین محل عبور پیاده است . چراغهای چودنی درطرفین نصب است‌که همه‌شب روشن می‌باشد ، وصبح وعصر محل‌گردش‌گاه عامه است واز هرطبقه مردم در آنجا الی سه ساعت از شب‌رفته ، مشغول‌گردش هستند .

طرف راست‌کوچه دکاکین وخانه‌های مردم‌است وطرف‌چپ دیوارقلعه ارگ ، درآخر منتهی میشود بسردر ودرب مدرسه مبارکه دارالفنون وآن طرف سردر عمارتی است‌که تازه بنا نهاده‌اند .

تحتانی این عمارت دواخانه‌ایست مشتمل هرقسم و هرجور دواهای ایرانی وفرنگی و دواسازهای معتبر دراینجا حاضر هستند .

مرتبه فوقانی آن لابراتوار وعکاسخانه عامّه است‌که هرکس بخواهد عکس خودرا بیندازد می‌رود آنجا وعکاسان ایرانی درکمال مهارت مشغول‌کار می‌شوند وهمه روزه جمعیتی از عموم مردم به این مکان آمده برای تحصیل دواها و ادویه‌جات وانداختن عکس حاضر می‌باشند . وآخر این‌کوچه می‌رسد به‌دروازه بسیارعالی وممتازی‌که بنایی‌است بسیار بسیارخوب وهمه ازکاشیهای بسیار ممتاز ساخته شده ومنتهی می‌شود به‌میدان توپخانه جدید» .

درسال ۱۳۰٤ هـ. ق. درسمت غربی خیابان ناصریه ، متصل به بناهای

دیوانی ، برای تلگرافخانه عمارتی بطرز فرنگستان بمباشرت علی‌قلی خان مخبرالدوله وزیرعلوم ساخته‌شد[1] ، که محل آن‌عمارات، اکنون محل تلگرافخانه تهرانست .

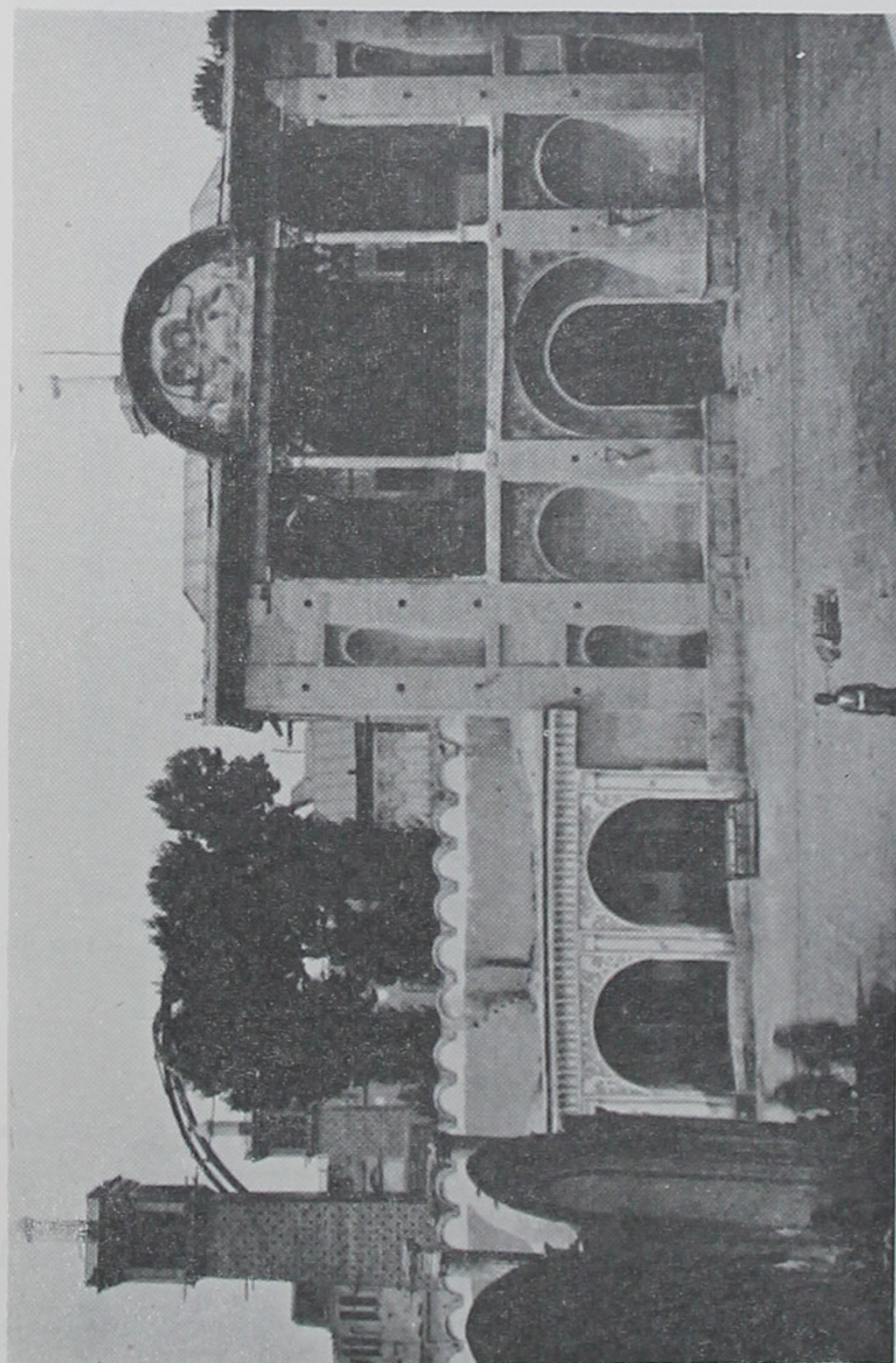
در روزنامه شرف[2] در سال ۱۳۰۶ هـ ق. وضع این خیابان و سردر شمس‌العماره یا باب‌عالی که باین خیابان باز می‌شود چنین توصیف شده است :

« عمارت مبارکه رفیع‌البنای شمس‌العماره که در نمره ۲۷ روزنامه شریفهٔ شرف صورت وشرح بنای آن ارتسام یافت ، دیگر دراینجا مستغنی از ذکر ووصف است . خیابان مشجر طولانی با صفایی در پای این عمارت واقع و موسوم به خیابان ناصریست که از جنوب بشمال ممتد و منتهی به دروازه میدان توپخانه مبارکه است و متجاوز از بیست سال می‌شود که بامر دولت روزافزون احداث و بنا شده واکنون ازخیابانهای ممتاز و بلکه تفرجگاه‌های عمومی شهر دارالخلافه است نیز بی‌نیاز از توصیف وتعریف می‌باشد .

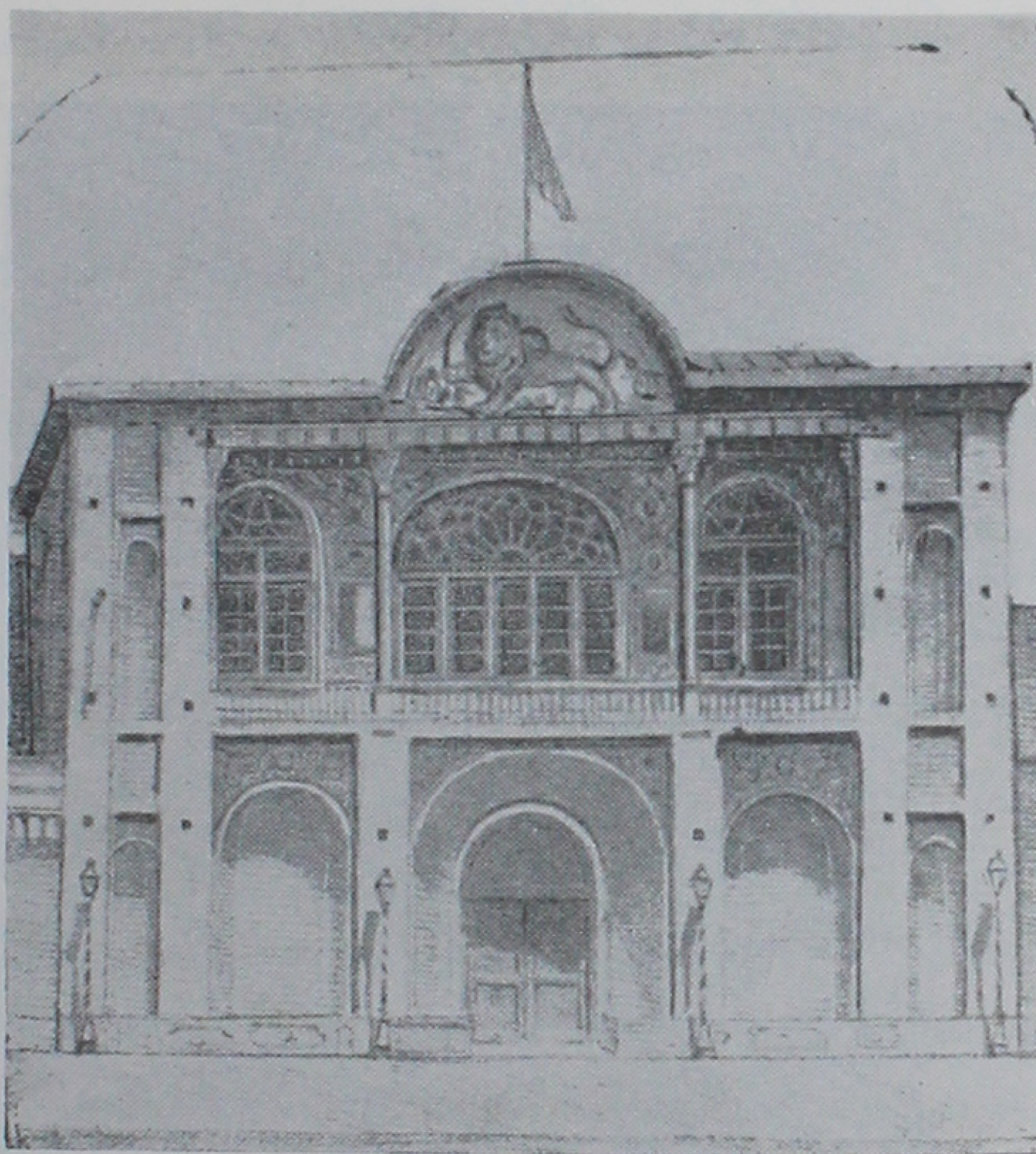
دری که در پای شمس‌العماره واقع و از باغ و عمارت خاصه سلطنتی مفتوح به این خیابان است اگرچه سابقاً هم از ابواب معتبره عالیه عمارات مبارکه سلطنتی شمرده می‌شد ولی سر دری که درخور جلوس شاهانه باشد نداشت . سه‌چهارسال قبل برحسب اراده واشاره . . . اعلیحضرت . . . واهتمام وتوجه مخصوص . . . امین‌السلطان وزیر اعظم . . . سر دری بسیار عالی و تالاری مزین بلطایف آینه‌کاری وظرایف مقرنس وگچ‌بری رو به‌مشرق بنا کردندکه همه روزه هنگام طلوع آفتاب از لمعات نور ، تالار مزبور ، چنان مشعشع و درخشان می‌شودکه دیدهٔ بیننده را خیره می‌سازد وهمه وقت بانواع مبل واسباب گرانبها آراسته ومرتب است‌که گاه‌گاه در اوقات اقامت بندگان . . . شهریاری . . . درشهر ومقرخلافت عظمی ، لختی از روز را ذات مقدس متفرجاً باینجا تشریف آورده ساعتی جلوس می‌فرمایند ، وسال قبل (۱۳۰۵) را

---

۱ – المآثر والاثار ص ۵۹ و ۷۸ .
۲ – روزنامه شرق شماره ۶۸ – ۱۳۰۶ هـ. ق.



شکل ۱۵٤ – عمارت سردر شمس‌العماره و گوشه‌یی ازمیدان وبادگیرها درزمان ناصرالدینشاه .



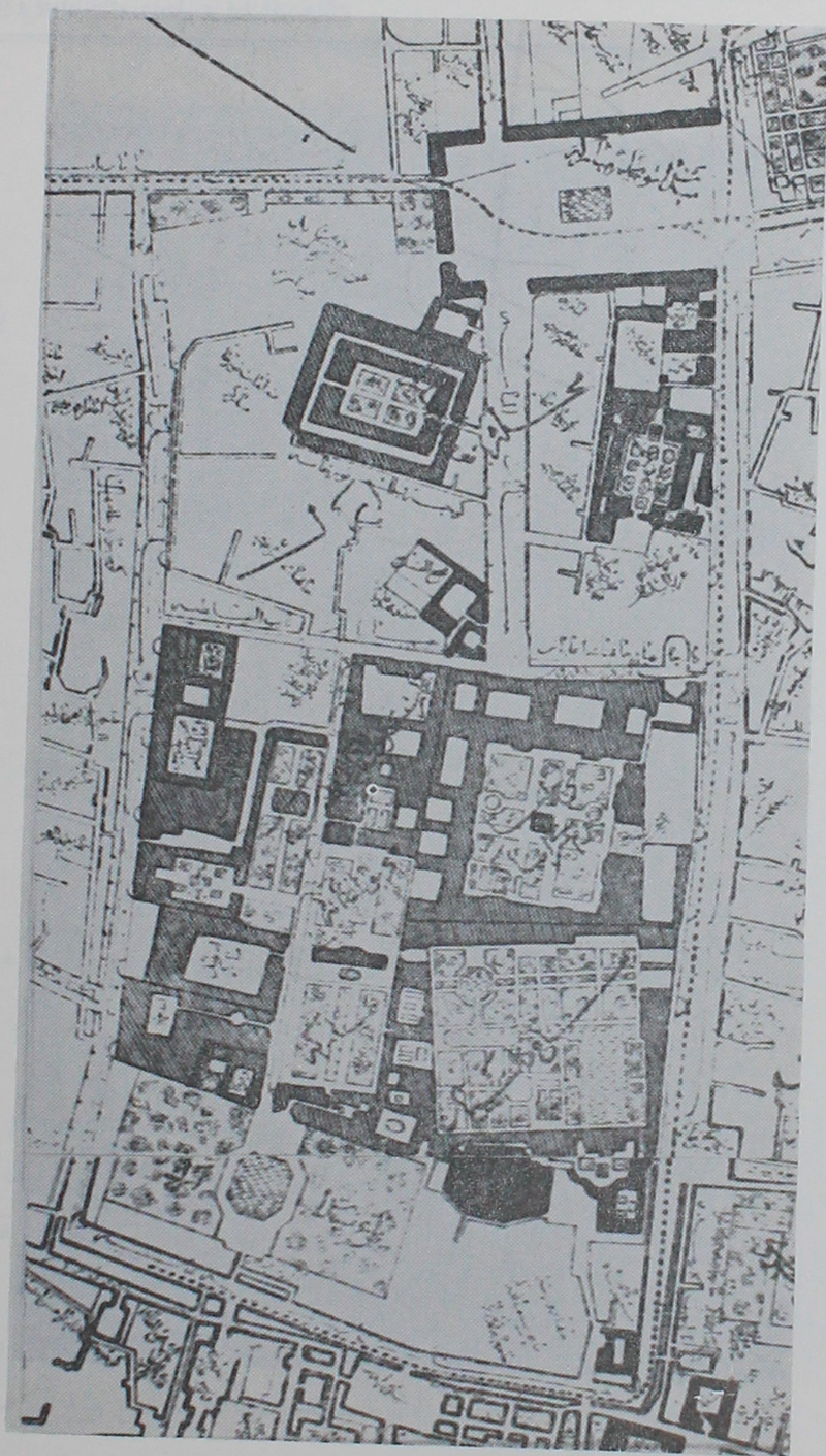
شکل ۱۵۵ – سردر شمس‌العماره یا «باب عالی» از روزنامه شرف شماره ٦٨ سال ۱۳۰٦ ﻫ. ق.

نیز حسب‌الامر همایون ، میدان بسیار وسیعی درجلو این سردر طرح انداخته و بنا کردند که اطراف آن حجرات بسیار خوب برای ارباب حِـرَف وصنایع مستظرفه است و وسط میدان حوض مستدیر بزرگی داردکه همه وقت بقدر یك ربع سنگ وبلکه نیم‌سنگ آب از فواره‌آن میجهد .

نظر به‌حسن‌منظر وشایستگی موقع وفسحت فضای این میدان وخیابان، چراغان وآتشبازی دولتی وجشنهای اعیاد چندیست‌که دراین میدان مهیا وبرپا می‌شود » .



شکل ۱۵٦ – خیابان ناصرخسرو پس‌از تعریض در اوایل سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی .



شکل ۱۵۷ - نقشه ارگ تهران به سال ۱۳۰۹ هـ . ق .

در المآثر والاثار تحت عنوان «باب عـالی» راجع به عمارت سردر شمس‌العماره ومیدان جلوآن چنین آمده است :

«و دیگر باب عالی‌است که در مبتدای خیابان شمس‌العماره رو سوی مشرق ومشتمل بر سر دری نغز بطرزی طرفه پرداخته شده وسطوح چهاربدنه و سقف آن تماماً آیینهٔ سنگ فرنگ است ودر محاذات این عتبهٔ عالیه همین ایام که مؤلف به‌تبییض‌مسودات مشغول‌است (۱۳۰۶ هـ. ق.) ازنو میدانی پرداختند و در دوسمت شرقی وشمالی حجرات عالی ساختند و این میدان زیاده از حدّ بیان برصفای شهر افزوده و در دکه‌ها وحجراتی‌که در اطراف دارد ، صنف زرگرها ونقاشان جاگرفته‌اند و در وسط آن حوضی است مدور با آب دایم جاری و از چهار سمت باغچه‌هـای گلکاری و به هرعصر در آنجا دودسته موزیکانچی حسب‌المقرر مشغول نواختن واندوه پرداختن می‌باشند[1]» .

خط واگن‌های اسبی‌که از گلوبندك شروع می‌شد از خیابان ناصریه گذشته به توپخانه می‌پیوست .

۲ ـ خیابان جباخانه (بوذرجمهری)

این خیابان بخش جنوبی ارگ سلطنتی را از تقاطع خیابان ناصریه تا گلوبندك شامل می‌شد ودهانه‌های بازار بزرگ وبازار کفشدوزها وسبزه‌میدان ودر جنوبی تکیه دولت ودوستاق‌خانه (زندان) وجبـّاخانه دولتی دراین خیابان قرار داشت .

این خیابان‌که از پرساختن خندق جنوبی ارگ وافزودن کوچهٔ لب خندق برآن در زمان ناصرالدین‌شاه پدید آمده بود ، قبلاً با پل چوبی بنام «تخته پل»[2] که برروی خندق بسته شده بود و سپس بوسیله دروازهٔ سردر

---

۱ – المآثر والاثار ص ۵۸ .

۲ – مرحوم اقبال درمجله یادگار می‌نویسد : «ظاهراً بمعنی پل تخته‌ایست اما درست معلوم نیست‌که چرا این نام را داده بوده‌اند باحتمال‌قوی این نقطه محل پلی بوده است برروی رودخانه‌های مغرب تهران مثل رودخانه‌های ونك یا کن» این‌نظر صحیح نیست ورودخانه‌یی ازریر این‌پل نمیگذشته است بلکه پل فقط برروی خندق بسته شده‌بود .

نقاره‌خانه با ارگ مربوط می‌شد و بهمین‌علت هم خیابان و میدان جنب آنرا «خیابان تخته‌پل» و «میدان تخته‌پل» می‌نامیدند.

میدان تخته‌پل، میدان اصلی‌شهر محسوب می‌شد وآن جایی‌بود وسیع ولی پراز خاك وگل وآلوده وکثیف که بگفته هدایت «سالهای بسیار محل ذبح گاو وگوسفند و بخس‌وخار و جیفه و مردار مقذّر بود و گناهکاران واجب‌القتل را درآن محل بردار می‌زدند ومقتول می‌کردند»[۱].

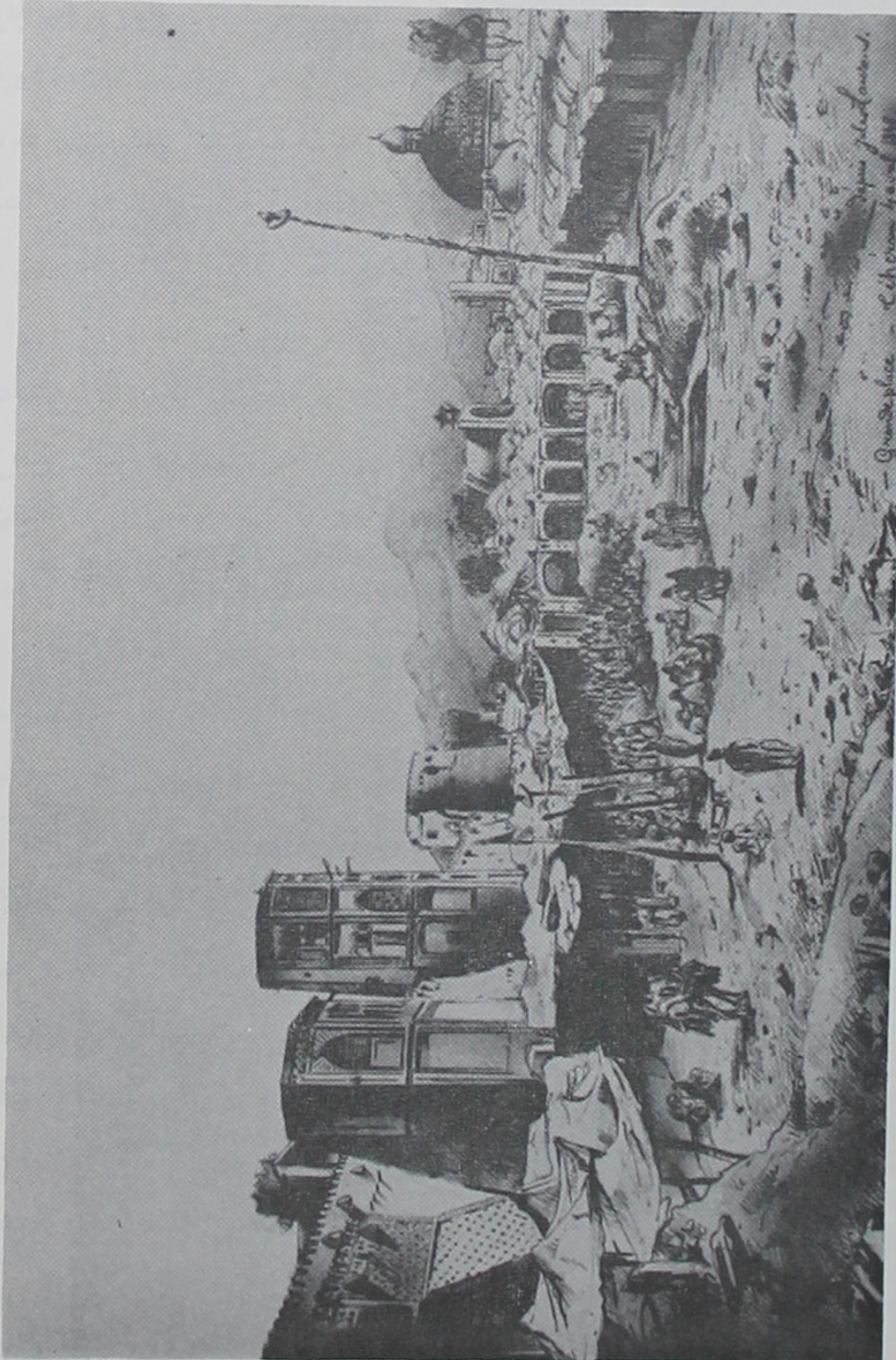
اعتمادالسلطنه در المآثر والآثار می‌نویسد: «از عهد محمدشاه غازی تا همین سال مزبور (۱۲۶۹ ه. ق.) قاپوق که مقصرین را به پای آن سیاست می‌کردند در وسط این میدان بود وکسبه بسیار پست از قبیل جگرك‌پز وکاه فروش ونعل‌بند وامثالهم، سایه‌بانهای کرباس میدانی درآنجا افراشته امتعه نالایق خودرا می‌فروختند، بعلاوه مرغ‌فروشها و برّه‌دارها نیز دراین موقع به‌کسب می‌پرداختند، الغرض این مکان . . . محلی بسیار کثیف و مجتمع هرگونه فضول وقاذورات بود»[۲].

عباس اقبال می‌نویسد: «میدان تخته‌پل یا سبزه‌میدان در تاریخ بابیه ایران ذکری بخصوص پیداکرده زیرا قبل‌از انتقال قاپوق یعنی‌دار اعدام ازآنجا بمحل قاپوق (میدان اعدام حالیه) به‌امر میرزاتقی‌خان امیرکبیر درسال دوم از صدارت او هفت‌تن از بابیه را که بتوطئه برضد وی وناصرالدین‌شاه متهم بودند وبابیه بعداً ایشان را «شهداء سبعه» خوانده‌اند درآن محل بدار آویختند»[۳].

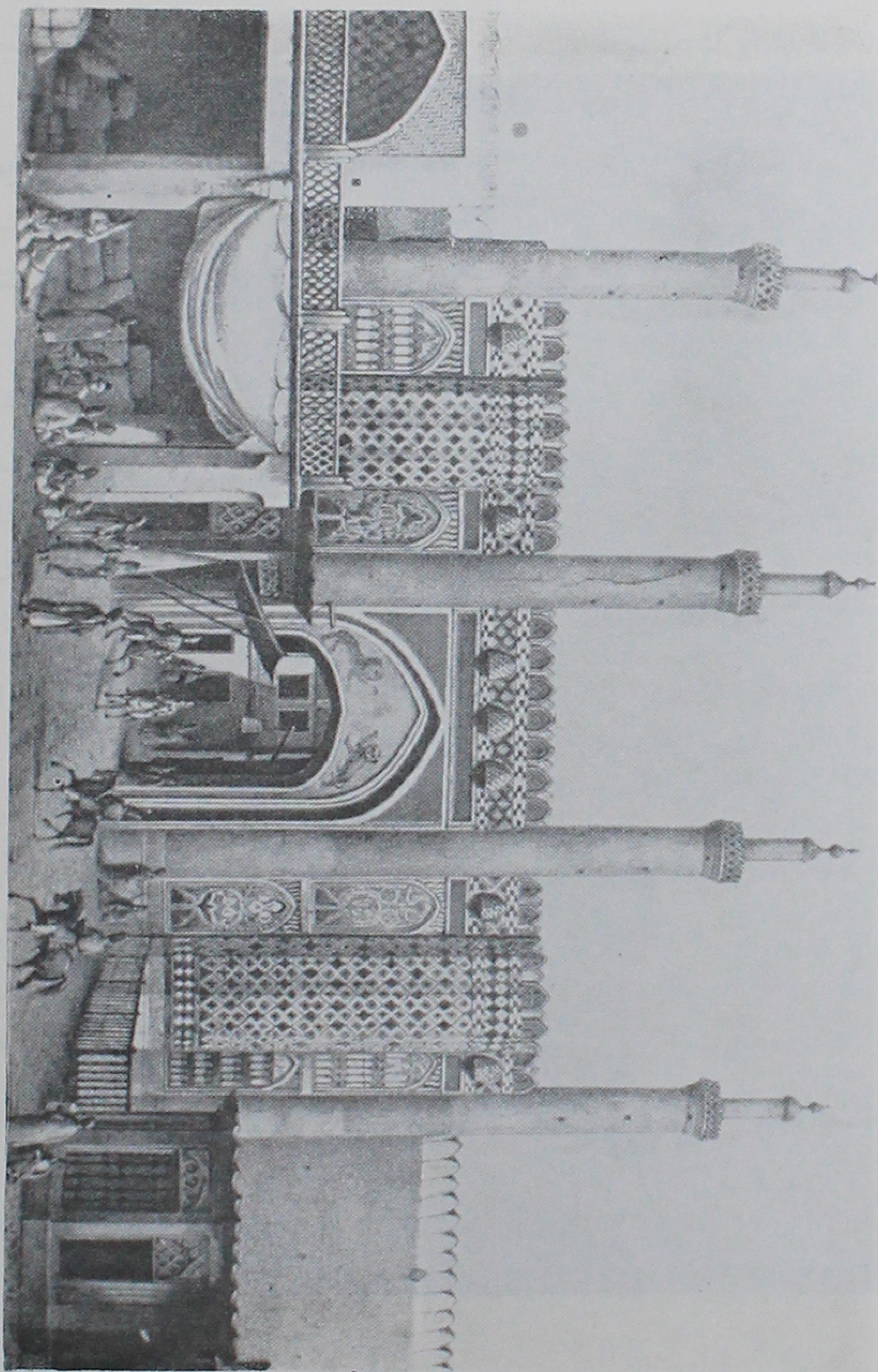
از وضع نخستین میدان تخته‌پل درسال ۱۲۶۵ ه. ق. ژول لورنس فرانسوی طرحی ترسیم کرده‌است‌که دکانهای اطراف میدان وسایه‌بانهای کرباسی و برجها و حصار ارگ وگنبد وایوانهای مسجد شاه درآن بخوبی نمایانست

---

۱ - روضه‌الصفای ناصری جلد دهم. ۱۲۷۴ ه. ق.
۲ - المآثر والآثار ص ۶۳.
۳ - یادگار سال چهارم شماره ۹ - ۱۰ ص۵۹.



شکل ۱۵۸ – منظره میدان «تخته پل» (سبزه میدان) و قاپوق وسط آن وقسمتی از حصار وبرجهای ارگ بسال ۱۲۶۵ هـ . ق . نقاشی ژول لورنس فرانسوی .



شکل ۱۵۹ – دروازهٔ جنوبی ارگ درمقابل تخته پل درفاصله سالهای ۷۸ – ۱۲۷۷ ه . ق . نقاشی بروگش فرستادهٔ دولت پروس .

و دیرك بلند «قاپوق»[1] نیز در وسط میدان دیده می‌شود .

«میدان تخته‌پل» «سبزه میدان» نیز نامیده می‌شد و هنوز هم باین نام شهرت دارد . اعتمادالسلطنه درمورد وجه تسمیه‌آن می‌نویسد . «مکشوف بادکه این میدان را به‌آن جهت سبزه میدان گفته‌اند که در زمان سلطنت‌زندیه، آنگاه قاجاریه برای تدارك تِرجات و سبزی‌آلات اهالی دارالخلافه درفصل بهار این‌محوطه راکه باحوالی وحواشی بمنزلهٔ دشتی بود عریض ، انواع سبزیها می‌کاشتند . . . »[2]

بسال ۱۲۶۸ هـ. ق. یعنی در چهارمین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه ، حاج‌علی‌خان مقدم مراغه‌یی (حاجب‌الدوله) بدستور امیرکبیر (یکسال پیش‌از عزل او) ، تغییرات عمده‌یی دروضع میدان می‌دهد وآنجا را بکلی از وضع نامطبوع و آلوده قبلی بیرون می‌آورد و این‌کار بسال ۱۲۶۹ هـ. ق. پایان می‌یابد .

در روضة‌الصفای ناصری که بسال ۱۲۷۰ هـ . ق . تألیف شده است دراین خصوص می‌نویسد : « . . . مقرر فرمودند ، که دار را به‌خارج شهر بر پای دارند واین مکان را سرایی دولتی وتاجرنشین سازند و دراطراف آن حجرات فوقانی وتحتانی پردازند ودکاکین آن‌را بلورفروشان به‌بلورینه‌آلات رنگین نمایند وحوضهٔ‌آب صاف درسبزمیدان چون ناف خوبان بیارایند وچنین کردند واکنون محلی پاك وجایی باصفاست ودرب تخته پل را شکوهی فزوده ، گویی آیینه‌خانه زلیخای مصری است که در هر دکه از بام تا شام عکس یوسف‌رویان‌ایام هویداست» .

همچنین در المآثر والاثار درباره تنظیف و تغییر وضع سبزه‌میدان

---

۱ – قبق وقپق یا قاپوق چوب بلندی بودکه درمسابقات دربالای آن جامی‌زرین یا شیئی قیمتی می‌آویختند وسواران می‌بایست درحال تاخت وقیقاج آن‌را با تیر زده بیندازند ، و این مسابقه را « قبق‌اندازی » می‌نامیدند . ضمناً گناهکاران را نیز ازاین چوب بدار آویخته یا درپای آن مجازات می‌کردند از اینرو قاپوق به‌چوبه‌دار وپاقاپوق به محل مجازات نیزگفته می‌شد .

۲ – المآثر والاثار ص ۶۳ .

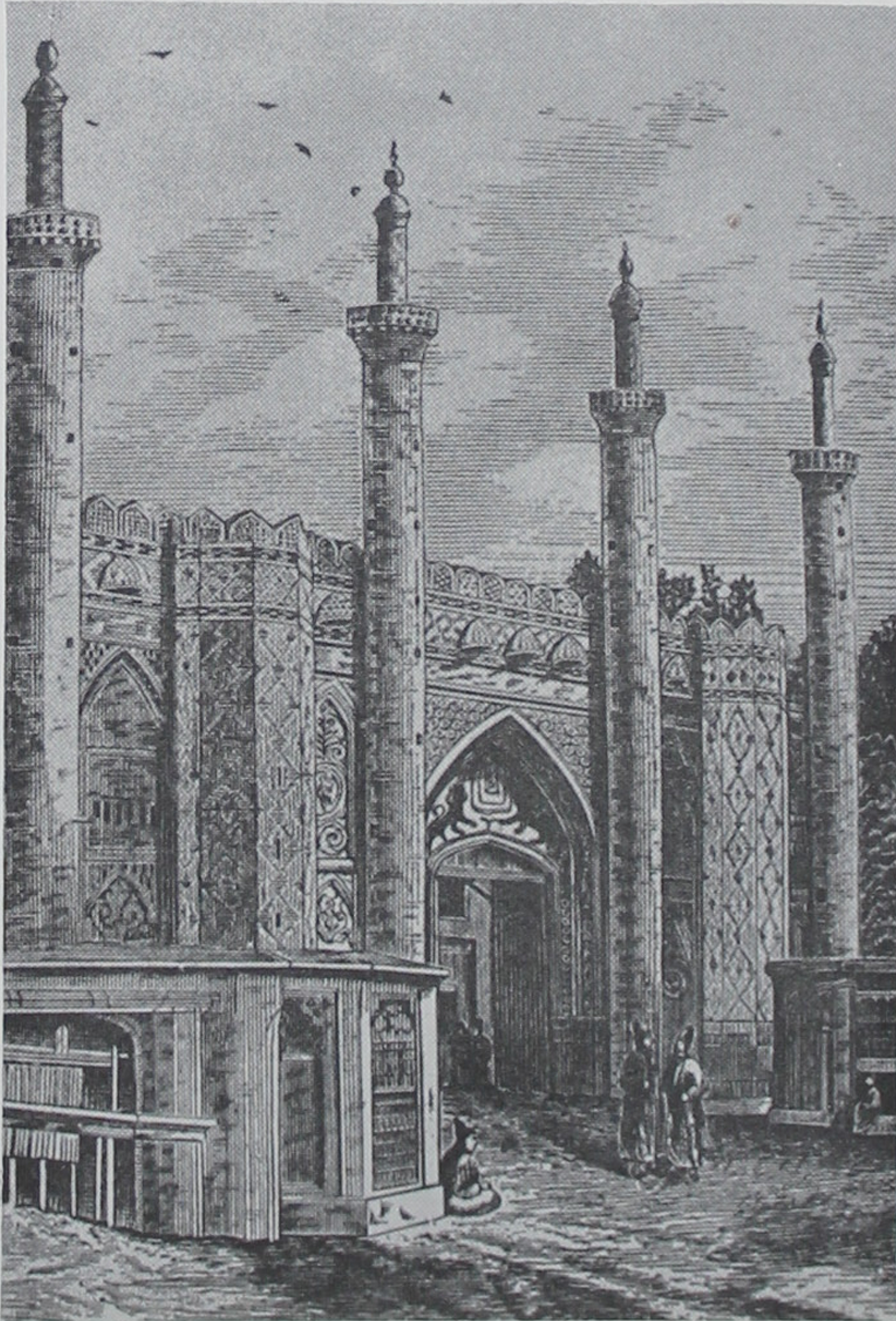
می‌نویسد : « . . . . در تاریخ مزبور (۱۲۶۹) بدست پدرم (حاج علیخان پدر مرحوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه) ساخته واز هرپلیدی پرداخته شد بحدی که امروز نزهتگاه مردم‌است وچندسال اینجا درایام‌رمضان بساط‌اندازی می‌شد وامتعه متنوعه ایران وفرنگ مشابه اکسپوزیسیون در نهایت آراستگی عرضه می‌شد ، افسوس که این وضع بهم‌خورد» .

در روزنامه وقایع اتفاقیه (رمضان ۱۲۷۲ هـ. ق.) در مورد یکی از بساط اندازی‌های مذکور در فوق می‌نویسد : « دراین روزها بقرار استمرار هرساله میدان جلو تخته‌پل را آیین‌بندی کرده بعلاوه دکاکین بلور فروشی که همیشه درآنجا هست سایرکسبه واصناف چادرها زده واهل هرصنف وحرفه صنایع خود را آورده درآنجا چیده‌اند . چون این قانون از عهد خاقان مغفور (فتحعلی‌شاه) وشاهنشاه خلد آرامگاه (محمدشاه) در دارالخلافه مبارکه معمول ودرماه مبارك رمضان کسبه واصحاب صنایع جمع گشته اشیاء وصنایع خودرا بمعرض بیع درمی‌آورند هم مشغولیتی برای روزه‌داران‌است که نقاهت وضعف وعطش چندان بآنها ننماید وهم بازار دادوستد کسبه گرم ومنتفع می‌شوند . سابقاً جلوخان مسجدشاه و بعداز آن صحن امامزاده زید یکدوسال این اساس چیده می‌شد دراین اوقات که دوسال است میدان جدید حسب‌الامر اقدس همایون شاهنشاهی ساخته شده‌است چون بحسب وسعت فضا وشکوه بنا بهتر وبدرب‌خانه نیز نزدیك است کسبه واصناف درمیدان مزبور دکاکین ترتیب داده و دادوستد می‌کنند واعیان واهالی نیز بعد از ادای صلوة وفراغت از عبادت بجهت تفرج ومشغولی به میدان مزبور آمده تاحوالی غروب اوقات خود را مشغول دارند »[۱] .

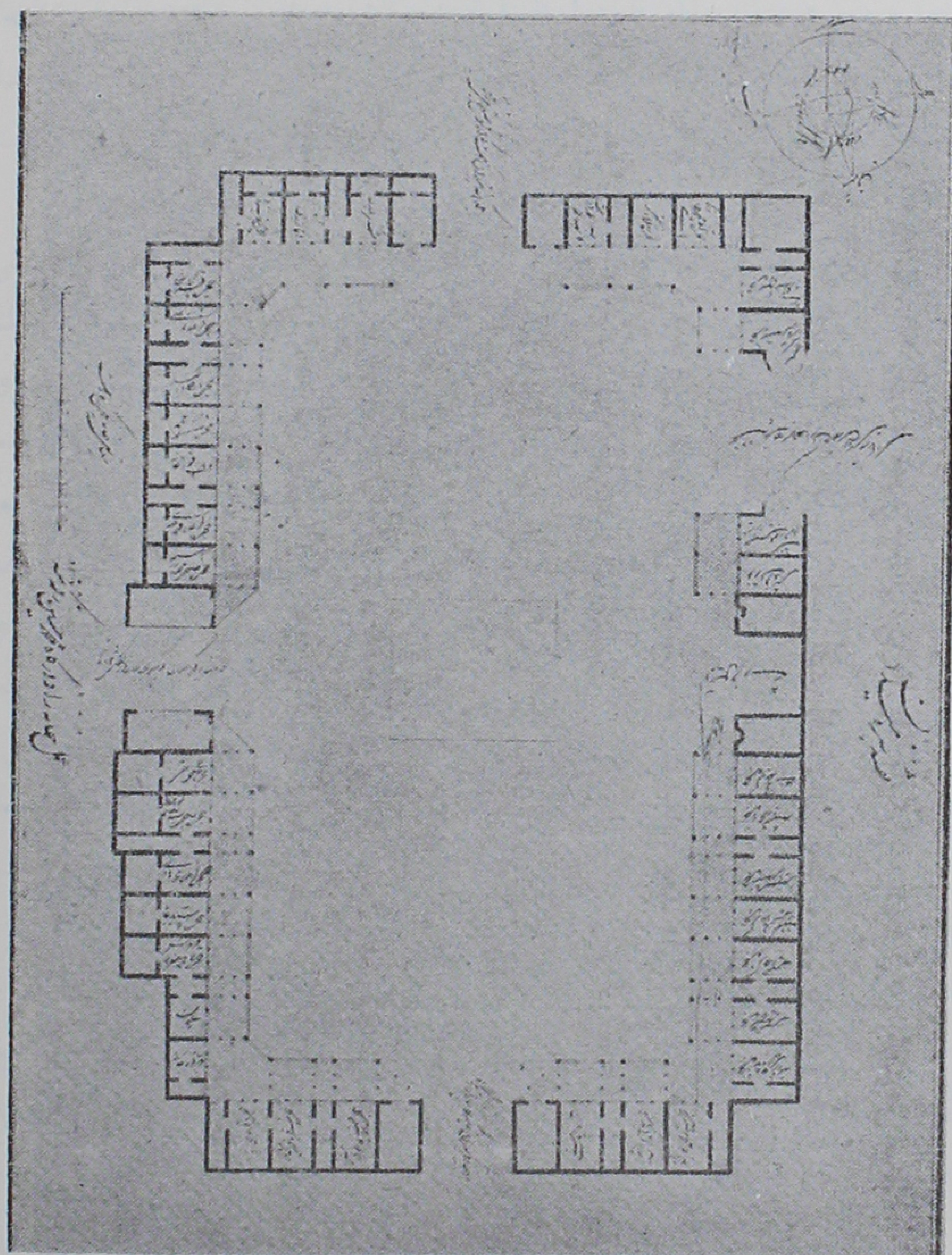
چون از سالها پیش ذخیرهٔ اسلحه دولتی درناحیه ارگ درپهلوی این خیابان قرارگرفته بود و درسال ۱۲۷۷ هـ. ق. نیز درقسمت جنوبی خیابان، بین مسجد شاه و سبزه‌میدان جبّاخانه وسیع وتازه‌یی ساخته شد ، تقریباً از همان

---

۱ – روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۲۷۷ – رمضان ۱۲۷۲ .



شکل ۱۶۰ - دروازه جنوبی ارگ درمقابل تخته‌پل به‌سال ۱۲۹۷ ه. ق.



شکل ۱٦۱ – نقشهٔ میدان ودکانهای سبزه‌میدان که به‌سال ۱۲۷۷ ه. ق. توسط محمدحسین‌خان زنگنه ترسیم شده است. (ازمجله یادگار سال چهارم شماره ۱۰ ــ ۹).

هنگام این خیابان بنام جبّاخانه (جبّه‌خانه) مشهور گردید و نـام قدیم آن (خیابان تخته‌پل) آهسته آهسته فراموش‌شده از زبانها افتاد .

درگوشه شمال غربی میدان شهر در محل تخته‌پل کـه نقطهٔ اتصال سبزه میدان به‌ارگ سلطنتی‌بوده ، دروازه‌یی با سردرمجلل ومناره‌ها وجلوخان وسیع وجود داشت‌که دوتصویر ازآن که یکی بسال۱۲۷۷ هـ. ق توسط هنریش بروکش فرستاده کشور پروس بدربار ناصرالدین‌شاه و دیگری‌که بسال ۱۲۹۷ هـ. ق. در سفرنامه هنری بالاتتین نقاشی شده‌است ، دراین‌کتاب بچاپ رسیده که درآنها علاوه‌برنمای دروازه ارگ وتزییناتش ، قسمتی‌از «تخته‌پل» معروف وحجره‌ها وغرفه‌های اطراف سبزه‌میدان نیز بخوبی دیده می‌شود .

گذشته از این تصویر خوشبختانه نقشه‌یی از سبزه‌میدان و دکانهای اطراف آن دردست است که بسال ۱۲۷۷ هـ. ق. توسط مرحوم محمدحسین‌خان زنگنه فرزند محمدحسن خان زنگنه ترسیم شده ووضع میدان ودکانها ومحل ورود وخروج میدان ودهانه بازار وجای دروازه ارگ درگوشه راست وبالای نقشه بخوبی نمایانست وسندی جالب وتاریخی از تهران قدیم بشمار میرود .

سبزه میدان چنانکه‌گذشت ، محل و مجمع بلورفروشان تهران بود ولی براثر رونقی‌که یافت رفته رفته ، بازرگانان درآنجا و درخیابان جبه‌خانه مغازه‌های دیگری نیز بازکردند ، از جمله فروشندگان اروپایی چندین مغازه برای فروش کالاهای فرنگی‌که از اروپا وارد می‌کردند ، در آنجا بوجود آوردند که درمورد یکی از آنها در روزنامه ایران[1] مورخ ۱۲۸۸ هـ. ق. چنین نوشته شده است : «مسیو «ریمان» تاجر کمپانی سویسی که در سبزه‌میدان حجره داشت و اجناس مختلفه که بکار ایرانی وفرنگی می‌خورد درحجره او بفروش میرسید ، این اوقات درخیابان جدید که محل تخته‌پل قدیم است مسیو «کارانمبر» گماشتهٔ مشارالیه حجره بازکرده ، مشغول فروش اجناس مختلفه می‌باشد » .

---

۱ - روزنامه ایران شماره ۳۵ مورخ جمادی‌الاخره ۱۲۸۸ .

درسال۱۲۹۳ ه.ق. درسبزه میدان ، تعمیراتی‌انجام گرفت وحجره‌هایی بر بالای مغازه‌ها افزودند .

اعتمادالسلطنه درسال ۱۲۹٤در روزنامه ایران دراین مورد می‌نویسد : «میدان دیگریست معروف به سبزه‌میدان که درقدیم جای کثیف وخرابه بوده است آن محل را حکم بعمارت فرموده دراطرافش دکاکین دومرتبهٔ مرغوب ساخته در وسط حوض ودریاچه قرارداده ، اصناف معتبروبلورفروشان درآنجا سکنی دارند » .

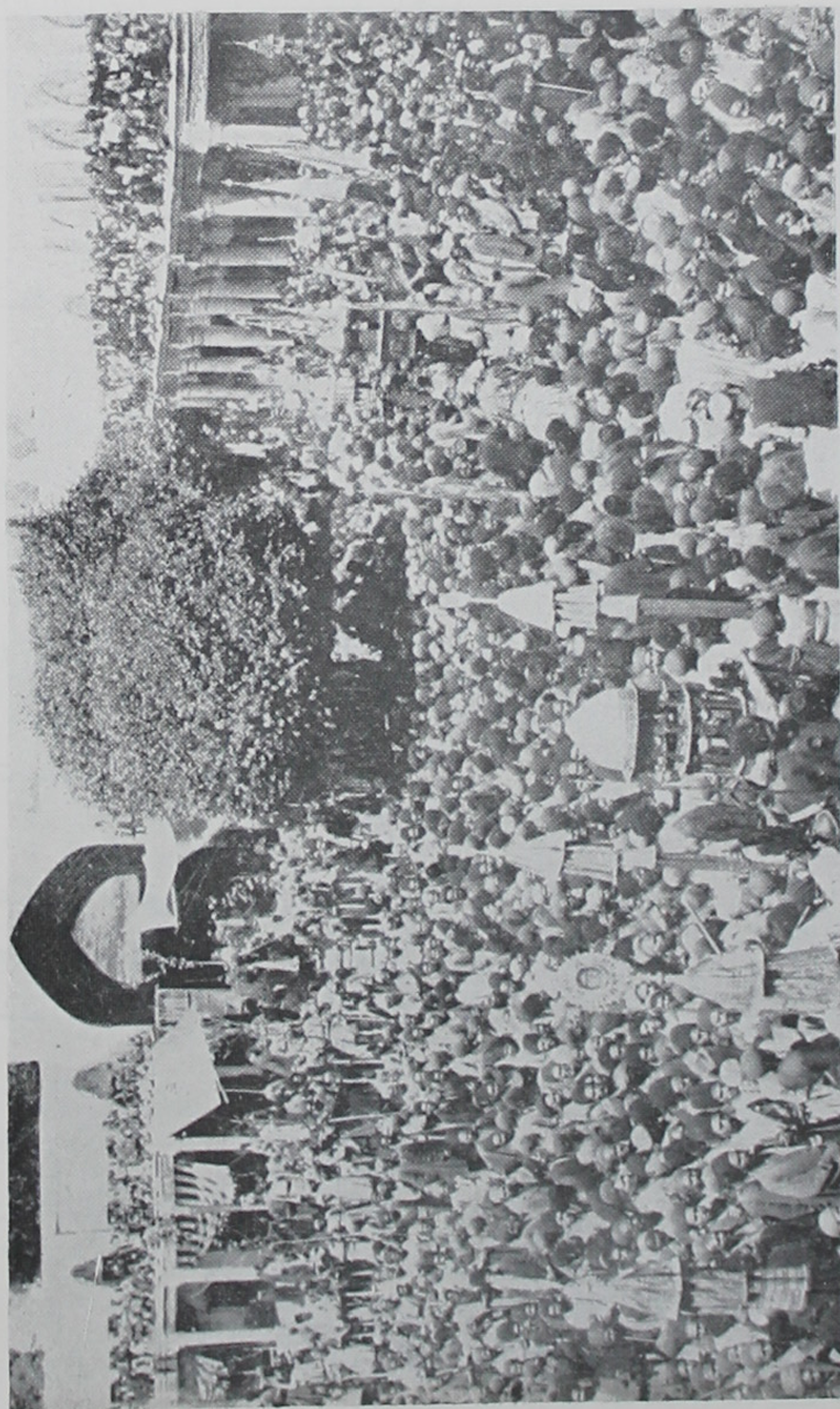
سبزه‌میدان در زمان ناصرالدین‌شاه ، علاوه‌برمرکزیت تجاری که یافته بود ، بنابرهمان عادت قدیم ، هنوز مرکز و محل تجمع اهالی تهران درمراسم مختلف بود ، از جمله درماه محرم بخصوص روز عاشورا که دسته‌های محلات شهردرکوچه‌وبازار به‌حرکت درمی‌آمدند ، همگی‌درسبزه‌میدان گرد می‌آمدند و بعزاداری وسینه‌زنی و روضه‌خوانی می‌پرداختند .

دوتصویر قدیمی دراین بخش به‌چاپ رسیده‌که یکی سبزه‌میدان را در روز عاشورا و دیگری ، همانجا را در ایام دیگر با چادر روضه‌خوانی و قراولان و سربازان آن زمان نشان می‌دهد وبا مقایسه این دوتصویر تغییرات طبقات دوم مغازه‌ها نیز معلوم می‌گردد .

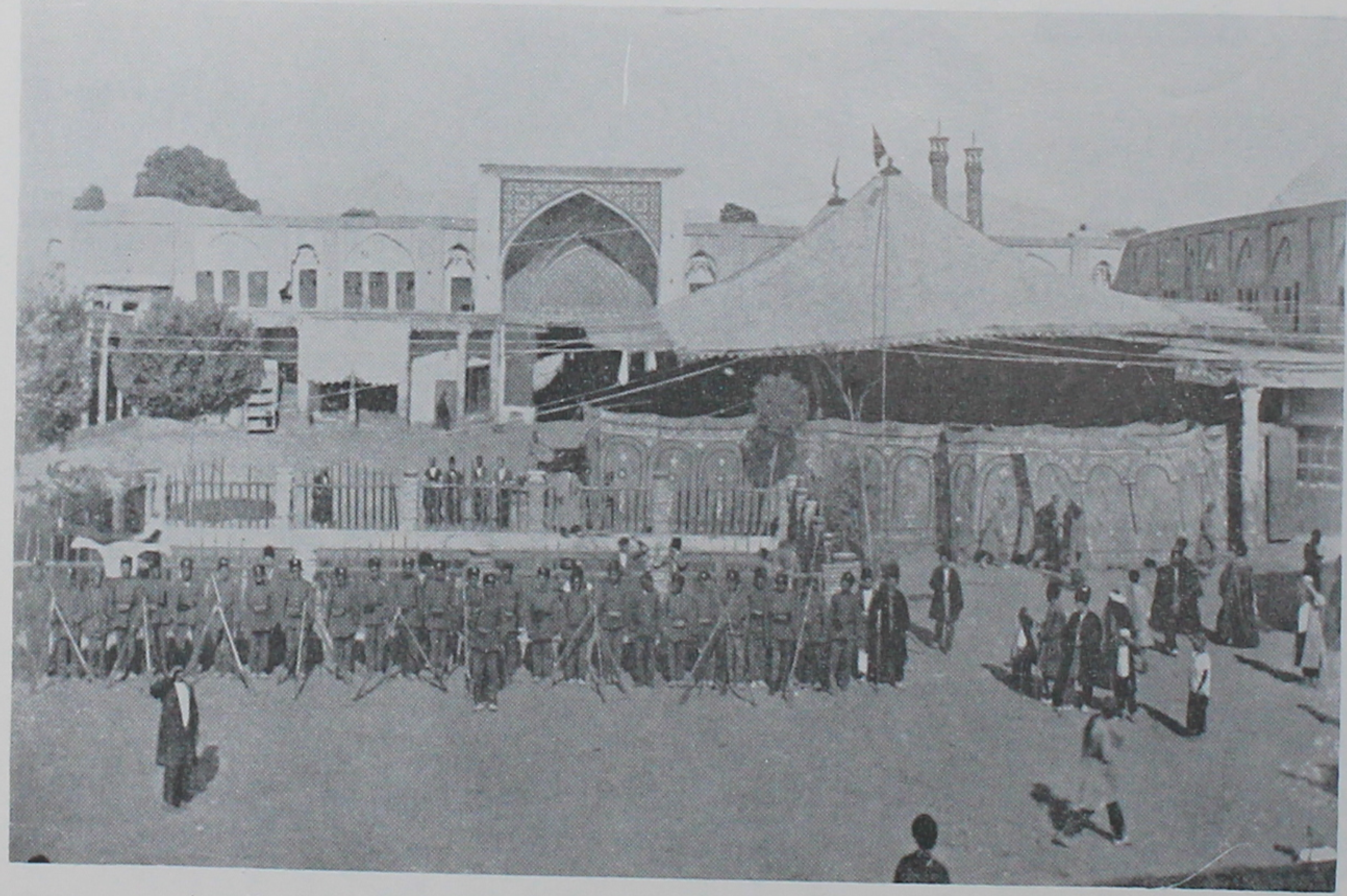
گذشته از بازارها وتیمچه‌ها وسرایها که درخیابان جبّاخانه وجود داشت و در اینجا مجال گفتگو از آنها نیست ، از مؤسسات قابل ذکر باید «مجمع دارالصنایع» را نام ببریم .

مجمع الصنایع چنانکه درنقشه نیز پیداست ، درسمت غربی سبزه‌میدان و دربازار صندوقدار (انتهای بازار توتون فروشها) ساخته شده بود والبته این مجمع الصنایع‌را بامجمع الصنایعی‌که درخیابان باب‌همایون ایجاد شده‌بود وقبلاً شرح مختصری راجع به‌آن نوشته شده‌است ، نباید اشتباه‌کرد

چنان می‌نمایدکه طرح مجمع الصنایع خیابان جبّاخانه‌را شادروان میرزا تقی‌خان اتابك امیرکبیر ریخته و برای تربیت هنرمندان و ترغیب صنعتگران



شکل ۱۶۴ – مراسم عزاداری روز عاشورا در سبزه میدان در زمان ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۶۳ – سبزه میدان وچادر روضه‌خوانی وسربازان درمقابل دهانه بازار درعهد ناصرالدین‌شاه .

وترویج صنایع داخلی امر باحداث وایجاد آن داده بوده است . اعتمادالسلطنه در ذکر وقایع و احداثات سال ۱۲۶۹ هـ. ق. در المآثروالآثار می‌نویسد :
«مجمع‌الصنایع مشتمل است برصنایع دستی از قبیل آپولیت‌سازی وزر دوزی برای ملبوس نظام وبریدن ودوختن البسه قشون و ملیله‌سازی عمل چین که زرکشی وزردوزی مخصوص ممتازی‌است ونقاشیهای بسیاراعلی و تفنگ‌سازی و قداره‌گری وغیرذلك از اعمال وصناعات وپیشه‌های متعلقه بترتیب لشکر وسوق عسکر دربازار صندوقدار واقعه در دارالخلافه طهران . . . »[۱]

درمنتظم ناصری در ذکر وقایع سال ۱۲۶۹ هـ. ق. نوشته شده :[۲]
« این اوقات یك روز جناب صدراعظم (میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری) وجناب نظام‌الملك (میرزا کاظم‌خان پسر میرزا آقاخان) وآجودان‌باشی (عزیزخان سردار) وجمعی از امرا و صاحب‌منصبان بزرگ نظام بمجمع‌الصنایع که حسب‌الامر ، حسینعلی‌خان معیرالممالك دایر نموده و انواع اصناف صنعتگران قابل مملکت را درآنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشویق زیادنموده وخواجه‌احمد ساعت‌ساز یزدی‌راکه ازمشاهیر صاحب‌صنعتان ایرانست یکصد تومان اضافه مواجب دادند» .

در یك مجموعهٔ خطی‌که گویا در اختیار مرحوم عباس اقبال بود ، گزارشی از هنرمندان وصنعتگرانی‌که در همین سالها درمجمع‌الصنایع حجره داشته‌اند ، تنظیم گردیده که چون متضمن اطلاعات جالبی از هنرمندان وصنعتکاران آنزمان می‌باشد عیناً نقل می‌کنیم[۳] .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

بتاریخ پنجشنبه چهاردهم شهر محرم‌الحرام ۱۲۶۹ ، کارکنان مدرسه مجمع‌الصنایع بدین‌قرار می‌باشند : استاد ۴۵ ، شاگرد ۱۴۴ .

---

۱ – المآثر والآثار ص ۶۳ .
۲ – منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۲۴ .
۳ – مجله یادگار سال چهارم . شماره ۹ – ۱۰ ص۶۷ .

۱ ـ کارکنان مدرسهٔ مجمع الصنایع : استاد ۳۴ ، شاگرد ۹۵ .

حجره استادعلی ، هفت استاد و۲۲ شاگرد مشغول تعمیر طپانچه‌های زین‌خانه مبارکه وقمهٔ پیشخدمتان وقداره وتفنگ کالسکه‌چیان و دلق شاطران حضرت اقدس همایون شهریاری روحنافداه و آتش‌کاری وآبگیری وچخماق وقنداق‌سازی میباشند . استاد ۷ ، شاگرد ۲۲ .

حجره خواجه‌احمد ، خود خواجه احمد تعمیر ساعت‌های مجلس سرکار صدراعظم دام اقباله را می‌نمایند و آقامحمد مهدی با دوشاگردمشغول تعمیرساعت طاوس میباشد ، استاد ۲ ، شاگرد ۲ .

حجره استاد محمدقاسم واستاد محمد دواتگر : با دوشاگرد مشغول کاری نمیباشند وبیکارند واز دیوان اعلی هنوز کار بایشان رجوع نشده است . استاد ۲ ، شاگرد ۲ .

حجره استاد حسینعلی واستاد عباسعلی واستادحسن : این‌استاد میناساز با سه شاگرد مشغول‌کار متفرقه می‌باشند ، استاد ۳ ، شاگرد ۳

حجره استاد آقاجان واستاد محمدباقر زرکش : با چهار شاگرد مشغول مفتول‌سازی قباهای نظام پیشخدمتان قبلهٔ عالم روحنافداه میباشند . استاد ۲ و شاگرد ۲ .

حجرهٔ استاد ابوالقاسم دواتگر : با دو شاگرد مشغول کار متفرقه میباشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

حجره مرادحاصل مسیحی نقاش زرگر : با دو شاگرد مشغول ساختن جای نگین مهر وزیرمختار دولت بهیهٔ روس میباشد ، استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

حجرهٔ آقاسیدجواد نقاش‌زرگر : بااستاد مهدی واستاد محمد دواتگر مشغول ساختن قلاب‌کمربند کالسکه‌چیان قبلهٔ عالم وعالمیان روح‌العالمین‌فداه می‌باشند . استاد ۳ ، شاگرد ۳ .

حجره نقاشان : نقاش‌باشی (ابوالحسن‌خان صنیع‌الملك غفاری) و ۳۴ نفر نقاش مشغول مجلس‌سازی کتاب الف لیله می‌باشند و ذوالفقاربیك مشغول



شکل ١٦٤ - خیابان جباخانه وقسمتی از برجها وباروی ارگ .

بروغن کاری کالسکه‌ایست که تازه ازمسکو آورده‌اند. نقاش‌باشی ۱ ـ سایر ۳۵ .

حجره میرزا عبدالوهاب ومیرزا علی‌محمد : این دواستاد ومیرزا علی صحاف با چهار شاگرد مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف‌لیله می‌باشند . استاد ۳ ـ شاگرد ٤ .

حجره میرزا خدا رحم : مشغول ساختن ساعت بزرگ آویز بجهت محلات دارالخلافه می‌باشد . استاد ۱ ، شاگرد ۳ .

حجرهٔ حاجی میرزا احمد : باشیخ محمدکاظم مشغول ساختن ساعت بزرگ آویز بجهت محلات دارالخلافه می‌باشند . استاد ۲ ـ شاگرد ۲ .

حجرهٔ استاد محمدباقر ، با چهار شاگرد مشغول دوختن قبا وشلوار پیشخدمتان قبلهٔ عالم وعالمیان روحی وروح‌العالمین فداه میباشند . رخوت



شکل ۱٦٥ – سبزه میدان و دهانه بازار در اوایل سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی .

تمام شده پیشخدمتان قبا ٥۳٤ ، شلوار ٥۳٤ . استاد ۱ ـ شاگرد ٤

حجره اسدالله : مشغول ساختن پل جهت کالسکهٔ مرصع اقدس همایون شهریاری روح‌العالمین فداه میباشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

استاد جعفرآهنگر : با ۳ شاگرد واستاد محمد آهنگر با دوشاگرد واستاد جعفر نجار با دوشاگرد . این سه استاد با هفت شاگرد مشغول ساختن کالسکهٔ عالیجاه آقامیرزا فتح‌الله‌لشکرنویس‌باشی‌میباشند . استاد ۳ شاگرد ۷ .

۲ ـ کارکنان خارج از مجمع‌الصنایع : استاد ۲۱ ، شاگرد ٤۹ .

آقامحمد قاسم زیندارباشی : با دوشاگرد مشغول ساختن زین مرصع می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

مشهدی جبار ومشهدی رضا : دربازار با چهار شاگرد مشغول ساختن تکلتو وزین‌پوش می‌باشند . استاد ۱ ـ شاگرد ۲ .

ملا علی‌اکبر وکربلائی عباس : با چهارشاگرد مشغول ساختن داباغی و بند یدک‌کش ورشمه وغیره می‌باشند . استاد ۲ ، شاگرد ٤ .

کربلائی‌هادی ترکش‌دوز: با دوشاگرد مشغول‌ساختن قبّل‌طپانچه‌های

زین‌خانهٔ مبارکه میباشند. استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

آقا محمداسمعیل زردوز : با شش شاگرد مشغول دوختن زین‌پوش مروارید بجهت حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح‌العالمین فداه می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۶ .

زر دوزان قبا و شلوارنظام و پیشخدمتان قبلهٔ عالم و عالمیان روحی وروح‌العالمین فداه یك‌استاد و۲۵ شاگرد مشغول دوختن می‌باشند استاد ۱ ، شاگرد ۲۵ .

مشهدی علی‌اکبر : با دو شاگرد مشغول مقواسازی قباهــای نظام پیشخدمتان حضرت‌اقدس همایون‌شهریاری روحی وروح‌العالمین‌فداه می‌باشند استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

آقامحمدعلی نقاش‌زرگر: مشغول‌منبت‌کاری سنگ‌قبر شاهزاده[1] مبرور مغفور جنت‌مکان رضوان استان می‌باشد . استاد ۱ ـ شاگرد ۲ .

حاج محمدعلیخان هندی : با سه شاگرد مشغول بافتن زنجیرهٔ شلوار نظام بُنیچه قبلهٔ عالم وعالمیان روحنافداه میباشند وکمر بجهت بند قمهٔ حضرت اقدس همایون شهریاری وروح‌العالمین فداه می‌باشندکه الی‌الیوم تمام شده . استاد ۱ ، شاگرد ۳ .

کارکنان مدرسه مجمع‌الصنایع وخارج از مجمع جملگی مشغول‌کارند وآنی غافل نمی‌باشند وهمگی بدعای دوام دولت ابد مدت جاوید عزت حضرت اقد س‌همایون شهریاری اشتغال دارند .

برنقاشان کتاب الف‌لیله بسیارجا تنگ می‌باشد بواسطهٔ آنکه نقاش زیاد شده وعلاوه یك حجره هم بجهت مذهب وصحاف گرفته شده» .

۳ ـ خیابان جلیل‌آباد (خیام)

خیابان جنب حصار غربی ارگ‌که اکنون «خیام» نام دارد به خیابان

---

۱ – (ظاهراً مقصود ازاین شاهزاده سلطان محمود میرزا اولین ولیعهد ناصرالدین‌شاه است‌که درخراسان در ۱۲۶۵ فوت‌کرده).

جلیل‌آباد معروف بود . این خیابان از گلوبندك شروع وبه خیابان مریضخانه (سپه)ختم می گردید ولی‌همچون‌امروز، ازسمت جنوب ادامه نداشت . درطرف شرقی خیابان دیوار وبرجهای ارگ و دهانه خیابان درب اندرون و درطرف غربی محله قورخانه قدیم و محله سنگلج و خانه‌های مردم و اعیان تهران قرار داشت .

چون خندق غربی‌ارگ پیش‌ازخندق‌های سه‌طرف دیگر ازخاك انباشته شده وتبدیل به‌کوچه‌گردیده‌بود ، ازاینرو سابقه خیابان جلیل‌آباد ازخیابانهای ناصریه وجباخانه بیشترست ولی چون به‌اندازه آن‌دو شهرت واهمیت نداشت، ازاینرو در نوشته‌ها وکتابها ازاین خیابان‌کمتر نام برده شده‌است .

وجه تسمیه این‌خیابان وعلت شهرت آن به «جلیل‌آباد» بر نویسنده روشن نیست واز نوشته‌ها نیز تاکنون مطلبی بدست نیاورده است وحتی‌معلوم نیست‌که جلیل‌آباد از نظر انتساب به جلیل نامی‌است ویا بعلت وقوع خیابان درجنب ارگ سلطنتی بااین نام تفخیمی نامیده شده‌است .

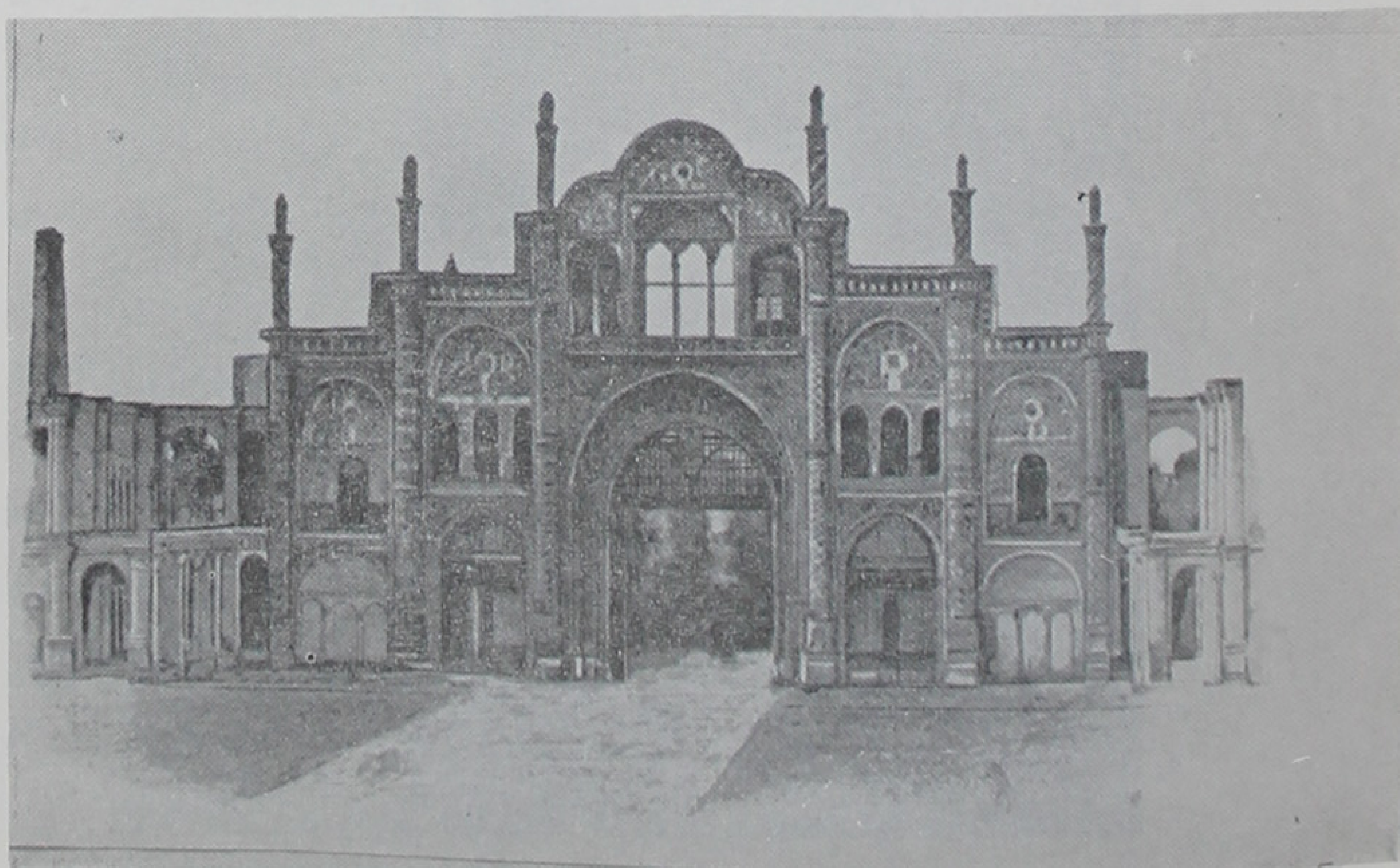
درخیابان جلیل‌آباد مؤسسات وعمارات مهمی وجود نداشت زیرا همه ابنیۀ سلطنتی جنب این خیابان با داخل ارگ مربوط بود و ازاین سمت دری به‌خیابان نداشت .

۴ ــ میدان توپخانه (سپه) وخیابان مریضخانه (خیابان سپه)

ضلع شمالی‌حصارارگ تهران پیش‌ازآن‌که میدان‌توپخانه جدید درسال ۱۲۸۴ هـ. ق. احداث‌گردد ، به‌خندق وبیابان بیرون شهر منتهی ومتصل بود ، چون درسال مذکور شهر توسعه یافت و باروهای قدیمی ویران شد وخندقها از خاك انباشته گردید ، بیابان شمالی ارگ به میدان بزرگ مربع مستطیلی تبدیل شد ومحل استقرار توپها وتوپچی‌ها گردید و درمقابل میدان توپخانه قدیم (میدان‌ارگ) بنام میدان توپخانه جدید شهرت یافت .

ایجاد وترتیب ساختمان میدان توپخانه جدید به محمد ابراهیم خان

شکل ۱۶۶ – میدان توپخانه وتوپها درزمان ناصرالدین‌شاه .



شکل ۱۶۷ – میدان توپخانه ودروازه دولت ودودکش قورخانه جدید .



شکل ۱۶۸ – میدان توپخانه وعمارت بانک شاهی درزمان سلطنت ناصرالدین‌شاه .

معمارباشی (محمد ابراهیم‌خان آذربایجانی وزیرنظام دائی کامران میرزا) واگذار شده بود و او درشمال وجنوب وغرب میدان حجره‌ها و انبارهای دوطبقه‌یی ساخت‌که درطبقه پایین توپ‌ها را نگهداری می‌کردند وطبقات بالا محل سکونت توپچی‌ها بود

دربالای هرانبارتوپ، اطاقی بایك‌در ودوپنجره قرار داشت‌که بایوان باریکی که دارای نرده‌های آهنین‌بود ، راه داشت ودربالای طاق دروپنجره‌ها نیز نقش برجسته شیروخورشید گچ‌بری ورنگ‌آمیزی شده وحاکی ازاین بود که این‌ابنیه بدولت تعلق دارد . لب پشت بام اطاقها نیز با نرده‌های گچی قالبی تزیین و محصورگردیده بود . احداث وساختن بناها ودروازه‌ها وسردرهای اطراف آن حدود ده سال طول‌کشید وبنا به‌اشاره اعتمادالسلطنه درسال ۱۲۹۴ ه. ق. بکلی پایان یافت .

درضلع شرقی میدان گذشته از دروازه خیابان چراغ‌گاز عمارت میرزا قهرمان امین لشکر وطاقنماهای دیوار محوطه آن قرار داشت . این بنا درسال ۱۳۰۷ ه. ق. پس‌از تأسیس بانك شاهنشاهی ایران (بانك انگلیس) ازطرف بانك خریداری شد واکنون درمحل عمارت سابق آن ، ساختمان شعبه مرکزی بانك بازرگانی ایران قرار دارد . علاوه‌براین عمارت سابق اداره پست در اول خیابان لاله‌زار نیز خانه شخصی امین‌لشکر بود[1] .

درسمت غربی میدان علاوه‌براطاقهای توپچی‌ها وانبار توپخانه ، دیوار قورخانه دولتی ودروازه خیابان مریضخانه (سپه) قرارگرفته بود .

در وسط میدان تقریباً بهمان اندازه که امروزهم دیده می‌شود ، باغچه واستخر بزرگی وجود داشت که دورادور آن با طارمیها ونرده‌هایی محصور گردیده بود ونرده‌ها نیز عبارت بود از تفنگ‌های سرپری که چون دیگر بکار نمی‌رفت ، آنهارا بوسیله لوله‌های‌آهنی بهم متصل‌کرده بشکل محجر درآورده بودند .

---

۱ – مهدی بامداد – شرح حال رجال ایران – ج۳ – ص۱۳۶ .

در چهار گوشه باغچهٔ وسط میدان ، در روی چهار سکوی مدور ، چهار توپ بزرگ قرار گرفته بود ولی گاهی توپهای داخل انبارها را نیز در دور باغچه ردیف می‌کردند .

اعتمادالسلطنه در روزنامه ایران مورخ ۱۲۹۴ هـ. ق. در مورد این میدان چنین نوشته است :

« . . دیگر از بناهای بسیار معتبر و با زینت میدان توپخانه جدید می‌باشد که چند سالست مشغول بساختن آن بودند وامسال به‌اتمام رسیده و توپچیان ساخلو طهران از صاحبمنصب وتابین از میدان توپخانه قدیم که باغ شده به‌این محل نقل‌وتحویل نمودند .

این میدان مربع بسیار وسیع وهمه از آجر ساخته شده است دومرتبه ویك مهتابی‌دارد ، مرتبه بالا ومهتابیها جای نشیمن توپچی است‌که همهٔ درها از آغشقه وشیشه می‌باشد واطاقهای بخاری‌دار بسیار خوب دارد .

درمرتبه تحتانی توپهایی‌که خارج ازانباردیگرست چیده شده وحوض و دریاچه بزرگی در وسط این میدان بنا کرده‌اند که دایم آب جاری دارد ، اطراف وصحن میدان سنگ‌فرش‌است وهرشب چراغ‌می‌سوزد وروشن می‌باشد. شش دروازه و سردر دارد که هریك بکوچه‌های معروف وسیع می‌رود که تفصیل داده شده است . . . » .

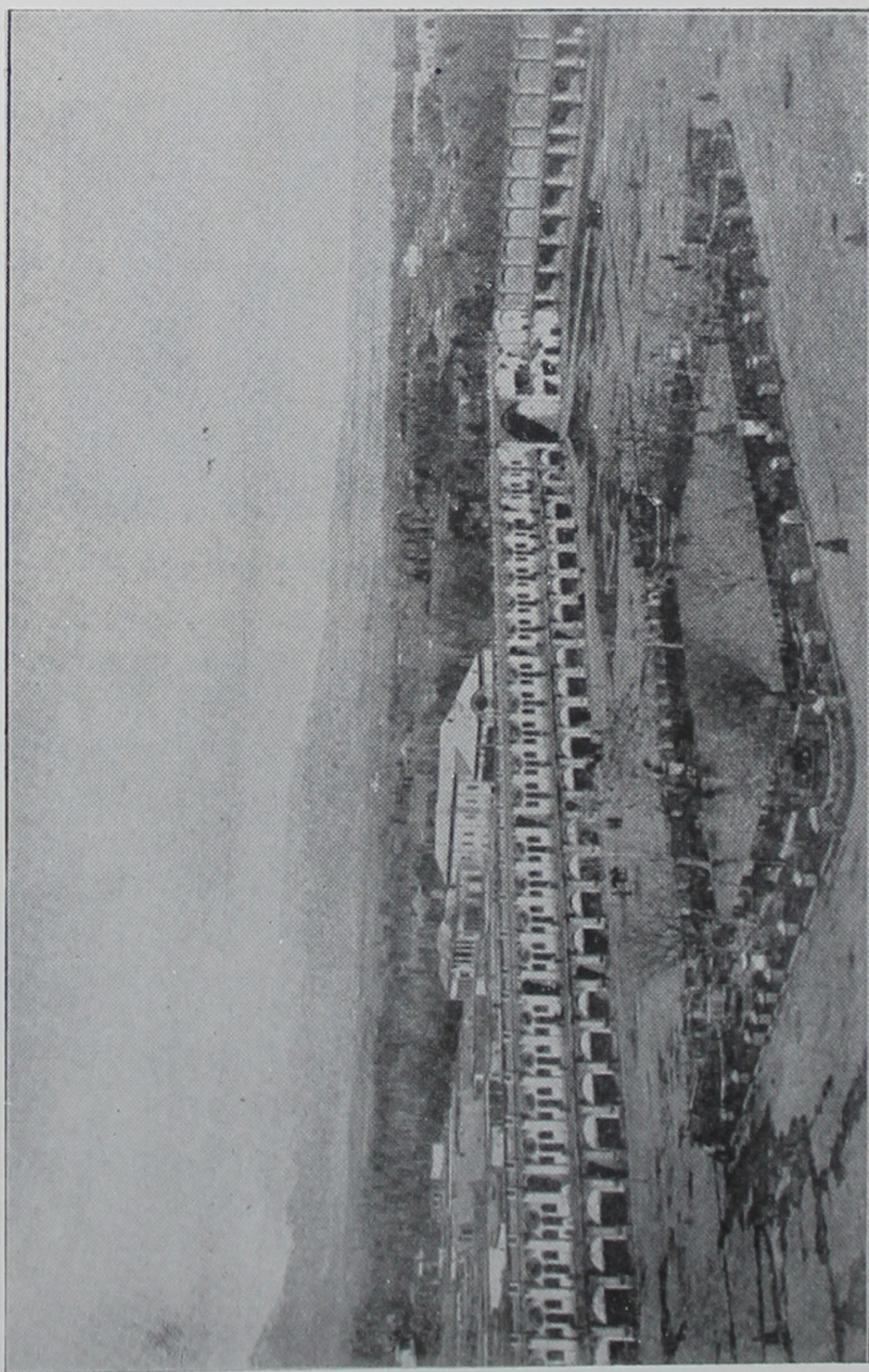
چنانکه اعتمادالسلطنه اشاره کرده است از میدان توپخانه شش‌خیابان منشعب‌شده وادامه‌داشت وهمهٔ‌آنها ازطرف میدان دارای دروازه یا سردر بود.

دوخیابان ناصریه والماسیه وسردرهای آنها را قبلاً شرح داده‌ایم ، و در اینجا فقط راجع به چهار خیابان دیگر مطالب مختصری می‌آوریم :

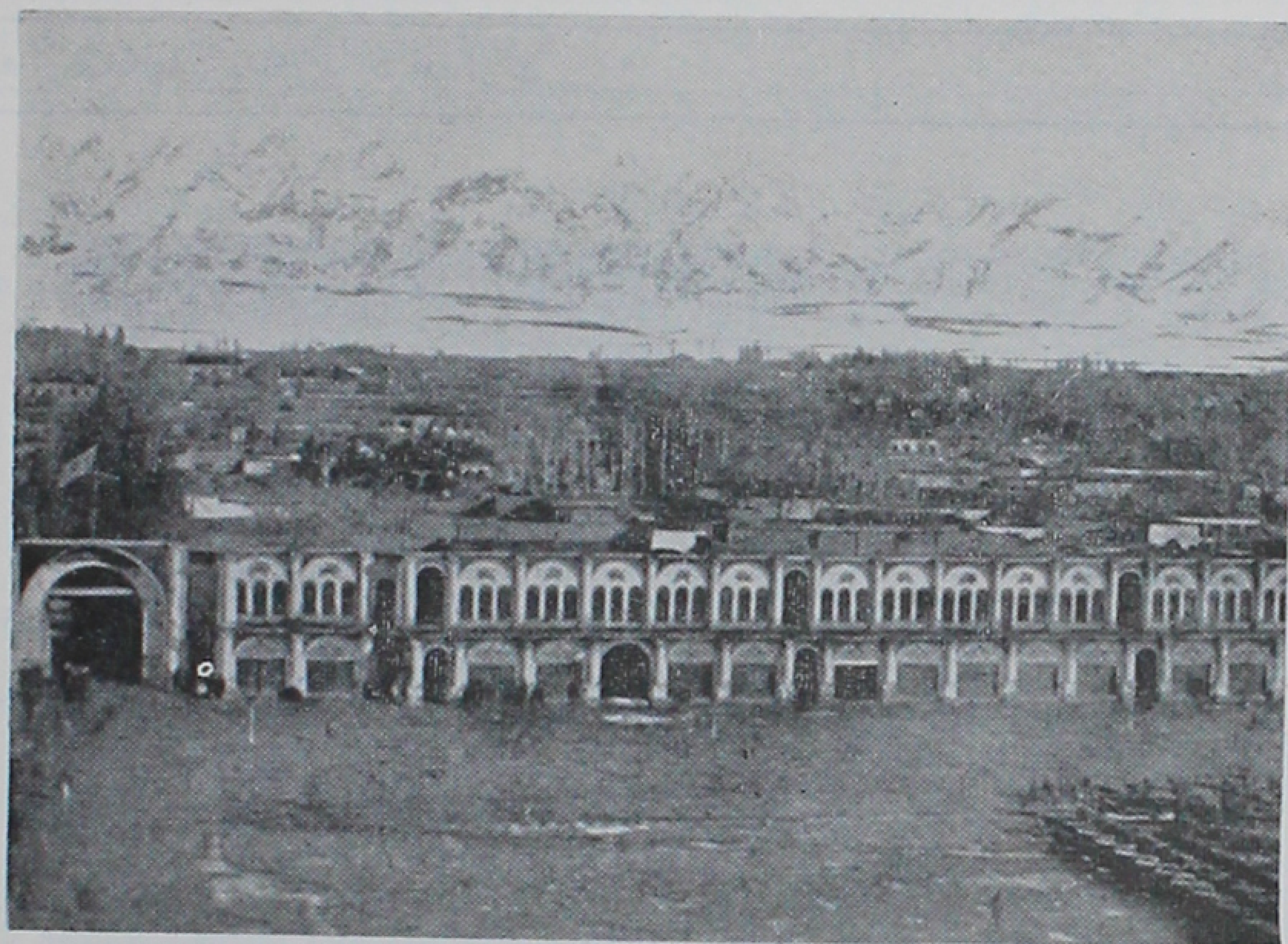
درجنوب ضلع شرقی میدان ، دروازهٔ خیابان چراغ‌گاز برپا گردیده بود که دارای در بزرگی بود وبا کاشیهای رنگین زینت شده‌بود . این خیابان بعلت ایجاد کارخانه چراغ‌گاز[1] درآن ، با این نام شهرت یافته بود وسپس‌که

---

۱ – چراغ‌گاز ابتدا توسط میرزاحسین‌خان سپهسالاربسال۱۲۹۹ هـ. ق. درتهران معمول‌گردید.



شکل ۱۶۹ – میدان توپخانه وباغچه واستخر وسط آن . انبار توپها واطاقهای توپچی‌ها ودهانه خیابان لاله‌زار نیز در تصویر دیده میشود .



شکل ۱۷۰ - میدان توپخانه ودهانه خیابان علاءالدوله (فردوسی) .



شکل ۱۷۱ - میدان توپخانه ودهانه خیابان لاله‌زار والاغهایی‌که برای بانك شاهی نقره حمل کرده‌اند به‌سال ۱۳۳۰ ه . ق .

استعمال چراغ برق توسعه وعمومیت بیشتری یافت[1] وکارخانه چراغ برق جای چراغ گازراگرفت نام این‌خیابان نیز عوض‌شده خیابان چراغ‌برق گردید واینك «خیابان امیرکبیر» نام دارد.

وضع این خیابان درسال ۱۲۹٤ هـ. ق. بنا به‌نوشته اعتمادالسلطنه چنین بوده است:

«... دیگرکوچه وخیابانیست‌که از دروازه شرقی میدان توپخانه ابتدا شده منتهی می‌شود از یك طرف بباغ نگارستان و باغ جناب اشرف سپهسالار اعظم وباغ وعمارت نظامیه الی خیابان جدید عشرت‌آباد و خیابان و راه عمارت وباغ دوشان‌تپه وغیره ...».

درگوشه شمال غربی میدان توپخانه، دروازه وخیابان علاءالدوله یا باغ ایلخانی، قرار داشت وگاهی بسبب اینکه خانه‌های امین‌السلطان دراین خیابان بود، بنام خیابان امین‌السلطان نیز نامیده می‌شد و در دوران شهریاری رضاشاه‌کبیر نام شاعر بزرگ ایران «فردوسی» براین خیابان نهاده شد.

وضع این خیابان را درسال ۱۲۹٤ هـ. ق. اعتمادالسلطنه چنین توصیف می‌کنند:

«... دیگرکوچه باغ ایلخانی می‌باشدکه بسیارکوچه راست وطولانی است. عرض‌کوچه از پانزده ذرع الی بیست ذرع، طول‌آن نزدیك بدوهزارو پانصد ذرع است. طرفین کوچه همه درختهای خوب کاشته شده و کوچه سنگ‌فرش است و لبهٔ نهرهای جنبین همه از سنگ و شبها چراغها وفانوس روشن است وجنبین این‌کوچه باغات وعمارات عالیه هست. درطرف راست خانه وباغ وعمارات جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم وامین‌السلطان وجناب حاجی ظهیرالدوله ایشیك آقاسی‌باشی وبعضی از خانه‌های مخبرالدوله وسفارت نمسه (اتریش) وفرانسه وبعضی خانه‌ها ودکاکین درطرف دست چپ نیز دکاکین

---

۱ - کارخانه برق ابتدا توسط امین‌الملك درسال ۱۲۹٦ هـ. ق. درتهران احداث‌گردید وسپس درسال ۱۳۰۸ هـ. ق. استفاده ازبرق باایجاد کارخانه دیگر عمومیت وتوسعه یافت.

وبعضی خانه‌های فرنگی و ارامنه وباغ ایلخانی که از باغهای خوب دولتی است. دیوار باغ که بکوچه نگاه می کند ازمحجر و ستون است که باغ بنظر عابرین کوچه پیدا وهویداست. وکالسگه‌خانه دولتی وغیره و بعداز آن سفارتخانه وباغ سفارت دولت بهیهٔ انگلیس است، بعدازآن منتهی میشود بسفارتخانه دولت سنیهٔ عثمانی و این کوچه همین‌طور که از باب همایون درختکاری شده است درانتهای سفارت دولت بهیهٔ انگلیس منتهی می‌شود به‌خیابان معروف به ییلاق شمیران...».

درشمال ضلع غربی میدان، دروازه و خیابان مریضخانه ساخته شده بود. این‌خیابان ازمیدان توپخانه تامیدان اسب دوانی جدید[1] که سپس درسال ۱۲۹۹ هـ. ق. «باغشاه» نامیده شد، ادامه داشت وچون ازجلو عمارات وباغ کامران میرزا ملقب به «امیرکبیر» می گذشت (محل دانشکده افسری) رسماً «خیابان امیریه» نام داشت ولی چون اولین مریضخانه دولتی در این خیابان ساخته و تأسیس گردیده بود، مردم آن‌را «خیابان مریضخانه» می گفتند.

اعتمادالسلطنه درمورد این خیابان می‌نویسد: «دیگر کوچه وخیابانی است که از دروازه مغربی‌توپخانه جدید ابتداشده الی‌نزدیك دروازهٔ اسب‌دوانی می‌رود وامسال (۱۲۹٤ هـ. ق.) تازه طرفین این خیابان را هم درخت کاشته‌اند. طرف راست این خیابان میدان مشق[2] است بعداز آن خانه وباغات اللهوردیخان سرتیپ اول توپخانه. ازآن می گذرد و به مریضخانه می‌رسد. این مریضخانه چند سالست بنا شده یعنی چهارسال است. عمارت ومحوطه بسیار عالی می‌باشد که همیشه بیست‌وپنج نفر مریض دراینجا معالجه می‌شوند و دوا وغذا ولباس وتخت‌خواب ولحاف وسایر لوازم بیماران ازجانب دولت داده می‌شود وسه‌نفر طبیب وجراح بسیار قابل که از مدرسه دارالفنون تعیین شده‌اند، دائماً مواظب

---

۱ - میدان اسب‌دوانی قدیم در دوشان‌تپه بود.

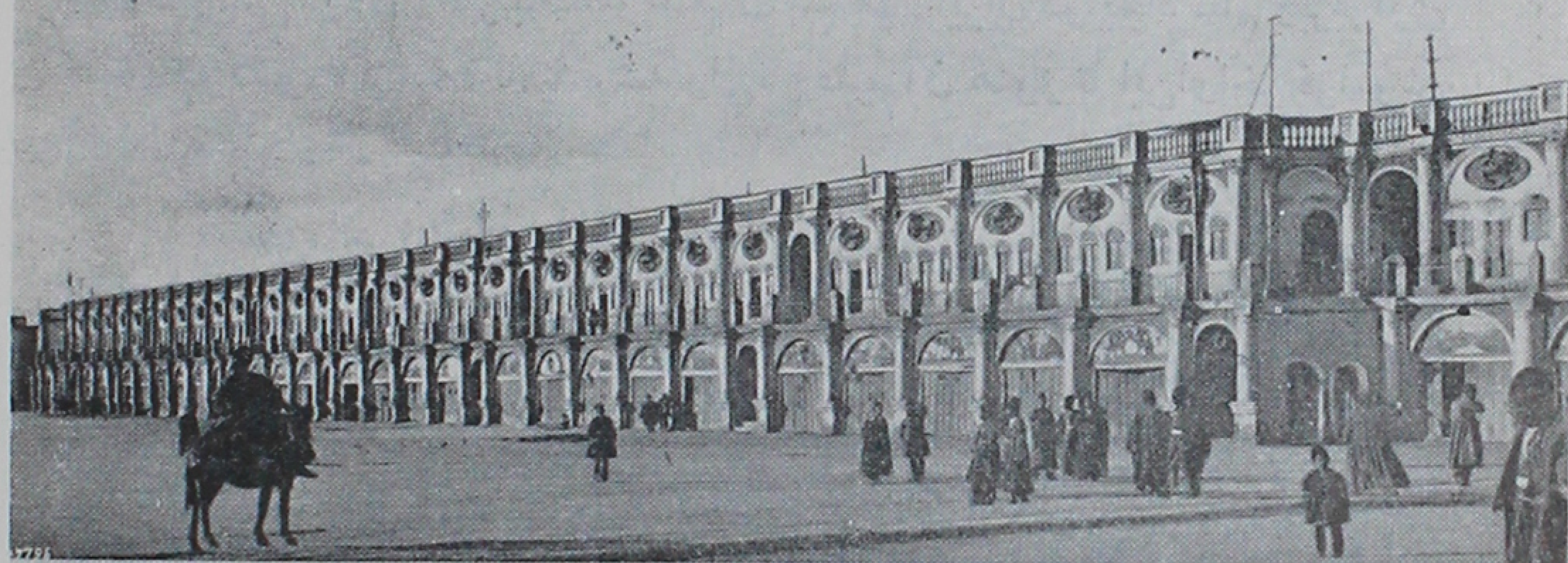
۲ - میدان مشق بعداً به‌باغ ملی تبدیل شد وسپس بقطعاتی تقسیم گردیده، عمارات وزارت امور خارجه وشهربانی وموزه ایران‌باستان وغیره درمحل‌آن ساخته شد. ولی سردر باغ ملی هنوز باقی‌است.

مرضی هستند . . . طرف دست چپ باستیان وقورخانه و انبارهای قورخانه است ودکاکین وخانه‌های کسبه وغیره . . . . » .

این خیابان در اوایل شهریاری رضاشاه‌کبیر بعلت وجود مؤسسات متعدد ارتشی درآن و نیز بافتخار عملیات سپاهیان‌ایران درایجاد نظم وبرقراری امنیت درکشور، «سپه» نامیده شد ولی‌نام قدیم‌آن هنوز تا این‌اواخر فراموش نگردیده بود .

سخن‌ما دراینجا دربارهٔتاریخچهٔارگ سلطنتی‌تهران ومنضمات وحواشی آن به پایان می‌رسد ولی لازم به‌یادآوری است‌که قیافه شهر تهران وقسمتی از آن که دراین‌کتاب مورد بحث وشرح قرارگرفته است ، ازهمان آغاز دوران شهریاری اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر ، بکلی دگرگون گردیده ، تاریخ جدیدی برای این شهر شروع گردید ، که پی‌گیری و بررسی آن خود موضوع کتابی دیگر تواند بود و امید است اگر توفیق وفرصتی دست داد وعمری باقی بود، بتوانیم این‌تحولات وتغییرات وپیشرفتهارا نیز ثبت‌وضبط نموده برای‌آیندگان باقی‌گذاریم تا بدانند : تفاوت ره ازکجاست تا بکجا .

پایان



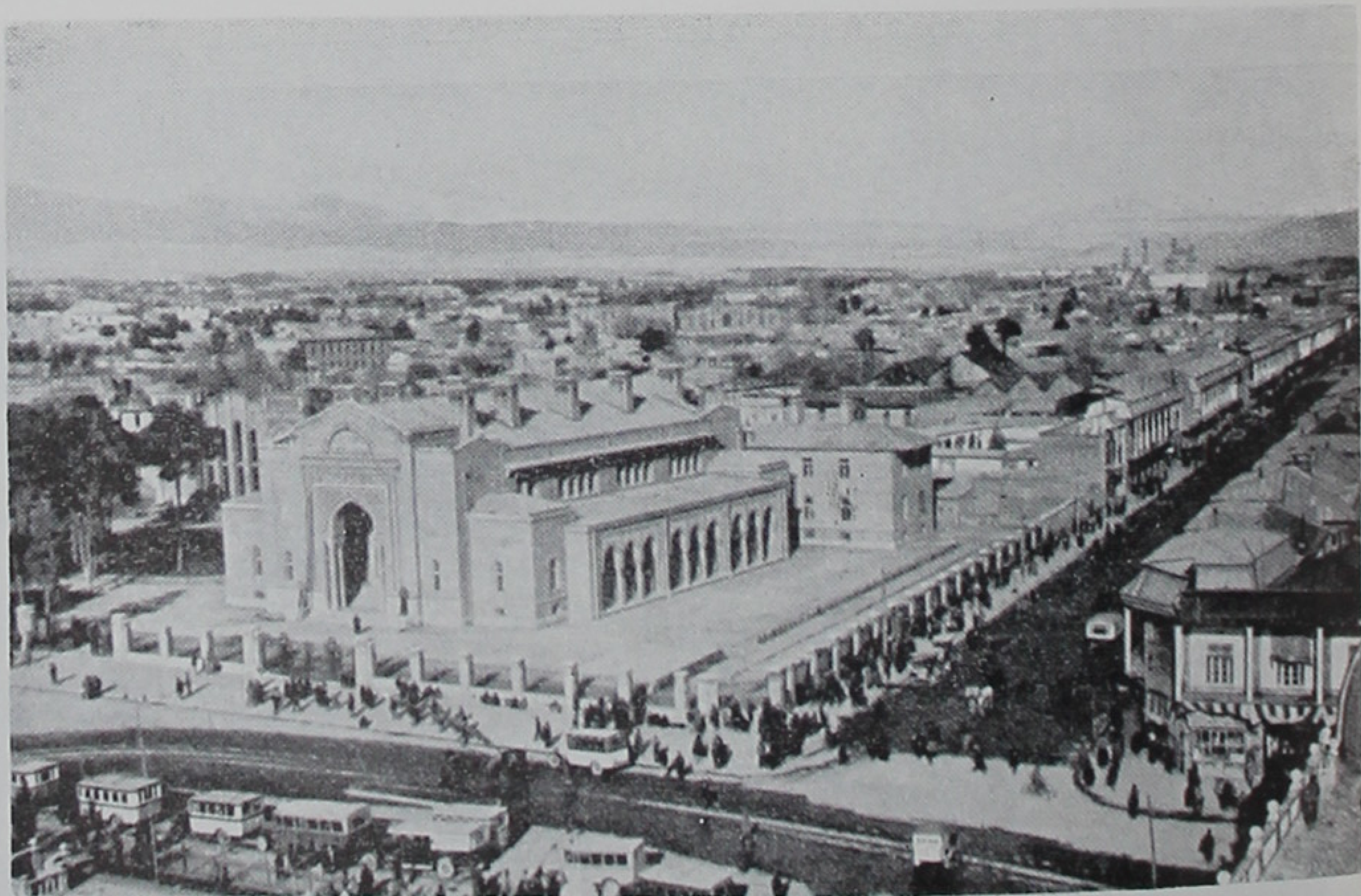
شکل ۱۷۲ - منظره‌یی از ردیف اطاقهای توپچی‌ها وانبار توپها درضلع شمال میدان توپخانه .



شکل ۱۷۳ - دروازه خیابان چراغ گاز وعمارت بانك شاهنشاهی و واگونهای اسبی درمیدان توپخانه .



شکل ۱۷٤ – خیابان چراغ‌گاز نزدیك به‌توپخانه .



شکل ۱۷۵ – ساختمان جدید بانك شاهنشاهی وقسمتی‌ازخیابان چراغ‌برق دراوایل شهریاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی .



شکل ۱۷۶ – ساختمان شهرداری تهران درمیدان سپه در دورهٔ سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی .



شکل ۱۷۷ – میدان سپه در اوایل سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی .



شکل ۱۷۸ – خیابان علاءالدوله (فردوسی) و دروازهٔ آن .



شکل ۱۷۹ – منظره‌یی از خیابان علاءالدوله (فردوسی) در زمستان .

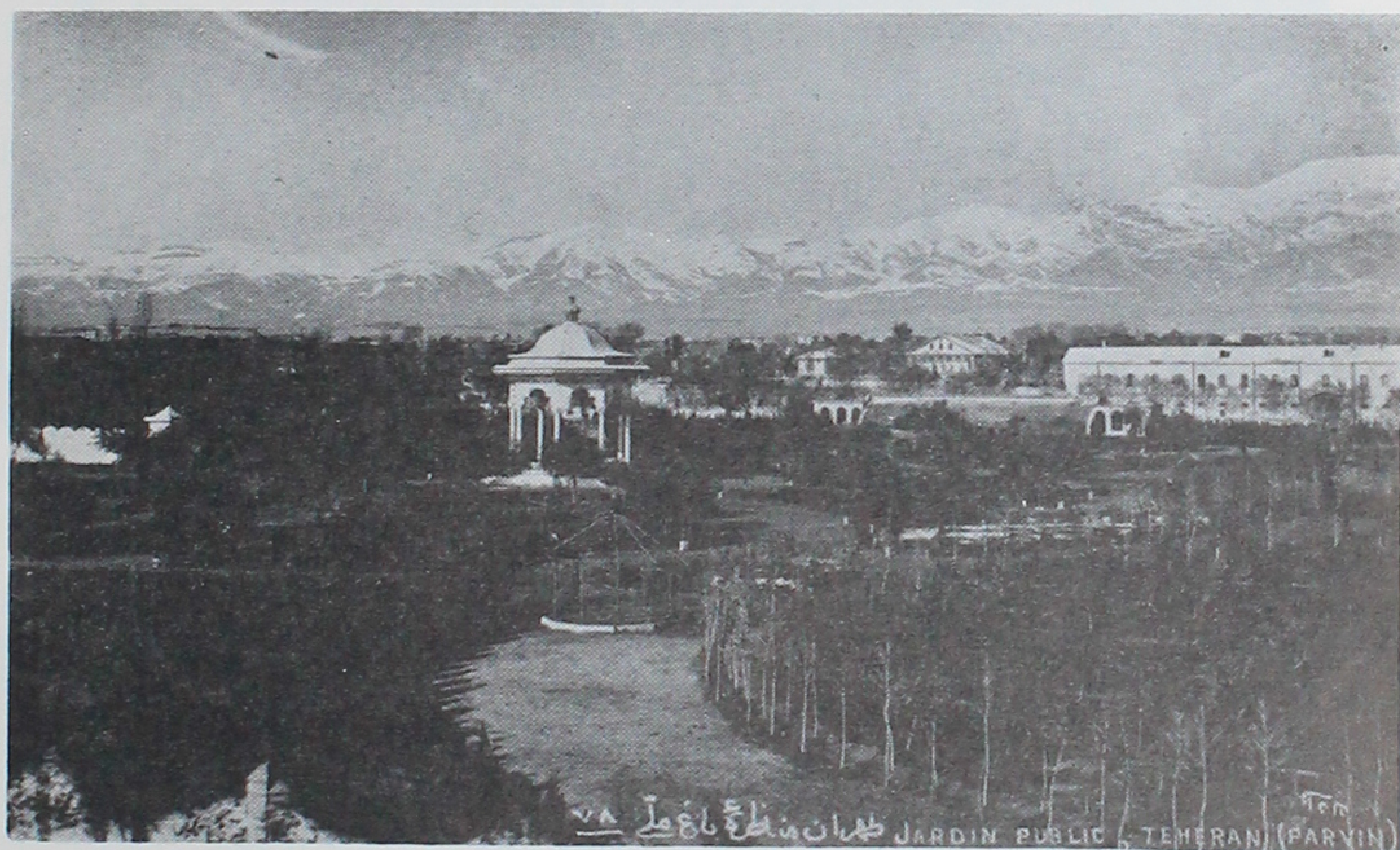
شکل ۱۸۰ – سردر سابق میدان مشق درخیابان مریضخانه (سپه) .



شکل ۱۸۱ – خیابان مریضخانه (سپه) ومناره‌های مسجد مجد پیش‌از تعریض خیابان .



شکل ۱۸۳ – دورنمای تهران ومیدان مشق (باغ ملی) و سردر جدید آن دراوایل سلطنت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی.



شکل **۱۸۳** – منظره باغ ملی تهران که درمحل میدان مشق احداث گردیده بود .

فهرست نام کسان

«ب»

«د»

«ذ»

«ر»

«ژ»

«س»

«ن»

فهرست نام جایها

«ب»

«پ»

«ت»

«ج»

« چ »

«ح»

«خ»

«ف»

«ق»

«ك»

«گ»

«ل»

«م»

«ن»

«و»

«ه»

«ی»

فهرست مراجع

۱ - ایرانشهر ، کمیسیون ملی یونسکو ، ۲ مجلد . تهران ۱۳۴۳ .
۲ - تاریخ ایران ، سرجان ملکم ، ترجمه حیرت بمبئی ۱۸۷۲ م .
۳ - تاریخچه تغییرات و تحولات درفش وعلامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم هجری قمری تا امروز ، یحیی ذکاء تهران ۱۳۴۴ خورشیدی .
٤ - تاریخ رطب‌اللسان ، میرزا صادق وقایع‌نگار ، نسخه خطی کتابخانه ملی
۵ - تاریخ گیتی‌گشای ، محمدصادق موسوی نامی . تهران
٦ - التحفةالمعتمدیه ، محمدجعفر حسینی حقایق‌نگار خرموجی - نسخه خطی کتابخانه مجلس .
۷ - تحولات ایران در عصر پهلوی ، هدایت‌الله حکیم‌الهی ، تهران ۱۳٤۷ .
۸ - دیوان صبای کاشانی ، فتحعلی‌خان ملک‌الشعرا ، نسخه خطی کتابخانه آقای حمید رضائی و ملی
۹ - دیوان نشاط ، عبدالوهاب- معتمدالدوله نشاط اصفهانی نسخه خطی‌کتابخانه ملی .
۱۰ - ذیل گیتی‌گشای نامی ، محمدرضا شیرازی ، تهران
۱۱ - روزنامه اطلاعات ، عباس مسعودی ، تهران
۱۲ - روزنامه ایران ، اعتمادالسلطنه ، تهران .
۱۳ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ، تهران ۱۳٤۵ خورشیدی
۱٤ - روزنامه دولت علیه ایران صنیع‌الملک ، تهران
۱۵ - روزنامه شرف ، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه ، تهران
۱٦ - روزنامه وقایع اتفاقیه ، تهران .
۱۷ - روضةالصفای ناصری ، رضاقلی‌خان هدایت ، تهران ۱۲۷۲ ه . ق .
۱۸ - زبدةالاثار ، ابونصر فتح‌الله شیبانی . نسخه خطی کتابخانه ملی .

۱۹ – زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه ، دوستعلی خان معیرالممالک ، تهران .
۲۰ – زندگانی نادرشاه ، جونس هنوی ، ترجمه اسماعیل دولتشاهی ، تهران۱۳۴۶ .
۲۱ – سفرنامه اوژن فلاندن به ایران ، ترجمه حسین نورصادقی ، تهران ۱۳۲۶ .
۲۲ – سفرنامه تاورنیه ، ترجمه نظم‌الدوله ، تهران ۱۳۲۴ ه . ق .
۲۳ – سه سال دردربار ایران ، دکتر فووریه ، ترجمه عباس اقبال ، تهران ۱۳۲۶ خورشیدی .
۲۴ – شرح حال رجال ایران در قرن دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم هجری . مهدی بامداد ٤ مجلد . تهران ۱۳۴۷ خورشیدی .
۲۵ – شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجار عبدالله مستوفی – ۲ مجلد – تهران .
۲۶ – صدرالتواریخ ، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه ، نسخه خطی کتابخانه دانشکده حقوق .
۲۷ – فارسنامه ناصری ، میرزاحسن فسائی .
۲۸ – فهرست جواهرات سلطنتی ایران ، یحیی ذکاء – نسخه خطی .
۲۹ – کتاب ملیجك ، حسین لعل ، تهران .
۳۰ – الماثروالاثار ، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه ، تهران ۱۳۰۶ ه . ق .
۳۱ – مجمع‌التواریخ ، میرزا محمدخلیل مرعشی ، تهران ۱۳۲۸ خورشیدی .
۳۲ – مجمل‌التواریخ زندیه ، ابوالحسن محمد امین گلستانه . تهران ۱۳۲۰ خورشیدی
۳۳ – مجله اطلاعات ماهانه – عباس مسعودی ، تهران .
۳٤ – مجله کاوه ، سیدحسن تقی‌زاده ، برلین
۳۵ – مجله یادگار ، عباس اقبال ، تهران
۳۶ – مجله یغما ، حبیب یغمائی ، تهران .
۳۷ – مرات‌البلدان ، محمدحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه ، ٤ مجلد ، تهران ۹۸–۱۲۹۵ ه.ق.
۳۸ – مسافرت به ایران ، الکسیس سولتیکف . ترجمه دکتر محسن صبا ، تهران ۱۳۳۶ خورشیدی .
۳۹ – مسافرت به ایران ، موریس‌دوکتربوئه ، ترجمه محمود هدایت ، تهران ۱۳۱۰ خورشیدی .
٤۰ – منتظم ناصری ، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه ۳ مجلد ، تهران ۱۳۰۰ ه . ق .
٤۱ – ناسخ‌التواریخ ، لسان‌الملك سپهر ، تهران ۱۳۱۵ ه . ق .
٤۲ – نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران دکتر مهدی بیانی ، تهران ۱۳۲۹ خورشیدی .

43 - A journey through Persia, Armenia and Asia Minor to constantinople, in 1808 - 1809. By James Morier. London, 1812.

44 - Midnight Marches through Persia. By Henry Ballantin. Boston, 1879.

45 - Narrative of a journey into Khorasan in 1821 - 1822. By James Ballie Fraser. London, 1825.

46 - La Perse. Par Louis Dubeux. Paris, 1841.

47 - Persia and the Persians. By Benjamin. London, 1887.

48 - Persia and Persian Question. By Hon. B. N. Curzon, M.P. 2 vols. London, 1892.

49 - Personal Narrative of travels in Babylonia, Assyria, Media and Seythia in the year 1824. By Magor the Hon. Gorge Keppel, F.S.A. 2 vols. London, 1827.

50 - Travel in Georgia, Persia, Armenia etc. from 1817 - 20. By Sir Robert Ker Porter 2 vols. London, 1821 - 22.

یادآوری و تصحیح چند غلط چاپی

اشعاری‌که از طارمیهای تخت‌ها ودیوارکاخها و حجاریها و نسخه های خطی عیناً رونویسی شده ، چون اغلب به اصل یا متن دیگر آنها دسترسی نداشته‌ایم ، ناچار گاهی بعضی از ابیات ومصرع‌ها دارای سکته و افتادگیهایی است که بیگمان خود خوانندگان گرامی ملتفت آنها خواهند گردید .

در صفحه ۱۶۰ کتاب نیز متأسفانه پنج بیت اول مکرر چاپ شده وزائد است ، ضمناً چند غلط چاپی نیز پیش آمده که خواهشمندست پیش‌از خواندن کتاب ، آنهارا بترتیب زیر تصحیح فرمایند :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۶	یك سطر بآخر	هبرزی (؟)	گمان میرود مبرزی‌باشد
۶۰	۷	۳۶ – ۱۳۳۴	۳۶ – ۱۲۳۳
۱۰۳	۳ – حاشیه	شیخ‌محمدخان	شیرمحمدخان
۱۵۶	۲۱	بنشیند چو در ایوان	بنشیند این چو درایوان
۱۵۹	۹	همه یوسف عهدو	همه چو یوسف عهد و
		همه عیسی مهد	همه چو عیسی مهد
۱۵۹	۱۰	و چوجوهرجان	و همه چو جوهر جان
۱۸۸	۷	نخست‌وزیر	معاون نخست‌وزیر
۱۹۶	۱۷	تعویض	تعریض
۱۹۶	۱۸	سرسرای	به سرسرای
۲۱۳	۱۳	تجدید کنم و در	تجدیدکنم ندارم و در
۲۱۶	٤	این تالار درغرب	این تالار در شرق
۲۲۳	۷	جای در تو	جای اندر تو
۲۲٤	۳	گاه ظل‌الله	گه ظل‌الله
۲۲٤	۱۸	سدگر از	سداگر زآهن
۲۶۲	۱۵	چشم انجم نعاس	چشم انجم در نعاس
۲۶۸ و ۲۶۹		شکل‌های شماره ۱۰۲ و ۱۰۳ هردو مربوط به تالار الماس است وباشتباه درزیرآنها نام عمارت خروجی چاپ شده است .	
۳۲٤	آخر صفحه	۱۹۲٤ هـ . ق .	۱۲۹٤ هـ . ق .
۲٤۸	۲۵	غربی بازار	**شرقی بازار**
۲۵۲	سطر آخر	روزنامه شرق	روزنامه شرف

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری ازآثار وابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پروفسورهرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پروفسورهرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف‌دولوح‌تاریخی درهمدان (تحقیق‌پروفسورهرتسفلد – ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه دربارهٔ آثارملی وتاریخی ایران (ازمحمدعلی فروغی‌و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت‌جمشید (پروفسورهرتسفلد)	بهمن‌ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن‌ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر دراحوال وزندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی‌سینا درپنجمین‌دورهٔ اجلاسیه یونسکو درفلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیه ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترمحمود نجم‌آبادی)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض‌ابن‌سینا (بتصحیح آقای‌سیدمحمدمشکوة استاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقایان دکترمحمدمعین‌و سیدمحمدمشکوة استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای سیدمحمدمشکوة استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس‌ابن‌سینا (بتصحیح آقای‌دکترموسی‌عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رسالهٔ در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (بتصحیح آقای دکتر موسی‌عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن‌سینا (ازآقای دکتر غلامحسین‌صدیقی استاد دانشگاه)	–
۱۹	معراج‌نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	–
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای‌دکترغلامحسین‌صریقی استاد دانشگاه)	–
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	–

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۲۲	ظفرنامه منسوب به‌ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۳۴۸
۲۳	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیارالعقول، جرثقیل از ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رسالهٔ حی‌بن یقطان ابن‌سینا با ترجمه وشرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (بتصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن نامهٔ ابن‌سینا (مجلداول - سرگذشت وتألیفات واشعار وآراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه . .	۱۳۳۱
۲۷	ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعیدنفیسی استاد دانشگاه)	
۲۸	ترجمهٔ اشارات وتنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن‌سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب‌المهرجان لابن‌سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگره ابن‌سینا بزبانهای آلمانی وانگلیسی وفرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر) . . .	۱۳۳۹
۳۵	جبر ومقابله خیام (بتصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (بتصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری.	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه . . .	۱۳۳۹

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۴۰	دُرّه نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (با تصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر سیدجعفر شهیدی)	۱۳۴۰
۴۱	شرح احوال و نقل و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح واهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری	۱۳۴۰
۴۳	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقـای دکتر علی‌اصغر حریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس شورای‌ملی)	۱۳۴۱
۴۵	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان (با تصحیح وتعلیقهٔ‌آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم عمرخیام نیشابوری) تألیف یاراحمدبن حسین‌رشیدی تبریزی (بامقدمه‌و تصحیح‌وتحشیهٔ‌آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷	نادرهٔ ایام ، حکیم عمرخیام و رباعیات او بقلم آقای اسمعیل‌یکانی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی فارس) – تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش‌نامهٔ انجمن ملی	اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۴
۵۰	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیرهٔ خوارزمشاهی ، تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی – سنهٔ ۵۰۴ هجری – (باهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمدحسین اعتمادی – دکترمحمد شهراد – دکترجلال‌مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵شهریور۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب ، با حواشی و تصحیح بخط خود استاد – مقدمه و شرح حال بخط وخامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس‌الجواهر ونفایس‌الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری با مقدمه وکوشش آقای ایرج افشار . .	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان – مجلد اول مباحث جغرافیائی شهر ری بعهد آبادی تألیف آقای دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی‌نامه جلد اول تألیف استاد جلال همائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳۴۶

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۵۸	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف‌بن علی‌مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۷	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سیدمحمدعلی امام‌شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتاب‌شناسی فردوسی – فهرست آثار و تحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه تدوین آقای ایرج افشار	مردادماه ۱۳۴۷
۶۰	روزبهان‌نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفندماه ۱۳۴۷
۶۱	کشف‌الابیات فردوسی جلد اول بکوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲	زندگی ومرگ پهلوانان درشاهنامه نگارش دکتر محمداسلامی نــدوشن	خردادماه ۱۳۴۸
۶۳	آثار باستانی کاشان ونطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهرماه ۱۳۴۸
۶۴	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهراز	آبان‌ماه ۱۳۴۸
۶۵	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس ودریای‌عمان تألیف آقای‌احمد اقتداری	آذرماه ۱۳۴۸
۶۶	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفر شعار	دیماه ۱۳۴۸
۶۷	عهد اردشیر – برگرداننده بفارسی سیدمحمدعلی امام شوشتری	دیماه ۱۳۴۸
۶۸	یادگارهای یزد تألیف آقای ایرج افشار	بهمن‌ماه ۱۳۴۸
۶۹	ری باستان مجلد دوم تألیف دکترحسن کریمان	خردادماه ۱۳۴۹
۷۰	ازآستارا تا آستاراباد (جلد اول بخش اول) آثار بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیرماه ۱۳۴۹
۷۱	یادنامه فردوسی حاوی مقالات وچکامه‌ها بمناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان‌ماه ۱۳۴۹
۷۲	فردوسی وشاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذرماه ۱۳۴۹
۷۳	فیلسوف ری – محمدبن زکریای رازی تألیف آقای دکترمهدی محقق	
۷۴	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذرماه ۱۳۴۹
۷۵	یادنامهٔ تقی‌زاده به اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۴۹
۷۶	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم‌اسمعیل‌جرجانی– سنه ۵۰۴ هجری –کتاب دوم – باهتمام‌وتفسیروتحشیهٔ آقای دکتر جلال‌مصطفوی	بهمن‌ماه ۱۳۴۹
۷۷	نظری اجمالی به‌تاریخ آذربایجان وزبان وفرهنگ وآثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن تألیف آقای دکتر – محمدجواد مشکور	بهمن‌ماه ۱۳۴۹